بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله رب العالمین حق حمده وصلی الله علی محمد وآله الطا
هرین خیر خلقه اما بعد کمترین احوج عباد الله الی فضل ربه حسن ابن عبد
الرزاق جعلها الله من التوابین والمتطهرین وجعلهما من عباده الصالحین که
این مجموعه‌ایست موسوم بجمال الصالحین در بیان فضایل اعمال ومحاسن
اخلاق وافعالی که مؤمنان را در اکثر اوقات واحوال مراعات آن لازم شود و
از مواظبت آن غافل نباید بود بتوفیق الله تعالی وعنایته نوشته میشود برای جمعی از مؤمنین که
زبان عربی ندانسته واستنباط آثار از کتب نتوانند خواهند ان شاء الله تعالی از فضیلت
آن محروم نمانند همه آنها از اصول احادیث واخبار وکتب آثار وآداب ائمه اثنی عشر
صلوات الله علیهم اجمعین صلوات باقیات الی یوم الدین انتخاب میشود بجهت
آنکه مؤنت بسیاری وفواید بی مؤنت بسیار است وفواید بی مؤنت تطویل زواید
بسیار نموده ودر اکثر مواضع تصریح بلفظ حدیث وروایت وامثال آن نموده واکتفا
[illegible] است واین مطالب ان شاء الله تعالی در مقدمه ودوازده باب وخاتمه
بیان [illegible] وتفصیل آن بر این وجه است مقدمه در ذکر احادیث واخبار وحکایات
[illegible] که بر سبیل اجمال باعث رغبت بطاعت وفضایل اعمال وموجب
کراهت معاصی ورذایل افعال گردد باب اول در فضایل عقل وعلم ومکارم اخلاق
[illegible]ات ورذایل مناهی ومعاصی ودواعی وذنوب وسیئات واین مجموع الا
فصل بیان شود فصل اول در بیان فضایل عقل وعلم
وصفات

وصفات مؤمن بر سبیل اجمال فصل دویم در مکارم اخلاق وصفات فصل سیم
در بر والدین وصله رحم فصل چهارم در حق جوار فصل پنجم در الفت ومحبت و
زیارت مؤمنان وغیر آن فصل ششم در آداب مجالست ومخالفت
فصل هفتم در سکوت کلام فصل هشتم در سرور مؤمن وقضای حاجت ایشان
فصل نهم در رذایل بعضی مناهی ومعاصی بر سبیل تفصیل فصل دهم در رذایل بعضی
مناهی ومعاصی بر سبیل تفصیل فصل یازدهم در دوای [illegible] باب دویم
در تنظیف بدن وجامه وکثافات واجبات [illegible] طهارت وتطهیر بدن ودل
از کدورات واحداث باطنی واین مجموع ان شاء الله تعالی در [illegible] فصل بیان شود
فصل اول در فضیلت نظافت فصل دویم در آداب حمام رفتن فصل سیم در [illegible]
شارب کوتاه کردن وناخن چیدن وآداب آن فصل چهارم در فضیلت خضاب
فصل پنجم در آداب وفضایل موی شانه کردن فصل ششم در فضایل سرمه کشیدن
وآئینه گرفتن فصل هفتم در بیان قضای حاجت فصل هشتم در [illegible]
وآداب آن فصل نهم در فضایل وضو وغسل وآداب آن باب سیم در فضایل نماز
ومتعلقات آن وذکر ادعیه مخصوص بساعات وفضایل قرآن وتلاوت واین
مجموع ان شاء الله تعالی در پانزده فصل بیان شود فصل اول در بیان [illegible]
فریضه یومیه وذکر جماعت وفضایل این سنت نیز فصل دویم در ذکر نوافل
یومیه وفضایل این سنت نیز فصل سیم در اوقات نمازهای وفضایل [illegible]
از احکام فصل چهارم در فضایل مسجد وآداب آن فصل پنجم کیفیت اشتغال نماز

و آداب آن فصل ششم در اشاره باسرار مقدمات و اعمال نماز و ذکر بقیه آداب فصل هفتم
در کیفیت توجه بنماز و فضایل اذان و اقامه فصل هشتم در فضیلت تعقیب و کیفیت آن
فصل نهم در فضایل اذکار ساعات شبانه روز و اوراد صبح و شام و ذکر فضایل شب و روز
جمعه و ادعیه مخصوصه بآن در میان لیالی و ایام فصل دهم در نوافل یومیه بسبیل تفصیل
و بیان و ذکر آداب ادعیه فصل یازدهم در ذکر بعضی افعال که در اثنای نماز توان کرد
فصل دوازدهم در آداب جماعت فصل سیزدهم در احکام شک و سهو و عروض بعضی
حوادث در نماز چهاردهم چهاردهم در ذکر بعضی نمازهای معروفه و مندوبه فصل پانزدهم
در فضایل قرآن و آداب تلاوت باب چهارم در ذکر فضیلت ذکر و دعا و احکام متعلق
بآنها و این مجموع ان شاء الله تعالی در ده فصل شود فصل اول در فضایل ذکر و فصل
دویم در فضایل اذکار و افعال مخصوصه فصل سیم در فضایل اهل بیت طاهرین
و صلوات بر ایشان فرستادن و بعضی از امور مناسب بشان آن علیهم السلام فصل چهارم
در فضایل دعا و بعضی از امور متعلقه بآن فصل پنجم در اسباب اجابت دعا و بعضی احکام آن
فصل ششم در ذکر جمعی که دعای ایشان مستجاب شود و جمعی که نشود فصل هفتم در فضایل
دعای مؤمنین فصل هشتم در ذکر ادعیه و وسایل حاجات فصل نهم تعویذ حرز
از مخالف مکاره فصل دهم در بعضی ادعیه متبرکه مأثوره باب پنجم در آداب
عادات مجاری احوال و سوانح و سایر جزئیات و این مجموع ان شاء الله تعالی در
دوازده فصل بیان شود فصل اول در انواع لباسها و آداب آن فصل دیم
خوردن و ثواب آن فصل سیم در اوقات طعام خوردن و ثواب آن

فصل چهارم ثواب طعام خوردن و نان پختن فصل پنجم در فضایل انواع ماکولات
فصل ششم در فضایل آب و آنچه متعلق است بآن از آداب آب فصل هفتم در فضایل ضیافت
کردن و آداب آن فصل هشتم در آداب مسکن و متعلق بآن فصل نهم در وظایف
شب و آداب خواب و بیداری فصل دهم در آداب بیرون رفتن از خانه و راه
رفتن و فضایل آن فصل یازدهم در فضایل کسب و معاملات فصل دوازدهم
در فضایل مرض و عیادت مریض و معالجات امراض و سایر جزئیات عادات
باب ششم در حقوق اموال و رعایت احوال و این مجموع ان شاء الله تعالی در ده
فصل بیان شود فصل اول در جود و بخل و معصیت آن در فضایل زکوة و عقوبت
و منع آن فصل دویم در صله رحم اهل بیت طاهرین و ذریت طیبین و اتباع
ایشان از مؤمنان فصل سیم در فضایل معروف و احسان فصل چهارم در فضیلت
صدقه دادن و فضایل آن فصل پنجم در مذمت سؤال و مسایل آن فصل ششم در رعایت
حال عیال فصل هفتم در احسان مؤمن بطعام و جامه فصل هشتم در فضایل قرض
دادن و احکام آن فصل نهم در سایر وجوه خیر و شر فصل دهم در فضایل روزه و متعلق
بآن باب هفتم از آداب فضل اعتکاف و متعلقات و ثواب آن و این مجموع ان شاء الله
در ده فصل بیان شود فصل اول در فضایل روزه و متعلق بروزه فصل دویم در فضایل روزه
ماه رجب فصل سیم در روزه ماه شعبان فصل چهارم در روزه ماه رمضان
فصل پنجم در آداب صایم فصل ششم در آداب سحر خوردن فصل هفتم در
آداب افطار روزه فصل هشتم در تعبیر روزه صایم فصل نهم در فضایل افطار کردن

در روز مؤمن فصل دهم در اعتکاف باب هشتم در اعمال شهور و لیالی اعوام و ایام و معقود
این باب ان شاء الله تعالی در دوازده بیان شود فصل اول در اعمال روز نوروز و در اعمال
هر ماه که اختصاص بماه دیگر ندارد و اول اعمال ماه محرم الحرام فصل دویم اعمال ماه صفر فصل سیم
در اعمال ماه ربیع الاول فصل چهارم در اعمال ماه ربیع الثانی فصل پنجم در اعمال ماه جمادی
الاول فصل ششم در اعمال ماه جمادی الثانی فصل هفتم در اعمال ماه رجب فصل هشتم اعمال
ماه شعبان فصل نهم در اعمال ماه رمضان فصل دهم در اعمال ماه [illegible] فصل [illegible]
در اعمال ماه ذیقعده فصل دوازدهم در اعمال ماه ذی الحجه باب نهم [illegible]
در فضایل شهور و اعوام و لیالی ایام بر سبیل اجمال در تزویج احکام و مقصود از این با[ب]
ان شاء الله تعالی در دوازده فصل بیان شود فصل اول در متعه و سیره فصل دویم
در تزویج و کراهت عزوبت فصل سیم در اختیار زوجه و صفات زنان فصل
چهارم در اوقات تزویج و آداب آن فصل پنجم در آداب زفاف و ثواب آن
فصل ششم در آداب مباشرت و ثواب آن فصل هفتم در طلب فرزند و آداب
ادعیه آن فصل هشتم در فضایل حمل و ولادت فصل نهم در آداب تولد طفل
و نام گذاشتن و ختنه کردن فصل دهم در فضایل اولاد و تربیت آن فصل یازدهم
در حقوق زوجین بر یکدیگر فصل دوازدهم در بعضی نوادر مناسب باب دهم
در احکام سفر و آداب آن و این مجموع در ده فصل بیان شود فصل اول در مقدمات
سفر فصل دویم در اختیار سفر بساعات فصل سیم در تحصیل رفیق و تهیه اسباب فصل
چهارم در افتتاح سفر بدعا و صدقه فصل پنجم در وداع و مفارقت فصل ششم در آداب

سوار شدن

سوار شدن و راه رفتن فصل هفتم متعلق بمنزل فصل هشتم در سفر دریا فصل نهم در مکارم اخلاق
باب ۱۱ فصل دهم در رجوع سفر از [illegible] باب یازدهم در فضیلت حج و عمره و غیره و در زیارت پیغمبر
و حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و این باب ان شاء الله تعالی در ده فصل بیان
شود فصل اول در زیارت حضرت [illegible] الله علیه و آله فصل دویم در زیارت حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فصل [illegible] طاهرین علیهم السلام فصل چهارم
در زیارت حضرت امام حسین [illegible] فصل پنجم زیارت حضرت امام رضا علیه السلام
فصل ششم [illegible] فصل هفتم در نیابت و شراکت حج و عمره
فصل هشتم در فضایل [illegible] فصل نهم در زیارت صلحای مؤمنین و ذریه طیبین
باب ۱۲ باب دوازدهم در احکام متعلق باموات و زیارت قبور مؤمنان و این مجموع ان شاء الله تعالی
در هفده فصل بیان شود فصل اول در وصیت و صحیفه شهادت و در آداب فضیلت
حالت که در وقت احتضار دست بهم میدهد و بیان آن فصل دویم در تجهیز میت فصل
سیم در مکان قبر و آداب دفن فصل چهارم در شنیدن خبر وفات و دیدن جنازه
و تشییع آن فصل پنجم در نماز گذاردن بر میت فصل ششم در مکان قبر و دفن میت
فصل هفتم در ثواب بهشت و غیر آن فصل هشتم در ثواب تعزیت و اکرام یتیم فصل نهم در
هدیه بارواح میت فصل دهم در زیارت اهل قبور و خاتمه در نصایح و مواعظ و فواید متفرقه
فصل در ذکر احادیث و اخبار و نکات و اسرار چند بر سبیل اجمال که باعث رغبت بطاعات
و فضایل اعمال و موجب کمالات معنوی و زوایل افعال گردد و بیان آنکه در احادیث اهل
بیت علیهم السلام متحقق گشته که حق تعالی ایمان را بر اعضای آدمی قسمت کرده

مثلا بر دل واجب گردانید یقین کردن و اعتقاد نمودن باآنکه خدای تعالی منزه است
از آنکه او را شریک و وزیر و نظیر و شبیه باشد یا احدی را در ملک او دخلی و تصرفی و تدبیری و
تکلفی توانند بود و مقدس تر از آن است که عیب و عار و قصور و انکسار بجناب جلال و کبریای او راه تواند
نمود و غنی تر از آنکه احتیاج و افتقار بمعاونت اغیار پیرامون عظمت و جبروت او گردد و رفیع
از آنکه مکان و زمان و حرکت و انتقال و تغییر احوال نزدیک و حوالی کبریائی او شود
و قوی تر از آنکه ظلم و جور و عجز و فتور بجلال رحمت و قدرت از و در عبور نماید و اعتقاد نمودن
باآنکه جناب حشمت مآب محمدی خاتم النبیین و سید المرسلین و افضل الاولین و الآخرین است
هر چه فرموده اند از حلال و حرام و مدایح و مذام همه از جانب خدا فرموده است و حق و صدق است
باآنکه اهل بیت طاهرین علیهم السلام اوصیا و خلفای خداوند اعلام و اعلام رشاد و ائمهٔ
هدایتند و بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله افضل از جمیع عالم و اشرف کافهٔ نوع بنی آدم اند
و ایشان وسیلهٔ فیض رحمت و واسطهٔ فضل و رحمت خداوندند در دنیا و آخرت هر کس ایشان را انکار
نماید و هر که غصب حق ایشان نموده و هر که اعانت غاصبان ایشان نموده و راضی بآن بوده کافر
و ملعون است و واجب است آن کرده در دل و راضی بودن و تسلیم نمودن بهر چه خدای تعالی و
پیغمبر و خلفائی او علیهم السلام فرموده و کرده و خواسته اند و بزبان واجب گردانیده و اقرار
کردند و اعتراف نمودند بهر چه دل بآن اعتقاد کرده و همچنین بر چشم و گوش و دست و پا و سایر اعضا
فرموده اند و بهر یکی از اعضا امری چند امر بحرام فرموده اند و از آن نهی فرموده اند که مجمل تفصیل آنها ان
شاء الله تعالی در این مجموعه بیان خواهد شد و نیز اخبار بسیار از ائمهٔ اطهار علیهم السلام روایت
شده که صفات حسنه را علامات اسلام و صفات ذمیمه را نیز بعضی علامات کفر و بعضی ضلالت
شمرده اند

شمرده اند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که ایمان بر دو قسم است تام و ناقص
و زاید ایمان تام آن است که از جمیع محرمات و معاصی اجتناب نماید و جمیع فرایض و واجبات را بعمل
آورد و بحالتی که هیچ گناه از و صادر نگردد و ایمان ناقص آنکه بعضی معاصی کرده یا بعضی واجبات کمتر و معاصی
بیشتر شود نقصان بیشتر باشد ایمان زاید آنکه زیاده بر واجبات و مستحبات و مندوبات نیز بعمل آرد
شود و زیاده بر محرمات و مکروهات و مذمومات نیز صادر نشود و هر قدر مستحبات بیشتر و مکروهات
کمتر ایمان زیاده باشد و هم از ایشان مرویست که چون کسی ترک گناهی شود و یا ترک فریضه
نماید و از آن اصلاح نداند از ایمان بیرون میرود و اسم مؤمن بروی صادق نباشد اما از اسلام
بیرون نرود و اگر حلال داند از اسلام نیز بیرون رود و کافر باشد و هم از ایشان مرویست
و اخبار بسیار آمده که اگر کسی ترک فریضه نماید که در آن لذتی و شهوتی باشد مانند ترک
نماز کافر باشد زیرا که سبب ترک در امر ضرورت بغیر از استخفاف و بی‌اعتنایی بآن فریضه چیزی دیگر نباشد
هر کس استخفاف بفریضه نماید کافر باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که فرمود که ای
جابر آیا بس است کسی را که بگوید که من شیعه شمایم و تشیع را بخود می بندد و همین که بگوید که دوست
دارم اهل بیت را کافی است والله که از شیعهٔ ما نیست مگر کسی که از معصیت خدا پرهیز کند و اطاعت خدا
کند و اینجماعت را نتوان شناخت مگر بتواضع و خشوع و امانت و ذکر خدا و مجاری احوال
رسول و اعمال نماز و روزه و اطاعت والدین و رضای ایشان و تعهد حال همسایه و فقرا و مساکین
و قرض داران و ایتام را رعایت نمودن و حاجت ایشان را بر آوردن و راست گوی و تابع کلام اقرا
باشند و زبان از بد مردم باز دارند و مکرر بیخردانی قبیلهٔ خود باشند پس جابر که باین
این چنین شخص را در میان نمیابم حضرت فرمود ای جابر خیالهای فاسد منما در اینها غش مرو الا

[illegible]

پس است میان که شخصی گوید علی را دوست دارم و حال آنکه اطاعت او نکند و فرمان او نبرد یا گوید
رسول الله را دوست دارم و آن بزرگوار بهتر از علی بود پیروی او نکند و طریق او عمل ننماید تا بکرامات و
فضل و ثواب او فایز گردد میان خدا و هیچ یک از بندگان خویشی و قرابتی نیست که اعتماد
بر او کرده توسل با او جوید و دوست‌ترین مردمان نزد خدا پرهیزکارانند و ای جابر والله که
نزدیکی بخدا حاصل نشود مگر بطاعت او و برات کسی از آتش با ما نیست و کسی را حجتی نه هر کس
مطیع خداست دوست ماست و هر کس عاصی خداست دشمن ماست و هیچ کس اندوستی ما در
نرسد مگر بطاعت خدا و فرمان برداری او و ما و ورع از گناه و از امام جعفر صادق ع
مرویست که فرمود ما اصل هر خیریم و فرع ماست هر نیکوئی و از آنجمله است توحید خدا عز و جل
و نماز و روزه و خشم فرو بردن و عفو نمودن برای هر صاحب فضلی و حقی و ضع کردن
و ترحم بفقرا و تعهد احوال یتیمان و همسایگان و اقرار نمودن بفضل او و دشمنان ما بیند اصل
هر شری و فرع هر قبیحی و از آنجمله است دروغ گوئی و بخیلی و سخن چینی و ارتکاب فواحش و معاصی
ظاهر و پنهانی و زنا و دزدی و هر چه مانند اینها باشد از قبایح و مناهی پس کسی که دعوی
ولایت ما کند و متعلق بفروع اعادی ما باشد پس در دعوی خویش کاذب باشد پس مجموع
این احادیث مانند این روایات بسیار که ذکر آن همه آنها حوصله این رساله نگنجد واضح
و محقق و ظاهر و مبین است که هر کسی بقدر آنکه ورع و تقوی و طهارتش بیشتر باشد نسبتش باهل
بیت طهارت بیشتر و درجه آن نسبت با ایشان نزدیک تر بود و هر کس بقدر آنکه گناه و فجور و
سرورش بیشتر از ایشان بیگانه تر و دورتر با دشمنان ایشان نزدیک تر بود پس چون بنور
مقابلت عدل الهی خیر و شر و خبیث و طیب از یکدیگر جدا و ممتاز فرماید نعوذ بالله بفضله از
رحمت الهی

رحمت الهی و شفقت نامتناهی آن بندگان را ارزانی نماید هر فرعی با اصل خویش ملحق گردد و لا
عصمة الا بالله وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعن الله
علی اعدائهم اجمعین وجعلنا معهم ولا فرق بیننا و بینهم بفضله
و منه **باب اول** در فضایل عقل و علم و مکارم اخلاق و صفات و رذایل مناهی و معاصی
و دوای ذنوب سیئات و این مجموع انشاء الله تعالی در چهارده فصل بیان شود **فصل اول**
در فضایل عقل و علم و آثار حکمت و نبوت مرویست که افضل عطایا و اشرف مواهب
الهی عقل است اگر عقل نبود دین تمام نشدی و اوامر و نواهی که مدار ثواب و عقاب و فضایل
و کمالات و ارتفاع درجات در جنات عالیات و منازل سامی و مراتب گرامی و کرامات
نامتناهی و قرب لقای جناب الهی است متحقق نگشتی جبرئیل رسالت عقل و دین و حیا
نزد حضرت آدم ع آورده گفت هر کدام را خواهی اختیار کن آدم عقل را اختیار کرد پس جبرئیل
بدین و حیا گفت شما راه خود بروید گفتند خدای تعالی ما را رخصت مفارقت عقل نفرموده
و فرموده هر جا عقل باشد ما ملازم او باشیم هر کس را عقل بیشتر است مرتبه او رفیع تر باشد
چون یکی مثل روزه و غیر آن چند کس کنند یا آنکه یک کس فضل و ثواب بقدر تفاوت عقول
متفاوت باشند عابدی بود تنها در جزیره عبادت خدا میکرد فرشته را نظر بر او افتاد
و از عبادت او تعجب کرد از حق تعالی سؤال کرد که منزلت و ثوابی که باو مرحمت فرموده
باو بنماید چون باو نمودند بنظرش کم آمد پس خطاب رسید که نزول بنزد عابد کن و امتحان
کن ملک پیش او آمد صحبت آغاز کرد گفت خوب جائی و خوش مکانی داری عابد گفت بلی
اما خداوند عالم را کاش الاغی بود تا در جزیره رعایت کردی و آب و علف این خوبی

تلف وضایع نشدی چون ملک این سخنان شنید مراجعت نمود که این مرتبه وفضل
نه در خور حوصلهٔ این عقل است همان است که رحمت ولطف الله بمقتضای وسعت خود با عباد
معامله کند کسی را که بکثرت عبادت ستایش مینمودند حضرت امام علیه السلام فرمود عقلش چون است
گفتند آنقدر نیست فرمود از آن عبادت نیز آنقدر بهره نیست و امثال این احادیث و اخبار
بسیار است از حضرت امام پرسیدند که عقل کدام است فرمود آنکه در امور دین امین و در کار
ایمان مینا باشد و بان اکتساب جنان واجتناب از نیران حاصل باشد گفتند پس آنچه معاویه
داشت چه بود فرمود مکر و شیطنت و هم از ایشان علیه السلام که طلب علم شما فرض است بر هر مسلم
و عالمی که مردم از علمش بهره برند بهتر است از هفتاد هزار عابد و فضل عالم مثل ماه شب
چهارده است بر سایر کواکب در روز قیامت مداد علما را با دماء شهدا وزن کنند مداد
علما راجح باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که فرمود علمای شیعهٔ ما مرابطند فی
سبیل الله در سرحدهای ابلیس و جنودش که مانع کنند از آنکه بر شیعهٔ ما خروج کنند و بر ایشان
شوند پس هر کس از شیعهٔ ما است که خود را از این کار وا دارد و دوستان ما را علوم و آداب دین تعلیم
کند و ارشاد و هدایت و موعظه و نصیحت بمعروف و نهی از منکر نماید افضل است از کسی که با
روم و ترک هزار هزار جهاد کند چه او دفع از دین دوستان ما کند و این از بدن ایشان چنین
کسی را اجر است و عمل خیر تعلیم کسی کند اگر آن در تمام عالم منتشر شود و همهٔ خلایق تا روز
قیامت با آن عمل کنند مثل ثواب همهٔ ایشان برای او ثبت کنند بی آنکه از ثواب ایشان چیزی کم شود
و همچنین اگر راه باطلی و عمل شر تعلیم و علم راهی است راست تا بهشت و مونس است از وحشت
و مصاحب است در غربت و همنشین صحبت و همزبان خلوت و زینت احبا و سلاح اعدا
دوم چشم

و نور چشم و قوت بدن و حیات دل و فکر در علم برابر است با صیام و مدارستش با قیام
و تعلیم صدقه است و تعلمش حسنه و مذاکرش تسبیح و عمل بمقتضای آن جهادی است در سبیل الله
و ملائکه با علماء محبت نمایند و برای ایشان استغفار مینمایند و همهٔ خلایق برای ایشان استغفار
مینمایند حتی ماهیان دریا و سباع صحرا و خواب ایشان عبادت و مطالعهٔ شان افضل است
از هفتاد سالهٔ عبادت و از هفتاد سالهٔ عبادت رکعت نماز عابد و یک ساعت پیش او
و دو رکعت نماز عالم برابر است
نشستن بهتر است از هزار سالهٔ عبادت و نظر بر روی عالم افضل است از یک سالهٔ
اعتکاف در مسجد الحرام و زیارتش افضل است از هفتاد حج و عمره و ساعی اگر
کسی با علما نشیند درجه از برایش بلند کنند و خدای تعالی بر و رحمت فرستد و بهشت
را بر و واجب کرده اند و چون کسی بطلب علم رود درهای بهشت بر روی او وا شود
و ملایکها بالها گشایند تا بر او پا گذارند و اهل آسمان و زمین حتی ماهیان دریا برایش
استغفار کنند و اگر عالم یک ورق علم گذارد آن ورق در میان او و آتش حایل شود
و بعدد هر حرف از آن حق تعالی برای او مدینه عطا کند که هفت مرتبه وسیع تر از دنیا
و مافیها باشد و چون عالم بمیرد فرشتگان بقاع زمین که در آن عبادت میکرد و درهای
آسمان که اعمالش بالا میرفت بر او بگریند و رخنه در دین پیدا شود که هیچ چیز علاج او نکند
و علم را علامات چند است از آنجمله تقوی و ورع و صلاح و طاعات و عمل کردن
بمقتضای آن که علم بی عمل حیرت و ضلالت است علم بی عمل نیز عظیم تر ضلالتها
در روز قیامت و حسرت نهان عالمی است که دیگران بعمل او عمل کنند و او از علم
خود محروم ماند و هفتاد گناه از جاهل آمرزیده شود و از عالم یک گناه آمرزیده نشود

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آیهٔ فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ را پرسیدند فرمود
روز قیامت حق تعالی از بندگان سوال کند که چیز و حق را دانستید اگر گویند بلی میفرماید
چرا تعلیم نگرفتید که عمل نمایید و نتوانند گفتند که دانستیم عمل نکردیم پس ایشان را ملزم کرد آنکه
از جمله خضوع و خشوع و خشیت و زهد و تقوی در دنیا و آخرت و علم و وقار و کلام حق
و سکوت در باطل و تخلی از باطل روایت که عالم آنست که فعلش تصدیق قولش کند و کسیکه
چنین نباشد عالم نباشد و از جمله است سلامت نفس و تواضع هر چند علمش بیشتر است آثار
علامت در آن بیشتر است حضرت عیسی روزی بحواریین گفت مرا با شما حاجت است گفتند
یا روح الله باجابت مقرون است پس برخواست پای ایشان را شست بروایتی بوسید
عرض کردند یا روح الله این کار بما انسب بود فرمود سزاوارترین مردم بخدمت علما اند و این
نهایت مرتبه است و تواضع است چنین کردم تا بدانید که با مردم چه تواضع باید نمود و علم حقوق
چند نیز هست اما حق تعالی بر عالم آنست که نداند نگوید که اگر ندانسته گوید ملائکه رحمت
و غضب براو لعنت کنند و هر کس بقولش عمل کند در وزرش شریک باشد و آنچه داند در مقام
لایق و از اهل دریغ ندارد و اگر نه ظلم کرده باشد و چون کسی دوای جراحت داند
و نکند چنان است که خود جراحت کرده است و هر کس یکنفس را زنده کرده باشد و زنده
کردن علم افضل است از هر زنده کردنی چه حیوة دل و جان بقای جاوید در جنان
و رواج دین و قوت مومنین است و از غیر اهل پنهان دارید که هر کس جیفه را بسگ
از سگان نکند مستحق حرمان زیادی شود و موجب فساد وی زیاد شود و موجب ضلالت
باشد هر کس یکنفس را بکشد چنان است که همه ناس را بکشد و کشتن فضلا که عظیم تر است
از کشتن

از کشتن هر کسی و از حضرت امام علیه السلام پرسیدند که بر ما واجب است که هر چه نمیدانیم
سوال کنیم فرمود آری گفت بر شما است هر چه ما سوال کنیم جواب بگویید فرمود نی هر چه ما
مصلحت دانیم گوییم مثل طبیب حاذق است دوا را در موضع مناسب استعمال کند
و از غیر آن نگاه دارد و حق عالم بر مردم آنست که چون کسی در مجلسی که جمعی باشند داخل شوند
بر همه سلام کند و عالم را بزیادتی تحیه و اکرام اختصاص دهد و برابرش بنشیند که
عالم محتاج رو گردانیدن نشود و دامنش نگیرد و اشاره بجانبش نکند و سوال بسیار نکند
و خلاف قولش نکند و نگوید که فلان و فلان چنین گفته اند مجملا هر چه خلاف ادب باشد
احتراز کند و حق متعلم بر عالم آنکه با او مهربان باشد هر چه مناسب او داند از و دریغ ندارد
و از حوایج و مسائلش اعراض نکند و در میان تلامذه تفاوت نکند از و مجملا هر چه مقتضای
شفقت باشد رعایت کند **فصل دویم** در صفات مومن بر سبیل اجمال مرویست از ائمه
طاهرین علیهم السلام که مومن کسی است که در دین خدا بینا و دانا باشد و در دین صلب تر
از کوه گران و در طاعت خدا سخت تر از سنگ و سندان باشد کوه را باتیشه توان
شکافت و دوستی بردن مومن نتوان یافت رویش گشاده و خندان دلش محزون و گریان
راغب بمجالس از قبایح گریزان خاطرش پیراسته از حسد و کینه باطنش صاف و لهجه اش ...
نه عیب جوی عیب جمالش و نه عیب گوی عار کمالش نه طالب شهرت و نه خواهان صیت
و نشان زبان از فضولی بسته و در غم خویش نشسته در نعمت شکور و در مصیبت صبور
نه در نعمت او را امور نشر فرح و غفلت و نه در مصیبت باعث جزع و وحشت در فکر خود
مغموم و بفقر خود مسرور خلقش موافق و طبعش ملایم و خوابش ثابت و [illegible]

کلامش کذب را گذری و نه در شک عرض در او اثری اگر بخندد غافل نشود و اگر برنجد طیش نکند ضحکش
بنحو تبسم نولش برای تکلم و تعلم کثیر العلم عظیم الحلم نه در کارها شتاب و استعجال و نه در مقام حق دلگیر
و ملال حکمش از حیف و میل مبرا و عملش از جور و حیل معطل نفسش در دین سخت تر از سنگ و معامله اش
شیرین تر از شهد نه در نعمت حریص و نه در فقر جزوع نه دعوی لاف و نه مدعی گزاف نه تجدید بر آنکه
قصور و نه سر فطش ذکر و فتور با مردم مواس و مهربان و متحمل مکاره از ایشان رحمتش کثیر راضی بقضای
خدا امان از نفس و هوا او در شیکی آمن نشده و از خوض مالا یعنی مقدس یا مر دین و حامی مؤمنین و پناه
مسلمین و نه در مدح و ثنا نظرش اعتبار و نه از طمع دنیا فکاری و نه لهو را در دلش اثری و نه جای سهو
از علمش حق و قولش را دلیل فعلش را مصدق و قولش را عمل وافر و رسا و دلش آگاه و مینا ما مؤمنان
و با فقرا مذول نه در وصلش عنف و خلاف و نه در سندش بخل و اسراف و نه معامله اش را عیب و خدعه
و عذر و نه محاکمه اش را ننگ و حیله و مکر و نه پرده عیوب مؤمنان و نه رازهای مستور معین ضعفا و دستگیر
مؤمنان و درماندگان شیوه اش وسعت خلق و پیشه اش سعی در حوائج خلق نه آهنگ سر مخالفش
و نه کشف سر مقصور حمالش با نوای بلا و ابتلا و زبان از شکایت در وقت حفظ عیب پیشه و زبان از
شکایت در قضا حفظ پیشه دستر عیب اندیشه اش عذر خواهان را عذر پذیر و از عفو و بخشش ناگزیر خیرخواه
مؤمنان کارش اصلاح شان ایشان مدارش با مردم خوش گمان و نیکو گردانده کر ایشان را
مدار این قوم و قبیله و آراسته باخلاق جمیله و منزه از صفات رذیله و دوستیش برای خدا
آرزوی دانش و همنشینش برای از راهی پیش نه گر عالم و متعلم جاهل کس را از وهم و اندوه و شدت
دانه اندیشه تعب و مشقت هر کس در نظرش از او بهتر و او در پیش خوار و از همه بدتر ام شان فقرا
و اصادق و معین غربا و مددکار اهل حق یتیمان را پدر و بیوه زنان را شوهر مهربان با مساکین

و غم خوار

و غم خوار مؤمنین در هر بلا امید با او و در هر حادثه توقع از او با مردمان خندان و شکفته و اندوه در دلش
نهفته فارغ از جستجوی عیب کس مشغول بعیب خود در هر نفس و با مردم پاکیزه اخلاق و در کارها بحزم
و احتیاط بعقبت خود قانع و از خلق مستغنی حیاتش غالب بر شهوت و خوفش زاید بر رجا
و عفوش مشتر و جهد سخن نگوید مگر بحق و چشم نپوشد از معاصی مگر بخیر رفتارش متواضع و در طاعت
خاشع و خاضع از خدا راضی در همه احوال و برضای خدا در همه افعال نظرش عبرت و سکوتش تفکر
و کلامش حکمت در سر و علانیه خیرخواه و از غش و خدعه در پناه نه از مؤمنان بجز ایشان
راحت کند و نه او را دنیا از درد و غم فرح و سرور و نه از فقدان تاسف و ستور محزون از شداید ایام
و نه او را مستی بحرام علمش ممزوج بحلم و عقلش مقرون بصبر بعید از کسل و قریب الامل دایم النشاط قلیل الزلل
همیشه منتظر اجل دلش دایم در ذکر خدا خاشع و نفسش بقلیل قانع کار و بارش سهل و خفیف و از بیم
گناهان محزون و خفیف لذت شهوتش مرده و دلش بطاعت خدا زنده مردم از او در امان و او در
تعب ایشان نه در دلش شائبه کبر نه مجلس جو و عجب و کارهایش محکم و ثبات زمانی او را اعمام دین
کلامش نه از روی تجبر و سکوتش نه از برای تکبر و دوریش از مردم برای زحمت و نزدیکیش از روی رحمت
نه در دوریش جبروت و کبر و نه در نزدیکیش حیله و مکر پیرو نیکان گذشته و مقتدای خوبان آینده
نفسش در تعب و مردم از او در راحت علم خلیلش و حلم وزیرش و صبر امیر عسکرش و لین و رفق برادرش
برادرش نه در عیش سمعه و ریا و نه مانعش از خیر شرم و حیا اگر بخیر مذکور شود و بذکر ایشان مغرور نشود
و اگر نه چنان است که ایشان خدا را بر آن شکر گذارد و گر نه چنان است استغفار کند و از محبت
آن سر بر نیارد و اگر بشر مذکور گردد از گفته ایشان آشفته نگردد و اگر چنان است استغفار کند
و اگر نه چنان است شاکر باشد **فصل سیم** در مکارم اخلاق و صفات مرویه از اهل بیت طاهرین

علیهم السلام که راس بر طاعت صبر و رضاست در قضای الهی و حکم او خواه موافق خواهش
بنده باشد و خواه نه چون سر از بدن برخیزد بدن بمیرد و همچنین چون صبر از ایمان زایل شود و صبر از
سه قسم است یکی در بلیه و محنت دوم در مشقت طاعت سیم در ترک معصیت هر کس در بلیه صبر کند
خدای تعالی سیصد درجه از برای او بلند گرداند که ما بین هر دو درجه مثل ما بین زمین آسمان باشد
هر کس در طاعت صبر کند ششصد درجه بلند کند که ما بین هر دو درجه از اطراف زمین باشد تا ابتدای
عرش و هر که ترک معصیت کند نهصد درجه بلند کند که ما بین هر دو درجه از اطراف زمین باشد تا منتهای
عرش و بهشت محفوف است بمکاره و دوزخ محفوف است بلذات و شهوات هر کس بمکاره صبر کند
داخل بهشت شود و هر کس پیروی شهوات کند لایق جهنم است چون مومن داخل شود نماز در دست
راست او ایستد و زکوة در دست چپ و بر سرش سایه کند و صبر در کناری ایستد و گوید
شما در جواب منکر و نکیر اعانت کنید اگر عاجز آمدید من او را دریابم و هر کس صبر کند بر قضای خدا او تعالی
خدا او نفع و ضرر و خیر و شر رضا دهد و غیر از رضا و تسلیم چیزی بخاطرش خطور نکند و هیچ چیز از خدا نخواهد
مگر آنکه مستجاب شود خدای تعالی برای عباد خود نخواهد مگر خیر اگر یکی را بانواع بلا مبتلا سازد خیرش در آن
باشد و اگر دیگری را پادشاه مغرب و مشرق گرداند صلاحش در آن باشد حق تعالی فرماید هر کس بقضای
من رضا دهد و بر بلا صبر نماید و نعمتها را شکر گذارد در نزد من از جمله صدیقین باشد هر کس رضا
دهد بقضای خدا او را واگذارد اجرش عظیم است و اگر بقضای خدا رضا ندهد و بقضای خود گذارد اجرش
باطل شود و فرمود هر کس از همه خلق قطع امید کند و طمع برگیرد و توکل و اعتماد بر من کند و پناه
بمن آورد و در این امر نیتش صادق باشد اگر تمام سموات و ارض و اهل آن کید او کنند
من از همه ایشان او را حفظ کنم و اگر اعتماد بر خلق کند و تکیه بر ایشان نماید اسباب رحمت
ازو قطع کنم

ازو قطع کنم و هر چه بر سرش آید پروا نکنم و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر کس خواهد
هیچ چیز از خدا سؤال نکند مگر آنکه عطا کند باید امید از هر کسی قطع و امیدواری بغیر از خدا
و نه خود ندارد و چون حق تعالی دلش را در این صادق یابد هر چه سؤال کند عطا کند و معنی
و تحقیق این نیست که کسی ترک سعی و کسب کارها کند که اگر چنین کند و دعا کند مستجاب نشود
چنانچه ان شاء الله تعالی بیاید بلکه اینست که مکاسب و معاملات و هر چه سعی در باشد
از طریقه حلال بکند باشد اما اعتماد بر آنها و بر هیچ چیز نداشته باشد و غیر از هیچ
چیز و هیچکس را کار ساز نداند و سعی و معاملات و غیر آن همه را واسطه و وسیله خیر داند
که خدای تعالی برای مصلحت آفریده و مقرر فرموده تا هر کس حکم و رضای او را در آن
رعایت کند و بامر او عمل نماید مستحق تفضل و ثواب نعیم بهشت شود و هر کس مخالفت آن
کند و متابعت نفس و هوا و اطاعت شیطان نماید و بحلال اکتفا ننموده دست در حرام
زند مستوجب زجر و عقاب گردد و حضرت امام علیه السلام بکسی گفت که همیشه دعا کن که حق تعالی
ترا از جمله معارین نگرداند و از حد تقصیر بیرون نیارد و آن مرد گفت معارین را میدانم و آنانکه ایمان
بعاریت در پیش ایشان عاریت است بعد از آن سلب شود اما معنی خروج از حد تقصیر چیست فرمود
آنکه هر چند عبادت بیشتر کنی خود را در آن مقصر دانی که حق عبادت خدا را هیچ کس
نتواند گذارد و خدای تعالی فرموده که تکیه بر عبادت نکنید که اگر کسی تمام عمر در عبادت
من گذراند و لمحه فارغ نباشد هنوز مقصر باشد و حق بندگی بجا نیاورده بلکه اعتماد بر رحمت
بر رحمت من دارید و فضل و حسن ظن با من داشته باشید که من بندگان خود و هر کس
بمن گمان دارید و با شما معامله نمایم انتقد را امید رحمت باید داشت که اگر با سیئات

ثقلین در محشر در آیة فتبول العز مایند و بعکس در الموٴمن دو سطر از نور نوشته یکی خوف
و دیگری رجا که اگر با هم سنجیده شود بقدر ذره توفیر نکند که حضرت صادق علیه السلام
گفتند که جمعی از موالی شما گناه میکنند و میگویند ما امید رحمت خدا داریم فرمود دروغ
میگویند نه موالی ما یند و نه امید وارند هر کرا امید بچیزی باشد طالب آن چیز باشد و هر کرا
خوف بچیزی باشد ازو بگریزد و الله شیعهٔ ما نیست مگر کسیکه اطاعت خدا کند و از معصیت
خدا بگریزد و رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرمودند که ای بنی عبد المطلب مگویید محمد
از ماست هر جا او باشد ما نیز باشیم و الله که اولیاء ما نیستند مگر متقیان من عنده
شما خواستم و از عهدهٔ آن نیامده ام اما چون روز قیامت شما دنیا و دیگران
آخرت بر دوش گرفته آیید شما را نشناسم و خویشی شما را سود ندهد و حضرت امیر المومنین
خطبه خواندند و فرمودند که ایها الناس و الله بگیرید ارحق شما نقصان نکنم عقیل برادر آنحضرت
برخواست تو مرا با سیاه حبشی برابر میدانی فرمود خاموش باش چه امتیاز تو را از سیاه
حبشی است هر کس تقوایش بیشتر درجه اش رفیع تر خواهد بود از حضرت صادق علیه السلام
سوال کردند از تفسیر آیه فَقَدِمْنَا اِلٰى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا
یعنی روز قیامت متوجه اعمال ایشان شویم و چون غبار بر باد دهیم فرمود که در خوبی بمرتبهٔ کمال رسیده اند
اما چون مانع از میان ایشان و معصیت برخیزد اجتناب نمایند پس اعمال ایشان سود ندهد
و هم از ایشان روایت که از ما نیست که هر روز محاسبه نفس خود نکند و ملاحظه اعمال خود نماید
و ببیند که چه کرده و چه میکند روز قیامت پنجاه موقف است که هر کدام هزار سال است هر کس
در دنیا محاسبه نفس خود کند بقدر از مواقف حساب قیامت خلاص شود هر چند بیشتر بغفلت گذرانده
در آن ذر

در آن روز برای حساب بیشتر توقف کند پس محاسبه نفس خود کنید پیش از آنکه برای
حساب توقف کنید و معنی محاسبه نفس آنست چنانچه با شریک و تحویلدار در هر دانگ
و دانگ و دینار معامله کنید حساب هر ساعت و هر دقیقه عمر خود از خود طلب نمایید
هر لحظه ملاحظه کنید اگر در طاعت و خیر گذرانیده خدا را شکر کنید و توفیق زیاده طلبید
اگر در باطل و معصیت گذشته خود را بر آن توبیخ و عتاب کنید [illegible]
صدد تلافی و تدارک آن باشید و نگذارید [illegible] ید یا چی
از آن فوت شود هر کاری که [illegible] دنیا خبری که با آخرت مضرت
نکند دور باشد متوجه آن [illegible] یا با [illegible] مضرت کند بلکه همین نفع نکند از آن بگذرید
و عمر را مشغول آن سازید که شغل بی منفعت اگر چه در او ثواب نباشد همین مضرت او بس
بس بود که مانع خیر و منفعت شود که روز قیامت هیچ کس از حسرت و ندامت خالی نباشد
خوبان را حسرت آنکه چرا بیشتر نکرده بدان را حسرت آنکه چرا کرده اند مگر کسیکه بفضل و توفیق
الهی ثلث ساعت عمر عزیز کرده و آن را از چه صرف کرده در باطل و بیفایده و معطلت
نموده در طاعت و عبادت گذرانیده باشد پس خود را از اشتغال این امور باید فارغ
سازی و مشغول عبادت و طاعت مجملا هر چه از رضای خدا در آن بینی بکردانی هر کس
خود را از باطل و بیفایده برای عبادت و طاعت خدا فارغ گرداند و این را
مانع کار داند خدای تعالی دلش را از خوف خود بریز و لغنی از خلق مملو گرداند و متکفل
حوایج و مطالب او شود و کار او را بدیگری نگذارد و هر کس برای طلب باطلی و کار بیحاصلی ترک
عبادت و طاعت کند او را مانع داند خدای تعالی دلش [illegible] محبت آن گرداند

واو را از کفالت رحمت خود بجود واگذارد و عفو با آلکلی بغیر خود واگذارد و از جمیع

خیرات و کرامات بی نصیب شود و اگر در آنحال بماند عاقبت در دوزخ مخلد گردد

مرویست که حضرت یونس علی نبینا و علیه السلام فرمود که خدایا مرا بقدر یک چشم زدن و اگر بقدر طرفة العین بی نصیب مکن و ترک و دید و منت

عبادت هر کاری که کنی باید از ریا و غرضهای دنیا نکنی بلکه برای رضا و بتوقع رحمت و ثواب

خالص کند جزای هر عملی بمقتضای نیت او باشد هر کس عملی که اجر و ثواب آن بر خدا باشد

اگر برای غیر خدا کند خدا او را بآنکه عمل برای او کرده واگذارد و از فضل خود محروم کرده اند

و حضرت پیغمبر فرمود که زمانی بیاید که مردم عبادت را برای خوش آمد خلق کنند پس

خدا ایشان را مبتلا گرداند هر دست پا که زنند بکار نرسد و دعا کنند مستجاب نشود

مرویست که نگاه داشتن عمل دشوار است از خالص کردن اگر عمل صالحی از او قسمی که باشد پنهانی

کند هفتاد مقابل آنست که علانیه کند و اگر بعد از آن آنرا ذکر کند محو کنند هر کس کاری برای رضای

خدا کند خدا دل او را پر از نور رحمت خود پر کند و اگر اراده خیری کند در آن تعجیل نماید برای آنکه تمرد نماید

بر او چه رسد و چه رو دهد بلکه اگر تاخیر شود شیطان در او داخل شده بهم زند شاید حق تعالی

بدای همان دو رکعت نماز و یا آن چیز جزئی از همه گناهان او در گذرد که بعد از آن هیچ

گناه را ننویسد و همچنین اگر عمل شری اراده کند تاخیر کند چه بسا باشد که بجهة آن شر

خدای تعالی بر او غضب کند که دیگر نظر رحمت بر او نکند و بذات ذوالجلال خود قسم خورده

که هرگز ترا نیامرزم و اگر کسی عملی را ریا کند حق تعالی فرماید که البته بعد از این هر چه ترا ضرور در

احتیاج افتد از و خواه که رفت و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که ای مدعیان محبت

ما و بولایت ما فریفته مشوید و طاعت خدا بنمایید والله که میان ما و خدا قرابتی نیست تقرب

تقرب ما

تقرب خدا حاصل نشود مگر بطاعت او پس هر که اطاعت خدا کند شفاعت ما او را دریابد

والا هیچ سود ندهد شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که از شما چنین

روایت میکنند که هر که شیعه ما باشد هر چه خواهد کند مستحق بهشت است حضرت فرمود چنین است

عرض کرد که اگر چه شراب بخورد و دزدی کند و زنا نماید حضرت فرمود انا لله و انا

الیه راجعون مردم انصاف ندارند ما خود بطاعت و عبادت امید نجات و طمع

بهشت داریم دیگران را از بهشت نوید میدهیم که بطاعت حضرت معصیت داریم که بطاعت

محض محبت ما نجات یابند بلکه معنی این حدیث اینست که هر کس مؤمن و شیعه ما است اعمال خیر خواه

بسیار و خواه کم داخل بهشت شود و نیز فرمود که خدای تعالی ابا دارد از آنکه جمعی که دعوی ولایت

و محبت جمعی کنند و در عمل خلاف ایشان باشد در روز قیامت ایشان را در یک منزل

نزول فرمایند بخدای کعبه که هرگز نشود و نیز از یکی از ایشان مرویست که فرمود اگر شیعیان

را غربال کنم و نیک و بد ایشان را از هم جدا سازم از هزار کس یکی خالص نباشد که اکثر ایشان

قول اند و اهل فعل در میان ایشان بسیار نادر است همه بر سند تا یکه کنند و برحمت تن

پروری برآیند و گویند ما شیعه علی ایم شیعه ما نیست مگر کسی که اطاعت علی نماید و فعلش با

قولش مساوی باشد و هم از ایشان مرویست که افضل عبادات تفکر است و تفکر بر دو قسم است

یکی تفکر در معرفت خدا است و علم بآن و فضایل این قسم از حد بیرون است و شمه از آن در

اول گذشت دویم احوال دنیا و بی اعتباری آن یک ساعت این تفکر افضل است از یکشب

عبادت که بسبب آن محبت دنیا پر عیبی بآن شود و عیوب و قصور آن ظاهر گردد و محبت آنرا

از دل بیرون کند و دل را مشتاق آخرت گرداند و موجب طاعت و عبادت و ترک معاصیت

هوا و هوس و ترک متابعت اهل دنیا هر کس از دنیای غرت شود بسلامت از دنیا بیرون رود
و بدار السلام که منزل امن و امان و محل نعمت و رحمت و جاویدان است در آید ای برادر دل
که حلاوت ایمان دریابد تا محبت دنیا از دل بیرون نرود و از حضرت صادق علیه السلام روایت است
که اگر کسی اینچنین در طلب حق بکند افضل از زهد در دنیا و ترک محبت هیچ چیز بعد از معرفت خدا و
رسول و ائمه هدی علیهم السلام افضل از بغض دنیا نبود که چون دل مؤمن از محبت خدا پر شود و التفات
بهیچ چیز غیر از خدا و هر چه رضای خدا است در آن باشد نکند حتی که اهل دنیا گویند دیوانه شده است
و حق در او اثر کرده ما حضرت رسول فرمود که از جمله مواعظ لقمان بر پسرش آن بود که تو در دنیا
بنده اجیری عملی ترا فرموده اند و اجری وعده داده بعمل خود وفا کن تا با جر تو ترا وفا کنند
و تو در دنیا مثل گوسفند مباش که در مزرعه چرا کند وقتی که فربه شود وقت کشتن او آید بلکه دنیا را مثل
پل دان که بر سر نهری باشد که از آن بگذری و هرگز رجوع نکنی و بدانکه روز قیامت در پیش خدا
ایستاده باشی و چهار چیز از تو سؤال کنند اول آنکه جوانی را به چه عمل بسر رسانیدی دوم عمر که
گذرانیدی و مال از کجا کسب کرده و صرف کرده پس مهیا جواب باش و از غم دنیا فارغ باش و
کمال زهد آنست که ترک حرام کنی و خوف عذاب و ترک حلال از بیم حساب بکن بقدر ضرورت
و از آن اهم بکن مرتبه پست تر از آنکه دست از حرام باز دارد و هر یکی را بقدر عمل حامه کند و هر کس از
خدا بقلیل از روزی راضی گردد و خدا نیز از او بقلیل عمل راضی گردد و هر کس را جاه و مال بسیار
باید عبادات و اعمال بسیار باید فرمود شیعیان خالص ما را در زمان دولت باطل
هر چند از مشرق و مغرب روند زیاده از قوتی حاصل نشود و هر چند کسی را ایمان زیاده تر است
معیشت او تنگ تر گردد چرا که مال دنیا را در پیش خدا اعتبار نبود و هر آئینه شربتی از آن بکفار
میدهد

بمیداد فقرای مؤمنین چهل خریف از اغنیای ایشان پیشتر در ریاض بهشت سیر شوند
و اغنیا در موقف حساب گرفتار باشند و در روایتی دیگر است که اغنیا هزار عام گرفتار حساب باشند
که هر یک عام هزار سال است و در روایت دیگر است از ایشان که دو مؤمن را با هم بحساب آورند یکی غنی و دیگری
فقیر فقیر گوید بار خدایا تو میدانی که نه منصبی بمن دادی که عدل یا جور کنم و نه مالی دادی
که در آن بخل کرده باشم فرماید راست گفته است بنده من دست از او بردارید پس خلاص
گشته داخل بهشت شود و غنی مشغول حساب شود و آنقدر توقف کند که از عرقش چهل شتر
سیراب تواند شد پس چون داخل بهشت شود پس رفیق فقیر را ببیند باو گوید این همه چرا دیر کردی
گفت طول حساب گرفتارم داشت خدای تعالی هر یک عمل را که می بخشید دیگری پیش می آمد
تا آخر همه را بخشید و در رحمت فرمود که نجات یافتم و در روایت است که چون قیامت فضل و ثواب
فقرا مشاهده شود هر کس آرزو کند که کاش زیاده از قوتی نداشتم و هم از ایشان روایت است
که فقر امانتی است از خدا پیش بندگان هر کس آن را پنهان دارد مثل اجر صایم و قایم یابد
هر کس اظهار آن بمخالفین و ظالمین کند شکایت خدا در پیش دشمن او کرده باشد و اگر در پیش مؤمنی
اظهار کند که قادر بر قضای حاجتش باشد و نکند چنان است که او را کشته باشد و در روز قیامت
مثل کسی که از دوستی عذر خواهی کند فقرای مؤمنین گوید که بعزت خودم که من در دنیا شما
را از روی حقارت فقیر نکردم بلکه برای فضل و ثواب و درجات بهشت کرده ام امروز ببینید
که چگونه تلافی آن کنم که هر یک از شما دست هر که از ابتدای دنیا تا انقضای آن با اهل دنیا
داده ام عطا فرمایم و هر کس در دنیا بشما مهربانی و احسانی کرده دستش را گرفته بهر جائی
بهشت خواهند ببرید و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که کاملترین مؤمنان در ایمان کسی است

که خلق بهتر باشد و بعد از فرایض هیچ عملی بهتر از خلق خوش نیست و صاحب خلق خوش درجه صایم
و قایم و اجر مجاهد یابد و اکثر امم به دو خصلت داخل بهشت شوند تقوی و حسن خلق و خلق خطیه بگدازد چنانکه
آفتاب یخ را و حسن خلق و بر سبب درازی عمر و معموری بلاد باشد و چهار صفت است که در هر کس
باشد اسلامش کامل و از گناهان خلاص گردد و اگر چه سراپا گناه باشد و خدا از او راضی باشد اگر
بوعده وفا کند و راست کرده باشد و از قبایح در پیش خدا و خلق حیا کند و با اهل خود و سایر ناس
خوش خلق باشد و خلق بد عمل را ضایع میکند چنانکه سرکه عسل را و هیچ جرعه پیش خدا بهتر از دو جرعه
نیست یکی جرعه خشم که بحلم فرو خورد و دیگر جرعه جزعی که بصبر دفع نماید و هیچ کس خشم فرو برد
مگر آنکه خدای تعالی در دنیا و آخرت او را بیفزاید چون قادر بر انتقام باشد و خشم فرو برد خدای تعالی او را
اجر شهیدی عطا فرماید روز قیامت دلش را با امن و امان خدا و ندا و این کرده اند و هر کس غضب
خود را حفظ کند خدای تعالی عذاب روز قیامت را از او برگیرد و عیوبش را بپوشد و خدای تعالی در مناجات
بحضرت موسی فرمود که در حال غضب مرا یاد کن تا من نیز در حالت غضب ترا یاد کنم غضب کلید
هر شری است و ایمان را فاسد میکند چنانکه سرکه عسل را و چون دو کس منازعه میکنند دو ملک نازل میشوند
بهر یکی بگویند
هر کدام از ایشان که سفاهت و ناخوشی که بیشتر میکنند با او میگویند هر چه گفتی خود لایق آنی و زود
باشد که گناهت امرزیده شود اگر حلم خود را تمام کنی و تو ندیش او سفاهت نکنی و دشمنان را از جهال
را مکافات بهتر از این نباشد که ایشان معصیت کنند تو صبر بطاعت نمائی بهترین اخلاق
دنیا و آخرت این است که چون کسی با تو ظلم کند تو عفو کنی و اگر از تو دوری کنند تو وصل نمائی و اگر
ترا از خیر و نعمتی محروم سازد و بخل کند تو جود کنی و اگر بدی کند تو نیکی نمائی و چون باین صفت آراسته شوی
حق تعالی عزت ترا زیاد کند و سه خصلت است که در هر که نباشد طاعتش ناتمام باشد ورعی که
او را از

او را از معصیت باز دارد و خلقی که با مردم مدارا کند و علمی که جهل جاهلان را دفع نماید و مدارا با مردم
نصف ایمان است و ملایمت با ایشان نصف زندگانی هر کس را ملایمت نیست گشت ایمان نصف
هیچ کس را ملایمت نباشد مگر آنکه زینتش باشد و وسیع روزی کسی است که ملایم باشد هر که از این
بی نصیب باشد چون دو کس با هم مصاحبت کنند آنکه مدارا و ملایمت بیشتر بود اجرش عظیم‌تر باشد
مروت است که اگر ملایمت مخلوق بود که دیده میشد هیچ خلقی احسن از آن نمی‌نمود هر کس از درشتی
نصیبش شود ایمان از او محجوب گردد اگر درشتی نیز مخلوق میبود که دیده میشد هیچ چیز
از او قبیح‌تر نبود و هر کس برای رضای حق تعالی تواضع کند هر آن قدر درجه برای او بلند
کنند و هر کس او را تکبر کند پست گرداند او را و ضایع گرداند او را و نزدیک‌ترین مردم در روز
قیامت بخدا متواضعانند و دورترین مردم متکبران اند از امام علیه السلام پرسیدند که حد تواضع
کدام است فرمود درجات بسیار است از آنجمله آنکه کسی قدر خود بشناسد و زیاده از مرتبه
خود طمع نکند و با مردم چنان سلوک کند که میخواهند با او چنان کنند و چون با او بد کنند او نیکی دفع کند و
خشم فرو برد و عفو کننده باشد مروت است که از جمله تواضع اینکه در مجلس پایین تر از مرتبه خود
نشینی و بهر کس رسی سلام کنی و ترک خصومت کنی اگر چه حق با تو باشد و نخواهی که ترا مدح کنند
و ثنا کنند روزی حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا طعام طلبید ملازمان و غلامان خود از
سیاه و سفید را جمع کرد با هم در سفره طعام میل میفرمودند کسی گفت کاش سفره جدا میبود تا برای
ایشان طعام جدا کنند حضرت فرمودند خدا یکی دین یکی و پدر و مادر یکی و جزای هر کس
بقدر عملش باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است که چهار صفت از من
ضامن شو تا من چهار خانه در بهشت ضامن او شوم عطا کند و از فقر نترسد و فاش سلام

کند و ترک خصومت نماید هرچند محق باشد و از انصاف بر نزود و هر کس با انصاف باشد با
فقرا در مال مواسات کند و بحقیقت آنکس مؤمن باشد نزد خدا عزیز باشد و نیز فرمود که سید اعمال
سه خصلتست انصاف و مواسات و ذکر در همه حال زبان تنها سبحان الله و الحمد لله
و لا اله الا الله و الله اکبر اگر بگوید بلکه در همه حال خدا را یاد باید کرد و هر کس منصف
باشد و عیب مردم نکند در چیزی تا آن را در خود صلاح نکند و گیرا در پیش وای تقدیم و تاخیر نکند
تا رضای خدا در آن نداند و در سایهٔ عرش باشد روز یکه هیچ کس را پناه نباشد و هر کس نزدیک
ترین مردم بخدا در روز قیامت کسی که در حال غضب بی اختیار نشود و بر زیردست و کسیکه در
معامله در میان دو کس داخل شود بیک طرف میل نکند و کسیکه در معامله و منازعه از انصاف و
حق نگذرد و خدا را بهشتی که داخل آن نشود دیگر کسی الا که بنفس خود حکم کند هر کس ایمان
بخدا و روز جزا دارد باید که وفا بوعدهٔ خود کند که وعدهٔ مؤمن نذری است که هیچ کفاره ندارد بکه
وفای بآن هر کس خلف وعده کند اول با خدا خلف کرده و متعرض سخط او گشته و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود از ما نیست کسی که امانت را خیانت کند و امانت جلب رزق است
و خیانت جلب فقر و حضرت سجاد فرمود که اگر قاتل پدرم شمشیری را که پدرم را شهید کرده بمن بامانت
بسپارد هر آینه او را رد کنم و حضرت صادق صلوات الله علیه فرمود که اگر قاتل علی بن ابیطالب
با من مشورت کند خیر خواهی و نصیحت کنم و شمشیری بمن بامانت دهد و من قبول کرده باشم هر آینه ادای امانتش
کنم و چهار صفت که در هر مؤمن باشد خدای تعالی او را در اعلای علیین که بالای ترین غرفهای
کرامت است ساکن گرداند کسی که یتیم را پناه دهد و برای او بمنزلهٔ پدر باشد و بر ضعفا رحم کند و
اعانت حوائج ایشان نماید و والدین را نفقه دهد و با ایشان ملایمت کند و بخدمتی که بمملوک خود
نماید خود

نماید خود و نیز او را اعانت نماید **فصل چهارم** در بر والدین مروی است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که بر والدین و صلهٔ رحم سکرات موت را آسان کند و در تمام عمر پریشانی را دفع کند و بر
والدین در روز قیامت باید بقوت و قدرت تمام مانند فرزند صاحب خود را بر دوش گرفته
داخل بهشت گرداند روزی جوانی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد عرض کرد که جوان
توانایم و شوق جهاد دارم فرمود جهاد کن که اگر کشته گردی در پیش خدا زنده و از نعمتهای بهشت
متنعم باشی و اگر بمیری اجر از خدا یابی و اگر باز گردی از گناهان پاک شوی مانند روزیکه از مادر
متولد شوی آن جوان گفت یا رسول الله والدین با من بسیار الفت دارند فرمود در پیش ایشان باش
بهتر است از آنکه در راه خدا یکسال جهاد کنی و نیز آنحضرت را همشیرهٔ بود رضاعی روزی بخدمت
آنحضرت آمد چون او را دید شکفته گردید و اطاف خود را انداخت در برابر او نشست پس
متوجه او گشت بملاطفت و شکفتگی فرمود و چون او رفت برادرش آمد حضرت آنمهربانی با او نفرمود
از سبب آن سؤال کردند فرمود آن زن نیکی بپدر و مادر بیشتر بود از این مرد و کسی بحضرت
صادق علیه السلام معروض داشت که پدرم بسیار پیر شده است چنان ضعیف که حاجت خواهد
کسی باید او را بدوش برد فرمود اگر بتوانی خود متوجه باش قیامت برای تو حجاب باشد از آتش
دیگری از آنحضرت سؤال نمود که والدین من مخالف مذهبند و با ایشان چون کنم فرمود با ایشان
نیکی کن که با شیعیان ما کنی هر کس بر والدین باشد از دوزخ ایمن باشد و در بهشت
مسکن کند هر کس عاق والدین از بهشت ناامید است و در دوزخ مأوای نماید و هر کس نظر
خشمناک بوالدین کند و حال آنکه ایشان بروی ظالم نماز او مقبول نشود و چهار کس بوی بهشت
نشنوند با آنکه بوی بهشت را تا هزار سال راه توان شنید عاق والدین قاطع رحم

و پیری که زنا کند و متکبر و حضرت سجاد مردی را دید که بر پدر خود تکیه داده راه میرفت پدر او
غضب شد و با او حرف نزد تا از دنیا رفت و هم از ایشان مرویست که از جمله حقوق
والدین آنست که مصاحبت با ایشان را نیکو کنی و نگذاری که ایشان از تو چیزی سوال کنند
اگر چه مستغنی باشند بلکه مترصد احوال ایشان باشی و آنچه گمان کنی که چیزی میخواهند پیش
از سوال مهیا کنی و اگر ترا برنجانند اف نکنی و برنجانند رنجانی بلکه دعا کنی و آمرزش طلبی
و بسیار نگاه بروی ایشان نکنی مگر از روی رحمت و مهربانی و آواز بر ایشان بلند نکنی و
دست بالای بلند نکنی و پیش روی ایشان نروی و نه نشینی و ایشان را بنام نخوانی و برای
ایشان دشنام نیاری و در همه حال اطاعت ایشان کنی مگر در معصیت خدا و در اینحال نیز
مدارا کنی و اگر ترا امر کنند که از اهل و مال بیرون روی بروی و اگر از دنیا بیرون رفته باشند
نماز و روزه و حج و صدقه و غیر آن از واجبات ایشان ادا کنی و ثواب آن بایشان هدیه کنی و هر چه کنی
مثل آن نیز برای تو ثبت شود و کسی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسید که آیا
هیچ چیز جزای حق والدین باشد فرمود هیچ چیز جزای آن نباشد مگر آنکه بنده باشد
بخری و آزاد کنی و اگر دین داشته باشند ادا کنی و همان حضرت فرمود گاه باشد که
کسی در ایام حیوة والدین با ایشان بر باشد و بعد از مردن دین شان را ادا نکند
و از برای ایشان استغفار ننماید حق تعالی او را عاق نویسد و گاه باشد که در حیوة
ایشان عاق باشد بعد از فوت دین شان ادا کند و طلب آمرزش از برای ایشان
نماید بر نوشته شود و کسی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله معروض داشت که پیش از
آنکه باسلام مشرف شوم دختری داشتم چون بحد بلوغ رسید روزی او را زینت کرده بر سر چاه

بردم و در

بردم و در چاه افکندم آیا کفاره داشته باشد حضرت فرمود مادرش زنده است گفت نه فرمود
خاله دارد گفت آری فرمود برو با او نیکی کن که بمنزله مادر است تا کفاره آن شود و هم از ایشان
مرویست که هر چه از بر والدین بر او لازم است باید با فرزند چنان سلوک کنند که با
بر باشد با ایشان چنان نکنند که سبب عقوق شود رحمت خدا بر والدین که فرزند را بر بر خود یاری
دارند و لعنت خدا بر والدین که فرزند را بر عقوق خود وادارند

فصل پنجم در صله رحم

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که از جمله حقوق دین صله رحم است
اگر چه یکساله راه باشد و اگر چه بشربت آبی باشد و یا بسلامی باشد هر کسی چیزی دارد و درود که صله
رحم کند بهر گامی چهل هزار حسنه نویسند و چهل هزار سیئه محو کنند و چهل هزار درجه بلند
کنند و اجر صد شهید نویسند و چنان باشد که صد سال عبادت کرده باشد و صله رحم
دفع کند بلیه را و حساب قیامت را آسان کند و خلق را نیکو کند و بخل را سخی گرداند و روزی
را زیاد کند و اعمال را پاکیزه گرداند و سبب معموری دیار گردد و زیادی عمر باشد تا آنکه گاه باشد
که عمر کسی سه سال باشد چون صله رحم کند سی و سه سال جنین بالعکس و رحم بعرش آویخته باشد
و میگوید خدایا مرا وصل کن برحمت خود و هر کس مرا قطع کند تو عمر او را قطع کن و در قیامت
رحم و امانت در دو جانب صراط ایستند چون واصل رحم شود و هم از امانت بگذرد داخل
بهشت شود و چون قاطع رحم و خاین امانت گذرند سرازیر در جهنم افکنند و بسا باشد که جمعی
همه فاجر باشند چون باهم مواسات کنند و صله رحم نمایند مال شان بسیار و رزق
شان واسع گردد و اگر همه نیکان باشند چون از هم مفارقت کنند و ترک یکدیگر نمایند
پریشان گردند و بلا در میان شان شایع شود و کسی بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله

رفته عرض کرد که خویشان من با من بدی کنند و دشنام دهند میخواهم ترک ایشان کنم فرمود اگر
این کار کنی خدا همه شما را ترک کند و از رحمت خود قطع کند کسی بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام
آمد و از اقربای خود شکایت نمود فرمود تو مدارا کن و صلت نما گفت هر چند مهربانی کنم ایشان بدی
بیشتر کنند فرمود میخواهی تو هم مثل ایشان باشی تا خدای تعالی بر هیچ کدام رحم نکند دیگری بخدمت
آنحضرت آمد عرض کرد که از برادر زاده کان و عمزاده کان که خانه بر من تنگ کرده اند فرمود صبر کن
که خدا ترا از ایشان نجات دهد راوی گفت وبائی آمد همه ایشان را هلاک کرد پس بخدمت حضرت
رفتم و حکایت معلوم آنچه بر ایشان گذشت فرمود جزا آنست که با تو میکردند حالا اهل بیتش گفت کاش
که نمی مردند و با تو همان رفتار و بدی میکردند گفتم بلی بخدا ار تو کردم و نیز مرویست که هیچ گامی
برداشته نمی شود در پیش خدا دوستتر از دو گامی یکی گامی که صف کشیده باشد در راه خدا
دویم قدمی که بصله رحم رفته باشد **فصل ششم** در حق جوار مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که از ما نیست کسی که همسایگی خود را بخوبی نکند با هم سایه عمر را زیاد کند و رزق
را زیاد کند و سبب آبادانی باشد هر کس ایمان و روز قیامت دارد باید همسایگی خوب کند
و مهمان را گرامی دارد هر کس همسایه سیر بخواند و نیازارد خدای تعالی خطاهای او را بیامرزد
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فرمود که آنقدر جبرئیل در خصوص همسایه سفارش نمود که گمان کردم همسایه
وارث میشود و نیز فرمود ایمان بمن ندارد کسیکه شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد
و حضرت صادق فرمود که حضرت یعقوب در مناجات گفت بار خدایا بر من رحم نمیکنی چشم مرا گرفتی و
پسر مرا گرفتی خدای تعالی وحی فرمود که اگر ایشان مرده باشند زنده میکنم اما تو یاد داری که در فلان
روز گوسفندی کشتی و خوردی و همسایه تو روزه بود باو بخش نکردی بعد از آن منادی حضرت یعقوب تا
یکفرسخ

یکفرسخ ندا میکرد که هر که گرسنه باشد در خانه یعقوب بیاید و حضرت موسی فرمود که
همسایه داری همین نیست که او را نرنجانی بلکه باید آزار بکشی هر که یکوجب زمین با همسایه خیانت
کند حق تعالی آنرا تا هفتم زمین طوق کرده در گردن او اندازد و هر که همسایه بوی بهشت بر
وی حرام گردد و هر کس در مایحتاج خانه همسایه دریغ کند خدا خیر و فضل خود را از او دور گرداند در دنیا
و آخرت و او را بخود واگذارد و هیچ عذر او را قبول نگرداند و اگر همسایه چیزی گیرد و ضایع کند بتواند
دیگر ندهد **فصل هفتم** در الفت و محبت و زیارت مؤمنان مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که ای معاشر مؤمنان با هم الفت نمائید که خیر نیست در کسی که الفت نکند و با او الفت نکنند
گروهی که بجهت رضای خدا با هم دوستی کنند روز قیامت در زمینی از زبرجد سبز و در سایه عرش
خدا از جانب راست بر منبرهای نور نشینند و روی ایشان از آفتاب روشنتر باشد هر کس
محبت و بغض و عطا و منعش برای رضای خدا باشد در قیامت از اصفیا باشد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله روزی از اصحاب سؤال نمود که محکم ترین عروه های ایمان کدام است
بعضی گفتند نماز برخی روزه و جمعی زکوة و جهاد حضرت فرمود هر یک از اینها را اجریست
عظیم اما چنان نیست که گفتید بلکه دوستی و دشمنی برای رضای خدا و تولی با اولیاء الله
و تبری از اعداء الله و چون دو مؤمن باهم ملاقات کنند آنکه دوستی بیشتر است اجرش عظیم
تر است و هم از ایشان مرویست که ای مؤمنان با هم الفت کنید و همدیگر را زیارت کنید
و همدیگر را زیارت کنید و ذکر خدا و فضایل ما گوئید و با احادیث ما صحبت بدارید که موجب
حیات دل و دین شما باشد و هیچ چیز دل ابلیس و جنودش را آنقدر در دنیا درد
که زیارت مؤمنان آورد و هر قدر مؤمنین جمع شوند همان قدر ملائکه با ایشان اجتماع

نمایند پس اگر دعا کنند آمین گویند و اگر شری استعاذه کنند دعا کنند و اگر حاجتی خواهند شفیع شوند
و چون مؤمنی برای رضای خدا نه بجهت غرض دنیا برای زیارت مؤمن از خانه بیرون رود بهر گامی که
بردارد حسنه ای در نامهٔ اعمالش بنویسند و سیئه محو کنند و درجه بلند گردانند و ملکی موکل گردانند
تا او را بخانهٔ خود رساند اگرچه یکسال راه باشد پیوسته با او گویند خوش باشد ترا بهشت و چون
در خانه بکوبد حق تعالی متوجه ایشان شود و بایشان با ملائکه مباهات نماید و فرماید ملائکه ببینید
این دو بندهٔ مرا که برای من چون با هم ملاطفت و شگفتگی نمایند بر من لازم گردید که ایشان را
عذاب نکنم و چون داخل خانه شود فرماید که ای بندهٔ من حق تعظیم من و سنت پیغمبر مرا بجا آوردید
هرچه خواهید از من سؤال کنید که اجابت فرمایم هرچند اگر نکنید من ابتدا میکنم و چون مراجعت کند
بعدد هر نفسی که کشیده و بهر گامی که برداشته و کلمه که گفته ملائکه را گفته ام که برای تو تا سال
آینده استغفار کنند و ترا از بلاها حفظ کنند و چون داخل خانهٔ خود گردد حق تعالی فرماید ای
بندهٔ من بهشت را بر تو واجب گردانیده ام و ترا شفیع بندگان خود کرده ام و حق تعالی را
بهشتی است که با آن داخل نشود مگر سه کس یکی از خود انصاف دهد و کسی که زیارت برادر
مؤمن خود کند برای رضای خدا و کسی که در حضر مؤمن را بر خود اختیار کند و زیارت کردن مؤمن
برای رضای خدا بهتر است از ده بنده آزاد کردن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود کسی
که میان شما و بصره چند روز است گفت که اگر از راه دریا و موافق باشد پنج روز راه است و از خشکی
هشت روز راه است فرمود البته برادران را ببینید و عهدها تازه کنید که روز قیامت هر کس که خواهر
در کار است که شهادت بر دینش دهد و اگر مؤمنی بقصد زیارت برادر حاجتی بخانهٔ کسی رود و او در خانه
باشد و اذن ندهد در لعنت خدا باشد تا وقتی ملاقات هر کس میان خود و مؤمنی حجابی و مانعی گردد

و هر از لا

خدای تعالی میان او و بهشت هفتاد هزار باره نصب کند که هر باره هزار ساله راه باشد
و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود شیطان میان مؤمن نزاع و فساد اندازد پس
رحمت کند کسی را که در میان دو دوست الفت اندازد و حضرت صادق علیه السلام فرمود میان
دو کس اصلاح کنند دوست تر دارم از آنکه دو دینار طلا تصدق کنند و نیز فرمود که چون دو کس از
هم از هم رنجش کنند هر دو مستوجب لعنت شوند که خدا را فراموش کرده اند شاید یکی مظلوم باشد
فرمود باید تقصیر را خود متحمل شود و عذر خواهی کند و نگذارد که بکدورت مفارقت کنند هر هفته هر روز
مقرر است که اعمال عباد را بر خدا عرض کنند چون میان دو کس رنجش و عداوت باشد اعمال ایشان را
واگذارند تا وقتی که صلح کنند و چون دو کس سه روز از هم هجرت کنند و صلح نکنند ولایت اسلام
در میان شان بر طرف شود روایت دیگر آمده که هر کس سه روز هجرت کند و رنج با او داشته
باشد هر کدام سبقت کند باسلام که اوست کس در اصلاح میان مردان و زنان سعی کند اجر آنرا شهید
یابد و بهر گامی که در این خصوص بردارد عبادت یکساله در نامهٔ عمل او نویسند با روزه روزهای
و قیام شبها **فصل هشتم** در آداب ملاقات و مجالست روایت از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که شما را دست مال بر مردم بر نیاید لیکن بگشادگی و طلاقت وجه ملاقات کنید سه صفت است
که هر کس یکی از آنها متصف شود بهشت او را واجب شود طلاقت وجه و انصاف و جود
در پریشانی و نیز مرویست که اصطناع و حسن بشر موجب دخول بهشت است و محبت
بخل و عبوس موجب دخول نار و دوری از خداست و اول ملاقات سلام است و مرویست
که اگر کسی پیش از سلام حرف زند جوابش نگوید و چون برادر ملاقات کنید میان ایشان هشتاد رحمت
قسمت شود شصت و نه از آن کسی است که ابتدا کند و یکی از آنکه جواب دهد و اگر کسی

دو کس از ایشان سلام کند چنان است که بنده آزاد کند و سنت است افشای سلام که بهر کس رسد
سلام کند اگرچه ظالم باشد که سلام خدا الطاف امان رسد و بخیل ترین مردم کسی است که در
سلام بخیلی کند مروی است که شبها مردم در خوابند برخواسته نماز کنید و با مردم ملایمت
رفتار کنید و افشای سلام کنید تا بسلامت به بهشت روید و هر کس در سلام غنی را بر فقیر
اختیار دهد مستوجب غضب خدا باشد و سلام را بلند باید گفت تا بشنوند و نگوید که سلام
کردم جواب نگفتند شاید که نشنیده باشد و چون جواب گوید باید بلند گوید تا نگوید جواب
نگفتید و هر کس سلام علیکم ده حسنه بنویسند و اگر ورحمة الله نیز اضافه کند سی حسنه روایت است
که دعای عطسه و دعایی که کسی را کند بصیغه جمع بگوید اگرچه یک کس باشد بلکه جمعی از ملائکه
باشد و چون بر ملائکه سلام کنید و ایشان جواب گویند و کسی که ملک او سلام کند از علامات
خدا سلامت باشد مثلا السلام علیکم ورحمة الله و عافاکم بگوید ادب است که سواره بر پیاده
و اسب دار بر اشتر سوار و اشتر سوار بر الاغ سوار و ایستاده بر نشسته و صغیر بر کبیر و قلیل بر کثیر
سلام کند بر چند کس نباید کرد شراب خوار و صاحب شطرنج و نرد و بر مجالس فسق و مخنث و شاعر
که زنان عفیفه را هجو کند و ربا خوار و کسی که مشغول قضای حاجت باشد و زنان در نماز باشند
و چون سلام یا تحیتی دیگر کنند مستحب است که تلافی آن از آن باشد اقلش اینکه همین قدر
تلافی کند و چون سلام علیکم گوید احسن از آن است که ورحمة الله اضافه کند و اگر آن نیز
گفته باشد وبرکاته نیز اضافه کند و اگر او نیز بگوید همین را نیز تنها بگوید و روایتی نیز دیگر آمده
که در این صورت علیک نیز تنها بتوان گفت اما زیاده مخالف سنت است مروی است که کسی
بحضرت امیر المومنین علیه السلام سلام کرد بلفظ مغفرت و رضوان را افزود حضرت او را فرمود

اگر از کسی

اگر از کسی سلام رساند جواب بگوید علیک و علیه السلام و اکتفا به علیه السلام نیز مجزی است
مروی است که جواب کتابت مثل جواب سلام است و واجب است و معنی جواب سلام آنست
که تو از من بسلامتی و با خدای تعالی عهد کردم که غیبت تو نکنم و عیب تو نگویم و چون دو مومن
باهم ملاقات کنند و مصافحه کنند گناهان هر دو بریزد مانند برگ از درخت و خدای تعالی
ایشان را نظر کند تا آنکه از هم جدا شوند و صد رحمت بر ایشان فرستد نود و نه از
آن باشد که محبتش بیشتر باشد و خدای تعالی با او مصافحه فرماید زانکه محبت بیشتر کند و دست
بیشتر نگاه دارد و اجر بیشتر باشد و حد سلام و مصافحه در اول ملاقات است بعد از آن یعنی
اگرچه بر دور درختی گردد یا چند قدم از هم جدا شوند مروی است که تحیت برای مقیم و تمام تسلیم
بر مسافر معانقه است و چون مومن معانقه کنند رحمت ایشان را فرا گیرد و چون در پیش توقف
و بنشینند و غرض دنیوی در میان شان نباشد ملکی ندا کند که گناهان شما آمرزیده
شد و اعمال شما از سر گرفته شد و اعمال را از سر گیرید و چون شروع در گفتگو کنند ملائکه حفظ با هم
گویند باید بکنار رویم شاید ایشان را با هم سری باشد اگر خویشان مومنان یکدیگر را
بوسه کنند باید روی هم بوسه زنند و بوسه بر لب نشاید مگر پیغمبر یا وصی او را و دست
بوسیدن نشاید مگر پیغمبر یا وصی او و از روایت دیگر آمده که دست کسی بوسیدن
چنان است که او را سجده کنند و هر که در مجلس پایین تر در مکانی کمتر از رتبه شرف خود راضی شود
خدا و ملائکه بر او صلوة فرستند تا به و صلوة فرستند تا وقتی که برخیزد مرویست که چون
بخانه کسی روید هر اکرامی کنند قبول کنید مگر بالانشینی را و روایت دیگر آمده که هر جا
صاحب خانه گوید بنشینند که او عیوب خانه خود را بهتر میداند و توفیق میان این دو حدیث

و الله اعلم ثم الراسخون فی العلم باین قرآن کرد که اگر معلوم باشد که غرض صاحب خانه به تکلف است
قبول نباید کرد و گرنه اطاعت باید کرد چنانچه لفظ اکرام شعر است بر آن و بهترین مجالس است
که رو بقبله باشد مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بسه هیئت می نشست
یکی دو زانو دویم آنکه ساقها را از زمین بردارد و دستها را از پیش گذرانیده بر ساعد گیرد
سیم آنکه یکپا را بر سر پای دیگر گذارد و احادیث متعدده آمده که ائمه طاهرین باین هیئت
نشسته بودند که کفی این هیئت و این وضع نشستن کرده است و مقصود این قول بود
که میگویند خدای تعالی چون از خلقت آسمان و زمین فارغ شد چنین نشست که از جهت
کند من برای ملال چنین نشسته ام و خدا را ملال نمی باشد و مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله مربع می نشست و میفرمود که حق تعالی مربع نشستن را دشمن میدارد و مرویست
که اگر باهیود دام نشینی کند درست و نیکو نشیند و چون کسی داخل مجلس شود تعظیم کنید و
جا کشاده کنید که تعظیم در مجلس برکت است و در وقت رفتن تعظیم مکنید مثل عجم و در تابستان
میان دو کس در نشستن مقدار یک زراع فاصله باید گذاشت که گرما آزار نکند اگر در
اثنای حرف مؤمن در آید چنان است که روی او را خراشیده باشد و هر کس در وقت
نشستن بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ صَلَّی اللهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بگوید
حق تعالی ملکی را موکل گرداند که در آن مجلس او را از غیبت کردن حفظ کند و اگر در
وقت برخاستن بگوید برای اهل مجلس موکل امو کل فرماید که ایشان را از غیبت کردن
منع فرماید و هر کس در وقت برخاستن از مجلس بگوید سُبْحَانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّةِ
عَمَّا یَصِفُوْنَ وَ سَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِیْنَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
کفاره

کفاره آن مجلس باشد و بعد هر سلی او را حسنه باشد و خدای تعالی بزرگترین
کیلها ثوابش را کیل کند فصل نهم در سکوت کلام مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که سکوت بابیست از باب حکمت و سبب محبت و دلیل هر خیر است
و شیعیان ما لال باشند و کسی حقیقت ایمان را نشناسد تا زبان را از لغو
بندد و نجات مؤمن در حفظ زبان است و زبان کلید هر خیر است و شر پس زبان را
مهر کنید همچنانکه زر و مال را حفظ مهر کنید و مؤمن تا ساکت است محسن نوشته شود
چون حرف زند محسن باشد یا مسی و هر کس کلام را از جمله اعمال خود نشمرد در عمل او
خطا بسیار باشد و بمذاهش مهیا باشد هر کس کلام خود را از جمله اعمال نشناسد حرف
زند مگر آنچه نافع باشد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بمردی گذشت که حرف های لغو بی
فائده میگفت حضرت فرمود هر چه میگوئی اینها ملکین می نویسند و بر خدای تو عرض میکنند
ترک بیهوده گفتن کن و سخنی کن نفعی در آن باشد و شرم دار از آنکه چون نامه عمل
ترا در پیش خداوند تو برند این نوع سخنان در او باشد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بکسی گفت
خواهی چیزی ترا تعلیم کنم که با آن داخل بهشت شوی گفت آری فدایت شوم فرمود سخاوت
پیشه کن عرض کرد شاید من محتاج تر باشم فرمود مظلوم را نصرت کن گفت شاید من عاجز
تر باشم فرمود جاهلان را هدایت کن عرض کرد شاید جاهل تر باشم فرمود زبان را بند
کن از خیر بعد از آن فرمود نمیخواهی یکی ازین صفتها در تو باشد که ترا به بهشت برد
و همان حضرت فرمود خدای تعالی زبان عذابی کند که هیچ عضو را نکند چه باشد
کلمه از زبان جاری شود که در مشرق و مغرب پهن شود خونها بآن ریخته شود و فرجها به

حرمت شود و سخن گفتن نیکو افضل است از خاموشی هر کس زبانش راست گوتر باشد
عقلش پاکیزه‌تر باشد مردی است که بنماز و روزه و طول رکوع و طول سجود مردم فریفته شوید
که بسا باشد عادتی باشد که ترکش موجب وحشت باشد بلکه قدر عقل و صدق سخنش را
و ادای امانتش را ملاحظه نمائید و در روایت است که بسا بنده که آنقدر راست گوید که حق تعالی
او را از صدیقین نویسد و بسا بنده که آنقدر دروغ گوید که از کذابین نوشته شود و هیچ
بنده لذت ایمان نیابد مگر آنکه ترک دروغ و هزل کرده و دروغ ایمان را خراب
کند و خدای تعالی هر شر را قفل زده و کلید همه آنها شراب را کرده و دروغ گو بدتر از شراب
خوار است و در روز قیامت از هر کذب سوال کنند مگر از سه کذب یکی آنکه در معرکه
جهاد با خصم گویند و یکی آنکه در معرکه جهاد با خصم گویند و یکی آنکه برای اصلاح میان دو نفر
گویند سیم آنکه کسی با اهل وعده کند و با آن وفا نکنند و چون کسی گوید لله که خدا از
فلانی را نیامرزد خدای فرماید کیست که از جانب من قسم بیجوز داد او را نیامرزم و عمل این را
باطل کردم و اگر کسی را لعنت کنند یا شهادت بر کفرش دهند چنان باشد که او را کشته باشد
و اگر نکوهیده بر کرده و اگر مؤمنی را بخشد گوید خدا برکت از قوتش بر دارد و مدارش را فاسد گرداند
و نظر رحمت از او بردارد و اگر در روی مؤمن طعن کند بدترین وجهی بمیرد و سزاوار آن
است که نیکو نگردد و بهشت حرام است بر هر فحاش بی حیا که پروا نکند از هرچه گوید یا در گویند و در دو
که چنین کسی را اگر تفتیش کنی ولد الزنا باشد یا شریک شیطان باشد و خدای تعالی دشمن
دارد فحاش سخت گو را و بدترین کسی باشد که از ترس زبانش ترسید منزلش در آتش
باشد و بدترین ناس کسی است که طعام خود تنها خورد و مملوکش را بسیار زند و بدتر

از دکی آن

از و کسی است که خیرش امید دارد و از شرش ایمن نباشی و بدتر از و کسی است
که چون کسی مثل او مذکور شود لعن کند و چون او مذکور شود لعنش کنند و حضرت صادق
علیه السلام را دوستی بود که هرگز از خدمت آنحضرت مفارقت نمی نمود روزی در خدمت آنحضرت
راهی میرفت و آنمرد غلامی همراه داشت چند مرتبه بعقب نگاه کرد و او را ندید مرتبه دیگر نگاه کرد و غلام
آمد غلام آمد گفت ای ابن الفاعله کجا بودی و چرا دیر کردی پس حضرت دست بر روی مبارک زده فرمود
مادرش را دشنام میدهی تو خود را متورع مینمودی گفت جعلت فداک مادرش مشرک است
فرمود ندانستی که هر قومی در میان خود نکاحی دارند که خود را از زنا باز میدارند و دورش
از من راوی گوید که دیگر او را در خدمت آنحضرت ندیدم تا از دنیا رفت و خدای تعالی
دوست دارد مزاح را که فحش در او نباشد و مزاح از حسن خلق است و سبب سرور مؤمنان است
و کثرت مزاح تا آنکه متضمن فحش یا کذب یا استهزا مجملا متضمن قبیح و باطلی باشد
وقار و آبرو و نور ایمان ببرد و موروث استخفاف و ذلت باشد و سبب بغض و کینه شود گاه باشد
که کسی کلمه گوید که مردم را بخنداند و بقدر ما بین زمین و آسمان او را از بهشت دور گرداند
و در دوزخ اندازد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود وای بر کسی که دروغ گوید تا مردم
را بخنداند بعد از آن سه مرتبه فرمود وای براو و کثرت ضحک دین را بگدازد چنانکه آب نمک
را و آبرو ببرد و در روایت دیگر آمده که هر کس یک مرتبه خنده کند یک دهن از عقلش تف کند و حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که کسی که خنده کند بعبثش بسیار باشد روز قیامت گریه‌اش
بسیار باشد و بلکه کسی که از بیم گناهان گریه‌اش بسیار باشد در بهشت خنده و سرورش
بسیار باشد و فرموده صاحب علم را سزاوار شرم نداری از خنده‌ها و ندان ما که بسیار گفته

از سیئات این مباش از کمین حادثات **فصل دهم** در اکرام و توقیر مؤمن مروی است
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کسی مؤمن را اکرام کند روی شیطان را خرد
کوفته است و هر کس بروی مؤمنی تبسم کند برایش حسنه ثبت شود و اگر کثافتی بردارد ده
حسنه نویسند و اگر بمؤمنی بگوید مرحبا خدای تعالی تا روز قیامت برایش حسنه نویسند
و اگر با او بنحوی ملاطفت کند از خدام جنت عطا فرماید و اگر کلمه بگوید موجب سرور مؤمن
باشد در سایهٔ رحمت باشد و اگر کثافتی از روی مؤمن بردارد و اجر چهارصد آیه از
قرآن یابد که هر حرف از آن ده حسنه است و اگر مؤمنی را مجلس یا متکا یا طعام یا جای یا
سلام یا غیر آن ملاطفت یا اکرام کند بهشت از جا در آید که مکافات آن کند پس خدای تعالی
فرماید من نعمتهای ترا باهل دنیا تمام اکرام نمودم که [illegible] وصی و چون روز قیامت شود فرماید
امروز اولیای مرا مکافات کن پس حور و غلمان از بهشت بیرون آیند در دست ایشان نعمتهای
گوناگون سرهای آن بار پوشهای از لؤلؤ و جواهر پوشیده چون بهشت و نعمتهای
آن ببینند عقل شان پرواز کند و چون جهنم را ببینند از هول آن دست نتوانند دراز کرد
پس از جانب عرش ندا آید که بخورید که هر کس طعام بهشت بخورد آتش دوزخ بروی حرام شود پس دست
دراز کرده تناول کنند و هر کس جمعی از مؤمنان را خدمت کند با آن عدد از خدام جنت عطا فرماید
و خادم مؤمنان در طاعت خداست و وحشت او در قبر گذرد تا ملکه پیش خدای بر تو و آنجا باشد
تا روز قیامت و هر کس مؤمن سفید ریش را تعظیم و توقیر کند از فزع اکبر ایمن گردد و اگر
با او استخفاف کند خدای تعالی کسی را با او موکل گرداند که با او استخفاف رساند حضرت پیغمبر فرموده
از امانت کسی که بزرگ ما را ترحم و توقیر نکند هر کس مؤمن فقیر یا غیر فقیر را تحقیر کند خدا او را تحقیر
کند هر کس

کند هر کس مؤمن فقیر را بسبب فقرش تحقیر کند خدا او را رسوا کند **فصل یازدهم** در سرور مؤمن
و قضای حاجت ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هیچ کس عبادت
خدا نکرده بچیزی افضل از سرور مؤمن که او را دلخوش کند یا گرسنه اش را سیر کند و سرور
کرده خدای تعالی او را در روز قیامت مسرور گرداند چنان که خدا و پیغمبر و ائمه هدی را مسرور
کرده اند و همچنین اگر مؤمنی را آزرده کند ایشان را آزرده باشد سرور مؤمن را هزار هزار
حسنه باشد و خدای تعالی در مناجات بحضرت موسی فرموده که هر کس مؤمن را مسرور کند
من او را حاکم گردانم در بهشت و رسول خدا فرموده که دل مؤمن عرش خداست هر که
دل مؤمن را خوش کند خدا فرشته خلق کند هزار بدن داشته باشد و در هر بدنی هزار سر
و در هر سری هزار رو و در هر روی هزار دهن و در هر دهنی هزار زبان هزار لغت و در
هر لغتی هزار قسم خدا را تسبیح کند و استغفار نماید تا روز قیامت و مرویست که مؤمنی
در مملکت جباری بود و از جور او گریخته بدیار اهل شرک رفته مشرکی او را بخانهٔ خود برده
مهمانی کرد و چون از دنیا رفت خدای تعالی فرمود اگر مشرکی نمی بودی ترا در بهشت جا
میدادم اما بهشت بر مشرکان حرام است آتش دوزخ را امر کند که او را بترساند و
بیازارد اما نسوزاند و هر صبح و شام رزقش را از بهشت آورند گفتند از بهشت آید فرمود
از هر جا که خدا خواهد هر که دفع مضرتی از آب یا از آتش از مؤمنی کند حق تعالی بهشت را از او
واجب گرداند هر غمی و المی از مؤمنی بردارد حق تعالی [illegible] رحمت برایش نویسد
که بعضی دنیا را در دنیا تعجیل کند در امورات مدار و معاش شما را در امورات آخرت
هر حاجتی از مؤمنی بر آورده گرداند حق تعالی هزار حاجتش را بر آورد در دنیا و آخرت

که سهل ترین آنها آنست که او و تمام اقربا و کسان و خویشان او را داخل بهشت کنند
و قضای حاجت مؤمن بهتر است از آنکه ده بنده آزاد کند و هزار اسب کجاوه فرستند
و بهتر است از بیست حج که هر حجی هزار درهم خرج کرده باشد و حال آنکه در روایات آمده
که یک طواف کعبه شش هزار حسنه بلند شود و شش هزار درجه بلند گردد و قضای حاجت مؤمن
افضل است از ده هزار چنین طواف هر کرا حاجت مؤمنی رسد و بر قضای آن قادر
نباشد و از این جهت دلگیر شود حق تعالی بسبب آن دلگیری او را بهشت عطا فرماید هر که
حاجت مؤمنی را برآورد حق تعالی بر چندین نفر از همسایه‌ها و دوستان و آشنایان
و اقربا شفیع گرداند و بهر گامی که کسی از برای حاجت مؤمن بردارد ده حسنه نوشته شود
و همان قدر درجه بلند گردد و همان قدر سیئه محو گردد و در روزی حضرت امام حسن ع
در اعتکاف بود مردی آمد از کسی شکایت کرد و التماس نمود که برای من گفتگو کن حضرت
برخواست و روانه شد کسی گفت یابن رسول الله مگر فراموش کردی که اعتکاف داری
حضرت فرمود فراموش نکردم اما کسی که سعی در حوایج مؤمنی کند چنان است که نه هزار سال
عبادت کند که روزها روزه داشته و شبها بنماز برخواسته و حق تعالی هشتاد هزار
غم و غصه از وی بردارد و برایش عتق رقبه نوشته شود و ملایکه بر او صلوات فرستند و هر
کس حاجت مؤمنی را کفایت کند حق تعالی او را برات از آتش جهنم عطا فرماید و هر که قادر بر
قضای حاجت مؤمنی باشد و نکند حق تعالی در قبر مار عظیم بر او مسلط گرداند که او را بگزد تا روز
قیامت بعد از آن اگر خواهد ببخشد و الا عذاب کند و اگر صاحب حاجت او را معذور
دارد حق تعالی در بدی حالش او را معذور دارد هر که حاجت مؤمنی را از خود یا از دیگری
منع نماید

منع نماید روز قیامت ازرق چشم و دستها در گردن بسته محشور گردد پس چون او را
ببینند گویند این کسی است که با خدا و رسول خیانت کرده و حق تعالی ملائکه را بفرماید که با بند ... و منع
سلوک کرده اند بتجلی عظمت و جلال من که در بهشت با او مسکن و مأوا ندهم فصل دوازدهم در
رذایل معاصی و مناهی بر سبیل اجمال مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در هر
جا بکم هذا استخفاف و بی حرمتی نماید حق تعالی در روز قیامت باو نظر نکند و حق تعالی در دلها
نوری آفریده و چون کسی گناهی کند ظلمتی در دل او پیدا شود و اگر توبه کند آن ظلمت زایل
گردد و آن نور عود کند و الا امر تبه بمرتبه آن ظلمت زیاده گردد تا آن نور را بیکبار زایل گرداند
نعوذ بالله دیگر چنین کسی دل نورانی نگردد و بسا باشد که بنده گناهی کند حق تعالی گوید
بتجلی عظمت و جلال خود که دیگر او را نیامرزم و بسا باشد که بجهت یک گناه حق تعالی در تنگنا
بنده را صد سال حبس کند و اهل و عیال و دوستان و آشنایان او در روضات بهشت
در عیش و راحت و نعمت باشند و او در افسوس باشد هر که ترک فریضه یا ارتکاب کبیره کند
که اطاعت شیطان کرده با آن شیطان در جهنم باشد هر که حکم حلال و حرام قرآن را برای محبت
و شهوت دنیا مخالفت آن کند مستوجب سخط گردد با یهود و نصارا در یک درجه باشد خانه
که در آن معصیت کنند لازم است بر حق تعالی که آن را خراب کند و معصیت موجب و مورث
فقر و حرمان رزق شود و زوال نعمت و کوتاهی عمر و خرابی بلاد و زلزله و طاعون و قحط و غلا
و انقطاع باران و ظلمت هوا و سایر مکاره و بلایا شود و مورث علل و امراض و اوجاع
و اسقام و حسرت و ندامت شود و تسلط اعدا و کمی آب رودها و چشمه‌ها و آفات
زراعت و باغها و زیان تجارات و معاملات گردد و رد دعا کند و بسا باشد

که بنده دعا کند حق تعالی تعجیل در اجابت آن فرماید پس بنده معصیت کند و خدای تعالی فرماید
که بنده متعرض غضب من شد محرومش کنید و حاجتش بکنید و اگر معاصی شایع شد
ابرار و اخیار دعا کنند مستجاب نشود و هر کدورت و تعب و مشقت که بآدمی رسد بعقوبت
گناهانش حتی اگر خاری در پا رود و اگر رگی در اعضا جهد که اکثر از گناهان رحمت خدا
عفو شود مگر اولیاء الله که بلایا بر ایشان برای زیادتی ثواب درجات است هرچند که
اراده خیری و رحمتی با بنده داشته باشد هرگاه گناهی کند در عقب آن بعقوبتی به
خبردار گرداند تا توبه و انابه و استغفار کند گناهانش را بیامرزد و اگر با بنده اراده غضب
و عذاب داشته باشد او را استدراج کند یعنی نعمتهای پی در پی نوازش نماید تا درجه
درجه و مرتبه مرتبه گناهانش زیاده شود و مغرور گردد و استغفار و توبه و انابه را فراموش کند
کسی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام معروض داشت که چند مرتبه از خدای تعالی مسئلت نمودم
مستجاب شد میترسم استدراج باشد فرمود والله اگر حمد خدا کنی استدراج نباشد
چون خدای تعالی با بنده نظر رحمت داشته باشد عقوبات گناهانش در دنیا یا در سکرات
موت یا در قبر یا در عالم برزخ بحسب تفاوت مراتب گناهان پاک باشد حتی آنکه هم و غم
و کدورت و اندوهی او را رسد یا خوابی بیند که از آن غمگین شود گناهانش را بیامرزد
و اگر با کسی نظر غضب داشته باشد حسناتیکه کرده باشد در دنیا بنعمت و صحت
و غیر آن از نیکی مکافات فرماید و عقوبت گناهانش را بقیامت گذارد و بسا باشد
که مؤمنی گناه عظیم کند که مستوجب عقوبت آخرت شود خدای تعالی برای مصلحت او عقوبت
آخرت را نیز دنیا کند و گاه باشد که در دنیا مصایب و بلایا را بعد از آنکه مقدر شده دفع
نماید و دفع

و نباید ثواب آن بلایا را نیز ذخیره روز قیامت کند هیچ گناه را سهل و حقیر نباید انگاشت
مثل آنکه گوید گناه میکنم بعد از آن توبه میکنم یا گوید که کاش غیر ازین گناه نمیداشتم یا آنکه کاش همه
گناه من مثل این گناه میبود یا غیر آنکه گناه را حقیر دانستن و اندان گناه آمرزیده نشود و هیچ
طاعت قبول نشود و از کسی که اصرار بر گناه نماید هر گناه صغیره را که اصرار نماید کبیره شود و خدای
تعالی بر گناه هر بنده چهل پرده از رحمت پوشیده که کسی بر عیوبات بنده مطلع نگردد
و چون چهل کبیره کند پرده‌ها دریده شود پس خدای تعالی ملائکها فرماید که ببالهای خود عیوب بنده
را بپوشید چون گناه را حقیر دانسته توبه نکند حق تعالی فرماید که ای ملائکها بالهای خود را
بردارید پس در معرض انتقام آن بنده در آید و گناه بر سه قسم است یکی آنکه البته آمرزیده شود
و آن گناهی است که خدای تعالی در دنیا عقوبت آن کرده کریمتر از آن است که یک گناه
دو مرتبه عقوبت کند دویم مظالم عباد اگرچه بظلم دستی بر کسی زند یا حیوانی شاخ دار
بر حیوان بی شاخ زند که حق تعالی البته انتقام آن بکشد سیم گناهی که کسی بکند و از آن
گناه توبه کند امید رحمت از حق تعالی داشته باشد و حضرت امام فرمود ما نیز مثل شما از رد
میترسیم و امید مغفرت و عفو از او داریم و با اهل معاصی بعد از آنکه قادر بر دفع ظلم و آزار
ایشان از مردم نشوید با ایشان در یک مجلس ننشینید که مبادا عذاب و غضب بر ایشان
نازل شود و شما را نیز بگیرد حضرت امام یکی از اصحاب فرمود که برادرت فلانی دیدم آنجا که میگفتی
گفت او خالوی من است فرمود او معصیت خدا میکند یا باید ترک او کنی یا او گفت هرگاه او
کند من نکنم چه ضرر دارد فرمود نمیترسی که عذابی بر او نازل شود ترا هم بگیرد نمیدانی از مردی از
اصحاب موسی که پدرش از قوم فرعون بود چون فرعونیان بموسی رسیدند آن مرد آمد

و با همشیره و خواهر و سهل ترین آن آنست که با مادر خود زنا کرده باشد در خانهٔ خدا یا با خواهر
و دختر و عمه و خالهٔ خود زنا کرده باشد و هر کس از مال یتیم چیزی بخورد به عقوبت معذب شود یکی
در دنیا که ظالمی را بر اولادش مسلط گرداند دویم در آخرت که با آتش بسوزد و هیچ خانهٔ نیست
که خیانت و دزدی یا زنا یا خمر راه نیابد مگر آنکه برکت از آن خانه زایل گردد و خراب شود
هر که یک شربت مسکر بیاشامد چهل روز نمازش مقبول نشود و اگر بمیرد کافر مرده باشد و اگر در این
ایام توبه قبول کند قبول نشود و اگر دو بار بیاشامد از چرک و ریم که در جهنم از فرج زناکاران
میاید باو بیاشامند و اگر مداومت با آن کند مثل بت پرست باشد و شراب خوارهٔ
در روز قیامت روسیاه و ازرق چشم و دهنش کج شده و لعاب دهنش روان شده
و شعله با گشت پای محشر درآید بهیاتی که اهل محشر از و بترسند و رسول خدا
در شراب ده کس را لعنت کرده کسیکه حفظ آن کرده و کسی که افشرده و کسی که ساقیش
باشد و کسی که برای کسی ببرد و کسی که برایش ببرند و بایع و مشتری و کسی که قیمتش را بخورد
و فرمود که با شارب الخمر مجالست مکنید و دختر بدهید و از و مخواهید و امانت باو
مسپارید و عیادتش مکنید و بر جنازه او حاضر شوید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
پرسیده که مردی از محبان شما شراب میخورد فرمود بمیرد بر او نماز مکنید هر که شراب یا عرق
داخل عروق خود کند خدا تعالی سیصد و شصت قسم از عذاب کند هر که یک قطره شراب
یا مسکری بکودکی دهد خدا تعالی او را از حمیم جهنم بنوشاند و حمیم آبیست که چون ترکیب
آرند هنوز بلب نرسانیده ازو در پوست او را بسوزاند هر کس یک میل سرمه که شراب
یا مسکری در او باشد در چشم کشد حق تعالی یک میل از آتش در چشم او کشد هر کس

که پدر خود را بکشد کیفر آب دریا در رسیدن دو روز و روز قیامت حق تعالی جبل را در سوراخ
عذاب کند که چرا در مملکت اهل معاصی بیرون رفتی فصل سیزدهم در رزایل اهل معاصی و مسائل بسیل تفصیل و بیت
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر که آخرت را و دنیا میسر شود و اگر دنیا را اختیار کند خدا از و راضی
شود و گناهش را بیامرزد و از و خوشنود و اگر اختیار دنیا کند هیچ حسنه از وی قبول نشود اول
چیزی که سبب معصیت است شش چیز است حب دنیا و حب ریاست حب طعام حب خواب حب راحت
و حب زنان و گرگ درنده در پی رمه اینقدر ضرر نکند که محبت کند ملعون کسی که طالب جاه و بزرگی
کند و هر که اراده آن کند و حضرت عیسی در قریه گذشت که همه و دواب و طیور آن هلاک گشته
بودند و همه دفن نگشته بودند آنحضرت بر بلندی برآمده بامر خدا بایشان صدا زد و یکی جواب
داد فرمود اعمال شما چه بود که چنین هلاک گشتید گفت حب دنیا و اطاعت اهل معاصی و طول امل و خوف
قلیل و غفلت از خدا و شغل لهو و لعب فرمود عاقبت شما چه بود گفت در عین راحت و نعمت بودیم
که ناگاه خود را در هاویه دیدیم فرمود هاویه چیست گفت کوههای آتش که بر ما برافروخته اند هر چند اززار
و عجز کنیم که یکبار دیگر ما را بدنیا فرستند تا زهد ورزیده طاعت کنیم قبول نمیکنند فرمود چرا دیگری
جواب نداد گفت همه را با آتش لجام زده اند که سخن نتوانند کرد و من در میان ایشان بودم اما از ایشان
نبودم را بموی در جهنم آویخته اند نمیدانم خواهم افتاد یا نه هر که مال حرام کسب کند یا لقمهٔ حرام
بخورد یا جامهٔ حرام بپوشد هیچ عمل او مقبول نگردد نه فریضه و نه نافله هر کس از حرام معذور شود
و از ترس خدا بگذرد خدا او را نگاه دارد و رحمت خود را شامل حال او کرداند و او را از اهل
بهشت گرداند و ترک لقمهٔ حرام بهتر است از هزار رکعت نماز و در دیدگاه انکار بهتر است یا
هفتاد حج مقبول و خدا تعالی لعن کرده است کسی را رباده و کسی که ربا خورد و کسی که نویسد و کسی شاهد آن باشد
در باب عاشر

ترک شراب کند نه بجهت رضای خدا بلکه برای خدا او را از رحیق مختوم سیراب کند که شراب
خاصه از شرابهای بهشت که خدای تعالی سرش را با مشک مختوم ساخته و برای خاصان خود
مقرر داشته و از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که سر مبارک امام حسین علیه السلام
بشام بردند یزید علیه اللعنه امر کرد که طشتی آوردند و آن سر مبارک را در آن طشت گذاشته
و روپوشی بر آن نهاده بر روی آن نرد میباخت و شطرنج بازی میکرد و فقاع میآشامید
و دردی شراب را در پیش طشت میریخت پس هر که شیعه ما باشد باید از فقاع و شطرنج
اجتناب نماید و هر گاه نظر بر فقاع و شطرنج افتد بر یزید لعنت کند گناهانش آمرزیده
شود و اگر چه مثل ستارهای آسمان و برگ درختان باشد و نیز مرویست که هر شب از
ماه رمضان حق تعالی گروهی را از آتش جهنم خلاص میکند مگر کسی که بر مسکری افطار کرده
یا صاحب شطرنج یا بدعتی باشد و شیخ صدوق رحمه الله در کتاب من لا یحضره الفقیه
فرموده است که نزد شیعه بدترست از شطرنج و داشتن شطرنج کفرست و بازیش شرک
و تعلیمش کفرست و کبیره و نظر کردن آلات او مانند نظر کردن بر فرج مادرست و هر چه بآن
قمار کنند مثل آنست حتی انگشتر بازی و گردکان و غیر آن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
سؤال کردند لهو لعب را فرمودند که چون حضرت آدم ع رحلت فرمود ابلیس و
قابیل بر شماتت آنحضرت این اساس چیدند پس هر که این عمل کند با شیطان ملعون
رفیق شده طعنه بر او زده و هر که گوش کند بآن با ایشان در جهنم رفیق باشد و با ایشان
در طعنه حضرت آدم رفیق ابلیس شده و لهو آنست که مردم از او ملتذ شوند و در خانه کسی
چهل روز بربط نوازند شیطان قنفذ نام بر او مسلط شود که عضو عضو خود بر عضو او گذاشته
او گذاشته

او گذاشته باو میدمد که حیا از روی زایل گردد که اگر زنش را مردم زنا کنند پروا نکند و
نواختن عود نفاق در دل میرویاند چنانکه آب گیاه را و روایت شده که نکاح را علانیه کنید
و دف بر آن زنید و شنیدن غنا نفاق را میرویاند چنانکه آب گیاه را و اهل آن مجالس
از معصیت فارغ نشوند و دعای ایشان مستجاب نشود و خدای تعالی بر ایشان نظر رحمت
نفرماید و فرشته داخل خانه ایشان نشود و غنا از جمله چیزهاییست که حق تعالی بر اهل آن
عذاب جهنم را وعده فرموده است و نیز روایت از معصوم علیه السلام که در بهشت درختی است که
حق تعالی باد را امر فرماید که آن را حرکت دهد پس نغمه در آید که چنان نغمه هیچ گوشی نشنیده و آن
برای کسیست که در دنیا از غنا منزه باشند و کسیکه از غنا اجتناب نکرده از آن محروم
باشد و نیز مرویست که کنیزکان مغنیه ملعونند و ملعون کسی که از ایشان بخرد و مزد ثنای
حرامست و تعلیمشان کفرست و شنیدن نفاق و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود گوش
بحرفی که دهی عبادت او کرده باشی پس اگر حق گوید از جانب خدا گوید عبادت خدا کرده و اگر باطل گوید
از شیطان گوید و احادیث بسیار نیز در مدح و ترتیل قرآن بصوت خوش وارد شده
مثل آنکه خوب نیست صوت حسن و هیچ پیغمبر مبعوث نشده مگر باواز خوش مثل آنکه ائمه
علیهم السلام از همه ناس خوش آوازتر بودند و امام ابدی از صوت حسن خود اظهار کنند هیچ کس تاب
نیاورد و حضرت سجاد چون تلاوت قرآن میفرمود مترددین از حسن صوت او بیهوش میافتادند
مثل آنکه قرآن بحزن نازل شده و بحزن تلاوت کنید و در قرائت قرآن ترجیع صوت کنید
که خدا دوست دارد صوتی را که ترجیع کنند حضرت پیغمبر فرمود که قرآن را با لحان عرب بخوانید
و با لحان اهل فسوق و کبایر مخوانید و بعد از من جمعی بیایند که قرآن ترجیع غنا و نوحه ترجیع کنند

و دلهای ایشان و جمعی که ایشان را خوش دارند برکشته است و کسی از حضرت سید ما سؤال نمود از خریدن

جاریه خوش آواز فرمود قصوری ندارد و اگر بخری ترا یاد بهشت آورد و نیز از اخبار بسیار وارد شده است

که باکی نیست در کسب مغنیه که در عروسیها بخوانند بشرط آنکه نامحرمی نیست که مردان بر ایشان شوند پس از

مجموع اینها که مذکور شد معلوم است که نغمه بر دو قسم است یکی مذموم و حرام که غناست و توعیدات

و عقوبات غنا بر آن وارد شده دویم ممدوح و حلال که مدایح در حضرت ایشان ان آمده آما در

تحقیق معیار حلال و حرام اقوال مختلف گفته اند اما آنچه این حقیر از ظاهر قرآن مجید و مجموع احادیث

وارد شده در این باب استنباط نموده اینست که معیار اصل صوت حق و باطل است یعنی هر نغمه و صوت

تضییع و تصرفی که سبب زوال و غفلت از خدا و رغبت و هیجان شهوات و لذات دنیوی و

آرزوهای باطل و خیالهای فاسد مجملا سبب باطلی باشد مذموم است و حرام و هر نغمه که باعث رقت قلب

و اشک چشم و دل سردی از دنیا و شهوات و شوق آخرت و باقیات صالحات مجملا

سبب حقی باشد ممدوح و حلال است چنانکه بعضی از احادیث مذکوره مثل امر به تلاوت

قرآن بحزن و بی‌هوش گشتن مردم از صوت امام و امر به الحان اهل شوق و یاد آوردن بهشت

در حضرت کسب مغنیه در عرایس و ظاهر قرآن و سایر اخبار بسیار نیز غنا را آنچه مشهور است از آن و از

الجمله تعبیر از غنا حرام بلفظ لهو و لعب و لغو و قول زور که در قرآن و احادیث واقع شده و از آن

جمله اخبار که از ائمه اطهار علیهم السلام سؤال کردن از غنا فرمودند از رفتار که خدای تعالی

حق و باطل را از هم جدا کند از غنا در کدام طرف باشد سایل گفت بطرف فرمودند که خود محاکمه نمودی

و از آن جمله آنکه جمعی از امام از غنا سؤال نمودند فرمودند شما اتقیاء کرام باشید شما را با باطل چه کار است

و الله ثم الراسخون فی العلم چون این جمله دانستی بدانکه آنچه در غنا گفته شد در ساز نیز آن

کف چنانکه

کف چنانکه بعضی از ناقصان توهم میکنند زیرا که اصل ساز مطلقا در دین مبین حرام

و هیچیک از انواع آن را رخصتی نیست بخلاف آواز خوش که اصل آن مطلقا حرمتی ثابت

نیست بلکه در اصل آن حلال و حرام هر دو هست چنانکه احادیث مذکوره صریحست در آن

پس فرق میان حلال و حرام بانچه گفته بر آن نمود و ایضا باید دانست که صوتیکه اصلش

حلال است گاهی بالعرض حرام میشود مثل آنکه مقرون بلهو و ساز باشد نظیر الطعام حرام

که اصلش حلال است گاهی بالعرض حرام است باخذ حرام گشته و ایضا بدانکه معیار شناختن

صوت حلال و حرام این است که در اکثر طبایع اول مرتبه تهیج حقی یا باطلی کند اگرچه گاه

در بعضی طبایع یا بسبب عادت و ریاضت خلاف آن باشد چنانکه معیار خوبی و بدی

در طعوم و روایح اینست که اکثر طبایع در اول مرتبه خوش آید یا بد آید و اگر گاهی بعضی

طبایع را بسبیل ندرت یا بعد از عادت از طعمی یا رایحه که خوش آید یا بد آید معتبر نباشد

والحمد لله رب العالمین چون زنا شایع شود زانی را خدای تعالی شش

عقوبت کند سه در دنیا و سه در آخرت آنکه در دنیاست نور از رویش برود

و بفقر مبتلا شود و اجلش نزدیک باشد آنکه در آخرتست غضب خدا و سختی عذاب و

حساب و خلود در آتش و نیز مرویست که سیصد هزار در از جهنم بر روی شما باشد در بر

که شعلهای آتش و عقارب با ایشان از دوزخ آید و او را عذاب کنند تا روز

قیامت و بعد از آن او را بجهنم برند و چون قیامت زانیان محشور شوند گندی

از فرج ایشان بیرون آید که همه اهل محشر متاذی شوند و هیچ نماند که ایشان را لعنت

نکند و هر کس با زن نامحرم سخن گوید هزار سال در دوزخ محبوس باشد مگر خدا او را از آن

برغبت سخن گوید هرچه در میان ایشان گذرد گناهش مثل گناه مرد باشد و اگر مجبور باشد
گناه او نیز بر مرد باشد هر کس چشم از نگاه حرام پر کند خدای تعالی آن چشم را از آتش پر کند
و هر کس بزن نامحرم درآویزد او را با شیطان در زنجیر آتش کنند پس در آتش اندازند هر کس
از زنان مردم عفیف باشد مردم نیز از زنان عفیف باشند و هر کس پی زنان مردم
رود مردم نیز از پی زن او روند و بهر نحو که با مردم رفتار کنند مردم نیز با ایشان همان
طور رفتار کنند حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود با فلان طائفه تزویج بکنید که
مردان شان عفیف و زنان شان عفیفه‌اند و با فلان طائفه تزویج مکنید که مردان
شان بی عفت‌اند و زنان شان بی حیااند هر کس را نظر بر زنی افتد چشم ازو بگرداند
هنوز چشم برهم نزده باشد که گناهانش آمرزیده شود و حوری تزویج نمفه او باشد
هر کس لواطه کند یا با زن نامحرم نزدیکی کند هیچ فریضه و نافله ازو قبول نشود و از عفونت
رایحهٔ او اهل محشر متأذی شوند و بر حریر و استبرق بهشت ننشیند و کسی که با او لواطه
کند هم چنین هر کس کسی را عمداً بکشد چنان است که همه ناس را کشته باشد و جزایش جهنم
باشد و خدای تعالی مقتول را از همه گناه پاک سازد و همه را بر قاتل نویسد بزرگترین
مردم نزد حق تعالی کسی است که کسی را بناحق بکشد یا بزند و اگر اهل سموات و زمین
در قتل مسلمی شریک باشند و باو راضی باشند حق تعالی همه را سرازیر در جهنم اندازد
و هر کس بکلمهٔ اعانت قتل مسلمی کند روز قیامت مقتول ازو مطالبهٔ خون کند و هر کس با مؤمنی
در حاجتش رفاقت کند و خیر او را در آن ملاحظه نکند با خدا و رسول و ائمه علیهم السلم
خیانت کرده ایشان روز قیامت با او مخاصمه کنند و هر کس مباشر کار آن برای
مسلمان شود

مسلمانی شود که او را ضایع کند خدای تعالی او را ضایع کند هر کس والی و امیر جمعی شود و اگر
چه ده کس باشند و میان ایشان عدل نکند روز قیامت سر و دست و پا بسته بجهنم
درآید هر والی که از رعیت خود و حوائج ایشان رو پنهان کند و اگر در کارسازی از
ایشان بدر برد خیانت کرده باشد و اگر در حکم حق میان اعراض کند در رشوه شریک گردد
باشد اول کسی که داخل جهنم شود پادشاه و رعیت داری است که با رعیت عدالت
نکند و صاحب مالی که حق الله ادا نکند و فقیر که فاجر باشد و هر کس که بر کسی ظلم کند خدای
تعالی او را یا در نفس یا مال و یا در ولدش مؤاخذه نماید و ظلم در دنیا ظلمات است و
در آخرت صراط پلی است که هیچ کس با مظلمه نتواند گذشت و هر کس که از کسی انتقام و غضب
بگیرد خدای تعالی از وی روی رحمت بگرداند و هیچ طاعت و حسنه از او قبول نشود
و هر کس ظالمی را اعانت کند همان ظالم بر او مسلط شود و دعای او مستجاب نشود و هر کس
اعانت ظالم کند در گناهش شریک باشد و در قیامت با او محشور شود حتی اگر لیقهٔ در
دواتش کند یا قلم برایش بتراشد یا سر کیسه بندد و کسی راهی بظلم باشد مثل ظالم باشد
خدای تعالی بپادشاه جباری پیغمبر فرستاد که با او بگو که ترا پادشاه نکردم که خون مردم
بریزی و مال شان بگیری بلکه ملک بتو دادم که بدرد مردم برسی و من از مظلمهٔ ایشان
نخواهم گذشت اگرچه کافر باشند هر کس سلطانی را بر جور دلالت کند یا ظالمی را بر ظلم مستولی
گرداند در دوزخ قرین هامان باشد هر کس صبح برخیزد و ظلم کسی در خاطر داشته باشد
گناهان آن روز آمرزیده نشود و هر کس با مخالفین و ظالمین مصاحبت کند از خدا
دور گردد و هر چند از ایشان دورتر باشد بخدا نزدیکتر باشد با ایشان نزدیکتر بخدا

و دورتر خواهد بود و خدای تعالی ورع از دلش بیرون برد و او را حیران کرداند و حضرت صادق ع

فرمود بر خداست هر که در دنیا با هر که رفیق و مونس باشد در آخرت نیز با او رفیق باشد و کسی با آنحضرت

پرسید که شیعیان شما از پریشانی کاهی کارهای مثل بنای عمارات و حفر نهر و چاه و

باعث برای مخالفین و ظالمین میکنند فرمود که اگر تمام مدینه را بمن دهند که برای ایشان سر کیسه را

ببندم و مد قلمی نمی‌نویسم که اعوان ظالمین در روز قیامت در سراپرده‌های آتش باشند

تا وقتی که خدا میان عباد حکم کند و هر کس صاحب سلطنتی را برای طمع مداحی کند در

جهنم قرین هامان و او باشد هر کس پیش صاحب سلطنتی یا مخالفی در دین برای طمعی تذلل

و افتاده کند خدا او را ذلیل کند و برکت از او بردارد و اگر با آن مال حج یا عتق رقبه یا

سایر وجوه خیر بکند اجر نیابد و اما از ایشان روایات آمده که اگر از مخالفین و اهل

جور مالی بکسی رسد بی آنکه او سعی کند و تذلل نماید حلال باشد و روایت دیگر آمده که مالی از

ایشان بهر نحو برسد اگر خمس آن را بفقرای شیعه بدهید تتمه مال ایشان بر شما حلال

باشد و کسی بحضرت امام محمد باقر علیه السلم سؤال نمود که مدتی در دیوان مخالفین کلکو(؟) بودم

و هیچ کفاره داشته باشد فرمود نه تا حق هر کسی را بصاحبش رسانی و کسی بحضرت

حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که من در دیوان بنی امیه مدتی نویسنده بودم و

مال بسیار از آن بدستم آمده است که چشم از ماخذ آنها پوشیده ام فرمود اگر

ایشان نویسنده و خادم و چشم نیابند که بر ما دست یابند و حق ما را غصب کنند کفو

از آن چه کرده ام مخرجی داشته باشم فرمود اگر بگویم میکنی گفت بلی فرمود از آنکه کرده در آن

عمر بیرون آمی و هر گرامی شناسی حقش بارد نما و هر کس را نمی‌شناسی بر ایش تصدق کن

م بکار تو

سن برای تو ضامن بهشت میشوم پس آن مرد رفت چنان که حتی لباسی که در میان داشت

بیرون کرد تا آنکه آشنایان در میان خود برایش قوت و لباس توجیه کردند و اندک زمانی گذشت

بعد از آن بیمار شد یکی از اصحاب آنحضرت گوید بعیادتش رفتم چشم باز کرد گفت والله که آنحضرت

بوعده خود وفا کرد بخدمت آنحضرت رفتم همینکه مرا دید فرمود والله بوعده خود وفا کردیم و هم

از ایشان روایت آمده اگر کسی بملازمت مخالفین و ظالمین گرفتار گردد کفاره آن است

قضای حاجت مومنین و رفع ظلم ایشان نماید و ایصال نفع بایشان کند تا حسنه برابر

سیئه گردد و چون ترک امر معروف و نهی از منکر شایع شود خدا با ایشان محاربه کند و چون

کیل و وزن نقصان کنند بفقر و قحط و جور سلطان گرفتار شوند و چون منع زکوة کنند

زمین بجهت منع زکوة ایشان و از خیرات ایشان بامر خدا بهره ندهد مثل زرع و ثمار و معادن

کند و چون قطع رحم کنند اموال بدست اشرار منتقل گردد و هر کس صورت حیوانی بسازد در روز

قیامت خدا او را معذب کند تا او را روح بدهد و فرقیکه در میان سایه دار و غیر آن کرده اند

اصلش در حدیث معلوم نشد هر کرا غضب مستولی گردد در بقه اسلام از او منخلع شود

و با اعراب جاهلیت محشور شود هر که کظم غضب بمومنی کند که او را تیر ساند خدا الغضب او را

بر ترساند هر که یک ذره کبر در دلش باشد داخل بهشت نشود و متکبران در قیامت بصورت

موری محشور شوند و اکثر اهل محشر پا بر ایشان میگذارند و پامال باشند تا خدا از حساب

مردم فارغ شود و در جهنم موضعی باشد برای متکبران که صعود نام است از شدت او اهل جهنم

نالند و او اذن خواسته نفسی کشیده که از نفس او اهل جهنم سوزند و بقاع یعنی و سرکشی

صاحب خود را می‌کشد تا بجهنم و ابلیس بجنود گوید که بقاع یعنی و حسد در میان مردم افکنید

که برابر است با شرک و هیچ خیر در کنار زیادتی بر یقین ندارد مگر آنکه خدا او را ذلیل کند و حسد ایمان را
بسوزاند چنانکه آتش هیزم را و هر که به قدر خردلی عصبیت در دلش باشد با کفار جاهلیت محشور شود
هر که تعصب کند ربقهٔ ایمان از گردنش منخلع شود و فرقست میان حسب و افتخار است روزی کسی در
خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام گفت من فلانم نسب عالی در قوم خود بزرگ و عزیزم حضرت
فرمود چه نسبت حسب عالی بر تو نیست خدای تعالی ما را به ایمان بلند گردانیده هر که مؤمن باشد و بکفر ذلیل
گردانیده هر که کافر باشد هیچ کس را بر کسی فضل نبوده مگر به تقوی و هر کس با مردم بد زبان
معاشرت کند در قیامت او را زبان از آتش باشد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود که اگر نه آن بود که خدعه و مکر در آتش است من از همه مکارترم و مرویست که ایمان
عیب بس است آدمی را که عیوب مردم ببیند و عیب مردم را از چشم خود بپوشد و عیب کند
دیگری را به صفتی که خود ترک نتواند کرد و همنشین را بی سبب برنجاند و نزدیکترین حالات
بکفر آنست که عیوب و خطاهای مؤمن را حفظ نماید تا روزی با آن سرزنش کند
او را و تعییر کند و هر کس در پی عیوب مسلمان باشد خدای تعالی در پی عیوب او
باشد تا او را رسوا کند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که جمعی عیب بسیار
داشتند چون از عیوب مردم خاموش شدند حق تعالی زبان مردم را از
عیوب ایشان بست و جمعی عیوب نداشتند چون بعیوب مردم زبان
گشادند حق تعالی ایشان را در میان مردم رسوا کرد و هر که بدی را از مؤمنی
افشا کند چنان است که خود آن گناه کرده باشد و اگر کسی مؤمنی را بعیبی سرزنش
کند از دنیا نرود تا بآن عیب مبتلا شود و خدا در دنیا و آخرت او را رسوا

کند مرد

کند مرویست که مؤمن از نور عظمت و جلال خدا مخلوق گشته هر کس او را رد کرده و طعن
زند چنان است که بر خدا طعن کرده باشد و شریک شیطان باشد و مرویست
که اگر کسی غیر مؤمن را که دیده طعن زند ببدترین وجهی بمیرد و هر کس از مؤمن چیزی روایت کند
که خفت او باشد در نظرها خدای تعالی او را از ولایت خود بیرون و بولایت شیطان اندازد
و شیطان نیز ولایت او را قبول نکند هر کس در مصیبتی شماتت کند از دنیا نرود تا بآن مبتلا
شود و هر کس مؤمنی را غیبت کند چنان است که گوشت مرده او را خورده باشد و در قیامت
بوی از دهنش بیرون آید که اهل محشر از و فرار کنند و از جملهٔ آنان باشد که خدای تعالی
از ایشان متنفر است و هر کس غیبت مؤمنی را بشنود و قادر باشد و اعانت نکند خدای تعالی
در آخرت او را ذلیل کند و اگر اعانت کند و غیبت را از و دفع کند خدای تعالی هزار نوع
بدی را از او دفع کند در دنیا و آخرت و غیبت آنست که صفتی را که کسی پنهان دارد در
دیگران افشا کنند و اگر خواه پنهان نباشد ضرر ندارد غیبت نیست هر کس مؤمن و مؤمنه
بهتان کند خدای تعالی فرماید که در قیامت او را بالای تلی از آتش نگاه دارند تا آنکه
از گناهان پاک شود و بهشت حرام است بر کسی که غیبت کند و سخن چینی نماید تا در میان مردم
فتنه افکند چهار کس را اهل جهنم برند در حمیم جهنم چنانکه جهنم از ناله و فغان ایشان بزاری
در آید اینها چه کسانند که ما را با همه عذاب آزار میکنند پس با ایشان گویند که اینها بعضی
کسانی اند که اموال مردم در گردن [illegible] و ادا نکرده مرده اند و آنکه زردابه ریش
که از دهنش روان شده است از بول اجتناب نمیکرده اند و آنکه چرک و خون از دهنش
روان است سخن چینی میکرده در میان مردم فتنه می انداختند و آنکه گوشت خود میخورد

غیبت و نمامی میکند هر کس مؤمنی را از ظالمی بترساند ازان حاکم ضرری باو رسد خدا ایش
جهنم باشد و اگر ظالم باو ضرر رساند با فرعون در جهنم رفیق باشد و اگر تازیانه بر مؤمنی
زند خدا تازیانهٔ از آتش باو زند و اگر طپانچه بر رویش زند تا روز قیامت با اعضا پاره
پاره محشور شود مگر آنکه توبه کند هر کس تازیانه در دست گرفته در برابر حاکم جابر بایستد
خدا آن تازیانه را در قیامت اژدها کند در گردنش اندازد که طولش هفتاد ذرع باشد
در روز قیامت بر او مسلط سازد و خدا فرمود هر کس متعرض قسمهای دیگر شود از رحمت من
بی نصیب باشد و هیچ کس را نرسد که قسم بغیر خدا خورد و قسم با خدا نیز برای مطلب سهل
اگرچه راست باشد نباید خورد که موجب استخفاف عظمت آنجناب است تعالی الله
عن ذلک هر کس حق مؤمنی را غصب کند یا قرضی از وی حبس کند و بی عذر تاخیر نماید
برکت از رزقش برود و هر که بی عذر تاخیر کند مثل ده عشار باو نویسند در روز قیامت
پانصد سال او را بر پا دارند تا رودهای عرقش روان گردد و منادی ندا کند
که این حق مؤمن را حبس کرده پس دزد او را با انگال نیز عذابها کنند بعد از آن با آتش برند
که او را فرو برد همین است عذاب کسی که نفقه ادای حق نزد و کسی که زکوة مال خود
ندهد و کسی که مهر زن را نداده و کسی که منت دین دارد و ملک الموت او بیند
که او را محافظت نماید و اغماضش کنند تا ادای دینش کند و چون کسی در راه خدا کشته
قطرهٔ اول که از خونش بریزد کفارهٔ همه گناهانش شود مگر دین که کفاره نمیشود مگر ادای آن
یا صاحب حق حلال کند یا کسی بعهدهٔ خود گیرد و صاحب حق راضی باین گردد و هر صاحب دینی
که طلب کار در پیش او راضی برگردد دواب زمین و ماهی دریا با و صلوة فرستند و حال آنکه
در ادا گذشته

قدرت داشته باشد هر شبانه روزی ظلمی براو نوشته شود و رضای طلب کار انست
که اگر تواند حقش را ادا کند و اگر نتواند بملایمت و نرمی با او مدارا کند و عذر خواهی کند هر کس از اجیر در
اجرتش کوتاهی و ظلم کند بوی بهشت بر او حرام گردد و هر کس اجیر را در نماز جمعه منع کند گناهش بر
او باشد و اگر با نقص نشود در ثواب او شریک باشد و در دادن اجرت اجیر تعجیل باید نمود و درست
که هنوز عرقش خشک نشده اجرتش را بدهید پس از آنکه اجرتش را مقاطعه کند کار نباید فرمود
هر چند گوید هر چه بدهید راضیم تاکید بلیغ در این امر وارد شده هر کس شهادت ناحق دهد
حق تعالی در میان اهل محشر گوشتش را باو بخوراند و زبانش خلیش منیع اهیده باشد تا بجهنم رود
و خوردن گل موروث [illegible] باشد و تهییج سودا کند و قوت ساق و قدم ببرد و از غبار آن
پیش از این میکرد و هر چه بسبب آن ضعف و نقصان یابد بران حساب و عذاب کنند
هر کس در معصیت خالق اطاعت مخلوق کند و رضای او جوید از دین خدا بیرون رود
خدای تعالی چنان کند که هر کس حمدش کند ذمش کند و مؤمن گناه کند بهتر از آن است که بعجب و عبادت
عجب نماید و گرنه چنین بودی حق تعالی مؤمن را مبتلا نمیکرد حضرت امام فرمود عابدی و فاسقی
با هم بمسجد رفتن چون عابد فاسق و فاسق عابد و صدیق بوده زیرا که عابد بعبادت مغرور
بیرون آمد و معجب بود فاسق از معصیت ترسان و پشیمان و نیز فرمود عالمی از عابدی پرسید
که عبادت تو چون است گفت کسی از شما سزاوار عبادت کند من چنین سال است که
عبادت میکنم گفت گریه ات چون است گفت اشکم روان است عالم گفت اگر خنده و
ترسان بودی بهتر بود از آنکه مغرور و گریان باشی که چون کسی بعد خود مشعوف و از حق خود
راضی باشد هیچ عذر از وی قبول نمیشود این بود ذکر بعضی از زوایل معاصی و چیزی از فضایل اسلام

[illegible]

گذشت و بعضی نیز در مباحث خود ان شاء الله تعالی بیاید بعون و رحمت الله جمیعا

فصل چهاردهم

در دوای معاصی و سیئات مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم که هر علتی را
دوای است و دوای ذنوب استغفار است و بهترین دعاست گناهان را بریزد مانند
برگ از درخت هر کس استغفار بسیار کند نامهٔ عمل او را نورانی بالا برند خوشا کسی که روز
قیامت در نامهٔ عمل او در بابی هر گناهی استغفار نوشته باشد شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر
عرض نمود که مرا چیزی تعلیم نما که چون با آن عمل کنم در دنیا و آخرت با شما باشم حضرت فرمود
انا انزلناه بسیار بخوان و لبت را با استغفار تر و تازه دار و نیز از ایشان مرویست که
هیچ شفیعی بهتر از توبه نیست کسی که از گناه توبه کند چنان است که هرگز گناه نکرده باشد و کسی که توبهٔ
نصوح کند یعنی بعد از توبه دیگر رجوع بگناه نکند و اگر نادر خطائی صادر شود باز توبه کند و مصر نباشد
بگناه خدا او را دوست دارد و بر جهت آن که مؤمن شد گناه او را و آن گناه را پوشیده دارد که هیچ چیز
شهادت بر گناهش ندهد و اگر بر گناه مصر باشد و ترک نکند و استغفار میکرده باشد چنان است که بر خدای
تعالی استهزا کرده باشد و خدا سه نعمت بتوبه کنندگان عطا کند که اگر یکی از آنها تمام اهل آسمان
و زمین عطا میکرد همه نجات می‌یافتند اول آنکه ایشان را دوست داشته باشد هر که را خدا
دوست داشته باشد او را عذاب نکند دویم ملائکه حملهٔ عرش را امر نموده که برای ایشان استغفار
کنند و دعای ایشان را البته اجابت فرماید سیم آنکه وعده فرموده که سیئات ایشان را
بدل بحسنات فرماید و هم از ایشان مرویست که هر گاه گناهی منعقد در شود و خدا را یاد آورد
و از ملائکه کاتبان شرم کند و آن را ترک کند گناهانش آمرزیده شود اگرچه گناه تمام جن و انس داشته
باشد هر کس گناهی کند و در دل از خدا بترسد و بداند که خدا قادر بر عقوبت اوست خدا گناهش را

بیامرزد

بیامرزد و پیش از آنکه استغفار کند چون مؤمن گناه کند و آن را فراموش نکند اگرچه بیست
سال باشد بیاد آورد و استغفار کند آمرزیده شود و چون کافر گناه کند پروا از آن نکند
و فراموش کند هرگز آن گناه را نیامرزد و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که گاه باشد که خدا
با گناه بنده را به بهشت برد کسی پرسید که چون شود که با گناه موجب بهشت باشد فرمود که گناه
اما پشیمان شود و همیشه ترسان باشد و با خود دشمن شود و خود را سرزنش و عتاب و توبیخ کند پس
بر او رحم کند و به بهشت برد و هم از ایشان مرویست که هر چیز کیل و وزن دارد
مگر گریه که یکقطره اشک دریای آتش را فرو نشاند اگر کسی در امتی گریه کند خدا از گریه او بر آن
امت رحم کند اگر اشک در چشمش پر شود غبار ذلت بر آن رو ننشیند و اگر روان
شود خدا بدنش را بر آتش حرام کند و بهر یکقطره مثل کوه احد اجر کرامت فرماید و بهر قطره در
بهشت چشمه عطا فرماید که اطراف آن شهرها و قصرها باشد که هیچ قطره
در پیش خدا دوست‌تر از دو قطره نیست قطره خونی که در راه او بریزد و قطره اشکی
در شب تاریک از چشم او بچکد و هر چشمی در روز قیامت گریان باشد مگر سه چشم چشمی
که از ترس خدا گریسته و چشمی که در طاعت خدا بخواب کشیده و چشمی که از حرام پوشیده
و کسی که از ترس خدا بگرید جای او در افق اعلا باشد که هیچ کس در آنجا با او رفیق نباشد
و حضرت پیغمبر بحضرت پیغمبر ص بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام وصیت فرمود که یا علی
چند چیز ترا وصیت میکنم بجا آور از آنجمله فرمود که از ترس خدا گریه بسیار کن بهر قطره هزار
در خانه در بهشت ترا عطا فرماید و هم از ایشان مرویست که اگر کسی شبانه روزی
چهل کبیره از او صادر شود چون پشیمان شود بگوید استغفر الله الذی لا اله الا

الا هو الحی القیوم بدیع السموات والارض ذو الجلال والاکرام
واسئله ان تصلی علی محمد وآل محمد وان یتوب علی همه
کناهانش امرزیده شود و خبر رسیدست از کسی که کرو زجبل کبیره کند و اگر کسی روزی صد بار
استغفر الله بگوید هفصد کناهش امرزیده شود و کسی که روزی هفصد کناه کند خیر
در او نبود و نیز مرویست که هر کسی که بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو
الحی القیوم واتوب الیه همه کناهانش امرزیده شود اگر چه فرار از زحف کرده باشد
یعنی از جهاد گریخته باشد که از اعظم کبایرست و نیز مرویست که هر کس بگوید اللهم اغفر لی
انه لا یغفر الذنوب الا انت خدای تعالی فرماید ای ملایکه بنده من دانسته است که کناه
را بجز من کسی نیامرزد گواه باشید که کناهانش را امرزیدم و کسی بخدمت پیغمبر صلی الله علیه
واله از بسیاری کناه شکایت کرد فرمود سجده بسیار کن که سجده کناه را میریزد چنانچه باد
برگ را میریزد روایت است که بهر سجده خطیه محو کردد و درجه بلند کردد و مرویست که کسی در
حضور حضرت امیر المومنین علیه السلام استغفر الله گفت حضرت فرمود که مادرت
در عزای تو بنشیند هیچ میدانی استغفر الله کدام است استغفر الله شش شرط دارد اول
انکه از کرده خود پشیمان باشی دویم انکه عزم داشته باشی که دیگر رجوع نکنی سیم انکه حقوق
مردم را ادا کنی تا هیچ کس را پیش تو مظلمه نباشد چهارم در هر فریضه که در ان تقصیر کرده قضا
کنی پنجم انکه گوشتی که از حرام روییده بغم و اندوه بکدازی تا پوست بر استخوان تو چسپید
و در ان میان گوشت تازه بروید ششم انکه بدن را الم مشقت بچشانی چنانکه لذت
و راحت معصیت چشانیده و چون باین شرایط عمل کنی استغفار کفته باشی باید دانست که اگر
کناه حق الناس

کناه حق الناس باشد استغفار و توبه تنها کافی نباشد چنانچه چند حدیث باین مضمون وارد
شده است که در فصل سابق کذشت که فرمودند اموال مردم کفاره ندارد مگر انکه هر کرا می شناسی
حقش را برسانی و هر کرا نمی شناسی از جانب او تصدق کنی و نیز کسی از حضرت صادق
سوال کرد که اگر کسی با جاریه دیگری زنا کند توبه اش چیست فرمود انکه دیگر این عمل نکند و از
صاحب جاریه معذرت خواهد و التماس کند که او را حلال کند گفت اگر حلال نکند چون باشد
فرمود روز قیامت خصم او باشد گفت پس نجات خواهد یافت فرمود شفاعت پیغمبر و شفاعت ما جو
کناهان همه شما کند اما تکیه بر شفاعت مکنید که چون کسی این عمل کند والله که تا الم عذاب ببیند
و هول جهنم را نبیند شفاعت او را در نیابد و امثال این احادیث بسیار وارد شده مرد
اگر کسی تلافی ظلمی که کرده نتواند برای مظلوم کند استغفار و طلب امرزش کند کفاره آن باشد
و اگر کسی را غیبت کرده باشد هر مرتبه بخاطر رسد برای او استغفار کند کفاره این باشد
و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمودند که کسی که توبه کند و دستش باز رسد بهر ان
که ترک کناه و از هم رسد توبه فارغ باشی بگو لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم باب دویم در تنظیف بدن و جامه از کثافات و خباثث ظاهری و تطهیر
جسد و دل از کدورات و حدث باطنی و این مجموع انشاء الله تعالی در ده فصل بیان
شود فصل اول در فضیلت نظافت از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه مرویست که فرمود
پاک کنید بدن خود را و جامه خود را از بوهای بد که خدای تعالی دشمن دارد کثافت و
بوی بد و نیز مرویست که فرمود شستن جامه دل را از غم میبرد و جامه را برای نماز پاک کنید و از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که پاک بودن جامه و بدن از کثافات از

جملهٔ اخلاق اینهاست فصل دوم در آداب حمام رفتن و آنچه در آنجا بجا باید آورد و از ائمهٔ

طاهرین علیهم السلام که چون داخل حمام شوی پای چپ را پیش گذارد و بگو بسم الله الرحمن الرحیم

اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم و هر گاه که

در حمام با غیری از نشستن و برخواستن هر چه باشد بسم الله بگو تا از شر شیطان ایمن

باشی و در وقت غروب آفتاب و میان نماز شام و خفتن در حمام نباید رفت که شیاطین

در آنوقت بر زمین متفرق باشند و چون خواهی جامه بیرون کنی بگو اللهم انزع عنی

ربقة النفاق و ثبتنی علی الایمان و باید ازار بستن تا عورت پوشیده

شود و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس ایمان بخدا و روز

جزا دارد باید بی ازار داخل حمام نشود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده

که برهنه نشوید تا عورت خود را بپوشید که شیطان نظر نکند و طمع ننماید چون باول خانهٔ

روی بگو اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و استعیذ بک من

اذاه و چون بخانهٔ دویم روی بگو اللهم اذهب عنی الرجس النجس و طهر

جسدی و قلبی و قدری آب گرم بر سر بریزد و قدری نیز بر پا بریزد و اگر توانی

جرعهٔ بنوش که مثانه را بر براند و طراوت جمال نیز بیفزاید و الم از رو و بدن بیرون

برد و در این خانه اندکی توقف کن و چون بخانهٔ سیم روی بگو نعوذ بالله

من النار و نسئله الجنة و تا هنگامی که در حمام باشی گرم بودن را بگو و در حمام

آب ننوشد که معده را فاسد کند و سفال در بدن نمال که پیسی می آورد و بر پا نمالد که

مورث جذام باشد و شانه بر مو نزند که موی تنک شود و فوطهٔ حمام بر رو نمالد که آب رو

ببرد دیگر

ببرد و گل مصر در پا نمالد که مورث جذام باشد و هم بیغیرت و دیوث گرد و در حوضی که مظنهٔ

آمدن مخالفان و زنا کنندگان و امثال ایشان باشد نرود که باعث جذام شود و بدن را

بکیسه و مانند آن پاک کند و یک روز در میان بحمام رفتن بدن را فربه کند و هر روز بحمام رفتن

مورث ثقل باشد و بی فوطه قرآن نخوانند اما اگر عورت پوشیده باشد قصوری ندارد

و بفوطهٔ با آب نرود که در آب ملائکه باشد و چون خواهد بحمام رود اندک چیزی تناول کند که حرارت

و صفرا را دفع کند اما شکم پر نباشد و فوطه نگشاید که مردم عورت او را ببینند که هر دو ملعون باشند

و هر که نظر بعورت مسلمانی کند هفتاد هزار ملک برو لعنت کنند و فرزند بالغ را با فوطه بحمام نرود که مبادا

عورت او را ببیند و در حمام مسواک نکند که دندان ضعیف و بیقوت شود و سنت است

نوره نهادن و ثواب آن بسیار دارد که شیطان را دور دارد و آفات و امراض را دفع نماید و بدن

را از کثافت و چرک و بوی بد پاک کند و از اخلاق ائمهٔ است و سنت است که هر پانزده روز

نوره کند و کهیعص و نیز سه روز ۱یست بسیار وارد شده است و اگر چه پنج روز نگذرد

و پول نداشته باشد قرض کند که خدا ادا میکند و زیاده از یکماه ترک نکند که فضل و ثواب نماز

بسیار کم شود تا آنکه گویا نماز نمیکند و روایت شده که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد

موی پشت طهارش بیش از چهل روز نباشد و موی زیر بغل را تراشد و اگر نوره گذارد

افضل است و کندن موی زیر بغل چشم را ضعیف کند و موی بغل را دراز نکند که شیطان

در آن پنهان شود و چون خواهد نوره بکار برد اول با انگشت بردارد و ببوید و بر سر

بینی مالد و بگوید اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالنورة

تا بدن را نورانی و چون نوره گذارد بگوید اللهم طیب ما طهر منی و طهر ما

ما طاب منی وابدلنی شعرا لا یعصیك اللهم انی تطهرت ابتغاء
سنة المرسلین وابتغاء رضوانك ومغفرتك فحرم شعری وبشری
على النار وطهر خلقی وطیب خلقی وزك عملی واجعلنی ممن
یلقاك على الحنیفة السمحة ملة ابراهیم خلیلك ودین محمد صلى الله
علیه واله وسلم حبیبك ورسولك عاملا بشرایعك تابعا السنة
نبیك الخذا به متادبا بحسن تادیبك وتادیب اولیائك الذین
غذوتهم بادبك وزرعت الحکمة فی صدورهم وجعلتهم
معادن لحکمتك صلواتك علیهم چون این دعا بخواند پاک گرداند خدای
تعالی اورا در دنیا از کدورتها وعیبها وگناهها وبدل میکند موی اورا بمویی که گناه
نکند بعد وهر مویی که در بدن اوست فرشته بیافریند که خدای را تسبیح میکنند وتا
مدتی که نوره در بدن باشد بسیار بگوید لا حول ولا قوة الا بالله
که بدن نسوزد ودر روز چهارشنبه نوره نکند که روز نحس است هم برص باشد ودر روز جمعه
نیز در حدیث آمده است که نوره کذاشتن موجب پیسی است اما حدیث آمده که در روز جمعه
ایا کدام از نوره بهتر است وحدیثی آمده است که بعد از نوره حنا بر بدن مالد دفع مضرت
آن کند وچون نوره در بدن باشد نشستن موجب فتق است وبعد از نوره تمام بدن
را حنا بمالد ابتدا از سر نماید تا پا که دفع پریشانی نماید ودیوانگی وجذام وپیسی را برطرف
نماید وبوی بد را ببرد ودفع علت نماید واگر تشنج الف ... است که هر عضو حادث شود
گوشت آن موضع را بگزد وبخلاف خاریدن بدن را گوید وامام م فرمود که مستحب است
در همه

در همه سر تراشیدن از بیخ بناگوش ابتدا کند وبگوید بسم الله وبالله
وعلى ملة رسول الله صلى الله علیه واله اللهم اعطنی بکل شعرة نورا
یوم القیمة وچون فارغ شود بگوید اللهم زینی بالتقوی وجنبنی الردی
ودر همه باخطمی سر را بشوید که امان است از پیسی وخوره ودیوانگی ورفع پریشانی کند
وروزی بیفزاید وگناهان پاک کند مروی است که هر کس در روز جمعه شارب بگیرد وناخن
بچیند وسر بخطمی بشوید همچنان است که بنده آزاد کند واگر بارک مسدود گردد روزی
بیفزاید وخدای تعالی هفتاد روز وسوسه شیطان از وی دور کند وهر کس هفتاد روز وسوسه
شیطان از وی دور شود وگناه نکند بهشت رود وچون از حمام بیرون آید آب سرد بر پا
بریزد که کوفت وماندگی را از بدن بیرون کند وسر را بپوشد خواه زمستان وخواه تابستان
که امان است از درد سر وچون جامه بپوشد اللهم البسنی التقوی وجنبنی الردی
واول پیرهن بپوشد وچون زیر جامه بپوشد بگوید اللهم استر عورتی وآمن روعتی واعف
فرجی ولا تجعل للشیطان فی ذلك نصیبا ولا له الی ذلك وصولا
فیصنع فی المکاید ویهیجنی لارتکاب محارمك وایستاده زیر
جامه نپوشد که موروث غم باشد ورو بقبله ورو بآدم نپوشد وچون عمامه بر سر نهد
وانگشتر در دست کند بگوید اللهم سومنی بسیماء الایمان من عنقی وتوجنی
بتاج الکرامة وقلدنی حبل الاسلام ولا تخلع ربقة الایمان
من عنقی چون یکی خواهد از حمام برآید وباشد تحیت کنی بگو طهر ما طاب
منك وطاب ما طهر اگر کسی ترا تحیت کند بگو انعم الله بالك **فصل سیم** واصلح بالك

در فضیلت شارب گرفتن و ناخن چیدن و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام

مرویست که هر جمعه شارب گرفتن و ناخن چیدن امان است از دیوانگی و پیسی و جذام
و پریشانی و روزی می‌افزاید و تا جمعه دیگر پاکیزه باشد و اگر ناخن دراز باشد بدم کارد
بساید و در روایت است که شخصی بحضرت عرض کرد که مردم روایت میکنند که بعد از نماز صبح
بجای نماز نشستن تا طلوع آفتاب خواندن بهتر است برای زیادتی روزی از تجارت
کردن که نه جزو روزی در اوست حضرت فرمود ناخن چیدن و شارب گرفتن روز جمعه
بهتر است از آن مرویست که چند روز وحی بر حضرت رسالت پناه نیامد اصحاب از سبب
آن سوال کردند فرمود چگونه وحی بر من نازل شود و حبس نشود که شما ناخن نمیگیرید و بندهای
انگشتان از کثافت پاک نمیکنید روایت شده که پنهان ترین جاها که شیطان در آن
پنهان شود و آدمی را وسوسه کند زیر ناخنهاست ناخن دراز فراخی را کند و از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس شارب نگیرد از ما نیست و شارب و ناخن دراز فراموشی
آورد و نکبت و شیطان در آن پنهان میشود و شارب و ناخن گرفتن در روز پنجشنبه
و شنبه امان است از درد دندان و درد چشم و ناخن چیدن در روز جمعه امان است
از ریش شدن پشت ناخنها و در روز پنجشنبه از درد چشم فرزند و روز پنجشنبه ناخن
یک دیگر ناخن بگذارد و برای روز جمعه خدای تعالی پریشانی را باو دفع کرده اند و در روایتی
آمده که روز سه شنبه ناخن بچینید و چهارشنبه بحمام روید و پنجشنبه حجامت کنید و جمعه بوی
خوش بکار برید کسی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که مردم میگویند که شارب
و ناخن بغیر از روز جمعه نباید گرفت فرمود سبحان الله هر روز که دراز شود بگیر بدو جمعه باشد
یا روز دیگر

یا روز دیگر و مردم ناخن را از بیخ بگیرند و زنان اندکی بگذارند روایت شده که برای زینت ایشان
بهتر است و هر کس روز جمعه ناخن و شارب بگیرد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلٰی سُنَّةِ
مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ و هر ریزهٔ ناخن و مو که جدا شود همچنانکه بندهٔ آزاد کند و هیچ
بیمار نشود مگر بیماری که در آن بمیرد و هر کس روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا از انگشت کوچک
راست و اختتام با انگشت چپ کند چشم او درد نکشد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست
که در ناخن چیدن ابتدا از انگشت سبابهٔ راست کنند بعد از آن انگشت میان و همچنین تا انگشت
کوچک و بعد از او بترتیب تا ختم بزرگ راست شود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایتست
که اول انگشت کوچک راست و بعد از آن انگشت بزرگ راست و بعد از آن پهلوی کوچک و بعد
از آن سبابه و دست چپ اول انگشت بزرگ و بعد از آن میان بعد از آن کوچک بعد از آن
سبابه بعد از آن پهلوی کوچک و نشست که شارب را بسیار گرفتن تا آنکه برابر لب شود و ریش
بسیار گذاشتن مرویست که مجوسان شارب را دراز گذاشته و ریش را بسیار بگیرند شما عکس آن
کنید تا بایشان شبیه نشوید و این که مشهور است استحباب یک قبضه برای ریش اصل آن از احادیث معلوم
نیست بلکه در حدیث همین قدر است که زیاده از قبضه نباشد که زیادی در آتش است و موی سفید
بر نکند مکروه است اعمی و مجنون و پیر و عاجز و کسی که منزلش زیاده از دو فرسخ دور باشد حضرت پیغمبر
فرمود خدای تعالی نماز جمعه را بر شما فرض کردانیده پس هر که آنرا از روی انکار ترک کند و امام عادل
داشته باشد در ایام حیات من و یا بعد از حیات من خدا جمعیت او را پریشان و احوالش را انتظام
نخواهد و کارهایش را مبارک نگرداند و نماز و روزه و زکوة و حج و هیچ کار خیر از او قبول نشود تا آنکه
توبه کند و هر که سه جمعه را پی در پی بی علتی ترک کند خدا دلش را بمهر نفاق مهر کند و روز جمعه ملائکه

مقربان از آسمان نزول کنند با قمطهای طلا و لوحهای نقره و قلمهای زر و سیم و ثواب نویسند و نام جماعتی
که بنماز جمعه حاضر شوند و نویسند بترتیب آنکه پیشتر رود پیشتر نویسند هر که دیرتر رود آخر تر نویسند
در روز جمعه بهشت را آیین بندند برای جمعی که بنماز جمعه روند و هر که زودتر رود زودتر داخل بهشت
شود و هر که بنماز جمعه حرکت کند خدای تعالی جسدش را بر آتش دوزخ حرام کند شخصی در خدمت آنحضرت
شکایت کرد که چند نوبت حج کردم مقدور من نشد فرمود نماز جمعه بگزار که حج مساکین است هم از
آنحضرت روایت که هر که غسل جمعه کند و صباح زود بنماز جمعه رود نزدیک با امام نشیند
و خاموش باشد و لغوه نگوید بهر گامی که بردارد و بگذارد اجر عبادت یکساله یابد که همه روزها
بروزه باشد و همه شبها بعبادت گذرانیده باشد و مسافر اگر نماز جمعه بگذارد و بسبب رغبت و محبت
بآن ثواب صد نماز جمعه مقیم یابد و کسی که وضو بسازد و نزدیک امام بنشیند و گوش
بر خطبه دارد و خاموش باشد از آنجمعه تا جمعهٔ دیگر گناهش آمرزیده شود و خدا دو کفل ثواب باو
میدهد و اگر دور بنشیند و گوش کند یک کفل ثواب دهد و اگر نزدیک بنشیند و حرف زند
دو کفل گناه باو دهد و اگر کسی گوید خاموش باش حرف زده باشد و هر کس حرف زند نماز جمعه او
مقبول نباشد و اما آنکه مشهور گشته که ظهور امام معصوم شرط است در اقامت نماز جمعه و
حرمان کافهٔ اسلام شده از فضایل این فریضهٔ عظیمه بوده است که از تعصب شیعیان در زمان
اهل جور و عدوان ناشی شده و در حدیث و قرآن هیچ جا اصل ندارد بلکه در قرآن
و حدیث همه امر بآن فرموده و هیچ کس را از نماز بکرد (؟) مذکور شده منع فرموده اند با آنکه محقق
تقریر در رخصت میشد و بزرگ آن لای در احادیث امام عادل حلال داشته و همچنان که در نماز
جماعت نیز مذکور شده و سنت مؤکد است نماز را بجماعت گذارد و ندیدکه ثواب آن از آن بهتر است از
چهل ساله

چهل سالهٔ عبادت و هر کس بمسجد رود و برای آنکه نماز بجماعت گذارد بهر گامیکه بردارد هفتاد
هزار حسنه برایش ثبت نمایند و همان قدر سیئه از او محو گردد و اگر در این حالت بمیرد حق تعالی
هفتاد هزار فرشته بر او موکل گرداند که او را در قبر عیادت کنند و بشارت بهشت دهند و با او
موانست نمایند تا اگر از قبر بیرون رود بهشت رود و هر کس نماز صبح و خفتن را با جماعت گذارد
در امان حق تعالی باشد پس هر کس بر او ظلم کند بر خدا ظلم کرده و هر کس او را حقیر شمارد خدا را
تحقیر کرده باشد و هر کس نماز صبح را با جماعت گذارد و در جای نماز بنشیند و ذکر خدا کند تا طلوع
آفتاب او را در جنت فردوس هفتاد درجه باشد که میان هر دو درجه آنقدر مسافت باشد که اسب
دونده رهوار هفتاد سال طی کند و اگر نماز ظهر بجماعت گذارد در جنات عدن پنجاه درجه باشد
او را که مابین هر دو درجه پنجاه ساله راه باشد که اسب دونده رهوار رود و اگر نماز عصر را
بجماعت گذارد اجر آن داشته باشد که هشتاد بنده از اولاد اسمعیل نبی آزاد کرده باشد
که همه صاحب خانه و عیال باشند و اگر نماز شام بجماعت گذارد ثواب حجی و عمرهٔ مقبول
داشته باشد و اگر نماز خفتن را بجماعت گذارد همچنان است که در شب لیلة القدر عبادت
کرده باشد و بهترین صفوف صف اول باشد و بهترین موضع با امام نزدیکتر است
در صف اول شرح عبادت در راه خدا کسی که محافظت صف اول نماید چنینی که از ارزش مؤمنین
نکند ثواب مؤذنان داشته باشد و ثواب مؤذنان بعد از این بیاید فضل جانب
راست که هر صف بر جانب چپ مثل فضل جماعت باشد بر منفرد فصل چهارم در فضیلت
خضاب و ثواب آن و آنچه متعلق است بآن از آداب مرویست از ائمه
طاهرین علیهم السلام که هر که یکدرهم از برای خضاب صرف کند بهتر است از هزار درهم

که در راه خدا صرف شود و چهارده خصلت در خضاب است اول آنکه بوی دماغ ببرد و پرده چشم را
جلا دهد و دماغ را ملایم کند و بوی دهن را خوش کند و گوشت دندان را سخت کند و بیماری را ازو
ببرد و وسوسه شیطان دور کند و ملایکه خوشنود شوند و مؤمنان را خوش آید و کافر از او بد آید
و زینت بیفزاید و خوشبو باشد و امان است از عذاب قبر و از منکر و نکیر از آن شرم دارند و
روایتی دیگر آمده که آب بیفزاید و باه را قوت دهد و فرزند را نیکو کند و خضاب کردن ریش
بحنا نور است از اسلام و سیاه کردن آن نور است از اسلام و ایمان و موجب رعب دشمنان
و محبت زنان باشد و مستحب است که زنان سر را خضاب کنند که حیض بگشاید و دستهای ایشان
باید از حنا خالی نباشد اگرچه این بمالیدن مشها باشد خواه شوهر داشته باشد و خواه بی شوهر
باشد بلکه زنان پیر را باید که دستهای ایشان بی حنا نباشد که شبیه بدست مردان نباشد اما استحباب
خضاب دست چنانچه مشهور است از احادیث معلوم میشود بلکه از بعضی احادیث استشمام کراهت
آن میشود چنانکه از احادیث روایت شده است که مردی که دستش خضاب بود بخدمت یکی از
ائمه طاهرین علیهم السلام آمد آنحضرت فرمود که ای مرد آیا حق تعالی دست ترا بدین صورت
بیافرید ترا خوش نیامد گفت نه فرمود پس چرا چنین کردی و جنب و حایض را نشاید که خضاب کنند
تا شیطان بر ایشان دست نیابد فصل پنجم در فضیلت مو شانه کردن و آداب آن از
اهلبیت طاهرین علیهم السلام مروی است که موی را که نگاه دارید پاکیزه نگاه دارید که مستحب است
هر وقت نماز شانه کردن و شانه کردن ریش دندان را محکم کند و بسیار شانه کردن سر و
با را ببرد و روزی را بیفزاید و قوت مباشرت را زیاد کند و شانه استخوان شانه کردن
تب را ببرد و سر را با استخوان شانه کردن موی سر را برویاند و کرم دماغ ببرد و نشسته شانه کردن
و تا یابد

و قوت دل باشد و ایستاده نباشد که ضعف دل باشد و شانه کردن بعد از نماز و ضو پریشانی
را ببرد و چون سر از زیر شانه کند شانه را بسینه فرو آورد و دلگیری را ببرد و تب را نیز ببرد و چون
هفتاد مرتبه شانه بر ریش زند دیو یک لشکر و چهل روز شیطان نزدیک او نرود و شانه
بدست راست بگیرد و بگوید اللّهم سرّح عنّی الهموم والغموم و وحشة الصدور و منی
و وسوسة الشیطان و سوره الم نشرح و قل هو الله احد بخواند و چون فارغ
شود بگوید سبحان من زیّن الرجال باللحی والنساء بالذوائب فصل ششم
در فضایل سرمه کشیدن و آینه گرفتن و آداب آن جواب امان است از نزول آب در چشم
و دهن را خوشبو کند و نفعش تا چهل روز بماند و هر که ایمان بخدا و روز جزا دارد سرمه کشد
و سنگ سرمه چشم را جلا دهد و موی مژگان برویاند و قوت دهد و اعانت طول سجود نماید
و بوی دهن را خوش کند و قوت باه بیفزاید و چشمی که ضعیف باشد در وقت خواب
میل سرمه کشد چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ و چون سرمه کشد بسم الله
بگوید و این دعا بخواند اللّهم انّی اسئلک بحقّ محمّد ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد
و ان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی
قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی
والشکر لک ابدا ما ابقیتنی و مستحب است در آینه نظر کردن که اگر کسافتی
در رو باشد رفع کند تا در نظر مؤمنان مکروه ننماید و چون آینه بدست گیرد بسم الله
و بدست چپ گیرد و چون در آینه نظر کند دست بر سر و روی بکشد و بگوید الحمد لله
الذی خلقنی فاحسن خلقی و صورنی فاحسن صورتی الحمد لله

الذی ذاق سیف طاشات من غیری واکرمنی با
الاسلام واگر خواهد بگوید اللهم کما حسنت خلقی فحسن خلقی ورزقی
وچون بگذرد در آئینه را ببیند بگوید اللهم لا تغیر ما بنا من نعمک واجعلنا لانعمک
من الشاکرین فصل ششم در بیان قضای حاجت و آداب آن چون بقضای
حاجت که بول و غایط بود نشاید او را نگاه داشتن از اهل بیت طاهرین علیهم الصلوة والسلام
مروی است که اگر احتبال بول و غایط کند نمازش قبول نباشد و چنان باشد که در دامن
داشته باشد و چون اراده آن کند جای اختیار کند که کسی او را نبیند و بول بر ادرنج
نکند در سایها و جاهای که مردم نشینند و قافله فرود آیند ننشیند که ملوث شود و در کنار
نهرها و راههای که مردم تردد کنند و بر در مسجدها و خانها نشاید نشست و در پای
درخت در وقتی که میوه باشد در آنجا ننشیند که ملایکه در آنجا باشند که ملائکه در آنجا باشند
و در قبرستان و آب خواه ایستاده و خواه روان هم دیوانگی بود و آب ملائکه ساکن
باشند یا در آب ایستاده بول کردن فراموشی آورد و چون جای مناسب اختیار نمود
و خواهد داخل شود پای چپ پیش گذارد و بگوید بسم الله وبالله اعوذ بالله
من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم وچون عورت را برهنه کند النجس
بسم الله بگوید تا شیطان نگاه نکند و رو و پشت بقبله نکند و باد و آفتاب و ماه
بحیثیتی که بر عورت نتابد و رو بقبله ننشیند و اگر سهوا رو بقبله نشسته باشد و در آن
اثنا خبردار شود برای تعظیم قبله روی بگرداند هنوز از جا برنخواسته باشد که گناهانش آمرزیده
شود و ایستاده بول کردن هم دیوانگی باشد و چون خواهد که بنشیند بگوید اللهم
کما

کما اطعمتنیه طیبا فی عافیة فاخرجه منی خبیثا فی عافیة برای هر کس موکلست
ملکی و در روایت دیگر دو موکلست که گردن گور را کج سکنند تا نگاه بغایت خود بکند و بگوید ای
آدمی این رزق تست که بمشقت پیدا کردی ملاحظه کن که از کجا بهم میرسانی و آخرش چه میشود
پس نگاه بران کرده بگوید اللهم ارزقنی الحلال وجنبنی الحرام و چون برخیزد دست
بر شکم مالد و بگوید الحمد لله الذی اماط عنی الاذی وهنأنی طعامی
وشرابی وعافانی من البلوی و در خلا پر توقف ننماید که موجب بواسیر باشد
و در روایت دیگر جراحت بجای بواسیر پیدا شود و سر برهنه نباشد و انگشتری یا درهمی که نام خدا
در آن نقش باشد در کیسه یا در بغل نهان نکند هر کس در خلا سخن کند حاجتش بر نیاید در الحال آن
نباید خواند بغیر از آیة الکرسی و آیه الحمد لله رب العالمین و اگر آواز اذان بشنود و
حکایت توان نمود و ذکر خدا کند در هر حال که باشد و مسواک نکند که مورث بدبوئی دهن
باشد و چون نظر بر آب کند بگوید الحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم
یجعله نجسا و چون خواهد استنجا کند اول ابتدا نماید باینطریق که در پس مقعد
تا پیش عضو و از آنجا تا سر عضو را سه مرتبه دست مالد و سه مرتبه سر عضو را بیفشرد
تا قطرهٔ از بول که مانده باشد بریزد که چون استبرا کند بعد از آن رطوبتی ببیند اگر چه
بسیار باشد نباید شست و اعادهٔ وضو نباید کرد و در وقت استنجا بگوید اللهم
حصن فرجی واعفه واستر عورتی وحرمنی علی النار و استنجا
بدست راست نکند و دستی که بر عورت زند در دست چپ اگر انگشتری باشد که نام خدا در
در آن نقش باشد بیرون کند و چون خواهد بیرون آید پای راست پیش گذارد و بگوید بسم الله

الحمد لله الذی عافانی من الخبث المخبث واماط عنی الأذی **فصل هشتم** در آداب
مسواک کردن و فضایل آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که در مسواک دوازده
خصلت است که سنت انبیاست دهن را خوشبو و پاک کند و چشم را جلا دهد و خدا راضی شود
و دندان را پاک کند و بیخ دندان را محکم کند و گوشت را زیاد کند و اشتها آورد و بلغم را دفع کند و قوت
حافظه بیفزاید و حسنات را مضاعف کند و ملایکه را خوش آید و سنت است هر وقت وضو مسواک کردن
لا اقل با انگشت باشد که دو رکعت با مسواک بهتر است از هفتاد رکعت بی مسواک و پیش از وضو
باید کرد و کر بعد از آن سه مرتبه دهن را بشوید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر شب سه مرتبه مسواک
میفرمود وقت خوابیدن نیز از خود جدا نمیکنند و مسواک را بعرض دندان استعمال نماید و در حمام
و بیت الخلا مسواک کردن مورث بدبوی دهن باشد **فصل نهم** در فضایل وضو و غسل و آداب
آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که استعمال طهور بسیار کنید که عمر را دراز
کند و اگر توانید شب و روز همیشه با طهارت باشید و اگر کسی با طهارت بمیرد با طهارت بیمار شود
شهید مرده باشد و چون خواهد وضو کند بسم الله بگوید که تمام بدن طاهر شود چنانکه گویا غسل
کرده باشد و اگر بسم الله بگوید گناهانی که با دست کرده فرو ریزد و شیطان دور شود و چون
مضمضه کند رحمان در الجنت منور گرداند و چون استنشاق نماید بوی آتش از او نشنود و چون
رو بشوید گناهانی که با چشم کرده شسته شود گناهی که موجب سیاهی رو بود برود و رو سفید گردد
و چون ساعدین بشوید گناهان زر است و چپ بریزد و چون مسح سر کند گناهان او پاک
شود و چون مسح پا کند گناهان همه بریزد و در صراط پای آن بلغزد در روزی که قدمها در آن
بلغزد و چون برای نماز صبح وضو سازد کفاره گناهانی که در آن شب کرده غیر از کبایر باشد
چون برای نماز

چون برای نماز شام وضو کند کفاره گناهان آن روز باشد سوای کبایر و اگر وضو داشته باشد
یا اگر حدثی رو دهد بجدید وضو کند خدای تعالی توبه او را تجدید بی استغفار و وضو بر وضو نور است
بر نور و نوزده حسنه دارد هر گاه خواهد وضو کند چون نظر بر آب کند بگوید الحمد لله الذی
جعل الماء طهوراً ولم یجعله نجساً و چون دست بر آب زد بگوید بسم الله
و بالله اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین من عبادک الصا
لحین و اگر بر مثل طشت یا کاسه وضو کند مستحب است که آب را بجانب راست گذارد و اول
دستها را تا بند بشوید اگر بعد از خواب و بیدار یا بول باشد یکمرتبه و بعد از غایط باشد دو مرتبه و
جنابت سه مرتبه و چون مضمضه کند بگوید اللهم لقنی حجتی یوم القاک واطلق
لسانی بذکرک وشکرک و چون استنشاق کند بگوید اللهم لا تحرمنی طیبات
الجنان واجعلنی ممن یشم ریحها وروحها وریحانها وطیبها
و چون خواسته باشد رو را بشوید این دعا را بخواند اللهم بیض وجهی یوم تسود فیه
الوجوه ولا تسود وجهی یوم تبیض فیه الوجوه در شستن چشمها را
بگشاید که آب وضو بچشم برسد تا آتش دوزخ را نبیند و چون دست راست بشوید بگوید اللهم
اعطنی کتابی بیمینی والخلد فی الجنان بیساری وحاسبنی حساباً
یسیراً واجعلنی ممن ینقلب الی اهله مسروراً و چون دست چپ بشوید بگوید
اللهم لا تؤتنی کتابی بشمالی ولا من وراء ظهری ولا تجعلها
مغلولة الی عنقی واعوذ بک من مقطعات النیران مردان آب بر پشت
دست ریزند و زنان بر روی آن و چون مسح سر کند بگوید اللهم غشنی

برحمتك وبركاتك وعفوك وعافيتك وچون مسح پا کند بگوید اللهم ثبتني قدمي
على الصراط يوم تزل فيه الاقدام واجعل سعيي فيما يرضيك عني يا ذا الجلال
والاكرام چون باین طریق وضو کند بهر قطره فرشته خلق شود که خدا را تسبیح وتقدیس وتهلیل
وتکبیر گوید وثواب آن همه را برای او نوشته شود وچون از وضو فارغ شود الحمد لله رب العالمین
بگوید هر کس بعد از غسل جنابت بگوید سبحانك اللهم وبحمدك اشهد ان لا اله الا انت
استغفرك واتوب اليك واشهد ان محمدا عبدك ورسولك واشهد
ان عليا وليك وخليفتك بعد نبيك على خليقتك وان اولاده خلفاء
واوصياءه گناهانش همه فرو ریزد مانند برگ از درخت وبعد هر قطره از آب وضو وغسل
فرشته خلق شود که خدا را تسبیح وتهلیل گوید وصلوة بر محمد وآل محمد فرستد وثواب آن همه
او را باشد بعد از آن حق تعالی امر فرماید که آن وضو وغسل را بخاتم رب العالمین مختوم کردانند
وبعد از آن بر زیر عرش بجای که دست دزدان ودشمنان شیاطین باو نرسد تا آنکه روز
قیامت باو تسلیم کنند ودر بهشت القدر ثواب باو بدهند که حساب آنرا غیر از خدا کسی
نداند وگناهانش همه آمرزیده شود تا آنکه نمازش باطله هدیه شود وآب وضو را اگر خشک کند یک حسنه
داشته باشد واگر خشک نکند سی حسنه وچون غسل جنابت از حلال کند
بعد هر قطره خانه در بهشت بنا کنند ودر وقت جنابت بگوید اللهم طهر قلبي وزك
عملي وتقبل سعيي واجعل ما عندك خيرا لي وبعد از غسل دعائیکه بعد از وضو ذکر کرده
بخواند ودر غسل جمعه تاکید وارد شده هر کس از مرد وزن وآزاد وبنده در حضر وسفر زنان
رخصت آن داده وکفاره گناهان است که از جمعه پیش تا این جمعه سهو ونسیانا نقصانیکه در
وضو فریضه شده

وضو فریضه شده باشد خدای تعالی از آن غسل جمعه تمام نماید واگر بعد از غسل بگوید اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله
اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلني من التوابين واجعلني
من المتطهرين طاهر از غسل تا جمعه دیگر باقی باشد ودر جای که سراغ آب در روز جمعه نباشد
در پنجشنبه برای جمعه غسل کند واگر روز جمعه غسل نکرده نماز کرده باشد در آن استغفار کند ودیگر
این کار نکند وغسل را قضا کند واگر وقت نماز باقی باشد اعاده کند واگر ترک غسل را عمدا
نکرده نمازش تمام کند واگر روز جمعه غسل میسر نشود در روز شنبه قضا نماید واگر چند غسل
داشته باشد خواه حسب واجب وخواه مندوب مثل جنابت وجمعه وزیارت وحیض ونفاس
وغیر آن چون یک غسل بنیت هر کدام باشد برای همه مجزی باشد خواه آن تسمیه بخاطر باشد
وخواه نه واگر همه را نیز قصد یک غسل کند مجزی بود وحایض وقت هر نماز وضو کند در موضع
پاک نشسته ذکر خدا کند ومستحب است که وضو وغسل به آب باشد وآب وضو تخمینا بقدر
چهار کف وآب غسل بقدر یک من تبریزی باشد ونیز مستحب است که آب پاکیزه باشد ومتعفن وکثیف
نباشد **فصل دوم** در آداب وفضایل بوی خوش واستعمال آن مرویست از اهل بیت طاهرین
که دو رکعت نماز با بوی خوش افضل است از هفتاد رکعت نماز بی آن ودل را قوت دهد
وقوت مباشرت افزاید وقوت بر صوم دهد وباید هر کسی هر روز استعمال بوی خوش کند و
وگلاب بر رو زیاده کند وپریشانی ببرد وچون گلاب استعمال نماید برو ودست مالد وصلوة
بفرستد بر پیغمبر وآل او وسنت است هر روز استعمال بوی خوش واگر مقدور نشود یک روز در
دیگر هفته بیشتر نگذارد وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله مشک دانی بود که بعد از نماز بآن استعمال

میکرد و اگر بوی خوش بیند اشت بعضو زنان بان ترمیم نموده بر روی مبارک میمالید و میفرمود
هر کس میخواهد بوی خوش مرا بشنود بوی گل سرخ نماید و نیز میفرمود گل سفید از عرق من روییده
و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق و در روایت دیگر آمده که در شب معراج عرق آنحضرت
بر زمین چکید و گل سرخ از آن رویید چون کسی را تکلیف بوی خوش کنند رد نباید کرد و زیاد کردن
بوی خوش کراهیت ندارد اگر امتناع نماید که حمار و اگر گل یا ریحانی بکسی دهند بگیرد و ببوید و بر چشم
بمالد و صلوة بر پیغمبر و آلش بفرستد هنوز از دست نگذاشته باشد که گناهانش آمرزیده باشد
و در روایت دیگر آمده که ببوسد و بر چشم گذارد و صلوة بفرستد بعدد ریگ بیابان عالج حق تعالی
برای او حسنات مثبت فرماید و سیئات محو فرماید و عالج بیابانی است که ریگ بی نهایت دارد

باب چهارم در باب نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی ادعیه مخصوصه و ساعات و فضایل قرآن
و این مجموع ان شاء الله تعالی در پانزده فصل بیان میشود **فصل اول** در فضایل نمازهای فریضه یومیه
و ذکر جماعت و فضایل این شبیه ز از اهل بیت طاهرین علیهم السلام ماثور است که بعد
از ایمان و معرفت هیچ عملی و عبادتی بهتر از نماز نیست و چون مومن مشغول نماز شود خدای تعالی
متوجه جانب او شود و از طرف آسمان و طرف زمین رحمت بر او نازل شود و اطراف او سو
از زیر پای تا اطراف آسمان ملائکه فرو گیرند و فرشته ندا کند ای بنده مومن اگر بدانی که با که
در گفتگوی و کیست که متوجه تو شده هرگز از این جا بجای نروی و یک نماز بهتر است از هزار حج و یک حج
بهتر است از تمام دنیا و هر چه در او است از نعمتها و رحمتها و نماز در میان عبادتها مانند ستون خیمه است
که اگر او محکم برجا باشد همه اسباب برجا باشند هر چند کهنه در زیان باشند و اگر او نباشد
هر چند همه نو و الوان باشند بکار نمیروند و هر مومن که نماز فریضه بجا آورد د ابعد و مخالفان و شیعه ملائکه

دلیل پرستش

دلیل پرستش نماز کنند و براو دعا تا از نماز فارغ گردد و خدای تعالی را فرشته ایست که هر وقت نماز ندا
کند و بشارت میکرد برای نماز کنندگان چون وقت نماز صبح شود مومنان برخیزند و نماز کنند از خدا برایشان
کرد که منم خداوند پاینده ای بندگان من شما در پناه منید و شما را در حفظ حمایت خود دارم و دوا
نگذارم و گناهان شما امرزیدم و چون وقت ظهر شود برخیزند و وضو سازند و نماز کنند برایشان کرد
باین مضمون که خداوند توانا ای بندگان من گناهان شما را امرزیدم و بلکه از ثواب شما
را در دار جلال خود جا دادم و چون وقت عصر رسد برخیزند و وضو کنند و نماز عصر بگذارند برایشان
باین مضمون کرد که منم خداوند بزرگوار ای بندگان من جسد شما را بر آتش دوزخ حرام کردم و شما را در منزل
خوبان مسکن دادم و شر بدان را از شما دور کردم و چون وقت نماز شام رسد وضو کنند و نماز شام
کنند برایشان باین مضمون کرد که منم خداوند جبار بزرگ ای بندگان من فرشتگان من
از پیش شما راضی آمدند حق است برمن که شما را راضی کردانم و روز قیامت آرزوهای شما را بشما رسانم
چون وقت نماز خفتن در آید وضو سازند و نماز گذارند برایشان باین مضمون کرد که منم خداوند
معبودی که غیر از من نیست پروردگاری سوای من ای بندگان من در خانه‌ها رجوع کرده و بخانه
من آمدید و مشغول نماز گردیدید و ذکر من کردید و حق مرا شناختید و فرایض مرا بجا آوردید ملائکه گواه
باشید که من از ایشان راضی و خوشنود گردیدم و هر مومن که نماز فریضه بجا آورد بعد از آن
اوراد دعا مستجاب باشد و هر وقت نماز فرشته ندا کند و گوید ای مومنان برخیزید و بنماز بشتابید آتشهای
را که از گناهان بر دوش خود افروخته‌اید و هرگه وقت نماز بجا آورد و محافظت شروط و ارکان آن
نماید آن نماز را روشن و نورانی باسمان برند و او را دعا کنند و گویند چنانکه تو مرا محافظت کردی
و ضایع نگردانیدی خدای تعالی ترا محافظت کند و اگر بی وقت گذارد و محافظت آن نکند سیاه و

وظلمانی برکردد و کوید چنانکه تو مرا ضایع کردانیدی خدا ترا ضایع کرداند و هر کس استخفاف بنماز کند و
ارکان او را ضایع کند از حوض کوثر بی نصیب و از شفاعت اهل بیت محروم ماند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
روزی در مسجد بود مردی آمد بنماز ایستاد و بشتاب نماز میکرد و رکوع و سجود را بتانی بجا آورد حضرت فرمود
اینمرد مانند کلاغ دانه برچیند اگر این نماز بمیرد در دین آن نباشد و هر کس نماز را بتانی و بشتاب کذارد
خدای تعالی فرماید که ای ملائکه ببینید این بنده مرا که بی تانی نماز کذارد و او پندارد که حیلهای او را بمن
از من بجا آورد و هر کس عمدا ترک نماز کند کافر باشد و اسلام ازو بیزار شود و افضل همه نمازها نماز جمعه
و واجبست بر هر مسلمی مگر پنج کس مریض و مجنون و مملوک و مسافر و زنان و در بعضی روایات زیاده
بر این پنج کس دیگر وارد شده است فصل دوم در ذکر نوافل یومیه و فضایل آن بدانکه سنت است نزد اهل
بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که خدای تعالی شرم دارد که از عبادت بندگان
کمتر از ثلث قبول فرماید باین سبب حضرت رسول صلی الله علیه و آله شبانه روزی سی و چهار رکعت نماز سنت کردانید
که دو برابر فریضه یومیه است تا اگر فرایض را سهوی و نقصانی باشد خدای تعالی از این نوافل تمام فرماید
و ترک آن بی عذر رخصت و عذری گناه باشد همچنین که ترک فریضه کفرست و نماز شب کفاره گناهان روز
باشد و صحت بدن و موجب نور رزق است و شرف و عزت مؤمن است از دنیا و آخرت و هر کس
عملش بنماز شب ختم کردد لذا بهشت باشد و نماز شب موجب رفع کدورت و چشم را جلا دهد و نورانی
کرداند و هر کس عشر شب عبادت کند برای رضای خدا خدای تعالی فرماید که ای ملائکه حسنات بنویسید بعدد
این بنده من بعدد هر برگ و هر گیاهی و هر چه از زمین روید و هر کس ثلث شب عبادت نماید حق تعالی دعای
او را اجابت نماید و در روز قیامت نامه عملش را بدست راستش دهند و اگر نصف شب عبادت کند
خدای تعالی اجر شهیدی که در جهاد شهید شده باشد و با شوق تمام جهاد فرماید باو عطا فرماید

و هر کس

و هر کس سیم شب عبادت کند روز قیامت چون از قبر بیرون آید رویش چون ماه چهارده باشد و همراه
مؤمنان که ایمنند از اهوال قیامت و در صراط بگذرد و اگر سدس شبی عبادت کند از جمله توابین
نوشته شود گناهان گذشته و آینده اش همه آمرزیده شود و اگر خمس شبی عبادت کند با ابراهیم خلیل
در بهشت همدوش شود و اگر ربع شبی عبادت کند در اول صف فائزین باشد و چون باد از صراط بگذرد
بی حساب داخل بهشت شود و اگر ثلث شبی عبادت کند هیچ فرشته نماند مگر که رشک برد بمنزلت او
و از هر در بهشت که خواهد درون رود و اگر نصف شبی عبادت کند هشتاد هزار برابر روی زمین
زر و ثوابش باو
طلا باشد چنان باشد که هشتاد بنده از اولاد اسمعیل را آزاد کند و اگر دو ثلث شب عبادت کند
بعدد ریک بیابان عالج باو حسنات دهند که کوچکترین آن حسنات ده مرتبه بزرگتر از کوه
احد باشد و اگر یک شب تمام عبادت کند آنقدر ثواب باو دهند که کمترش آن این باشد که از گناهان
پاک شود همچنانکه تازه از مادر متولد شده باشد و بعدد هر چیزیکه خدا آفریده باو ثواب دهند
و درجات بلند و حسد از دلش بیرون رود و قبرش نورانی شود و از عذاب قبر ایمن شود و از
آتش دوزخ خلاصی شود و از زمره ایمنان مبعوث کردد و خدای تعالی فرماید ای ملائکه ببینید این
بنده مرا که شب برای رضای من بروز رسانید او را در جنت فردوس منزل دهید و آن جنت
هزار شهر باو دهند که در هر شهری هر چه دلش بخواهد و هر چه دیده را لذت بخشد همه آنست باو عطا
فرمایم و همه سوای کرامتی نزد قربت است که برای او مهیا کرده و خانه که در آن نماز شب گذارند
برای ملائکه آسمان درخشان باشد چنانچه ستاره آسمان برای اهل زمین و هر کس شب برخیزد
و وضوی کامل بسازد و نیت صادق و دل سلیم و بدن خاشع و چشم گریان نماز گذارد
و به صف ملائکه در پشت سر او نماز گذارند که یک طرف هر صف در مشرق باشد و سر دیگر در مغرب و عدد

ایشان را حدی نداند مگر ذات خدا چون از نماز فارغ شود بعد از آن ملایکه درجات برای او بلند کنند
و کسی که برای نماز شب برخیزد و خواب براو غلبه کند بحیثیتی که برابر چرب افتد و دهنش بسینه آید خداوند
تعالی امر فرماید که درهای آسمان را بگشایند پس گوید ای ملائکه ببینید بندهٔ من را بچه مشقت بندگی من میکند
در حال آنکه عبادتیست که براو فرض نکرده ام میکند با امید آنکه گناهش را بیامرزم و در دنیش منتظرم و یا تو باش
را قبول فرمایم گواه باشید که او را عبادت را قبول کردم و هر کس بعد از نماز شام بنشیند و تعقیب خواند و با کسی
سخن نکند تا آنکه دو رکعت نافله بگذارد و آن نافله را برای او در اعلای علیین ثبت نمایند و اگر چهار رکعت
بگذارد و حج سروری برای او نویسند و اگر نافله فوت شود قضای او باید کرد که خدا را خوش آید و مباهات
کند با آن بنده و گوید که ای ملائکه ببینید بندهٔ مرا که عبادتی که براو فرض نکرده ام قضا میکند گواه باشید
که گناهان او را آمرزیده ام و اگر کسی را خواب غلبه کند و برای نافلهٔ شب بیدار نشود آن نافله
را قضا کند و اهتمام در قضا داشته باشد بعد از آن خدا او را بیدار کند و عدد نوافل یومیه
سی و چهار رکعت است دو رکعت نافلهٔ صبح و هشت رکعت از ظهر و هشت رکعت از عصر و این هشت
رکعت پیش از فریضه گذارده شود و چهار رکعت نافلهٔ شام و دو رکعت وتیره نشسته است بعد از
خفتن که یک رکعت ایستاده حساب میشود و ایستاده افضل باشد و اگر ایستاده گذارند همان یک
رکعت گذارند و این پنج رکعت بعد از فریضه گذارده شود و هشت رکعت نافلهٔ شب و سه رکعت
وتر که دو رکعت را شفع گویند و یک رکعت ایضا وتر گویند و شانزده رکعت ظهرین در سفر ساقط است
و اما سایر نوافل را در اثنای راه پیاده و سواره توان گذارد و اگر چه ضرورتی نباشد و سجود
و رکوع با ایما و اشاره توان گذارد و ایما بسجود بیشتر از رکوع و نشسته نیز از روی اختیار
توان گذارد و اگر خواهد فضیلت ایستاده را دریابد قرائت نشسته کند و چون بآخر رسد برخیزد

سوره را

سوره را ایستاده تمام کند پس رکوع کند فضیلت ایستاده را دریابد **فصل سیم** در اوقات
نمازها و فضل آن و از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که هر نمازی را دو وقت است
وقت اول افضل است از وقت دویم آنقدر که فضیلت آخرت بر دنیا و در پیش اهل ایمان
اول وقت رضای خداست و آخر وقت عفو خدا و عفو نباشد مگر از برای گناه یعنی کسی که اول
وقت بی عذری تاخیر کند گناه کرده باشد پس اگر در آخر وقت بگذارد آن گناه عفو شود
و هیچ رخصت نیست که بی عذری تاخیر کند که موجب غضب الهی شود و کار خیر هر چند
زودتر کرده شود خدا را بهتر خوش آید و وقت هر نمازی درهای آسمان گشوده که اعمال بندگان
را بالا برند و گفت حضرت امام علیه السلام فرموده که من خواهم که عمل صالح من از عمل خیر بالا برند و نام
اصحاب من از نامهٔ من ثبت کنند و اول ظهر دعا مستجاب شود و اول صبح وقتیست که فرشتهٔ
شب باسمان رود و فرشتهٔ روز بزمین آید پس کسی که نماز صبح را در آن وقت گذارد
دو گروه فرشته شاهد او باشند و آن نماز در دو جا ثبت گردد و هر که تاخیر نماز صبح کند
تا ستارهٔ آسمان پنهان شود یا غروب کند ملعون باشد و هر تاخیر نماز عصر کند تا آنکه
آفتاب زرد شود یا غروب کند در بهشت موتور باشد یعنی اهل و مال نداشته باشد
و هر کس نماز شام را تاخیر کند تا آنکه ستاره بسیار شود اهل بیت از وی بیزار شوند و هر کس که خواب
و نماز خفتن را تاخیر کند تا آنکه نصف شب شود خداوند عالم ملکی خلق کرده است که این چنین
اشخاص را نفرین کند که بیدار نشود تا نماز او قضا شود و بعقوبت این عمل مکرر روزه بگیرد
و نماز را قضا کند اما بیان وقتها وقت اول صبح است از طلوع صبح صادق تا آنکه روشنی
صبح از آسمان پهن شود و در پیش تا طلوع آفتاب و وقت اول ظهر از زوال آفتاب است

تا آنکه سایه دو قدم زیاده شود و وقت دویمش تا آنکه بقدر چهار رکعت نماز از آفتاب بماند و وقت
اول عصر بعد از چهار رکعت از اول زوال است تا آنکه سایه چهار قدم زیاده شود اگر تا شش قدم
زیاده کند و تضییع نماز کرده باشد و وقت دویم تا غروب آفتاب و وقت اول شام از غروب آفتاب
تا آنکه سرخی شفق زایل شود در مغرب و اگر غروب آفتاب اندکی تاخیر کند تا آنکه سرخی مشرق
زایل شود افضل باشد و وقت دویمش تا آنکه ربع شب بگذرد و تا نصف شب نیز
روایت شده و وقت اول خفتن از زوال سرخی مغرب است تا ثلث شب و وقت دویمش
تا نصف شب هر چند نمازها در اول وقت نزدیکتر باشد افضل است و وقت نوافل شب از
نصف شب است تا طلوع صبح صادق و هر چند بصبح نزدیکتر باشد افضل است و نافله بعد از نماز شب است تا
آنکه سرخی صبح نمایان شود و نوافل ظهر از اول زوال است تا آنکه دو قدم سایه زیاده شود و نوافل عصر بعد از
فریضهٔ ظهر باشد تا آنکه چهار قدم سایه زیاده شود و نوافل شام تا آنکه سرخی مغرب زایل شود و در
روز جمعه چهار رکعت بر نوافل ظهر و عصر میفزاید و مجموع بیست رکعت را پیش از ظهر بگذارد و بهتر این است
چون آفتاب پهن شود شش رکعت کرده شود و چون بلند شود نزدیک بوقت چاشت شش رکعت
و نزدیک ظهر شش رکعت و بوقت زوال دو رکعت و اگر همه را پی در پی بگیرد نیز بگذارد و چون وقت
هر یک از نوافل این وقتش بگذرد دیگر ابتدا بفریضه کند بعد از آن نافله را قضا کند و اگر نوافل
ظهر و عصر هر رکعت که گذارده شود تتمه را نیز بگذارد و اگر چه وقت بگذرد و اگر دو رکعت بگذارد و اگر وقت
نماز شب تنگ شود و صبح بسیار نزدیک شود اول نماز شفع و وتر را بگذارد و پس اگر صبح طلوع نکرده
باشد نماز شب را بگذارد و اگر طلوع کرده باشد نماز نافلهٔ صبح را بگذارد و نماز شب را بعد از فریضه
صبح قضا کند و اگر چهار رکعت از نماز را ادا کرده و صبح طلوع کرده بقیه نماز را رو و تمام کند و این

و افضل این است

و افضل این است که نافلهٔ صبح را بگذارد و تتمه را قضا کند تا فریضه از وقت نرود و اما شناختن وقت
ظهر و عصر و نوافل چنان است که چوبی راست بر زمین مستوی هموار نصب کنند و مقدار چوبی که از زمین
مرتفع است بر روی زمین هفت قسمت نمایند و هر قسمی را یک قدم گویند و آفتاب چون طلوع کند سایهٔ چوب در
درازی باشد و آهسته آهسته کم شود تا وقت ظهر شود بحدی رسد که از آن کمتر نشود و آن حد را نشان
کنند هنگامی که از آن حد شروع بزیادتی کند اول ظهر است پس آنچه زیاد شود بقدر دو قدم چون رسد وقت ظهر
و نافله‌اش باشد و چون بقدم چهارم رسد وقت عصر و نافله‌اش باشد و سایهٔ اول ظهر که نهایت حد
کوتاهی بود داخل حساب نباشد **فصل چهارم** در فضایل مسجد و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
مرویست که یک نماز در مسجد جامع برابر است با صد نماز و در مسجد محله با بیست و پنج نماز و در مسجد
بازار با دوازده نماز و چون کسی بمسجد رود و بر هیچ موضع قدم نگذارد مگر آنکه آن موضع تا زمین هفتم
برای او تسبیح کنند و کسی که در خانهٔ خود وضو کند بمسجد رود از گناهان پاک شود و زیارت
خدا کرده باشد و حق است بر زورکرده که اکرام زایر نماید و هر کس بمسجد تردد نماید حق تعالی یکی از هشت
نعمت باو عطا فرماید برادر مؤمنی یا علم تازه‌ای یا آیهٔ محکمی که راه راست او را هدایت کند یا رحمت
تازه که پیش از آن نبوده یا کلمه که او را از هلاکت نجات دهد یا ترک گناهی کند که از ترس خدا و بهترین
خانها خانهٔ مساجد است و بهترین اهل مساجد آنها اند که پیشتر داخل شوند و پس‌ترین بیرون آیند
مرویست که هر کس آواز اذان در مسجد بشنود و نماز نگذارد و بیرون رود منافق باشد مگر اراده
رجوع داشته باشد و بهترین مساجد برای زنان خانهای ایشان است و پستو خانه افضل است
از اصل خانه و اصل خانه افضل است از ایوان و ایوان افضل است از صحن خانه و صحن افضل است
از بام و چون متوجه مسجد شود و از خانه بیرون آید بگوید بسم الله الذی خلقنی فهو

يهدين والذي هو يطعمني أطمع أن يغفر لي خطيئتي يوم الدين
رب هب لي حكما وألحقني بالصالحين واجعل لي لسان صدق
في الآخرين واجعلني من ورثة جنة النعيم واغفر لأبي چون این
دعا بگوید حق تعالی درا با ایمان و حق هدایت کند و از اطعمه و اشربهٔ بهشت سیر گرداند
و کفارهٔ گناهانش باشد و حق تعالی مرگش را مثل مرگ شهدا و حیاتش مثل حیات
سعدا گرداند و هر خطائی که کرده باشد بیامرزد و اگر شر از کف دریا باشد و حکمت باو
عطا فرماید و بصلحای گذشته و آینده ملحق سازد و او را از جملهٔ صادقان ثبت نماید و منازل
کریم باو عطا فرماید و گناهان او و پدر و مادرش بیامرزد و چون و چون خواهد داخل مسجد شود
کفش را ملاحظه کند که نجس نباشد و پای راست را در پیش گذارد و بگوید بسم الله وبالله
ومن الله وإلى الله وفي سبيل الله وخير الأسماء كلها لله
توكلت على الله لا حول ولا قوة إلا بالله اللهم صل على
محمد وآل محمد وافتح لي أبواب رحمتك وتوبتك وأغلق
عني أبواب معصيتك واجعلني من زوارك وعمار مساجدك
ممن يناجيك في الليل والنهار ومن الذين هم في صلاتهم خاشعون
وادحر عني الشيطان الرجيم وجنود إبليس أجمعين و چون به مسجد
داخل شود بگوید أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له
والله أكبر كبيرا والحمد لله كثيرا وسبحان الله بكرة وأصيلا
ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم وصلى الله على
سيدنا

ويسقين وإذا مرضت فهو يشفين والذي يميتني ثم يحيين والذي

سيدنا محمد وآله برابر با گنج مقبول اگر ارادهٔ نشستن داشته باشد به طهارت
داخل شود و در مسجد شعر نباید خواند مرویست که اگر کسی در مسجد شعر بخواند یا حرف بزند باو بگوید
فضّ الله فاك یعنی خدای تعالی دهن ترا بسته و بشکند و آب دهن در مسجد انداختن خطاست
و کفاره اش آنست که او را دفن کند برای تعظیم مسجد آب دهن و دماغ را فرو برد حق تعالی برای او
حسنه نوشته باید و قوّة بدنش را زیاد کند و بهیچ کوفتی و علتی مبتلا نکند در روز قیامت خوشحال
و خندان برخیزد و حرف دنیا و گفتگوی باطل نکند که مسجد جای عبادت است و جستجوی گمشده نماید
اگر نماید باو بگوید لا ردّ الله علیک یعنی حق تعالی گمشده را بتو نرساند و آزار نکند اطفال
و دیوانها را در مسجد نگذارد و در مسجد بیع و شرای نکند و اگر کسی در مسجد تجارت کند بگوید لا اربح
الله تجارتک یعنی حق تعالی نفع ندهد ترا در این تجارت هر کس چراغی در مسجد روشن کند و یا جاروب
کند تا چراغ روشنی است حملهٔ عرش و ملائکه برای او استغفار کنند و هر کس مسجد جاروب کند یا چراغ
روشن کند ثواب آن دارد که بنده آزاد کند و اگر بقدر ذره که در چشم افتد خاک روبه یا کثافتی
بیرون برد خدا او را کفل رحمت باو دهد و اگر در روز پنجشنبه و شب جمعه جاروب کند بقدر سرمه که در چشم
کشند کثافت بیرون برد گناهانش آمرزیده شود و چون خواهد از مسجد بیرون آید در در
مسجد بایستد و بگوید اللهم دعوتني فأجبت دعوتك وصليت مكتوبتك
وانتشرت في أرضك كما أمرتني فأسألك من فضلك العمل بطاعتك
واجتناب سخطك والكفاف من الرزق برحمتك و بیرون آمدن پای چپ
را پیش گذارد و بسم الله بگوید و صلوة بر پیغمبر و آل او بفرستد و بگوید اللهم اغفر لي
وافتح لي أبواب فضلك فصل هجدهم در کیفیت توجه نماز و فضایل اذان و اقامت و سنت

از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون برای تهجد نماز برخیزی بگو الحمد لله نور السموات
والارض ومن فیهن انت الحق وان امرک الحق وقولک الحق والجنة حق
والنار حق والساعة حق اللهم لک اسلمت وبک امنت وعلیک توکلت
والیک انبت وبک خاصمت والیک حاکمت فاغفر لی ما قدمت وما
اخرت وما اسررت وما اعلنت انت الهی لا اله الا انت وچون برخیزی و
خواهی مشغول نماز شوی بگو اللهم انی اقدم الیک محمدا صلی الله علیه وآله
بین یدی حاجتی واتوجه به الیک فاجعلنی بهم وجیها عندک
فی الدنیا والاخرة ومن المقربین واجعل صلواتی به مقبولة وذنبی
به مغفورا ودعائی به مستجابا انک انت الغفور الرحیم و
اگر برای نماز شب برخیزی بگو اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة وآله
واقدمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا
والاخرة ومن المقربین اللهم ارحمنی بهم ولا تعذبنی بهم
واهدنی بهم ولا تضلنی بهم وارزقنی ولا تحرمنی بهم واقض لی
حوائجی للدنیا والاخرة انک علی کل شیء قدیر وچون رو بقبله
کنی بگو اللهم الیک توجهت ومرضاتک طلبت وثوابک ابتغیت
وبک امنت وعلیک توکلت اللهم صل علی محمد وآل محمد وافتح
مسامع قلبی لذکرک وثبتنی علی دینک ودین نبیک ولا تزغ
قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب

بهم وارزقنی ولا تحرمنی بهم

وچون خواهی

و چون خواهی شروع در نماز کنی برای نماز فریضه اذان واقامه بگوید اگر کسی اذان واقامه دو
بگوید دو صف ملائکه در پشت سر او نماز کنند که هر صفی از مشرق و مغرب باشد واگر تنها بگوید
یکصف و موذنی که برای خدا اذان بگوید نه برای اجرت در روز قیامت در
بهشت تل مشک باشد واجر شهیدی یابد که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد
باد و هر کسی که شما را رسول آنچه مردم پیش کنند و وقت می دهند حضرت فرمود زمانی بیاید
که مردم اذان گفتن از روی تکبر بفقرا و ضعفا گذارند که گوشت بدن ایشان را حق تعالی
از آتش جهنم حرام میکند جهنم را اذان گویان نمی بینند و کسی که برای خدا اذان بگوید
خدای تعالی ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق باو عطا فرماید و چهل هزار گناه کار را شفاعت
کند و چون بگوید اشهد ان لا اله الا الله هفتاد هزار فرشته او
دعا کنند و استغفار نمایند و در روز قیامت در سایهٔ عرش خدا باشد تا حساب مردم تمام
شود و چون بگوید اشهد ان محمدا رسول الله چهل هزار فرشته ثواب او را
بنویسند و اگر یکسال در شهری از شهرهای اسلام اذان بگوید گناهانش آمرزیده شود
و بهشت او را واجب شود و اذان را تا بانی بلند گوید که آواز هر خشک و تر برسد برای او شهادت
دهد و هر قدر بلند تر شود آنقدر گناهانش آمرزیده شود و هر کس باواز او نماز کند از ثواب
او شریک باشد و خدای تعالی بادی بر اذان موکل گردانده که آواز او را باسمان برد و چون ملائکه
بشنوند گویند این آواز امت محمد است که توحید خدا میکنند پس برای ایشان استغفار کنند تا آنگاه از
نماز فارغ گردند و اگر در خانه اذان را بلند گوید شیطان را دور کند برای اطفال نیکو باشد
و صدای اذان و حیّ اسلام چیز بشنوند و بیماری و پریشانی را زایل کند راوی گوید که

و امر خانه من همیشه بیمار بودیم و گاه میشد که کسی نبود که کسی را خدمت کند تا این حدیث را شنیدم
و عمل نمودم بیماری و کوفت از خانه واده من دور گردید و دیگر از بیمار و بعضی زنی و پریشانی زایل گردید
شخصی از حضرت امام رضا علیه السلام شکایت نمود فرمود در خانه خود اذان بگو چنین کرد علت بر طرف
شد و اولادش بسیار شد و اقامه را آهسته تر و زودتر بگویند و هر دفعه که نام حضرت رسول را بگوید
گوینده و شنوند صلوة بفرستند و اذان را نشسته و سواره و بی طهارت و بغیر قبله اگر در
گفتن شهادتین رو بقبله باشد گفته اما اقامه را بشرایط و هیئات نماز بگوید و در اثنای اذان
و اقامه حرف زدن جایز است اما ترکش افضل است خصوص در اقامه و چون قد قامت الصلوة
گفته شد احادیث بسیار وارد شد که حرف زدن حرام است و موذن و سایر جماعت
هرگاه که برای امامت کسی را گویند پیش بایست و بعضی علما حرف زدن را برای سایر چیزها که
تعلق بنماز دارد جایز دانسته اند و اگر حرف زند اقامه را اعاده کند و اگر چیزی از اذان و اقامه
را فراموش کند رجوع نماید و از آن کلمه بگوید تا آخر و اگر داخل نماز شود بخاطر رسد که اقامه نگفته صلوة
را بشکند و ایستاده اقامه بگوید بعد از آن نماز کند و اگر هنوز شروع در قرائت کرده باشد و در روایت
دیگر آمده که اگر رکوع نکرده باشد رجوع نماید و اذان و اقامه بگوید و برای زنان اذان
و اقامه اینقدر تاکید نوارد اما افضل است که بگویند و میان اذان و اقامه لحظه
فاصله کند و اقلش این است که نفسی بکشد یا سبحان الله یا الحمد لله یا بنشیند
یا سجده کند و اگر بنشیند بگوید اللهم اجعل قلبی بارا و رزقی دارا واجعل لی
عند قبر نبیک صلی الله علیه و آله مستقرا و قرارا و اگر سجده کند بگوید
لا اله الا انت ربی سجدت لک خاضعا خاشعا ذلیلا اغفر

علی محمد و آل

و آل محمد
علی محمد واغفر لی وارحمنی وتب علی انک انت التواب الرحیم حق تعالی
همه گناهان او را بیامرزد و اگر میان اذان و اقامت شام بنشیند همچنان است
که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و از ظهر عصر شش رکعت نافله را پیش از آن بگذارد
و دو رکعت را میان اذان و اقامه و اگر جماعتی باشد که موذن اذان گوید روزیش
زیاد شود و چون موذن شهادتین شنونده از روی تصدیق و اقرار بگوید وانا
اشهد ان لا اله الا الله وانا اشهد ان محمدا رسول الله اکتفی
بها عمن ابی وجحد واعین بها من اقر وشهد بعدد هر کس که شهادت
داده و ایمان آورده و هر کس انکار نموده و ایمان نیاورده اجر و ثواب داشته باشد
در روایتی آمده که چون موذن حی علی گوید شنونده حوقله گوید و چون اذان صبح و شام بگوید
بخواند اللهم انی اسئلک باقبال نهارک وادبار لیلک وحضور
صلواتک واصوات دعائک وتسبیح ملائکتک ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تتوب علی انک انت التواب الرحیم و در شام بجای
اقبال لیلک وادبار نهارک بگوید اگر در آن روز بمیرد یا در آن شب شهید مرده باشد

فصل ششم

در کیفیت اشتغال بنماز و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که
هر کس پیش از آنکه داخل نماز شود بگوید اللهم انی اتوجه الیک بمحمد وآل محمد و
اقدمهم بین یدی صلواتی واتقرب بهم الیک فاجعلنی بهم
وجیها فی الدنیا والآخرة ومن المقربین مننت علی بمعرفتهم فاختم
لی بطاعتهم وولایتهم فانها السعادة اختم لی بها انک علی
ومعرفتهم

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بعد از آن بگوید اللّهمّ اجعلني مع محمّدٍ وآلِ محمّدٍ في كلِّ
عافيةٍ وبلاءٍ تا آخر که در فصل تعقیب بیاید ان شاء الله تعالی با محمد و آل محمد باشد
افتتاح نماز بیک تکبیره واجب است ولیکن افضل است به پنج افضل از آن و بهفت افضل از همه از
انها یکی از این تکبیره للاحرام است و تتمه مستحب است و بعد از تکبیر سیم بگوید اللّهمّ أنتَ الملكُ
الحقُّ المبينُ لا إله إلّا أنتَ سبحانكَ وبحمدكَ إنّي عملتُ سوءً وظلمتُ
نفسي فاغفر لي ذنبي إنّه لا يغفرُ الذنوبَ إلّا أنتَ بعد از تکبیر پنجم
بگوید لبّيكَ وسعديكَ والخيرُ في يديكَ والشرُّ ليسَ إليكَ والمهديُّ
من هديتَ عبدُكَ وابنُ عبديكَ ذليلٌ بين يديكَ لا ملجأ ولا منجا ولا مفرَّ منكَ
إلّا إليكَ تباركتَ وتعاليتَ سبحانكَ وحنانيكَ سبحانكَ
ربَّنا وربَّ البيتِ الحرامِ هر که پس از تکبیر الاحرام بگوید یا محسنُ قد أتاكَ
المسيءُ وقد أمرتَ المحسنَ أن يتجاوزَ عن المسيءِ وأنتَ المحسنُ
وأنا المسيءُ بحقِّ محمّدٍ وآلِ محمّدٍ صلِّ على محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وتجاوزْ
عن قبيحِ ما تعلمُ منّي خدای تعالی بملائکه فرماید گواه باشید که گناهانش را عفو کردم
و هر کس پیش احقی و معلمه داشته از وی راضی کردم پس از تکبیر هفتم را هفت تکبیر احرام کند این دعا
پیش از وی بخواند و بعد از آن تکبیر هفتم را بگوید وجّهتُ وجهيَ للّذي فطرَ السّماواتِ
والأرضَ على ملّةِ إبراهيمَ ودينِ محمّدٍ ومنهاجِ عليٍّ ابن ابیطالب والإئتمامِ با
لأئمّةِ من آلِ محمّدٍ عليهمُ الصّلاة والسّلام حنيفاً مسلماً وما أنا من المشركينَ
إنّ صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي للّهِ ربِّ العالمينَ لا شريكَ
له وبذلك

لهُ وبذلكَ أُمرتُ وما أنا من المسلمينَ اللّهمّ اجعلني من المسلمينَ
و در حال ایستادن و در رکوع کردن پاها را از هم بگشاید بقدر سه انگشت یک وجب و
زنان هر دو پا را نزدیک که از هم نا فاصله نباشد بعد از آن از شیطان رجیم بخدا پناه
برده بگوید أعوذُ باللّهِ من الشّيطانِ الرّجيمِ بعد از آن حمد و سوره در رکعت اول
هر نماز بخواند و افضل آن است که در رکعت اول نماز عصر و مغرب سورهای کوتاه مثل
اذا جاء و الهیکم التکاثر و در ظهر و خفتن سورهای متوسط مثل و الشمس و سبّح اسم و در نماز صبح
از آن دراز تر مثل عمّ یتساءلون و هل اتیک حدیث الغاشیة و هل اتی علی الانسان
و در رکعتهای دوم قل هو الله احد زیرا که بعد از آن قنوت خوانده میشود و دعا بعد از
خواندن قل هو الله احد مستجاب است در نماز صبح و شام جمعه سوره جمعه و قل هو الله احد
در نماز خفتن شب جمعه سبّح اسم و در نماز جمعه یا ظهر آن جمعه منافقین در نماز عصر آن
جمعه قل هو الله مرویست که هر کس هر سوره که برای فضل و ثواب خواند بخواند و اگر بجای
آن انّا انزلناه و قل هو الله بخواند همان ثواب داشته باشد با ثواب این دو سوره
امّا در نماز جمعه و ظهر آن سوره جمعه و منافقین باید خواند که افضل است و بعضی از مشایخ
رحمهم الله واجب دانسته اند و اگر پنج نماز که از نماز که قل هو الله احد نخوانند فرشته ندا کند
که ای بنده تو از نمازگزارندگان نیستی و مردان باید در رکعت اول نماز شام
و خفتن و صبح را بلند قرائت نمایند و همچنین نماز جمعه دو رکعت اول روز جمعه را
اگر چه منفرد باشد و باقی رکعتها و نماز را آهسته بخوانند و اگر عمداً جهر را اخفات یا
اخفات را جهر کنند باطل باشد و اعاده باید کرد و حد آهستگی آن است که خود بشنود و اگر

اهسته تر از آن باشد مجزی نیست و حد بلندی آنکه بسیار بلند و اواز شدید نکند و حد وسط
باسط باشد چون نمازهای جهریه را بلند بخواند آنقدر که بدیگران برسد آتش جهنم بر وی
حرام باشد و بر صراط آسان بگذرد و در روز قیامت مسرور و خوشحال شود تا آنکه داخل بهشت
شود و بعد از اتمام نماز شدن حمد و ام چنین سوره بقدر آنکه نفس کشیده ساکت شود و چون
از قرائت فارغ شود ایستاده تکبیر بگوید و رکوع کند و دستها را بر زانو گذارد و انگشتان
را بگشاید چنانکه زانو را در مشت گیرد و زانو را بعقب میل دهد و پشت را آنقدر خم کند که اگر قطره
آبی بر پشتش ریزند قرار گیرد و بطرفی میل نکند و گردن را دراز کند و سر را راست بدارد
و بالها را از هم بگشاید و اعضا بر یکدیگر تکیه نکند و زنان دستها را بالاتر از زانو بگذارند تا بسیار
خم نشوند و اعضای شان جمع تر باشد و سه مرتبه بتانی بگوید سُبْحَانَ رَبِّیَ
الْعَظِیْمِ وَبِحَمْدِهٖ و اگر تسبیح در رکوع را یک مرتبه بگوید یک ثلث از نماز کرده باشد
و اگر دو مرتبه بگوید دو ثلث و اگر سه تسبیح بگوید همه نماز کرده باشد و پنج مرتبه افضل و هفت مرتبه
افضل از آن هر چند بیشتر گوید اجر بیشتر یابد و مرویست که هر کس رکوع را تمام کند
از وحشت قبر ایمن باشد و چون سر از رکوع بردارد و درست بایستد که هر کس بعد از رکوع
پشت را راست نکند نماز نکرده است و ایستاده بگوید سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَهْلِ الْجَبَرُوْتِ وَالْکِبْرِیَاۤءِ وَالْعَظَمَةِ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
پس همچنان ایستاده تکبیر بگوید و سر از بسجود برد و هر دو دست را باهم پیش از زانوی
بر زمین گذارد چنان برابر رو و زانو باشد و انگشتان بهم چسبیده برابر قبله باشد
و ساعدها را از زمین بردارد و بالها بگشاید چنانکه هیچ عضو بر عضو دیگر تکیه نکند
درزمان اول

درزمان اول بنشینند و زانوها را پیشتر از دست بر زمین گذارند و بعد از آن سجده کنند و زنها
و اعضا را مجتمع دارند و ساعدها بر زمین بخوابانند و سجده بر هشت عضو باید کرد بر پیشانی و
دو کف دست و دو زانو و دو انگشت بزرگ پا و سر بینی سنت اول واجب است و آخر سنت است
و مرویست که هر کس بینی را آنچه پیشانی را گذارد بگذارد نماز نکرده است و مستحب است کف دستها
بر چیزی گذاشتن که سجده بر آن صحیح باشد تا در قیامت غل بر آن نگذارند و در سجده سه
مرتبه یا پنج مرتبه یا هفت مرتبه بگوید سُبْحَانَ رَبِّیَ الْاَعْلٰی وَبِحَمْدِهٖ و کسی که سجده را طول
شیطان فریاد کند وای واه او اطاعت کرد من معصیت کردم و او سجده کرد و من سرکشی نمودم
و مستحب است که سجده بر تربت امام حسین علیه الصلوة و علیه السلام باشد که میان بنده و خدا حجابها
را بگشاید و تا زمین هشتم را نورانی کند و چون سر از سجده بردارد پشت را راست کند و بر جانب
چپ بنشیند چنانکه هر دو پا از جانب راست بیرون آید و پشت پای راست
بر کف پای چپ باشد و نشسته تکبیر بگوید پس بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّیْ وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ
پس همچنان نشسته تکبیر بگوید و سجده دیگر همان دستور بکند و چون سر از سجده بردارد تکبیر
بگوید و بنشیند پس برکعت دیگر برخیزد و از سجده راست برپا نخیزد که آن بدعت جباران است
و در وقت برخاستن هر دو کف بر زمین گذارد و بگوید بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهٖ اَقُوْمُ
وَاَقْعُدُ اگر خواهد بگوید اَللّٰهُمَّ رَبِّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ اَقُوْمُ وَاَقْعُدُ وَاَرْكَعُ
وَاَسْجُدُ نیز زیاد کند و چون از قرائت رکعت دوم فارغ شود تکبیر بگوید و دستها را برابر
داشته قنوت بخواند و هر ذکر و دعا که خواهد بخواند مجزی باشد اقلاً سه مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ
بگوید و هر چند طول بیشتر دهد روز قیامت راحتش بیشتر باشد و افضل نمازها است

که قنوتش طولی نداشته باشد و از جمله ذکرهای قنوت کلمات فرج است که فضیلت بسیار وارد است در آن
کلمات این است لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله
رب السموات السبع و رب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن
و رب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین بعد از آن صلوة بر محمد و آل او
بفرستد و هر حاجت و مطلب که دارد از دنیوی و اخروی از برای خود و یا دیگران
که خواهد طلبد و از جمله ادعیه ماثوره که متضمن همه اینها باشد این است اللهم انی اسئلک
لی ولوالدی ولولدی واهل بیتی واخوانی المؤمنین فیک الیقین
والعفو والمعافات والرحمة والمغفرة والعافیة فی الدنیا والآخرة
و در نماز صبح این قنوت را بخواند اللهم من کان اصبح وله ثقة ورجاء
غیرک فانت ثقتی ورجائی یا اجود من سئل ویا ارحم من استرحم
ارحم ضعفی ومسکنتی وقلة حیلتی وامنن علی بالجنة وفک
رقبتی من النار وعافنی فی نفسی وفی جمیع اموری برحمتک
یا ارحم الراحمین در روز جمعه دو قنوت بخواند در رکعت اول پیش از رکوع
و در رکعت دوم بعد از رکوع در قنوت اول کلمات فرج بخواند و بعد از آن بگوید اللهم
صل علی محمد وآل محمد کما هدیتنا به اللهم صل علی محمد وآل
محمد کما اکرمتنا به اللهم اجعلنا ممن اخترته لدینک وخلقته
لجنتک اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من
لدنک رحمة انک انت الوهاب در قنوت دوم بگوید اللهم تم نورک

فهدیت

فهدیت فلک الحمد ربنا وبسطت یدک فاعطیت فلک الحمد ربنا
وعظم حلمک فعفوت فلک الحمد ربنا وجهک اکرم الوجوه وجاهک
خیر الجهات وعطیتک افضل العطیات واهناها تطاع ربنا
فتشکر وتعصی ربنا فتغفر لمن شئت تجیب المضطر وتکشف الضر
وتشفی السقیم وتنجی من الکرب العظیم لا یجزی بآلائک احد ولا
یحصی نعمائک قول قائل اللهم الیک رفعت الابصار ونقلت الاقدام
ومدت الاعناق ورفعت الایدی وانت دعیت بالالسن والیک
سرهم ونجواهم فی الاعمال ربنا اغفر لنا وارحمنا وافتح بیننا
وبین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین اللهم انا نشکو الیک
غیبة نبینا وشدة الزمان علینا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الاعداء
وکثرة عدونا وقلة عددنا فافرج ذلک یا رب بفتح منک تعجله
ونصر منک تعزه وامام عدل تظهره اله الحق رب العالمین
واز حضرت امام همام علی بن موسی الرضا علیه السلام مرویست که از کسی پرسید که
در نماز جمعه چه قنوت میخوانی عرض کرد آنچه مردم میخوانند حضرت فرمود این قنوت را بخوان
اللهم اصلح عبدک وخلیفتک بما اصلحت به انبیائک ورسلک
وحفه بملائکتک وایده بروح القدس من عندک واسلکه
من بین یدیه ومن خلفه رصدا یحفظونه من کل سوء
وابدله من بعد خوفه امنا یعبدک لا یشرک بک شیئا ولا تجعل

لاحدٍ من خلقك علی ولیّك سلطاناً وأذن له فی جهاد عدوّه (عدوّك) واجعلنا من انصاره انّك علی کلّ شیءٍ قدیر و بعضی از مشایخ رحمهم الله گفته اند که در قنوت دستها را برابر چهره چنانکه انگشتان برابر قبله و بهم چسپیده باشد و چون از قنوت فارغ شود تکبیر گوید و رکوع بکوید و بعد از سجود و بعد از تشهد که قبل از این مذکور شد بشنید ؟ تشهد باین طریق بکوید بسم الله وبالله والحمد لله وخیر الاسماء لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له واشهد انّ محمداً عبده ورسوله ارسله بالحقّ بشیراً ونذیراً بین یدی الساعة اشهد انّك نعم الربّ وانّ محمداً نعم الرسول اللهم صلّ علی محمدٍ وآل محمدٍ وتقبّل شفاعته وارفع درجته و بعد از آن دو بار یا سه بار الحمد لله بکوید و خواهد که برخیزد کف دستها بر زمین گذارد و بکوید بحول الله وقوّته اقوم واقعد یا بکوید بحولك وقوّتك اقوم واقعد و در رکعت سیم و چهارم احادیث بسیار وارد شده که تسبیح و الحمد هر دو مساوی است هر کدام خواهند بخوانند اما از حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه که قرائت الحمد در این دو رکعت تسبیح را نسخ کرده برای بیمار یا کسی که بسیار سهو کند پس بنا بر این حدیث احتیاط است که تسبیح بخوانند و چون خواهد سلام بکوید چنین بکوید السلام علیك ایها النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علی انبیاء الله ورسله السلام علی جبرئیل ومیکائیل والملائکة المقربین السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین لا نبیّ بعده السلام علینا و علی الائمة الهادین المهدیین السلام علی عباد الله الصالحین وسلامی که نماز بان تمام شود و سلام آخر است خواه امام و خواه ماموم و خواه منفرد باین سلام حضرت پیغمبر

و حضرت پیغمبر و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین قصد کند و سلام و ملائکه حاضر و کاتبان و اگر امام باشد بعد از سلام بکوید یا السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته و ماموم بعد از امام بکوید یکی جواب امام و اگر در جانب راستش باشد باین سلام او را نیز قصد کند و یکی بجانب چپ اگر در آنجا کسی باشد و اگر نباشد این سلام در کار نیست فصل هشتم در اشاره باسرار و تعلقات و اعمال نماز و ذکر و بقیه آداب و افعال آن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که بهترین جامه ها و زینت ترین لباسها برای مومنان لباس تقوی و پرهیزکاریست از هر چه خدای تعالی حرام گردانیده و آن را کرده داشته و لباس ظاهر نعمت است از حضرت که تا عورات بدن و اعضا و عیوب و قبایح آن بان پوشیده شود و توبه و تقوی کرامت کرده سبحان فرموده تا گناهان باطن و ساوی اخلاق و خوبیهای ظاهر و فاسد و آرزوهای باطل بآن پنهان شود و محفوظ ماند پس چون عیوب و عورات ظاهر از خلق پوشیده داری و پیش کسی اظهار نکنی شرم دار از آنکه امراض و ذنوب باطن را در پیش خدا جلوه دهی و از آن هیچ از آن شرم نداری و سراخ را از آن حیث سراخ کهشند که بدن در انجا از نفس کثافت راحت یابد و از کدورات گناهان استراحت یابد پس چون ببیند که لطیف ترین نعمتها و لذیذترین لذتهای آن باین روی عاقبتش چه میشود باید از آن عبرت گیری و دست از جمع کردن آن باز دارد و دل از تشویش آن فارغ سازد تا بجمعیت خاطر مشغول عبادت خدا شود و تحصیل سعادت باقیه نماید چنانچه است که شکم را از نجاست خالی کنی و بدن را از گرانی آن براحت آوری دل را از وسوسه آن بر نیز سازی و از تشویش آن نیز دور داری و خدای تعالی آب طهور گردانیده که تا فضلات و نجاسات بآن بشوی و از کدورت احداث و کثافات

تنزه یابی تا چه دل توبه و استغفار جاری ساخته با نجاسات ذنوب سیئات طهیر دل
واز شفاعت آثام وخطیئات واراهی هیچ نیندیشی که ازاله نجاسات ظاهر کنی
ودست درواز وضو نشوی قابل آن نباشی که رو بقبله کردانی وبا اعضای ظاهر داخل مسجد
شوی ودر سجاده نشینی وبا زبان ودهان تسبیح ومناجات نمائی پس ازاله نجاسات
باطن نا نموده از خود وشت محبتهای باطل نشسته شوی نماز ونیت را برای خدا خالص کرده بنده
چکونه لایق آن باشی که روی بسوی خدا کنی وبر لب طاعت قرب وکرامت تکیه نمائی در حضرت
عزت حدیث اسرار سرائی وبمسواک دندان را از کثافت آثار طعام جلا ودهان را از
کراهت بوی آن چکونه پاک نسازی وجوارح را از نجاسات عصیان ومخالفت خدا
ودل را از اطاعت شیطان ومحبت دنیا بتفریح وخشوع وانابت وخضوع طهارت
دهی چون متوجه قبله شوی بر پا ایستی وروی از جمیع جهتها بکردانی ودل ورو از روی وسوسه
دنیا کردانی وایستادن موقف عرض اعمال وهویدا کشتن خفیات اسرار یاد بکنی
چون اذان نماز شنوی از ندای روز قیامت یاد آر وچون رو بقبله کنی روی دل از
هرچه غیر خدا است باز آر وچون بپا ایستی از روی کمال خضوع وخشوع بایست وهرچه غیر
خدا است چنان پندار که نیست ودر حضرت خدا ایستاده وبا حضرت او در مکالمه ومنا
نیست که هرچه ظاهر ونهان داری داند وتوانست که هرچه بخاطر کذرانی آگاه
و پادشاهی است که آسمان وزمین در وسعت مملکت او ذره نیست وهر دو جهان از
بهار فراوان رحمت او قطره نیست ودر حضرت او چنان بایست که ضعیف ترین
بنده در حضرت عظیم ترین پادشاهی اگر سرش بکذارد ونکذارد واگر دلش ببرد آید نکه ندارد(?) کاهی
دخول المسجد

وخواب آلوده وسنکین بنماز برنخیز این جمله از صفات منافقان است ودر ریش
دست بازی منما وانکشتان در میان یکدیکر میار که این همه نقصان است ودو دست بر
سینه مکذار که این عمل شیوه مجوسان است وخمیازه با دهن واعضا مکن که از جمله اعمال
شیطانست اکر کسی در نماز انکشت بشکند نقیضش در نماز همان است چون تکبیر کوئی
بزرکی وعظمت خدا را یاد آر وهرچه غیر خدا است در پیش بزرکی او ذلیل وخوار دان که
اکر بر دیکری دهی وبزرکتر شماری بعزت وجلال خود که از شیر بشنوی کر خویش محروم(?)
کردانم وبدل الله اکبر کوئی وبزبان با منی ودل با مردم وچیز داری بذات ذو الجلال چنم(?)
که از نعمتهای بی منتهای خویش مایوس ومهجور کردانم در نماز دستها را بر روی ران پنداز
وانکشتان بهم چسپیده باشد وسر در کردن ونکر راست کر اطراف میل وبچیزی تکیه مکن
زنان دستها را بسینه بچسپانند تا بر پستان متصل شود وبلند پستان نماید
ودر نماز آب دهن میفکن که هر کس برای تعظیم خدا دفع آن نکند وخدای تعالی او
در وقت مردن صحت بدن کرامت فرماید وپاها را برابر هم بکذار که پیش وپس نباشد
وبصر در وقت چیزی میپسند که نقصان نماز بود ونظر از موضع سجده بر مدار وباطراف
التفات منما که هر کس در نماز باطراف التفات میکند خدای تعالی کوید ای بنده من
بکجا نکاه میکنی وکرا میطلبی آیا خدای بغیر من میخواهی ویا جوادی بغیر من میجوئی منم اکرم الاکرمین
ومنم اجود الاجودین ومنم بهترین عطا کنندکان ومنم که آنقدر بتو عطا کنم که هیچ کس
قدر آن را نداند رو بجانب من کن که من رو بتو دارم وملائکه من رو بتو دارند
پس اگر رو بکرداند متوجه نماز نشود کناه آنچه کرده بر وزایل شود وپس اکر باز التفات بجانب دیگر

نماید حق تعالی همان بکلمه فرماید و همچنان چهار مرتبه حق تعالی روی از و بگرداند و ملائکه روی بگردانند
و فرماید که ای بندهٔ من والکه اشتغلام ترا بانچه میخواهی روایت دیگر آنکه که مرتبهٔ سیم روی بگرداند
و بعد از آن هرگز باو نظر نکند نعوذ بالله من ذلک و در نماز دل بخدا دار و خیال غیر در نماز مگذار بسیار
کس دو رکعت نماز با تفکر بهتر است از قیام لیل و هر کس دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه میگوید در
میان او و خدا هیچ گناه نماند مگر آنکه آمرزیده شود و هر قدر از نماز که دل با آن باشد حساب شود
و هر چه از آن غافل باشد برهم پیچیده بر روی صاحبش زنند و در رکوع چشم بپوشد یا نظر در
میان دو پا اندازد و گردن دراز کردن در رکوع معنیش آنست که گردن از بندگی خدا
نکشیدم و سر از اطاعت او نپیچم اگر چه گردنم زنند و هیچ بنده رکوعی بحقیقت نکرده مگر آنکه خدای تعالی
او را بنور جمال خویش مزین گردانیده و در سایهٔ کبریای خود پناهش دهد و خلعت اصفیا براو
پوشیده باشد و رکوع ادب است و اطاعت و سجود قربت است و عزت کسی که ادب ضایع کند
اهلیت قربت ندارد و سر بسجده گذاشتن معنیش آنست که خدایا اصل من از همین خاک ذلیل است
که هر کس پا بروی گذارد و چون سر بردارد یعنی مرا از این خاک آفریدهٔ و از خاک برداشتهٔ و چون
سجده دویم کند یعنی بار دیگر مرا بمیرانی و با خاک یکسان گردانی و چون سر بردارد یعنی مرتبهٔ
دیگر مرا زنده سازی در روایت که والله که زیان نکرده کسی که سجودی بحقیقت کرده اگر چه در
تمام عمر یک مرتبه باشد و سود ننمود کسیکه حق آن ضایع نموده مانند فریبندگان غافل از رنج
ساجدان با خدا خلوت نموده هرگز از خدا دور نشود و کسی که در سجود بکلی دست از خود بر دارد
و خود را یکبارگی بخدا سپارد و هرگز بخدا نزدیک نشده و کسی که حرمت سجود را ضایع گذارد
و در آن حال دل بغیر خدا دهد عارفی گفته که رکوع دعوی بندگی است و دو شاهد اند دو سجده

و چون تشهد

و چون تشهد بخوانی ادب آن رعایت نمائی و بدانی که چه میگوئی و باکه در گفتگوئی نیکو
احتیاط کن تا آنچه مطلبی خیر و نجات باشد و دعای دل غافل هرگز باجابت نمیرسد و چون
تشهد خوانی اقرار بپادشاهی و یگانگی او کن و اعتراف برسالت حضرت پیغمبران
نما و عهد بندگی و طاعت خود تجدید نمائی و چون صلوات بر پیغمبر و آلش فرستی ایشان
را شفیع خود ساز پس چنانکه بزبان اقرار میکنی دل را نیز با آن زبان موافق دار در این مقام
ذکر حدیث دیگر کنیم که مشتمل است بر فضایل اعمال و افعال نماز با آداب و اسرار آن
روایت که حضرت امام حسن علیه السلام از آبای کرام خود از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
که فرمود چون بندهٔ مؤمن متوجه مصلای خود شود تا نماز گذارد خدای تعالی فرماید ای
ملائکه ببینید این بندهٔ مرا که از همه خلایق بریده پناه بمن آورده بامید رحمت و شفقت
از من گواه باشید که او را برحمت و کرامت خاص مخصوص گردانم و چون دست بردارد
الله اکبر گوید فرماید که ببینید چون ترا و برتر میداند از نسبت شریک و شبیه که او را از آثار
گناهان پاک سازیم و در مملکت بزرگی خود بزرگ گردانم و از عذاب دوزخ نجات
دهم او را و چون الحمد و سوره دیگر خواند فرماید ببینید بندهٔ مرا چون از قرائت کلام من
لذت میابد گواه باشید که روز قیامت باو بگویم که بخوان در بهشت کلام مرا بر بالا رو
و بر درجات جنان پس بعده هر حرفی که خواند در درجه از طلا و درجه از نقره و درجه از
لؤلؤ و درجه از گوهر و درجه از زمرد و درجه از زبرجد و درجه از نور رب العزت بالا رود
و چون رکوع کند فرماید ببینید بندهٔ مرا که چون تواضع در پیش عظمت و جلال من
گواه باشید که او را در دیار کبریای بزرگ گردانم و چون سر از رکوع بردارد

فرماید ببینید بندهٔ مرا که چون بر اعدای من ترفع می‌نماید همچنانکه برای من تواضع میکند
در خدمت من راست می‌ایستد گواه باشید که عاقبتش را بهترین عواقب گردانم
و در بهشت خویش جا دادم و چون سجدهٔ دوم فرماید ببینید بندهٔ مرا که چون تواضع میکند و میگوید
اگرچه در دنیا مکین و علیم اما چون حق عظمت تو بر من ظاهر شود حقیر و ذلیلم گواه باشید که او را
بحق بلند نمایم و باطل را با وضع گردانم و چون سر از سجدهٔ اول بردارد فرماید ببینید بندهٔ من چون میگوید که
همچنانکه در پیش عظمت تو تواضع نمودم در خدمت حضرت تو برای بندگی و طاعت و حاجات
و ذلت راست گشتم و در این مقام ظاهراً عبارتی از نسخه افتاده و ازین حدیث گویا باین مضمون
باشد که او را عزیز در رحمت خویش دهم و چون سجدهٔ دوم کند فرماید ببینید بندهٔ من چون تواضع
من نمود گواه باشید بندهٔ مرا چون بتواضع یاد کرده من رحمت خود را او را اعاده فرمایم
و چون برای رکعت دیگر از جا برخیزد فرماید ای ملائکه ببینید چون برخواست نماز او را از رحمت بر
دارم و بعزت بلند گردانم و هر رکعتی که بگذارد حق تعالی همچنان فرماید تا آنکه بنشیند
فرماید ای ملائکه بندهٔ من خدمت و عبادت مرا بجا آورده اکنون نشسته ثنای مرا میگوید و بر پیغمبر
صلوات میفرستد و من در ملکوت سموات ثنای او را میگویم و من بر روح او در میان ارواح
صلوات میفرستم و چون بر امیرالمؤمنین صلوات میفرستد من بر او صلوات میفرستم همچنانکه
تو او را صلوات فرستادی و او را شفیع تو گردانم همچنانکه تو او را شفیع خود گردانیدی
و چون سلام نماز دهد حق تعالی و ملائکه بر او سلام فرستند و در روایت دیگر سلام بعد از نماز امان است
یعنی هر کس فرمان خدا و سنت پیغمبر که خضوع و خشوع بجا آورد امان است او را از بلای دنیا و صلوات
امان است از عذاب آخرت و مخفی نماند که مراد از صلوات بر امیرالمؤمنین علیه السلام این است
که بعد از صلوات

که بعد از صلوات بر پیغمبر بر او نیز فرستند زیرا که آل او امیرالمؤمنین و فاطمه و یازده امام دیگرند و احادیث
دیگر وارد شده که سلمان فارسی و سایر دوستان نیز آل آنحضرتند و در صلوات پیغمبر ایشان را
نیز قصد باید نمود **فصل ششم** در تعقیب و فضایل آن و کیفیت آن از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام مرویست که هر کس بعد از نماز فریضه تا وقت نماز دیگر تعقیب بخواند مهمان
خدا باشد و حق است بر خدا که مهمان خود را اکرام فرماید و تعقیب خواندن بعد از هر
نماز خصوص بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب بهتر است از مسافرت و تجارت نمودن با
آنکه احادیث دیگر آمده که نه جزو رزق در تجارت است و یکجزو در غیر آن و تعقیب خواندن
بعد از فریضه افضل است از نافله ظاهراً مراد ازین نافله غیر از نوافل یومیه است هر کس بعد از
نماز صبح بر جای نماز بنشیند تا طلوع آفتاب تعقیب بخواند حق تعالی او را از آتش
دوزخ مستور گرداند و گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و چنان که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد و اگر آنقدر بنشیند تا آفتاب بلند شود و دو رکعت یا چهار
رکعت نماز بگذارد گناهان گذشته اش آمرزیده شود و ثواب حجی داشته باشد و اگر بعد
از نماز شام تعقیب بخواند و حرف نزند تا آنکه دو رکعت نماز بگذارد در اعلای علیین برای
او نوشته نمایند و اگر چهار رکعت نماز بگذارد حجی مقبول برای او نوشته نمایند و
فضل تعقیب بعد از فریضه بر تعقیب بعد از نافله مثل فضل فریضه است بر نافله و در وقت
تعقیب رو بقبله باشد و حرف نزند هرچه بر نماز ضرر کند بر تعقیب نیز ضرر میکند مگر آنکه ضرورت
یا حرکتی رو دهد پس تا با وضو باشد در تعقیب باشد این بود بیان فضایل تعقیب بر سبیل
اجمال و آداب آن اما تفصیل و کیفیت آن آنچنان است که مرویست از اهل بیت طاهرین

که هر کس بعد از سلام نماز دست بر دارد سه مرتبه الله اکبر بگوید بعد از آن بگوید لا اله الا الله
وحده انجز وعده ونصر عبده واعز جنده وهزم الاحزاب وحده
فله الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير شکری که
واجب است برو بسبب قوت یافتن اسلام و خشنود آن بجا آورده باشد و هر کس بعد از
نماز فریضه تسبیح حضرت فاطمه زهرا را بگوید بعد از آن یک مرتبه بگوید لا اله الا الله
گناهانش همه آمرزیده و در روایت دیگر آمده که پیش از آنکه پا را از وضعی که نشسته گردانند
و تسبیح بگوید و بعد از هر نماز هر روز گفتن این تسبیح بهتر است از آنکه هر روز هزار رکعت نماز
بگذارد و هر که این تسبیح را بر خود لازم گرداند هرگز شقی نگردد و مرویست که اگر ذکری بهتر از این
میبود جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بجناب فاطمه صلوات الله علیها میفرمود و مستحب است
که تسبیح از خاک مقدس حضرت امام حسین صلوات الله علیه باشد که زینت شیعیان است و اگر یاد ذکر
بگردانند بعد و هر دانه چهل حسنه داشته باشد و اگر عبث و بیکار بگرداند بیست حسنه دارد و
اگر در اثنای ذکر ذکر را فراموش کند همان تسبیح بگرداننده باشد ثواب آن ذکر داشته باشد
و در روایت دیگر آمده که اگر با تسبیحی از آن تربت مبارک استغفار کند هر استغفار هفتاد
مرتبه مضاعف شود و اگر در دست گیرد و تسبیح نکند هر دانه هشت مرتبه و در روایت دیگر
آمده که هر کس با این تربت مقدس تسبیح کند چهار صد حسنه برایش بنویسند و چهار صد
سیئه محو گردانند و چهار صد درجه بلند گردانند و چهار صد حاجت او را بر آورند و نیز روایت است
که هر کس با این تربت مطهر تسبیحات اربعه را بگرداند بهر دانه شش هزار حسنه ثبت
نمایند و همان قدر سیئه محو نمایند و همان قدر درجه بلند گردانند و همان قدر شفاعت
عطا نمایند

عطا فرماید مرویست که شیعیان ما از چهار چیز مستغنی نباشند حصیر که جای نماز باشد
و انگشتری و مسواک و تسبیح از خاک قبر امام حسین علیه السلام باشد که سی و سه دانه داشته
باشد و در روایت دیگر سی و چهار دانه وارد شده و احتمال دارد که با ذوائبه موافق مراد
باشد و هر کس پیشتر از آنکه پا را از وضعی که نشسته بگرداند سه مرتبه بگوید استغفر الله
الذي لا اله الا هو الحي القيوم ذو الجلال والاكرام واتوب اليه
خدای تعالی گناهانش را بیامرزد اگر چه مثل کف دریاها باشد و اگر پیش از آنکه زانو را از
وضعی که نشسته تغیر دهد ده مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شريك له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو على كل شيء
قدير خدا از و راضی و عمل او را قبول فرماید و اگر پیش از تغیر وضع نشستن
زانو ده مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
له الها واحدا احدا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا
چهل هزار حسنه برای او ثبت شود و چهل هزار سیئه برای او محو شود و ایمنی چنان
باشد که چهل هزار ختم قرآن کرده باشد بروایات معتبره چنان که در آن روز دوازده
مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و اگر بعد از نماز صبح و بعد از هر نماز بگوید اعوذ
بوجهك الكريم وعزتك التي لا ترام وقدرتك التي لا
يمتنع منها شيء من شر الدنيا والاخرة وشر الاوجاع
كلها ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم حق
تعالی خیر دنیا و آخرت را برای او جمع فرماید و اگر الحمد و شهد الله تا سریع الحساب و

و آیة الکرسی و قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب بخواند حق تعالی نظر رحمت با و فرماید
و فرماید بعزت و جلال خودم که هر روز بچشم نهان خود هفتاد مرتبه با و نظر رحمت فرمایم
که هر مرتبه هفتاد حاجت او را بر آورم و او را با هر قدر گناهی که دارد قبول فرمایم و در روایت
دیگر آمده که هر روز هفتاد حاجت او برآورم کوچکترین آن آمرزیدن گناهانش باشد
و در حظیرهٔ قدس خویش جایش دهم و بر دشمنانش نصرت دهم و از ایشان او را سلامت
دارم و هیچ چیز مانع بهشت رفتنش نباشد الا موت یعنی اگر مردن مقدر نشدی چنانکه
هست به بهشت میبردم او را و در روایت دیگر آمده که هر کس آیة الکرسی بعد از هر فریضه
بخواند از ضرر حیوانات زهردار ایمن باشد و هیچ چیز مانع بهشت رفتنش نباشد مگر مرگ
و هیچ کس مواظبت آن نکند مگر صدیقی یا عابدی و هر کس ایمان بخدا و روز جزا دارد ترک
خواندن قل هو الله احد نکند بعد از هر فریضه که خدای تعالی خیر دنیا و آخرت برای او جمع فرماید
و گناهان او و والدین و برادران و خواهران او را بیامرزد و هر که بعد از هر فریضه
ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از آن دست برداشته بگوید اللهم انی اسئلک
باسمک المخزون الطاهر الطهر المبارک و اسئلک باسمک العظیم
و سلطانک القدیم ان تصلی علی محمد و آل محمد یا واهب العطایا یا
مطلق الاساری یا فکاک الرقاب من النار اسئلک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تعتق رقبتی من النار و ان تخرجنی من الدنیا
سالما و تدخلنی الجنة امنا و ان تجعل دعائی اوله فلاحا و اوسطه
نجاحا و آخره صلاحا انک انت علام الغیوب و از و نهار برون رود
تا اگر از گناهان

تا اگر از گناهان خالص باشد مانند طلای مغشوش و هیچ کس را با او مطلب نباشد بعد از هر
نماز فریضه این دعا بخواند اللهم انی اسئلک ببرک الکریم و رافتک
بتربیتک اللطیفة و شفقتک بصنعتک المحکمة و قدرتک
بسترک الجمیل صل علی محمد و آل محمد و احی قلوبنا بذکرک و اجعل
ذنوبنا مغفورة و عیوبنا مستورة و فرائضنا مشکورة و نوافلنا
مبرورة و قلوبنا بذکرک معمورة و نفوسنا بطاعتک مسرورة
و عقولنا علی توحیدک مجبورة ~~و ارواحنا علی دینک مفطورة~~
و ارواحنا علی دینک مفطورة و جوارحنا علی خدمتک
مقهورة و اسمائنا فی خواصک مشهورة و حوائجنا لدیک
میسورة و ارزاقنا من خزائنک مدرورة انت الله الذی لا
اله الا انت لقد فاز من والاک و سعد من ناجاک و عز من
ناداک و ظفر من رجاک و غنم من قصدک و ربح من تاجرک و هر کس
بعد از هر نماز این دعا بخواند یا من لا یشغله سمع عن سمع یا من لا یغلطه السائلون
یا من لا یبرمه الحاح الملحین اذقنی برد عفوک و حلاوة رحمتک گناهانش
همه آمرزیده شود و اگر چه بعدد ستارهای آسمان و قطرهای باران و ریگ بیابان باشد و هر
کس بعد از هر فریضه بگوید اجیر نفسی و دینی و مالی و ولدی و اهلی
و داری و کل ما هو منی بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد
و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و اجیر نفسی و دینی و مالی و ولدی و ا

و کل ما هو منی برب الفلق تا آخر سوره و برب الناس تا آخر و بالله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم تا آخر آیة الکرسی او و مال و ولد و زن و خانه از آفات و از
ناخوشی ها محفوظ گردد و نیز بعد از نماز فریضه بخواند رضیت بالله ربا و بالاسلام
دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد نبیا و بعلی ولیا و الحسن و الحسین و علی
و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد ائمة
اللهم ولیک الحجة محمد بن الحسن فاحفظه من بین یدیه و من
خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته و امدد له
فی عمره و اجعله القائم بامرک و المنتصر لدینک و اره ما یحب
و تقر به عینه فی نفسه و فی ذریته و فی اهله و ماله و فی شیعته
و فی عدوه و ارهم منه ما یحذرون و اره فیهم ما یحب
و تقر به عینه و اشف به صدورنا و صدور قوم مومنین
و هر کس پیش از آنکه داخل نماز شود بگوید اللهم انی اتوجه الیک بمحمد و آل محمد
تا آخر که در فضیلت کیفیت نماز گذشت و بعد بگوید اللهم اجعلنی مع محمد و
آل محمد فی کل عافیة و بلاء و اجعلنی مع محمد و آل محمد فی کل مثوی
و منقلب اللهم اجعل محیای محیاهم و مماتی مماتهم و اجعلنی
معهم فی المواطن کلها و لا تفرق بینی و بینهم انک علی کل شیء
قدیر با محمد و آل محمد باشد هر کس بعد از فریضه این دعا بخواند رضیت بالله
ربا و بمحمد نبیا و بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بالکعبة

قبلة و بعلی ولیا و اماما و بالحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و
موسی و علی و محمد و علی و الحسن و الحجة القائم الخلف صلوات الله
علیهم ائمة اللهم انی رضیت بهم ائمة فارضنی لهم انک علی کل شیء
قدیر با ایمان از دنیا بیرون رود و بعد از هر نماز بگوید اللهم اهدنی من عندک
و افض علی من فضلک و انشر علی من رحمتک و انزل علی من برکاتک
روز قیامت هشت بهشت بر روی وی گشاده شود تا از هر در که خواهد داخل شود و حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود از جمله حقوق ما بر شیعیان ما این است که سلام گویند و از
نماز فارغ شوند بر نخیزند تا این دعا را بخوانند اللهم انی اسئلک باسمک العظیم و بحقک
العظیم العظیم ان تصلی علی محمد و آل محمد الطاهرین و ان تصلی علیهم
صلوة تامة و ائمة دائمة و ان تدخل علی محمد و آل محمد و اولیائهم
حیث کانوا و این کانوا فی سهل او جبل او بر او بحر من برکة دعائی
ما تقر به عیونهم احفظ یا مولای الغائبین منهم و اردد هم الی اهالیهم
سالمین و نفس عن المهمومین و فرج عن المکروبین و اکس العارین و اشبع
الجائعین و ارو الظامئین و اقض دین الغارمین و زوج العازبین
و اشف المرضی و ادخل علی الاموات ما تقر به عیونهم و انصر
المظلومین من اولیاء آل محمد علیهم السلام و اطف نائرة المخالفین
اللهم و ضاعف لعنتک و بأسک و نکالک و عذابک علی الذین
کفروا نعمتک و خونوا رسولک و اتهموا نبیک و بایناه و حلوا عقده

في وصيّه ونبذا عهده في خليفته من بعده واتّبعا مقامه وغيّرا احكامه
وبدّلا سنّته وقلّبا دينه وصغّرا قدر حججك وبدءا بظلمهم وطرّقا
طريق الغدر عليهم والخلاف عن امرهم والقتل لهم وارهاج الحروب
عليهم ومنع خليفتك من سدّ الثلم وتقويم العوج وتثقيف الاود
وامضاء الاحكام واظهار دين الاسلام واقامة حدود القرآن و
العنهما وابنتيهما وكلّ من مال ميلهم وحذا حذوهم وسلك
طريقهم وتصدّر ببدعتهم لعنا لا يخطر ببال ويستعيذ منه
اهل النار اللهمّ العن من دان بقولهم واتّبع امرهم ودعا الى ولايتهم
وشكّ في كفرهم من الاوّلين والآخرين و هم از آنحضرت صلوات الله علیه
مرویست که از جمله حقوق ما بر شیعیان اینست که بعد از فریضه دست بر ریش گیرند و
سه مرتبه بگویند یا ربّ محمّد عجّل فرج آل محمّد یا ربّ محمّد احفظ غیبة محمّد
یا ربّ محمّد انتقم لابنة محمّد مؤلف گوید که این مجموعه هیچ جا که در احادیث وارد
مبین از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم معلوم است هیچ شکی در آن نیست این است که این
و حدیث و این دو دعا هر دو که باین مضمون باشد یعنی مشتمل بر ولایت اهل بیت و دعای
ایشان و شیعیان و برائت و لعنت بر اعدا و غاصبان حق ایشان افضل است از همه اذکار
و ادعیه و احبّ است از جمیع افعال و اعمال زیرا که ایمان باین تمام است و اگر نعوذ بالله در این قصور
باشد هیچ عبادتی بقدر ذرّه سود ندهد مرویست که حضرت صادق علیه السلام بعد از
فریضه چهار کس از مردان ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه علیهم اللعنه و چهار زن عایشه و حفصه
و هند و ام الحکم

و هند و ام الحکم خواهر معاویه علیهم اللعنه را بخصوص لعن میکرد و میفرمود که چون از نماز
فارغ شوید تا بنی امیّه را لعن نکنید بجا نروید مرویست که در آسمان فرشته‌ایست که هزار هزار
سر دارد و در هر سری هزار هزار دهن دارد و در هر دهنی هزار هزار زبان دارد و بهر زبانی
هزار هزار لغت خدا را تسبیح میکند وقتی از جناب الهی سؤال نمود که کسی از بندگان تو باشد
که مثل من عبادت کند ندا رسید که در زمین مرا بنده‌ایست که تسبیحش بهتر است و ثوابش عظیم
تر آن فرشته رخصت یافته بدیدن آن بنده آمده سه روز با او بود زیاده از این عبادتی ندید
که بعد از هر فریضه این تسبیح میگفت سبحان الله كلّما سبّح الله شيء وكما يحبّ الله
ان يسبّح وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعزّ جلاله والحمد لله
كلّما حمد الله شيء وكما يحبّ الله ان يحمد وكما هو اهله وكما
ينبغي لكرم وجهه وعزّ جلاله ولا اله الّا الله كلّما هلّل الله شيء
وكما يحبّ الله ان يهلّل وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه
وعزّ جلاله والله اكبر كلّما كبّر الله شيء وكما يحبّ الله ان يكبّر
وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعزّ جلاله سبحان الله
والحمد لله ولا اله الّا الله والله اكبر على عدد كلّ نعمة انعم
بها عليّ وعلى كلّ احد من خلقه ممّن كان او يكون الى يوم
القيمة اللهمّ انّي اسألك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد واسألك
خير ما ارجو وخير ما لا ارجو واعوذ بك من شرّ ما احذر ومن
شرّ ما احذر ومن شرّ ما لا احذر و هر کس بعد از نماز سی مرتبه

بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر از جن
وغرق شدن وخراب شدن خانه وخرابی باغان وخوردن جانوران ومردان وجمیع
بلا وبلیه که دران روز نازل شود ایمن شود و مرویست که مسافر این تسبیحات را بعد از هر
نمازی که قصر میکند سی مرتبه بخواند نمازش با آن نماز تمام شود و هرکس بعد از صبح و شام پیش از آنکه با کسی
حرف زند و پا را از وضعی که نشسته حرکت و تغییر دهد صد مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم صد نوع بلا از او دفع شود که سهل ترین
آنها برص و جذام و جور سلطان و شیطان باشد و اگر شقی باشد از دیوان اشقیا محو
کرده و در زمره سعدا ثبت کرده و از اسم اعظم نزدیکتر باشد از سیاهی و سفیدی آن اسم
اعظم در آن دخیل باشد و اگر بعد از نماز صبح و شام پیش از آنکه حرف زند و پا را بگرداند بگوید
ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا
علیه وسلموا تسلیما اللهم صل علی محمد و ذریته خدای تعالی حاجتهای
او را بر آورد و در هشتاد در دنیا و سی در آخرت و بعد از صبح و شام بگوید اللهم انی اسئلک
بحق محمد وآل محمد علیک صل علی محمد وآل محمد واجعل النور فی بصری
والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة
فی نفسی والعافیة فی بدنی والسعة فی رزقی والشکر لک ابدا
ما ابقیتنی انک علی کل شیء قدیر از درد چشم ایمن باشد و خیر دنیا و آخرت
رای او جمع شود و اگر بعد از نماز صبح و ظهر بگوید اللهم اجعل صلواتک وصلوة ملائکتک
ورسلک علی محمد وآل محمد یکسال گناه را ننویسند و اگر بعد از این دعا نماز بگوید

اللهم صل

اللهم صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم از دنیا نرود تا که حضرت صاحب الامر
برسد و اگر بعد از نماز صبح پیش از آنکه حرف بزند بگوید رب صل علی محمد واهل بیته
حق تعالی او را از تابش حرارت آتش جهنم نگاه دارد و اگر بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید
سبحان الله العظیم وبحمده ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم خدا
از کوری و دیوانگی و جذام و پریشانی و ضعف و پیری ایمن شود و اگر بعد از نماز صبح
این دعا بخواند هر حاجتی که دارد بر آورده شود و حق تعالی کفایت مهماتش فرماید
بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد وآله وافوض امری الی الله
ان الله بصیر بالعباد فوقاه الله سیئات ما مکروا لا اله الا
انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من
الغم وکذلک ننجی المؤمنین حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة
من الله وفضل لم یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله
وان کره الناس حسبی الرب من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین
حسبی الرازق من المرزوقین حسبی الذی لم یزل حسبی حسبی
من کان منذ کنت حسبی حسبی الله الذی لا اله الا هو علیه
توکلت وهو رب العرش العظیم هرکس بعد از نماز عصر بگوید استغفر الله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذو الجلال والاکرام واسئله ان
یتوب علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس مسکین مستجیر

لا یملک لنفسه نفعاً ولا ضراً ولا حیوةً ولا موتاً ولا نشوراً خدای تعالی ملکین

را فرماید تا نامهٔ اعمال گناهان او هر چه باشد در آتش بسوزانند و هر کس بعد از عصر هفتاد مرتبه

استغفار کند هفتصد گناهش را بیامرزد و اگر او را این قدر گناه نباشد از پدرش

اگر نباشد از مادرش اگر نباشد از برادر و خواهرش والا خویشانش الاقرب فالاقرب

و اگر بعد از عصر ده مرتبه انا انزلناه بخواند بعد هر کس نماز عصر کذارده برای او حسنه نویسند

و در روایت دیگر آمده مثل اعمال همه خلایق برای او ثبت نمایند در روایات آمده که هر که آیه

سورهٔ بقره آمن الرسول بما انزل تا آخر سوره بخواند که خدای تعالی از گنجهای عرش فرستاده

و فرستاده دو هزار سال پیش از آنکه خلایق را بیافریند بدست قدرت خود نوشته که هر

کس بعد از نماز خفتن بخواند مجزی باشد او را از قیام لیل و هر کس هر روز جمعه بعد از نماز صبح

پیش از آنکه حرف زند بگوید اَللّٰهُمَّ مَا قُلْتُ فِی جُمُعَتِی هٰذِهِ مِنْ قَوْلٍ اَوْ حَلَفْتُ

فِیهَا مِنْ حَلْفٍ اَوْ نَذَرْتُ فِیهَا مِنْ نَذْرٍ فَمَشِیَّتُکَ بَیْنَ یَدَیْ ذٰلِکَ

کُلِّهِ فَمَا شِئْتَ مِنْهُ اَنْ یَکُونَ کَانَ وَمَا لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ یَکُنْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِی

وَتَجَاوَزْ عَنِّی اَللّٰهُمَّ مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ فَصَلَوَاتِی عَلَیْهِ وَمَنْ لَعَنْتَهُ فَلَعْنَتِی

عَلَیْهِ کفاره گناهانی باشد که در آن هفته کرده باشد هر کس در عصر روز جمعه صد مرتبه

بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِیَاءِ الْمَرْضِیِّینَ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ

وَبَارِکْ عَلَیْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَالسَّلَامُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ

خدای تعالی صد هزار حسنه برای او ثبت نماید و صد هزار سیئه محو فرماید و صد هزار درجه

بلند فرماید و صد هزار حاجتش را بر آورد و همهٔ اعمال آن روز را قبول فرماید و در روز قیامت

میان چشم

میان دو چشم او نوری درخشان باشد و چون از نماز و تعقیبات فارغ شود به سجده شکر رود که چون

او و خدا و ملائکه را حجاب بر دارد و گوید که ببینید بندهٔ مرا که عبادت مرا بجا آورده و اکنون

سجدهٔ شکر نعمت طاعت میکند که از جانب ما باو رسید جزای او چه باشد ملائکه

خدایا رحمت تو فرماید دیگر چه گویند بهشت فرماید دیگر چه گویند کفایت مهمات او همچنین

حق تعالی سوال فرماید ملائکه جواب گویند تا هیچ چیز نماند مگر آنکه هر که گفته شود باز فرماید ملائکه گویند خدایا

یا بیش از این چیزی نفهیم ما میرسد پس حق تعالی فرماید که منهم شکر او کنم همچنانکه او شکر من

میکند و بفضل خویش رو بسوی او میکنم و جمال خویش باو بنمایم و نیز مرویست که حق تعالی

بحضرت موسی وحی فرمود که میدانی بچه سبب ترا بمناجات خاص خویش سرافراز فرمودم عرض

کرد بار خدایا نمیدانم فرمود همهٔ بندگان خود را تفحص و امتحان کردم هیچ کس را از تو متواضع

تر و ذلیل تر نیافتم زیرا که چون بسجده میرود روی خود را بر خاک مینهد و سجدهٔ شکر

چنین کنند که هر دو ساعد و سینه و شکم را بر زمین باشد و در سجدهٔ نماز اول صد

مرتبه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُکْراً و هر ده مرتبه بگوید شُکْراً لِلْمُجِیبِ و چون صد مرتبه تمام

شود بگوید یَا ذَا الْمَنِّ الَّذِی لَا یَنْقَطِعُ اَبَداً وَلَا یُحْصِیهِ غَیْرُهُ وَیَا ذَا

الْمَعْرُوفِ الَّذِی لَا یَنْفَدُ اَبَداً یَا کَرِیمُ سه مرتبه بگوید پس حاجتی که دارد

از خدا طلبد و بگوید لَکَ الْحَمْدُ اِنْ اَطَعْتُکَ وَلَکَ الْحُجَّةُ اِنْ عَصَیْتُکَ لَا صُنْعَ

لِی وَلَا لِغَیْرِی فِی اِحْسَانٍ مِنْکَ اِلَیَّ فِی حَالِ الْحَسَنَةِ یَا کَرِیمُ یا کریم

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَصِلْ بِجَمِیعِ مَا سَاَلْتُکَ مَنْ فِی مَشَارِقِ

الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاَبْدَاْ بِهِمْ دُونِی

بی برحمتک چون روی راست بر زمین گذارد بگوید اللهم لا تسلبنی ما انعمت
به علی من ولایتک و ولایة محمد وآل محمد علیهم السلام پس روی چپ
بر زمین گذارد و همچنین بگوید پس بار دیگر سجده کند و صد مرتبه بگوید شکرا شکرا
طریقه دیگر آنکه در سجده اول بگوید اسئلک بحق حبیبک محمد صلواتک
علیه وآله الا بدلت سیئاتی حسنات وحاسبتنی حسابا
یسیرا چون روی راست بر زمین گذارد بگوید اسألک بحق حبیبک محمد صلواتک
علیه وآله الا کفیتنی مؤنة الدنیا وکل هول دون الجنة چون روی
چپ بر زمین گذارد بگوید اسألک بحق محمد حبیبک صلواتک علیه وآله
لما غفرت لی الکثیر من الذنوب والقلیل وقبلت من عملی الیسیر چون
مرتبه دیگر سجده کند بگوید اسألک بحق حبیبک محمد صلواتک علیه وآله
لما ادخلتنی الجنة وجعلتنی من سکانها ولما نجیتنی من سفعات
النار برحمتک و اقل سجده شکر آنست که سه مرتبه بگوید شکرا لله شکرا لله
و چون سر از سجده بردارد سه مرتبه بگوید بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب
والشهادة الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الهم والحزن و هر مرتبه دست راست
بر موضع سجود بمالد و بر جانب راست و چپ بمالد که از هم و حزن بیرون رود چون از جای نماز
برخیزد بگوید سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین هر کس آخر کلامش این باشد خدای تعالی بهشت برین
کیلها او را ثواب بعدد هر سلمی برابر روضة فرماید فصل نهم در فضایل اذکار
ساعات شبانه

ساعات شبانه روز و اوراد صبح و شام و ذکر فضایل شبانه روز جمعه و او عیه مختصره
آن در لیالی و ایام از اهل بیت طاهرین علیهم السلام روایت که صبح روز برادری
دارد و عشیو دیگر آنکه گوید ای آدمی زاد من روزی ام تازه و شاهد اعمال تو ام هر چه گویی
خیر گو و هر چه کنی خیر کن تا روز قیامت شاهد تو باشم و چون از تو جدا شوم ترا نبینم دیگر
بمن بدکاری نباشد دهم از ایشان مرویست که شیطان لعنه الله هر روز از طلوع
صبح تا طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا ذهاب اختلاط شفق خود و اتباع خود را
در زمین پهن سازد برای اضلال و گمراهی مردم پس درین دو وقت ذکر خدا کنید
و خود و اطفال خود را بخدا پناه دهید و استعاذه نمایید تا از کید و شر ایشان محفوظ
مانید این دو ساعت غفلت دهم از ایشان مرویست که خدا فرماید یک ساعت بعد از
عصر ذکر من کنید تا من کفایت مهمات شما نمایم و نیز مرویست که چون آفتاب زرد شود
ذکر خدا کنید و اگر جمعی باشند که شما را مشغول سازند از میان ایشان برخیزید و مشغول ذکر
و دعا شوید و در وقت طلوع صبح بگویید الحمد لله فالق الاصباح سبحان رب
المساء ومسبب الملائکة ورب الصباح اللهم صبح آل محمد ببرکة وعافیة و
سرور وقرة عین اللهم انک تنزل بالليل والنهار ما تشاء فانزل
علی وعلی اهل بیتی من برکات السموات والارض رزقا حلالا طیبا
تغنینی به عن جمیع خلقک و از جمله ادعیه مخصوصه صبح دعائیست عظیم الشان
والفضایل جسیم الفواضل شریف المضامین منسوب بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
اللهم یا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه وسرح قطع اللیل المظلم

بغياهب تلجلجه واتقن صنع الفلك الدوار في مقادير تبرجه وشعشع
ضياء الشمس بنور تاججه يا من دل على ذاته بذاته وتنزه عن مجانسة
مخلوقاته وجل عن ملائمة كيفياته يا من قرب من خطرات الظنون وبعد عن
ملاحظة العيون وعلم بما كان قبل ان يكون يا من ارقدني في مهاد امنه
وامانه وايقظني الى ما منحني به من مننه واحسانه وكف اكف السوء عني
بيده وسلطانه صل اللهم على الدليل اليك في الليل الاليل والمتمسك من
اسبابك بحبل الشرف الاطول والناصع الحسب في ذروة الكاهل الاعبل
والثابت القدم على زحاليفها في الزمن الاول وعلى اله الاخيار المصطفين
الابرار وافتح لي مصاريع الصباح بمفاتيح الرحمة والفلاح والبسني اللهم اللهم
من افضل خلع الهداية والصلاح واغرس اللهم لعظمتك في شرب جناني
ينابيع الخشوع واجر لهيبتك من اماقي زفرات الدموع وادب اللهم نزق الخرق واجر اللهم
مني بازمة القنوع الهي ان لم تبتدئني الرحمة منك بحسن التوفيق
فمن السالك بي اليك في واضح الطريق وان اسلمتني اناتك لقائد الامل فمن اسلمتني
والمنى فمن المقيل عثراتي من كبوات الهوى وان خذلني نصرك عند
محاربة النفس والشيطان فقد وكلني خذلانك الى حيث
النصب والحرمان الهي اتراني ما اتيتك الا من حيث الامال ام علقت حبالك باطراف
الا حين باعدتني ذنوبي من دار الوصال فبئس المطية التي امتطت
نفسي من هواها فواها لها لما سولت لها ظنونها ومناها وتبا لها
لجرأتها

على سيدها ومولاها الهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي يا رب
وهربت اليك لاجئا من فرط اهوائي وعلقت باطراف حبالك انامل ولائي
فاصفح اللهم عما كان من زللي وخطائي واقلني اللهم من صرعة ردائي فانك سيدي اجرمته وعثرت بلائي
ومولاي ومعتمدي ورجائي في منقلبي ومثواي وانت غاية مناي الهي
كيف تطرد مسكينا التجأ اليك من الذنوب هاربا ام كيف تخيب
مسترشدا قصد الى جنابك ساعيا ام كيف ترد ظمآنا ورد الى حياضك
شاربا كلا وحياضك مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب و
الوغول وانت غاية المسؤول ونهاية المأمول الهي هذه ازمة نفسي عقلتها
بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها برحمتك وهذه الاهواء
المضلة وكلتها الى جناب لطفك فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا علي
بضياء الهدى والسلامة في الدين والدنيا ومسائي جنة من كيد
العدى ووقاية من مرديات الهوى انك على كل شيء قدير وبالاجابة
جدير اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء
وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير
تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت و
تخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب الهي من ذا يعرف
قدرك ولا يخافك ومن ذا يعلم ما انت ولا يهابك الفت بقدرتك فلا
الفرق وفلقت برحمتك الفلق وانرت بكرمك دياجي الغسق وانهرت

لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك

الينابيع من الصم الصلاب عذبا واجاجا وانزلت من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت

الشمس والقمر للبرية سراجا وهاجا من غير ان تمارس فيما ابتدعت

لغوبا ولا علاجا فيا من توحد بالعز والبقاء وقهر عباده بالموت والفناء

صل على محمد واله الاتقياء واستمع ندائي واستجب دعائي وحقق بفضلك

املي ورجائي يا خير من دعي لكشف الضر والمامول في كل عسر ويسر بك

انزلت حاجتي فلا تردني عن سني مواهبك خائبا يا كريم يا كريم

برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه ومظهر لطفه

محمد واله اجمعين وسلم تسليما كثيرا ونيز اين دعا از صحيفه كامله است

بخوانند كه فضايل بسيار دارد الحمد لله الذي خلق الليل والنهار

بعد وتم الخ ونيز هر صباح اين دعا بخوانند كه مرويست از امامين همامين موسى ابن جعفر

الكاظم وعلى ابن موسى الرضا عليهما السلام بسم الله الرحمن الرحيم اللهم ان ذنوبي

وكثرتها قد اخلقت وجهي عندك وحجبتني عن استيهال رحمتك

وباعدتني عن استيجاب مغفرتك ولولا تعلقي بالائك وتمسكي

بالرجاء لما وعدت امثالي من المسرفين واشباهي من الخاطئين

واوعدت القانطين من رحمتك بقولك يا عبادي الذين

اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب

جميعا انه هو الغفور الرحيم وحذرت القانطين من رحمتك

الى دعائك فقلت ادعوني استجب لكم ان الذين يستكبرون

عن عبادتي

فقلت ومن يقنط من رحمة ربه الا الضالون ثم ندبتنا برافتك

عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين لكان ذل الاياس علي مشتملا

والقنوط من رحمتك بي ملتحفا الهي قد وعدت المحسن ظنه بك ثوابا

واوعدت المسيء ظنه بك عقابا اللهم وقد امسك رمقي حسن الظن

بك في عتق رقبتي من النار وتغمد زللي واقالة عثرتي وقلت

وقولك الحق الذي لا خلف له ولا تبديل يوم ندعوا كل اناس

بامامهم ذلك يوم النشور اذا نفخ في الصور وبعثرت القبور اللهم

اني اقر واشهد واعترف ولا اجحد واسر واظهر واعلن وابطن

بانك انت الله الذي لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان

محمدا عبدك ورسولك وان عليا امير المومنين وسيد الوصيين

ووارث علم النبيين وقاتل المشركين وامام المتقين ومجاهد الناكثين

والقاسطين والمارقين امامي وحجتي وعروتي وصراطي ودليلي

ومحجتي ومن لا اثق بالاعمال وان زكت ولا اراها منجية لي

وان صلحت الا بولايته والايتمام به والاقرار بفضائله والقبول من

حملتها والتسليم لرواتها اللهم واقر باوصيائه من ابنائه ائمة

وحججا وادلة وسرجا واعلاما ومنارا وسادة وابرارا وامن بسرهم

وجهرهم وظاهرهم وباطنهم وحيهم وميتهم وشاهدهم وغائبهم

لا شك في ذلك ولا ارتياب يحولني عنه ولا انقلاب اللهم فادعني

يوم حشري وحين نشري بامامتهم واحشرني في زمرتهم واكتبني

في صحابتهم واجعلني من اخوانهم ما اقتديت بهم من حر النيران وان لم ترزقني
روح الجنان فانك ان اعتقتني من النار كنت من الفائزين اللهم وقد اصبحت
في يومي هذا ولا ثقة لي ولا رجاء ولا مفزع ولا ملجاء ولا ملتجا غير
من توسلت بهم اليك وهم رسولك واله علي امير المومنين وسيدتي
فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين والحسن والحسين وعلي ومحمد
وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن ومقيم المحجة المستور وخيرتك
من ولدهم والمرجو للامة من ذريتهم صلواتك عليهم اللهم فاجعلهم
في هذا اليوم وما بعده حصني من المكاره ومعقلي من المخاوف ونجني
بهم من كل عدو وطاغ وباغ وفاسق ومن شر ما اعرف وما انكر
وما استتر علي وما ابصر ومن شر كل دابة ربي اخذ بناصيتها ان ربي
على صراط مستقيم اللهم افتح فبتوسلي بهم اليك وتقربي بمحبتهم
وتحصني بامامتهم علي في هذا اليوم ابواب رزقك وانشر علي
رحمتك ومغفرتك وحببني عبادك وجنبني بغضهم انك على كل شيء
قدير ولكل متوسل ثواب ولكل ذي شفاعة حق فاسئلك بمن جعلتهم
اليك سببي وقدمتهم امام طلبتي ان تعرفني بركة يومي هذا
وشهري هذا وعامي هذا اللهم وهم مفزعي ومعولي في شدتي
ورخائي وعافيتي وبلائي ونومي ويقظتي وظعني واقامتي
وعسري ويسري وعلانيتي وسري وصباحي ومسائي
ومنقلبي

ومنقلبي ومثواي اللهم فلا تخيبني بهم من نائلك ولا تخلني بهم من نعمتك
ولا تقطع رجائي من رحمتك ولا تؤيسني من روحك ولا تفتني
بانغلاق ابواب الرزق وانسداد مسالكها وارتتاج مذاهبها
وافتح لي من لدنك فتحا يسيرا واجعل لي من كل ضنك مخرجا والى
كل سعة منهجا برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم واجعل الليل
والنهار مختلفين علي برحمتك ومعافاتك ومنك وفضلك
ولا تفقرني الى احد من خلقك برحمتك يا ارحم الراحمين انك
على كل شيء قدير وبكل شيء محيط پوشیده نباشد که برای شیعیان
و دوستان اهل بیت این دعا و امثال این دعا افضل همه ادعیه و اوراد و اکمل
همه وسایل و اذکار است بسبب اشتمال آن بر توسل بحبل المتین ولایت و تمسک بعروة
الوثقی امامت ایشان که معیار هر شرف و سعادت و مدار قبول عبادات اند و هر که هر روز
بعد از نماز صبح این دعا بخواند از جمله انصار حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه و علی آبائه
الطاهرین باشد اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد در زمان ظهور حق تعالی او را زنده
گرداند بعدد هر کلمه هزار حسنه باو عطا فرماید و هزار سیئه محو فرماید دعا این است
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع
ورب البحر المسجور ومنزل التورية والانجيل والزبور ورب
الظل والحرور ومنزل القران العظيم ورب الملائكة المقربين
والانبياء والمرسلين اللهم اني اسئلك بوجهك المنير وملكك القديم الكبير

يا حي يا قيوم اني اسألك باسمك الذي اشرقت به السموات والارضون
وباسمك الذي يصلح به الاولون والاخرون يا حيا قبل كل
حي يا حيا بعد كل حي يا حيا حين لا حي يا محيي الموتى ومميت الاحياء
يا حي لا اله الا انت صل على محمد وآل محمد وعجل الله فرجهم اللهم
بلغ مولانا الامام الهادي المهدي الحجة القائم بامر الله صلوات الله
عليه وعلى آبائه الطاهرين عن جميع المؤمنين والمؤمنات
في مشارق الارض ومغاربها وسهلها وجبلها وبرها وبحرها
وحيهم وميتهم وعني وعن والدي واهلي واخواني وولدي
من الصلوات والتحيات زنة عرشك وعدد كلماتك وما
احصاه كتابك واحاط به علمك اللهم اني اجدد له في صبيحة
يومي هذا وما عشت فيه من ايام حياتي عهدا وعقدا وبيعة
له في عنقي لا احول عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلني من انصاره
واعوانه والذابين عنه والمسارعين اليه في قضاء حوائجه
والممتثلين لاوامره ونواهيه والسابقين الى ارادته والمجاهدين والممتثلين
معه والحامين عنه والمستشهدين بين يديه اللهم فان
حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك حتما
مقضيا فاخرجني من قبري مؤتزرا كفني شاهرا سيفي مجردا
قناتي ملبيا دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم ارني
طلعة

طلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل ناظري بنظرة مني اليه وعجل فرجه
وسهل مخرجه واوسع منهجه واسلكني محجته وانفذ امره وقو ظهره واشدد ازره
وطول عمره واعمر اللهم به بلادك واحي به عبادك فانك قلت
وقولك الحق ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس فاظهر
اللهم لنا وليك وابن وليك وابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك صلواتك بنت
عليه وآله في الدنيا والاخرة حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه و
يحق الله به الحق ويحققه اللهم واجعله مفزعا للمظلوم من عبادك وناصرا
لمن لا يجد له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من احكام كتابك ومشيدا لما
ورد من اعلام دينك وسنن نبيك محمد صلى الله عليه وآله واجعله
اللهم ممن حصنته من بأس المعتدين اللهم وسر نبيك محمدا صلواتك عليه
وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته وارحم استكانتنا من بعده اللهم اكشف
هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره وعجل اللهم لنا ظهوره انهم يرونه
بعيدا ونريه قريبا برحمتك يا ارحم الراحمين بعد ازان سه مرتبه دست بر
زانوی راست زند بگوید العجل العجل العجل يا مولاي يا صاحب الزمان الغوث
الغوث الغوث صلوات الله عليك انا منتظر اليك حتى يمكنني الله
من دولتك وسعادتك ويمنك وبركتك يا مولاي العجل العجل العجل
الساعة الساعة الساعة بعد ازان سه بار بگويد يا صاحب الزمان الامان
الامان الامان الغوث الغوث الغوث ادركني بحقك وبحق آبائك

الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين از اهل بيت طاهرين عليهم السلام

مرويست كه چون حضرت كه همه پيغمبران از حضرت خاتم الانبيا صلى الله عليه وآله اجمعين از يكديگر ميراث گرفته اند امت كه هر صبح بگويد اللهم انى اسئلك ايمانا تباشر به قلبى ويقينا صادقا حتى اعلم انه لا يصيبنى الا ما كتبت لى ورضا بما قسمت لى در بعضى روايات اين عبارت نيز زياده بران امده حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تاخير ما عجلت يا حى يا قيوم برحمتك استغيث اصلح لى شانى كله ولا تكلنى الى نفسى طرفة عين ابدا وصلى الله على محمد واله هر كس هر روز پيش از طلوع افتاب بگويد الله اكبر الله اكبر كبيرا وسبحان الله بكرة واصيلا والحمد لله رب العالمين كثيرا لا شريك له وصلى الله على محمد واله فرشته از ان بگيرد و در ميان بال خود گذاشته باسمان دنيا رسد ملايكه گويند اين كلمات را كه مؤمنى گفته پس ملايكه دعا كنند وگويند خدا تعالى بران مؤمن رحمت فرمايد و همچنين بهر اسمان كه رسد ملايكه ان اسمان همان دعا كنند تا انكه بحاملان عرش رسد ايشان نيز همان دعا كنند و گويند برابر اين كلمات را بخزينه داران اقوال بسپاريد تا در ديوان خزينه ثبت نمايند كه اين از كلمات خزينه است و هر كس هر صبح و عصر سه مرتبه بگويد اللهم صل على محمد وال محمد فى الاولين وصل على محمد وال محمد فى الاخرين وصل على محمد وال محمد فى الملاء الاعلى وصل على محمد وال محمد فى المرسلين اعط محمدا الوسيلة والفضيلة والشرف والرفعة والدرجة

الكبيرة

الكبيرة اللهم انى امنت بمحمد ولم اره فلا تحرمنى يوم القيمة رؤيته وارزقنى صحبته وتوفنى على ملته واسقنى من ماء حوضه مشربا رويا سائغا هنيئا لا اظماء بعده ابدا انك على كل شىء قدير اللهم وكما امنت بمحمد ولم اره فعرفنى فى الجنان وجهه اللهم بلغ روح محمد عنى تحية كثيرة وسلاما گناهانش فرو ريزد و خطاهايش محو گردد و سرورش دايم شود و پريشانيش ضرر نيابد و افزونى يابد و اسباب خيرات براى او جمع گردد و از رفقاى محمد صلى الله عليه واله باشد در جنت و روزيش فراخ ميشود و از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام مرويست كه كسى كه پيش از غروب افتاب ده مرتبه خواندن اين تهليلست لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيى ويميت وهو حى لا يموت بيده الخير وهو على كل شىء قدير بعد از ان ده مرتبه اين استعاذه را بخواند اعوذ بالله السميع العليم من همزات الشياطين واعوذ بالله ان يحضرون ان الله هو السميع العليم اگر فراموش كند قضا كند همچنانكه قضا ميكند نماز خود را و در روايت ديگر امده كه هر كس اين تهليل را ده مرتبه پيش از طلوع افتاب صد مرتبه الله اكبر بگويد سبحان است صد بنده ازاد كند و هر كس هر صبح و شام سه مرتبه بگويد سبحان الله حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد فى السموات والارض وعشيا وحين تظهرون در ان شبانه روز هيچ خير ازو فوت نميشود و از خير هيچ شرى شام چهار مرتبه اين را بخواند

الحمد لله رب العالمین شکر نعمت آن روز را بجا آورده باشد مرویست که کسی
با بو درداء گفت که خانه ات را آتش گرفت و بسوخت گفت خانه من نمیسوزد و دیگری آمد همین خبر
آورد و همچنین تا سه مرتبه خبر آوردند و همین جواب را گفت و شنیدند چون مشخص کردند حوالی
خانه او سوخت و خانه ابو درداء نسوخت پرسیدند چه دانستی که خانه تو نسوخت
گفت از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که هر کس صبح و شام بگوید اللهم انت
ربی لا اله الا انت علیک توکلت و انت رب العرش العظیم لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله کان و ما لم یشا لم یکن
اعلم ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء
علما اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و من شر کل دابة انت
آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم در آن شبانه روز آفتی
باو نرسد و من این را گفته بودم و نیز هر صبح و شام این دعا را سه مرتبه بخواند اصبحت
اللهم معتصما بذمامک المنیع الذی لا یحاول و لا یطاول من شر
کل غاشم و طارق من سائر من خلقت و ما خلقت من خلقک
الصامت والناطق فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة ولاء
اهل بیت نبیک علیه و علیهم السلام محتجبا من کل قاصد لی الی
اذیة بجدار حصین الاخلاص فی الاعتراف بحقهم و التمسک
بحبلهم موقنا ان الحق معهم و فیهم و بهم اوالی من والوا و اجانب
من جانبوا فصل علی محمد و آل محمد و اعذنی اللهم بهم من شر کل ما

اتقیه

اتقیه یا عظیم حجزت الاعادی عنی ببدیع السموات والارض انا جعلنا
فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان فهم مقمحون و جعلنا من بین ایدیهم سدا
و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و در وقت شام بجای اصبحت امسیت
بگوید از همه مکاره و مخاوف ایمن گردد ان شاء الله تعالی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
مرویست که اگر همه چیز را ترک کنید این دعا را صبح و شام ترک مکن اللهم انی اصبحت استغفرک
فی هذا الصباح و فی هذا الیوم لاهل رحمتک و ابرء الیک من اهل لعنتک
اللهم انی اصبحت ابرء الیک فی هذا الیوم و فی هذا الصباح ممن نحن بین
ظهرانیهم من المشرکین و مما کانوا یعبدون انهم کانوا قوم سوء فاسقین
اللهم اجعل ما انزلت من السماء الی الارض فی هذا الصباح و فی هذا الیوم
برکة علی اولیائک و عقابا علی اعدائک اللهم وال من والاک و عاد
من عاداک اللهم اختم لی بالامن و الایمان کلما طلعت شمس او غربت
اللهم اغفر لی و لوالدی و ارحمهما کما ربیانی صغیرا اللهم اغفر
للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات
انک تعلم متقلبهم و مثواهم اللهم احفظ امام المسلمین بحفظ الایمان
و انصره نصرا عزیزا و افتح له فتحا یسیرا قریبا و اجعل له و لنا من
لدنک سلطانا نصیرا اللهم العن ابا بکر و عمر و الفرق المختلفة
علی رسولک و ولاة الامر بعد رسولک و الائمة من بعده و شیعتهم و اسالک
الزیادة من فضلک و الاقرار بما جاء من عندک و التسلیم لامرک

والمحافظة على ما امرت به لا ابتغی به بدلا ولا اشتری به ثمنا
قلیلا اللهم اهدنی فی من هدیت وقنی شر ما قضیت انك
تقضی ولا یقضی علیك ولا یذل من والیت تبارکت وتعالیت سبحانك
رب البیت تقبل منی دعائی وما تقربت به الیك من خیر فضاعفه
لی اضعافا کثیرة وآتنا من لدنك اجرا عظیما رب ما احسن ما ابلیتنی
واعظم ما اعطیتنی واطول ما عافیتنی واکثر ما سترت علی فلك
الحمد یا الهی کثیرا طیبا مبارکا علیه ملأ السموات وملأ الارض وملأ ما شاء
ربی وکما یحب ربی ویرضی وکما ینبغی لوجه ربی ذی الجلال والاکرام
چون اینده علاجواند در وقت شام بجای اصبحت امسیت بگوید بجای هذا الصباح هذا المساء وبجای
هذا الیوم هذا الصباح اللیل وبجای طلعت شمس او غربت شمس او طلعت بگوید و نیز هر صبح
شام بگوید الحمد لله الذی یفعل ما یشاء ولا یفعل ما یشاء غیره
الحمد لله کما یحب الله والحمد کما هو اهله اللهم ادخلنی
فی کل خیر ادخلت فیه محمدا وآل محمد واخرجنی من کل
سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد صلی الله علی محمد وآل
محمد مرویست که چون آفتاب زرد میشد بر سر کوه حضرت رسول صلی الله علیه وآله
را گریه از چشم مبارکش جاری و روان شدی و گفتی امسی ظلمی مستجیرا
بعفوك وامسیت ذنوبی مستجیرة بمغفرتك وامسی خوفی
مستجیرا بامانك وامسی ذلی مستجیرا بعزك وامسی فقری
مستجیرا

مستجیرا بغناك وامسی وجهی الفانی البالی مستجیرا بوجهك
الدائم الباقی اللهم البسنی عافیتك وغشنی برحمتك وجللنی کرامتك
وقنی شر خلقك من الجن والانس یا الله یا رحمن یا رحیم هر که در وقت طهر این کلمات
را محافظت نماید چنانست که چشم خود سو محافظت نماید سبحان الله ولا اله الا الله
والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریك فی الملك ولم یکن له
ولی من الذل وکبره تکبیرا در فضیلت شب جمعه و روز جمعه مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که صبح روز آفتاب طلوع نکند که افضل از روز جمعه باشد و جمعه سید روزهاست
و حق تعالی روز جمعه حسنات مضاعف و سیئات محو فرماید و درجات بنده را بلند گرداند و دعوات
مستجاب فرماید و بلیات را دفع میکند و حاجات بزرگ بر میآورد و هیچ کس در این روز
طلب حاجات نکند مگر آنکه حق تعالی حاجات او را بر آورده گرداند اگر کسی حق این روز را بشناسد
حق تعالی او را از آتش دوزخ آزاد گرداند پس اگر در شب و روز جمعه بمیرد شهید مرده باشد و از آتش
ایمن باشد هر قدر توانند در این روز و شب طاعات و عبادات زیاده کنند هر چه کنند ثواب
مضاعف عطا فرماید و ترک معاصی و مناهی نمایند و اگر مؤمن دعا کند حق تعالی تاخیر اجابت آن کند
تا روز جمعه برای فضیلت آن روز و شب حق تعالی در هر شب و روز جمعه از اول شب تا طلوع صبح
منادی ندا کند در بالای عرش که ای بنده مؤمن اگر حاجتی داری از من بخواه تا بر آورده گردانم
و اگر گناه کرده استعاذه نما تا عفو فرمایم و اگر معاشت تنگ گردیده سؤال کن از من تا فراخ کنم
و اگر بیماری دعا کن تا شفا دهم و اگر محبوس و مهمومی استغاثه نما تا نصرت دهم و در تمام شب جمعه
تا طلوع صبح ملکی ندا کند از جانب حق تعالی که هر کس را حاجتی باشد بخواهد که بر آورم ای طالبان خیر

مشغول خیر شوید و مستحب است که در روز جمعه بجهت اطفال و عیال تحفه میوه تازه که در روزهای دیگر
نبوده باشد آوردن تا در این روز خوشحال گردند و محبت ایشان در روز جمعه باید زیاده باشد
هر کس استخفاف این روز کند و حق این روز را ضایع کند حق تعالی لازم گرداند که او را بجهنم فرستد
مگر آنکه توبه کند و اگر در این روز کسی شعر بخواند نصیبش در آن روز همان شعر باشد از فضایل روز جمعه
و افضل اعمال در شب و روز جمعه صلوات فرستادن است بر پیغمبر و آلش چون عصر
روز پنجشنبه ملائکه از آسمان نازل گردند با قلمهای طلا و لوحهای نقره بعد دعای مومنان تا شب شنبه کار ایشان
همین باشد که هر کس صلوات فرستد بنویسند این ملائکه در روزها دیگر نباشند و سنت است
روز جمعه هزار مرتبه و در سایر روزها صد مرتبه صلوات فرستادن هر کس در شب جمعه سوره بنی
اسرائیل بخواند از اصحاب صاحب الزمان باشد هر کس در بعد عصر روز جمعه یا در شب آن سوره کهف
بخواند تا جمعه دیگر در حفظ خدا باشد و درجه شهدا یابد و با ایشان محشور گردد و کفاره
گناهان او باشد تا روز جمعه دیگر و هر کس در شب جمعه ده مرتبه بگوید یا دائم الفضل علی
البریة یا باسط الیدین بالعطیة یا صاحب المواهب السنیة
یا کاشف الضراء و البلیة صل علی محمد و آله خیر الوری سجیة
و اغفر لنا یا ذا العلی فی هذه العشیة هزار هزار حسنه برای او ثبت
و هزار هزار سیئه محو فرمایند و هزار هزار درجه بلند گردانند و در روز قیامت با ابراهیم خلیل
همدرجه باشد و روزه این روز برابر است با ده روز و نورانی درخشان که روزهای دنیا
شنیده بوده باشد و مستحب است روز جمعه زیارت حضرت رسول صلوات الله علیه و آله
و ائمه علیهم السلام و چون خواهد که زیارت کند غسل کند و جامهای پاک بپوشد

و دعای

بالصحرا برو و در روایت دیگر بام خانه رفته چهار رکعت نماز بگزارد و بعد سلام پس
رو بقبله بایستد و بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته
السلام علیک ایها النبی المرسل و الوصی المرتضی و السیدة الکبری
و السیدة الزهراء و السبطان المنتجبان و الاولاد الاعلام و الامناء
المنتجبون جئت انقطاعا الیکم و الی آبائکم و ولدکم الخلف علی برکة
الحق فقلبی لکم مسلم و نصرتی لکم معدة حتی یحکم الله لدینه فمعکم
معکم لا مع عدوکم انی لمن القائلین بفضلکم مقر برجعتکم لا انکر لله
قدرة و لا ازعم الا ما شاء الله سبحان الله ذی الملک و الملکوت
یسبح الله باسمائه جمیع خلقه و السلام علی ارواحکم و اجسادکم
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته و مستحب است روز جمعه ناخن
تطهیر و تنظیف و تعطیر چنانکه بتفصیل در باب دویم بیان شد و بهترین جامهای
که مقدور باشد پوشیدن و با سکینه و وقار متوجه نماز و مسجد گردد و بگوید اللهم
من تهیأ و تعبأ و اعد و استعد لوفادة الی مخلوق رجاء رفده و طلب
نائله و جوائزه و فواضله فالیک یا سیدی وفادتی و تهیئتی
و اعدادی و استعدادی رجاء رفدک و جوائزک و نوافلک
فلا تخیب الیوم رجائی یا من لا یخیب علیه سائل و لا ینقصه
نائل فانی لم آتک الیوم بعمل صالح قدمته و لا شفاعة مخلوق رجوته
و لکن اتیتک مقرا بالظلم و الاساءة لا حجة لی و لا عذر فاسألک

یا رب ان تعطینی سؤلی وتقبلنی برغبتی ولا تردنی محجوباً ولا خائباً
یا عظیم یا عظیم یا عظیم ارجوک للعظیم اسالک یا عظیم ان تغفر لی العظیم
لا اله الا انت اللهم صل علی محمد وآل محمد وارزقنی خیر هذا الیوم الذی
شرفته وعظمته واغسلنی فیه من جمیع ذنوبی خطایای و
زدنی من فضلک انک انت الوهاب در روز جمعه دو ساعت است که البته
دعا مستجاب است یکی آخر وقت تا غروب آفتاب و دیگری وقت زوال و مستحب است
در ساعت آخر این روز خواندن دعای سمات و مرویست از حضرت امام محمد
باقر علیه السلم که این دعا از علم مکنون و مخزون است پس از برای حاجات خود و هلاک
دشمنان بخوانید و با اطفال و سفها و ظالمان و منافقان اظهار منمائید و اگر قسم یاد کنیم
که اسم اعظم خدا در این دعا است راست گفته ام و دعا این است و دعای توسل را قبل از سمات
بخوانند این است دعای توسل که قبل از سمات بخواند اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء
وانت الآخر فلیس بعدک شیء وانت الظاهر فلیس فوقک شیء وانت الباطن
فلیس دونک شیء وانت العزیز الحکیم سبحانک یا لا اله الا انت یا
حنان یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام یا
ذا الجلال والاکرام بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسالک
باسمک العظیم الاعظم الاعظم الاعظم الاعظم الاعز الاجل الاکرم الذی
اذا دعیت به علی مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت واذا دعیت
به علی مضایق ابواب الارض للفرج بالرحمة انفرجت واذا دعیت
به علی

به علی العسر للیسر تیسرت واذا دعیت به علی الاموات للنشور انتشرت
واذا دعیت به علی کشف البأساء والضراء انکشفت وبجلال وجهک الکریم
اکرم الوجوه واعز الوجوه الذی عنت له الوجوه وخضعت له الرقاب
وخشعت له الاصوات ووجلت له القلوب من مخافتک وبقوتک التی
بها تمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنک وتمسک السموات
والارض ان تزولا وبمشیتک التی دان لها العالمون وبکلمتک التی
خلقت بها السموات والارض وبحکمتک التی صنعت بها العجائب
وخلقت بها الظلمة وجعلتها لیلا وجعلت اللیل سکنا وخلقت
بها النور وجعلته نهارا وجعلت النهار نشورا مبصرا وخلقت
بها الشمس وجعلت الشمس ضیاء وخلقت بها القمر وجعلت
القمر نورا وخلقت بها الکواکب وجعلتها نجوما وبروجا ومصابیح
وزینة ورجوما وجعلت لها مشارق ومغارب وجعلت لها
مطالع ومجاری وجعلت لها فلکا ومسابح وقدرتها فی السماء
منازل فاحسنت تقدیرها وصورتها فاحسنت تصویرها
واحصیتها باسمائک احصاء ودبرتها بحکمتک تدبیرا
فاحسنت تدبیرها وسخرتها بسلطان اللیل وسلطان النهار
والساعات وعرفت بها عدد السنین والحساب وجعلت
رؤیتها لجمیع الناس مرأی واحدا واسالک اللهم بمجدک الذی

كلمت به عبدك ورسولك موسى بن عمران عليه السلام في المقدسين
وفوق احساس الكروبيين وفوق غمائم النور وفوق تابوت الشهادة في
عمود النار وفي طور سيناء في جبل حوريث في الواد المقدس في البقعة
المباركة من جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض مصر بتسع آيات بينات
ويوم فرقت لبني اسرائيل البحر وفي المنبجسات التي صنعت بها العجائب في البحار
في بحر سوف وعقدت ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت
ببني اسرائيل البحر وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا واورثتهم
مشارق الارض ومغاربها التي باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون
وجنوده ومراكبه في اليم وباسمك العظيم الاعظم الاعز الاجل الاكرم
وبمجدك الذي تجليت به لموسى كليمك في طور سيناء ولابراهيم خليلك
عليه السلام من قبل في مسجد الخيف ولاسحق صفيك عم في بئر شيع وليعقوب
نبيك عليه السلام في بيت ايل واوفيت لابراهيم عليه السلام بميثاقك
ولاسحق بحلفك وليعقوب بشهادتك وللمؤمنين بوعدك وللداعين
باسمائك فاجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى بن عمران على قبة الرمان
وبآياتك التي وقعت على ارض مصر بمجد العزة والغلبة وبآيات
عزيزة وبسلطان القوة وبعزة القدرة وبشان الكلمة التامة وبكلماتك
التي تفضلت بها على اهل السموات والارض واهل الدنيا والآخرة
وبرحمتك التي مننت بها على جميع خلقك وباستطاعتك التي اقمت
بها العالمين

بها على العالمين وبنورك الذي قد خر من فزعه طور سيناء وبعلمك
وجلالك وكبريائك وعزتك وجبروتك التي لم تستقلها الارض وانخفضت
لها السموات وانزجر لها العمق الاكبر وركدت لها البحار والانهار و
خضعت لها الجبال وسكنت لها الارض بمناكبها واستسلمت لها الخلائق
كلها وخفقت لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران في اوطانها
وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة دهر الدهور وحمدت به في السموات
والارضين وبكلمتك كلمة الصدق التي سبقت لابينا آدم عليه السلام و
ذريته بالرحمة واسألك بكلمتك التي غلبت كل شيء وبنور وجهك الذي
تجليت به للجبل فجعلته دكا وخر موسى صعقا وبمجدك الذي ظهر على
طور سيناء فكلمت به عبدك ورسولك موسى بن عمران وبطلعتك
في ساعير وظهورك في جبل فاران بربوات المقدسين وجنود
الملائكة الصافين وخشوع الملائكة المسبحين وببركاتك التي
باركت فيها على ابراهيم خليلك في امة محمد صلواتك عليه و
آله وباركت لاسحق صفيك في امة عيسى عم وباركت ليعقوب
اسرائيلك في امة موسى وباركت لحبيبك محمد صلى الله عليه
وآله في عترته وذريته عليهم السلام وامته اللهم وكما غبنا
عن ذلك ولم نشهده وآمنا به ولم نره صدقا وعدلا ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تبارك على محمد وآل محمد وترحم على محمد

وانخفضت لها السماء من

اودنها

وآل محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم وآل ابراهيم
انك حميد مجيد فعال لما تريد وانت على كل شيء قدير شهيد ثم سل
حاجتك ثم قل يا الله يا حنان يا منان يا بديع السموات والارض يا
ذا الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين اللهم الهي اسئلك بحق هذا الدعاء
وما فات منه من الاسماء وما يشتمل عليه من التفسير والتدبير الذي
لا يحيط به الا انت ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعجل فرجهم في عافية
وتهلك اعداءهم في الدنيا والآخرة وان ترزقنا بهم خير ما نرجو وخير
ما لا نرجو وتصرف بهم عنا شر ما نحذر وشر ما لا نحذر انك على كل
شيء قدير وانت اكرم الاكرمين اللهم بحق هذا الدعاء وبحق هذه الاسماء
التي لا يعلم تفسيرها ولا يعلم باطنها غيرك صل على محمد وآل محمد و
اغفر لي ذنوبي ما تقدم منها وما تاخر ووسع علي من حلال
رزقك واكفني مؤنة انسان سوء وجار سوء وسلطان سوء انك
على ما تشاء قدير وبكل شيء عليم آمين رب العالمين ثم صل على
محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله وانتقم لي ممن يؤذيني
واغفر لي ذنوبي ثم قل اللهم بحق هذا الدعاء وبحق هذه الاسماء التي لا يعلم
تفسيرها ولا تاويلها ولا باطنها ولا ظاهرها غيرك ان تصلي على محمد
وآل محمد وان ترزقني خير الدنيا والآخرة وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل
بي ما انا اهله وانتقم لي من فلان ابن فلان ثم قل واغفر لي من ذنوبي ما تقدم
منها

منها وما تاخر ولوالدي ولجميع المؤمنين والمؤمنات ووسع علي
من حلال رزقك واكفني مؤنة انسان سوء وجار سوء وسلطان
سوء وقرين سوء ويوم سوء وساعة سوء وانتقم لي ممن يكيدني و
ممن يبغي علي ويريد بي واهلي واولادي واخواني وجيراني
وقراباتي من المؤمنين والمؤمنات ظلما انك على ما تشاء قدير
وبكل شيء عليم آمين رب العالمين ثم قل اللهم بحق هذا الدعاء
تفضل على فقراء المؤمنين والمؤمنات بالغنى والثروة وعلى مرضى
المؤمنين والمؤمنات بالشفاء والصحة وعلى احياء المؤمنين
والمؤمنات باللطف والكرامة وعلى اموات المؤمنين والمؤمنات
بالمغفرة والرحمة وعلى مسافري المؤمنين والمؤمنات بالرد الى
اوطانهم سالمين غانمين برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله
على سيدنا محمد خاتم النبيين وعترته الطاهرين وسلم
تسليما كثيرا

فصل دوم

در نوافل يوميه بر سبيل تفصيل وبيان ذكر آداب وادعيه
متعلق بهنا مروى است از ائمه طاهرين عليهم السلام كه افتتاح نوافل بهفت تكبير وادعيه
آن در موضع بايد نمود واول نوافل ظهر واول نوافل شب ديگر ركعت وتر ودر نوافل بعد
از الحمد هر سوره كه خواهد بخواند اما افضل آنست كه در ركعت اول نافله ظهر قل هو الله احد
بخواند ودر دويم قل يا ايها الكافرون ودر اول نافله عصر اذا جاء نصر الله يا الهيكم التكاثر
و در روايت ديگر آمده كه در اول سه قل هو الله ودر دويم يك انا انزلناه ودر ركعت سيم

اول سورهٔ حدید تا هو العلیم بذات الصدور در رکعت چهارم سورهٔ حشر لو انزلنا هذا القرآن
تا آخر سوره در رکعت وتر سورهٔ الملک یا سوره واقعه و در دویم قل هو الله و در رکعت نوافل
قل هو الله و در دویم قل یا ایها الکافرون در روایت دیگر آمده که هر کس اول نوافل شب در
هر رکعت سی مرتبه قل هو الله بخواند میان او و خدا گناهی نماند مگر آنکه امر زیده شود و در
رکعتهای دیگر مستحب است خواندن سورهای طویل مثل کهف و یس و مانند آن اگر وقت
وفا کند و الا در قل هو الله کافی باشد و در دو رکعت شفع معوذتین و در رکعت وتر قل هو الله احد
هر که در این سه رکعت این سوره بخواند فرشته ندا کند که ای بندهٔ مژده باد ترا که
وتر ترا قبول کردند و روایات دیگر آمده که در هر سه رکعت قل هو الله بخواند چنان است که
ختم قرآن کرده باشد که قل هو الله برابر ثلث قرآن است در روایت دیگر آمده که حضرت
امام رضا علیه السلام در هر یک از این سه رکعت سه قل هو الله میخواند در رکعت سیم بعد از
قل هو الله یکمرتبه معوذتین میخواند در رکعت اول نافلهٔ صبح قل یا ایها الکافرون و قل هو الله
در رکعت دویم میخواند مرویست که هر کس سورهٔ اذا زلزلت در نوافل میخوانده باشد
هرگز بزلزله مبتلا نشود و هیچ صاعقه و مثل آن باو نرسد از آفات دنیا و نمیرد مگر
باجل خود بی‌علت و حوادث دیگر و چون بوقت مرگش رسد فرشته ندا کند و بالای
بالین او بنشیند و گوید ای ملک موت باولی خدا ملایمت و مدارا کن که مرا بسیار یاد
میکرد و سورهٔ اذا زلزلت بسیار میخواند و سورهٔ نیز همین جا مکان نماید پس ملک موت
گوید من از جانب خدا مامورم که متابعت تمام نمایم تا اذن ندهد قبض روح نکنم پس حجاب از
چشمش برگیرند تا منازل خود را در بهشت ملاحظه نماید بعد از آن در کمال
ملایمت

ملایمت قبض روح او نماید پس هفتاد هزار فرشته او را بهشت بازآیند تا او را داخل
بهشت نمایند هر کس سورهٔ والعصر در نوافل بخواند رویش در روز قیامت نورانی
گردد و شگفته و شادمان داخل بهشت شود هر کس سورهٔ انا انزلناه یا انا اعطینا
در نوافل بخواند حق تعالی او را در کوثر آب دهد و در سایهٔ طوبی جایش دهد
و در خدمت حضرت رسول صلعم باشد و فضایل برخی از سورهای قرآن در فرایض
و نوافل ان شاء الله تعالی بیاید و در نوافل اکتفا بالحمد تنها جایز است خصوصا اگر در
وقت تنگ باشد یا شغل ضروری باشد اما تعقیبات و اذکار نوافل مانش آنکه بعد از
هر دو رکعت نافلهٔ ظهر بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ ضَعِیْفٌ فَقَوِّنِیْ فِیْ رِضَاكَ ضَعْفِیْ وَخُذْ
اِلَی الْخَیْرِ بِنَاصِیَتِیْ وَاجْعَلِ الْاِیْمَانَ مُنْتَهٰی رِضَایَ وَبَارِكْ لِیْ فِیْمَا قَسَمْتَ لِیْ
لِیْ وَبَلِّغْنِیْ بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذِیْ اَرْجُوْا مِنْكَ وَاجْعَلْ لِیْ وُدًّا وَسُرُوْرًا
لِلْمُؤْمِنِیْنَ وَعَهْدًا عِنْدَكَ و در سجدهٔ آخر نوافل مغرب هر شب خصوص
در شب جمعه هفت مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِیْمِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِیْمِ
اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِیَ الذَّنْبَ الْعَظِیْمَ هر کس چنان
کند امرزیده شود و بعد از هر رکعت از نوافل شب بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ وَلَمْ
یُسْئَلْ مِثْلُكَ اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ السَّائِلِیْنَ وَمُنْتَهٰی رَغْبَةِ
اَدْعُوْكَ وَلَمْ یُدْعَ مِثْلُكَ وَاَرْغَبُ اِلَیْكَ وَلَمْ یُرْغَبْ اِلٰی مِثْلِكَ
اَنْتَ مُجِیْبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّیْنَ وَاَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ اَسْاَلُكَ
بِاَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَاَنْجَحِهَا وَاَعْظَمِهَا یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیْمُ

وباسمائك الحسنى وامثالك العليا ونعمائك التي لا تحصى و
باكرم اسمائك عليك واحبها اليك واقربها منك وسيلة
واشرفها عندك منزلة واجزلها لديك ثوابا واسرعها في
الامور اجابة وباسمك المكنون الاكبر الاعز الاجل الاكرم الذي
تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك فاستجبت له دعاءه و
حق عليك ان لا تحرم سائلك ولا ترده وبكل اسم هو لك في
التورية والانجيل والزبور والقرآن العظيم وبكل اسم دعاك به حملة
عرشك وملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك من خلقك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعجل فرج وليك وابن وليك
وتعجل خزي اعدائه وتجعلنا من اصحابه وانصاره وترزقنا
به رجائنا وتستجيب به دعائنا بعد از ان در ركوع شش تكبير بگويد اللهم
اني اسالك بحرمة من عاذ بك ولجاء الى عزك واستظل بفيئك
واعتصم بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا يا مطلق الاسارى
يا من سمى نفسه من جوده وهابا ادعوك رغبا ورهبا وخوفا
وطمعا والحاحا والحافا وتضرعا وتملقا وقائما وقاعدا وراكعا و
ساجدا وراكبا وماشيا وذاهبا وجائيا وفي كل حالاتي واسالك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان ترزقني من فضلك خير ما سالك سائل
واعذني برحمتك مما استعاذ منه عائذ بعد از ركوع شفع بگويد الهي
تعرض

تعرض لك في هذا الليل المتعرضون وقصدك فيه القاصدون و
امل فضلك ومعروفك الطالبون ولك في هذا الليل نفحات
وجوائز وعطايا ومواهب تمن بها على من تشاء من عبادك
وتمنعها من لم تسبق له العناية منك وها انا ذا عبدك الفقير اليك
المؤمل فضلك ومعروفك فان كنت يا مولاي تفضلت على احد
من خلقك وعدت عليه بعائدة من عطفك فصل على محمد وآل محمد
الطيبين الطاهرين الخيرين الفاضلين وجد علي بفضلك ومعروفك
وكرمك يا رب العالمين فصل على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين
الذين اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا انك حميد مجيد
اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني انك لا
تخلف الميعاد و در وتر بگويد لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله
الا الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب
الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم اللهم
انت الله نور السموات والارض وانت زين السموات والارض
وانت الله قوام السموات والارض وانت الله صريخ المستصرخين
وانت الله غياث المستغيثين وانت الله
المفرج عن المكروبين وانت الله المروح عن المغمومين وانت الله
الرحمن الرحيم وانت الله كاشف السوء وانت الله بك تنزل

وانت الله مجيب دعوة المضطرين ... وانت الله اله العالمين

كل حاجة يا الله ليس يرد غضبك الا حلمك ولا ينجي من عذابك الا رحمتك
ولا ينجي منك الا التضرع اليك فهب لي من لدنك يا الهي رحمة تغنيني
بها عن رحمة من سواك بالقدرة التي بها احييت جميع ما في البلاد و
بها تنشر ميت العباد ولا تهلكني غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني
الاستجابة في دعائي وترزقني العافية الى منتهى اجلي واقلني عثرتي
ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي اللهم ان رفعتني فمن
ذا الذي يضعني وان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وان اهلكتني
فمن ذا الذي يحول بينك وبيني او يتعرض لك في شيء من امري
وقد علمت ان ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة انما يعجل
من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف وقد تعاليت
عن ذلك يا الهي فلا تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا
ومهلني ونفسني واقلني عثرتي ولا تتبعني ببلاء على اثر بلاء
فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي استعيذ بك الليلة فاعذني
واستجير بك من النار فاجرني واسألك الجنة فلا تحرمني
بعد از آن دستها را اندکی بلند نموده بگوید وجهت وجهي للذي فطر
السموات والارض حنيفا مسلما وما انا من المشركين ان
صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين لا شريك
له وبذلك امرت وانا من المسلمين اللهم صل على محمد وآل
محمد

محمد وصل على ملائكتك المقربين واولوا العزم من المرسلين والانبياء
المنتجبين والائمة الراشدين اولهم وآخرهم اللهم عذب كفرة
اهل الكتاب وجميع المشركين ومن ضارعهم من المنافقين
فانهم يتقلبون في نعمتك ويجعلون الحمد لغيرك فتعاليت
عما يقولون وعما علوا كبيرا اللهم العن الرؤساء والقادة والاتباع يصفون
من الاولين والآخرين الذين صدوا عن سبيلك اللهم انزل بهم باسك ونقمتك والاخزي
فانهم كذبوا على رسولك وبدلوا نعمتك وافسدوا عبادك وحرفوا
كتابك وغيروا سنة نبيك اللهم العنهم واتباعهم واولياءهم واعوانهم
ومحبيهم واحشرهم واتباعهم الى جهنم زرقا اللهم صل على محمد عبدك
ورسولك بافضل صلواتك وعلى ائمة الهدى الراشدين المهديين
بعد از آن از برای چهل کس از برادران مؤمن بعربی یا بفارسی هرچه داند مجزی بود که بعد از دعای
چهل مؤمن دعای برای خود کند مستجابست بعد از آن دست چپ را همچنان بقنوت بدارد
ودست راست تسبیح شمرد هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله واتوب اليه
هر کس یکسال در قنوت هفتاد استغفار مداومت کند از جناب الهی مغفرت گناهانش واجب
شود واز جمله مؤمنانی شود که حق تعالی فرموده والمستغفرين بالاسحار وچون سر از
رکوع بردارد ایستاده بگوید هذا مقام من حسناته نعمة منك وسيئاته
بعمله وذنبه عظيم وشكره قليل وليس لذلك الا عفوك
ورحمتك الهي طموح الآمال قد خابت الا لديك ومعاكف

لهم قد تعطلت الآمال الا عليك ومذاهب العقول قد سمت الا اليك فانت الرجاء
واليك الملتجا يا اكرم مقصود ويا اجود مسؤول هربت اليك بنفسي
يا ملجأ الهاربين باثقال الذنوب احملها على ظهري لا اجد لي اليك
شافعا سوى معرفتي انك اقرب من لجأ اليه المضطرون
واملا ما لديه الراغبون يا من فتق العقول بمعرفته واطلق الالسن بحمده
وجعل ما امتن به على خلقه كفاء لتأدية حقه صل على محمد وال
محمد ولا تجعل للهموم على عقلي سبيلا ولا للباطل على عملي دليلا
اللهم انك قلت في محكم كتابك المنزل على لسان نبيك المرسل
عليه وآله السلام كانوا قليلا من الليل ما يهجعون وبالاسحار هم
يستغفرون طال هجوعي وقل قيامي وهذا السحر وانا استغفرك
لذنوبي استغفار من لا يملك لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا
حيوة ولا نشورا جهل سلام دهد بگوید اناديك يا موجود في كل
مكان لعلك تسمع ندائي فقد عظم جرمي وقل حيائي يا مولاي
يا مولاي اي الاهوال اتذكر وايها انسى ولو لم يكن الا الموت
لكفى كيف وما بعد الموت اعظم وادهى مولاي يا مولاي حتى متى
والى متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد عندي
صدقا ولا وفاء فيا غوثاه ثم واغوثاه بك يا الله من هوى
قد غلبني ومن عدو قد استكلب علي ومن دنيا قد تزينت
لي ومن

لي ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربي مولاي يا مولاي ان كنت
رحمت مثلي فارحمني وان كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل السحرة
اقبلني يا من لم ازل اتعرف منه الحسنى يا من لم يعذبني بالنعم
صباحا ومساء ارحمني يوم آتيك فردا شاخصا اليك بصري مقلدا
عملي قد تبرأ جميع الخلق مني نعم ابي وامي ومن كان له كدي وسعيي
فان لم ترحمني فمن يرحمني ومن يؤنس في القبر وحشتي ومن ينطق
لساني اذا خلوت بعملي وسألتني عما انت اعلم به مني فان
قلت نعم فاين المهرب من عدلك فان قلت لم افعل قلت الم اكن الشاهد
عليك فعفوك عفوك يا مولاي قبل ان تغل الايدي الى الاعناق
يا ارحم الراحمين وخير الغافرين بعد از آن نافله صبح است که حاجت
رو بقبله تکیه کند چنانکه بیت در لحد بخوابد و دست راست بزیر رو کند زرو و پنج ایه از آل
عمران بخواند ان في خلق السموات والارض تا انك لا تخلف الميعاد
بخواند پس بگوید استمسكت بالعروة الوثقى التي لا انفصام لها واعتصمت بحبل
الله المتين ونعوذ بالله من شر فسقة العرب والعجم ومن شر
فسقة الجن والانس ربي الله ربي الله ربي الله امنت بالله
ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لكل شيء قدرا حسبي الله ونعم الوكيل اللهم من اصبح وله حاجة
الى مخلوق فان حاجتي ورغبتي اليك وحدك لا شريك لك

الحمد لرب الصباح الحمد لفالق الاصباح الحمد لله لنا شر الارواح
الحمد لقاسم المعاش الحمد لله جاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا
ذلك تقدير العزيز العليم اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل
لي اللهم نورا وفي بصري نورا وعلى لساني نورا ومن بين يدي
نورا ومن خلفي نورا وعن يميني نورا وعن شمالي نورا ومن
فوقي نورا ومن تحتي نورا وعظم لي النور واجعل لي نورا
امشي به في الناس ولا تحرمني نورك يوم القاك هر کس بعد از
نافله صبح صد مرتبه صلوة بر پیغمبر و آلش فرستد حق تعالی روی او را از حرارت
آتش دوزخ حفظ فرماید و اگر صد مرتبه بگوید سبحان الله العظیم وبحمده
استغفر الله واتوب الیه البته خانه در بهشت از برایش بنا کنند
و اگر چهل مرتبه بخواند ارکنا بالش از برزیده شود و چون مجموع سیزده رکعت نماز شب فارغ
واید عارضیجه کامله بخواند اللهم یا ذا الملك المتاید بالخلود والسلطان ۱۱ بعد
تا آخر دعا فصل یازدهم در ذکر بعضی افعال که در اثنای نماز توان کرد مرویست از ائمه
طاهرین علیهم السلام که در اثنای نماز در هر مقامی که باشد هر چه دعا و مناجات
و ذکر با خدا و پیغمبر که باشد توان گفت و از نماز خارج نباشد و هر کس در اثنای نماز هر
فعلی از افعال نماز که باشد مثل رکوع و غیر آن بگوید و صلی الله علی محمد و آل
محمد آن فعل مضاعف نوشته شود و اگر در اثنای نماز ذکر آنحضرت کنند و
صلوات نفرستد دو حسنه نوشته شود و هیچ فرشته موکل اند که هر کس در اثنای نماز
صلوات نفرستد

صلوة نفرستد ملائکه بجانب او بشتابند تا هر کدام را که پیش باشد بنویسند در
حاجت که خواهد برای دنیا و آخرت در اثنای نماز توان خواست در سجده که بنده در سجده نزدیک
تر است بخدا در جمیع احوال و گریه در نماز از ترس خدا و برای شوق جنت و خوف
نار نور چشم مؤمن افضل اعمال است اما برای ذکر اموات نماز را قطع نکند و اگر در اثنای
نماز عطسه کند یا از دیگری بشنود حمد و صلوات بفرستد و اگر کسی بر او سلام کند جواب
سلام بهمان لفظ که او گفته بگوید سلام علیکم یا السلام علیك و آواز بلند
نکند بلکه اگر تواند آهسته اشاره کند اما رد آیات بسیار اند که کسی که در نماز است باید
نکند فصل دوازدهم در آداب نماز جماعت و آن بر دو قسم است یکی آداب متعلق با امام
دوم آداب متعلق با ماموم که ذکر میکنیم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اگر
نماز بانفراد کرده باشد بعد از آن جماعتی رو دهد افضل است که اعاده کرده باشد که حق تعالی
هر کدام را که خواهد بفریضه دیگری را نافله حساب فرماید و اگر دو رکعت گذارده
مثلا نافله کند و سلام دهد پس بجماعت بگذارد و اگر رکعت گذارده مثلا نافله نموده
رکعت دیگر با آن ضم کند و سلام دهد و اگر ماموم یک مرد باشد در پهلوی راست امام بایستد
و اگر یک زن باشد در پس پشت و بجانب راست و اگر یک مرد باشد و یک زن یا بیشتر در پهلوی راست
و زنان در عقب بایستند و اگر ماموم در پهلوی راست امام ایستاده باشد در اثنای
نماز دیگری برسند یا امام پیشتر رود یا ماموم پس تر آید و اگر این مرد آخر بعد از رکوع رکعت برسد
نه امام پیش رود نه ماموم پس آید این مرد در پشت بنشیند و چون امام دهد رجوع السلام
نماز خود تمام کند میان امام و صف اول و همچنین میان دو صف فاصله زیاده از آنکه بسجده

بر آن کرده نباشد مرویست که اگر فاصله بیشتر باشد از آن امام برای ایشان امام نباشد در میان فرج خالی
گذارند تا شیطان بر او دست نیابد و اگر در صف پیشتر موضع خالی ببیند برود تا آن موضع را بگیرد و اگر هم
در اثنای نماز باشد مرویست که هیچ گامی در پیش جز او دست تر از گامی نیست که برود در تا خالی
را بگیرد اما در اثنای نماز بصف عقب نتوان رفت مگر آنکه در صفوف جا نیابد که در اینوقت تواند
تنها ایستاد اما چنان بایستد که محاذی امام باشد و اگر امام در زمینی پست تر بایستد ما بین
اما عکس آن جایز نبود
در موضع بلند امام یا سکوی بایستد جایز نبود مگر آنکه زمین سراشیب باشد بعضی موضعش بقدر یک
انگشت یا کمتر یا بیشتر پست تر باشد که در اینوقت جایز است که امام در موضع بلندتر بایستد
و میان امام و ماموم اگر پرده باشد و یا دیواری فاصله باشد نماز ماموم جایز نباشد مگر کسی
که در برابر در باشد اما ستونها که در مساجد میان صفوف واقع شود ضرر ندارد و چون
امام قرائت کند ماموم را جایز نباشد قرائت کردن مرویست که اگر کسی با امامی که باید
راضی باشد اقتدا کند قرائت کند چون بمیرد بغیر فطرت اسلام محشور گردد و ملاک اگر نماز اخفاتی
باشد ماموم بآهسته ذکر کند و اگر جهری باشد و صدای امام بشنود و کلمات را تمیز نکند
گوش کند و اگر جهری باشد و صدای امام بشنود اگر چه مثل همهمه باشد که بشنود و کلمات
را تمیز نکند گوش کند و اگر جهری باشد و صدای امام حتی همهمه هم نرسد افضل است که ماموم
حمد آهسته قرائت کند و اگر اکتفا بقرائت امام نیز کند مجزی باشد و سایر افعال و اذکار
را خود بجا آورد و باید در همه افعال از قیام و قعود و رکوع و سجود تابع امام باشد پیشتر
نکند و پیشتر سر بر ندارد و گفته اند که اگر امام در تشهد طول دهد ماموم را هم ز رفتن

در صف نایستد ... و اگر سکوت کند و بعضی ... در صف ...

رود

رود و همی تواند که پیش از امام سلام دهد و برود و ماموم باید ادعیه و اذکار را آهسته گوید و صدای
خود نرساند و چون امام از قرائت حمد فارغ شود و همچنین چون بعد از رکوع سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ
حَمِدَه بگوید ماموم بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و ماموم سمع الله لمن حمده نگوید اگر ماموم
در اثنای نماز با امام رسد تکبیر احرام بگوید و داخل نماز شود هر جای نماز باشد پس رکوع را با امام دریابد
آن رکعت را حساب کند و اگر بعد از رکوع امام در سجود و یا در تشهد داخل شود آن فعل را بجا آورد
و اگر در سجده آخر یا تشهد آخر نماز باشد که فضل جماعت آن دریابد اما از آن رکعتی حساب نکند
و آن زیادتی بنماز ضرر نکند چون امام سلام دهد او سلام نداده برخیزد و هر چه از نماز مانده
تمام کند و اگر سهواً سلام دهد ضرر ندارد و برخیزد و نماز را تمام کند اگر چه بعد از سلام نماز عمداً
حرف هم زده باشد چون سلامش از روی سهو شده ضرر ندارد و بعد از نماز سجده سهو بجا آورد
و اگر تکبیر رکوع را از امام نشنیده باشد احتیاط آنست که در آن رکوع داخل نشود بلکه چون امام
سر بردارد داخل شود هر گاه تشهد خواند او نیز بخواند اگر چه موضع خودش نباشد که تشهد
بر کف دست اما در این صورت بر سر پا بنشیند و درست بر زمین ننشیند و چون موضع تشهد
خودش رسد خودش نشسته تشهد بخواند و زود برخیزد تا با امام ملحق شود و اگر رکعت دویم امام
رسد با امام قنوت بخواند و همین قنوت را قنوت خود بداند و اگر برکعت سیم یا چهارم
امام اول و دویم او باشد پس اگر امام تسبیح گوید او خود الحمد و سوره بخواند و اگر امام رکوع کند
و فرصت سوره خواندن ندارد همان حمد مجزی بود اما اگر امام قرائت کند و نماز اخفاتی
باشد او قرائت نکند و اگر جهری باشد و چون قرائت امام نشنود خود قرائت کند و اگر کسی
از دور رسد بنماز و بیند که امام در رکوع است و بیم دارد که تا بصف رسد امام سر بردارد همان

جا که باشد رکوع کند اگر خواهد نیز سجود کند بعد از آن برخاسته بصف داخل شود پس اگر
ایستاده باشند بایستد و اگر نشسته باشند بنشیند و اگر خواهد همچنان در رکوع
برود تا ملحق شود و اگر پیش از آنکه امام سر از رکوع یا سجود بردارد ماموم سر بردارد و دیگر باز
سر را بگذارد و تا امام برخیزد و اگر کسی با امام رکوع کند و بسبب کثرت ازدحام سجود
نتواند کرد تا امام داخل رکعت دیگر شود در این رکعت با امام رکوع نکند و بنیت سابق سجود
با امام کند که آن رکوع با این سجود مجموع یک رکعت شود و اگر سجده بنیت همین یک رکعت کرده باشد
این سجده بهیچ رکعت حساب نشود بلکه سجدهٔ دیگر بنیت رکعت سابق کند تا آن تمام شود
اگر بسبب ازدحام رکوع نیز از او فوت شود تنها رکوع و سجود کند بعد از آن با امام ملحق شود
و اگر بنماز جمعه یک رکعت را با امام دریابد چون سلام دهد یک رکعت دیگر تنها بگذارد و اگر بعد
از رکوع آخر با امام رسد چهار رکعت نماز ظهر بگذارد **فصل یازدهم** در احکام سهو و شک
و عروض بعضی حوادث در نماز اما احکام سهو و شک پس آنکه احادیث اهل بیت علیهم السلام
و اقوال علمای کرام در این احکام اختلاف عظیم دارد ان شاء الله تعالی آنچه با مدلول
احادیث اقرب و انسب است در این فصل بیان مینمایم و پیش از شروع در مطلب شرح
این الفاظ مبهمه گوئیم سهو آنست که بیقین داند چیزی را زیاد یا کم کرده شک آنست که خاطر
متردد باشد در میان دو چیز یا بیشتر بحیثیتی که هیچ کدام را بر دیگری ترجیح نتواند داد
و ظن آنست که بعضی را رجحان دهد و گمانش بآن بیشتر باشد اما یقین نداند و ظن
در جمیع احکام که مذکور خواهد شد حکم یقین دارد باین معنی که هر جا یقین داشته باشد
چه باید کرد اگر ظن داشته باشد همان کند چون این معنی دانستی بدانکه سهو و شک در نماز
یا متعلق است

یا متعلق است بعدد رکعات یا باجزای نماز اما اگر در عدد رکعات باشد پس اگر یک رکعت
یا زیاده از نماز نقصان کند خواه دو رکعتی و سه رکعتی باشد یا بیشتر اگر رو را از قبله
نگردانیده باشد همان چه نقصان کرده باشد بجا آورد تا نمازش تمام شود و اگر چه فاصله
بسیار شده باشد و اگر حرف زده باشد و یا حدثی کرده باشد اما حرف زده باشد
سجدهٔ سهو کند و اگر حدث کرده باشد وضو بسازد و اگر رو از قبله گردانیده باشد احتیاط است
که نماز را اعاده کرده باشد و اگر یک رکعت یا بیشتر در نماز یقین داند که زیاده شده هر نماز باشد
پس اگر در یک رکعتی که سلام بایست داد و تشهد خوانده باشد نمازش تمام است و چیزی بر او
لازم نباشد و این زیادتی اگر یک رکعت باشد اگر خواهد یک رکعت دیگر بآن ضم کند
تا نافله شود و اگر در آن رکعت تشهد نخوانده باشد بلکه زیادتی را باصل نماز متصل کرده
باشد نماز را اعاده کند و اگر نداند که تشهد خوانده یا نه بنشیند و تشهد و سلام بگوید
بعد از آن دو رکعت نشسته بگذارد و بآن رکعت زاید اضافه کند تا نافله شود و اهم این
شقوق در صورتیست که سهو در اتمام شدن رکعت زایدی خاطر رسد احتیاط این است
که بهمین تفصیل عمل نماید و اگر بعد از رکوع یا پیش از آن بخاطر رسد سلام دهد و احتیاط
سجدهٔ سهو است و اگر شک کند که نماز کم و زیاد شده و هیچ کدام را یقین نداند کلام
دهد و سجدهٔ سهو کند و اگر نماز دو رکعتی خواه صبح خواه سفر و خواه نماز جمعه و همچنین در نماز شام
و همچنین در نماز چهار رکعتی دو رکعت اول شک کند بحیثیتی که یقین نداند که دو رکعت تمام
گذارده یا نه افضل و اقرب باحتیاط آنست که نماز را اعاده کند اما اگر در نماز چهار رکعتی
دو رکعت تمام یقین داند و شک کند میان دو و سه باین معنی که رکعت که تمام شده را نداند [illegible]

یا سیم یا میان سه و چهار و یا میان دو و سه و چهار یا میان دو و چهار شک کند بنا بر چهار
گذارد و تمام کند و سلام دهد بعد از آن اگر شک در میان دو و سه و چهار بود دو رکعت ایستاده
و دو رکعت نشسته احتیاط بجا آورد و اگر سه و چهار بود یک رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته و اگر
میان دو و سه و چهار بود دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته پس اگر نماز تمام بود رکعتهای دوباره
نافله حساب خواهد شد و اگر کم بود احتیاط درست خواهد شد و در تمام احتیاط تکبیرة الاحرام
بگوید و الحمد تنها بخواند و در هیچ کدام از این شقوق سجده سهو نباید کرد و اگر شک سهو در افعال
نماز باشد پس در هر فعلی از افعال که سهو یا شک کند و محل آن نگذشته باشد آن فعل را بجا بیاورد
و اگر بعد از آن بخاطر رسد که آن فعل را کرده است این زیادتی ضرر نکند و هیچ جبر لازم نباشد
و محل تکبیر احرام تا وقتی است که شروع در قرائت و قنوت تا وقتی است که برای رکوع دستها
بزانو رسد اگر هنوز دست نرسیده باشد اگر چه خم شده باشد محل باقی بود در رکوع تا آنکه بحال
سجود برود اگر چه هنوز سر او بسجده نرسیده باشد محل سجود و تشهد در سهو تا آنکه در
رکعت دیگر برکوع رود و اگر چه قرائت و قنوت کرده باشد و در شک تا آنکه راست بایستاد
اگر چه شروع بقرائت نکرده باشد و اگر چه فعل گذشته باشد و شک کند اعتبار ندارد و همچنان که
است نماز را تمام کند و اگر بعد از آن چیزی بخاطر آید حکم سهو دارد چنان که بیان میشود
اما اگر سهو کرده باشد و بعد از گذشتن بیادش آید پس اگر در سهو در نیت یا تکبیر احرام
یا رکوع در دو سجده با هم در یک رکعت کند نماز را اعاده کند و اگر در قرائت حمد یا سوره
یا هر دو باشد و بعد از رکوع بخاطر آید نماز صحیح است و تلافی ندارد و اگر بعد از سوره
پیش از رکوع بیاد آید که حمد را نخوانده بخواند و ظاهر آنست که بعد از آن سوره را اعاده کند
ولاکلمه

اگر کلمه یا آیه را از سوره فراموش کند پس اگر خواهد هر قدر خوانده اکتفا نماید و اگر خواهد آنرا
که فراموش کرده بگذارد و تتمه را تمام کند و اگر خواهد رجوع بسوره دیگر نماید که هر سه شق صحیح خواهد
بود و اگر قنوت را فراموش کند بعد از رکوع بخواند و در رکوع را اعاده نباید کرد و اگر بعد از نماز
بخاطر رسد اگر چه از جای خود برخاسته و رفته باشد هر جا بخاطر رسد رو بقبله نموده
قنوت بخواند و اگر در رکعتی یک سجده را سهوا سهو نماید و محلش گذشته آن سجده را
قضا کند و اگر تشهد را سهو کند در رکعت دویم بعد از نماز سجده سهو کند ظاهر احادیث
آنست که همین تشهدی که در سجده خوانده میشود کافی میباشد و محتاج بقضای تشهد دیگر
نیست اگر چه اکثر علما قضا را واجب دانسته اند و اگر تشهد رکعت آخر را سهو کند در همان
مکان اگر نزدیک باشد و اگر نه در مکانی پاک هر جا باشد نشسته باشد تشهد بخواند
و در این صورت سجده سهو نباید کرد و اگر در اثنای نماز سهوا کلام غیر ذکر و دعا بگوید
سجده سهو کند اما در سایر اعمال نماز مثل رکوع و سجود و سلام و غیر آن سهوی شود حکمی ندارد
و نماز صحیح بود و در روایت دیگر آمده هر زیادتی و نقصانی که در نماز شود مثل نشستن در جای برخاستن
و قرائت کردن و غیر آن سجده سهو کند و این روایات اگر چه ضعیف است اما چون
صریح معارضی ندارد و بآن عمل باید قصوری ندارد و آنکه در میان فقها مشهور گشته که زیاده
و نقصان در رکن سهوا و عمدا مبطل نماز است موجب اعاده اصلش در احادیث
و اخبار اهل بیت علیهم السلام معلوم نیست بلکه حقیقت آن بر وجه موافقت اخبار و رعایت
بنحوی است که بتفصیل مذکور شد والله اعلم بالصواب و اگر مسافر عمدا نماز را اتمام کند
اعاده کند خواه وقت باقی باشد خواه نه و اگر سهوا اتمام کند پس اگر وقت باقی باشد اعاده کند

و اگر گذشته باشد صحیح باشد و در نوافل رکعت احتیاط نباشد و همچنین کسی که شک کند
بسیار التفات بآن نکند و آنچه را شک کند درست حساب کند اگر چه وقت باقی باشد
مروی است که شک از شیطان است شیطان خبیث را بخود راه مدهید و بوسوسه خود عادت
مدهید که هر چند بیشتر اطاعتش کنید او بیشتر جرات کند بوسوسه شما و چون چند گاه اطاعتش
نکنید دست از شما بر میدارد و کسی از بسیاری شک که بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام
آه و ناله کرد حضرت فرمودند چون داخل نماز شوی بانگشت شهادت دست راست ران چپ و
فشار بده و بگو بسم الله و بالله توکلت علی الله اعوذ بالله السمیع
العلیم من الشیطان الرجیم از تو دور شود چنان که فارغ شد و کسی دیگر که بخدمت آنحضرت
شکایت کرد بسیار شک در نماز مغرب فرمودند بعد از حمد قل هو الله و قل یا ایها الکافرون بخوان
چنان کرد نجات یافت و کیفیت سجده سهو آن است که دو سجده کند و در هر سجده بگوید بسم الله
و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد و یا بگوید بسم الله و بالله السلام علیک
ایها النبی و رحمة الله و برکاته و بعد از هر دو سجده تشهد خفیف بطریق
بخواند اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله
اللهم صل علی محمد و آل محمد و سلام دهد و اگر امام باشد چون سجده بگذارد بر
دارد تکبیر بگوید تا ماموم بداند که سهو کرده و وقت سجده سهو بعد از نماز است بی فاصله پیش از
حرف زدن و اگر فراموش کند هر گاه بخاطر رسد و اما احکام حوادث در نماز اگر در اثنای
نماز حدثی صادر شود که وضو را باطل کند یا خون از دماغ یا عضو دیگر آید باقی آید پس اگر آنکه
عمداً حرف زند یا تمام بدن رو از قبله بگرداند تواند وضو یا ازاله نجاست کند و تتمه نماز هر چه مانده
تمام کند

تمام کند و اگر عمداً حرف زند یا رو از قبله بگرداند نماز را از سر گیرد و اگر در این عرض سهواً
حرف زند سجده سهو کند و از سر نباید گرفت و اگر خون کم باشد و جاری نشود و محتاج شستن
نباشد بلکه بخرقه یا چیز دیگر پاک کند و الحمد لله   در ذکر بعضی دیگر از نمازهای
مفروضه و مسنونه و بر اهل کسوف و خسوف و زلزله و آیات مثل بادهای عظیم و ظلمتهای شدید
و غیر آن که سبب خوف اکثر مردم شود و این نماز دو رکعت است بیک تشهد و سلام در
هر رکعتی پنج رکوع و دو سجده و در هر رکوع یک قنوت در مجموع ده رکوع و پنج قنوت باشد
و قرائت آن بدو وجه جایز است یکی آنکه در هر رکعت یک الحمد بخواند و بعد از آن یک سوره
را پنج حصه کند و پیش از هر رکوع یک حصه را بخواند که در مجموع نماز دو الحمد و دو سوره خوانده شود
وجه دویم آنکه پیش از هر رکوع یک حمد و یک سوره تمام خوانده شود که مجموع ده الحمد و ده سوره
تمام خوانده شود و هر بار که برکوع رود و سر بر میدارد تکبیر بعد از رکوع سمع الله لمن
حمده نباید گفت و چون بسجده رود تکبیر بگوید مستحب است این نماز در زیر آسمان
گذاردن که سقف نداشته باشد و بجماعت گذاردن و طول دادن بقدر آنکه آیه
منجلی شود و اگر زودتر از نماز فارغ شود مستحب است اعاده کردن تا آنکه منجلی شود و مستحب است
که قدر رکوع و سجود و قرائت همه با هم مساوی باشد و کسوف و خسوف اگر نماز کرده باشند
تا آنکه منجلی شود پس اگر تمام قرص را گرفته باشد و خبر دار باشد و در نماز تقصیر کرده باشد بکفاره
آن غسل کند و نماز را قضا کند و اگر خبر نداشته باشد نماز را قضا کند و غسل نباید کرد اما اگر
بعضی قرص را گرفته باشد و تقصیر کند قضا کند و اگر خبر نداشته باشد قضا ندارد
و اگر این نماز بوقت نماز فریضه واقع شود اگر اول وقت فضیلت فریضه تنگ نشده باشد

اول این نماز را بگذارد و بعد از آن هر چه از آن نماز مانده تمام کند و از سر باید گرفت چنین
از برای زلزله گذارد و بعد از نماز سجده کند و در سجده بگوید یا من یمسک السموات
والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما
غفورا یا من یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه امسک عنا
السوء انک علی کل شیء قدیر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هر کس این
نماز را بگذارد چنان است که از مادر متولد شده باشد و حوایجش برآورده شود و آن
چهار رکعت است در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه قل هو الله احد و مستحب است تعقیب این
نماز این تسبیح که مروی است از همان حضرت علیه السلام سبحان من لا تبید معالمه
سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره
سبحان من لا یشارکه احد فی امره سبحان من لا اله غیره
سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدته
این نماز را هر وقت خواهد توان کرد و افضل اوقاتش شب و روز جمعه است یا ماه مبارک
رمضان که حسنات مضاعف باشد حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها است
که هر کس این نماز را بگذارد و میان او و خدا هیچ گناه نماند الا که آمرزیده شود و آن
دو رکعت است در رکعت اول بعد از الحمد صد مرتبه انا انزلناه و در دویم صد مرتبه قل
هو الله احد بخواند بعد از نماز تسبیح آن حضرت بگوید جعفر طیار و این نماز است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله بجعفر ابن ابی طالب عطا فرمود که این نماز را در روز یا در شب
یا هر هفته یا هر ماهی یا هر سالی یا در همه عمر یک بار بگذارد هر گناهی که در این میانه کرده باشی همه
آمرزیده شود و اگر چه مثل ریگ بیابان عالج بوده باشد یا مثل کف دریا و کوههای دنیا و از
ده هزار

ده هزار حسنه برایش بنویسند که سبک تر آن مثل کوه احد باشد و آن چهار رکعت است
بدو سلام در رکعت اول بعد از حمد اذا زلزلت و در دویم اذا جاء نصر الله و در سیم
انا انزلناه و در چهارم قل هو الله در روایت دیگر در دویم والعادیات و سیم اذا جاء و
چهارم قل هو الله در هر رکعت بعد از قرائت پانزده مرتبه تسبیح اربعه و در رکوع
و بعد از رکوع ایستاده و در سجود و بعد از سجود و در سجده دویم ده مرتبه ده مرتبه
که در هر رکعت هفتاد و پنج مرتبه تسبیح اربعه میشود و در کل نماز سیصد مرتبه میشود و اگر خواهد این
نماز را بگذارد و بعنوان نوافل شب به حساب کند و اگر دو رکعت گذارد و شتابی داشته
باشد یا حاجتی باو کرد رود و هر برود و چون خلاص شود از آنکار دو رکعت دیگر را بگذارد و اگر
تو[...] داشته یا امکان نداشته نماز را بی تسبیحات بجا آورد و بعد از آن تسبیحات را
بجا آورد و صحیح خواهد بود و مستحب است که در سجده آخر این نماز بعد از تسبیحات
بگوید سبحان من لبس العز والوقار سبحان من تعطف بالمجد
وتکرم به سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی
کل شیء علمه سبحان ذی المن والنعم سبحان ذی القدرة
والفضل سبحان ذی القوة والطول اللهم انی اسئلک بمعاقد
العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم
وکلماتک التامات التی تمت صدقا وعدلا ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تفعل بی ما انت اهله هر حاجت که خواهد
از دنیا و آخرت بخواهد و مستحب است بعد از نماز خواندن این دعا سبحان

من لبس العز وتردّى به سبحان من تعطّف بالمجد وتكرّم
به سبحان من لا ينبغي التسبيح إلا له سبحان من أحصى كل شيء
بعلمه وخلقه بقدرته سبحان ذي المنّ والنعم سبحان
ذي القدرة والكرم سبحان ذي العزة والفضل سبحان
ذي القوة والطول اللهم إني أسألك بمعاقد العز من عرشك
ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الأعظم وكلماتك التامات
التي تمّت صدقاً وعدلاً أن تصلّي على محمد وآل محمد
الطيبين وأن تجمع لي خير الدنيا والآخرة بعد عمر طويل
اللهم أنت الحي القيوم العلي العظيم الخالق الرزاق المحيي المميت
البدئ البديع لك الكرم ولك المجد ولك المنّ ولك
الجود ولك الأمر وحدك لا شريك لك يا واحد يا
أحد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً
أحد يا أهل التقوى ويا أهل المغفرة يا أرحم الراحمين
يا عفوّ يا غفور ويا ودود يا شكور أنت أبرّ بي من أبي
وأمي ومن الناس أجمعين يا كريم يا جواد اللهم إني صليت
هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك
ورجاء رفدك وجائزتك وعظيم عفوك وقديم
غفرانك اللهم صلّ على محمد وآل محمد وارفعها لي في

عليين

عليين وتقبلها مني واجعل نائلك ومعروفك ورجاء
ما أرجوا منك فكاك رقبتي من النار والفوز بالجنة وما
جمعت فيهما من أنواع النعيم ومن حسن الحور العين واجعل
جائزتي منك العتق من النار وغفران ذنوبي وذنوب والديّ
وما ولدا وجميع إخواني وأخواتي المؤمنين والمؤمنات و
المسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأموات وأن تستجيب
دعائي وترحم صرختي وندائي ولا تردني خائباً خاسراً
واقلبني مفلحاً منجحاً مرحوماً مستجاباً دعائي مغفوراً
لي يا أرحم الراحمين يا عظيم يا عظيم قد عظم الذنب من
من عبدك فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة
يا باسط اليدين بالرحمة يا نفاحاً بالخيرات يا معطي المسؤلات
يا فكاك الرقاب من النار صلّ على محمد وآل محمد وأعطني سؤلي
واستجب دعائي وارحم صرختي وتضرعي وندائي واقض
لي حوائجي كلها لديني ودنياي وآخرتي ما ذكرت
منها وما لم أذكر واجعل لي في ذلك الخيرة ولا تردني خائباً
خاسراً واقلبني مفلحاً منجحاً مستجاباً لي دعائي مغفوراً
لي مرحوماً يا أرحم الراحمين يا محمد يا أبا القاسم يا رسول الله
يا علي يا أبا الحسن يا أمير المؤمنين أنا عبدكما ومولاكما

غیر مستنکف ولا مستکبر بل خاضع ذلیل عبد مقر متمسك
بحبلکما معتصم من ذنوبی بولایتکما اتقرب الی الله تعالی بکما و
اتوسل الی الله بکما واقدمکما بین یدی حوائجی الی الله
عز وجل فاشفعا لی فی فکاك رقبتی من النار وغفران ذنوبی
واجابة دعائی اللهم فصل علی محمد وآله وتقبل دعائی یا ارحم
الراحمین نمازیکه حضرت رسول صلی الله علیه وآله باعرابی عطا فرموده فرمودند
که هر مرد مومن وزن مومنه این نماز را در روز جمعه بگذارد من برای او ضامن بهشت
میشوم و هنوز از جای خود برنخواسته باشد که گناهان او و والدین او همه آمرزیده
شود آن نماز دو رکعت به یک سلام چون روز بلند شود در رکعت اول بعد از حمد
قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه و در رکعت دویم قل اعوذ برب الناس هفت مرتبه
و بعد از سلام هفت مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از آن هشت رکعت بدو سلام بطریق
نماز ظهر و عصر در هر رکعت بعد از حمد قل هو الله احد بیست و پنج مرتبه و چون از نماز فارغ
شود هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله رب العرش الکریم ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم نماز غفیله است و آن دو رکعت
در ساعت غفلت نماز شام و خفتن مروی است که در این ساعت دو رکعت نماز
را ترک نکند که مورث دار کرامت است در رکعت اول بعد از حمد آیه وذا النون
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات
ان لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین فاستجبنا
له ونجیناه

له ونجیناه من الغم وکذلك ننجی المومنین و در رکعت دویم این آیه
بخواند وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر
والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض
ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین و در قنوت این دعا بخواند
اللهم انی اسئلك بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الا انت ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان تجمع لی خیر الدنیا والآخرة اگر خواهد بجای ان هر دو
بعد از صلوة هر حاجت که خواهد بخواهد اللهم انت ولی نعمتی والقادر علی
طلبتی وتعلم حاجتی فاسئلك ان تصلی علی محمد وآل محمد
صلواتك علیهم لما قضیتها هفتم نماز وصیت است مروی است که حضرت
صلی الله علیه وآله فرموده وصیت میکنم شما را به دو رکعت نماز میان شام و خفتن در رکعت اول
بعد از الحمد اذا زلزلت سیزده بار و در دویم بعد از الحمد قل هو الله پانزده بار هر کس این نماز
بخواند باین ترتیب در سالی یکمرتبه از جمله محسنین نوشته شود و اگر ماهی یکمرتبه بگذارد از جمله
متقین و اگر در هفته یکمرتبه بگذارد از مخلصین و اگر هر شب بگذارد در بهشت با من شریک باشد
و ثواب او را بجز حق تعالی کسی نمیداند هشتم نماز والدین هر کس میان شام و خفتن در شب پنجشنبه
دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت بعد از الحمد آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله
و معوذتین هر یکی را پنج مرتبه بخواند بعد از نماز پانزده مرتبه استغفار کند و ثوابش را بوالدین
خود هدیه کند حق ایشان را بجا آورده است نهم هر که وقت خوابیدن وضو کند چنان که
تا وقت بیدار شدن در عبادت حق تعالی باشد پس در اثنای شب برخیزد ذکر خدا

صلواتك علی محمد واهل بیت محمد

کند حفظ ایشان هم آمرزیده شود و اگر شب جمعه دو رکعت نماز بجای آورد و حمد و ثنای خدا و صلوة
بر سید پیغمبر و آلش بسیج چیز از خدا سوال نکند مگر آنکه عطا کند بعینه همان را یا بهتر و بالاتر ۱۰
از آن   هر کس دو رکعت نماز کند در هر وقت که باشد در هر رکعت بعد از حمد شصت مرتبه
قل هو الله احد بخواند میان او و خدا هیچ گناه باقی نماند مگر آنکه تمام آمرزیده شود و در روایت
دیگر قل هو الله یکصد مرتبه وارد شده بعضی دیگر از نمازهای مخصوصه در جای خود ان شاء الله تعالی
مذکور شود   در فضایل قرآن و آداب آن مرویست از اهل بیت طاهرین
صلوات الله علیهم که چون روز قیامت خلایق صف صف بسته باشند قرآن
به بهترین صورتی در محشر آید چون بر صف مسلمانان بگذرد او را ببینند گویند این مرد
بصورت ما میشناسیم که از جمله مسلمانان است اما ظاهرا عبادت بسیار کرده است
که نورانی محشور گردیده است بر صف شهدا گذرد گویند ما این شخص را میشناسیم
که از شهداست اما مصیبتش عظیم‌تر بوده است که نور او از نور شهدا بیشتر است همچنین بر صف
انبیا گذرد و مثل این سخن گویند پس همه صفوف مجتمع گشته گذرد بر حضرت رسالت پناه صلعم
آید گویند که این کیست که ما او را ندیده‌ایم حالا نشناسیم آنحضرت فرماید این حجت
خداست بر بندگان او و داد بر حضرت سلام کند و داخل صفوف ملائکه گردد بصورت
ملک مقرب ملائکه نیز چنین گویند پس از آنجا گذشته بعرش رسیده بسجده درآید پس
حق تعالی فرماید بزبانی که ای حجت من وای کلام ناطق صادق من سر
بردار و هر چه خواهی سوال کن و هر که را خواهی شفاعت نما که هر چه خواهی شفاعت مقبول است
پس سر برداشته گوید خدایا بندگان تو بعضی مرا محافظت نمودند و بعضی رعایت حرمت
داشتند

داشته‌اند و حق مرا رعایت کردند و بعضی حرمت مرا نگاه داشته‌اند و مرا ضایع
گذاشتند پس حق تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که هر کس تو از او راضی باشی جزای خیر
تو باو رسانم و هر کس که تو از او راضی نباشی انتقام تو از او بکشم پس بصورت جوانی
که اهل محشر او را نشناسند به پیش روی آید و گوید منم آنکه شما بشغل تلاوت
من شب‌ها بجای خواب بیداری کشیده‌اید و روزها بعوض آب شربت تشنگی
کشیده‌اید در دنیا بسبب من مشقت‌ها دیده‌اید پس ایشان را برداشته پیش حق تعالی برد و گوید
خدایا اینان بندگان تواند و تو ایشان را میشناسی و بهتر میدانی که در محافظت و
رعایت من چها کشیده‌اند پس فرماید تا ایشان را به بهشت برند و حله‌های بهشت بپوشانند
و تاجهای کرامت بر سر ایشان نهند پس بقرآن فرمایند و گویند که این اکرام با دوستان
تو کردیم راضی گشتی گوید خدایا مرا با ایشان بیشتر توقع احسانست حق تعالی فرماید بعزت
و جلال خودم که احسان بسیار با این کنم تا تو راضی شوی پس هر یک از ایشان را بدست
راستش را ممتلو امان عنوان و دست چپش مملو رحمت و خلود در جنان گردانند و والدینش
را بازای تعلیم قرآن که بفرزند خود کرده‌اند حله از بهشت بپوشانند و هم از ایشان مرویست
که هر کس در نماز نشسته قرآن بخواند بعدد هر حرف برایش پنجاه حسنه بنویسند و پنجاه
سیئه محو فرمایند و پنجاه درجه بلند گردانند و اگر ایستاده بخواند بعدد هر حرف
صد درجه بلند گردانند و صد حسنه نویسند و همان قدر سیئه محو فرمایند و اگر خود
تلاوت نکند بتلاوت دیگران گوش دهد بهر حرف یک حسنه عطا کنند و یک درجه بلند
گردانند و چون قرآن را ختم کند او را دعا مستجاب شود و اگر ختم در روز کند

یا شب واگر شب واقع شود تا روز ملائکه بر او صلوة فرستند و از حضرت صادق علیه السلام

پرسیدند که این فضیلت برای هر قرآن خوان است حضرت فرمود که حق تعالی کریم است
هر کس آنچه داند ختم کند چنان است که ختم قرآن کرده است و این همه فضل با و عطا فرماید هر کس
در مکه معظمه از جمعه تا جمعه دیگر کمتر باید بیشتر ختم قرآن کند و ختم در روز جمعه واقع شود از اول
روز جمعه دنیا تا آخر جمعه آن برای او حسنه نویسند و همچنین اگر روز دیگر واقع شود در
مثل آن تا مثل آن و هم از ایشان مرویست که هر کس در شب ده آیه بخواند او را
از جمله غافلین ننویسند و اگر پنجاه آیه بخواند او را از ذاکرین نویسند و اگر صد آیه بخواند از قانتین
نویسند و اگر دویست آیه خواند از خاشعین نویسند و اگر سیصد آیه خواند از کاربرین
نویسند و اگر پانصد آیه خواند از عابدین نویسند و اگر هزار آیه بخواند یک قنطار ثواب
برایش نویسند و قنطار پانصد هزار مثقال است و یک قنطار چهار قیراط که کوچک
ترین آن بوزن کوه احد است و بزرگترین آن از زمین تا آسمان و کسیکه قرآن
مشقت تعلیم کرد ثوابش دو برابر است و در خانهٔ قرآن خوانند و ذکر خدا کنند ملائکه
حاضر شوند و شیاطین دور شوند و برکت زیاده گردد و آن خانه برای اهل آسمان
نورانی باشد چنانچه ستاره برای اهل زمین و اگر بعکس آن باشد ملائکه دور و شیاطین
داخل شوند و برکت نقصان یابد سه چیز از زمین خود در حق تعالی شکایت کنند
اول مسجدیکه در آن نماز نگذارند دویم عالمی از او دوری کنند و قدرش را ندانند
و قرآنی که در خانه باشد و او را تلاوت نکنند تا او را غبار گیرد این بود بعضی از فضایل
بی نهایت که روایت شده دیگر حوصلهٔ این رساله ذکر گنجایش آن ندارد و لیکن هیچ از
همه محروم

همه محروم نتوان گردید بعضی از آنها مشرف شویم و گوییم هر مؤمنی که بسم الله
الرحمن الرحیم بگوید بعدد هر حرف او را حسنه عطا فرماید که هر حسنه بهتر باشد
از تمام دنیا و مافیها و حق تعالی کار عالیش را اتمام کرداند اگر گوش کند دیگری بخواند ثواب
خواننده داشته باشد الحمد را هر کس از روی اعتقاد و اقرار بخواند حق تعالی نعمتهای
دنیا و آخرت را بر او تمام کند و نعمتهای آخرت را در دنیا بر او اضافه و رحمتهای او را فرو
دعطیها کامل او احسان فرماید و بلاهای آخرت با ضافهٔ بلاهای دنیا دفع فرماید و در روز
قیامت حسابش همه آسان کند و گناهان او محو شود در دنیا که با آخرت رسند
و ثوابی در دنیا با و عطا فرماید که همه خلایق با و حسد ورزند و رشک برند و در کارهای
دنیا معین و یاور او باشد و از شدت عذاب معاینه او را الفت و یاری دهد و او را سو
بر طریقهٔ اهل بیت هدایت کند و چنان است که دو ثلث قرآن را خوانده باشد و بهر مؤمن و مؤمنه
صدقه داده باشد و بقره و آل عمران هر که بخواند مانند دو پارهٔ ابر در روز قیامت بر بالای سر او
سایه باشد تا حرارت آفتاب سوزان و باز دارد پس هر که بخواند گناهانش آمرزیده شود
چنان است که ختم قرآن کرده باشد و اگر روز بخواند تا شب مرزوق باشد و اگر شب پیش
از آنکه بخوابد خوانده باشد هزار ملک برا و موکل باشند که از شر شیاطین او را حفظ
کنند و اگر در آن شب بمیرد کسی از ملک در غسلش حاضر باشد و برایش استغفار کنند
و تا قبر مشایعتش کنند و بعد از آن در قبر ساکن گردانند و عبادت خدا کنند و ثوابش
برای او نوشته شود و تا چشم کار کند قبرش وسیع گردد و از فشار قبر ایمن
باشد و تا روز قیامت نوری از قبرش تا اطراف آسمان درخشان باشد و چون

از قبر بیرون آید ملائکه با او شفاعت نمایند و مژدهٔ خیر و رحمت بر او دهند تا از سر آن
صراط بگذرد و پس او را در پیش درهای بهشت باز دارند که هیچ کس از او مجدتر و بزرگتر نباشد انبیا و
ملائکهٔ مقربین و ائمهٔ طاهرین علیهم السلام با او باشند و از هر خوف و حزن ایمن باشد
پس حق تعالی فرماید که ای بندهٔ من هر چه خواهی سؤال کن تا ترا عطا نمایم هر کرا خواهی در این روز
شفاعت کن تا بتو بخشم و از هیچ خطاهات نپرسند تا آنکه همه گویند سبحان الله این
شخص در دنیا هیچ گناه نکرده بود و پس از جملهٔ رفقای حضرت محمد صلی الله علیه و آله باشد و
روایت دیگر آمده که هر که در همه عمر یکمرتبه بخواند این سوره بعدد مخلوقی که در دنیاست برای او
هزار هزار حسنه بنویسند و همه سیئات او را محو و باطل فرمایند و از جنون و جذام و آلام و اسقام
ایمن باشد و سکرات موت بر او آسان شود و حق تعالی خود متوجه قبض روحش گردد و وسعت
در معاشش دهد و در روز قیامت خوشحال و خندان باشد و آنقدر ثواب باو دهند که او راضی
ص والقرآن هر که بخواند خدا تعالی بوزن هر کوهی که مسخر حضرت داود کرده بود حسنات
عطا فرماید هر که شب جمعه بخواند آنقدر از خیر دنیا و آخرت دهد که بهیچ کس نداده باشد
مگر بنبی مرسل و ملک مقرب هر کرا خواهد از اهل بیت و یارانش شفاعتش را باو بخشد که
بهشت ببرد **اذا وقعت الواقعه** سورهٔ حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است هر که شب جمعه
بخواند از رفقای آنحضرت باشد و از آفات و مکاره دنیا و آخرت در امان حق تعالی باشد
هر کس شب جمعه بخواند پیش از آنکه بخوابد در روز قیامت رویش نورانی و درخشان باشد
سورة الصف هر که بخواند حضرت عیسی ع او را دعا کند و برایش استغفار نماید مادام که در دنیا
باشد و روز قیامت رفیق آنحضرت باشد و هر که در فرایض و نوافل باین سوره مداومت کند

در روز

در روز قیامت در صف انبیای مرسلین باشد **سورهٔ هل اتی** هر که بخواند جزایش بهشت
باشد و حریرهای بهشت باو پوشانند و اگر در نماز صبح روز دوشنبه بخواند از شر آن روز ایمن باشد
و اگر صبح پنجشنبه بخواند در خدمت رسول ص و آله باشد و هشتصد باکره و چهار هزار ثیبه و حور
العین باو عطا فرماید **سورهٔ جمعه المنافقین** هر که بخواند بعدد هر حرف که بر حضرت ابراهیم و حضرت موسی ع
و حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل گشته ده حسنه باو عطا کند و هر که در نافله و فریضه بخواند
روز قیامت گویند از هر در که خواهی داخل بهشت شو حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده که بر شیعهٔ ما واجب و لازم است که در شب جمعه نماز بسورهٔ جمعه و سبح اسم و ظهر جمعه
بسورهٔ جمعه و منافقین گذارند چنان است که نماز با رسول ص گذارده باشد و جزایش رضای خدای تعالی
باشد **سورة الحاقه** برای معاندهٔ جناب امیر المؤمنین و معاویه لعنة الله علیه نازل گردیده هر که
در فرایض و نوافل بسیار بخواند در دنیا با ایمان درست و یقین شدید از دنیا بیرون
رود **تبارک الذی** هر که بخواند از عذاب قبر ایمن گردد و اگر نماز خفتن بخواند در امان حق تعالی
باشد تا صبح قیامت داخل بهشت شود **والفجر** سورهٔ حضرت امام حسین است که در فرایض
و نوافل بخواند با آنحضرت در یکدرجه باشد در بهشت هر که ده شب ذوالحجه بخواند از گناهانش
آمرزیده شود **انا انزلناه** سورهٔ اهل بیت طاهرین است هر که بخواند چنان است که ماه مبارک
رمضان را روزه گرفته باشد و لیلة القدر را احیا داشته باشد و هر که یکمرتبه آهسته
بخواند چنان است که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد هر که یکمرتبه بلند بخواند چنان است
که در راه خدا شمشیر از غلاف کشیده باشد و اگر ده مرتبه بخواند گویا هرگز [illegible] باشد
و اگر در نماز [illegible] بخواند منادی ندا کند که اعمال از سر گیر که گناهان همه آمرزیده شد

سورهٔ جمعه هر کس [illegible] بخواند بعدد [illegible] ایشان را [illegible] ده حسنه عطا کند

وفضایل این سوره زیاده از آنست که در حوصلهٔ این رساله گنجایش آن داشته باشد
و قدری از فضایل آن قبل ازین مذکور گردید و برخی نیز در جای خود ان شاء الله تعالی بیاید سوره والتین
هر که بخواند چنانی باشد بعدد هر که این سوره را خوانده اجر شهدای بدر و احد یابد و اگر در
فرایض و نوافل بخواند در هر جای بهشت که خواهد در منزل نماید سوره الهیکم التکاثر سوره
حضرت امیر المؤمنین است هر که بخواند آن مداومت کند در بهشت از رفقای آنحضرت
خواهد بود و در پناه او باشد سوره جحد هر که بخواند چنانست که ده ختم از قرآن خوانده باشد
و حق تعالی هر نعمتی که در دنیا باو داده در آخرت ازو محاسبه نفرماید و اگر در فرض بخواند جمیع
گناه شسته و اشته باشد و اگر در نافله بخواند چهار صف ملایکه باو اقتدا کنند و اجر صد شهید داشته
باشد اذا جاء نصر من الله هر که بخواند چنانست که ربع قرآن را خوانده و شیاطین ازو دور
شوند و از شرک بری شود و از فزع اکبر ایمن باشد جحد و توحید هر که سوره جحد و توحید هر که در فریضه
از فرایض بخواند گناهان او و والدین او و اولاد او همه آمرزیده شود و اگر شقی باشند از دیوان
اشقیا محو کرده و در دفتر سعدا ثبت کرده و هر که یکبار بخواند چنانست که ثلث قرآن خوانده
باشد و بعدد هر مؤمنی ده حسنه عطا کند و چون سه مرتبه بخواند چنانست که ختم قرآن کرده باشد
و هر که یکبار بخواند خدای تعالی برکت و رحمت او زیاد و اگر ده مرتبه بخواند برای اهل بیت او رحمت
کند و اگر دوازده مرتبه بخواند دوازده قصر باو در بهشت عطا کند و اگر سه مرتبه بخواند خدای
تعالی بر خویشان و همسایگان او رحمت کند و چون رسول الله بر سعد معاذ نماز گذارد
دید که هفتاد هزار ملک که جبرئیل با ایشان بود بر سعد نماز کردند حضرت از جبرئیل پرسید
که سعد بچه سبب باین کرامت رسید گفت بسبب آنکه در جمیع احوال از نشستن و برخاستن
والله

وامدن و رفتن و سواره و پیاده قل هو الله میخواند اذا جاء هر که خوانده باشد چنان است که
با رسول در فتح مکه حاضر باشد و اگر در فریضه و نافله بخواند بر همه دشمنان نصرت یابد و نور از
از قبر بیرون آید و جهنم و اهوال قیامت ایمن گردد و در دنیا بقدر خیر برای او
جمع شود که بخاطر احدی نگذشته باشد و چون روز قیامت شود بر هر چه گذرد او را مژده
میدهد تا داخل بهشت شود معوذتین هر که بخواند چنان است که جمیع کتابها که از حضرت
آدم تا خاتم نازل گشته خوانده باشد سوره همزه هر که بخواند چنان است خدای تعالی
هزار گره در دنیا که سهلترین آن فقر و فاقه باشد ازو بردارد و هزار گره
در آخرت که سهلترین آن عذاب قبر باشد ازو دفع کند و این مجملی از فضایل
بعضی از سوره و آیات قرآن عظیم و بسیاری نیز در مباحث سابق گذشت و بعضی نیز
در مناسب خود ان شاء الله بیاید در آداب تلاوت قرآن بعضی دیگر از احکام متعلق
بان است چون کسی آیه یا سورهٔ از قرآن برای تلاوت بیاموزد باید مداومت نماید
تا فراموش نشود که اگر فراموش شود آن سورهٔ قرآن یا آن آیه بصورت جمیل در درجه
رفیع باو نمایند و باو سلام کند پس او گوید چه خوش صورتی تو تو از کیستی و چیستی کاش
ازین میشدی او گوید من فلان سوره ام و آیه ام که مرا فراموش میکردی تا باین
درجات میرسانیدم و مخفی نماناد که ظاهر این اخبار نت از یاد کردن حکمش یا لفظش
و یا بخاطر گذرانیدنش است معنی در دست صحیح میباشد و درجاتش در وقت عظمت و
هر مختلف و هر کدام که در جه اش رفیع تر حسرت بیافتنش عظیم است و هم از ایشان
مرویست که مؤمنان را نزادارت که هر از خرمن مرمنح بعد از التعقیب در دی از

قرآن تلاوت کند اقلاً بنجاه آیه افضل اعمال آنست که کسی همیشه قرآن خواند چون ختم
کند باز از سر گیرد و مستحبست که مدت ختم قرآن کمتر از یکماه نباشد تا بتدبر و تفکر تواند خواند
اما در ماه رمضان در شش روز و سه روز با هر چه مقدور شود رخصتست و فضایل
تلاوت بکردن و حسن صوت در باب اول گذشت قرآن را بشتاب و تعجیل
نشاید خواند که مقصود نیابد آخر سوره و جز باشد بلکه بترتیل و تانی و تفکر و تامل باید تلاوت
نمود مرویست که آیات قرآن خزاین جواهر معرفت و حکمتست هر خزینه را که بگشایند
از جواهر آن غافل نشوید و نیز مرویست که بسا کسی که قرآن خواند و قرآن از وی بیزاری نماید
بلکه با دل آگاه و از روی خضوع و خشوع تلاوت نمایند و چون بآیه مغفرت و ذکر نعیم
جنت رسی بآن رغبت نمائی و از روی شوق بخوانی و از خدای تعالی بخواهی و چون
بآیه غضب رسی و ذکر عذاب و حساب رسی اندیشه نمائی و از آن استعاذه کنی و از
مساوی و معاصی توبه کنی و چون بمواعظ و نصایح مرور کنی موعظه و نصیحت گیری و چون بحکایات
و قصص رسی عبرت گیری و بهر آیه که رسی بر آن فیکس بگذری و اگر مقدور باشد الفاظ
قرآن را فصیح ادا کنی مرویست که قرآن را چنان بخوانید که عرب خوانند و اگر مقدور
نباشد آنچه دانید ترک نکنید مرویست که عجمان عجمی خوانند ملایکه آن را بعربی خوانند
و بالا برند بعربی و از جمله آداب آنکه با طهارت و مکان خلوت و اطمینان خاطر و
روی بقبله بدو زانو نشسته تلاوت کنند که عذاب و الدین را تخفیف دهد اگرچه
کافر باشد و نظر بخط کردن عبادتست و اگر در جای تلاوت کنند باید ساکت
شده گوش دهند و چون قرآن را برای تلاوت بدست گیرد و بگوید اللهم انی
اشهد ک

اشهد انّ هذا کتابک المنزل من عندک
علی رسولک محمّد ابن عبد الله و کلامک الناطق علی لسان
نبیّک جعلته هادیا منک الی خلقک و حبلا متصلا فیما
بینک و بین عبادک اللهم انی نشرت عهدک و کتابک
اللهم فاجعل نظری فیه عبادة و قراءتی فیه ذکرا و فکری
فیه اعتبارا و اجعلنی ممن یتعظ ببیان مواعظک فیه
و یجتنب معاصیک و لا تطبع عند قراءتی علی قلبی و لا علی
سمعی و لا تجعل علی بصری غشاوة و لا تجعل قراءتی قراءة
لا تدبّر فیها بل اجعلنی اتدبّر آیاته و احکامه اخذا بشرایع
دینک و لا تجعل نظری فیه غفلة و لا قراءتی هذرا انک
انت الرؤف الرحیم چون خواهد شروع در تلاوت کند از وساوس شیطان
و قساوت قلب و غفلت آن پناه بخدای تعالی برد بگوید اعوذ بالله السمیع
العلیم من الشیطان الرجیم و چون بآیه سجده رسد و یا از دیگری بشنود
سجده کند و در سجده بگوید لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله
ایمانا و تصدیقا لا اله الا الله عبودیة و رقا لا مستکبرا
و لا مستنکفا بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر بعد از فراغ
تلاوت بگوید اللهم انی قد قرات ما قضیته من کتابک الذی
انزلته علی نبیک الصادق صلی الله علیه و آله فلک

الحمد ربنا . اللهم اجعلني ممن يحل حلاله ويحرم
حرامه ويؤمن بمتشابهه محكمه واجعله انسا في قبري وانسا في حشري
واجعلني ممن ترقيه بكل آية درجة في اعلى عليين آمين
رب العالمين وچون ختم كند اين دعا از صحيفه كامله بخواند اللهم انك اعنتني
على ختم كتابك **باب چهارم** در فضايل ذكر و دعا و احكام متعلق بآنها و اين
مجموع انشاء الله تعالى در ده فصل بيان ميشود **فصل اول** در فضايل ذكر روايتست از
اهل بيت طاهرين عليهم السلام كه هر كس ذكر خدا بسيار كند از نفاق و از آتش جهنم ايمن
گردد و حضرت امام جعفر صادق عليه السلم فرمود دلهاي خود را رعايت كنيد و بذكر خدا زنده
بداريد و بترسيد از نقض عهد كه چون دل از ذكر خدا خالي گردد دشمن باشد نه كافر مثل
جامه كهنه و استخوان پوسيده شود پس در اين حالت اگر خدا را با آن بنده اراده خير
لايق او نباشد حق تعالى نه ايمان در دلش اندازد بكفر مرويست كه حق تعالى فرمايد كه اي بني
آدم تو در دل خود مرا ياد كن تا من در دل خود ترا ياد كنم و تو در مجالس خود مرا ياد كن تا من در
مجالس ملكوت ترا ياد كنم و خانه كه در آن ذكر خدا و تلاوت قرآن كنند بركت در
آن بسيار باشد و ملائكه نزديك و شيطان دور شوند و آن خانه براي اهل آسمان
نوراني و درخشان باشد چنانكه ستارهء آسمان براي اهل زمين و شياطين بهر دلي
آويخته باشند چون بذكر خدا مشغول شد از شيطان دور گردد و حق تعالى ميفرمايد
كه فراوانى مال گناهان را فراموش كند و ترك ذكر من قساوت قلب آورد و هر كس خدا
را در دل ياد كند ثواب آنرا بغير از خدا كسي نداند و كسيكه در ميان غافلان
مشغول

و مشغولان دنيا ذكر خدا كند خدا هزار حسنه براي او مقرر فرمايد و جاي مزد او در
قيامت بامر زنده‌اي كه بخاطر احدي خطور نكرده باشد چنانست كه در معركه جهاد همه گريخته
باشند او ثابت قدم با دشمنان خدا مقاتله كرده باشد و بهشت او را واجب
گردد و مؤمن بهر بلا مبتلا شود و كسيكه دايم بذكر خدا باشد بهيچ قسم از بلا گرفتار نشود
و هيچ جمعي در مجلس مشغول بذكر خدا نشوند مگر آنكه جمعي از ملائكه با ايشان نشسته نزديك ايشان
شوند بگريه ايشان گريه كنند و دعاي ايشان را آمين گويند و منادي از آسمان ندا
كند كه گناهان همه آمرزيده شده و اگر كسي در ميان ايشان باشد كه ذكر نكند او هم
بسبب مجالست با ايشان آمرزيده شود و حضرت موسي سؤال نمود از خدا كه آيا نزديكي
تا مناجات يا دوري كه آواز برسانم فرمود من هم نشينم با كسي كه ذكر من كند و
هم آنحضرت مناجات نمود كه فردا روزيكه هيچكس را پناه نباشد در پناه رحمت كيرا
باشد فرمود آنانكه ذكر من كنند و هم ~~آنحضرت~~ من ذكر ايشان كنم و برضاي من با هم
دوستي كنند من ايشان دوست دارم خواهم براهل زمين عذابي بفرستم چون ايشان را ياد
آورم عذاب بر گيرم و نيز مناجات نمود كه خدايا مرا در بعضي احوال شرم دارم كه ذكر تو كنم فرمود
در هيچ حالي بي ذكر من مباش كه من بذكر بنده خوشنودم بايد دانست كه ذكر بر دو
قسم است اول ذكر بدل كه بمعني خدا را بياد داشتن است و دوم بلسان داشتن و ذكر بازبان
مثل تهليلات و تسبيح و تلاوت قرآن و نزاع كردن در مسايل ديني و ايماني و امر بمعروف
و نهي از منكر غير آن هرچه خدا را بياد آوردن و ذكر با اعضا و اركان مثل عبادات و
طاعات و ترك مناهي و سيئات پس افضل اينها ذكر بادلست كه معني مشتبه شده نيست

نزد آن ذکر با دل بمنزلهٔ روح است و ذکر با زبان و ارکان بمنزلهٔ بدن که چون قول و فعل
بی نیت خدا و یاد او باشد مثل صورتی است بی جان و ازین جهت است که اعمال یاد اعراض
دنیا و همچنین عبادات و طاعات مخالفین مثل نقش اطفال مقبول نیست و
خدای تعالی فرموده من هر کلام حکمت را قبول نمیکنم بلکه نظر بر دلش میکنم اگر بیاد من و برای
من کرده اجر میدهم و اگر نه بان واگذارم که برای او کرده و حضرت رسول صلی الله علیه و آله که
فرموده نیت مومن بهتر است از عملش که عمل بی نیت مقبول نیست و با نیت اگر
مقدور نباشد همان اجر باید چنانکه مرویست که وقتی در مدینه قحط شد کسی روزی
در صحرا بتلی خاکی گذشت گفت کاشکی همه گندم بودی تا بمردم دادمی این خبر برسول خدا
رسید فرمود همان قدر ثواب یافته است و وجوه دیگر نیز روایت شده است که این
مقام جای ذکر آنها ندارد و بعضی نیز در این مقام باب سابق گذشت که هر قدر نماز
که با اگاهی دل کرده شود بالا برند و هر چه نباشد بر هم پیچیده بر صورت صاحب زنند
و نیز در مبحث ورع و تقوی گذشت که ذکر خدا همین سبحان الله و الحمد لله
نیست بلکه اصل ذکر آن است که در افعال هر چه رو دهد خدا را یاد کند چیزی که رضای خدا
باشد ارتکاب کند و اگر نه اجتناب نماید و امثال این اخبار و احادیث بسیار است
و بعضی از آنها گذشت و بعضی در جای خود مذکور گردد ان شاء الله تعالی و افضل مراد ذکر
آن است که در ذکر با دل و زبان و جمیع جوارح جمع باشد بحیثیتی که در اقوال
و افعال بغیر خدا منظور نباشد و این همه که گفته شد بحمد الله بسیار واضح است
و تو قطع رغبا یان را در این مقام باشد و یا اگر کسی نماز بازد و گناه کار باشد

وباین

باین مغرور باشد که هر روز هفتاد هزار تهلیل میگوید و دیگران نیز فریفتهٔ آن شوند
در نهایت سخافت است چنانکه ازین اخبار و احادیث در مبحث ورع
و غیر آن گذشت در غایت وضوح است الحمد لله فصل دویم بعضی از اذکار
مخصوصه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که جماعتی از فقرا بخدمت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله رفته معروض داشتند که اغنیا حج میکنند و زر میدهند
و بنده آزاد میکنند و صدقات میدهند ما از اینها نتوانیم حضرت فرمود که
اگر کسی صد مرتبه الله اکبر گوید افضل است از آنکه صد بنده آزاد کند و اگر صد
مرتبه بگوید سبحان الله افضل است از آنکه صد شتر در مکه قربان کند
و اگر صد مرتبه بگوید الحمد لله افضل است از آنکه صد اسب بجهاد بفرستد با زین
و لجام و اگر صد مرتبه بگوید لا اله الا الله عملش در آن روز بالاتر از جمیع ناس
باشد مگر کسیکه بیشتر گوید و همان حضرت فرمود که هر کس تسبیحات اربع را بگوید
در هر حرفی درختی در بهشت از برای او غرس نمایند کسی گفت یا رسول الله من درخت
بسیار در بهشت دارم حضرت فرمود بلی اما آتشی هم بان نزنی که همه را بسوزی
هر کس به آنچه چیزی را تعجب کند سبحان الله بگوید مرغی از آن مخلوق شود تا روز
قیامت را تسبیح کند و ثواب هم ازو باشد و اگر لا اله الا الله گوید بهشت او
واجب شود و اخلاص آن است که او را بازدارد از معاصی و سبحان الله نصف
میزان را پر کند الحمد لله تمام میزان را پر کند لا اله الا الله زمین و آسمان
را پر کند و هر کس لا اله الا الله گوید درختی در بهشت برایش نشاند در زمینی

سفیدتر از برف و شیرین‌تر از شهد و خوشبوتر از مشک که باران مثل پستان
دختران بکر باشد و در هر یک از آن هفتاد حله باشد از حله‌های بهشت و هر کس بگوید
الحمد لله کما هو اهله کتاب آسمان دست از نوشتن بردارند و گویند
خدایا ما ندیده‌ایم که ثواب آن چه قدر باشد که بنویسیم خدا رسول که شما گفته را ننویسید من
دانم که چه قدر ثواب دهم و هر کس بگوید سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم
و بحمده سه هزار حسنه نویسند و سه هزار درجه بلند کنند و طایری در بهشت خلق
شود که خدا را تسبیح میکند و ثوابش از او باشد هر کس روزی ده مرتبه بگوید اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی
و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء
قدیر چنان که مذکور شد اجرش را غیر از خدا کسی نمیداند هر کس روزی ده
مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الهاً
واحداً احداً صمداً لم یتخذ صاحبة و لا ولداً چهل و چهار هزار درجه
از برای او بلند کنند و در آن روز حرز او باشد از شر شیطان و جور سلطان و کبیره
دامنش نشود و چنان است که دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و خانه در بهشت
از برای او بنا کنند هر کس هر روز یا ده مرتبه یا یک مرتبه بگوید لا اله الا الله حقاً
حقاً لا اله الا الله عبودیة و رقاً لا اله الا الله ایماناً
و تصدیقاً خداوند تعالی از روی کرم او را متوجه شود و هرگز روز او سیه نگرداند
تا او را داخل بهشت گرداند و هر کس بگوید لا حول و لا قوة الا
بالله

بالله حق تعالی فرماید ای ملائکه بندهٔ من کارهای خود بمن واگذاشت و اعتراف بعجز
و ناتوانی خود نموده و حاجات او را برآورید هر کس سه مرتبه بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم نود و نه بلا از او دفع شود
که سهل‌ترین او مردن بجنون و دیوانگی باشد هر که بگوید اشهد ان لا اله
الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله ده هزار حسنه برای او جمع
شود **فصل سیم** در ذکر فضایل اهل بیت طاهرین علیهم السلام و صلوات بر ایشان
و بعضی امور مناسب آن و در روایات از ایشان که هیچ مجلسی نیست که جمعی بنشینند
ذکر حق تعالی و ذکر ما کرده و صلوات بر رسول الله نفرستاده برخیزند مگر آن مجلس در
روز قیامت بر ایشان دشمن باشد و نیز فرموده‌اند که ذکر ما کرده‌اند بلکه ذکر خدا کرده‌اند
و ذکر اعدای ما ذکر شیطان است که دشمن حق است و چون دو مؤمن با هم ملاقات کنند
و ذکر خدا و ذکر فضایل ما کنند هر گوشت که در روی ایشان است بگدازد تا آنکه روحش
از شدت الم ناله آید و ملائکه آسمان و خزان جنان از آن مطلع گشته همه ملائکه
مقربین او را لعنت کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده که هر کس در مجلسی بنشیند
که فضایل ما مذکور شود و حق ولایت ما در مجلس زنده باشد دلش نمیرد در روزی که دلها
مرده باشند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده هر که فضیلتی از فضایل علی ابن ابی
طالب علیه السلام را ذکر کند و اقرار بآن کند گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده
شود اگر مثل گناه جن و انس داشته باشد هر کس فضیلتی از فضایل او را بنویسد تا اثری
از آن باقی باشد ملائکه برای او استغفار کنند و هر کس فضیلتی از فضایل او را بشنود

گناهانی که بگوشش امرزیده شود و هر کس نظر بر نوشته از فضایل او کند گناهانی که بچشم کرده باشد
امرزیده شود و بعد از آن فرموده نظر بر علی ابن ابی طالب علیه السلم کردن عبادتست
و ایمان هیچ بنده مقبول نشود مگر بولایت او و برائت از اعدای او و حضرت امام
حسن علیه السلام فرموده که هر کس در دل ما محبت دارد و در زبان نصرت ما کند یک درجه از آن
بلندتر باشد که با محبت دارد و نصرت ما نکند در بهشت باشد و حضرت امام جعفر صادق ع
فرموده که هر کس با زبان اعانت ما کند حق تعالی در روز قیامت زبانش را بحجت او
او گویا گرداند و هم از ایشان مرویست که هر که یکمرتبه بر حضرت رسول صلعم صلواة بفرستد
حق تعالی هزار مرتبه صلواة برو بفرستد با هزار صف از ملائکه بعد از آن هیچ
مخلوقی نماند مگر آنکه برو صلواة میفرستد پس هر کس باین نعمت رغبت ننماید جاهل
و مغرور باشد خدا و رسول و اهل بیتش از وی بیزار و بری باشند و هیچ چیز در میزان در
قیامت سنگین تر از صلواة نیست و چون اعمال مؤمنان را بالا برند در میزان گذارند
اگر حسنات سبک و سیئات زیادی کند آنحضرت صلوات که برو فرستاده اند
در بالائی آن گذارد تا بر سیئات زیادتی نماید پس او را در بهشت رساند و صلواة
بر آنحضرت گناهان را بیشتر محو فرماید تا آب آتش را و نیز مرویست که هر کس قادر بر
کفاره گناهان نباشد صلواة بر آنحضرت و آلش بفرستد که گناهان را میریزاند و صلواة
برابرست با تهلیل و تسبیح و تکبیر و هر کس بی صلواة دعا کند دعایش محجوب باشد تا صلواة
فرستد آنحضرت فرموده مرا مانند کوزه مسافر مگردانید که چون همه اسباب را بار کنند بعد از
همه کوزه را در عقب بندند که چون تشنه شوند بردارند مرا در دعا اول و میان و آخر یاد
کنید و نیز

کنید و نیز مرویست که آنحضرت فرموده هر کس بر من بیشتر صلواة فرستد روز قیامت بمن
نزدیکتر باشد و هر کس از حق تعالی حاجتی خواهد اگر بعوض آن صلوات بفرستد حاجتش برآورده
میشود و ثواب آن صلوات نیز داشته باشد و کسی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گفت چون از خانه کعبه بیرون میامدم دعائی بخاطرم نرسید غیر از صلوات بر پیغمبر فرمود
هیچ کس بهتر از تو بیرون نیامد و هر کس در صلوات بر آنحضرت و آل بزرگوارش
را با او شریک گرداند درهای آسمان برای او گشاده گردد و گناهان او چون برگ
از درخت بریزد و ملائکه هفتاد صلوات برو فرستند و حق تعالی فرماید که شما هفتاد
صلوات براین بنده من فرستاده اید من هفتصد صلوات برو فرستم و اگر برآلش
صلوات نفرستد بوی بهشت نشنود و حال آنکه بوی بهشت تا پانصد ساله راه
رود و میان او و آسمان هفتاد حجاب نصب شود و حق تعالی فرماید ای ملائکه دعای
این بنده را بالا مبرید تا بر پیغمبر من صلوات فرستد و مرویست که هر کس
بگوید صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ هزار حسنه نوشته شود و فضایل دیگر
برای صلوات مخصوصه در مصابیح تعقیب و اعمال جمعه و غیر آن گذشت

فصل چهارم

در فضایل دعا و بعضی امور متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که دعا افضل عبادات است و حق تعالی هیچ چیز را دوست ندارد از دعا و سؤال
نمودن مطالب دنیا و آخرت از خدا و حق تعالی بدتر از استکبار هیچ چیز را نمیداند
و در قرآن مجید فرموده اند که اگر این بود که شما دعا میکنید خدا هیچ اعتنا بشما نمی
کرد و دعا اصلاح مؤمن است و عمود دین و نور سموات و ارضین است و فضای

مبرم بدعا رد میشود و ثمار دعا در قضای حاجت بیشترست از تأثیر آن در گوشت دارد حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که دو کس با هم در نماز شروع کنند و با هم فارغ
شوند یکی دعا بیشتر میکند و دیگری قرائت فرمودند که هر دو عبادتست و دعا بیشتر کردن افضل بود و چون بلیه
برکسی نازل شود حق تعالی در دلش اندازد که دعا کند تا آن بلیه رفع شود و اگر دعا نکرد
بلیه طول کشد و چون بنده بدعا دست بردارد خدا را شرم آید که آن را خالی رد کند
و دعای حسنه که پنهانی کنند بهترست هفتاد مرتبه از آنکه علانیه کنند **فصل پنجم** در اسباب
اجابت دعا و بعضی از احکام متعلق بان اسباب مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که آن بر دو قسم است اول حالات و صفات داعی مرویست که جمعی
شکایت بیکی از ائمه رضوان الله کردند که گفتند یا ابن رسول الله خدای تعالی فرمود دعا کنید که من اجابت
کنم ما دعا میکنیم باجابت نمیرسد حضرت فرمود که دلهای شما بسبب ده چیز مرده است
خدا پرستی میکنید و حق آنکه میدانستید و دعوی دوستی رسول الله میکنید و باولادش
عداوت میکنید و قرآن میخوانید عمل باو نمیکنید دعوی عداوت شیطان دارید در اطاعت
شیطان میباشید و دعوی بهشت مینمایید برای آن سعی نمیکنید و دعوی خوف از آتش
میکنید و خود را در آن میافکنید و مشغول عیوب دیگران میشوید و عیبهای خود را چشم می
پوشید و دعوی بغض دنیا میکنید و دست از آن نمیکشید و اقرار بموت میکنید و تهیه
آن نمیکنید و اموات خود را دفن میکنید و از آن عبرت نمیگیرید از اینست که دعای شما
باجابت نمیرسد و دیگر آمده که کسب خود را حلال کنید تا دعای شما مستجاب شود و چون
کسی یک لقمه حرام خورد تا چهل روز دعایش مستجاب نمیشود و خدای تعالی فرمود که دعای هیچ
کس از ح

کس از من محجوب نیست مگر کسی لقمه از حرام خورد اجابت نمیکنم دعای کسی را که لقمه مظلمه
از بندگان در گردن او باشد تا رد آن نکند داخل خانه من نشود و ماوایکه در نماز باشد
او را لعنت میکنم و یکی از انبیای بنی اسرائیل سی سال دعا کرد که باجابت نرسید آخر مناجات
رسید آخر مناجات کرد که خداوندا از تو دورم که آواز من بتو نمیرسد و یا میرسد و اجابت نمیکنی
خدای تعالی بیکی از پیغمبران وحی فرمود که باو بگو با زبان فحاش و دلی آلوده گناهان دعا
میکنی باجابت نمیرسد و نیز مرویست که دعا با تقوی و نیکی القدر کافی است که
که نمک در طعام و اوقات مخصوصه که در دعا غنیمت باید دانست و فرصت باید شمرد از آن جمله
وقت زوال است در هر روز خصوصا روز جمعه تا وقتیکه امام از منبر فرود آید و ساعت آخر
روز جمعه و تمام شب جمعه و از نصف هر شب تا ثلث آخر شب در این ساعات مؤمن
دعا کند البته مستجاب شود و وقت سحر تا طلوع صبح و آفتاب در باز آسمان گشاده است
و رزق مردم قسمت میگردد و حاجتهای عظیم را برآورده میشود و میان اذان و اقامت و بعد از
هر فریضه صبح و ظهر و عصر و مغرب و قنوت وتر و بعد از تلاوت قرآن و وقت
وزیدن باد و نزول باران و غیر آن از اوقات بعضی تقریبات گذشت و بعضی در مقام خود
انشاء الله بیاید و دیگر امورات چند که در حال اشتغال بدعا و بعد از فراغ دعا رعایت
باید نمود از آنجمله وضو یا غسل داشتن جامهای پاک پوشیدن و بوی خوش بکار بردن
و صدقه دادن بقدر مقدور و مکان متبرکه مثل مسجد یا غیر آن اختیار کردن و دست
بسوی آسمان بلند کردن که حق تعالی کریم است شرم دارد که دست مؤمن خالی رد کند
و حاجت مخصوصه خود نام برد که خدا را خوش آید اگرچه خدا عالم است بحاجات همه و در دعا

اجتماع شوند که هر که چهل مؤمن را در دعا اجتماع کند مگر آنکه البته اجتماع مستجاب شود اگر چهل
نفر نباشند چهار نفر ده بار دعا کنند اگر چهار نفر نباشند یکنفر را چهل مرتبه نام برد و اب
دیگر آمده هر گز چهار نفر مؤمن در دعا اجتماع نکرده مگر باجابت متفرق گردند شخصی که در دعای
گوید در دعا شریکست و از جملهٔ اسباب آنکه ابتدا به مدح و ثنای خدا کند و کسی بحضرت
حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که حق تعالی فرموده دعا کنید که من اجابت کنم ما هر چه
دعا میکنیم مستجاب نمیشود فرمود میدانی کسیکه اطاعت خدا کند و از راهی که باید دعا کند البته مستجاب
و غرض آنکس کدامست فرمود اول حمد خدا و ذکر نعمتهای او کردن و شکر او بجا آوردن پس از
آن صلوات بر پیغمبر و آلش فرستادن و گناهان خود را بیاد آوردن و اقرار کردن و استغفار کردن
و بعد از آن حاجت بخواهد البته باجابت میرسد و رسیده اسباب بوسیلهٔ حسینیت بر حضرت
محمد و آلش مرویست که کسی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله سؤال کرد حضرت فرمود اگر هشتاد
خریف در جهنم بماند و بعد از آن مناجات نموده گوید خدایا بحق محمد و آل محمد که رحم کن بر من
پس جبرئیل را فرماید که او را از آتش دوزخ بیرون آورد اما بعزت و جلال خودم که اگر بحق محمد و آل
او سؤال کرده بود بسیار در آتش نمیماند تا من بر خود واجب کرده ام که هر که بحق محمد و آل او
سؤال نماید اجابت نمایم این مضمون احادیث بسیار است که وارد شده است و مرویست
که هر دعا در آسمان محجوبست تا صلوات بر حضرت و آلش فرستند و نیز مرویست که با صلوات
بر ایشان هرگز دعا رد نمیشود پس چون در اول و آخر دعا صلوات فرستاده شد خدا را شرم آید
که اول و آخر را قبول فرماید و میان را رد فرماید و از جملهٔ اسباب آنکه دعا را عام نمایند و دیگران
را شریک نمایند در آنچه میطلبند بلکه ایشان را مقدم دارند که برای ایشان و برای خود شان مستجاب
میشود و بعضی

میشود و بعضی علما در این معنی نکته گفته اند که ذکرش مناسب مقام است اینکه خدای تعالی بندگان
را نهی فرموده که چون چند جنس را با هم شریک یک صیغهٔ بیع نمایند بعضی را نگاه دارند و بعضی نمایند
و دعا برای برادر مؤمن غایبانه البته مستجابست چنانکه بیاید پس چون کسی خود و یا دیگری را
در دعا جمع نمایند لایق بجلال او نباشد که چیزی که بندگان خود منع نماید خود آنرا بکند
و اسباب آنکه در وقت دعا دل خبردار و محزون و رقیق گردانند که دعای دل غافل و سخت
و فرخناک مستجاب نگردد و خدای تعالی دل محزون و چشم گریان را دوست میدارد
و اگر گریه نیاید سعی کند که خود را بگریه بدارد و چون اشک آید دعا را غنیمت باید دانست
اگر چه بقدر سر مگسی باشد که حق تعالی دیدهٔ گریان را دوست میدارد و بگریهٔ یک کس امتی
رحم فرماید و از جملهٔ آنها آنکه از روی ادب و انصاف سؤال نماید مثل مرتبهٔ انبیا
و پیغمبران سؤال نکند چیزی که از مرتبهٔ او بیرون است از خدا طمع نکند که مستحق حرمان
گردد و از جملهٔ آنکه اطمینان و حسن ظن باجابت داشته باشد که خدا میفرماید من نزد ظن
بندهٔ مؤمن خودم هر چه گمان داشته باشد اما ان کند مرویست که چون دعا کردی حاجت خود
را در خانه دان و از جملهٔ آنکه پیش از وقت دعای عافیت همیشه دعا میکرده باشد تا چون
در بلیه افتد دعا کند مستجاب شود و گرنه ملایکه بر اجابت دعوات او مکث کنند گویند این چه
کرامتی است شنیدیم و این کیست و پیش از این کجا بود که بدرگاه حضرت احدیت نیامده است
و از جمله آنکه در آخر دعا بگوید لا حول و لا قوة الا بالله حق تعالی میفرماید
بملائکه بندهٔ مرا دریابید دعا کند و حاجتش برآورید که کارهای خود را با من گذاشت
که هیچ کس بغیر از من اجابت حاجتش نمیتواند کرد و چون از دعا فارغ گردد هر دو دست

بر سر درد یا الم بردارد تا سینه که دست به دعا برداشته از رحمت خالی نباشد و از جمله
آنکه به دعا الحاح نماید که خدا را خوش می آید بگذارید دعا تاخیر یابد تا الحاح بیشتر نماید و تضرع
زیاده کند اگر مصلحت داند آنچه خواسته عطا فرماید و اگر به بیشتر مقدر کرده که دفع آن که
ضرر تر باشد و خود از آن خبر ندارد آن را رفع فرماید و اگر هیچ کدام نباشد در
بهشت اضعاف مضاعف عوض دهد و در روایت دیگر آمده که اگر آنچه خواست
مصلحت نباشد کفارهٔ گناهان او باشد و اگر دعا زود مستجاب شود مشعوف
و مغرور نگردد که شاید استدراج باشد چنانچه در باب آداب گذشت و بسا باشد
که بنده دعا کند حق تعالی برای آنکه آواز او را دوست دارد اجابت تاخیر نماید تا الحاح او
بشنود بلکه اگر زود مستجاب شود حمد او گوید و اگر دیر شود صبر و توکل باید کرد و در هر حال تضرع
و تملق باید نمود **فصل ششم** در ذکر بعضی دعاهای ایشان مستجاب میشود و جمعی که نشود در روایت
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چند کسند که دعای ایشان مستجاب شود
از حق تعالی محجوب نماند و درهای آسمان بروی ایشان گشوده شود و اهل حج
و عمره و جهاد پس متوجه عیال باشید و سعی در حوایج ایشان نمائید و مریض پس او را
مرنجانید و امام عادل و والد صالح برای ولد و صایم تا وقتی که افطار کند و مؤمنی
که غایبانه دعا کند مرویست که هیچ دعا به سرعت اجابت نمیشود که دعای مظلوم بر ظالم که
حق تعالی فرماید ای مظلوم دعای ترا اجابت سازم اگرچه بعد از چه بعد از مدتی باشد
و دعای والد بر ولد که برنده تر است از شمشیر و چند کسند که دعای ایشان به اجابت نرسد
کسی که دست از کسب کشیده در خانه نشیند و دعا کند که حق تعالی فرماید که راه تحصیل روزی
برای تو نگشودم

برای ترک شوم و سعی نما تا ترا اکت دهم و کسی را حق تعالی مال عطا فرموده او در راه
باطل صرف کند چون دعا کند فرماید مال و روزی به تو دادم ضایع کردی و کسی که زن
یا بنده یا همسایه را نفرین کند حق تعالی فرماید که راه خلاصی به تو نمودم زن را طلاق ده
بنده را بفروش و از همسایه نقل کن و کسی که بی شاهد و بی نوشته بکسی چیزی دهد چون منکر شود
فرماید مبالات در وقت دادن شاهد و نوشته نکردی تا باطل شد و کسی که در زیر دیوار
شکسته بشتاب رود یا در مهلکه افتد فرماید گفته بودم احتیاط کن و خود را در مهلکه
میفکن تا هلاک نشوی **فصل هفتم** در فضایل دعا برای مؤمنان مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که چون کسی مؤمنی را غایبانه ذکر خیر و دعا کند ملایکه گویند چه خوب
برادری تو که برادر خود را غایبانه دعا میکنی خدای تعالی دو برابر آن ترا عطا فرماید و اگر مذمت
و ذکر شر کند گویند چه بد برادری تو رحم کن بر برادر خود و ترک این گفتگو نما و نیز روایت که
چون مؤمن برای خود دعا کند همان یک دعا است و چون برادر مؤمن غایبانه دعا کند از آسمان
اول ملکی ندا کند که صد هزار مثل آن ترا باشد و همچنین تا آسمان هفتم صد هزار هزار
مثل آن نور بهایت میفرمایند بعد از آن حق تعالی فرماید منم غنی که هرگز فقیر نشوم ترا هزار هزار
مثل آن عطا فرمایم و هر مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات از احیا و اموات
دعا کند حق تعالی بعدد هر مؤمن و مؤمنه از اول دنیا تا آخر دنیا حسنه برای او ثبت نماید
بعدد هر کس مثل آنچه دعا کرده عطا فرماید و اگر روز قیامت او را به دوزخ امر کنند مؤمنین
و مؤمنات اجتماع نموده گویند خدایا این کسی است که در دنیا ما را دعا میکرد و امروز ما را شفیع او کن
حق تعالی شفاعت ایشان را قبول فرموده او را نجات دهد و هر کس هر روز بیست و پنج مرتبه بگوید

اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات بعد و برینی
گذشته و آینده تا روز قیامت حسنه برایشان ثبت کنند و سیئه محو فرمایند و درجه
بلند کرده اند روز پنجشنبه در ذکر ادعیه و وسایل حاجات مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که چرا دعای سریع الاجابت نمی خوانید گفتند نمی دانیم کدام
فرمود که این است اللهم انی اسئلک باسمک الاعظم الاجل الا
کرم المخزون المکنون النور الحق البرهان المبین الذی هو نور مع
نور و نور من نور و نور فی نور و نور علی نور و نور
تضیء به کل ظلمة و تکسر به کل شدة و کل شیطان مرید
و کل جبار عنید و لا تقر به ارض و لا تقوم به سماء و یأمن
به کل خائف و یبطل به سحر کل ساحر و بغی کل باغ و حسد
کل حاسد و یتصدع لعظمته البر و البحر و یستقل به الفلک
فلا یکون للموج علیه سبیل و هو اسمک الاعظم الاعظم
الاجل الاجل النور الاکبر الذی به سمیت نفسک و استویت
به علی عرشک و اتوجه الیک بمحمد و اهل بیته و اسئلک
بک و بهم ان تصلی علی محمد و آل محمد و حاجتی که داری طلب نما
که ان شاء الله تعالی وارد است و مرویست از حضرت امام جعفر صادق ع
که هر گاه کسی را حاجتی بود به پناه بحضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله پناه
برد و غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و نماز افتتاح کند و تشهد خواند و سلام
ده دولتی

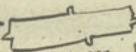
و ده ثواب از آن به روح مقدس آنحضرت صلی الله علیه و آله هدیه نماید و بگوید انت السلام
و منک السلام و الیک یرجع السلام اللهم صل علی محمد و آل محمد
و بلغ روح محمد منی السلام و ارواح الائمة الصادقین سلامی
و اردد علی منهم السلام و السلام علیهم و رحمة الله و برکاته
اللهم ان هاتین رکعتین هدیة منی الی رسول الله صلی الله
علیه و آله فاثبنی علیهما ما املت و رجوت فیک و فی
رسولک یا ولی المؤمنین بعد از آن سجده کند و چهل مرتبه بگوید یا حی
یا قیوم لا یموت یا حی لا اله الا انت یا ذا الجلال و الاکرام یا
ارحم الراحمین بعد از آن روی راست را بگذارد و همین دعا را چهل مرتبه
بگوید بعد از آن چهل مرتبه بگوید و بعد از آن سر بر داشته دستها را بردارد
چهل مرتبه بگوید بعد از آن دست راست گردن یا ورد و انگشت سبابه بجونیکه
بجزری که اشاره کنند از روی تضرع نگاه دارد و چهل مرتبه بگوید بعد از آن محاسن
را بدست چپ گرفته گریه کنان و اگر گریه نیاید خود را گریان ساخته بگوید یا محمد یا
رسول الله اشکوا الی الله و الیک حاجتی و الی اهل بیتک
الراشدین حاجتی و بکم اتوجه الی الله فی حاجتی
بعد از آن حاجت خواهد و سجده کند و بگوید یا الله یا الله تا نفس قطع شود بعد بگوید
صل علی محمد و آل محمد اقض حاجتی که داری طلب نما اگر حاجت بر نیاید من ضامنم
که هنوز از جای خود برنخاسته باشد که حاجتش برآورده شود و هم از آنحضرت صلوات الله علیه و آله

مرویست که چون شما را مرضی رو دهد بطلب حج کنید و با دکلفات نمایید و چون
حاجتی رو دهد که بخانه سلاطین بروید و ظالمان را بشب زار شو نا دهید پس اگر مرضی باشد
سانح شود پناه بخدای تعالی برده طهارت بسازید و چیزی تصدق کنید هر چه مقدور شود
پس بمسجد رفته دو رکعت نماز گذارده بعد از آن حمد و ثنای خدای تعالی بجا آورید و صلوات
بر پیغمبر و آلش بفرستید و حاجت بطلبید البته مستجاب شود بسبب آنکه خدای تعالی او را اجابت
اجابت آن نماید و هم از آنحضرت صلوات الله علیه و آله مرویست که هر کس را حاجتی رو دهد
غسل کند و دو رکعت نماز کند پس دست راست بزیر روی راست بگذارد و بگوید یا معز کل
ذلیل و یا مذل کل عزیز وحقک لقد شق علی کذا و حاجت خود را
مذکور سازد مستجاب شود و از حضرت صاحب الامر صلوات الله و سلامه مرویست که
هر کس را حاجتی بوده باشد شب جمعه بعد از نصف شب غسل کند بمصلای خود رفته دو رکعت نماز
گذارد و در هر رکعتی الحمد بخواند و چون بایاک نعبد و ایاک نستعین رسد صد مرتبه مکرر کند
مرتبه آخر سوره را تمام کند بعد از آن قل هو الله احد بخواند و تسبیح در رکوع و سجود را هفت
مرتبه بگوید و چون سلام دهد بگوید اللهم ان اطعتک فالمحمدة لک و ان عصیتک
فالحجة لک منک الروح و منک الفرج و سبحان من انعم و شکر
سبحان من قدر و غفر اللهم ان کنت قد عصیتک فقد
اطعتک فی احب الاشیاء الیک و هو الایمان بک لم اتخذ
لک ولدا و لم ادع لک شریکا منا منک به علی لا منا منی علیک
و قد عصیتک یا الهی علی غیر وجه المکابرة و الخروج عن عبودیتک
ولا الجحود

ولا الجحود لربوبیتک ولکن اطعت هوای و ازلنی الشیطان فلک الحجة
علی و البیان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم فی و ان تغفر لی و ترحمنی
فانک جواد کریم یا کریم یا کریم تا نفس منقطع شود یا آمنا من کل شیء و خوف
کل شیء منک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعطینی امانا لنفسی
و اهلی و ولدی و سائر ما انعمت به علی حتی لا اخاف و لا احذر
من شیء ابدا انک علی کل شیء قدیر و حسبنا الله و نعم الوکیل یا
کافی ابراهیم نمرود یا کافی موسی فرعون اسألک ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تکفینی شر فلان ابن فلان اگر کسی را که از و خوف
دارد اسم او را ببرد بهترست و بعد از آن سجده کند از روی تضرع حاجت بطلبد که
هیچ مومن و مومنه چنین دعا نکند باخلاص مگر آنکه آن با جابت برسد و درهای آسمان
برویش گشاده شود که همان وقت مستجاب شود بعد از آن فرمود این از فضل خداست
بر ما و بر شیعیان ما و هر کس در یک مجلس هزار مرتبه بگوید ما شاء الله توفیق حج یابد مرویست
که ابو القمقام مردی بود بی طالع که هرگز کاری بر نمی رفت که از آن چیزی برسد بحضرت امام موسی
علیه السلام شکایت نمود فرمود بعد از نماز صبح ده مرتبه بگو سبحان الله العظیم و بحمده
استغفر الله و اسأله من فضله اندک زمانی بیش نگذشت که از جایی
که هیچ گمان نداشت خدای تعالی او را غنی گردانید و یکی از اصحاب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
مدتی بخدمت آنحضرت نرفت بعد از آن که رفت پرسید که چه چیز مانع بود از آنکه پیش ما
نیامدی عرض کرد پریشانی و بیماری فرمود که بگو این کلمات که هر دو از اول کردند لا

[illegible]

حول ولا قوة الا بالله توكلت على الحی الذی لا یموت وقل الحمد لله
الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من
الذل وکبره تکبیرا کسی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال نمود که جهة
رزق دعای تعلیم او نماید حضرت فرمود که این دعا بخوان اللهم ارزقنی من
فضلک الحلال الطیب رزقا واسعا حلالا طیبا بلاغا للدنیا
والاخرة صبا صبا هنیئا مریئا من غیر کد ولا من من احد من خلقک
الا سعة من فضلک الواسع فانک قلت واسئلوا الله من فضله
فمن فضلک اسئل ومن عطیتک اسئل ومن یدک الملئی اسئل راوی
گوید برای این مطلب هیچ دعای بهتر ازین نیافتم و حضرت امیر المومنین علیهم السلام
از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله که جهت ادای دین این دعا را تعلیم فرمود اللهم
اغننی بحلالک عن حرامک وبفضلک عمن سواک که اگر مثل صبر کوه
دین داشته باشی ادا شود صبر کوهیست در یمن که در انجا کوهی بزرگتر از ان کوه نیست
و همان حضرت بدیگری فرمود که دو رکعت نماز بگذار و بعد از ان آیة الملک را بخوان
و بعد از ان بگو یا رحمن الدنیا والاخرة ورحیمهما تعطی منهما ما تشاء
وتمنع منهما ما تشاء اقض عنی دینی اگر بقدر سنگینی زمین دین داشته
باشی ادا شود و کسی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد که دین
چند از مردم دارم و صول نمیشود حضرت فرمود بگو اللهم لحظة من لحظاتک
تیسر علی غرمائی بها القضاء وتیسر لی بها الاقتضاء انک

علی کل شیء قدیر از همان حضرت مرویست که هر دو ماه متوالی هر روز
چهار صد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی
القیوم بدیع السموات والارض ذو الجلال والاکرام لجمیع ظلمی
وجرمی واسرافی علی نفسی واتوب الیه حق تعالی مال بسیار یا
علم بسیار با و عطا فرماید و همان حضرت فرمود که هر پیغمبر را بجهت خود دعای
مستجابی عطا فرموده و پیغمبر ما دو دعا عطا فرمود یکی در شداید امور وان اینست
یا دائما لم یزل یا الهی واله آبائی یا حی یا قیوم صل علی محمد
وال محمد وافعل بی کذا دویم از برای قضای حاجت حوائج و دین وان اینست
یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء یا الله یا رب
صل علی محمد واله واقض عنی الدین وافعل بی کذا و از همان
حضرت مرویست که اگر کسی را معیشت تنگ گردد و حاجتی از حاجات دنیا
و اخرت باشد این رقعه را بر کاغذ سفیدی بنویسد چنانکه همه بر یک سطر بود و در صفحه باین
شکل باشد  خط و در وقت طلوع افتاب در آب جاری انداز د
بسم الله الرحمن الرحیم الملک الحق الجلیل المبین من العبد الذلیل
الی المولی الجلیل سلام علی محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین
وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن و
القائم سیدنا ومولانا صلوات الله علیهم رب انی مسنی
الضر والخوف فاکشف ضری وامن خوفی بحق محمد وال محمد

بكل نبی و وصی وصدیق وشهید ان تصلی علی محمد وال محمد یا ارحم الراحمین اشفعوا یا ساداتی بالشان الذی لكم عند الله فان لكم عند الله شانا من الشان فقد مسنی الضر یا ساداتی والله ارحم الراحمین فافعل بی یا رب كذا وكذا ونیز مرویست كه چون كسی را حاجتی باشد بحضرت صاحب الزمان پناه برده این عریضه را نوشته بر قبری از قبور حضرات ائمه طاهرین صلوات الله علیهم بگذارد و یا بپیچد بسرش را مهر كند در گلی پاك گرفته در نهری یا چاه عمیقی یا آب بسیار اندازد كه بشرف عرض جناب صاحب الزمان خواهد رسید و آنحضرت خود مباشر امر او خواهد شد بسم الله الرحمن الرحیم

كتبت یا مولای صلوات الله علیك مستغیثا وشكوت ما نزل بی مستجیرا بالله عز وجل ثم بك من امر قد دهمنی وشغل قلبی واطال فكری وسلبنی بعض لبی وغیر خطیر نعمة الله عندی واسلمنی عند تخیل وروده الخلیل وتبرأ منی عند ترائی اقباله الی الحمیم وعجزت عن دفاعه حیلتی وخاننی فی تحمله صبری وقوتی فلجأت فیه الیك وتوكلت فی المسئلة لله جل ثناؤه علیه وعلیك فی دفاعه عنی علما بمكانك من الله رب العالمین ولی التدبیر ومالك الامور واثقا بك فی المسارعة فی الشفاعة الیه جل ثناؤه فی امری متیقنا لاجابته تبارك وتعالی ایاك

عطائی

عطائی سؤلی وانت یا مولای جدیر بتحقیق ظنی وتصدیق املی فیك فی امری كذا وكذا حاجت را بنویسد فیما لا طاقة لی بحمله ولا صبر لی علیه وان كنت مستحقا له ولاضعافه بقبیح افعالی وتفریطی فی الواجبات التی لله تعالی فاغثنی یا مولای صلوات الله علیك عند اللهف وقدم المسئلة لله عز وجل فی امری قبل حلول التلف وشماتة الاعداء فبك بسطت النعمة علی واسئل الله جل جلاله لی نصرا عزیزا وفتحا قریبا فیه بلوغ الامال وخیر المبادی وخواتیم الاعمال والامن من المخاوف كلها فی كل حال انه جل ثناؤه لما یشاء فعال وهو حسبی ونعم الوكیل فی المبدء والمال در وقت انداختن عریضه یكی از نایبان آنحضرت صلوات الله علیه كه در زمان غیبت صغری بوده اند عثمان ابن سعید العمری یا پسرش محمد بن عثمان یا حسین ابن روح یا علی ابن محمد باشند متوسل شده بگوید یا فلان ابن فلان سلام علیك اشهد ان وفاتك فی سبیل الله وانك حی عند الله مرزوق وقد خاطبتك فی حیاتك عند الله عز وجل وهذه رقعتی الی مولانا علیه السلام سلمها الیه فانت الثقة الامین بعد از آن عریضه را بیفكند كه ان شاء الله برآورده شود وهم از آنحضرت صلوات الله علیه مرویست كه خواهر برای مطلبی و یا حاجتی بكسی نامه نوشتی اول با قلم بی مداد بر سر نامه بنویسد

بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین المخرج مما یکرهون
والرزق من حیث لا یحتسبون جعلنا الله وایاکم من الذین لا خوف
علیهم ولا هم یحزنون راوی گوید بعد از آنکه این حدیث شنیدم هرگز برای مطلبی و مهمی
نامه ننوشتم مگر آنکه باجابت رسید **فصل هشتم** در تعویذ و حرز از مخاوف و مکاره
از وسایل بسیار روایت از ائمه طاهرین علیهم السلام در این باب رسیده
چند چیز که اهم باشد ذکر کنیم ان شاء الله تعالی **خوف از اعدا** کسی بخدمت حضرت علیه السلام
معروض داشت که سلطان مرا طلبیده است من اندیشه دارم فرمود چون از خانه
بیرون میروی قل هو الله احد را از پیش رو و جانب راست و جانب چپ و پشت سر و
بالای سر و زیر پا بخوان که در آن در حصاریست برای تو از سلطان و شیطان **خوف از**
سلاطین و نیز مرویست که چون بسلاطین ملاقات کنید هفت مرتبه آهسته بگویید
خیرك بین عینیك وشرك تحت قدمیك بالله استعین
علیك اللهم اکفنیه بما شئت فانه لا قوة الا بك چون از غضب او
بترسد بگوید اطفات غضبك بلا اله الا هو حسبی الله لا اله الا
هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم چون نظر بر ایشان افتد سه
مرتبه قل هو الله احد بخواند یا دست چپ بخت بشمرد تا وقتی که از آنجا بیرون آید مکرر
میخوانده باشد و نیز مرویست کسی را سلطان برای عقاب طلبید حضرت امام جعفر صادق
قدری تربت مقدس حضرت امام حسین علیه السلام برای او فرستاد که همراه داشته باشد
امان است از هر خوف و سر آنحضرت از در خانه سلطان میگذشت و یکی را نمیدیدند
محفوظ

چون آن شخص بیرون آمد حضرت فرمود که انگشتر عقیق میداشتی از این حادثه ایمن شدی **خوف**
از دشمنان حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمودند که اگر تمام جن و انس بر من جمع
شوند چون این کلمات بگویم هیچ باکی نداشته باشم بسم الله وبالله ومن الله و
الی الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله اللهم الیك اسلمت
نفسی والیك وجهت وجهی والیك الجات ظهری والیك فوضت
امری اللهم احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی ومن خلفی
وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی ومما قبلی وادفع
عنی بحولك وقوتك فانه لا حول ولا قوة الا بك و نیز حضرت
امام موسی علیه السلام فرمود که جدم امیر المؤمنین علیه السلام این دعا میخواند بهیچ لشکر
حمله میکرد مگر آنکه منهزم میساخت و این دعا کفایت میکند بلاها را اللهم بك اساور
وبك احاول وبك اجاور وبك اصول وبك انتصر وبك اموت
وبك احیی اسلمت نفسی الیك وفوضت امری الیك لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انك خلقتنی ورزقتنی
وسترتنی وعن العباد بلطف ما خولتنی اغنیتنی اذا هویت
رددتنی واذا عثرت قومتنی واذا مرضت شفیتنی واذا
دعوت اجبتنی یا سیدی ارض عنی فقد ارضیتنی **خوف کلاب**
وسباع وقل للذین آمنوا یغفروا للذین لا یرجون ایام الله لیجزی
قوما بما کانوا یکسبون واذا قرات القرآن جعلنا بینك وبین

الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا على قلوبهم
اكنة ان يفقهوه وفي آذانهم وقرا وان يروا كل آية لا يؤمنوا بها
حتى اذا جاءوك يجادلونك يقول الذين كفروا ان هذا الا
اساطير الاولين **سباع** از حضرت صادق علیه السلام مرویست که چون بسبع
ملاقات کنی در رویش آیة الکرسی بخوان و خطاب باو نموده بگو عزمت لك بعزيمة
الله وعزيمة محمد صلى الله عليه وآله وعزيمة سليمان بن داود
وعزيمة امير المؤمنين علي بن ابي طالب والائمة من بعده ان شاء الله
رو گردانیده برود راوی گوید چون از خانه بیرون آمدم و بسبعی ملاقات کردم
روی بمن کرده میآید همین عزیمت را خواندم بعد از آن گفتم الا تتنحی عن
طریقنا بر گردید پس دیدم که سر بزیر افکنده و دم را میان پا گرفته می جنباند
دفع مار و عقرب و ضرر نرساند عقرب و سایر گزندگان حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که هر
کس در وقت شام بگوید اعوذ بكلمات الله التامات التي لا يجاوزهن
بر ولا فاجر من شر ما ذرا ومن شر ما برا ومن شر كل دابة
هو آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم من ضامنم که
هیچ گزند عقارب او را نرسد تا صبح و نیز مرویست دو چوب انار هوام و گزندگان
را دفع گرداند **کیک** در وقت خوابیدن بگوید ايها الاسود الوثاب
الذي لا يبالي غلقا ولا بابا عزمت عليك بام الكتاب ان لا
تؤذيني واصحابي الى ان يذهب الليل ويجيء الصبح بما آب
در وقت

در وقت خوابیدن بر قفلها و حلقهها بخواند قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن
ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر بصلاتك ولا
تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا
ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا
در سقف افتادن حضرت صادق علیه السلام فرمود که هیچ کس در وقت خواب
این آیه را بخواند که سقف براو فرود آید ان الله يمسك السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان
حليما غفورا **وحشت و دهشت** حضرت فرمود هر کس بگوید بسم الله و
بالله توكلت على الله انه من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا اللهم اجعلني في كنفك
وفي جوارك واجعلني في امانك وفي منعك از هر وحشتی در شب
و روز ایمن باشد فرمود که گویند مردی سی سال این را گفت یکشب ترک کرد عقرب او را
گزید **خلاصی از هلاک شدن** مرویست هر کس بسم الله الرحمن الرحيم بر در خانه
نویسد از هلاک شدن ایمن باشد اگرچه کافر باشد و مرویست که فرعون بر در خانه
خود نوشت هر چند موسی علیه السلام در هلاکش تعجیل کرد نشد تا خدای تعالی فرمود که بکفرش نظر می
کنی ببر در خانهاش **جمیع مکروهات** از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که در ایام
طفولیت هر شب سه مرتبه قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و صد مرتبه
قل هو الله احد و اگر نتواند پنجاه مرتبه بخوان یا مادری برای او خواند از جمیع امراض جسمانی

و آسیب اجنه و عقارب کژدمی است که عارض شود صاحبش هر چند آب خورد سیر نشود و از
فساد معده و غلبه خون محفوظ باشند تا دائم که باین مداومت تا از دنیا بیرون رود
حرز ادوش از حضرت امام مرویست که چون چشم حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منهزم گردید خدای تعالی این کلمات را فرستاد که در شمشیر خود جا دهد بعد
از آن چشم آنحضرت هزیمت رو نداد و من دوست دارم که مؤمن او را در قائمه شمشیر یا
یا در زیر انگشتر یا در عمامه خود داشته باشد تا از حوادث ایمن گردد و هو بسم الله
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ یَا مَنْ هُوَ (هُوَ یَا مَنْ) یَا مَنْ لَیْسَ هُوَ اِلَّا هُوَ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا حَیُّ لَا یَمُوتُ
یَا حَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لِفُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ حِرْزًا
حَصِینًا وَ حِصْنًا مَنِیعًا یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ و ادعیه و اذکار برای امراض و اوجاع در باب
عبادات اِنْ شَاءَ اللّٰهُ تعالی باید فصل در بعضی ادعیه متبرکه ماثوره مرویست
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر کس این دعا بخواند اگر ملایکه هفت آسمان و زمین جمع شوند
تا روز قیامت ثواب آن را نتوانند نوشت و دل خواننده این دعا از ایمان پرست حق تعالی
فرماید که ای ملایکه گواه باشید که من او را و والدین او را و خواهران و برادران و اهل بیت
و همسایگان او همه را آمرزیدم و او را شفیع گردانیدم بر هزار کس از گناه کاران که همه
مستحق دوزخ باشند و هر یک از فقرات این دعا فضل عظیم روایت شده که ذکر
او در این رساله نگنجد چه حوصله این رساله این قدر نیست یَا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِیلَ وَ سَتَرَ
الْقَبِیحَ یَا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ بِالْجَرِیرَةِ وَ لَمْ یَهْتِکِ السِّتْرَ یَا عَظِیمَ الْعَفْوِ
یا حسن التجاوز

یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ یَا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ یَا صَاحِبَ
کُلِّ نَجْوٰی یَا مُنْتَهٰی کُلِّ شَکْوٰی یَا کَرِیمَ الصَّفْحِ یَا عَظِیمَ الْمَنِّ یَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ
قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا یَا رَبَّنَا وَ سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا وَ یَا غَایَةَ رَغْبَتِنَا اَسْئَلُکَ
یَا اَللّٰهُ اَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِی بِالنَّارِ و هم از آنحضرت صلی الله علیه و آله تشقه در
مرویست که فرمود شبی که بمعراج رفتم بر حجاب قدرت این دعا نوشته دیدم
که هر کس بخواند درهای آسمان برای او گشوده شود و گناهان او و والدین و همسایگان
او همه آمرزیده شود و خانه در بهشت از زر و یاقوت برای او بنا کنند و خیر دنیا و
آخرت از برای او جمع گردد و اگر با مشک و زعفران بنویسند بمریض دهند شفا یابد
و اگر بر اطفال بندند از زدن مار و عقرب و مکاره دنیا در امان خدا باشد و اگر کسی
نوشته با شان دارد از اوجاع ایمن شود و اگر برای مطلبی بخوانند برآورده شود و اگر جن و انس
و ملایکه و هزار مثل ایشان جمع شوند از اول دنیا تا روز قیامت ثواب آن را نتوانند
نوشت دعا اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ یَا مَنْ اَقَرَّ لَهُ بِالْعُبُودِیَّةِ کُلُّ
مَعْبُودٍ یَا مَنْ یَحْمَدُهُ کُلُّ مَحْمُودٍ یَا مَنْ یَفْزَعُ اِلَیْهِ کُلُّ مَجْهُودٍ یَا مَنْ یُطْلَبُ
عِنْدَهُ کُلُّ مَفْقُودٍ یَا مَنْ سَائِلُهُ غَیْرُ مَرْدُودٍ یَا مَنْ بَابُهُ عَنْ سَائِلِهِ
غَیْرُ مَحْجُوبٍ مَسْدُودٍ یَا مَنْ هُوَ غَیْرُ مَوْصُوفٍ وَ لَا مَحْدُودٍ یَا مَنْ عَطَاؤُهُ
غَیْرُ مَمْنُوعٍ وَ لَا مَنْکُودٍ یَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ لَیْسَ بِبَعِیدٍ وَ هُوَ نِعْمَ الْمَقْصُودُ
یَا مَنْ رَجَاءُ عِبَادِهِ بِحَبْلِهِ مَشْدُودٌ یَا مَنْ لَیْسَ بِوَالِدٍ وَ لَا مَوْلُودٍ یَا
مَنْ شِبْهُهُ وَ مِثْلُهُ غَیْرُ مَوْجُودٍ یَا مَنْ کَرَمُهُ وَ فَضْلُهُ غَیْرُ مَعْدُودٍ

يا من حوض بره للانام مورود يا من لا يوصف بقيام ولا قعود
يا من لا يجري عليه حركة ولا جمود يا الله يا رحمن يا رحيم يا ودود
يا راحم الشيخ الكبير يعقوب يا غافر ذنب داود يا من لا يخلف
الوعد ويعفو عن الموعود يا من رزقه وستره للعاصين
ممدود يا من هو ملجأ كل مقصي مطرود يا من دان
له جميع خلقه بالسجود يا من ليس عن نيله وجوده احد
مصدود يا من لا يحيف في حكمه ويحلم عن الظالم العنود
يا ابتاه ارحم عبيدا خاطئا لم يوف بالعهود انك لما تريد فعال يا ابا
داود وصل على محمد خير مبعوث دعا الى خير معبود
وعلى آله الطيبين الطاهرين اهل الكرم والجود وافعل
بنا ما انت اهله يا ارحم الراحمين دهم از آنحضرت مرویست که
هرکس این دعا را بخواند اگر ملائکه هفت آسمان و زمین جمع شوند شمار در قیامت ثواب
اندازه هزار یکی نتوانند نوشت از عبد الله السلام مرویست که بعضی از فضایل این دعا که در
توراة مذکورست این است که هر کس را خدای تعالی بفضل و کرم خود منت نهد این را درویش
جاده هر روز ده مرتبه از وبلائکه مباهات نماید و نوری از و تا عرش درخشان شود و از عذاب
قبر و فزع اکبر در روز قیامت ایمن گرداند و در روز قیامت که همه خائف و هراسان
باشند او از خوف و حزن در امان خدا باشد و چون محشور شود دلش ساکن و مطمئن باشد
و از هر مطلب که باین دعا سوال کند حق تعالی باو عطا فرماید و فضایل دیگر بسیار است که این

رساله

رساله گنج نامه ذکر آنها ندارد بسم الله الرحمن الرحيم يا الله يا الله يا الله
انت المرهوب منك جميع خلقك يا نور النور الذي احتجبت دون
خلقك فلا يدرك نورك نور يا الله يا الله يا الله انت الرفيع الذي نورك
ارتفعت فوق عرشك من فوق سمائك فلا يصف عظمتك
احد من خلقك يا نور النور قد استنار بنورك اهل سمائك
واستضاء بضوئك اهل ارضك يا الله يا الله يا الله
انت الذي لا اله غيرك تعاليت عن ان يكون لك شريك
وتعظمت عن ان يكون لك ولد وتكرمت عن ان يكون
لك شبيه وتجبرت عن ان يكون لك ضد فانت الله
المحمود بكل لسان وانت المعبود في كل مكان وانت المذكور
في كل اوان وزمان يا نور النور كل نور خامد لنورك
يا مليك كل مليك يفنى غيرك يا دائم كل حي يموت غيرك
يا الله يا الله يا الله الرحمن الرحيم ارحمني رحمة تطفي بها
غضبك وتكف بها عذابك وترزقني بها سعادة من
عندك وتحلني بها دارك التي تسكنها خيرتك من خلقك
يا ارحم الراحمين يا من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يؤاخذ
بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا
واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا سامع كل نجوى

يا منتهى كل شكوى يا مفرج كل كربة يا مقيل العثرات يا كريم الصفح
يا عظيم المن يا مبتدئا النعم قبل استحقاقها يا رباه يا سيداه
يا املاه يا غاية رغبتاه اسئلك بك بمحمد وعلي وفاطمة
والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي
ومحمد وعلي والحسن والحجة القائم ان تصلي على محمد وال
محمد واسئلك يا الله يا الله يا الله ان لا تشوي خلقي
في النار وان تغفر لي ولوالدي برحمتك يا ارحم الراحمين
وان تعطيني حيوة الدنيا والاخرة انك على كل شيء قدير
وصلى الله على محمد واله وهم از آنحضرت عليه السلام مرويست كه هر
كس اين دعا را بخواند بهر مطلبي كه خواهد باذن الله تعالى بر آورده ميشود واگر چهل
جمعه بخواند ميان او و خدا هيچ گناه نماند مگر آنكه همه را پامال زند واگر پيش سلطاني يا
بزرگي رود پيش از آنكه داخل شود بخواند حضرت تعالى ايشان را با او مهربان نمايد دعا اين است
اللهم اني اسئلك يا من احتجب بشعاع نوره عن نواظر خلقه
يا من تسربل بالجلال والعظمة واشتهر بالتجبر في قدسه
يا من تعالى بالجلال والكبرياء في تفرد مجده يا من انقادت
له الامور بازمتها طوعا لامره يا من قامت السموات
والارضون مجيبات لدعوته يا من زين السماء بالنجوم
الطالعة وجعلها هادية لخلقه يا من انار القمر المنير
في سواد

في سواد الليل المظلم بلطفه يا من انار الشمس المنيرة وجعلها معاشا
لخلقه وجعلها مفرقة بين الليل والنهار بعظمته يا من استوجب
الشكر بنشر سحائب نعمه اسئلك بمعاقد العز من عرشك و
منتهى الرحمة من كتابك وبكل اسم هو لك انزلته في كتابك او
اثبته في قلوب الصافين الحافين حول عرشك فتراجعت القلوب
الى الصدور عن البيان باخلاص الوحدانية وتحقيق الفردانية
مقرة لك بالعبودية وانك انت الله انت الله انت الله
لا اله الا انت واسئلك بالاسماء التي تجليت بها للكليم
على الجبل العظيم فلما بدا شعاع نور الحجب من بهاء العظمة
خرت الجبال متدكدكة لعظمتك وجلالك وهيبتك و
خوفا من سطوتك راهبة منك فلا اله الا انت فلا اله الا
انت فلا اله الا انت اسئلك بالاسم الذي فتقت
به رتق عظيم جفون عيون الناظرين الذي به تدبير
حكمتك وشواهد حجج انبيائك يعرفونك بفطر القلوب
وانت في غوامض مسرات سريرات الغيوب اسألك بعزة
ذالك الاسم ان تصلي على محمد وال محمد وان تصرف عني جميع
الافات والعاهات والاعراض والامراض والخطايا والذنوب
والشك والشرك والكفر والنفاق والشقاق والضلالة و

او بكل اسم هو لك سميت به نفسك او استأثرت به في علم الغيب عندك

والجهل والمقت والغضب والعسر والضيق وفساد الضمير وحلول
النقمة وشماتة الاعداء وغلبة الرجال انك سميع الدعاء لطيف
لما تشاء وام از انحضرت علیه السلام مرویست که هرکس بدعای حضرت امام حسین صلوات الله
علیه دعا کند وانحضرت را باو شفیع کرد حق تعالی کربت او را بفرج رساند و دینش را ادا فرماید
و کارش را آسان کرداند و براه راستش هدایت فرماید و هتک ابرویش نکند در دنیا واخرت
و با ایمان شرح صدرش نماید و در وقت وفات لا اله الا الله محمد رسول الله
علی ولی الله تلقینش فرماید وان دعا را بعد از نماز باید خواند و هرکس بدعای امام
الحسین علیه السلام دعا کند با انحضرت محشور شود و همچنین بدعای هر یک از ائمه صلوات الله
علیهم دعا کند تا حضرت صاحب الامر علیه السلام دعا کند وان ده دعاست منسوب
باین ده امام اول دعای حضرت امام حسین علیه السلام اللهم انی اسئلك بكلماتك
ومعاقد عرشك وسكان سمواتك وارضك وانبيائك و
رسلك ان تستجيب لي فقد رهقني من امري عسر فاسئلك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل لي من عسري يسرا دعای دوم
يا دائم يا ديموم يا حي يا قيوم يا كاشف الغم يا فارج الهم يا باعث الرسل
يا صادق الوعد صل على محمد وال محمد وافعل بي ما انت اهله
دعای سیم ان كان لي عندك رضوان وود فاغفر لي ولمن اتبعني
من اخواني وشيعتي وطيب ما في صلبي برحمتك يا ارحم الراحمين
وصلى الله على محمد وال محمد دعای چهارم يا ديان غير متوان
يا ارحم

يا ارحم الراحمين اجعل لشيعتي من النار وقاء وعندك
رضاء واغفر ذنوبهم ويسر امورهم واقض ديونهم واستر
عيوبهم عوراتهم وهب لهم الكبائر التي بينك وبينهم يا من لا
يخاف الضيم ولا تاخذه سنة ولا نوم اجعل لشيعتي
من كل غم فرجا ومخرجا دعای پنجم يا خالق الخلق ويا باسط
الرزق ويا فالق الحب وبارئ النسم ومحيي الموتى ومميت
الاحياء ودائم الثبات ومخرج النبات افعل بي ما انت
اهله ولا تفعل بي ما انا اهله فانك اهل التقوى واهل
المغفرة دعای ششم اللهم اعطني الهدى وثبتني عليه امنا
امن من لا خوف عليه ولا حزن ولا جزع انك اهل التقوى
واهل المغفرة دعای هفتم اللهم يا من لا شبيه له ولا مثال انت
الله لا اله الا انت ولا خالق الا انت تفني المخلوقين وتبقى
انت حلمت عمن عصاك وفي المغفرة رضاك دعای هشتم
يا نور يا برهان يا مبين يا متين يا رب اكفني شر الشرور وافات
الدهور واسئلك النجاة يوم ينفخ في الصور دعای نهم يا عزيز
في عزه يا اعز عزيز العز في عزه يا عزيز اعزني بعزك وايدني
بنصرك واطرد عني همزات الشياطين وادفع عني بدفعك بدفعك وامنع عني
واجعلني من خيار خلقك يا واحد يا احد يا فرد يا صمد يا

يا نور النور

لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد دعای مهم یا مدبر الامور
يا باعث من في القبور صل على محمد وآل محمد واجعل لي ولشيعتي
من الضيق فرجا ومن الهم مخرجا واوسع لنا المنهج واطلق لنا من
عندك ما يفرج وافعل بنا ما انت اهله يا كريم ونیز این دعای
جليل القدر رفيع المنزله مرویست از حضرت صاحب الامر صلوات الله
علیه ست اللهم ارزقنا توفيق الطاعة وبعد المعصية وصدق
النية وعرفان الحرمة واكرمنا بالهدى والاستقامة و
سدد السنتنا بالصواب والحكمة واملأ قلوبنا بالعلم
والمعرفة وطهر بطوننا من الحرام والشبهة وكف ايدينا
عن الظلم والسرقة واغضض ابصارنا عن الفجور والخيانة
واسدد اسماعنا عن اللغو والغيبة وتفضل على علمائنا
بالزهد والنصيحة وعلى المتعلمين بالجهد والرغبة
وعلى المستمعين بالاتباع والموعظة وعلى مرضى المسلمين
بالشفاء والصحة وعلى موتاهم بالرافة والرحمة وعلى مشايخنا
بالوقار والسكينة وعلى الشباب بالانابة والتوبة وعلى
النساء بالحياء والعفة وعلى الاغنياء بالتواضع والسعة و
على الفقراء بالصبر والقناعة وعلى الغزاة بالنصر والغلبة
وعلى الاسراء بالخلاص والراحة وعلى الامراء بالعدل والشفقة
وعلى الرعية

وعلى الرعية بالانصاف وحسن السيرة وبارك للحجاج و
الزوار في الزاد والنفقة واقض ما اوجبت عليهم من الحج و
العمرة بفضلك يا ارحم الراحمين واز حضرت امیر مومنان صلوات الله
علیه مرویست که ابن غنیه این دعا را در قنوت میخواند هر که این دعا
بخواند چنان است که در غزوه بدر واحد در خون خود غلطیده باشد بعد از آنکه هزار هزار
تیر بر مشرکین انداخته باشد هذا دعای صنمی قریش اللهم صل على محمد وآل محمد
والعن صنمي قريش وجبتيهما وطاغوتيهما وافكيهما وابنتيهما
الذين خالفا امرك وانكرا وحيك وجحدا انعامك وعصيا
رسولك وقلبا دينك وحرفا كتابك واحبا اعداءك وجحدا
آلاءك وعطلا احكامك وابطلا فرائضك والحدا في آياتك
وعاديا اولياءك وواليا اعداءك وخربا بلادك وافسدا
عبادك اللهم العنهما واتباعهما واولياءهما واشياعهما
ومحبيهما فقد اخربا بيت النبوة وردما بابه ونقضا
سقفه والحقا سماءه بارضه وعاليه بسافله و
ظاهره بباطنه واستاصلا اهله وابادا انصاره وقتلا
اطفاله واخليا منبره من وصيه ووارث علمه وجحدا
امامته واشركا بربهما فعظم ذنبهما وخلدهما في سقر
وما ادراك ما سقر لا تبقي ولا تذر اللهم العنهم بعدد

كل منكر اتوه وحق اخفوه ومنبر علوه ومؤمن ارجوه
ومنافق ولوه وولي اذوه وطريد اووه وصادق طردوه
وكافر نصروه وامام قهروه وفرض غيروه واثر انكروه وشر آثروه ودم
اراقوه وخبر بدلوه وحكم قلبوه وكفر نصبوه وارث غصبوه
وفيء اقتطعوه وسحت اكلوه وخمس استحلوه وباطل اسسوه
وجور بسطوه ونفاق اسروه وغدر اضمروه وظلم نشروه
ووعد اخلفوه وامان خانوه وعهد نقضوه وحلال
حرموه وحرام احلوه وبطن فتقوه وضلع دقوه وجنين
اسقطوه وصك مزقوه وشمل بددوه وعزيز اذلوه
وذليل اعزوه وامام خالفوه وحق منعوه وكذب دلسوه
وحكم قلبوه اللهم العنهم بعدد كل آية حرفوها وفريضة
تركوها وسنة غيروها وسنن منعوها واحكام عطلوها
وارحام قطعوها وبيعة نكثوها ودعوى ابطلوها
وبينة انكروها وآيات جحدوها وحيلة احدثوها
وخيانة اوردوها وعقبة ارتقوها ودباب دحرجوها
وازياف لزموها وشهادات كتموها ووصية ضيعوها
اللهم العنهما في مكنون السر وظاهر العلانية لعنا
كثيرا ابدا دائما دائبا سرمدا لا انقطاع لامده ولا نفاد
لعدده

لعدده لعنا يعود اوله ولا يروح آخره لهم ولاعوانهم وانصارهم
ومحبيهم ومواليهم والمسلمين لهم والمائلين اليهم والناهضين
بهتجاجهم واجنحتهم والمعتقدين بمودتهم والمقتدين بكلامهم
والمصدقين باحكامهم بعد ازین چهار مرتبه بگوید اللهم عذبهم عذابا
يستغيث منه اهل النار في النار امين رب العالمين **باب پنجم**
در آداب عادات و مجاری احوال و سایر جزئیات و سوانح افعال واین مشتمل است انشاء الله
تعالی در دوازده فصل بیان میشود **فصل اول** در انواع لباس و آداب پوشیدن آن روایت
از اهلبیت طاهرین علیهم السلام که حق تعالی جمیل است و جمال را دوست دارد و چون بنده را نعمتی
ظاهر سازد دوست دارد که آثار نعمت او را ظاهر گرداند که شکر نعمت او بجا آورده اگر کفران
کرده است و بهترین لباسها پنبه است که لباس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت او است
و هر لباسی که موجب خضوع و انکسار گردد بهتر است و بدترین لباس آن است که موجب کبر
و عجب است چنانچه مرویست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام روزی جامه فاخر
پوشیده از خانه خود بیرون رفتند بعد از لمحه مراجعت فرمودند و آن لباس را عوض نموده
فرمودند گویا علی ابن الحسین نبوده ام و فرمودند که چون بدن بجای نازک عادت کند
سرکش گردد و از حضرت موسی مرویست که آنحضرت جامه نو را ابریشم کشیده تا طراوت و نرمی
او برطرف گردد و بعد از آن میپوشیدند و هر کس جامه برای تکبر و شهرت بپوشد روز قیامت
حق تعالی جامه از آتش در او پوشد و در جهنم او را سرنگون گردانند و از حضرت جعفر صادق
پرسیدند که هیچ تکبر در لباس کدام است فرمودند که چون جامه نو پوشی خواهی که مردم ببینند و لباس

ملا و حریر بر مردمان حرام است هر که در دنیا حریر بپوشد در آخرت از نور و استبرق
بهشت محروم گردد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند
یا علی حریر مپوش که حق تعالی در قیامت مر ترا با آتش بسوزاند و بهترین لباسها لباس سفید است
و لباس سیاه از بنی امیه است و سیاه از بنی امیه است در هر لباس مذموم است مگر در عمامه و موزه
بروایت دیگر با عمامه و زعفرانی لباس بنی عباس است و قرمز لباس لباس شیطان است
و معصفر لباس اهرمن است و کفش زرد لباس انبیاست و چشم را قوت دهد و دل گیر
را ببرد و تعیش که کهنه شود و قوت مباشرت دهد و کفش سفید هنوز کهنه نشده باشد که خدای تعالی
بدو کمال مالی عطا فرماید و کفش سیاه لباس جباران است و چشم را از آن قوت
نماند و مورث غم باشد و مباشرت را ضعیف سازد و آهن لباس اهل نار است نشاید
که مؤمنان بپوشند و یا با آن نماز کنند در روایت که پاک نباشد دستی که در آن انگشتر
آهن باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که عقیق سرخ و زرد و سفید
سه کوه است در بهشت عقیق سرخ مشرف است بر خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سفید بر خانه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و زرد بر خانه حضرت فاطمه علیها السلام
و خدا را تسبیح کنند و بر دوستان اهل بیت دعا و استغفار میکنند هر کس از شیعیان
که یکی از آنها را در انگشتر کند غیر از خیر و خوبی و وسعت رزق و سلامتی نبیند و از انواع
بلاها و از بیم سلاطین و از جمیع مکاره و مخاوف در امان حق تعالی باشد و دفع پریشانی
کند و از نفاق بری شود و هیچ دست بدعا برداشته نشود بهتر از دستی که در او انگشتر
عقیق باشد دستی نیست و حاجات آن کس بدعا مقرون است و خدای تعالی
نظر بر زمین

نظر بر زمین افکند از نور جمال خویش عقیق را آفرید پس فرمود قسم بذات خودم که عذاب
نکنم دستی را که بولایت علی انگشتر عقیق داشته باشد و در روایت دیگر آمده که حق
تعالی کوهها را آفرید ولایت اهل بیت را عرض که فرمودند اول عقیق و یاقوت قبول
کردند پس ایشان را فضل و شرف عطا فرمود و در روایت دیگر آمده است که عقیق اول
کوهی که اقرار بوحدانیت خدا و نبوت رسول ص و آله و وصیت علی و اهل بیت کرد و بهشت
برای دوستان ایشان و جهنم برای دشمنان نمود و دو رکعت نماز با انگشتر عقیق برابر است
با هزار رکعت بی آن و سکه محمد نبی الله و علی ولی الله بر عقیق نقش کنند و در انگشتر کنند
از دنیا بیرون نرود مگر بر فطرت ایمان و جمعی در سفر حرامی زده بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
رفتند و شکایت کردند فرمود چرا انگشتر عقیق با خود ندارید که امان است از جمیع مکاره
و حدیث دیگر در فصل تعویذ و حرز گذشت و یکی از غلامان امام علی نقی علیه السلام گوید رفتم
بخدمت آنحضرت برای زیارت امام رضا علیه السلام مرخص شوم فرمودند که انگشتر عقیق زرد
با خود دار که بر یکرویش ما شاء الله لا قوة الا بالله و استغفر الله و بر روی
محمد و علی نقش باشد که امان است از راه زدن و بجهة حفظ دین بهتر و برای سلامتی
تمام تر و انگشتر دیگر فیروزه بردار که بر یکرویش الله الملک و بر روی دیگر الملک لله
الواحد القهار نقش باشد که امان است از سباع و ظفرست از غربا و چون از
نیشابور بگذری سر راه ترا گیرد و هم قافله را مانع شود تو پیش رفته خاتم را باو بنما و بگو مولای من
میفرماید که از راه من کناره رو پس من هر دو انگشتر را چنان فرمودند برداشتم و حکایت
چنان شد که فرموده اند گذشت و چون از زیارت مراجعت نمودم بخدمت آنحضرت رفته گذارش را

عرض کردم فرمودند باقی ماند عرض کردم فرمودند باز باقی ماند عرض کردم شاید من
فراموش کرده باشم فرمودند شبی در نزد قبر مقدس آنحضرت خوابیده بودی که جماعتی
از جنیان بزیارت آمده بودند چون انگشتر عقیق و فیروزه در دست تو دیدند بیرون
کرده شستند و آنکس را بیماری داوند شفا یافت و انگشتر در دست جماعت بود
در دست چپ که گذاشتند تو چون بیدار شدی تعجب کردی و جستی را انداختی و در
میان سر خود پاره یاقوت یافتی که الحال با خود داری هدیه ایشان است که برای تو
آورده اند آنرا ببازار بر ده هشتاد دینار طلا بفروشی پس او را ببازار زر برده بهمان
قیمت فروختیم و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که دوست دارم شیعه
ما پنج انگشتر در دست داشته باشد که مؤمنان را خوش آید و محتاج نشود دستی که فیروزه
در او باشد چشم و دل را قوت دهد و خدا شرم دارد که نومید کند دستی را که در او فیروزه
دعا کند و حدید سیاهی همیشه در دست نکند بلکه با خود دارد که شر شیاطین جن را دور کند و
چون بظالمان و اشرار ملاقات کند در دست کند که شر ایشان را دفع نماید و در
نجف اشرف هر کس انگشتر در دست کند هر نظر که کند حجی باشد و ثوابش مثل ثواب انبیا
و صلحا بوده باشد اگر نه بسبب ثواب حق تعالی بر شیعیان بنی امیه که میخونت کار اغنیا و فقرا
همه را معتقد و ر باشد قیمت آنرا چنان نمیبود که هیچ از بابان و فا نکند مرویست که جزع یمانی
که فارسیان سلیمانی گویند تسبیح و استغفار کند و ثوابش برای صاحبش باشد و دو رکعت
نماز با آن برابر است با هزار رکعت نماز **در آداب** پوشیدن جامه مرویست از اهل
بیت طاهرین صلوات الله علیهم که در جامه پوشیدن و کندن و در هر کاری ابتدا
بسم الله

بسم الله بگوید تا شیطان شریک نشود و هر کس جامه نو پوشد اول وضو کند و دو رکعت
نماز گذارد و در هر رکعت الحمد و آیه الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه بخواند و بگوید
الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس
حولقه بسیار بگوید در آنجامه گناه نکند و بعد هر رشته برای او دعا و استغفار کنند
و از خدای تعالی طلب رحمت برای او نمایند و اگر بگوید الحمد لله الذی کسانی
من اللباس ما اتجمل به فی الناس اللهم اجعله ثوب برکة اسعی
فیه لمرضاتک و اعمر به مساجدک گناهانش همه آمرزیده شود در آنجامه که پوشیده و اگر
کوزه آب کند سی و دو بروایتی سی و شش مرتبه انا انزلناه بخواند و بر آن جامه بپاشد تا رشته
از آن باقی باشد در وسعت و رفاه باشد و چون جامه بپوشد و فارغ شود بگوید
اللهم بک استترت و الیک توجهت و بک اعتصمت و علیک
توکلت انت ثقتی و انت رجائی اللهم اکفنی ما اهمنی و ما لا
اهتم به و ما انت اعلم به منی عز جارک و جل ثناؤک و لا اله
غیرک اللهم زودنی التقوی و اغفر لی ذنبی و وجهنی للخیر
حیثما توجهت و چون عمامه بر سر نهد یا انگشتر در دست کند بگوید سوره ... آخر
چنانکه در فصل آداب حمام گذشت و عمامه ایستاده بستن مرویست هر کس عمامه و
تحت الحنک بندد الم یا درد سر شکایت نکند که خوب شود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود عجب دارم از کسی که تحت الحنک بسته بحاجتی رود و چون حاجتش بر نیاید و در
زمانیکه بسبب ابنای دنیا تحت الحنک متروک گشته مثلا اگر کسی در اول عمامه بستن تحت

وما اهمنی الا من الله ...

الخنک ببندد و چنانکه بعضی میکنند تا این سنت متماست بعمل آید مقبول باشد و چون کفش
پوشد ابتدا بپای راست کند و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله اللهم صل
علی محمد و آل محمد و وطئ قدمی فی الدنیا و الآخرة و ثبتهما
علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و چون بکند ابتدا بپای چپ کند و بگوید بسم الله
الحمد لله الذی رزقنی ما اوقی به قدمی من الاذی اللهم ثبتهما
علی الصراط السوی و باکیهای کفش راه نرود که اکر شیاطین متعرض او شوند او
زود رها نکند و چون جامه از بدن بیرون کند تا از کشادنی و کهنکی محفوظ ماند و شیطان نه پوشد
و چون جامه از سر بر کرد طاق بالائیش را بر داشته در میان نفس کذارد تا شیطان بر نهند

فصل دویم در قدر طعام خوردن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که منافق
با هشت روده طعام خورد و مومن از یک روده و بسیار خوردن دل را سخت و تیره
کرداند و از خدا دور و غافل کرداند و در این بی پروا کند و شهوت را زیاده کرداند
و نفس را سرکش و شیطان را اعانت نماید و موجب چندین مرض باشد که بمرور ظاهر
شود و هر کس در دنیا سیر تر است در آخرت کرسنه تر است و در سیری چیز خوردن
مورث برص باشد و دشمن ترین حالات در نزد حق تعالی آنست که شکم پر باشد و دوست
ترین حالات در نزد خدا کرسنکی است و سبکی و یکلقمه بضرورت خوردن افضل است از
بیست شب عبادت کردن و هر کس خدا را بشناسد دهن از کلام ناخوش و شکم از خوردن
حرام منع کند و تا ضرورت نشود نخورد و کرسنکی ادام مومن و غذای روح و قوت
دل و صحت بدن و دوا و اثار تعلس سیری است مرویست که حضرت یحیی علی نبینا از

ابلیس پرسید

از ابلیس پرسید که هیچ صفتی از من میبینی که ترا خوش آید کفت آری وقتی که افطار زیاد و سیر شاول
نمائی و از بعضی عبادات باز مانی حضرت فرمود که عهد کردم که دیگر سیر نخورم و زیاد نخورم و این
با وجود آنست مرویست که طعام آنحضرت از علف و کیاه بود و آنحضرت قضای خود با قضای
حیوانات امتیاز نمیداد و حضرت رسول صلعم فرمود که بعد از من کروهی آیند که در نعمت ثروت
یابند و همت ایشان غیر الوان اطعمه نبود و چون از مجلس [illegible]
ایشان بدترین امتان من باشند و حضرت باقر علیه السلام فرمود هر کس شکمش اهمال
باشد که داخل شکمش شود و قیمتش همان است که بیرون میرود و نیز مرویست که ثلث شکم
برای طعام و ثلث دیگر برای آب ثلث دیگر برای نفس و خود فربه نکنید چنانکه اهل
فرنک کوسفند را برای ذبح فربه میکنند و فضایل طعام و رزایل کثرت آن عقلا و نقلا
زیاده از آن است که این مختصر کنجد **فصل سیم** در اوقات طعام خوردن و احکام
متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بهترین اوقات از برای
اکل دو وقت است یکی صبح و روایت است که هر کس عمر دراز خواهد چاشت را زود خورد و دویم
وقت خوردن خفتن است که البته باید چیزی تناول نمود خصوصا پیران را و ترک نباید کرد
که اصل خرابی بدن و ضعف نفس و موجب ضعف صحت قوای است و رکی در بدن است که عرق
عشا میکویند اکر شبی کسی چیزی نخورد آن عرق نا عشا نفرین میکند و کوید خدا سیر و سیراب
نکند ترا چنانچه تو کرسنه و تشنه کذاشتی مرا در این میانه دیکر چیزی نشاید خورد که موجب اوجاع
و امراض و فساد بدن باشد در روایات بسیار در مذمت تنها خوردن آمده که شیطان شریک میشود
و طعام بی برکت و علامت کبر و بخل باشد که مداومت بر این موجب کبر و بخل کردد و در روایت بسیار

طعام موجب زیادتی برکت میشود و جمعی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله شکایت
کردند که طعام میخوریم و سیر نمیشویم فرمود که شما طعام تنها میخورید و سیر نمیشوید با هم جمع شوید و بسم الله
بگوئید تا برکت زیاد شود و در اوانی طلا و نقره اکل و شرب حرام است هر کس چنین کند آتش در
شکمش جوش زند و دست شستن پیش از طعام و بعد از آن دفع پریشانی کند و روزی زیاد کند
و عمر دراز کند و چشم را جلا دهد و اهل مجلس همه در یک لگن دست بشویند تا پر شود یا همه فارغ
نشوند آب را نریزند که خلق ایشان نیکو شود و جمعیت ایشان مستدام گردد و در دست شستن
پیش از طعام ابتدا بصاحب مجلس کنند و بعد از او از جانب راست او بشویند بترتیب و بعد از
طعام ابتدا بجانب چپ او کنند و باو ختم کنند و یا ابتدا بجانب راست در خانه کنند هر کس نشسته
و چون پیش از طعام دست بشویند خشک نکنند تا رطوبت در دست باشد برکت بیفزاید
و چون حاضر شود بگویند بسم الله اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل
بها نعم الجنة که چهار ملک در این وقت حاضر شوند پس اگر در وقت شروع بسم الله
بگویند ملائکه گویند خدای تعالی برکت بر شما زیاده کند و شیطان لشکر خود را گوید بیرون
روید که شما را در آن نصیبی نیست و اگر بسم الله نگویند گوید بیائید که شما را بهره در آن است
در این طعام و اگر قدری خورده بسم الله گویند شیطان هر چه با ایشان خورده قی کند
یعنی شرکتش زایل شود و هر کس طعام حلال خورد و در اول بسم الله و در آخر الحمد لله
گوید روز قیامت او را از آن طعام نپرسند هر کس بگوید بسم الله و الحمد لله رب
العالمین هنوز لقمه بزمین نرسیده باشد که گناهانش آمرزیده شود و اگر چند نوع طعام
باشد در هر کدام بسم الله بگوید و اگر فراموش کنند که در هر یک بگویند در اول بسم الله

علی اول

علی اوله و آخره بگوید و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود بسم الله
بگوئید هر چه خواهید بخورید من ضامنم که ضرر نکند بعونه کعب گفت من بسم الله گفتم و ضرر
کردم فرمود چند نوع طعام خوردی و در بعضی بسم الله نگفتی کعب گفت بلی فرمود از
از آنها ضرر کردی و دیگری ایمان سخن کعب فرمود در اثنای طعام حرف زدی و
بعد از آن بسم الله نگفتی عرض کرد بلی چنین بود فرمودند که آن تتمه ضرر کرد بسبب
که هر کس عبارت خلعه جمع کند در اول طعام بسم الله و در آخر الحمد لله گناهان
ایشان آمرزیده شود و اگر با مجذوم یا با صاحب بلا طعام خورد بگوید بسم الله
ثقة بالله و توکلا علیه مرویست که حضرت امیر علیه السلام بحضرت امام حسن
فرمود که هیچ لقمه گرم یا سرد و هیچ شربت آبی نخوری مگر آنکه پیش از آن بگوئی
اللهم انی اسألک فی اکلی و شربی السلامة من وعکه و القوة
به علی طاعتک و ذکرک و شکرک فیما بقیته من بدنی و ان
تشجعنی بقوتها علی عبادتک و ان تلهمنی حسن التحرز عن
معصیتک فانک ان فعلت ذالک امنت وعکه و غائلته چون
بگوئی از مضرت آن ایمن گردی مرویست که در طعام دوازده خصلت است
که بر هر مسلمی لازم است دانستن او چهار خصلت که فرض است دانستن این
نعمت از جانب خدا و راضی بودن بقسمت و بسم الله گفتن و شکر کردن و چهار
خصلت است که سنت است دست شستن پیش از طعام و بر جانب چپ باید
انگشت خوردن و انگشتان لیسیدن و چهار خصلت است که از ادب است

پیش خود خوردن و لقمه کوچک گرفتن و بسیار خائیدن و نگاه بر روی مردم نکردن و مروت
که بر طعام از روی ادب باید نشست آنست که بر زمین گذاشتن بر وجهی که تکیه بر یک جانب [illegible]
ندارد و از بعضی از ائمه علیهم السلام مرویست که چنین می نشسته اند و با دو انگشت نباید خورد
که شیوه متکبران است اما با همه انگشتان قصوری ندارد و مرویست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چنان
میکرد و با دو چوب نشاید خورد و گرم نرم باشد از بالای طعام نباید خورد زیرا که برکت از بالا آید
بلکه از اطراف باید خورد و مستحب است افتتاح و اختتام بنمک کردن که هفتاد درد را دفع
کند که از آنجمله جنون و جذام و برص است و اگر بر لقمه اول نمک بپاشد لکه‌های سیاه و سفیدی که در
رو باشد زایل شود مرویست که اگر مردم بدانند که در نمک چه قدر خاصیت است محتاج تریاک
فاروق نشوند و روایات دیگر آمده که مأمور است افتتاح بنمک و اختتام بسرکه بنمایند
و مرویست که سرکه عقل از این نمی کند بلکه زیاد کند و دل را زنده گرداند و گوشت و دندان را محکم
گرداند و صفرا را بشکند و نان را با سرکه خوردن کرم معده را بکشد و شهوت زنا را قطع کند
مرویست که سرکه در خانه مثل دوست صالح که دعای برکت برای اهل آن خانه نماید مستحب است که
سبزی در سفره باشد که زینت سفره است مرویست که روزی در سفره امام موسی علیه السلام سبزی نبود
میل نفرمود بطعام تا آنکه سبزی آوردند و فرمود سبزی در سفره نباشد من میل بطعام نمیکنم و شکر و
حمد بسیار کنید بازی و لغو و بیهوده و بی ادبی نکنید که هر که هر چه کند طعام در روز قیامت
شهادت دهد و طعام بسیار گرم نباشد که بی برکت و شیطان شریک شود و بر طعام تف
نکند و استخوان را از گوشت خالی نکند که نصیب جن است و نیز از جهت ادب بر طعام و آب و بر روی
مصحف و موضع سجود و نفخ نباید کرد و مرویست که اگر استخوان را گوشت خالی کنند بهتر از آنکه
جن در

جن در خانه کم شود و چون جمعی در سفره باشند کسیکه زودتر سیر شود دست نکشد که مبادا دیگران خجل
شوند و هر کس کاسه را بلیسد چنانست که مثل آن تصدق کرده باشد و هر کس انگشتان را بلیسد
خدای تعالی فرماید که بارک الله فیک و خوردن ریزهای سفره طعام امانست از جنون و جذام
و مهر حور العین است و برص و صفرا و حمق را رفع کند و او را [illegible] علت است و اولاد بسیار شود
و نفی فقر و پریشانی کند از او و از ولد او و ولد ولد او تا هفت پشت اما اگر در صحرا و بیرون خانه
باشد ریزهای خوان را نباید برداشت هر چند بسیار باشد که نصیب طیور است و حیوانات
دیگر و هر کس پاره نانی از سر راه بردارد و بخورد هفتاد حسنه باشد و اگر میان نجاست بوده بردارد
و کناری گذارد هفتاد حسنه برایش بنویسند و اگر بخورد بهشت او را واجب شود یا هر کس پاره
نانی یا خرمائی یا غیر آن از نعمتهای افتاده بردارد و بخورد هنوز بدرون نرفته باشد که گناهانش
آمرزیده شود و چون از طعام فارغ گردد بگوید الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین و سقانا
فی ظمآنین وکسانا فی عارین وهدانا فی ضالین وحملنا فی راجلین
واخدمنا فی عائلین وفضلنا علی کثیر من العالمین هر کس بعد از طعام
بگوید الحمد لله الذی اطعمنی فیه ورزقنیه من غیر حول منی ولا قوة
کفاره شصت ساله گناهان او گردد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هر گاه شیر تناول می فرمود
میفرمودند اللهم بارک لنا فیه وزدنا منه و ابدلنا خیرا و چون بخوردند غیر شیر میفرمود اللهم بارک
لنا فیه وابدلنا خیرا منه و چون خوان بردارند بگویند الحمد لله
رب العالمین اللهم اجعلها نعمة مشکورة و صاحب طعام را دعا کنند
و بگویند اللهم بارک لهم فیما رزقتهم واغفر لهم وارحمهم اللهم

اللهم بارک لنا فیما رزقتنا ... وزدنا منه ...

الحمد لله الذی اطعمنی واسقانی من سقانی بعد از دست شستن از جهت چربی و درد دست باشد و

بخواند از کرده اخنه این نباشد و چون بعد از طعام دست بشوید دست تر را بر ابرو بمالد

و سه مرتبه بگوید الحمد لله المحسن المجمل المنعم المفضل از رمد چشم ایمن گردد و اگر دست

بر رو بمالد کلف رو زایل شود و سبب زیادتی روزی باشد و چون دست بر رو مالد بگوید

الحمد لله الذی هدانا واطعمنا وسقانا وکل بلاء صالح اولانا و اگر میوه نو ببیند

ببوسد و بر چشم گذارد و بگوید اللهم کما اریتنا اولها فی عافیة فارنا

آخرها فی عافیة و نیز بگوید اللهم بارک لنا فی مدنا و چون تناول کند بگوید

اللهم کما اطعمتنی اولها فاطعمنی آخرها وبارک لی فیها و مستحب است که از آن بگوید چک

ترین اطفال مرویست که میوه را بشوید که هر میوه زهری دارد و بعد از طعام خلال کردن مستحب است

که دهن را خوشبو کند و دندان را محکم کند و سبب زیادتی روزی باشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله

فرمود که ملایکه را هیچ چیز بالکه آنقدر خوش نیاید که از خلال کردن آید و از هیچ چیز آنقدر بد نیاید

که از طعام زیر دندان آید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی رحمت کند بر هر که قبل از وضو

و بعد از طعام خلال کند از است من و ملکی از آسمان ندا کند که اللهم بارک فی

المتخللین والمتخللین اتا گفتند که هر که در خانه و متخللین آنانند که خلال کنند و هرچه با

خلال از دندان بیرون آید باید انداخت و اگر با زبان جدا شود فرو برند و با چوب

ریحان و انار خلال نکنند که عرق جذام را حرکت دهد و کسیکه بانی خلال نشد هفت روز

و عابس مستجاب نشود **فصل چهارم** در فضایل بعضی از انواع ماکولات مرویست از اهل

بیت طاهرین علیهم السلام که ما و شیعه ما از حلاوت مخلوق گشته ایم از این است

کرحلاوت

که حلاوت را دوست داریم و نیز مرویست که مومن لذیذ است و شیرین لذیذ

و شیرین را دوست دارد و مرویست که شکر تمامش دواست و هیچ مضرت در او نیست

و عسل دوای هر علت است و هیچ چیز را ضرر نکند اما قدر استعمال آن در احادیث یک

انگشت و سه انگشت و ماهی یک مرتبه و مثل آن وارد شده است اگر هر قدر و هر وقت

و در هر حال که خواهند بخورند توقع شفا داشته باشند و نیز مرویست که عسل که بسر

باشد بوی نیش عطار در دیا طعمش در ذائقه تند و گزنده باشد سم قاتل است و غیر آن

نافع است و دوست و مرویست که ما اهل بیت خرما را دوست داریم و شیعیان

ما از طینت ما مخلوق شده و خرما را دوست دارند و نیز مرویست که اکرام کنید عمه نخله

که از طینت حضرت آدم مخلوق گشته هر کس هر روز هفت دانه عجوه که نوعی است از خرما

و بخورند در اثر ذرار از سحر و زهر و شیطان ایمن باشد و اگر وقت خوابیدن بخورد کرم

معده را بکشد مرویست که اکرام کنید نان را که خدای تعالی برکات سموات را برای او

انزال فرموده و برکات ارض را بیرون آورده از عرش تا ارض از آن جمله فرموده از جمله

اکرام آنست که با کارد نبرند و زیر پا نگذارند و چون بر سفره حاضر شد انتظار چیز

دیگر نکشند و زیر صحن نگذارند مرویست که دانیال پیغمبر کشتی بان نانی داد

که او را در کشتی نشاند نان را انداخت و گفت این را چه کنیم این در پیش ما زیر

پا افتاده است دانیال گفت خدایا دیدی نان چه گفت پس خدای تعالی امر کرد که باران

بر زمین نبارید و گیاه از زمین نرست و قحط شایع گشت تا آنکه روزی زنی بار نانی

گفت اگر در فرزند تراشیم بخوریم فردا فرزند مرا از دارو اول طفل را خوردند تا در فصل

دیگر در کشتن طفل خرد و ضعیف‌ها انشه ما که بکند حضرت دانیال بر دعوی حضرت فرمود کار
شما با بیچاره رسید پس دست دعا بر داشت و دعا کرد که بار خدایا اطفال بی‌گناهان
بیگناه کشته شدند بر ایشان رحم فرما پس باران بر زمین آمد و قحط زایل گردید و از ایشان
روایت که فضل نان گندم بر سایر نانها مثل فضل ما است بر سایر ناس و دوای
هر علتیست و صاحب سل را هیچ چیز نافع‌تر از برنج نیست و در روایات آمده که ما
اهل بیت گوشت بسیار تناول میکنیم و بسیار دوست میداریم کسی را که گوشت را
دوست دارد و سید طعامها گوشت است در دنیا و آخرت هر که چهل روز گوشت
نخورد بسیار بدخلق میشود پس در گوشش اذان باید گفت و مستحب است هر روز گوشت
خوردن و مکروه روزی دو مرتبه نباید خورد و بهترین گوشتها گوسفند است مرویست که اگر
از آن بهتر بودی حق تعالی برای حضرت اسمعیل فدا فرستادی و گوشت کبک تب را زایل
کند و بهترین اعضای حیوان از اعالی بدن اوست و مذموم‌ترین آنها آنکه به بول
گاه نزدیک‌تر است و سید طعامها گوشت برنج است و برنج بواسیر را ضایع کند و
مرض را نافع است و در روایت آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل گردید چهل
روز قوت طاعت افزاید و عدس دل را رقیق و نازک کند و اشک چشم را روان گرداند
و باقلا دماغ را قوت دهد و ساقین را قوی گرداند و فرزند صالح از آن تولد گردد و
و کرفس و کاهو هر یک شما ضرر کند اما با هم نافع باشند و روایت دیگر آمده که کرفس در
روز ضرر کند و در شب نافع باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که چه
خوب لقمه ایست ... دهن را خوشبو و طعام را هضم کند و اشتها آورد و هر که در اول هر طعام نمک
بخند

بخورد امیدست که در آن ساعت دعای او رد نشود و خربزه آبش رحمتست و شیرینش از بهشت
لقمه از آن هفتاد هزار حسنه میشود و هفتاد هزار سیئه محو شود و ناشتا نباید خورد که موجب
فالج است و انگور رازقی از میوه‌های بهشت است و انگور سیاه غم را زایل کند و هر که هر روز ناشتا
بیست و یک دانه مویز سرخ بخورد از جمیع امراض ایمن گردد و بهیچ مرضی گرفتار نشود مگر مرض موت مرویست که
حق تعالی صد و بیست نوع میوه بشما داده است سید همه انار است که فرزند نیکو کند و اگر گرسنه بخورد
سیر شود و اگر بر سر طعام بخورد گرسنه شود در هر اناری دانه از بهشت است از این جهت است که انار
شما را تمام باید خورد تا از دانه بهشت محروم نشود هر یک انار که شما بخورد حق تعالی تا چهل روز شیطان
را از او دور گرداند و اگر دو انار بخورد دل او نورانی بشود تا صد روز و اگر سه انار بخورد تا یک
سال شیطان از او دور گردد و هر که یک سال گناه نکند از اهل بهشت است و در روایت دیگر آمده
که شیطان را بیمار کند هیچ دانه انار داخل شکم مومن نشود مگر آنکه جگر کوفت را زود دفع
کند و سیب سم و بلغم و سایر امراض از قبیل باد زعفران تب را زایل کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که
ما هر گاه بیماران خود را سیب مداوا میکنیم شما نیز بیماران خود را سیب بدهید که هیچ چیز نافع‌تر از
آن نیست راوی گوید که اهل بیت من همه بیمار بودند سیب دادم همه صحت یافتند و خوردن
سیب ناشتا معده را قوت دهد زهر جانوران هیچ چیز نفع از آن نیست که ... شاید
و سیب بهتر زعفران داروی شده است و معده و دل را قوت دهد و زنگ را روشن کند
و ... دل را داد کند و فرزند را در شکم مادر جمیل کند و ... اگر ناشتا خورده شود و غم را ببرد
آنجا که انگشت عرق ... پاک و دل و چشم را جلا دهد و عقل را زیاد کند و محبت در دل زیاد کند
و هر که یک به بخورد خدای تعالی چهل روز زبانش را به حکمت جاری گرداند و اگر سه روز ناشتا بخورد

زهن صفا یابد و دل از عقل و علم مملو گردد و از کید ابلیس و جنودش محفوظ گردد و امرود دل را قوت

دهد و معده را دباغت کند و دردهای اندرون را تسکین دهد و بعد از طعام نافع ترست و دیگری را برد

و انجیر شبیه ترین میوه هاست بمیوه های بهشت و بواسیر و نقرس را قطع کند و بوی دهن را ببرد و

استخوان را محکم کند و هر علتی را نافع میباشد و محتاج بهیچ دوا نباشد و گوید و دماغ را قوت دهد

و عقل را زیاد کرده اند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون در خانه طعام بخشندی امر میفرمودی تا کدو

بسیار کنند و چغندر در کنارهٔ فردوس روئیده و برگ آن عرق را و جذام را رفع کند و

برصام را هیچ چیز نافع تر از آن نیست و از بیخ آن احتراز باید کرد که بیخ سودا کند و بیماران را سو

نافع باشد و موجب خواب و استراحت ایشان بود و هیچ الم در آن نبود و گزر گرم است و امان

از بواسیر و در مباشرت بیفزاید و بادنجان از برص و الام را نافع باشد و سرما و گرما هر دو جان

را نافع باشد و بسیار بلغم را ببرد و نافع است بدن را و دهن را خوشبو کند و عقل را زیاد و اعصاب

را محکم کند و مجامعت را قوت دهد و گوشت دندان را زیاد کند مرویست که چون داخل بلدی شوی

باران آن بلد را بخور تا تغیر آب و هوا را نافع بود و گندنا سید سبزیهاست هر روز هفت قطره از

بهشت بر آن ریزد و بواسیر را رفع کند و دهن را خوشبو کند و امان است از جذام کسیکه

مداومت کند و چون سه روز بخورد پیر زرا نافع باشد و کاسنی سید سبزیهاست هر روز قطرهٔ

قطرهٔ از آن از بهشت چکد پس نباید افشاند و نیز حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله او لاد او است

اولاد ذکور بسیار کند و مرویست که فضل آن بر سایر سبزیها مانند فضل ماست بر سایر

ناس و دوای هزار علت است هر کس وقت خوابیدن هفت برگ آن بخورد از اکثر بهشت

باشد و خیار مسموع گشت که اگر تخم او را بکارند و دو پاره دست لشان کنند طبیعت درست

گردد و بار

گردد و بادروج که بفارسی بادروج است سبزی حضرت امیرالمؤمنین است علیه السلام و همان حضرت فرموده

که دوست دارم که پیش از طعام بخورم کوارا باشد و دفع ثقل نماید و بوی دهن را خوش کند و برگ

ترب هضم طعام و بادها را دفع کند و بول را براند و بلغم را دفع کند و کسیکه شب جرجیر بخورد

که بفارسی تره تیزک گویند از جذام و برص ایمن گردد و قادت بقلهٔ الهی ساخته که بر گوشت

بروید و استخوان سخت کند و هفتاد نوع بلا را دفع نماید و اگر بعد از طعام بخورد هضم طعام

کند و روایتی وارد شده است که قادت با شکر بخورند که مضر باشد و اگر هفت سر تره با آب بشویند

و بعد از آن بخورد دیگر زیر بغلت را ببرد و قوت ساق و قدم باشد و کسی که بمرض برسام مبتلا گشت

حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که قادت بیاشامد و در تربت پیغمبر نیاشامید که شفا یافت و قادت

و عدس تشنگی را بنشاند و معده را قوت دهد و همچنان خون را ساکن گرداند و حرارت

اندرون بنشاند و دوای هفتاد علت است مرویست که زنی را حیض غلبه کند تا آنکه نزدیک

بموت رسید حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که قادت و عدس آشامید صحت

یافت و کسیکه بتخم مرغ مداومت کند اولاد بسیار شود و ماهی بسیار خوردن بدن را

لاغر کند و اگر کسی شب ماهی بخورد و بعد از آن خرما نخورد ... باشد و جربه گوشت

هر لقمه که داخل بدن نشود آنقدر گوشت پرورش کند و روغن او است و مرویست که چون کسی به

سال برسد و شب بخوابد و روغن خورده باشد که موافق مزاج ایشان است فصل در فضایل

آب و آنچه متعلق است با آب مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم که سید اشربهٔ

جنت آب است هر که از آب ملتذ شود حق تعالی او را از اشربهٔ بهشت ملتذ گرداند و گویا معنی

ملتذ شدن از آب این است که قدر این نعمت و تفضل الهی را در اعطای آن بداند و

ویکی از اطبا حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا از آب خوردن منع نمود آنحضرت فرمود که چرا
منع میکنی آب طعام را هضم میکند و صفرا را میشکند و اطفاء حرارت کند و غضب بنشاند و عقل
را زیاد کند اما افراط نباید کرد و ناشتا نباید آشامید که در حدیث است که مادهٔ هر علت
و بسیار امراض از آن متولد شود و سورهٔ مؤمن خواه آب خواه غیر آن شفای هر مرض است
هر که سورهٔ مؤمن را تبرک بیاشامد خدای تعالی فرشته خلق کند که برای ایشان استغفار کند
تا روز قیامت و آب زمزم دوای هر مرض است و حضرت امام جعفر علیه السلام احول
پرسیده گفتند او را صورت گذاشتیم فرمودند که من اگر بجای شما میشدم آب میزاب
یعنی ناودان کعبهٔ معظمه باو میدادم راوی گوید که میزاب نبوده ادم فی الحال شفا یافت
و آب باران بدن را از آلام پاک کند و تب و آلام و وسوسهٔ شیطان را ببرد و ایمان را
در دل ثابت میدارد و آب فرات ناودان از بهشت در او میریزد و فرشته هر شب
از آسمان آید و سه مشک در آن میریزد و در روی نهری که مبارکتر از آن نیست
و آب جوشیده بهر علتی دواست بهیچ چیز از آن ضرر نکند و اگر آب سه جوش داده باشند
که هفت جوش بی نزاریس بطرف دیگر بکشند و بنوشد تب را ببرد و ساق و قدم را
قوت دهد و با آبهای گرم که تلخ و بدطعم باشد مراد آنکند که در ظلمات اجابت نوح نکرده اند
پس ابهار الفتنه شوند مردی روزی بحسین آب دوا که حضرت امام حسین علیه السلام گشته
خاطر گردید فرمودند معلوم میشود که چرا که خدای تعالی لعن نکرده شفای در آن با
زیرا که چشمه اجابت حضرت نوح کردند ملعون گشتند تلخ و شور گشتند و دیگر نهر
که آب که هر روز سه مرتبه انکار ولایت ما میکنند مداوا میکند تا آن هرگز دوا نمیشود
زیراکه خدا

زیرا که خدای تعالی ولایت ما را بر آبها عرض کرد و هر کدام قبول کردند عذب و طیب
شدند و آنها که انکار کردند تلخ و شور شدند **فصل ششم** آشامیدن آب اگر روز
است آشامیدن افضل است که برای قوت و طاقت و صحت بدن و
هضم طعام بهتر است و ایستاده نوشند که مورث صفرا و عرق خلام
و آشامیدن آب باید بطور مکیدن باشد که بغیر آن باعث بیماری شود و به سه
دست نفس آشامیدن افضل است و در روایت دیگر آمده که اگر آب
آورنده مملوک تو باشد به سه نفس بیاشام و اگر آزاد باشد بیک نفس و در وقت
آشامیدن بسم الله باید گفت تا شیطان شریک نشود و اگر چنین
بگوید افضل است الحمد لله منزل الماء من السماء مصرف
الامر کیف یشاء بسم الله خیر الاسماء و اگر در شب بخواهد
آب را حرکت دهد و سه مرتبه بگوید علیک السلام من ماء زمزم و ماء
الفرات از ضرر ایمن باشد هر کس بعد از نفس آب بیاشامد و در هر نفس بسم الله
بگوید هنوز سیر نشده باشد که سر بر دارد و الحمد لله بگوید تا آن آب
در شکمش باشد برایش تسبیح کند و بهشت او را واجب شود و از پیش دسته
و جای شکسته کوزه نیاشامد که هر دو جای شیطان باشد و از آب
خوردن بگوید الحمد لله الذی سقانی ماء عذبا و لم
یجعله ملحا اجاجا بذنوبی الحمد لله الذی سقانی فا
روانی و اعطانی فارزانی و عافانی و کفانی اللهم اجعلنی

مِمَّن تَسْقِيهِ فِي أيَّامٍ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِه
وَتُسْعِدُهُ بِمُرَافَقَتِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مرویست که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام روزی آب طلبید پس چشمهای مبارک او پر از اشک شد گفت لعنة الله
علی قاتل الحسین پس فرمود هر کس بعد از آب خوردن حضرت امام حسین و اهل بیت او
یاد آورد و بر قاتلش لعن کند حق تعالی برای او صد هزار حسنه نویسد و صد هزار از سیئه
محو فرماید و صد هزار درجه بلند کند و صد هزار بنده آزاد کند و چون روز محشر شود جگرش
خنک شود و مستحب است که سر کوزه را پوشیدن که شیطان سر کوزه پوشیده را نگشاید

فصل هفتم در فضایل زیارت کردن و احکام آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که چون مهمان داخل خانه شود رزقش از جانب آسمان آید و چون طعام خورد گناهان اهل آن
خانه آمرزیده شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از یکی از اصحاب پرسید که شیعیان را
هیچ دعوت میکنی گفت هیچ وقت طعام نخورم مگر آنکه دو سه نفر کمتر یا بیشتر از ایشان
با من باشند فرمود که ایشان را فضل از تو بیشتر است عرض کرد که بلی فرمود که چون داخل
خانه تو شوند با مغفرت تو و عیال تو داخل شوند و چون بیرون روند گناهان ترا و عیال ترا
بیرون برند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کسی مؤمنی را سیر کند هیچ کس اجر او را نداند
نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر خدای تعالی و مغفرت گناهانش لازم گردد و بهشت واجب شود
و از نعمت بهشت واجب شود و از نعمت بهشت عوض دهد بهتر است از آنکه یک افق از مردم
آزاد کند پرسیدند که افق چه قدر است فرمود صد هزار پیاده است و هر کس یک مؤمنی
را طعام دهد با من در آن القه شیرین کند ملحق روز قیامت خواهند فضایل بسیار در خصوص

اطعام بفصل

اطعام بتفصیل در باب دیگر بیاید ان شاء الله تعالی هر کس مؤمن تشنه را آب دهد
خدای تعالی او را از رحیق مختوم سیراب گرداند و اگر در جای آب دهد که آب باشد چنان
که یک بنده آزاد کند و بهر یک شربت هفتاد هزار حسنه عطا فرماید و اگر جای آب
نباشد چنان است که ده بنده آزاد کند از اولاد اسمعیل و اگر کسی را زنده چنان است که
تمام ناس را زنده کرده اند هر کس حلق تشنه را سیراب کرد اند در سایه عرش خدا باشد در روزی که
هیچ کس را سایه نباشد و هم از ایشان مرویست که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد
مهمان را اکرام نماید و چون کسی داخل خانه شود باید طعام برو عرض کند اگر میل نکند آب
عرض کند اگر رغبت نکند آب وضو معروض دارد و نباید گذاشت که مهمان متوجه کاری
و خدمتی شود مرویست که حضرت امام رضا علیه السلام را مهمانی وارد گردید در شب خواست که
فتیله چراغ را درست کند حضرت مانع گردید و خود متوجه گردید و فرمود که ما اهل بیت مهمان
خدمت نمی گذاریم مرویست که چون مهمان داخل خانه شود در آوردن رخوت و اسباب
او را مدد کنند و چون بیرون رود مدد نکنند و از جمله اکرام مهمان است که خلال برای او حاضر کنند
و با او در طعام خوردن موافقت باید نمود تا او دست کشیده شما نکشید اگر مهمان وارد
شود برایش تکلف نباید نمود بلکه هر چه در خانه باشد اکتفا نماید و اگر دعوت نماید
تکلفی که مقدور باشد باید نمود مرویست معلوم نیست که کدام عجز بدتر است مهمانی که میزبان
را تکلیف دارد یا میزبانی که برای مهمان تکلف کند و نیز مرویست که هلاک شود
میزبانی که آنچه در خانه دارد برای مهمان بیارد و او را حقیر شمارد و مهمانی که آنچه برایش
آورند حقیر انگارد و در روایات بسیار آمده است که دست را از آن توان شست

دا

که طعام ترا از روی رغبت خورد و نه از روی کراهت و کرفتکی از انجمله یکی از اصحاب حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام حکایت کرد که روزی بخدمت حضرت رفتیم فرمود که طعام آوردند
قدری خوردیم و دست کشیدیم فرمودند که بخورید گفتیم خوردیم پس آن حضرت فرمودند
که دیگر بخورید که محبت دوستان ما در سر طعام معلوم میشود که طعام را از روی شگفتگی و انبساط خورند
پس انکشت مبارک جمیع سفره را مسح کرد و من بمیکردم و امثال این روایات بسیار آمده است
و چون مومنی کسی را دعوت کند اجابت باید نمود که احادیث بسیار آمده که اجابت مومن
از حقوق واجبه است که مومنان را بر یکدیگر ثابت است حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
وصیت میکنم حاضر و غایب امت خود را که اجابت دعوت مسلم کنند و طعامهای حرام و شبهه
و همچنین طعامی که اغنیا در آن باشند اجابت نباید کرد که در این نیز اخبار بسیار آمده و
در غیر بلیغ شده و امثال این مجالس معصیت را ارتکاب کنید که موجب قساوت قلب باشد اگر کسی نطلبیده
چون داند که در جائی طعامی هست رود و هرچه در آن مجلس بخورد چنانست که پاره آتش بخورد
چون کسی را بطعامی دعوت کنند او دیگری را بی دعوت همراه ببرد هرچه بخورد حرام باشد
مگر جمعی که اختلاط و ارتباط در میان ایشان باشد که بیگانگی رسیده باشد و گمان
مانعی از صاحب نباشد در این صورت ایشان را رسد که بی اذن در خانه ایشان در آیند
که بی اذن در خانه ایشان طعام خورند و بدیگری نیز دهند فصل ششم در آداب مسکن بدانکه
احکام
ان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در شهر و دیاری که عبادت و طاعت
خدا را چنانچه باید نتواند کرد توطن و اقامت نمود بلکه مقرر نیز چنین موضعی نباید کرد و خدای
تعالی در چنین جائی را مقر نمودن در قرآن مجید منع فرموده زیرا که روز قیامت با ایشان گویند
چو التقصیر

چو التقصیر در عبادت کردید گویند مکانی که ما بودیم مقدور نبود پس بسبیل عتاب بگویند
زمین خدا گشاده نبود برای شما که هجرت نمائید نقل میشود پس ماوای ایشان در جهنم باشد مگر جمعی که ضعیف
باشند و قدرت بر نقل نداشته باشند و بهمین سبب است که مردم کوهستان
و قرا و صحرانشینان و همچنین مردمی که در بلاد مخالفان توطن کنند و اولاد ایشان
و همچنین جمعیکه در گوشههای نشینند و با علما و اهل دین تردد نکنند از آثار و رسم
دین و آداب و معالم ایمان بیخبر باشند و جهل و حب دنیا و اخلاق و صفات سباع و
حیوانات در ایشان غالب باشد و باین سبب است این همه تاکید و امر در زیارت
و الفت و مخالطت شمهٔ از آن در باب اول گذشت و نیز از ائمه پرسیدند که از
مردم خلوت اختیار کنند و ترک تردد در میان مردم کنند پس فرمودند که تعلیم
میکنند و نیز اخبار بسیار آمده که چون کسی تنها باشد شیطان بر او دست یابد
و شیطان با تنهایان باشد و هم از ایشان مرویست که از جمله سعادت مرد
فراخی و وسعت خانه اوست و خوبی همسایه و شامت مرد در تنگی خانه و بدی
همسایه است و فرمودند که اول همسایه اختیار کنید و بعد از آن خانه بسازید و خانه که زیاده
بقدر کفاف باشد روز قیامت بر صاحب وبال باشد هر کس بقدر کفاف بنا کند
برای مباهات و تفاخر بر همسایهها و مومنان روز قیامت آن بنا را تا زمین
هفتم طوق آتشی کرده در گردن او اندازند مگر آنکه توبه کند و هر که زکوه ندهد و یا مالی از
حرام کسب کند خدای تعالی آب و گل بر او مسلط کند تا بناها زیاده کند و ده پس بمیرد و
وبال باشد و فرشتهٔ موکل است که هر که ارتفاع سقف خانه را زیاده از هشت

وزراعت کند یا و بگوید الفاس نگاه بروی و هرچه زیاده از شش ذراع باشد شیاطین و
جن مسکن کنند و اگر خانه زیاده ساخته باشد در آن زیادی آیة الکرسی بنویسند تا دفع
شیاطین کند و در خانه که صورت انسان یا حیوان یا ظرفی که در آن بول کنند ملائکه
در آن خانه داخل نشوند اما صورتیکه در فرشها و جزهای باشد که پا بر آن میگذارند از آن باکی نبود
و دستمال چرب و خانه عنکبوت در خانه نگذارند که هر دو ماوای شیاطین باشد
و مروی است که خانه را جاروب کنید تا شیطان [illegible] شوید و جاروب کردن خانه
دفع فقر و پریشانی کند و خاکروبه را در خانه و نزدیک خانه نباید گذاشت که شیاطین جمعیت
کنند و حضرت صادق علیه السلام فرمودند که خروس سفید دوست من و دشمن شیطان است
و خروس سفید ازرق یعنی آنکه تاجش دو پاره باشد خانه صاحب و هفت خانه حوالی او را
حراست کند و یک بانگ اذان کبوتر خانه را بهتر است از هفت خروس و فرق خانه
که کبوتر در آن باشد از فرود آمدن ایمن باشد و جن دفع شود و اهل خانه را آفت نرسد
مرویست که کبوتر پیدا در خانه دارید که [illegible] امام حسین [illegible] کند و در وقتشان تسبیح
و ذکر خدا میباشد و دوستدار اهل بیت [illegible] و صاحب کنز الفوائد گوید [illegible] و شان کبوتر مجرد است که
صاحب حشیارت گوید که بقای مرغ الکوبند و خانه نباید داشت که صاحب خانه را نفرین میکنید
و چون کسی خواهد که خانه نو بنا کند مستحب است که گوسفندی ذبح کند و طعامی ساخته بر فقرا
مساکین نماید و بگوید اللّٰهم ادحر عنّی و أنّ اهلی و ولدی مردة الجنّ
والشّیاطین وبارك لی فیه بمنزلی که انچه سوال کرد حق تعالی باو عطا کند
فصل نهم در فضیلت شب و آداب خواب و بیداری روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام

که هنوز آفتاب

که هنوز آفتاب غروب نکرده چراغ روشن کنید که دفع پریشانی نماید و وقت
خوابیدن خاموش کنید و چون وقت سحر روشن کنید و بعد از طلوع آفتاب بردارید
و بی چراغ داخل خانه تاریک نباید شد و چون چراغ روشن شود بگوید اللّٰهم اجعل
لنا نوراً نمشی به فی النّاس ولا تحرمنا نورك یوم نلقاك اللّٰهم
اجعل لنا نوراً انّك نور لا اله الّا انت و چون خاموش کنید بگوید اللّٰهم
اخرجنا من الظّلمات الی النّور مرویست که رسول خدا صلی الله علیه وآله در تابستان
روز پنجشنبه از خانه بیرون میرفت و چون هوا سرد میشد روز جمعه بیرون میآمد و در
روایتی دیگر آمده که هر دو در شب جمعه میشد و هر کس نخوابد در بامی که چهار طرفش محجر نباشد اگر
عارضه رو دهد البته غیر خود کسی ملامت نکند و محجر کمتر از سه وجب نباشد و چراغ
در خانه نخوابد درها را بپوشد یا پرده بیاویزد تا شیطان داخل نشود و تنها در جای نخوابد
که اکثر جرأت شیطان در وقتی است که آدمی تنهاست مرویست که اگر کسی بالای بام بی حجت
و یا تنها بخوابد یا ایستاده در شب آب بخورد و عارضه او را از اجنه رو دهد تقصیر با خودش
میباشد و اگر تنها بخوابد و بترسد ذکر خدا بسیار کند و خود را از تشویش خالی و فارغ
سازد که ذکر خدا باعث صحت و راحت بدن است و هر که با وضو بخوابد چنان است
تا زمان بیدار شدن در عبادت و طاعت حق تعالی باشد و اگر در جامه خواب
بخاطرش آید که وضو ندارد و بغبار رختخواب تیمم کند مجزی باشد و خوابیدن چهار قسم است
قفا خوابیدن انبیاست پهلوی راست خوابیدن مؤمنان است پهلوی چپ خوابیدن
شیطان است و بر رو اگر کسی بخوابد باید بیدار کرد که خواب شیطان و منافقان است

وخفتن موجب رزق است و بعد از نماز خفتن شب نشینی مکروه و مذموم است
موجب حرمان سحرخیزیست و گفته اند که سگ اول شب می خوابد تا سحر و چون سحر میشود
میخوابد برخلاف سایر حیوانات که در اول شب میخوابند و در سحر بیدار میشوند حتی که اطفال
در خلقت خود باقی اند اول شب میخوابند و سحر بیدار میشوند و چون بعادت و رسوم
اهل دنیا برآیند بصفت سگ درآیند پس مؤمنان باید اول شبها تا نصف شب یا قدری
بیشتر بخوابند و بیدار شوند و در روایات بسیار آمده که حق تعالی اوایل شب را برای
استراحت آفریده است و اواخر شب را برای ذکر و عبادت و از طلوع صبح تا
طلوع آفتاب ملائکه رزاق بنی آدم قسمت مینمایند هر کس در آنوقت بیدار نباشد
از روزی آن روز محروم است و من و سلوی بر بنی اسرائیل در ان ساعت نازل میشد
هر که در خواب میبود در آن روز گدائی میکرد و خواب این ساعت خواب شوم است
در رنگ زرد و گریه میشود و خواب روز سبب بی نظامی و بی برکتی است
و خواب عصر مورث حماقت است و خواب قیلوله که پیش از ظهر است مبارک است و
اعانت شب خیزیست و شیطان را در این خواب بهره نیست و سبب زوال نسیان
و قوت حافظ است بسیار خوابیدن شب موجب پریشانی و فقر است و در خبر آمده
بسیار دین و دنیا از دست میرود و خدا تعالی دشمن دارد کسی را که بیدار
کشد و بخوابد هر کس در وقت خوابیدن دست راست در زیر روی راست بگذارد و
و بگوید بسم الله وضعت جنبی لله علی ملة ابراهیم و دین
محمد و ولایة علی من افترض الله طاعته ما شاء الله
کان وما

کان وما لم یشأ لم یکن از دزد و غرق و آمدن خانه محفوظ گردد و ملائکه برای
استغفار کنند و اگر بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
صد هزار حسنه از برایش بنویسند و صد هزار سیئه از برایش محو فرمایند و صد هزار
درجه از برایش بلند گردانند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که چون بخوابی بگوید
بسم الله اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک
و فوضت امری الیک و الجات ظهری الیک و توکلت علیک
رهبة منک و رغبة الیک لا ملجأ و لا منجی و لا مفر منک الا
الیک آمنت بکتابک الذی انزلت و برسولک الذی ارسلت
پس تسبیح فاطمه علیها السلام بگوید که هر کس وقت خواب تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام
بگوید از جمله کسانی باشد که حق تعالی مدح ایشان فرموده ذکر ما کنند و هم از ایشان
روایت که هر که در وقت خواب گفتن این تعویذ را ترک نکند اعیذ نفسی و ذریتی
و اهل بیتی و مالی بکلمات الله التامات من کل شیطان و هامة
و من کل عین لامة از اولیاء الله باشد هر که در وقت خواب بگوید یفعل الله
ما یشاء بقدرته و یحکم ما یرید بعزته چنان است که هزار رکعت نماز
کرده باشد و اگر سه مرتبه بگوید الحمد لله الذی علا فقهر و الحمد لله الذی
بطن فخبر و الحمد لله الذی ملک فقدر و الحمد لله الذی
یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر از گناهان
پاک شود مثال روزی که از مادر متولد شود و اگر آیة الکرسی بخواند از فالج ایمن گردد و جهد

نفر از هم سایکان او در امان خدای تعالی باشند مرویست که جمعی بسفر میرفتند و از رسول خدا

صلی الله علیه و آله دعای خواستند فرمودند در وقت خواب تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

و آیة الکرسی بخوانید پس چون بیرون شهر رفتند جمعی از دزدان با ایشان تعاقب کرده

و چون در منزلی فرود آمده اند دزدان جاسوس فرستادند تا خبری از ایشان بیارد

که کجا فرود آمده اند غلام مراجعت نموده گفت هیچ کس را ندیده ام بر گرد دیوار دیدم

هر چند دور رشک گشتم راه درون رفتن نیافتم گفتند ترسیده است و دروغ میگوید

پس خود برخواسته رفتند شنیده را دیده یافتند چون صباح دزدان در پیش ایشان آمده

قصه شب گذشته را نقل کردند ایشان تعلیم رسول الله را بیان نمودند دزدان قطع امید از آن

قافله کرده رفتند و هر که در وقت خواب آخر سوره کهف بخواند از و تا مسجد الحرام نوری

تابان شود که در میان آن ملایکها باشند و برای او تا روز قیامت استغفار میکنند

و اگر قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد بخواند از گناهان شرک بری میشود و حضرت رسول علیه السلام

بحضرت فاطمه صلوات الله علیها فرمود در وقت خواب تا چهار کار نکنی مخواب ختم قرآن

بکن و جمیع انبیا را شفیع خود گردان و همه مومنان را از خود راضی گردان و حج و عمره بجا آور حضرت

فاطمه عرض کرد که چه گونه در یکساعت همه را بجا آورم فرمود سه مرتبه قل هو الله احد را بخوان ختم

کرده بر من صلوات بفرست جمیع پیغمبران را از خود راضی کرده و همه ایشان شفیع باشند

و برای مومنان طلب مغفرت نما همه از تو راضی باشند سبحان الله و الحمد لله

و لا اله الا الله و الله اکبر بگو بجای حج و عمره که و اگر قل هو الله احد

و معوذتین را بخواند هر یکی سه سه مرتبه بخواند ختم قرآن کرده است بعدد هر آیه قرآن ثواب

پیغمبر را بد

پیغمبر باید و از گناهان پاک شود چنانچه از مادر متولد شده باشد و اگر در آن شب بمیرد

شهید مرده است و اگر پانزده مرتبه انا انزلناه بخواند نوری خلق شود از زمین تا عرش

که عرض آن مثل وسعت هوا باشد در هر درجه از آن هزار ملک باشند که هر یک با

هزار زبان برای او استغفار کنند تا نصف شب بعد از آن آن نور را در سینه

او گذارند تا روز قیامت برای او استغفار کنند و اگر الهکم التکاثر بخواند از عذاب

قبر ایمن باشد و اگر سه مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ گناهانش هر آمرزیده شود و اگر چه بعدد ایام باشد

و کف دریا و ریگ صحرا و عالج باشد و اگر بیخوابی عارض شود که خواب نبرد و بگوید سُبْحَانَ

اللهِ ذِی الشَّانِ دَائِمِ السُّلْطَانِ عَظِیمِ الْبُرْهَانِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَانٍ

یَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ یَا کَاسِیَ الْجُنُوبِ الْعَارِیَةِ یَا مُسَکِّنَ

الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ اَذِنَ لِعَیْنِی نَوْمًا عَاجِلًا و اگر خواهد آیة الکرسی بخواند

و بگوید وَ اِذْ یُغَشِّیکُمُ النُّعَاسَ اَمَنَةً مِنْهُ وَ جَعَلْنَا نَوْمَکُمْ سُبَاتًا و اگر

در خواب ترسد وقت خوابیدن ده مرتبه بگوید اَعُوذُ بِکَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ

غَضَبِهِ وَ مِنْ عِقَابِهِ وَ مِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِینِ

اَنْ یَحْضُرُونِ و اگر خواهد معوذتین بخواند و بگوید اِذْ یُغَشِّیکُمُ النُّعَاسَ

تا آخر آیه بخواند اگر از جن بیم کند بگوید اِنَّ رَبَّکُمُ اللهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوَاتِ

وَ الْاَرْضَ فِی سِتَّةِ اَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰی عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهَارَ

یَطْلُبُهُ حَثِیثًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِاَمْرِهِ

یا منوم العیون انما ... حی ... یا مسکن عروق الضاربة

الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین اگر از احتلام اندیشه کند
بگوید اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام ومن سوء الاحلام ومن ان یتلاعب
بی الشیطان فی الیقظة والمنام روایات بسیار آمده و بسیار از مردم تجربه
کرده اند که آخر سورهٔ کهف را در وقت خواب میخوانند هر وقت شب که خواهند که در آن
وقت شب بیدار شوند و نیز از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس در وقت خواب
بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین
اقوم ساعة کذا در هر ساعت که خواهد بیدار میشود و مشایخ رحمهم الله نقل کرده اند در کتب
خود که اگر کسی جنبی خواهد یا مشکلی او را سانح شود با طهارت در فراش خود که پاک باشد بخوابد
و زنی با او نباشد در وقت خواب سورهٔ والشمس واللیل را یک صد مرتبه بخواند و بعد از آن
بگوید اللهم اجعل لی من امری هذا فرجا و مخرجا در شب اول یا سیوم یا پنجم یا
هفتم کسی را در خواب ببیند که چه کند راوی میگوید مرا صداع عظیم بود که از علاج آن درماندم باین
عمل نمودم در شب اول دیدم که دو کس آمدند پیش من و گفتند درد سر داری گفتم آری مرا
هلاک ساخت دیدم یکی دست بر سر من مالید فرمود این موضع را حجامت کن کردم شفا یافتم
بسیاری مردم را گفتم کردند و شفا یافتند و ایضا مشایخ رحمهم الله نقل کرده اند که اگر کسی خواهد
که یکی از انبیا یا سلاطین مردم را در خواب ببیند والشمس واللیل را و قدر و جحد و اخلاص و معوذتین بخواند
و بعد از این صد مرتبه توحید بخواند و صد مرتبه توحید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل او فرستد با وضو
و جانب راست بخوابد که هر کس را خواهد ان شاء الله تعالی در خواب ببیند و هر چه خواهد سوال
نماید بعد از آنکه این دعا را خوانده باشد اللهم انت الحی الذی لا یوصف والایمان
یعرف منه

یعرف منه منک بدأت الاشیاء والیک تعود فما اقبل منها
کنت ملجاه ومنجاه وما ادبر منها لم یکن له ملجا بدات الاشیا
ولا منجی منک الا الیک فاسئلک بلا اله الا انت واسئلک ببسم الله
الرحمن الرحیم وبحق محمد سید النبیین وبحق علی سید خیر الوصیین
وبحق فاطمة سیدة نساء العالمین وبحق الحسن والحسین الذین
جعلتهما سیدی شباب اهل الجنة اجمعین ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تریبنی فلانا و ایضا روایت کرده اند که اگر خواهی میتی را در خواب
ببینی همین دعا را مثلها بخوان و در آخرش بگوید ان ترینی میتی فی الحال التی هو
فیها و در هر مرتبه در اثنای خواب از پهلو به پهلوی دیگر حرکت کند و بگوید لا اله الا
هو الحی القیوم وهو علی کل شیء قدیر سبحان الله رب
النبیین والمرسلین وسبحان الله رب السموات وما فیهن
وما بینهن ورب العرش العظیم وسلام علی المرسلین والحمد لله
رب العالمین و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم سوال نمودند که آنانکه خدای تعالی فرموده
کانند که از شب میخوابند کیانند فرمود اند جمعی اند که در تمام شب میخوابند اما به سمت که حرکت
میکنند میگویند الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و چون خواب بینند بگویند
انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین امنوا ولیس بضارهم شیئا
الا باذن الله عذت بما عاذت به ملائکة الله المقربون وانبیا
ؤه المرسلون وعباده الصالحون من شر ما رایت ومن شر الشیطان

الرجیم و در پهلو خوابیده به پهلوی دیگر نقل کند و خواب خود به کسی نگوید و از شر آن ان شاء الله تعالی
ایمن گردد و هم از ایشان مرویست که خواب خوش از جانب حق تعالی است پس چون
خواب خوش بیند و دوست دار بیدار برای دوست نقل کند و خواب ناخوش بجز از خبر نیست
از هفتاد جزو از نبوت و بروایت دیگر از چهل جزو و خواب مؤمن در بالای سر او مضطرب
مردد است تا اگر تعبیر کنند و بهر نحو که تعبیر کنند همان شود پس خواب به مؤمن عاقل نقل کنید
که مهربان باشد تا تعبیر خوب کند و نیز مرویست که در وقت راست آید اگر با طهارت
باشد و ذکر خدا خوابیده باشد لکن خواب قیلوله که شیطان را در آن بهره نمیشود و هم بعد از
نصف شب است که زمان نزول ملائکه است و خواب اول شب اعتبار ندارد که وقت هیجان
شیاطین است و مناسب انتقام است ذکر نکته چند که در کیفیت امر رؤیاست بدانکه از بسیار
احادیث ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و دلایل براهین عقل متین مبین
محقق است که روح مؤمن از طینت ملائکه آفریده شده است و جوهرش از جنس جوهر ملکوت
سموات است که مخلوق گشته است و بسبب ضرورت معاش و تحصیل زاد معاد تعلقات
و اشتغالها با بدن و قوی و اعضای بدن گرفت و شغل تدبیر نظام مملکت بدن و همچنین
اشتغال احوال حیات دنیا از دیدن و شنیدن و خوردن و آشامیدن و سایر
ارادات و حواس و قوی مانع توجه و التفات او بعالم خود شده است و بسبب غربت
در این عالم دنیوی دامن گیر مراجعت ملکوت سما و ملاء اعلی که وطن اصلی اوست گشته
هر گاه اندکی فرصت کرده بسبب تخفیف این علایق و موانع او را حاصل شود رجوع بعالم
خود نموده با ابنای جنس خویش از ملائکها و اهل ملاء اعلا العشرت کرده و موانست نماید و از
رشحات

رشحات علوم و معارف نامتناهی که از فضل خود و رحمت الهی بر اهل آن عالم در هر باب بحساب
ریخته بقدر استعداد خود استفاضه نمود و این حالت اعنی رجوع بعالم اعلا و استفاضه
از فضل اهل ملکوت سیما اولیا و اصفیا خدا را که از شدت متابعت دین قویم و کمال امتثال
احکام شرع مستقیم و زهد در دنیا و ترک پیروی هوا و هوس در فضل علایق و لذات شهوات
و عوایق تحصیل فضول و تجملات بدن و اعضای خود را از ثقل فضلات ماکل و مشارب
پاکیزه ساخته و آئینه دل شان از زنگ کدورت فکرها و خیالهای فاسد حرایج
مآرب پرداخته و جوهر روح شان از تیرگی ظلمت اشتغال با این دنیای دنی جلا
یافته پرتو نور آن عالم نور و ضیاست بر صفحه قابلیتش تابیده و کمال التسلط بر نفس خود
قوای آن بهم رسانیده اند این حالت همیشه میسر باشد خواه در خواب و بیداری
ایشان یکسان باشد چنان که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود تَنَامُ عَیْنِی
یَنَامُ قَلْبِی یعنی اگر چه چشم گاهی سر بخواب کشد اما دلم همیشه بیدار است و بنور
خدا از این جهت است که انبیا بر قضا خوابند زیرا که همیشه منتظر وحی اند چنان چه در احادیث
بسیار آمده است اما سایر مؤمنان بحسب اختلاف مرتبه قابلیت گاه گاه و احیانا
که بدن از ثقل فضلات و بخارات غذای خفیف و دل از زنگ ظلمت خیالهای
فاسد خالی و روح از شدت شغل تدبیر بدن و قوای فارغ گشته و آئینه دل ایشان بنور خدا
جلا یافته باشد چون بخواب خوش روند و حواس ایشان از شاغل محسوسات فراغ حاصل شود دل
شان از تشویش ارادات عالم ظاهر خلاصی یافته بجلال خود پرواز دهد بعالم باطن که ملکوت
عالم اعلاست شود روح شان را با اهل آن عالم که موکلان حال حادثات و مدبران نظام

احوال کاشانه شد ارتباط و اختلاط ارواح و بهره‌ور از رشحات علوم و معارف ایشان که همه صدق و حق است
و از خزاین علم الهی بر ایشان احسان شده بر آن روح بحسب مناسب حال او فایض شده و
و در آن عالم بچشم و گوش و قوای روحانی مشاهده آن علم و معرفت یا خبری که متعلق باحوال او
و یا غیر باشد نماید و چون هنوز روح را از مصاحبت بدن و قوای بدن خلاصی نیافته بلکه آثار
حواس و قوای بدنی هنوز در جوهر روح راسخ و ثابت است مشاهدات روحانی هر یک بصورت
و کیفیتی که مناسب او باشد در نظرش جلوه نماید و آن مشاهده روحانی را چنان پندارد که
بحواس ظاهری عالمی واقع شده و این حالت یعنی مشاهدات روحانی و ارتباط با ملائکه و
اهل ملأ اعلا و استفاضه از ایشان بعضی مؤمنان را نیز گاه باشد که از شدت زهد و تقوی
و طاعت تسلطی عظیم بر ضبط حواس و قوی حاصل شده باشد و در بیداری نیز احیانا
اتفاق افتاده باشد و اما اگر دل و روح در رنگ تشویشات خیالهای فاسد فرو رفته
و ظلمت حواسهای زایل بحاصل ظلمانی گشته و کدورت فضلات و بخارات مأکول و
مشارب سیاه و تیره شده باشد هر چند بخواب رود که فرصت و قابلیت آن نداشته است
که راهی بنور و صفا و قرب با اهل عالم بالا توان رفت و همچنین اگر بدن بسبب ثقل و زیادتی
غذا محتاج بزیادتی تدبیر و اصلاح باشد و روح را که مدبر بدن است مهلت آن ندهد که بعالم
دیگر تواند پرداخت اما اگر بعضی اخلاط مثل خون و صفرا یا غیر آن یا بخارات غذا از بدن
غالب گشته هیجان نموده باشد چون بخواب رود آن قوت متخیله آن صورتی که مناسب آن
باشد در نظر روح جلوه نماید چنان پندارد که چیزی دیده یا شنیده مثلا خون و صفرا
بصورت آتش و شفقهای الوان و سودا و بخار بصورت ابرها و غبارهای سیاه ظلمانی نماید
و همچنین اگر

و همچنین اگر در بیداری فکرها و خیالها غالب گشته و تسلط یافته باشد چون بخواب رود
همان خیالها در نظرش متمثل گردد و این قسم خواب را که بسبب غلبه خیالات و بخارات
باشد اضغاث احلام گویند مثل دسته خار خشک امور درهم رفته بی اصل خبیث است
که اعتباری و تعبیری ندارد و قسم اول که از عالم ملکوت راست و حق باشد محتاج
بتعبیر باشد و نیز باید دانست که چون حادثات دنیا دو قسم است یکی آنکه در قضای
الهی وقوعش حتم و جزم شده که خلاف آن واقع نتواند شد و این بصورتی که احتمال
غیر آن نداشته باشد متمثل گردد دویم آنکه بسبب مصلحتی وقوع و فهم وقوعش هیچ
کدام حتم نشده بلکه متردد است و هر دو احتمال در او میرود و این بصورتی که مشتمل خوف
متردد و محتمل باشد متمثل گردد و توجه نفوس انسانی را در حدوث حادثات گاهی مدخلیتی
باشد پس از این جهت است که باید معبر عاقل و مهربان باشد تا صورت متردد در التعبیر که خیر و
مناسب باشد تعبیر کند چون این جمله دانستی رجوع بذکر آداب کرده گوییم چون از خواب
بیدار شده بگوید الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی والیه النشور
الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده واعبده و سجده کند که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز از خواب بیدار نشد مگر آنکه سجده میفرمودند و چون
بعد از سجده مینشستند بگوید حسبی الرب من العباد حسبی الذی هو
حسبی منذ کنت حسبی الله ونعم الوکیل و حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام هر بار که از خواب بیدار میشد باواز بلند چنانکه اهل خانه میشنیدند
میگفتند اللهم اعنی علی هول المطلع ووسع علی المضجع و

وارزقني خير ما قبل الموت وارزقني خير ما بعد الموت وچون نظر

اطراف آسمان کند بگوید اللهم انه لا یواری عنك لیل ساج ولا سماء ذات

ابراج ولا ارض ذات مهاد ولا ظلمات بعضها فوق بعض ولا بحر

لجي تدلج بين يدي المدلج من خلقك تعلم خائنة الاعين وما تخفي

الصدور غارت النجوم ونامت العيون وانت الحي القيوم لا تاخذك

سنة ولا نوم سبحان رب العالمين واله المرسلين والحمد لله

رب العالمين ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار

انك لا تخلف الميعاد سوره آل عمران ست وچون از تهيه نماز فارغ شود پس نماز

خود آمده رو بقبله نشسته این دعا بخواند الهي غارت نجوم سمواتك وقامت عيون

الملوك

انامك وهدات اصوات عبادك وانعامك وغلقت الملوك عليها ابوابها وطاف عليها

عليها حراسها واحتجبوا عمن يسئلهم حاجة وانتجع منهم فائدة

وانت الهي حي قيوم لا تاخذك سنة ولا نوم ولا يشغلك شيء عن

شيء ابواب سمواتك لمن دعاك مفتحات وخزائنك غير مغلقات

وابواب رحمتك غير محجوبات وفوائدك لمن سالكها غير محظورات

بل هي مبذولات وانت الهي الكريم الذي لا ترد سائلا من المؤمنين

سئلك ولا تحتجب عن احد منهم اراداك وعزتك وجلالك لا

تختزل حوائجهم دونك ولا يقضيها احد غيرك الهي وقد

تراني ووقوفي وذل مقامي بين يديك وتعلم سريرتي وتطلع

علا ما

على ما في قلبي وما يصلح به امر آخرتي ودنياي الهي ان ذكرت

الموت وهول المطلع والوقوف بين يديك نغصني مطعمي

ومشربي واغصني بريقي واقلقني عن وسادتي ومنعني

رقادي وكيف ينام من يخاف بيات ملك الموت في طوارق

الليل وطوارق النهار بل كيف ينام العاقل وملك الموت لا ينام

لا بالليل ولا بالنهار يطلب قبض روحه بالبيات او في

آناء الساعات بعد از آن سجده بکند وروی مبارک بخاک بگذارد گفته شد

وبگفته شد اسئلك الروح والراحة عند الموت والعفو عني حين

القاك بعد از آن مشغول عبادت ونماز شود هر کس در صبح پیش از آنکه کسی او را ببیند

انگشتر عقیق داشته باشد نگین او را بکف دست بگرداند پس انا انزلناه بخواند بگوید امنت

بالله وحده لا شريك له امنت بسر آل محمد وعلانيتهم خدای تعالی

آن روز تا شام او را در حفظ خود نگاه دارد فصل دهم در آداب بیرون رفتن از خانه

و بر کار رفتن و سوار شدن و فضایل و آداب وحقوق ایشان مرویست از اهل

بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی خواهد که از خانه بیرون رود در در خانه ایستاده

بگوید الله اكبر الله اكبر الله اكبر بالله خرجت وبالله دخلت و

على الله توكلت ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله

على محمد وآل محمد اللهم افتح لي في وجهي هذا بخير واختم لي

بخير وقني شر كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط

مستقیم در زمان خدا باشد تا آنکه مراجعت کند هر کس از خانه بیرون آید شیاطین بر سر راهش
آیند پس اگر در وقت رفتن بگوید بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله
ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله ملائکه شیاطین را بزنند و دور کنند
و گویند شما را بر او دستی نیست چرا که بخدا پناه آورده اند و با و توکل کرده اند و خود را و کار خود را
باو واگذاشته اند پس شیاطین دور شوند و اگر در وقت بیرون رفتن بگوید اعوذ بما
عاذت به ملائکة الله من شر هذا الیوم الجدید الذی اذا غابت
شمسه لم تعد من شر نفسی و من شر غیری و من شر الشیاطین
و من شر من نصب لاولیاء الله و من شر الجن و الانس و من شر
السباع و الهوام و من شر رکوب المحارم کلها اجیر نفسی بالله
من کل شر خدای تعالی گناهانش را بیامرزد و توبه اش قبول فرماید و کفایت مهماتش
کند و از جمیع شرور و مکاره در پناه خدا باشد مرویست که اگر کسی چیزی بر قدر سبقت یابد حتی
این بود که در وقت بیرون رفتن از خانه در حضر و سفر انا انزلناه بخواند زود مراجعت نماید
و اگر برای حاجتی و مطلبی بیرون رود که روایات متعدده آمده که این و صبح برای حوایج
مبارک است و در روز پنجشنبه نیز روایات معتبره بسیار آمده که روز حوایج و اسلاف کارهاست
و حق تعالی در این روز آهن را در دست حضرت داود نرم فرموده که زره ساخت
و در وقت بیرون رفتن پنج آیه از آل عمران ان فی خلق السموات و الارض تا انک
لا تخلف المیعاد و آیة الکرسی و انا انزلناه و الحمد لله بخواند که حوایج دنیا و آخرت در این
آیات است و در راه رفتن زنان از کنارهای راه بروند و میان جاده راه را برای
مردان بگذارند

صبح پنجشنبه و صبح [illegible] است

مردان بگذارند و مردان از میان زنان نگذرند که بر پل شیاطین ایستاده اند
و چون بر پل رسند بگویند بسم الله الرحمن الرحیم ادحر عنی الشیطان الرجیم
تا شیطان دور شود و اما فضایل حقوق دواب و سواری و متعلقات آن
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که مرکب نگاه دارید که از پشتش حاجت است
و ثواب و از شکمش لذت شماتت و نه عشر رزق از کسیست که مرکبی داشته باشد و هر کس
مرکبی نگاه دارد که قضای حوایج با آن کند یا دفع دشمنی نماید هر گناهی از او دفع شود و
شش حسنه مثبت شود و اگر اسب نجیب نگاه دارد که با آن جهاد کند و دفع اعدای نماید
هر او را سیئه محو شود و یازده حسنه ثبت گردد و حضرت امام علی نقی علیه السلام از کسی
پرسید که بر چه مرکب سواری عرض کرد الاغی بسیزده دینار خریده ام فرمود این از جمله لشت است
که الاغی بسیزده دینار خریده باشی چرا اسب نخریده گفت مؤنت اسب بیشتر از مؤنت الاغ است فرمود که
مؤنت الاغ میدهد اسب هم میدهد مگر نمیدانی که هر که بسبب ما اسبی نگاه میدارد و منتظر فرج
ما میباشد که اعدای ما را منکوب سازد خدای تعالی روزیش را فراخ گرداند و سینه اش را بایمان
صفا دهد و آرزوهای او را بر آورد و معین حوایجش باشد و خیر از پیشانی اسب تا بال است تا روز قیامت
و هر کس در راه خدا اسب را نفقه دهد چنان است که دست بتصدق گشوده باشد و هرگز باز نگردد
روایت است که حضرت امیر علیه السلام چهار اسب در پیش پای حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورد پرسید
یا علی اوصاف اینها را بیان کن گفت یکی اشقر یعنی که رنگش سرخ است و دست پا سفید فرمود اشقر را
برای من نگاه دار و دوی دیگر کمیت یعنی که سیاه دست پا سفید فرمود اینها را بده با سپر حسن
و حسین بده عرض کرد که یکی دیگر ادهم یعنی کبود فرمود آن را بفروش و نفقه عیال خود کن فرمود میمنت

اسب دران است که نشانی غیر خود داشته باشد و نیز مرویست که هر کسی اسب اشقر

که در پیشانی اش سفیدی داشته باشد و اگر سفیدی کشیده باشد بهتر باشد و در دست و

پایش نیز سفید باشد نگاه دار تا آن اسب در ملک و در خانهٔ تو باشد فقر و ظلم در خانه

راه نداره و نیز مرویست که دابه را در صاحبش چندین حق است انکه بر رویش نزند و داغ

نکند که روی و ا بحمد و تسبیح حق است و زیاده بقدر طاقت بار نکند و نراند و پشتش را

مجلس نسازد و صحبت نداره و یار دار نگاه ندارد و در سفر هر جا که باب رسد آب بر او عرض

کند و چون در منزل فرود آید اول تهیهٔ آب و علف او کند و بار کردنش نگذارد و وا دارد پا در کوهش

یا بر کنار فرش پا در یزد و تکیه بر کنار طرف نکند و بر پشتش خواب نکند و چون رم کند نزند که جن در نظرش

آید و اگر بلغزد و بسکند بر حوز و بسم الله بگوید و دشنام ندهد که او گوید سیان من و تو

هر کدام ستمکریم در معصیت چنین لعن و لعن بر او نکند که خدا بر او لعن کند و هر کس دابه بخرد

دابه او را دعا کند که خدایا صاحب مرا بر من مهربان گردان که همیشه سیر و سیراب گرداند و زیاده

بقدر طاقتم بار نکند مرویست که در هر منی چهار پایشیطانی باشد خواهند لجام کنند بسم الله بگویند

و اگر در لجام کردن یا سوار شدن یا غیر آن سرسختی یا چالاقی کند این آیه را در گوشش بخوانند

افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا

وکرها والیه یرجعون و نیز انا انزلناه بخواند و بگوید اللهم سخرها وبارک

فیها بحق محمد وآله و هر کس وقت سوار شدن بسم الله بگوید فرشته با او

ردیف شود که محافظتش نماید تا انگه فرود آید و اگر بسم الله نگوید شیطان ردیف شود

و گوید غنا و خواندن کن و اگر گوید نمی دانم گوید آرزو و تمنای بکش همیشه در آرزو و تمنا باشد تا ذکر کو

تا وقتی که از سواری پیاده شود و اگر در وقت سوار شدن بگوید لا حول ولا قوة

الا بالله الحمد لله الذی سخر لنا هذا وما کنا لنهتدی لولا

ان هدانا الله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین

او و مرکبش هر دو محفوظ باشند تا انگه فرود آید و اگر انا انزلناه بخواند مرکب سنگین

تر از آهن باشد و کن ما ثل امر زیده شو سوار پیاده را گوید مرا راه بده که از خصال جورت

زنان بر زین سوار نشوند که زین برای او ملعونست و تسبیح زنا کند و اگر دابه بگریزد مکرر بگوید

یا عباد الله احبسوا که ان شاء الله بایستد فصل یازدهم در فضایل و آداب

مکاسب و معاملات مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عبادت هفتاد

جزوست افضل اجزا طلب حلال است هر کس طلب حلال کند از مردم مستغنی باشد و رعایت

حال مساکین کند روز قیامت رویش چون ماه شب چهارده باشد هر کس از ممر حلال

کسب کند و تحصیل معیشت برای عیال خود کند اجرش عظیم رتبت او کسیکه در راه خدا بخون

خود غلطیده باشد و از جملهٔ سعادت مرد آنست که قیم عیال خود باشد و حضرت امیر علیه السلام

علی نبیا فرمود که او خوب بنده ایست اگر از بیت المال معاش نکند گفت خدایا من کسبی

نمیدانم پس حق تعالی آهن را بدست او نرم گردانید که زره میساخت و میفروخت تا

انکه مستغنی گردید و خدای تعالی دشمن دارد آدم پرخوار پرخواب بیکار را و نیز مرویست

که خدای تعالی روزی هر کس را از ممر حلال قسمت کرده است و مقدر فرموده نه از حرام

پس هر کس صبر کند و از حرام اجتناب نماید خدای تعالی رزق او را از حلال برساند و تا

آنچه برای او مقدر فرموده تمام نکند از دنیا نرود و اگر هتک حرمت جناب الهی نماید و

مرتکب حرام شود هر قدر را از حرام تحصیل کند همان قدر از حلال کم کند و مطالبه و مواخذه باشد
و امثال این اخبار در فضایل کسب حلال و حذر از حرام زیاده از آن است که در این
مختصر گنجد و نیز مرویست که نه جزو رزق در تجارت است یکجزو در سایر کارها و تجارت
عقل را زیاد کند و ترک آن دو ثلث عقل کم میکند و زراعت کیمیای اکبر است و در
روز قیامت اهل زراعت نزدیک ترین مردمند بخدای تعالی و مقام ایشان بهترین
مقامهاست و بهترین کارها زراعت است که انسان و حیوان همه منتفع میشوند
و نیکان و بدان بهره میبرند و اگر نیکان بخورند از برای زارع استغفار میکنند
و اگر بدان بخورند هرچه بخورند بر ایشان لعنت میکنند و زارعان اهل توکلند که تخم
افشانند و توکل بر خدا کنند و منتظر فضل و رحمت او بیند اما آداب مکاسب و
معاملات مرویست که چون کسی خواهد که تجارت کند اول باید که مسایل او را بداند
و حلال و حرام را بشناسد که ربا در معاملات خفی تر است از نقش پای مور بر
سنگ خاره و یکدرهم ربا عظیم تر است از هفتاد زنا که با خویشان محارم خود کرده
باشد و با نوکیسه معامله نکنند که اگر دست در دهان مار کنی بهتر از آن است که با نوکیسه
معامله کنی و اول روز برای معامله خوب است و برای حاجات خصوص روز پنجشنبه و شنبه
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود دعا کردم که خدایا صبح این دو روز را برای امتان
من مبارک گرداند و پیش از طلوع آفتاب مشغول امورات دنیا نباید شد که آن
ساعت عبادت است و ذکر و جنود شیطان در اطراف عالم برای اضلال بنی آدم متفرق اند
چون کسی داخل بازار شود بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له
الملک و له الحمد

له الملک و له الحمد یحیی ویمیت وهو
حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر هزار هزار حسنه برای
او ثبت نمایند و هزار هزار گناه محو فرمایند و هزار هزار درجه بلند نمایند اگر بگوید اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له والله اکبر کبیرا وسبحان الله
بکرة واصیلا والحمد لله رب العالمین کثیرا لا شریک له وصلی الله
علی محمد وآله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله
علی سیدنا محمد وآله برابر است با یک حج و عمره چون داخل دکان شود بگوید
اللهم انی اسئلک من خیرها وخیر اهلها واعوذ بک من شرها
وشر اهلها خدای تعالی فرشته موکل گرداند که در آن روز او را از شر بازار حفظ کند
و چون بنشیند بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم انی اسئلک من فضلک
حلالا طیبا واعوذ بک من ان اظلم او اظلم واعوذ بک من
صفقة خاسرة ویمین کاذبة فرشته را موکل است که بگوید مژده باد ترا
در این بازار که امروز در این بازار هیچ کس معامله اش بهتر از معامله تو نیست که حسنات
رو بتو آورده است و سیئات تو محو گردید نصیب تو از حلال مبارک بتو رسد هر کس در بازار
ذکر خدا کند و در معاملات خدا کند و در معاملات خدا فراموش نکند و از حکم او تجاوز ننماید
بعدد هر انسانی و حیوانی که در آن بازار باشد ثواب به او دهند چون متاعی یا چیز دیگر بخرند
سه بار بگوید اللهم انی اشتریته التمس فیه من فضلک فصل علی

محمد وآله وا[ئمه] جعل لی فیه تجارة فضلا در متاع این کور

بربیه لنا ان شاء الله از آن منتفع شوند واگر بنده بخرد بگوید اللهم بارک لی فیه وفضله

واجعله طویل العمر کثیر الرزق واگر اراده خریدن دارد دست بر تربه بگوید

اللهم ان کانت عظیمة البرکة فاضلة المنفعة میمونة الناصیة

فیسر لی شراءها وان کان غیر ذالک فاصرفنی عنها الی الذی

هو خیر لی منها فانک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت

علام الغیوب چون بخرد در جانب راست او بایستد وکالش را بدست راست بگرد و الحمد

وقل هو الله ومعوذتین ولو انزلنا هذا القران تا آخر سوره بخواند وقل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا

آخر سوره بنی اسرائیل وآیة الکرسی بر سرش بخواند که ان شاء الله امان است از هر شری ایمن گردد

وچون کسی خواهد که زراعت کند مشتی از تخم در دست ورو بقبله ایستاده بگوید

أانتم تزرعونه ام نحن الزارعون وبعد از آن سه مرتبه بگوید بل الله الزارع

بعد از آن بگوید اللهم اجعله حبا متراکما وارزقنا فیه السلامة

بعد از آن بپاشد هر کس زراعت یا درخت نشاند بر هر دانه یا هر نهال بگوید سبحان الله

الباعث الوارث هیچ کدام خطا نکند حضرت رسول صلی الله علیه وآله

روایت که نزد حضرت عیسی ع شهری گذشت اهل آن شهر شکایت کردند که میوه های

ما را همیشه کرم میزند فرمود سبب آنست که شما چون درخت میشانید اول درخت را خاک میریزید

بعد از آن چنین بکنید اول آب بریزید بعد از آن خاک بیندازید گویند از آن نجات

نجات یافتند اگر در مزرعه یا بوستان آفت کرم باشد این فسون را بر چهار جانب مزرعه

یا بوستان

یا بوستان آفت کرم باشد این فسون را بر چهار جانب مزرعه یا بوستان

بر چهار کاغذ نوشته در میان نی گذاشته جا دهند از حضرت آن خلاص شوند ایها

الدواب والهوام والحیوانات اخرجوا من هذه الارض و

الزرع الی الخراب کما خرج ابن متی من بطن الحوت واهل

لم تخرجوا ارسل علیکم شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران

الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت

فقال لهم الله موتوا اخرج منها فانک رجیم فخرج منها

خائفا یترقب سبحان الذی اسری بعبده لیلا من

المسجد الحرام الی المسجد الاقصی کانهم یوم یرونها لم یلبثوا

الا عشیة او ضحیها فاخرجناهم من جنات وعیون وزروع

ومقام کریم ونعمة کانوا فیها فاکهین فما بکت علیهم السماء والارض

وما کانوا منظرین اخرج منها مذؤما مدحورا فلنأتینهم

بجنود لا قبل لهم ولنخرجنهم منها اذلة وهم صاغرون چون کسی

صاحب غله وسایر ماکولات که عامه ناس محتاج بآن باشد احتکار

کند یعنی بانتظار گرانی نگاه دارد که اگر دزدی کند بهتر از آن است که چند روز احتکار

کند ودر روایت دیگر آمده که ملعون است کسی که در وسعت وارزانی بیش از چهل روز

ودر تنگی وگرانی بیش از سه روز احتکار کند فصل دوازدهم در فضایل عیادت و عیادت

مریض ومعالجات امراض اما فضایل مریض از ائمه طاهرین علیهم السلام اجمعین

که چون مومن بیمار شود ملائکه موکلند بر نوشتن اعمال و هر گاه باسمان روند خدای تعالی فرماید
بملائکه ازین بنده در ایام مرض چه نوشته اید گویند شکایت فرماید انصاف نباشد که من
بنده خود را حبس نمایم پس از شکایت منع نمایم هرچه از عبادات و طاعات که در ایام صحت
برای او نوشته اید در ایام مرض همان را بنویسید و در این ایام هیچ سیئه برا او منویسید
و ناله مریض تسبیح و فریادش تهلیل است و غلطیدنش در میان جامه در راه خدا شمشیر زدن
پس چون صحت بیابد اگر ترک معاصی کند و بازگشت نماید گناهانش آمرزیده شود و اگر نه بر
حال سابق باشد وای براو و بدان حالش و نیز روایت است که چون مومن یکشب را تب کند کفاره
همه گناهان او باشد برابر است با یکسال عبادت و دو شب با دو سال و سه شب هفتاد
سال و یکشب صداع همه خطاها بریزد دیگر یکبار و یکشب بیماری بلکه بیداری بسبب وجعی اجرش
عظیم تر است از یکسال عبادت و حق تعالی فرماید که چون بنده مومن را بمرضی یا بلائی
مبتلا کنم و او بکسی شکایت نکند هر یک از گوشت و پوست و خون و مویش را بهتر از آن است که
با آن گناه کرده باشد پس اگر شفایش دهم هیچ بر او نگذارم و اگر قبض روحش کنم بجوار رحمت
خود برم و هر مومن که یک شبانه روز مریض شود و شکایت نکند با ابراهیم خلیل مبعوث
گردانم او را و چون برق از صراط بگذرانم و هر کس مرضی و المی داشته باشد و آنرا شکر کند
و قبول نماید یعنی شکایت نکند شصت ساله عبادت برایش بنویسند پرسیدند که
حد شکایت کدام است حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند اینکه بگوید بلائی یا آزاری
کشیدم که هیچکس نکشیده است اما بگوید تب کردم یا بیخوابی کشیده ام مثل است گوئی
شکایت نباشد و اگر طفل مریض شود کفاره گناهان والدینش باشد و مستحب است
که چون کس

که چون کسی از مرضی صحت شود دوستان را خبر کنید که حسنه برایش بنویسند و ده سیئه
محو نمایند و ده درجه بلند کنند اما فضایل و آداب عیادت مریض و سعی حوائج
او مروی است که هر کس مومنی را عیادت کند داخل رحمت حق شود و چون بنشیند
رحمت او را فرو گیرد و چون مراجعت کند حق تعالی هفتاد هزار ملائکه را موکل گرداند
مشایعتش کنند و باو رفیق باشند تا آن ساعتی که باو باشد دعایش کنند و طلب
مغفرت برای او کنند و بهشت باو عطا کنند که چهل روز راه سواری است و روایت
دیگر آمده که هفتاد هزار ملک موکل فرمایند که کارشان آنکه تا روز قیامت تسبیح و
نمایند تا قبر او بعد از وفات او را تشییع کنند و تا قیامت برای او استغفار نمایند و
مستحب است که چون عیادت مریض روند سیبی یا بهی از برای او ببرند مجملا باید تحفه
برای مریض داشته تا قدری برای او تسلی یابد و باین کلمات او را دعا کند مگر آنکه البته
او شفا یابد اگر موتش رسیده باشد اسال الله العظیم رب العرش العظیم
ان یشفیک و چون از پیش او برخیزد بگوید کشف الله ضرک و غفر
ذنبک وحفظک دینک وبدنک الی منتهی اجلک و مریض از او
دعا کند که دعای مریض مستجاب است در حق عیادت کننده و هر کس برای بیماری یکشبانه
روز پرستاری نماید با ابراهیم خلیل الله مبعوث گردد و هر که در حاجتی برای مریض سعی کند خواه
بر آورده شود و خواه نشود از گناه پاک گردد مانند روزی که از مادر متولد شده باشد
کسی پرسید که یا رسول الله اگر مریض از اهل بیت این کس باشد چون است حضرت فرمود
ثوابش عظیم تر است معالجات مریض بروایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام و قسم

یکی آنکه تاثیرش از راه توکل و انقطاع بخدا و التجاء بمحض لطف او و توسل بولایت و شفقت ایشان است
و اثر طبیعت و مزاج را در آن دخلی نیست و اگر در بعضی از آن اندک تاثیری باشد بی اخلاص و یقین تاثیرش
مثل سایر ادویه باشد و هر کس را یقین و التجا بحقیقت باشد ازین قسم معالجات البته منتفع
شود چنانکه در زمان حضور حضرت ایشان جمعی که بالمشافهه یا باندک واسطه می شنیدند علی مرتبه تم
از آن عظیمتر منتفع می شوند و منتفع می شدند و درین ازمنه که بسبب وفور معاصی و شیوع مناهی و غلبه هموم
و تشویش دنیا در دلهای اخلاص مشوب بشرک و یقین مغشوش بشک گشته نادر باشد اگر کسی از روی
اخلاص و یقین معالجه عمل نماید یا باثر اجابت و محبت مقرون گردد و مصداق آنچه گفته شد از مضامین
بسیاری احادیث که ذکر آنها موجب اطناب و خروج ازین باب است از آنجمله است که این احادیث
مذکور میشود ظاهر دلالت حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت عیسی با یکی از اصحاب
برای میرفتند و بدریا رسیدند عیسی از روی یقین بسم الله گفت از روی آب روان شد
آن مرد هم از روی یقین بسم الله گفت بر روی آب روان شد و با او بود چون نظرش رسید
که چه تفاوت در میان من و پیغمبر خدا که ما ... در آب فرو رفت حضرت عیسی فرمود آنچه بخاطرت گذشته
استغفار کن استغفار کرد نجات یافت قسم دیگر آنکه تاثیرش از راه مزاج و طبیعت است
و این قسم لامحاله بسبب اختلاف امراض و امزجه و اماکن و ازمنه مختلف شود و بسیاری
مردم بسبب آن فرق میان این دو قسم نکرده اند ادویه در امراض مخالف و امزجه
مناسب استعمال کرده اند و موجب ضرر و هلاک گشته باین سبب ما درین مقام اکتفا
بذکر قسم اول می نمائیم اما ازین جهت که این رساله از شرف روایت قسم دیگر محروم
نباشد چند ... از صنوف روایت می نگاریم و عهده ملاحظه موافقت و احتیاط را بر ذمه
کسیکه

کسیکه معالجه کند گردانیم **قسم اول** و آن دو نوع است **نوع اول** صدقه دادن و دعا مرویست
که بیماران خود را بصدقه معالجه کنید که صدقه امراض و بلایا را دفع کند و مستحب است که بیمار بدست خود
صدقه دهد و بگوید بسایل که از برای او دعا کن که دعای سایل برای معطی مستجاب است و تفصیل فضایل آن انشاء الله
باید **واما** ادعیه و اذکار بسیارست و ما بذکر سطری از آن اختصار کنیم **بجهة جمیع امراض**
بگوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ
إِلَّا خَسَارًا تا آخر بخواند و دست را بموضع مالد مرویست که اگر از روی اخلاص و یقین
چنین بکند مرگ آنکه شفا یابد ایضا بر هر علت و وجع شفا در ... مرتبه حمد سوره بخواند مرویست
که اگر بر مرده هفتاد مرتبه بخوانند روح ببدنش برگردد و عجب نباشد مرضی که بالحمد شفا نیابد بهیچ
چیز شفا نیابد ایضا بعد از نماز صبح چهل مرتبه بگوید بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ تَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و دست بر موضع الم بمالد
راوی گوید مرا گوشی عارض شد که اطبا از معالجه آن عاجز گردیدند و از مداوای
آن مایوس گشتند پس من از غایت اندوه کتابی برداشتم که مطالعه کنم در پشت
کتاب این را دیدم که مرویست از حضرت صادق علیه السلام چون نماز صبح را گذارم
باین عمل نمودم هنوز ننشسته بودم که از آن علت صحت یافتم ترسیدم که باز عود
کند سه روز صبر کردم باز عمل کردم ... خبردار کردم ... طبیب حاذق یهودی
را آورده قضیه را باو نقل کردم چون ملاحظه نمایان اورد **تب و بیماران** بند بر آن ...
گشوده سر بیرون کرد چون برده اذان و اقامه بگوید و هفت مرتبه الحمد بخواند از ...

کوید من تب داشتم چون چنین کردم کویا از بند نجات یافتم طریقه دیگر اول حج پس از آنکه
باکسی حرف نزند هفت مرتبه الحمد بخواند اگر صحت نیافت روز دیگر هفتاد مرتبه بخواند حضرت
صادق علیه السلام فرمود که من بعد ازین ضامن شفا اویم طریقه دیگر یکصاع گندم که بوزن
بتر یکمن اندک بیشتر است کرد بر پشت بخوابد و گندم را بروی سینه بریزد و بهر نحو که ریخته شود
بکوید اللّهم انی اسئلك باسمك الذی اذا سئلك به المضطر کشفت
ما به من ضر و مکنت له فی الارض وجعلته خلیفتك علی خلقك
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تعافینی من علتی پس راست بنشیند
وگندم جمع کند و همین دعا را بخواند و قسمت به مسکین دهند راوی کوید چنین کردم کویا
از بند نجات یافتم طریقه دیگر مادر بیمار دو رکعت نماز بکذارد و در سجود بکوید اللّهم انك
وهبته لی ولم یك شیئا فهبه لی هبة جدیدة راوی کوید من
بیماری شدیدی داشتم حضرت صادق علیه السلام بدیدن من آمد چون جزع مادر را
دید باین طریق تعلیم فرمود چون صبح شد از سکینه بودم من نیز با ایشان شراکت که بودم و با این
طریقه در روایت دیگر چنین روایت شده که مردم آمدند در جنازه من حاضر باشند حضرت
صادق علیه السلام بمادرم فرمود که غسل بکن و بر بام خانه در زیر آسمان دو رکعت نماز بکن و بعد از
نماز بکو اللّهم انك وهبته لی ولم یك شیئا اللّهم انی استوهبكه
مبتدئا فاعرنیه طریقه دیگر مادر بیمار در بالای بام رود مقنعه از سر خود بردارد
و موی سر کشوده سجده کند بکوید اللّهم انت اعطیتنیه وانت وهبتنیه
فاجعله هبتك الیوم جدیدة انك قادر مقتدر هنوز سر برنداشته
از که فرزندش

باشد که فرزندش شفا یابد طریقه دیگر بیمار خود بکوید اللّهم ارحم جلدی
الرقیق وعظمی الدقیق واعوذ بك من فورة الحریق
یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله فلا تاکل اللحم ولا تشربی
الدم ولا تفوری من الفم وانتقلی الی من یزعم ان مع الله الها
آخر فانی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له وان محمدا
عبده ورسوله حضرت صادق علیه السلام که هرکز باین دعا پناه
نبردم مگر آنکه شفا یافتم مستحب است که مریض ایام مرض مکرر بکوید لا اله الا
الله وحده لا شریك له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت وهو
حی لا یموت سبحان الله رب العباد والبلاد والحمد لله حمدا
کثیرا طیبا مبارکا فیه علی کل حال والله اکبر کبیرا
کبریاء ربنا وجلاله وقدرته بکل مکان اللّهم ان کنت
امرضتنی لقبض روحی فی ارواح من سبقت له منك الحسنی
[illegible]
تب لرز بر سه پاره کاغذ بنویسد هر روز یکی را با کلاب بشوید و بنوشد بسم الله
الرحمن الرحیم هتك هتك هتك ههه شفاء من الله العزیز
الحکیم بحق اطط اطیط هل تضی اطط اطیط هل تضی اطط
اطیط هل تضی ایضا تب بر نه مغز بادام بنویسد هر روز سه عدد را
ناشتا بخورد در روز اول بر یکطرف بنویسد بسم الله و بر طرف دیگر بنویسد
میمونا در روز دویم بنویسد یکطرف الرحمن بطرف دیگر بنویسد و اسو مارا و در سیم بنویسد

بر یک طرف بنویسد الرحیم بر طرف دیگر و اب سوما ایضا بر سه پارچه کاغذ با
قلم باریک چنانکه نتواند خواندن بنویسد بسم الله ذی العزة والکبریاء والنور
و کاغذها را در تو پیچد هر روز یکی را ناشتا بجوزد با کاغذ تب غب سه برگ از درختی
بگیرد بر یکی بنویسد طیسوما و بر دیگری افحوما و بر دیگر ابراسوما و در آب
ریزند تب ربع بر دست راست بنویسند بسم الله جبرئیل بر دست چپ بنویسند
بسم الله میکائیل بر پای راست بنویسند بسم الله اسرافیل بر پای چپ بنویسند
بسم الله لا یرون فیها شمسا ولا زمهریرا بر کتف بنویسند بسم الله
العزیز الجبار طریقه دیگر بر کاغذ بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم ابجد
هوز حطی عن فلان ابن فلان باذن الله بر پای کاغذ هفت مرتبه
بنویسد خاتم سلیمان و کاغذ بر هم پیچد بعد از آن بر ریسمان آب نزیده و آب دهن
نزیده گرهی بر آن زند پس جانب راست آتش چهار گره و بر چپ سه گره زند ریسمان را آتش
دهن برده بر هر گره الحمد و معوذتین و قل هو الله و آیة الکرسی بخواند و با انکال جامع
نکند وجع در هر عضوی که باشد بگوید بسم الله و دست بر آن عضو بمالد و هفت مرتبه
بگوید اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله
و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله و اعوذ
باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی
درد گوش دست بر آن گذارد و هفت مرتبه بگوید اعوذ بالله الذی سکن
له ما فی السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم درد شقیقه
دست بر الموضع

دست بر الموضع گذاشته سه مرتبه بگوید یا ظاهرا موجودا و یا باطنا غیر
مفقود یارد علی عبدک الضعیف ایادیک الجمیلة و اذهب عنه
ما به من اذی انک حمید قدیر ایضا درد چشم اگر کسی را آب
در چشم رود و این آیه را بر آب بخواند و چشم را بدان آب بشوید اذهبوا بقمیصی
هذا فالقوه علی وجه ابی یأت بصیرا و أتونی باهلکم اجمعین ایضا
درد چشم اگر کسی را چشم درد کند با اعتقاد شفا آیة الکرسی را بخواند شفا یابد ایضا
آیه نور را با آیه ان یکاد با تربت امام حسین علیه السلام بر جام بآب زمزم بنویسد
و جام را بشوید و در شیشه کند و با میل در چشم کشد بهتر شود و ایضا از صلحا منقول است
که در خواب با صالحی گفته بگو اعیذ نور بصری بنور الله الذی لا یطفی
و دست بر چشم بمال و آیة الکرسی بخوان چنین کن شفا یابی و مکرر تجربه کرده اند
درد گوش دست بر گوش گذارد و بگوید لو انزلنا هذا القران تا آخر سوره حشر را بخوانند
درد دندان انگشت سبابه را بر سر دندان گذاشته بگوید بسم الله و بالله
اسئلک بعزتک و جلالک و قدرتک علی کل شیء ان
مریم لم تلد غیر عیسی روحک و کلمتک ان تکشف ما یلقی
فلان ابن فلان من الضرر کله خون در هر عضوی که آید بگوید بسم الله
الرحمن الرحیم ما قطعتم من لینة او ترکتموها قائمة علی اصولها
فباذن الله و لیخزی الفاسقین درد دهن دست بر آن بگذارد و بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء اعوذ

بكلمات الله التي لا يضرّ معها شيء قدوس قدوس قدوس
اسئلك يا رب باسمك الطاهر المقدس المبارك الذي من سالك
باعطيته ومن دعاك باجبته اسالك يا الله يا الله يا الله
ان تصلي على محمد النبي واهل بيته وان تعافيني مما اجد
في وفي راسي وفي سمعي وفي بصري وفي بطني وفي ظهري
وفي يدي وفي رجلي وفي جوارحي كلها از سيا قرين دعا چنين
مفهوم میشود که برای درد هر عضوی این دعا را میتوان خواند درد دل و سینه این آیت
را باب بخواند و پاشاند لئن انجينا من هذه لنكونن من الشاكرين سيهزم
الجمع ويولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة ادهى وامر
ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما
من احد من بعده انه كان حليما غفورا درد شکم تدری آب گرم بپاشاند بعد
از ان بگوید یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب یا اله
الالهة یا ملك الملوك یا سید السادات اشفني بشفائك من كل
داء وسقم فاني عبدك وابن عبدك واتقلب في قبضتك درد پهلو
دست بر ان بمالد و سه مرتبه بگوید اعوذ بعزة الله وقدرته على ما يشاء
من شر ما اجد باز دست بمالد و بگوید بسم الله وبالله محمد رسول الله
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم امسح عني ما اجد
في حاضرتي درد پشت دست بر ان گذارد و بگوید وما كان لنفس ان
تموت الا

تموت الا باذن الله كتابا مؤجلا ومن يرد ثواب الدنيا نؤته
منها وسنجزي الشاكرين هفت مرتبه انا انزلناه بخواند درد ناف دست را
بر ناف بگذارد و سه مرتبه بخواند وانه لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من
بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد درد ران در آب گرم
بنشیند و دست بر ان موضع گذاشته بگوید اولم ير الذين كفروا ان السموات
والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي افلا
يؤمنون درد فرج دست چپ بر ان گذاشته سه مرتبه بگوید بسم الله وبالله
بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف
عليهم ولا هم يحزنون اللهم اني اسلمت وجهي اليك وفوضت
امري اليك لا ملجا ولا منجى الا اليك درد مثانه وقت خوابیدن سه مرتبه
بخواند و چون بیدار شود یکمرتبه بخواند الم تعلم ان الله له ملك السموات
والارض وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير نفخ شکم بگوید بسم الله
الذي اتخذ ابراهيم خليلا وكلم الله موسى تكليما وبعث
محمدا بالحق نبيا بعد از ان سه مرتبه بگوید یا ریح اخرجي باذن الله زهير
بعد از نماز شب بخواند اللهم ما كان من خير فمنك لا احمد لي فيه وما
كان من سوء فقد حذرتنيه لا عذر لي فيه اللهم اني اعوذ بك
ان اتكل على ما لا احمد لي فيه وامن ما لا عذر لي فيه بواسیر بخواند
يا جواد يا ماجد يا رحيم يا قريب يا مجيب يا بارئ يا راحم

صل علی محمد وآله وردّ نعلی نعمتك واکفنی امر وجعی طریقهٔ دیگر
سورهٔ یس را نوشته با عسل شسته باشامد سنگ مثانه وفالج در سجود نماز شب بگوید
اللهم انی ادعوك دعاء الذلیل الفقیر العلیل ادعوك دعاء من
اشتدت فاقته وقلت حیلته وضعف عمله الح علیه
البلاء وفالج وقولنج وبادهای مفاصل الحمد ومعوذتین بر آن بخواند بعد از آن بر شانهٔ
گوسفندی یا بر لوحی بنویسد وبآب باران بشوید وبناشتا باشامد وبخواند اعوذ
بوجه الله العظیم وبعزته التی لاترام وقدرته التی لایمتنع
منها شیء من شر هذا الوجع ومن شر ما فیه ومن شر ما اجد
منه سپرز سه مرتبه سورهٔ اذا جاء وسه مرتبه این آیه را بخواند ان الذین قالوا
ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة الا تخافوا ولا
تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون بر دستهای صاحب سپرز
بخواند وهر دو دست را هفت مرتبه بر سرش بمالد طریقهٔ چهارشنبهٔ آخر ماه پیش از طلوع
آفتاب بنویسد وبر بازوی چپ بندد وبعد از نه روز بگشاید ودر آب روان اندازد
واگر نشود در چهارشنبهٔ دیگر چنین کند ان شاء الله تعالی شفا یابد الم الم المر المص
الر الر الر الر حمعسق حم حم حم کهیعص طه طسم طس
طسم یس ص ق ان الله یمسك السموات والارض ان تزولا
ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا
ووضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین مما فیه ایها الطحال
ارجع

ارجع الی الموضع بحرمت محمد صلی الله علیه وآله سه مرتبه را ب
بخواند یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر
اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون

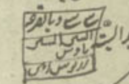
٤ ٢ ٢	ما و بده ما	ح [illegible]
ح ماح ع	ما [illegible]	الله [illegible]
ساما ل ل	ام و ق	س ع
ساماول	ام و و	طاع

وآب را باشامد ودست بر شکم بمالد وهشت مرتبه را ب بخواند بسم الله الملك المتکلمون الذین
لا یعلمون قاعدون فوق علیین یاکلون فی الطریا یسئلونك حاجتهم
من النوی العلوی کذالك یشفی فلان ابن فلان روغنی بر آن آب ریزند
وچون ممزوج شود بر شکم بمالند وقدری از آن آب باشامند حبس البول هر دو پا را ببندد
ودر ساق چپ بنویسد ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر لمن کان
کفر ودفع حرارت بول بگوید ربنا الله الذی فی السماء تقدس الله اسمك
فی السماء والارض اللهم کما رحمتك فی السماء اجعل رحمتك فی الارض
اغفر لنا حوبنا وخطایانا انت رب الطیبین انزل رحمة من
رحمتك وشفاء من شفائك علی هذا الوجع فلیبرء درد دندان با خود
من اعطی ویا خیر من سئل ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی وقلة
حیلتی واعفنی من وجعی درد ساقین هشت مرتبه بخواند بر آن اقل ما اوحی
الیك من کتاب ربك لا مبدل لکلماته ولن تجد من دونه ملتحدا
درد سر وپا بر آن بخواند انا فتحنا تا عزیزا حکیما درد پا ودست بر آن بگذارد وبخواند
چنانکه احساس الم کند بسم الله وبالله وما قدروا الله حق قدره والارض

جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه
وتعالی عما یشرکون ورم در هر جای بدن که حادث شود چون برای نماز
فریضه وضو کند پیش از نماز بر آن بخواند لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سورهٔ حشر
بخواند عرق النسا دست بر آن گذارد و بخواند بسم الله وبالله اعوذ بسم الله
الکبیر واعوذ بسم الله العظیم من شر کل عرق نعار ومن شر
حر النار سل سه مرتبه بگوید یا الله یا رب الارباب ویا سید السادات
یا اله الالهة ویا ملک الملوک ویا جبار السموات والارض
اشفنی وعافنی من دائی هذا فانی عبدک اتقلب فی قبضتک و
ناصیتی بیدک خنازیر بعد از هر فریضه در سجده بگوید یا رؤف یا رحیم
یا ربی یا سیدی صل علی محمد وآل محمد وعافنی من علتی برص
دو رکعت نماز گذارد و بعد بگوید یا الله یا رحمن یا رحیم یا سامع الاصوات
یا معطی الخیرات اعطنی خیر الدنیا والآخرة وقنی شر الدنیا و
الآخرة واذهب عنی ما اجد فقد غاظنی واحزننی طریقه بیرون با
عسل بر جامی نویسد و بیاشامد دنبل و جراحت چون بجایش خواب رود بگوید
اعوذ بوجه الله العظیم وکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن
بر ولا فاجر ومن شر کل ذی شر جوشش انگشت سبابه را بر آن گذاشته
دبر دور آن گرداند هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم و در مرتبهٔ آخر
انگشت را بفشرد دبوک یک پاره نمک برداشته بر آن بمالد سه مرتبه بر آن بخواند
لو انزلنا

لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سورهٔ حشر در مؤثر می اندازد و بسرعت بر گردد و طریقه
دیگر چون ماه در تحت الشعاع باشد هفت دانه جو بردارد و بهر دانه هفت مرتبه بخواند
اذا وقعت الواقعة تا هباء منثورا و این آیه را بخواند ویسئلونک عن
الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری
فیها عوجا ولا امتا بعد از ان یک یک را از آن جوها بر دانها بالدس [illegible] پارچه
نوی بسته بر سنگ بسته در چاه آب خانه اندازد راوی گوید چنین کردم در روز هفتم
یا هشتم هر مثل کف دست شد صرع الحمد یا معوذتین در قدحی آب بخواند و
بر روی مصروع بپاشند طریقه بر مصروع بخوانند عزمت علیک یا ایها
بالعزیمة التی عزم بها علی ابن ابی طالب و رسول الله صلی الله
علیه وآله علی الجن والدی لصفرائه فاجابوا واطاعوا لما اجبت
واطعت وخرجت عن فلان ابن فلان عرق مدنی که بفارسی رشته
گویند پشم شتر گویند پشم شتر را بی آنکه بمقراض کنند یا ببرند بلکه از بدنش بکنند
در ریسمانی تابیده هفت گره بر آن زنند و هر گره سه مرتبه الحمد و معوذتین و بعد از
آن سه مرتبه این دعا را بر آن کس بخواند بسم الله الاحد المحصی للعدد
العدد القریب لما بعد الطاهر عن الولد العالی عن یولد المنجز
لما وعد العزیز بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد ولم یولد
ولم یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر والخفیة
یا من السموات بقدرته مرضات یا من الارض بعزته

مدحوة یا من الجبال بارادته مرساة یا من بیده یحیی صاحب العرق
من کل آفة وبلیة صل علی محمد وآله خیر خلقك واشف اللهم
فلان ابن فلان بشفائك وداوه بدوائك وعافه من بلائك
انك قادر علی ما تشاء وانت ارحم الراحمین وصلی الله
علی محمد النبی وآله **طریقه** چون شروع بکار دین کند هنوز برون نیامده
باشد بر آن نویسد ویسئلونك عن الجبال تا ولا امتا چون قبل ازین گذشت
طریقه دیگر در زیر آسمان که سقف نداشته باشد وسته را بر وی داشته بگوید اللهم انك
غیرت اقواما فی کتابك فقلت قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا
یملکون کشف الضر عنکم ولا تحویلا فیا من لا یملك کشف ضری
ولا تحویله عنی احد غیره صل علی محمد وآل محمد واکشف ضری
وحوله الی من یدعو معك الها آخر فانی اشهد ان لا اله
غیرك **غلبه بول** در خواب نویسد با زعفران بسم الله الرحمن الرحیم
واین آیه را اگر نویسد تا جام رشو ان الله یمسك السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان غفورا حلیما
پس آب برد بشوید ونگاه دارد وبعد از آن بر پایه پوستی بامداد نویسد این را والحمد سوره
وقل هو الله احد ومعوذتین وآیة الکرسی ولو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره
وقل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره وبعد از آن بسم الله الرحمن الرحیم
وان الله یمسك السموات والارض تا آخر سوره پس نویسد یا من
هو هکذا

هو هکذا ولا هکذا غیره اسئلك عن فلان ابن فلان ما
یجد من غلبة البول پس اگر مرد باشد این تعوید را بر پشت ظهار یا بر و کرش
بندد و بر زانویش بندد پس قدری زعفران دو را بر آن سعد هر یکی را بکوبد و سعد سو
از حریر صاف کند هر دو را با عسل بی موم معجون کند گلوله ها بسازد و در وقت خواب هر
یک گلوله از آن آب قدری بنوشد و در این ایام آب کم بخورد و چون علت زایل شود
تعوید را بگشاید که حبس البول شود **ابله** این شکل را بنویسد و بر بازویش بندد و اگر
برون نیامده باشد نیاید و اگر آمده باشد زیاده از آن شکل نیاید البته

مارگزیده عشر مرتبه الحمد بخواند حضرت سلام ... داله را در نماز عقرب گزیده چون از
نماز فارغ شد عقرب بسوی لعن فرمود و فرمود در نماز و غیر نماز کسی نمی گذارد پس نمک حل کرده
بر آن مالید و قل یا ایها الکافرون و معوذتین بر آن خواند **سوخته** تکبیر گویان جوش
کند و بر آن عضو بگوید اذهب البأس اشف انت الشافی لا شافی الا انت
نسیان بخواندن این دعا مداومت کند و روایت دیگر آمده که با عسل سفید بر قدحی پاک
بنویسد و با آب باران بشوید پیش از آنکه بر زمین برسد بشوید سه روز ناشتا بخورد خدای تعالی
حفظ قرآن و علم فراوان با عطا فرماید اللهم انی اسئلك ولم یسأل العباد
مثلك اسئلك بحق محمد نبیك ورسولك وابراهیم خلیلك و
صفیك وموسی کلیمك ونوح نجیك وعیسی کلمتك
وروحك واسئلك بصحف ابراهیم وتوراة موسی
وزبور داود وانجیل عیسی وقرآن محمد صلی الله علیه

وَآلِهِ وَبِكُلِّ وَحْيٍ اَوْحَيْتَهُ وَقَضَاءٍ اَمْضَيْتَهُ وَحَقٍّ قَضَيْتَهُ وَغَنِيٍّ
اَغْنَيْتَهُ وَضَالٍّ هَدَيْتَهُ وَسَائِلٍ اَعْطَيْتَهُ وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
وَضَعْتَهُ عَلَى اللَّيْلِ فَاَظْلَمَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ
فَاسْتَنَارَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ
وَدَعَمْتَ بِهِ السَّمٰوَاتِ فَاسْتَقَلَّتْ وَوَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَرَّتْ
وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عِبَادُكَ الَّذِينَ اسْتَجَبْتَ لَهُمْ اَنْبِيَاؤُكَ
فَغَفَرْتَ لَهُمْ وَرَحِمْتَهُمْ وَاَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ اَنْزَلْتَهُ فِي كُتُبِكَ وَبِاسْمِكَ
الَّذِي اسْتَقَرَّ بِهِ عَرْشُكَ وَبِاسْمِكَ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الْفَرْدِ
الْوِتْرِ الْمُتَعَالِ الَّذِي يَمْلَاُ الْاَرْكَانَ كُلَّهَا الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ
الْمُقَدَّسِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ نُورِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ وَكِتَابِكَ الْمُنْزَلِ بِالْحَقِّ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ
وَنُورِكَ التَّامِّ وَبِعَظَمَتِكَ وَاَرْكَانِكَ وَاَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ
مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَرْزُقَنِي حِفْظَ الْقُرْآنِ وَاَصْنَافِ الْعِلْمِ وَاَنْ تُثَبِّتَهَا
فِي قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصَرِي وَاَنْ تُخَالِطَ بِهَا لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي
وَمُخِّي وَتَسْتَعْمِلَ بِهَا لَيْلِي وَنَهَارِي بِرَحْمَتِكَ وَقُدْرَتِكَ
فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ و طریقه دیگر جهت
قوت حافظه و زوال نسیان در نامهٔ صحیح انید عا خواندن مداومت نماید
ربنا لا

[illegible]

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِينَا تا آخر سورهٔ بقره بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُنْسِنِي
مَا اَقْرَأَنِي يَوْمِي هٰذَا فَاِنَّكَ قُلْتَ سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسٰى طریقه بعد از نماز بر
بگوید سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى اَهْلِ مَمْلَكَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ
اَهْلَ الْاَرْضِ بِاَلْوَانِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ
لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصَرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
طریقه دیگر بعد از نماز صبح پیش از آنکه حرف زند بگوید یَا حَيُّ یَا قَيُّومُ فَلَا
يَفُوتُ شَيْئًا عِلْمُهُ وَلَا يَؤُودُهُ نوع دیگر از قسم اول ادعیه که عمده تاثیر شان
نه از جهت مزاج طبیعت اگرچه در بعض از آن اثر مزاج نیز دخلی داشته باشد از آن جمله چند
دعا ذکر کنیم اول تربت حضرت امام حسین علیه السلام روایت از اهل بیت طاهرین علیهم
السلام که این تربت مقدس دوای اکبرست در هیچ مرضی نگذرد مگر آنکه او را دفع کند
و دوای هر علت است و حرز هر خوف از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رسیده که
بعضی مردم از تربت منتفع میشوند و بعضی منتفع نمیشوند و الله که هیچ کس با اعتقاد اینکه
حق تعالی باین تربت او را شفا دهد شاد دل نکند مگر اینکه شفا یابد البته دیگری بخدمت
آنحضرت عرض کرد که از شما شنیده‌ام که تربت مقدس حضرت امام حسین علیه السلام
بر هیچ مرضی نگذرد مگر آنکه شفا دهد حضرت فرمود بلی چنین است عرض کرد من شاد دل
صحت نیافتم فرمود این تربت دعای دارد اگر آنرا نخوانند و اندک اثر نکند چون خواهی که
تربت مقدس را برداری بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذِي قَبَضَهَا
وَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي خَزَنَهَا وَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ

فيها ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعله شفاء من كل
داء وامانا من كل خوف وحفظا من كل سوء پس بر پاره بنه و
انا انزلناه بخواند و چون خواهی تناول کنی اول ببوس و بر هر دو چشم بگذار و بیش
قدر نخود تناول مکن که هر کس بیش از قدر نخود بخورد چنان است که از گوشت و خون ما
بخورد و در روایت دیگر نیز آمده که اگر کسی بلاقصد دو انجوزه چنان است که از گوشت
و خون ما خورده باشد و ایضا دیگری روایت کرده است که بحضرت امام محمد باقر ع
شکایت کردم از دو علت که هر یک ضد دیگری بود و هر یک را که معالجه میکردم بدیگری
ضرر میرسید فرمود چرا تربت حضرت امام حسین علیه السلام نمی خوری گفتم بسیار خوردم
نفع نکردم چون این سخن را شنید اثر غضب در آن حضرت مشاهده کردم گفتم اعوذ بالله
من غضبک یا ابن رسول الله پس آن حضرت برخواست که بقدر نخودی از تربت مقدس آورده
بمن دادند چون خوردم همان ساعت شفا یافتم فرمود این همان است که گفتی بسیار
خوردم و شفا نیافتم پس گفتم یا ابن رسول الله بخدا قسم که دروغ نگفتم لیکن شما را در آن
علمی است که اگر بمن تعلیم فرمائی دوست دارم از آنچه آفتاب بر آن می تابد فرمود که چون
میخواهی تربت مقدس را برداری باید در آخر شب غسل کنی و جامه پاک بپوشی و بوی خوش بکار
بری پس بمشهد مبارک آن حضرت رفته در بالای سر مبارک چهار رکعت نماز بگذاری
در رکعت اول بعد از حمد یازده مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم یازده مرتبه انا
انزلناه بخوانی بعد از آن قنوت بخوان لا اله الا الله حقا حقا لا اله
الا الله عبودية ورقا لا اله الا الله وحده وحده انجز
وعده

وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده سبحان الله رب السموات
السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش سبحان الله
العظيم وصلى الله على محمد وآله وسلم تسليما وسلام على
المرسلين والحمد لله رب العالمين پس تمام کن و سلام بده و دو رکعت
دیگر بگذار در اول بعد از حمد یازده مرتبه قل هو الله احد و در دوم یازده مرتبه اذا جاء نصر الله
و همان قنوت را بخوان و چون سلام دهی سجده کن و در سجده هزار مرتبه بگو شکرا لله پس
سر بردار و دست ها را بر تربت گذاشته بگو یا مولای یا ابن رسول الله انی
اخذت من تربتك باذنك اللهم اجعلها شفاء من كل داء وعزا
من كل ذل وامانا من كل خوف وغنيا من كل فقر لي ولجميع اخواني
المؤمنين پس سه مرتبه هر مرتبه بقدر سه انگشت از آن تربت بردار و در خرقه
پاک بلند یا در شیشه کن و سرش را با خاتمی که نگینش عقیق باشد و این کلمات هم بر آن
نقش باشد ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله استغفر الله
مهر کن و چون حق تعالی بداند که با نیت پاک بر داشته مجموع آن تربت یک مثقال
باشد یا نه زیاده و کم نباشد چون چنین برداری شفای جمله امراض باشد در روایت
دیگر این کلمات را با تربت در کاسه چینی بگلاب یا زعفران نوشته بیاشامد باذن الله تعالی
شفا یابد اگرچه شروط مفروضه بعمل نیامده باشد بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله
الشافي بسم الله الكافي بسم الله المعافي بسم الله الذي لا يضر
مع اسمه شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم وننزل

من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و در وقت خوردن بگوید بسم الله
و بالله اللهم رب هذه التربة المبارکة الطاهرة و رب النور الذی
انزل فیه و رب الجسد الذی سکن فیه و رب الملائکة الموکلین
به اجعله لی شفاء من داء کذا و ان علت را نام برد و پس جرعهٔ آب بر
آن بپاشاند و بگوید اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و
شفاء من کل داء و سقم حق تعالی ببرکت آن تربت هر علت و
الم و غم و همی که دارد مندفع گرداند و در روایت دیگر آمده که این دعا را سه مرتبه
بخواند و بر تربت بدمد و در تربت کند بسم الله و بالله اللهم اجعله
رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک علی کل شیء
قدیر دویم این تربت مقدس را و قدری زعفران و قدری عسل با آب باران
معجون ساخته در امراض او نمایند سیم هفت حب از این تربت مبارک که هر
حب بقدر عدسی باشد هفت دانه سیاه و هفت قطره عسل را در آب باران در رو
کنند و الحمد و معوذتین و قل هو الله و آیة الکرسی و اول سورهٔ حدید تا ترجع الامور
و لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره بر آن بخوانند و استعمال نمایند چهارم آب
نیسان ماه رومی مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که شما را دعایی بیاموزم که محتاج باطبا نشوید حضرت امیر المؤمنین علیه السلام با صحابه
دیگر عرض کردند که آن کدام است فرمود آب باران نیسان را بگیرید و بر آن بخوانید
الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و معوذتین و قل یا ایها الکافرون هر یک هفتاد

هفتاد بار

هفتاد بار و بروایتی انا انزلناه و الله اکبر و لا اله الا الله و صلوة محمد هر یک هفتاد
بار و هفت روز پی در پی از آن آب بیاشامد بآنکه آن کس که جانم در ید قدرت
اوست جبرئیل را خبر داد که جمیع امراض که در رگ و پی استخوان آدمیست بیرون
برود اگر در لوح محفوظ نام او ناخوشی ثبت شده باشد رفع شود و اگر کسی را فرزند
نشود چون از آن آب بخورد فرزند شود و اگر چه عقیم بوده باشد درست شود و اگر زن
بقصد پسر بخورد پسر آورد حتی کوری و شلی و دیوانگی را دست و امان از آب سیاه
در چشم و وسوسهٔ شیطان از جن و انس و دلش از نور الهی پر شود و حکمت الهی بر زبانش
جاری شود و حق تعالی هزار رحمت و برکت بر او فرستد و غش و حسد و عداوت
خیانت و تهمت و کبر و بخل و حرص و غضب و ظلم از دلش بیرون رود پنجم آب
هر باران که باشد قبل از اینکه بزمین برسد بگیرد الحمد و توحید و معوذتین هر یک هفتاد
مرتبه بر آن بخواند یک قدح صبح و یک قدح شام بیاشامند حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود بخدایی که مرا اختصاص داد بر جمیع خلایق که بر او هر الم و علت که باشد
شفا یابد و فضایل آب بیش از این است و مدت از تلخ و گرم قبل از این گذشت قسم دویم
که تأثیرشان از جهت مزاج و طبیعت است و بحسب اختلاف امزجه و بلاد و فصول لا محاله
مختلف شود پس در استعمال آنها ملاحظه باید نمود تا موجب مفسده نشود و از آن جمله چند
ذکر کنیم اول سناء مکی مرویست که اگر چیزی میتوانست دفع مرگ نماید سنا بود
و اگر مردم بدانند که در سنا چه خاصیت است مثقال او را بدو مثقال طلا بخرند اما
از برص و بهق و جذام و جنون و فالج و لقوه و سنا و مویز سرخ دانه و هلیله زرد و بلیله

سیاه و هلیله کابلی مساوی معجون ساخته مقدار سه درم ناشتا و سه درم وقت
خواب بخورد تا خاصیت ظاهر گردد دوم برفلونیا اگر صاحب سه مقدار دو درم
یا دو درم در شب اول تناول کند از آن کوفت و از مرض برصام ایمن شود سیم سیاه
دانه مرویست که دوای هر علتست بجز موت راوی پرسید که چون استعمال کنیم
فرمود سه شب شبی بیست و یک دانه در پارچه بسته در آب بخیسانید شبها یا روزها روز اول در
هر سوراخ بینی یکقطره بچکانند در روز دویم در جانب راست دو قطره و در چپ یکقطره
بچکانند روز سیم در راست یکقطره و در چپ دو قطره چهارم اطریفل روایت از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که موسی بن عمران از رطوبت و بلغم از حق تعالی شکایت
کرد فرمود هلیله و بلیله و آمله را اجزا مساوی هم گرفته و با روغن گاو چرب کرده با عسل
معجون سازد و استعمال نماید حضرت فرمود آن همانست که شما اطریفل مینامید
شفای علتست بجز موت پنجم کسی از جهت ربع شکایت کرد حضرت فرمود قرار قند
صلایه کرده در آب ریزد و برهم زند تا پاکیزه شربت شود صبح و شام بیاشامد ششم
عسل مرویست که دوای هر کوفتست اگر کسی ماهی یکبار عسل بخورد از همه امراض
پاک گردد هفتم کسیکه عطسه بسیار کند روغن مرزنجوش در دماغ بچکاند تخفیف یابد
مرویست که عطسه در زکام را معالجه میکند که امانست از جذام و از بادی که در سر درد
بهم رسد و از نزول آب و موی زیاد در چشم و سده دماغ و مرویست هر کسی
رگی از جذام در سر و رگی از برص در بدن هست چون جذام در حرکت آید خدای تعالی زکام
را بر وی مسلط سازد تا ماده جذام را رفع کند و چون برص در حرکت آید دنبل را بر او مسلط
دهد تا ماده

دهد تا ماده برص را دفع کند پس چون بر شما زکام و دنبل عارض گردد خدا را حمد کنید
هشتم صبر سقوطری و مرو کافوری ماحی مساوی هم کوفته و از حریر بیخته مثل سرمه
در چشم کشند از مه در چشم و ضعف باصره را رافع و در روایت دیگر بجای صبر
و مرو مذکور است با کافور و فرمود اگر ماهی یکمرتبه در چشم کشند همه امراض را از سر دفع
نماید نهم مرویست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که زعفران و سعد از هر یک
قدری با عسل معجون ساخته هر روز دو مثقال تناول کند از شدت حافظه بهم [illegible]
که ساحر گردد دهم حجامت و فصد مرویست که چون آثار زیادی خون ظاهر شود
خون از بدن بیرون کنید که گاه باشد ناگاه طغیان کند و مؤدی بهلاکت رسد
و نیز مرویست که مردم هیچ چیز مداوا نکنند بهتر از حجامت خون یا یک انگشت
عسل و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حجامت سر دوای همه مرضهاست بجز مرض
موت پس از ابروی خود وجب بگیر بانجا که ابهام رسید فرمودند که این موضع
را حجامت کنید باید چیزی خورده باشید تا خون بموضع حجامت جمع شود و کوفت و الم
از بدن بیرون رود و اگر چیزی نخورده باشد حجامت کنند خون برود و کوفت بماند
و بعد از حجامت قند بخورند که خون تازه از او متولد شود و حجامت روز شنبه و یک
شنبه و دو شنبه و عصر روز چهارشنبه نافعتر باشد مرویست که در روز
یکشنبه دوای شفای هر علتست و پنجشنبه پیش از زوال حجامت کنند که خون در موضع
حجامت جمع شود و چون زوال شود متفرق گردد و پنجشنبه آخر ماه کوفت از تنج
بر اندازد و مرویست که روز سه شنبه اگر حجامت کنند خون نبندد تا آنکه

بمیرد یا آنچه خدا خواهد شود و روز چهارشنبه مورث برص شود روایت دیگر آمده که این

برای کسی است مادرش در ایام حیض باو حامله شده باشد روز جمعه وقت زوال اگر حجامت

کند گرفتار شود بعبر از خود کسی املات نکند مرویست از همان حضرت که از اول ماه تا نصف

ماه حذر از کنید که هر روز مورث علتی باشد و از روز شانزدهم تا آخر ماه حجامت کنید

که هر روز شفا و منفعتی باشد و یکشنبه و چهارشنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه

اتفاق افتد دوای امراض باشد یکسال و مرویست که آیة الکرسی بخوانید هر روز

خواهید حجامت کنید که ضرر نکند و مرویست که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه یکبار ببرید که برای

صحت بهتر است و فصد نیز در اکثر احکام مثل حجامت است و چون حجامت کنید و خون

بیرون آید هنوز فارغ نشده باشید که بگوئید بسم الله الرحمن الرحیم

اَعُوذُ بِاللهِ الکَرِیمِ فِی حِجَامَتِی هٰذَا مِنَ العَینِ فِی الدَّمِ وَ

مِن کُلِّ سُوءٍ این بوده اندکی از ادویه طبیعه که در احادیث مذکور است و بسیار

اغذیه و ادعیه نیز در فصل ماکولات گذشت و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که

هیچ دوائی نیست که تهیج مرضی نکند و هیچ بهتر از آن نیست که دست از خوردن

باز داری مگر بقدر ضرورت و هم از آنحضرت مرویست که تا بدن تاب بیاورد دوا مکنید

فصل سیم در سایر جزئیات عادات مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله

علیهم که در ابتدای کارها بسم الله بگوئید تا از شر شیطان ایمن باشید و در کارهای

عظیم و دشوار و عزیز در هنگام ابتدا الصدقه بکنید و دعا و استعاذه کنید که اگر ضرر در

آن باشد دفع شود و شروع در کارهای اول روز بهتر است که احادیث بسیار وارد شده است

که اول روز

که اول آن روز برکت است و مبارک مرویست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

که در هر ماه دو روز نحس است که اگر کاری کرده شود مبارک نشود و اگر طفلی متولد شود

نماند و اگر بجنگ رود ظفر نیابد و اگر درختی بکشد نمو نکند باین تفصیل محرم یازدهم

و چهاردهم صفر اول و بیستم ربیع الاول دهم و بیستم ربیع الثانی اول و یازدهم

جمادی الاولی دهم و یازدهم جمادی الاخری اول و یازدهم رجب یازدهم و سیزدهم

شعبان چهاردهم و بیستم رمضان المبارک سیم و بیستم شوال ششم و شستم ذی القعده

ششم و بیستم ذی الحجه هشتم و بیستم و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست

که در هر ماه یک روز نحس است که هر کس از آن اجتناب کند ایمن باشد از مکاره و محا...

باین تفصیل محرم بیست و یکم صفر دهم ربیع الاول چهارم ربیع الثانی ... جمادی

جمادی الاول بیست و چهارم جمادی الثانی و رجب و دوازدهم شعبان ... ششم ...

بیست و چهارم شوال دوم ذی القعده بیست و هشتم ذی الحجه هشتم ایضاً از حضرت صادق

علیه السلام مرویست که هر ماه هفت روز نحس است چنانکه مشهور است اما این حساب در

ماه قدیم است که ظاهراً اول سالش نوروز است و هر ماهی را سی روز تمام میشمردند تا آخر سال

و احادیث بسیار در نحوست روز عاشورا و چهارشنبه و دوشنبه وارد است

چنانکه بعد از این بیاید و در روایت دیگر آمده که با روزها دشمنی نکنید تا روزها با شما

دشمنی نکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس در روز یکشنبه جامه ببرد مبارک

نباشد و در آن جامه همیشه غمگین باشد و روز دوشنبه مبارک باشد روز سه شنبه دریده

یا غرق شود یا بسوزد چهارشنبه در آن جامه روزی یابد بکرخیه کراهت نپوشند خوشحالی

بگذرانند و در روز پنجشنبه علمی او را حاصل شود و در پیش مردم عزیز و محترم باشد و در روز جمعه
عمر و دولتش زیاد گردد و دوشنبه بیمار رسیده شود مگر آنکه آن جا را بکسی دهد اما چنانکه از بسیار
حدیث ظاهر میشود اینست که توکل بر خدا کنید متوسل بصدقه و دعا شوید از هر ضرر با این شوید
و مناسب این مقام است تحقیق علم نجوم و عمل بآن و اخبار آنست که احادیث بسیار که ذکر آنها
در این رساله نگنجد دبر این عقیده نیز صریح است در اینکه خدای تعالی بمقتضای حکمت کامله
و مصلحت شامله در کارخانه صنعت خود هر کاری را بکار فرمائی مرجوع ساخته برای
نظام هر امری امیری تعیین فرموده از انجمله جزئیات عالم کون و فساد را از خیرات
و شر در ملائکه آسمانها که آفتاب و ماه و کواکب و نجوم همه جنود و اعوان و خدام
ایشانند مرجوع گردانیده است و ایشان را بر نسق و نظام و نشاط دنیا مقرر فرموده هیچ
جزئی از جزئیات در این عالم حادث نشود مگر بتاثیر و امر ایشان باذن الله العزیز
الحکیم اما چند سبب امریست نبوت و حکمت امت را از تعلم و پیروی کردن منع
فرموده اول آنکه چنانچه منجمان نیز معترفند بآن احکام تاثیرات کواکب و حرکات
افلاک در خصوص نسب و اوضاع آنها معارضه کنند و با یکدیگر مقاومت نمایند
چه بسا باشد که نظری و وضعی خاص مقتضی اثری باشد و نظر و وضعی دیگر مقتضی
خلاف آن باشد یا با آن مقاومت کند بلکه بر او زیادتی نماید و همچنین ملائکه و کواکب
را حصر و عدد و خصوص تاثیرات و احکام ایشان را از ایشان غیر اهل بیت نبوت
دیگری ندانند و اطلاع بر حقایق امر آنها غیر ایشان احدی نشوانند و آنچه از این جمله در
نجوم مضبوط است عددی و غلط در میان است پس با وجود این امر قصور پیروی آن موارد
حسرت و تضییع

حسرت و تضییع عمر سودی و حاصلی نه و مؤید اینست آنکه کسی از حضرت امام علیه السلام
پرسید که علم نجوم میکنیم مردم منع میکنند اگر ضرر بدین من دارد ترک کنم حضرت فرمود
ضرر بدین ندارد و اما علمی است که بسیارش را نمیدانید و کمش فایده ندارد و بعد از آن
کوکبی سکینه نام را سوال نمود و از بعضی احوال استفسار فرمود گفتم این کوکب را هرگز نشنیدم
و در کتابها ندیده ام فرمود اگر این حساب را میدانی توانی دانست که چند نی در نیزارها است
و در هر طرف چند عددی هست حتی آنکه یکی از علم تو بیرون نرود و ایضا روایتست
که آنحضرت بدیگری فرمود که شما در حساب میکنید چه حساب این استنباط توان نمود
و امثال این اخبار بسیار است دویم آنکه تاثیرات حرکات افلاک بر کواکب بحسب
اختلاف طالع مولود و ناس مختلف میشود در زیر انظار خاصی اثری کند و با طالع دیگری
تاثیر کند وگرنه لازم آید که چون چند کس در یک ساعت کاری کنند هر یک اثری داشته
باشد و حال آنکه بتجربه خلاف اینست مؤید اینست که حضرت امام علیه السلام بکسی که از نجوم کرده بود
فرمود چه میگوئی چون دو لشکر باهم ملاقات کنند و هر کدام منجمی دارند که برای
ساعت سعد میکند و چون محاربه میکنند یکی منصور و دیگری مقهور گردد پس حکم قدر الوقت
در کجا بود بعد از آن فرمود که این حساب را کسی داند که موالید خلق را داند سیم و این
اهم از آن از آن دو تاست اینکه مقصود اصلی از دین مبین آنست که روی دل
خلق را از هرچه غیر خداست بخدا باز گرداند توکل و اعتماد در جمیع احوال بر خدا
داشته باشد چون روی در مجاری احوال از هرچه غیر خداست سعد و نحس و ساعات جز
نداشته باشد ناچار است از همه اسباب گسسته تشبث برحمت خدا شود

وازهر چیز نا امید گشته و اعتماد بریده توکل براو کند و دم بدم و لمحه بلمحه مترصد فضل
و منتظر رحمت او باشد و هیچ کس بغیر از او توقع رحمتی نداشته باشد و با وجود این
که غرض اصلی است متوسل بصدقات و ادعیه و اذکار و معترف بقصور و ذنوب
و استغفار شود و بفضایل و ثواب اینها فایض گردد پس آن ساعت در واقع سعد باشد و مبشری
در آن امر که مقصود واوست مقدر نباشد با وجود آن همه فضایل کارش نیز بسامان
رسد بلکه بسبب این توسلات بسامان نزد سعادتش بیشتر باشد و اگر آن ساعت
در واقع نحوستی داشته باشد پس آن نحوست اگر از امور محتومه لازمه نباشد
بصدقات و توسلات مرتفع گردد و با آن فضایل و حصول مطالب نیز فایض شود
و اگر از امور محتومه باشد البته اثر کند بفضایل توسلات فایض گردد و شریکه از نحوست
ساعات بود و هم موجب زیادتی حسنات و محو سیئات و رفع درجات گردد
چنانکه مرویست که اگر خار بپای مؤمنی رود برای او حسنه نوشته شود بهشت و سیئه محو گردد
وامثال این روایات بسیارست بخلاف آنکه بعضی ناقصان اگر اطلاع بر سعد و
نحس ساعات داشته باشند اعتماد بر آن کرده بقدر آنکه اعتماد کنند توکل و التجا بس
بجناب الهی نقصان یابد و قصور بر زدگاه یابد که بسبب اعتماد بر سعادت ساعت
از فضل صدقه و دعا و سایر وسایل بالکلیه یا بعضی از آنها محروم گردد و اگر در
نحوست در ساعت بینداز همه الفضایل محروم گشته از مطلب و از کرامات
اخروی بر تقدیر تاثیر نحوست بی نصیب مانند چون این جمله دانستی بدانکه نحوست
بعضی ایام و ساعات که در احادیث وارد شده که بعضی از آنها در این مقام مذکور
شد بعضی

شد و بعضی نیز در باب نکاح و باب سفر ان شاء الله مذکور خواهد شد و قیمت
یکی آنکه تاثیرش نه از جهت طبیعت و خاصیت بلکه بسبب وقایعی است که در آن وقت
شده مثل روز عاشورا و روز دوشنبه یا بسبب کمال تعظیم آن روزست و عمل آن
روزست مثل روز جمعه و این قسم در نحوست نظر بر آن مقدس است در شفا چنانکه نیز
و قسم دویم آنکه نحوستش از جهت طبیعت و خاصیتست مثل غیر آن و تاثیر ادویه
طبیعیه است مخفی نماند که این وجوه که در علم نجوم مذکور شد و این ساعات نیز
جاریست چه تواند بود که روز چهارشنبه مثلا بحسب طبیعت خود نحس باشد اما اگر
بسعادت دعا و صدقه یا سعادت این غالب شود و با این سبب است که ائمه
طاهرین علیهم السلام همه امت را از این اوقات منحوسه نفرموده اند و اهتمام در اجتناب
از آنها نفرموده اند بلکه همه را به دعا و صدقه و بسم الله و توکل بر خدا فرموده اند که باز روزها
عداوت نکنید تا روزها با شما عداوت نکنند و امثال آنکه اگر نحوستی باشد ببرکت این وسایل
رفع گردد و گرنه سعادتش زیاده شود و حرج لازم نیاید و کارهای دشوار بگوید لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم که حمله عرش چون از برداشتن عاجز
شدند حوله گفتند آسان گشت چون گوید کاری میکنیم یا میکند موقوف بمشیت الهی ان شاء الله
بگوید مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله را مسئله پرسیدند فرمودند که فردا جواب
میگویم و ان شاء الله نگفت تا سه روز یا چهل روز وحی بر آنحضرت حبس گردید تا آنکه تنگدل
آنحضرت که غبار ملال از این جهت بر خاطر اشرف نشست پس از روی تادیب و تعلیم
این آیه نازل گشت ولا تقولن لشیء انی فاعل ذلک غدا الا ان یشاء الله

[illegible]

وحضرت سلیمان پیغمبر گفت با هفتاد زن مباشرت کنم تا هفتاد پسر متولد شود که در راه خدا
جهاد کنند و ان شاء الله نگفت هیچ کدام از آن زنان حامله نشدند مگر یکی که نصف طفلی آورد و در روایت
که اگر ان شاء الله میگفت همه پسر میآوردند که در راه خدا جهاد کنند و در حکایت بقره بنی اسرائیل
که در آخر گفتند انا ان شاء الله لمهتدون و در روایت که اگر ان شاء الله نمی
گفتند تا ابد قضیه ایشان ظاهر نشد و حضرت صادق علیه السلام باصحاب فرمود که کتابی
برای مطلبی چند بکسی نوشته چون بعرض آنحضرت رسید فرموده اند که ان شاء الله نوشته اید
چون توقع ساخته شدن کارها دارید پس فرموده اند در هر مطلبی ان شاء الله نوشتند
استخاره قرآن چون در کارهای مردد باشید استخاره بکنید و در استخاره طرق متعدده
وارد شده است از انجمله چند طریقه ذکر کنیم استخاره با تسبیح ده مرتبه یا یک مرتبه الحمد و ده مرتبه
انا انزلناه بخواند و سه مرتبه بگوید اللهم انی استخیرک لعلمک بعاقبة الامور
واستشیرک لحسن ظنی بک فی المامول والمحذور اللهم
ان کان الامر الفلانی مما قد نیطت بالبرکة اعجازه و
بوادیه وحفت بالکرامة ایامه ولیالیه فخر لی فیه خیرة ترد
شموسه ذلولا وتقعص ایامه سرورا اللهم اما امر فأتمر واما
نهی فانتهی اللهم انی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة و
در دل بگذراند پس قبضه از تسبیح بگیرد و بشمرد اگر زوج باشد بکند اگر فرد باشد نکند و اگر بعکس این
قصد بکند هم ... **دویم** استخاره قرآن مجید الحمد و آیة الکرسی و آیه وعنده مفاتح الغیب
لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة
الا یعلمها

الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی
کتاب مبین بخواند و ده مرتبه صلوة بفرستد پس بگوید اللهم انی توکلت
علیک وتفألت بکتابک فارنی ما هو المکنون فی سرک المخزون
فی غیبک اللهم ارنی الحق حقا حتی اتبعه وارنی الباطل باطلا حتی
اجتنبه برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن صفحه راست جلد را بشمرد و بعد
از جانب چپ ورق بشمرد و بعد از سطر آخر مضمون آیه هر چه باشد بان عمل نماید
سیم استخاره ذات الرقاع بر شش پاره کاغذ بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم
خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان ابن فلان بعد از آن سه پاره کاغذ
بنویسد افعل و سه دیگر بنویسد لا تفعل و کاغذها را در زیر سجاده گذارد و دو رکعت
نماز بگذارد و بعد از آن سجده کند در سجده صد مرتبه بگوید استخیر الله برحمته
خیرة فی عافیة پس بنشیند بگوید اللهم خر لی واختر لی فی
جمیع اموری فی یسر منک وعافیة پس کاغذها را برهم زند یک یک
کاغذ بیرون آورد پس اگر سه افعل یا سه لا تفعل باشد بمقتضای آن عمل نماید و اگر
مختلف باشد تا پنج کاغذ بیرون آید پس افعل یا لا تفعل هر کدام بیشتر باشد بان عمل
نماید **چهارم** آنکه دعا کند و از خدای تعالی در آن کار طلب خیر نماید پس توکل نموده شروع
در آن کار کند اگر کارهای سهل باشد مثل بنده خریدن و فروختن و امثال آن
هفت مرتبه کافی و اگر عظیم باشد صد مرتبه بهر عبارت که خواهد و اگر یکی از دو عبارت
که در استخاره ذات الرقاع گذشت بگوید صحیح باشد و روایت که هر کس روایت

که هر کس با این دعا سه مرتبه دعا کند البته آنچه خیریت خدای تعالی برای او اختیار
کند یا ابصر الناظرین و یا اسمع السامعین و یا اسرع الحاسبین
و یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین صل علی محمد و آل محمد و اهل بیته
و خر لی فی کذا و حضرت صادق علیه السلام فرموده هر کس خدا را یک
مرتبه طلب خیر نماید و استخاره نماید هرچه خدای تعالی اختیار نماید خیر دولت راضی
باشد البته آنچه خیریت او باشد برسد و همان خیر دنیا و آخرت است و چون استخاره کنند
بعافیت و سلامت طلب کنند بسا باشد که خیر کسی در قطع ید یا موت یا ولد یا ...
دیگر باشد پنجم مشورت با عقلا مرویست که با عقلا در کارها در کارها مشورت
کنید و آنچه اختیار کنند خلاف آن مکنید که موجب ندامت باشد مرویست که
هیچ جمعی مشورت نکنند که کسی که محمد یا احمد یا حامد یا محمود نام داشته باشد با ایشان
حاضر شود مگر خیر از برای ایشان اختیار شود چشم زخم مرویست که ایمن مباشید از
از چشم زخم بر خود و بر دیگری که از چشم بر حق است و اگر چیزی بر قدر الهی
پیش دستی تواند نمود چشم زدن است و چون از کسی چیزی ببینند که او را در نظر خوش
آید او را مبارک باد گوید و روایت دیگر آمده که چون از چشم زخم بترسد و آن نگاه
بخواند یا سه مرتبه بگوید لا حول و لا قوة الا بالله از مضرت او ایمن گردد
و نیز مرویست که چون جامه بپوشید که از آن خوش آید وقت بیرون رفتن
از خانه معوذتین بخوانند که ان شاء الله تعالی از چشم ایمن باشد
و حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا کسی فی ... کفالته برای او ساخت چون نظر
مبارک

مبارک رسید از آن خوش آمد فرمود الحمد و معوذتین و آیة الکرسی بنویسید
و در غلاف شیشه بگذارید که از چشم زخم ایمن باشید بشارت چون خبر خوش
بشنوید بگوئید الحمد لله و در روایت دیگر آمده که الله اکبر بگوئید شکر چون نعمتی
یا احسانی یا دفع مکروهی از خدای تعالی برسد بگوید الحمد لله که شکر آن گذارده باشید
اگر دو بار بگوئید ثوابش مضاعف شود و چون سه بار بگوید گناهانش آمرزیده شود
و اگر سجده کند ده حسنه برای او ثبت نمایند مرویست که چون نعمتی شمارد ده مثل
محو گردیدن خطیئة ده حسنه ثبت شود و ده درجه بلند شود مرویست که چون نعمت زیاد
شود و در خلوت سجده کند بطوری که کسی او را نبیند و اگر در پیش مردم باشد بهانه
پشت خم کند و قصد سجده و تواضع حق تعالی نماید و اگر سواره باشد از اسب
فرود آید سجده کند اندیشه از ریا و شهرت نماید از قربوس زین سر بگذارد و اگر
نتواند بر سر کف دست بگذارد و حمد خدا کند و اگر مکروهی یا خلاف خواهش سالک
گردد بگوید الحمد لله علی کل حال و بگوید که کاش چنین نمی بود اگر از کسی
احسانی و انعامی و مهربانی رسد شکر و دعا و مدح او باید کرد و حق او باید کرد
و حق او باید دانست که هر کس شکر مردم نه گذارد شکر خدا نیز نکرده است و کسی که شکر خلق
نکند شکر خدا نکرده است و نعمت هر چند کم باشد خواه از خلق باشد خواه از خدا
چون شکر بجا آرند موجب زیادتی گردد و اگر حقیر شمارید موجب حرمان گردد
ابتلا ببلیه چون ببیند که کسی مبتلا شده سه مرتبه آهسته بگوید چنانکه او نشنود
و اگر خواهد چنین بگوید الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاه به و لو

بشاء لفعله هر گاه آن مبتلا شود چون مخالفی در دین ببیند الحمد لله الذی
فضلنی علیک بالاسلام دینا وبالقرآن کتابا وبمحمد نبیا وبعلی
اماما وبالمؤمنین اخوانا وبالکعبة قبلة حق تعالی هرگز ایشان را با هم در دوزخ
کند چون چیزی ببیند که فال خوب نداند توکلت رضا کند دل را از تشویش آن خالی سازد
و حول له تکرار بگوید از ضرر آن ایمن گردد مروی است که فال بد چنان گردد که کسی با خود گیرد و اگر سخت
گیرد سخت شود و اگر سهل گیرد سهل شود و اگر هیچ نگیرد هیچ نشود دوای آن توکل است
غضب چون کسی را غضب مستولی شود بر زبان بنشیند در نگرد تا رفع شود و از شیطان
استعاذه نماید و صلوة بفرستد و بگوید و یذهب غیظ قلوبهم اللهم اغفر لی
ذنبی واذهب غیظ قلبی واجرنی من الشیطان الرجیم ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم اگر خواهد این دعا بخواند اللهم اذهب عنی غیظ قلبی
واغفر لی ذنبی واجرنی واعوذ بک من نارک واسئلک
الخیر کله واعوذ بک من الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی
والثواب واجعلنی راضیا مرضیا غیر ضال ولا مضل صدای
خروس شنود بگوید سبوح قدوس رب الملائکة والروح
سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت وحدک لا شریک
لک عملت سوءا وظلمت نفسی فاغفر لی وارحمنی انه لا
یغفر الذنوب الا انت چون صدای الاغ و سگ بشنود و از شیطان
استعاذه کند چون خنده قهقهه کند بگوید اللهم لا تمقتنی عطسه کند و
دماغ گرفته

دماغ گرفته بگوید الحمد لله رب العالمین الحمد لله حمدا کثیرا کما هو اهله
وصلی الله علی محمد النبی وآله وسلم طایری از ملخ کوچکتر و از مگس
بزرگتر از دماغ چیش بیرون آید و تا زیر عرش پرواز کند تا روز قیامت برای ایشان استغفار
نماید و روایت دیگر آمده که چون عطسه شنید بگوید الحمد لله رب العالمین گوینده لا شریک
له و اگر این را هم بگوید صلی الله علی محمد و آله اگر این را هم بگوید گوینده
وعلی آل محمد اگر این را هم بگوید گوینده یرحمک الله و اگر بگوید الحمد لله علی
کل حال از درد دندان و گوش ایمن گردد و کسی در خدمت امام محمد باقر عم عطسه کرد
و گفت الحمد لله و صلوات نفرستاد آنحضرت او را دعا نکرد و فرمود حق ما را ضایع کرد
چون این شنید صلوات فرستاد پس حضرت او را دعا کرد و فرمود هر که عطسه دیگری را
بشنود و بگوید حمد و صلوات بفرستد از درد چشم ایمن گردد و درد دندان نبیند پس بگوید
یرحمک الله تا سه مرتبه چنین بگوید اگر بیشتر شود بگوید شفاک الله که بیشتر از
سه مرتبه از علت است و اگر طفل عطسه کند بگوید بارک الله اگر مریض باشد بگوید شفاک الله
مروی است که مؤمن را حقوق چند است که اگر آن تقصیر کند روز قیامت طلب حق خود کند و
خدای تعالی برای او حکم فرماید و از آنجمله دعای عطسه است و در جواب دعای عطسه بگوید
یهدیکم الله ویصلح بالکم **نسیان** چون چیزی را فراموش کند دست بر
پیشانی گذاشته بگوید اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر وفاعله والآمر به
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تذکرنی ما انسانیه الشیطان
چون در ورطه گرفتار شود بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

اللّهم إيّاك نعبد وإيّاك نستعين خدای تعالی آن بلا را از و دفع گرداند

البته غم و کرب و خوف و غیر آن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت که عجب دارم

از مردم که چرا پناه بچهار چیز نبرند که از چهار چیز رسته چرا پناه باین کلمه نبرد حسبنا الله

و نعم الوکیل خدای تعالی بعد از آن وعدهٔ سلامتی و سرور و نعمت داده و کسی که غمگین است

پناه باین آیه برد لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین بعد از آن

وعدهٔ نجات از غم داده و کسی که از مکر و غدر ترسد پناه باین آیه برد و افوّض

امری الی الله که حق تعالی بعد از آن وعدهٔ امنیت از مکر فرموده و کسی که مال

خواهد پناه باین آیه برد ما شاء الله لا قوّة الا بالله بعد از آن حق تعالی

وعدهٔ مال و فرزند فرموده روایت دیگر آمده که برای زوال غم سر بسوی آسمان کند

سه مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم حق تعالی غم و کربتش را فرج و گشایش دهد و دیگر

که هر کس در غم آید عا بخواند خدا تعالی غمش را فرج بدل نماید اللهم انی عبدک و ابن

عبدک و ابن امتک ناصیتی بیدک ماضٍ فیّ حکمک عدلٌ فیّ قضاؤک

اسألک بکل اسم هو لک سمّیت به نفسک او انزلته فی کتابک

او علّمته احداً من خلقک او استأثرت به فی علم الغیب عندک

ان تجعل القرآن ربیع قلبی و نور بصری و شفاء صدری و

جلاء حزنی و ذهاب غمّی و همّی بجهت رفع کدورت غم بگوید یا من

یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء اکفنی ما اهمّنی حضرت

صادق علیه السلام مجوسی را تعلیم این دعا فرموده اندک زمانی نگذشت که بحاجات

یافت واگر

یافت و اگر خواهد این ابیات که منسوب بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه تکرار کند

که مکرر در شدتها تجربه رسیده است در مهمات و کم لله من لطف خفیّ یدقّ

خفاه عن فهم الذکیّ و کم یسر اتی من بعد عسر و فرّج کربة القلب

الشجیّ و کم امر تساء به صباحاً و تأتیک المسرّة بالعشیّ

اذا ضاقت بک الاحوال یوماً فثق بالواحد الفرد العلیّ

تشویش خاطر مکرر بگوید توکلت علی الحی الذی لا یموت و قل الحمد لله

الذی لم یتخذ ولداً و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولیّ

من الذل و کبّره تکبیراً شخصی صاحب عیال و قرض بود و از پریشانی بخدمت حضرت

رسول صلی الله علیه و آله شکایت کرده بود حضرت این دعا را باو تعلیم کرد اندک زمانی

نگذشت که مالش بسیار و پریشانیش بدولت مبدل شد ایضا حدّت زبان و بیهوده

گوئی باستغفار مداومت کرده باشند چون گوشش صدا کند بگوید اللهم صلّ علی

محمد و آل محمد ذکر الله من ذکرنی ایضا مدح چون بشنود که او را

مدح میکنند استحبابا بگوید انا اعلم بنفسی من غیری و ربی اعلم منی

بنفسی اللهم لا تؤاخذنی بما یقولون واجعلنی افضل مما

یظنون واغفر لی ما لا یعلمون ایضا چون عمر بچهل سال رسد بخواند

رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت علیّ و علی والدیّ

و ان اعمل صالحاً ترضاه واصلح لی فی ذریتی انی تبت

الیک و انی من المسلمین که خدا تعالی او را از اهل بهشت گرداند و حسناتش را

قبول فرمایم دارنشانش این بکذرم واین وعدهٔ صادقست کرپیغامبر فرماید وچون
چیزی کم شود دو رکعت نماز بکذارد بعد از آن دستها را برداشته بکوید یا عالم الغیوب
والسرائر یا مطاع یا عزیز یا عظیم یا الله یا الله یا الله یا
هازم الاحزاب لمحمد یا کائد فرعون بموسی یا منجی عیسی
من ایدی الظلمة یا مخلص قوم نوح من الغرق یا راحم عبرة
یعقوب یا کاشف ضر ایوب یا منجی ذا النون من الظلمات
الثلاث یا فاعل کل خیر یا هادیا الی کل خیر یا دالا علی کل
خیر یا خالق الخیر ویا اهل کل خیر انت الله فزعت الیک مما
قد علمته وانت علام الغیوب اسئلک ان تصلی علی محمد
وآل محمد ان ترد علی ضالتی واگر خواهد بکوید یا من یختفی علیه مکتوم
ولا ینتد عنه معلوم ولا یغالبه منیع ولا یطاوله رفیع اردد ونعد بکل
علی ما فی قبضتک انک اهل الخیرات با آیه وعنده مفاتح الغیب
تا آخر آیه بخواند بعد از آن بکوید اللهم انک تهدی من الضلالة وتنجی
من العمی وترد الضالة صل علی محمد وآله ورد ضالتی وصل
علی محمد وآله وسلم یا سورهٔ عبس یا والعادیات بخواند چون چیزی امانت در جایی کذارد
وانا انزلناه بران بخواند ان شاء الله تعالی محفوظ ماند چون باد شد ورزد بخواند اللهم انی
اسئلک خیر الحاجة الریاح وخیر ما فیها واعوذ بک من شرها
وشر ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة وعلی الکافرین عذابا
وصلی الله

وصلی الله علی محمد وآله وکرر بسیار باد وزلزله بکوید ان شاء الله ساکن باید چون
باد تند ظلمانی وزد معوذتین بخواند والصافات باد و صاعقه وزد وبکوید سبحان من یسبح
الرعد بحمده والملائکة من خیفته ونیز بکوید اللهم لا تقتلنا بغضبک
ولا تهلکنا بعذابک وعافنا قبل ذلک باران آید بکوید صیبا هنیئا داخل
خانه چون از بیرون در خانه داخل خانه شود بکوید رب ادخلنی مدخل صدق
واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا چون
داخل نشیمن شود بکوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله پس اگر کسی در خانه کسی باشد بر وی سلام کند واگر در خانه کسی نباشد
بکوید السلام علی محمد ابن عبد الله خاتم النبیین السلام علی
الائمة الهادین السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین تعظیم نام خدا
اگر کاغذی که نامی از نامهای خدای تعالی بر آن نوشته باشد در سر راهی وجایی بی حرمتی
افتاده باشد خدای تعالی هفتاد هزار ملک را بر او موکل فرماید که بر او استغفار کنند
کنند تا آنکه یکی از دوستان خدا آنرا بردارد و خدای تعالی نام او را در اعلای علیین ثبت
فرماید ووالدین او را بیامرزد اگرچه کافر باشند باب ششم در حقوق اموال و
رعایت احوال وعیال واین مجموع ان شاء الله تعالی در ده فصل بیان شود فصل اول
در جود وبخل خدای تعالی در قرآن مجید در مواضع بسیار از زر اهل بخل مذمت کرده استکارا نشد
واهل بخاست فرمود ملکیکه مال خود در راه خدا صرف کند مثل دانه ثبت

که هفت خوشه از آن بروید و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که باشد
مضاعف میکرداند و از اهل بیت علیهم السلام مرویست که سخی در آسمان و زمین
محبوبست و آب طینتش از کوثرست و بخیل در آسمان مبغوض و آب طینتش از خار
شوره و خار مخلوقست و سخی در ظل رحمت خدا باشد تا آنکه داخل بهشت شود
و کسی را که خدا امید خیر باو ندارد به بخل مبتلا کرداند و سخی نزدیکترست بخدا و بهشت
و سخاوت درختیست در بهشت هر که شاخی از آن آویزد داخل بهشت میشود و بخل
درختیست در دوزخ هر صاحب بخلی شاخی از آن در آویزد تا بدوزخ رود هر کرا

هر کرا سخاوت بیشترست ایمان او کاملترست و در روز قیامت سخی را بیارند
و کویند اگر حجتی در هر صرفی داری بکو کوید خدایا مرا آفریدی و هدایت نمودی
و وسعت عطا فرمودی من نیز نعمت ترا به بندکان تو منتشر ساختم بامید آنکه بمن
نشر رحمت فرمائی پس حق تعالی فرماید بنده من راست کفته است او را داخل بهشت
کنند و جوانی سخی مغفور در کناه پیش حق تعالی دوست ترست از پیر عابد بخیل
و بهترین مردم در نزد حق تعالی سخیان اند و بدترین مردم بخیلان اند و از جمله بر اخوان
سعی در حوایج ایشانست و بر اخوان موجب محبت رحمن و حسرت شیطانست
و سخی متقی که تصدیق باین کند که حق تعالی یکدرهم را صد هزار درهم یا بیشتر
میدهد عوض هیچ چیز را اراده نکند مکر آنکه حق تعالی میسرش کرداند هر کس بر خلاف
این باشد هیچ شری اراده نکند مکر میسرش کرداند هر کس در صرف مال رضای
خدا بخل کند مبتلا شود بصرف اضافه آن در معصیت خدا و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام

علیه السلام سؤال کردند در تفسیر آیه کذلک یریهم الله اعمالهم حسرات
علیهم فرمودند که کسیکه مال خود را در راه خدا صرف نکند و در معصیت هم صرف نکند
و بکذارد تا بعد از دیکران صرف کنند پس اکر در معصیت صرف کنند حسرت کشد که خود
از ثواب آن محروم مانده و اعانت کناه دیکران نموده اکر در طاعت صرف کنند
حسرت برد که ثواب مال او در میزان دیکرانست و خود از آن محروم مانده و از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شنید که بخیل معذورترست از ظالم فرمود دروغ میکوئی
ظالم کاه باشد که توبه کند و رد مظالم نماید نجات یابد و بخیل منع زکوة و صدقه
و صله رحم و ضیافت و سایر حقوق کند حرام است بر بخیل بهشت البته فصل سیم
در فضایل زکوة و عقوبت منع آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس زکوة مال خود را از روی رغبت بدهد خدای تعالی در بهشت بعدد هر دانه
یک قصر از نقره و یکی از لؤلؤ و یکی از زبرجد و یکی از زمرد و یکی از کهر و یکی از نور
رب العزت باو عطا فرماید و هیچ زکوة مال نده مکر آنکه مالش زیاد شود و در روایتست
که هیچ یک از طیور صید صیاد نشود مکر آنکه در ذکر ولش تقصیر کرده باشد و هیچ
مالی تلف نشود مکر در زکوتش تقصیر رفته باشد ملعونست مالی که زکوة آنرا ندهد
و نمازش قبول نیست کسی را زکوة داده نشود و بخصوص آنکه حق تعالی فرض زکوة
را قرین کردانید با فرض نماز هر کس قیراطی که در یکه ربع سدس دینارست از زکوة
منع کند نه مؤمن باشد و نه مسلم چون بمیرد یهودی یا نصرانی مرده باشد و روز
قیامت اژدهای در آتش طوق کردنش باشد که غذایش بکنند تا وقتی که از حساب

مردم فارغ شوند او وقت او را بان در قعر جهنم اندازند هر کس زکوة طلا و نقره ندهد حق تعالی
در روز قیامت او را در بیابانی محبوس سازد و مار عظیم که از بسیاری زهر موی سرش کچل
باشد بر او مسلط سازد که او هر چند گریزد از او نجات نیابد ناچار دست خود را در دهن او کند
تا آنکه دستش را پاره کند پس در گردنش پیچد عذابش کند هر کس زکوة گوسفند و غیر آن از
حیوان را منع کند در بیابانی محبوس کرده که هر حیوان صاحب سم او را پامال کند و هر حیوان
دندان دار او را بدندان پاره پاره کند هر کس زکوة غله و خرما و مثل آن را ندهد
زمین ملکش تا هفت طبقه طوق گردنش شود و مرویست که روز قیامت جمعی از قبر
بیرون آیند دستها در گردن بسته و ملائکه چند بر ایشان موکل باشند و ایشان را
سرزنش کنند ایشانند که حق خدا را از مال خود ندادند بخیر قلیل از منفعت کثیر محروم
گشتند و چون مردم زکوة ندهند زمین هم باذن خدا خیرات و برکات خود منع
کند و موجب قحطی و تنگی گردد و ادای زکوة و سایر فرایض و واجبات علانیه باید
صدقات و سایر مستحبات پنهانی افضل است و ثواب مستحبات پنهان هفتاد برابر است
از علانیه

فصل سیم

در صله اهل بیت طاهرین و ذریت طیبین و اتباع ایشان از مؤمنین
مرویست از اهل بیت علیهم السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود هر کس یکی از
اهل بیت من احسان کند من در روز قیامت مکافات آن کنم و فرمود که من روز
قیامت چهار کس را شفاعت کنم اگر چه گناه او با تمام برابر باشد کسی که نصرت ذریت
کرده و کسی که مال خود در وقت تنگی بذل ایشان کند و کسی که در دل و زبان
با ایشان محبت داشته و کسی که در حوایج ایشان سعی کرده و حضرت صادق علیه السلام

فرمود

فرمود که در روز قیامت منادی ندا کند که ای خلایق خموش باشید که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله با شما گفتگو میکند پس آنحضرت فرماید که ای معاشر خلایق
هر که را در پیش من نعمتی و منتی باشد برخیزد تا من آن را تلافی کنم همه گویند پدر
و مادر ما فدای تو باد کرا حد آن نعمت و منت و احسان بر شما داشته بلکه نعمت
و منت و احسان خدا و رسول خدا راست بر جمیع خلایق آنحضرت فرماید که بلی
هر کس از اهل بیت من یکی را پناه داده یا با ایشان نیکی کرده یا برهنه ایشان را پوشیده
و یا گرسنه ایشان را سیر کرده باید من امروز تلافی آن نمایم پس فاعلان این خیر
برخیزند که در این حال از جناب کردگار عالم ندا رسد که ای حبیب من تلافی
ایشان را بتو واگذاشتم در هر جای بهشت که خواهی ایشان را جا ده پس ایشان
را در وسیله که درجه ثبت مخصوص آنحضرت و اهل بیتش جا دهد تا در خدمت ایشان
باشند و در میان ایشان حجابی و مانعی نباشد و آنحضرت صلوات الله علیه و آله
فرمود که هر که قادر بر صله ما نباشد با صلحای شیعه ما صله بجا آورد ثواب صله ما داشته باشد

فصل چهارم

در فضایل معروف و احسان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که آنرا معروف گویند از آن در داخل نشوند مگر اهل معروف در دنیا اول کسی
داخل بهشت و وارد حوض کوثر شوند سه چیز است که موجب زیادی عمر و بقای
نعمت است یکی طول رکوع و سجود دویم طول جلوس بر سفره سیم اصطناع بمعروف
و احسان و صاحب معروف از هلاکت و ورطها محفوظ است و چون اهل بهشت
داخل بهشت حق تعالی باد خوشبوی را امر فرماید که با اهل معروف ملاحق شود

که هر یک از ایشان که جمعی از اهل بهشت کند و از برای ایشان ببخشد که صاحب معروف
هر که بمؤمنی احسان کند حق تعالی رحمت با آن مؤمن فرماید برو و هر که با تو معروف
بجا آورده اگر در دوزخ است بردارش آورد و دوست خدا کسی است که هر که معروف
را دوست دارد و هیچ چیز بهتر از معروف نیست مگر ثواب معروف مرویست که با هر که
اصطناع معروف کنید که اگر او اهل آن نباشد شما اهل آن باشید اگر کسی از جانب
راست شما را دشنام دهد شما بجانب چپ آمده عذر خواهی کنند و در برابر آن احسان
نمائید اگر بهمان قدر احسان کنی تلافی کرده باشی و اگر زیاده کنی شکر آن را بجا آورده
باشی و چون بجا آوری کریم باشی و اگر کسی بداند که چون بکسی نیکی کند در واقع با خود کرده
توقع مدح و شکر و زیادی محبت از و نداشته باش چه جای توقع که با احسان حفظ عرض
خود و تحصیل ثواب و فضایل برای خود نموده و کسی که اعانت و سعی برای خیری کند مثل
فاعل خیرست و مرویست که برای یکدیگر هدیه بفرستید که سبب محبت و اصلاح رنجش و
عداوت شود و کاریکه ضررش باین کس بیشتر از نفعش بدیگری باشد نباید کرد و چون
بکسی احسانی کنند اگر تواند تلافی کند و اگر نه مدح و شکر کند و اگر نه کفران کرده است و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که خدا لعن کرده است قاطع سبیل معروف را پرسیدند که
کیست او فرمود کسیکه معروف کنند کفران کند که بسبب این شود که دیگری معروف
نکند و بباید دانست که هر احسان و نیکی از مال و غیر مال داخل معروفست فصل پنجم
در فضایل صدقه و حسن آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که خدا
تعالی فرماید که من برای هر چیز مقرر فرموده ام بغیر از صدقه که از آن بدست خود بگیرم حتی اگر کسی

خرمائی یا

خرمائی یا نصف خرمائی صدقه دهد آن را برای او تربیت کنم و زیاده گردانم تا در قیامت
مثل کوه احد یا بزرگتر گردانم و هفتاد نوع بلا را از بلاهای دنیا دفع گردانم و ثواب [illegible] آخرت
مهیاست و صدقه از چنگ هفتاد شیطان بدر آید که همه [illegible]
چیز از شیطان گران تر از صدقه نیست و هر کس اول روز صدقه دهد نحوست
آن روز از او دفع شود و اگر اول شب دهد [illegible] یهودی نزد حضرت رسول الله
صلی الله علیه و آله گذشت حضرت فرمود امروز مار سیاهی در قفای این یهودی
بگزد و او را بکشد پس یهودی گذشت و پشته هیمه بر دوش بسته مراجعت نمود حضرت فرمود
تا هیمه را بر زمین گذاشت مار سیاهی بر چوب چسپیده بود پرسید ای یهودی
امروز چه کرده گفت دو نان داشتم یکی را خورده ام و یکی را تصدق کردم پس
حضرت فرمود به برکت تصدق شر این مار از تو دفع کرد دیدم و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود در میان من و منجمی قسمت زمین بود و آن منجم خواست که من در ساعت نحس و نحوست
در ساعت بیرون بیرون رود و چون رفتیم و تقسیم کردیم قسمت خوب بنام من افتاد
منجم دست بر دست زد از روی حیرت حضرت گفت هرگز چنین چیزی ندیده ام
من گفتم بلی وقت آمدن من تصدق کردم این بهتر از نجوم تو بود و هم از ایشان
روایت که در زمان بنی اسرائیل قحط عظیم شد روزی زنی لقمه نانی داشت در دهن
گذاشت که سایلی سوال کرد آن زن لقمه را از دهان بیرون آورد و بسایل داد از اتفاق
آن زن طفل صغیر داشت در صحرا او را گرگ ربود طفل فریاد کرد مادرش خبر یافته در پی
آن روان گشت در حال جبرئیل آمده آن طفل را از دهن گرگ گرفته بآن زن داد

کفت این لقمه عوض آن لقمه است اکر دهم از ایشان مرویست مردی از بنی اسرائیل
پسری داشت یکی از اولیاء الله باو خبر داد که پسرت در شب عروسی وفات خواهد کرد
عروسی رسید پسر پیر عاجزیرا دید براو رحم کرد و طعامش داد و پیر کفت مرا زنده کردی
خدا ترا زنده کرداند پس در خواب کفت که حق تعالی در عوض آن تصدق پسرت را بتو
بخشید و نیز مرویست که هیچ کس را در دنیا خوب نکند مکر آنکه حق تعالی بعد از او
کفالت اولادش را خوب کند مرویست که هیچ کس را مقدور نشود تصدق حتی نصف
خرما اکر چندین خیر برای او جمع شود و از دادن کم شرم مکنید که هیچ کمتر از کم است
چون بنده را هر چه مقدور شود جود کند در پیش خدا بسیار عظیم است و اکر هیچ چیز
نداشته باشد بزبان نرم خوش کوید و در روز قیامت حق تعالی فرماید که فی بشما انعام
و احسان نکردم و مال ندادم و فرزند ندادم و چشم و کوش عطا نکردم کویند بلی هر را است
فرماید پس کوید شما برای امروز چه مهیا کرده اید ایشان هر چند اطراف خود نظر کنند
از خیرات خود چیزی نبینند که عذاب را از ایشان دفع نماید و زمین قیامت تمام
آتش است مکر صدقه که بر صاحب خود سایه افکند و کسی از برای محتاجی صدقه برده باشند
کسی است که صدقه دهد مرویست که آنقدر دهید که کویند اسراف کرده اید اما
صدقه اسراف نمیشود و مرویست که تا توانید صدقه بدهید که پریشانی از شما
دفع کند و شما را پریشان نمیکند بلکه مال شما را زیاد میکند مرویست که شخصی بحضرت
موسی شکایت نمود که فقر و پریشانی مرا بجایی رسانیده که فلانی جامه خود را برون
کرده بمن داده است حضرت فرمود که روزه بکیر و تصدق بکن کفت اکنه مردم
بمن بدهند

بمن بدهند بدهم فرمود مقدور شود بده اکر چه خود با آن محتاج باشی و در احسان
و مهربانی که بکسی کنند صدقه باشد حتی آنکه با کری سخن کوئی که سخن را باو بشنوانی
چنانکه او نرنجانی و افضل صدقات آنست که پنهانی دهی که صدقه پنهانی آتش غضب
الهی را فرو نشاند و صدقه شب آتش دوزخ را فرو نشاند و سرد و خاموش کرداند بر صاحب خود
و صدقه مال و عمر را زیاد کرداند و خطا را بکدازد چنانکه آب نمک را و حضرت عیسی ع
بکنار دریا کذشت قرص نانی در آب انداخت حواریون کفتند یا روح الله این قرص
نان تو بود حیوان دریا خوردند ثوابش عظیم است و افضل صدقات آنست که در وقت
تنکی و پریشانی باشد و دیکری را بر خود اختیار کند اکر عیال نبود بهتر باشد از آن بر
خویشان و بعد از آن بهمسایکان که محتاج باشند و نزدیکان بر صدقه احق اند
در حالت اضطرار و مرویست که افضل صدقات آنست که بر خویشان دهی که
عداوت تو در دل داشته باشند و صدقه یکی بده عوض دارد و صله ارحام
یکی به بیست و چهار و در صدقه منت نباید کذاشت و صدقه بدهند و برنجانند بدتر از
آنست که ندهند و ملایمت و مهربانی کنند و بهتر آنکه اکر عذر آرند عذر خواهی کنند که
افضل از آنست و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که حق فقرا و مساکین
را بشناسید که اکر ایشان عرض نکنند صدقه یکی بسیار دانند که فضل ثواب آن بر دارند
و در دفع بلاها از خود و عیال خود نمایند و چون چیزی برای صدقه و برای جدا جدا
نمایند از داخل مال خود نکنند بلکه آن سایل رفته باشد یا قبول نکند بدیکری باید داد
مرویست که کسی آنچه برای صدقه جدا کرده داخل مال خود کند چنان است که فی کرده خود

بجز دهد **فصل ششم** در مذمت سؤال و رد سؤال مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سایل
را رد مکنید اگر چه سواره باشید اگر نه این میبود که سائلان دروغ گویند نجات نمی یافت
کسی که رد سؤال میکرد و اگر چیزی مقدور نشود عذر خواهی باید کرد چه بسا باشد که ملائکه بصورت
انسان سؤال کنند هر چه پیش از سؤال عطا کنید احسان باشد اما بعد از آنکه با دل
طپان و اعضای لرزان و با یاس و امید سؤال کند هر چه دهید در عوض تشویش
خاطر و ریختن آبرو باشد و احتیاج امانتیست از خدا در پیش بندگان هر کس آن را
پنهان کند ثواب عبادت یابد و اگر افشای آن کند هر کس بشنود لازمست بر او که
اعانت کند و اگر مردم بدانند که عطا چه قدر خوبست هرگز رد سؤال نکنند و اگر بدانند که
سؤال چه قدر بدست هرگز سؤال نکنند و نیز مرویست که از سؤال اجتناب کنید که
ذلتست در دنیا و فقریست مهیا و طول حسابست در آخرت هر که بی احتیاج سؤال کند
حق تعالی او را محتاج گرداند تا باحتیاج سؤال کند هر که قوت سه روزه داشته باشد
و سؤال کند روز قیامت رویش بی گوشت باشد روزی جمعی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
التماس کردند که برای ایشان ضامن بهشت شود حضرت فرمود ضامن میشوم بشرط آنکه شما
از کسی سؤال نکنید ایشان ترک سؤال کردند حتی آنکه سر طعام اگر یکی را آب در پیش نبود
بدیگری نگفتی من بده خود برخاسته میگرفت و اگر در سواری تازیانه از دستش میافتاد
در همراه پیاده میبود نگفتی من بده پیاده میشد و میگرفت **فصل هفتم** در رعایت حال عیال
و حسن آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون حق تعالی بکسی نعمت دهد
واجبست بر او که بر عیال خود توسعه کند و عیال مرد اسیران اویند پس اگر خدا بکسی نعمت
بر عیال خود

بر عیال خود توسعه نکند عنقریب است که زوال یابد و چون نعمت زایل شود عذر نماید ملعونست
کسی که عیال خود را بر دیگری بار کند ملعونست کسی که مضطر کند زن و عیال خود را
و اهلین گناه بس است مرد را که عیال را محتاج مردم کند زن و مؤمن باید چنان حق تعالی او را
معاش را بادو وسعت دهد او نیز بر عیال وسعت دهد و چون حق تعالی تنگ کرد او نیز بر او
تنگ گیرد و بهترین صدقه آنست که خرج عیال شود و هر کس با عیال خود نیکو
باشد رزقش زیاده شود حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود وقتی که عیال
رغبت بگوشت کنند من با بازار روم برای ایشان گوشت بخرم دوست تر دارم که
بنده آزاد کنم مردی دو دینار طلا بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله برده گفت میخواهم
باین مرکبی خریده مردم سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند فرمود والدین داری عرض
ایشان کن افضلست رفت چنان کرد دو دینار دیگر آورد حضرت فرمود فرزندان داری
صرف او کن که افضلست رفت چنان کرد دو دینار دیگر آورد حضرت فرمود خادم
داری صرف او کن که افضلست رفت چنان کرد دو دینار دیگر آورد فرمود حال
مرکب بخر در دیگر روایتست که مؤمن بخواهش اهل و عیال خود چیزی میخورد و منافق بخواهش خود
فصل هشتم در احسان مؤمن بطعام و جامه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس با مؤمنی احسان کند چنانست که بحضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله احسان کند
و هر مؤمنی که سیر طعام دهد بهتر است از آنکه ده بنده آزاد کند و ده حج گذارد و اگر یک
مؤمن را طعام دهد چنانست که یک بنده آزاد کند از اولاد حضرت اسمعیل علیه السلام و او
از قتل نجات دهد آزاد کند بروایت دیگر اگر مؤمن فقیر را طعام دهد چنانست که صد نفر از زندان

اسمعیل آزاد کرده باشد و هر که مؤمنی لقمهٔ دهد چنان است که بندهٔ آزاد کرده باشد حق تعالی
از میوه‌های بهشت باو عطا کند و اگر سه مؤمن را طعام دهد حق تعالی او را از ملکوت سموات
از سه بهشت فردوس و جنات عدن طعام دهد و از درختی که حق تعالی بدست قدرت
خود نشانده میوه چشانند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود یک حج دوست تر دارم که هفتاد
بنده آزاد کنم و اهل یک خانه از مسلمانان را عیال خود گردانم دوست تر دارم که هفتاد حج بگذارم
هر که مؤمنی را در معاش اعانت کند یا برهنهٔ اش را بپوشاند حق تعالی هفت هزار ملک را موکل
گرداند که تا دم صور برای همه گناهان استغفار کنند بروایت دیگر هفتاد هزار ملک را موکل
گرداند برای او استغفار کنند هر کس مؤمنی را جامه بپوشاند حق تعالی جامهای بهشت براو بپوشاند
و سوال قبر را براو آسان شود تا رشتهٔ از آن باقی باشد ملائکه براو صلوات فرستند
و چون از قبر بیرون آید ملائکه بر او استقبال کنند و باو بشارت دهند مرویست که احسان
شایسته نگردد مگر به سه خصلت اول آنکه او را حقیر شماری تا در نظر آن کس عظیم شود دویم آنکه
پنهان داری تا براو گوارا گردد و سیم آنکه در اداء آن تعجیل نمائی تا تمام شود چون این
سه خصلت رعایت شود احسان در پیش حق تعالی تمام گردد **فصل نهم** در فضایل قرض
دادن و احکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که ثواب
صدقه یکی بده باشد و ثواب قرض یکی بهیجده و هر کس مؤمنی قرض دهد تا وقتی که مدت
براداء آن باید با ملائکه در نماز باشند و برای او صدقه حساب شود و نیز مرویست
که هر که مؤمنی قرض دهد بهر یکدرهم مثل کوه احد و طور سینا و رضوی که کوهیست در مدینه
حسنات عطا فرماید و اگر در مطالبه مدارا و مداهنه نماید بی حساب داخل بهشت شود
و نیز روایت

و نیز مرویست که هر کس درمانده را قرض دهد و در مطالبه مدارا و ملایمت کند حق تعالی
بهر یک درهم هزار قنطار از بهشت باو عطا کند و هر کس مؤمنی قرض دهد و او را خوشحال
گرداند چنان است که رسول خدا را خوشحال گردانیده باشد و جزام و برص را از او
رفع گرداند و اگر مقدور شود و ندهد بوی بهشت براو حرام شود و مرویست که قرض
دادن خمیر و نان و آتش و امثال آن از جملهٔ مکارم اخلاق است و جلب رزق
کند و مضایقه در آن موجب فقر باشد هر کس قرض دار پریشانی را مهلت دهد
یا چیزی از حق خود براو بگذرد در سایهٔ رحمت حق تعالی باشد روزیکه احدی
را پناه نباشد و از حرارت و خشم جهنم در امان باشد و چنان است که هر
روز مثل آن تصدق کرده باشد و اگر قرض دار میتی را حلال کند باشد هر درهمی
بده درهم ثواب یابد **فصل دهم** در سایر وجوه خیر و بر از آنجمله معلوم است و حق
معلوم آنست که کسی از مال خود قدر معینی بقدر وسع مقرر گرداند که هر روز یا هر هفته
یا هر ماهی یا هر سالی مجملاً مدت معین بفقرا و مساکین دهد حق تعالی در قرآن مجید آیه
فرموده که روز قیامت دوزخ آواز کند و بجانب خود طلبد کسی را که از راه راست
رو گردانیده مال بهار او بر سر هم جمع نموده ذخیره کرده که چند طایفه را اول آنکه در مال
خود حق معلوم مقرر کرده باشد و از جملهٔ وجوه خیر بنای مسجد است مرویست از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله که هر که در دنیا مسجدی بنا کند حق تعالی بقدر یکوجب او را
یک ذراع ترد و از او دیت بنا کند در بهشت لذت بلان روشنی که چهل هزار
هزار خانه و در هر خانه چهل هزار هزار سریر و هر سریر یک حوری و در هر خانه چهل

هزار هزار غلام که همه در اوان خوبی در زمان جوانی و کمال خوبی و چهل هزار خان
که در هر خانی چهل هزار کاسه و در کار چهل هزار اطعمه و نعیم بهشت باشند و در احادیث
معتبره وارد است که گاهی مردم در اطراف جاده سنگ چین میکردند برای نشیمه
و از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین پرسیدند که این نیز از جمله است
میفرمودند آری از آنجمله بنای منازل است که در راهها است مرویست از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله که هر کس در سر راهها بنائی و مسجدی بسازد که قافله در او
فرود آیند چون روز قیامت شود بر مرکبی از در سوار باشند و از نور رویش تمام
اهل محشر روشن شود و با ابراهیم خلیل معاشرت نماید و دیگر بدو ائتقی اهل محشر گویند
که این فرشته ایست که مثل او در میان فرشتها نیست و چهل هزار کس بشفاعت او داخل
بهشت شوند و از آنجمله عتق رقبه است مرویست از اهلبیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس بنده مومنی را آزاد کند خانه در بهشت برایش بنا شود و بهر عضوی از و در آتش
جهنم آزاد شود حتی فرج بفرج کافر و مشرک را نشاید آزاد کردن اگر طفل یا پیر عاجز را
آزاد کند باید نفقه اش را بدهند تا وقتی قدرت معاش بهم رساند و بنده که در حال
نزع باشد نشاید آزاد کرد **باب هفتم** در فضایل روزه و احکام متعلق بآن
از آداب و فضل اعتکاف و متعلقات از آداب و ثواب و این مجموع
انشاء الله تعالی در ده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل روزه مرویست
از اهلبیت طاهرین علیهم السلم که هر چیزی را زکوة است زکوة بدن روزه است
و روزه سپر است از آتش جهنم و روزه همیشه در عبادت است اگر چه در خواب باشد
مادامیکه

مادامیکه غیبت نکند مسلمی را و خدای تعالی فرموده روزه مخصوص من پنهان ترین عبادات است
و از ریا دورتر است پس جزایش بمن است و بوی دهن روزه دار پیش من هزار مرتبه
بهتر است از مشک و دیگر روزه خاص که برای خدا باشد بهتر است از یکسال روزه و
هر کس روزه خود را پنهان دارد حق تعالی فرماید ملائکه بنده من از آتش پناه میجوید
پناهش دهید و ملائکه را فرماید که برای روزه داران دعا کنند و ملائکه دعا کنند تا وقتی
که افطار کنند بعد از آن حق تعالی فرماید ملائکه گواه باشید که من گناه این بنده
را بخشیدم و او را آمرزیدم حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود شما را تعلیم کنم چیزی که شما
را از شیطان دور کند مثل ما بین زمین و آسمان گفتند بلی یا رسول الله فرمود روزه گرید
که روزه روی شیطان را سیاه میکند و پشت او را بشکند و خواب روزه دار
عبادتست و نفسش تسبیح است هر کس یکروز روزه غیر واجب گرفته باشد بر حق تعالی
آمرزیدن گناهانش واجب گردد و چون روزه دار پیش جمعی وارد شود که چیزی خورند
هر موی که در بدنش میباشد تسبیح کند سه چیز است که بلغم را قطع کند و حافظه را زیاد کند
و روزیرا بیفزاید اول روزه دوم مسواک سیم تلاوت قرآن **فصل دویم** در آداب
صایم مرویست از اهلبیت طاهرین علیهم السلام که روزه گرفتن همین نخوردن
و نیاشامیدن نیست بلکه چون روزه گیری باید چشم و گوش و هوش و همه جوارح و اعضای
تو روزه داشته باشد از حرام و قبیح و روز صیام تو مثل سایر ایام نباشد با مردم منازعه
و مجادله مکن و دروغ مگو و دشنام مده و قسم مخور و قسم مده بمردم و حتی
خادم خود را مرنجان و از آنجمله که حضرت رسول صلی الله زنی را دید روزه دار

که کنیز خود را دشنام میداد آنحضرت آن زن را طلبید فرمود بخور عرض کرد فدایت شوم
من روزه دارم حضرت فرمود چون روزه داری که دشنام میدادی روزه ایمان
ناز نخوردن و نیاشامیدن نباشد بلکه روزه باید با جمیع جوارح و اعضا گیرد و نیز
مرویست که روزه در شبانه روز جمعه و در شب مطلقا و در روزه ماه رمضان و کسی که
محرم باشد و در حرم مکه معظمه شعر خواندن نشاید اگرچه در مدح حضرات ائمه طاهرین
صلوات الله علیهم باشد مراد ازین شعر آنست که مشتمل بر کذب و هجو و لعن
یا بر خیالات و اغراقات و دعوای باطل و غیر واقع و امثال اینها باشد چنانکه
در میان شعرا شایع اگرچه خوش باشد مثل مدح حضرات ائمه علیهم السلام که شان ایشان
ارفع از آنست اما اگر معانی حق واقعی باشد و موضوعش نیز حق باشد مناجات
و موعظه و مدح اهل بیت طاهرین نیست و روزه دار را افضل آنست که مسواک
نکند بر کجت نماز فریضه و با چوب تر مسواک نکند اما اگر چوب خشک باشد ضرر نکند
و اگر چوب باشد باب تر کند و حرکت دهد تا آب بریزد قصوری ندارد و سرمه که مشک
داشته باشد یا طعمش در گلو محسوس شود در چشم نکشد و جامه تر نپوشد که بعد از
فشردن آماده آب نشستن قصوری ندارد و گذارد نان و مشک و نرگس و ریحان بلکه بعطر بخور
برای صیام از مستحبات و مرویست که روزه دار اول روز تعطر کند که عقلش
زایل نشود و در سحر خوردن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در ماه
مبارک رمضان افضل آنست که ترک سحر نکنند و در غیر آن اگر خواهند سحر خورند اگر
نخواهند نکنند هر کس همیشه سحر کند اگرچه باب تنها باشد و وقت بر صوم دهر باید و حق تعالی
بر سحر کنندگان

بر سحر کنندگان رحمت و صلوات فرستد و هر کس در وقت سحور و فطار
انا انزلناه بخواند چنان است که در خون خود غلطیده باشد فصل در افطار فرمودن
مرویست از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله که
افطار بحلوا میفرمود اگر حلوائی بهم میرسید بخرما و اگر هیچ کدام نبود باب نیم گرم و میفرمودند
آب نیم گرم معده و جگر را پاک کند و بوی دهن را خوش کند و دندان را محکم سازد
و چشم را جلا دهد و قوت دهد و گناهان از دل بشوید و رگهای جنبنده تسکین یابد و صفرا را
بشکند و بلغم را قطع نماید و حرارت معده و صداع را زایل گرداند و افضل آنست
که اگر کسی منتظر نشد افطار بعد از نماز شام کند روزه بنماز ختم کند و دعا در وقت
افطار از مستحبات است و فضل قرائت انا انزلناه در وقت افطار سابق گذشت
و اگر در وقت افطار بگوید یا عظیم یا عظیم یا عظیم انت الله لا اله
الا انت اغفر لی الذنب العظیم ~~انه یا عظیم الا~~ انت یا عظیم از گناهان
پاک شود مثل روزی که از مادر متولد شده باشد ایضا در وقت افطار بگوید بسم الله
اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبل منا انک انت
السمیع العلیم فصل در تفطیر صایم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس صایمی را افطار فرماید مثل ثواب او داشته باشد و هر عبادت که
بقوت آن طعام کند در ثواب شریک باشد و افطار فرمودن صایم افضل است
از روزه که خود گرفته باشد و اگر در ماه مبارک رمضان افطار فرماید چنان است که
بنده آزاد کند و کفاره گناهان گذشته اش باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام

انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم

یکی از اصحاب خود فرمود که میتوانی در ماه مبارک رمضان هر شب ده بنده از فرزندان
حضرت اسمعیل ع آزاد کنی گفت مالم بآن وفا نمیکند پس یک یک کم میفرمود تا بیک بنده
رسید گفت نمیتوانم پس فرمود نمیتوانی هر شب مسلمی را افطار فرمائی گفت ده نفر را دارم
فرمود مقصود همین بود که بدانی که افطار دادن یک مسلمان مقابل ده بنده آزاد
کردن است **فصل** در فضیلت افطار کردن روزه برای سرور مؤمن روایت است از ائمه
طاهرین صلوات الله علیهم که در خانه برادر مؤمن افطار کردن برابر است با هفتاد
روز روزه گرفتن و چون کسی روزه غیر واجب داشته باشد باید مؤمنی وارد
شود که او را تکلیف افطار فرماید او را مسرور کردن اگر چه بعد از عصر باشد برابر است با
ده روز روزه گرفتن و اگر اظهار نکند و روزه را بر او منت نگذارد و افطار کرد
مثل یکسال روزه است و از این حدیث و حدیث دیگر که در سرور مؤمن وارد شده است
نمایان دادن بهر وجه افطار دادن که بر مؤمن که سبب سرور مؤمن باشد یا دفع کدورت
او باشد باید کرد اگر چه در خانه او باشد **فصل** در فضیلت اعتکاف روایت است از ائمه
طاهرین علیهم السلام که افضل اوقات برای اعتکاف ماه مبارک رمضان است
حتی آنکه مرویست که اعتکاف نباشد مگر در عشر ماه مبارک رمضان که آن برابر است
با هزار حج و دو هزار عمره و اعتکاف کمتر از سه روز نمیشود و بیشتر هر قدر خواهد تواند
و اصل اعتکاف سنت است چون دو روز بگذرد واجب شود و مثل ششم و نهم
و دوازدهم پس در روز اول و دویم باختیار تواند فسخ اعتکاف نماید و بیرون رفتن
[illegible]ارت نتواند و شرط است در اعتکاف روزه داشتن پس کسیکه روزه نتواند
داشت یا در

داشت یا در وقتی که تواند داشت اعتکاف صحیح نباشد هر روزه که باشد مجزی بود
خواه واجب باشد خواه غیر آن و نیز شرط است که در مسجدی باشد که امام عادل در آن
نماز گذارده باشد و افضل مساجد برای اعتکاف مسجد الحرام و مسجد رسول الله و مسجد کوفه است
و ایام اعتکاف بی ضرورت بیرون رفتن نشاید و جایز است بیرون رفتن برای نماز جمعه
یا حضور جنازه یا عیادت مریض محتاجی یا حقی از حقوق دین و کار ضروری و چون برای حاجتی
بیرون رود در جای ننشیند تا آنکه بمسجد خود عود نماید و نماز در غیر آن مسجد نگذارد مگر
نماز جمعه یا در مکه معظمه که در هر موضع از مکه نماز گذارد صحیح باشد و حرام است در ایام اعتکاف
مباشرت کردن خواه روز و خواه شب و در این ایام از بوی خوش و ریاحین و مجادله
با مردم و بیع و شرای احتراز نماید و سنت است که وقت داخل شدن باعتکاف با خدا شرط کند
که اگر امری سانح شود بیرون رود که چون چنین کند هر وقت که امری عارض شود جایز باشد
او را خواه پیش از روز سیوم و خواه بعد از باشد **باب هشتم** در ایام شهور و اعوام و لیالی
و ایام و مقصود در این باب در ده فصل بیان شود **فصل اول** در ایام نوروز و فضایل
آن مرویست از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم که عهد ولایت و خلافت حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه در غدیر خم در این روز بود و در این روز حضرت صاحب الامر ع
ظهور خواهد کرد و برکات در این روز بسیار است که واقع خواهد شد و سنت است
در این روز روزه داشتن و غسل کردن و جامهای پاکیزه پوشیدن و تعطیر نمودن و خواندن
هر یک از آیة الکرسی و این دعا بعد از تمام سال خواندن اللّهمّ هذه سنة
جدیدة وانت ملک قدیم اسئلک خیرها وخیر ما فیها واعوذ بک

من شرها وشر ما فیها واستکفیک مؤنتها وشغلها یا ذا الجلال
والاکرام هر کس در این روز بعد از عصر چهار رکعت نماز گذارد در هر رکعت اول
بعد از حمد انا انزلناه ده مرتبه و در دویم قل یا ایها الکافرون ده بار و در سیوم قل هو الله
احد ده بار و در چهارم معوذتین بخواند و بعد از فراغ از نماز سجده شکر کند و در سجده این دعا
بخواند گناهان پنجاه ساله‌اش آمرزیده شود اللهم صل علی محمد وآل محمد الاوصیاء
المرضیین وعلی جمیع انبیائک ورسلک بافضل صلواتک وبا
رک علیهم بافضل برکاتک وصل علی ارواحهم واجسادهم اللهم با
رک علی محمد وآل محمد وبارک لنا فی یومنا هذا الذی فضلته
وکرمته وشرفته وعظمت قدره وبارک لی فیما اعطیتنی حتی
لا اشکر احدا غیرک ووسع علی فی رزقی یا ذا الجلال والاکرام
اللهم ما غاب عنی من شیء فلا یغیبن عنی عونک وحفظک وما
فقدت من شیء فلا یفقدنی عونک علیه حتی لا اتکلف
ما لا احتاج الیه یا ذا الجلال والاکرام ونوشتن هفت سلام با مشک و
زعفران گلاب واشامیدن آن امان است تا روز دیگر از علل وامراض
چنانکه مشهور است و در مجموعه ورام بنظر رسیده است مروی است از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام خواندن این دعا یا محول الحول والاحوال حول حالنا
الی احسن الحال بعد وایام سال اما حدیثی بنظر نرسید **فصل** در رویت هلال
و در فضیلت آن مروی است از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که چون حضرت رسول

وصلی الله علیه وآله ماه نو میدید میگفت ایها الخلق المطیع الدائب السریع المتصرف
فی ملکوت الجبروت بالتقدیر ربی وربک الله اللهم اهله
علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام والاحسان وکما
بلغتنا اوله فبلغنا آخره واجعله شهرا مبارکا تمحو فیه السیئات
وتثبت لنا فیه الحسنات وترفع لنا فیه الدرجات یا عظیم الخیرات
واگر خواهد دعای صحیفه کامله بخواند که اتم واکمل است وهر کس وقت دیدن ماه هفت مرتبه
الحمد بخواند در آن ماه چشمش از رمد ایمن باشد وهر کس در اول ماه چیزی بخورد امید است که در آن ماه
دعایش رد نشود واگر اول هر ماه دو رکعت نماز گذارد که اول بعد از الحمد سی مرتبه قل هو الله
و در دویم سی مرتبه انا انزلناه بخواند وآنچه مقدور شود تصدق کند سلامتی آن ماه را از حق
تعالی خریده است هر کس هر ماه حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند ثواب صد هزار
شهید از شهدای بدر یابد وسنت است که در هر ماه سه روز روزه بدارد پنجشنبه در اول و آخر
ماه چهارشنبه در میان ماه که برابر است با صوم دهر و وسوسه خاطر را دفع کند و از ائمه
طاهرین علیهم السلام از سبب این روزه سوال کردند فرموده اند که پنجشنبه برای آنکه اعمال
در پنجشنبه بر خدا عرض میشود وبهتر است که با روزه عرض شود چهارشنبه میان ماه روز عذاب امتهاست
وارکان آتش در روز چهارشنبه آفریده شده حق تعالی جمیع امم سابقه را در چهارشنبه
میان ماه عذاب کرده است واین روزه امان است از عذاب واگر اول ماه پنجشنبه باشد
افضل است واگر بسبب مانعی یا مشقتی روزه گرفتن دشوار باشد قضا کند یا یک درهم
تصدق کند که هشتاد دینار است یا یک مد گندم یا غیر آن طعامها که تخمینا بقدر یک چارک است

[illegible]

تصدق کنند روایات بسیار آمده که تصدق فضل است و در روایات آمده که این قدر
تصدق در نظر راوی کم نمود امام فرمود که مؤمنی را طعام دادن افضل است از روزه یکماه
گرفتن و نیز مرویست که هر کس یکی از ماههای حرام که رجب و ذی القعده و ذو الحجه
و محرم است پنجشنبه و جمعه و شنبه روزه بگیرد عبادت صد ساله برایش نوشته شود

فصل در اعمال ماه محرم و بیان واقع آن این ماه اول سنه هجریست مرویست از اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم که هر کس روز اول این دو رکعت نماز بگذارد و بعد از سلام
سر بسجده بگوید اللّهمّ انّك انت الابديّ القديم العفوّ الغفور الرحيم وهذه
سنة جديدة فأسئلك العصمة فيها من الشيطان الرجيم والعون
على هذه النفس الامّارة بالسوء والاشتغال بما يقرّبني اليك
يا ذا الجلال والاكرام والفضل والانعام يا ارحم الراحمين حق تعالی دو
ملک بر او موکل کرداند که در بقیه عمر شیطان را از وی دفع کند و از متابعت نفس اماره
و پیروی اهوا و هوس محافظتش نماید و بر طاعات و حسنات اعانتش کنند و روز دهم این ماه
قضیه عظمای کربلا واقع شد بنی امیه و اتباع ایشان لعنهم الله باین روز تبرک میجویند و روزه
میگیرند هر کس در این روز ذخیره گذارد و روزه گیرد و بآن تبرک کند با آل زیاد لعنهم الله
در جهنم باشد و هر کس دست در این روز از حوایج دنیا بردارد خدای تعالی حوایج دنیا
و آخرت او را برآورد و اعظم مستحبات در این روز مشغول مصیبت حضرت امام حسین
و اهل بیت او و اقربا و اصحاب علیهم السلام میباشد که اعظم داشتن عزا یاد بودن و بهیات
مصیبت زدگان محزون و گریان و جامه و گریبان گشودن و تا یک ساعت بعد از عصر دست
از طعام و شراب

از طعام و شراب کشیدن و لذات و شهوات از خود بریدن و بعد از عصر باندک
تربت مقدس افطار نماید هر کس چنین کند و آن روز روز گریه و مصیبت خود گرداند
حق تعالی روز قیامت را روز فرح و شادی او گرداند هر کس مصیبت اهل بیت را
یاد آورد و بگرید و دیگران را بگریاند در روز قیامت در درجه ایشان است
و با ایشان باشد و گریه چشم او در روزیکه چشمها گریان باشد هر کس یکقطره اشک بریزد
برای خونی که از ایشان ریخته شده یا حقی که از ایشان بظلم رفته یا عرض حرمتی که شکسته
یک حقب در بهشت باشد باو میدهند و حقب را هشتاد سال و بیشتر نیز تفسیر کرده اند
و گریه در مصیبت حضرت امام حسین صلوات الله و سلامه علیه گناهان عظیم را بریزد و هر کس
بر آنحضرت بگرید که اشک بر رویش جاری شود همه گناهان او از صغیره و کبیره و قلیل و کثیر آمرزیده
شود و اگر مرثیه در شان آنحضرت بخواند و بگرید و دیگران را بگریاند و اگر گریه نیاید خود
گریه ناک گرداند بهشت او را واجب شود و هر کس زیارت آنحضرت کند روز قیامت
هیچ گناه بر او نباشد و هر کس قاتلانش را لعنت کند در غرفهای ایشان با ایشان باشد
و هر کس هر گاه یاد آنحضرت کند و بگوید یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما
چنان است که در خدمت شهید شده باشد و هر کس بفرح ایشان فرحناک و بحزن
ایشان محزون باشد با ایشان در درجات اعلی بهشت باشد و هر کس شب عاشورا
در پیش قبر آنحضرت بگرید یا بگریاند کسی را چنان است که در عرصه کربلا با آنحضرت
شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و هر کس روز عاشورا زیارت قبر آنحضرت
کند چنان است که خدای تعالی را در عرش زیارت کرده باشد و بهشت او را واجب شود

و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود هر کس روز عاشورا گریان زیارت قبر آنحضرت کند
ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره که در خدمت پیغمبر و ائمه طاهرین علیهم السلام کرده باشد
برای او نوشته شود و اگر از آن مکان دور باشد و خواهد از برای آن حضرت حاضر شود چون روز بلند شود
پیش از زوال بصحرا بیرون رود یا بر بامی بلند برآید و بر آنحضرت سلام کند و گریه و نوحه کند
و دو رکعت نماز بگزارد و بر قاتلانش بسیار لعنت کند و اهل بیت خود را بگریه وا دارد و در خانه
خود مصیبت برپا نماید و هم دیگر را تعزیت گویند باین طریق که اعظم الله اجورنا بمصابنا
بالحسین علیه السلام وجعلنا وایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه
الامام المهدی من آل محمد علیه السلام من ضامنم که چون چنین کنند همه آن ثوابها
و ثواب مصیبت هر ولی و نبی و صدیق و شهید از اول دنیا و آخر دنیا برای ایشان نوشته شود
راوی عرض کرد که طریقه تعلیم کن که از دور و نزدیک زیارت کنم فرمود باین طریق زیارت کن
اول تکبیر بگو و بعد از آن چنین سلام کن که مذکور میشود و بعد از آن دو رکعت نماز که خدای تعالی
هزار درجه برای تو بنویسد و چنان باشد که در خدمت آنحضرت شهید گشته باشی و با شهدای محشور
شوی بحیثیتی که ایشان بر تو هیچ امتیاز نباشند و ثواب زیارت هر نبی و رسول و ولی و ملک داشته
باشی و هر کس زیارت آنحضرت کرده از روزی که شهید شده برای تو نوشته شود و اگر هر روز
چنین کنی همیشه همین ثواب داشته باشی السلام علیک یا ابا عبد الله السلام
علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین وابن سید الوصیین
السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین السلام علیک
یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور السلام علیک وعلی الارواح
التی

التی حلت بفنائک وانا خت برحلک علیکم منی جمیعا سلام الله
ابدا ما بقیت وبقی اللیل والنهار یا ابا عبد الله لقد عظمت الرزیة
وجلت وعظمت المصیبة بک علینا وعلی جمیع اهل الاسلام وجلت
وعظمت مصیبتک فی السموات علی جمیع اهل السموات فلعن الله
امة اسست اساس الظلم والجور علیکم اهل البیت ولعن الله امة
دفعتکم عن مقامکم وازالتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها و
لعن الله امة قتلتکم ولعن الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم برئت
الی الله والیکم منهم ومن اشیاعهم واتباعهم واولیائهم یا ابا عبد الله
انی سلم لمن سالمکم وحرب لمن حاربکم الی یوم القیمة ولعن الله آل
زیاد وآل مروان ولعن الله بنی امیة قاطبة ولعن الله ابن مرجانة
ولعن الله عمر بن سعد ولعن الله شمرا ولعن الله امة اسرجت والجمت
وتنقبت وتهیأت لقتالک بابی انت وامی لقد عظم مصابی بک فاسئل الله
الذی اکرم مقامک واکرمنی بک مقامی واکرمنی بمقامی هذا ان یرزقنی
طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه واله اللهم
اجعلنی عندک وجیها بالحسین فی الدنیا والآخرة یا ابا عبد الله
انی اتقرب الی الله والی رسوله والی امیر المؤمنین والی فاطمة و
الی الحسن والیک بموالاتک وبالبرائة ممن قاتلک ونصب لک الحرب
وبالبرائة ممن اسس اساس ذلک وبنی علیه بنیانه وجری فی ظلمه

وجوره وجرى ظلمه وجوره عليكم وعلى اشياعكم برئت الى الله
والى رسوله واليكم منهم واتقرب الى الله ثم اليكم بموالاتكم وموالاة
وليكم وبالبراءة من اعدائكم والناصبين لكم الحرب وبالبراءة من
اشياعهم واتباعهم انى سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وولى لمن
والاكم وعدو لمن عاداكم فاسئل الله الذى اكرمنى
بمعرفتكم ومعرفة اوليائكم ورزقنى البراءة من اعدائكم ان يجعلنى
معكم فى الدنيا والآخرة واسئله ان يبلغنى المقام المحمود الذى لكم عند الله
وان يرزقنى طلب ثارى مع امام هدى ظاهر ناطق منكم و
واسئل الله بحقكم وبالشأن الذى لكم عنده ان يعطينى بمصابى
بكم افضل مصابا بما يعطى مصابا بمصيبته مصيبة اقول انا لله
وانا اليه راجعون ما اعظمها واعظم رزيتها فى الاسلام
وفى جميع السموات والارض اللهم اجعلنى فى مقامى هذا ممن
تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل محياى محيا
محمد وآل محمد ومماتى ممات محمد وآل محمد اللهم اقتل الحسين
صلواتك عليه ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن آكلة
الاكباد اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان نبيك صلى الله
عليه وآله فى كل موطن وموقف وقف فيه نبيك اللهم
اللعن ابا سفيان ومعاوية ويزيد بن معاوية وآل مروان
عليهم

وان يثبت لى عندكم قدم صدق فى الدنيا والآخرة

من مصيبة مصابا باعظم مصيبته

عليهم منك اللعنة ابد الابدين وهذا يوم فرحت به آل زياد و
آل مروان بقتلهم الحسين اللهم وضاعف عليهم اللعن منك والعذاب
اللهم انى اتقرب اليك فى هذا اليوم وفى موقفى هذا وايام حيوتى
بالبرائة منهم واللعنة عليهم بالموالات لنبيك وآل نبيك عليهم السلام
بعد از آن بگو صد مرتبه اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع
له على ذالك اللهم العن العصابة التى جاهدت الحسين وشايعت
وبايعت وتابعت على قتله اللهم العن جميعا بعد از آن صد مرتبه بگو السلام
عليك يا اباعبد الله وعلى الارواح التى حلت بفنائك واناخت
برحلك عليك منى سلام الله ابدا ما بقيت وبقى الليل و
النهار لا جعله آخر العهد منى لزيارتك السلام على الحسين
وعلى على بن الحسين وعلى اولاد الحسين وعلى اصحاب الحسين
بعد از آن بگويد اللهم خص انت اول ظالم باللعن منى وابدا به اولا
ثم الثانى والثالث والرابع اللهم العن يزيد بن معاوية خامسا
والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا
وآل ابى سفيان وآل زياد وآل مروان الى يوم القيمة و بعد از آن
سجده كن و در سجده بگو اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم
الحمد لله على عظيم رزيتى اللهم ارزقنى شفاعة الحسين
يوم الورود وثبت لى قدم صدق عندك مع الحسين

واولاد الحسين واصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين
عليه السلام **فصل در اعمال ماه صفر** در بیان ان بعضی از اعاظم علما در کتب خود نقل
کرده اند که هر روز این ماه ده مرتبه این دعا بخوانند از بلاهای که در این ماه نازل میشود
ایمن باشد یا شدید القوی یا شدید المحال یا عزیز یا عزیز
ذلت بعزتك جميع خلقك فاكفني شر خلقك يا مجمل يا منعم يا مفضل
يا لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له
ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وصلى الله على محمد وآله
الطيبين مستحب است که در بیستم این ماه که اربعین است زیارت حضرت امام حسین
مروی است از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که پنج چیز علامات مؤمن است صلوة احدی و
خمسین و زیارت اربعین و تختم بالیمین و تعفیر جبین و جهر بسم الله الرحمن الرحیم
چون خواهد زیارت کند وقت ارتفاع روز بگوید السلام على ولي الله وحبيبه
السلام على خليل الله ونجيبه السلام على صفي الله وابن صفيه
السلام على الحسين المظلوم الشهيد السلام على اسير الكربات
وقتيل العبرات اللهم اني اشهد انه وليك وابن وليك وصفيك
الفائز بكرامتك اكرمته بالشهادة وحبوته بالسعادة و
اجتبيته بطيب الولادة وجعلته سيدا من السادة وقائدا
من القادة وذائدا من الذادة واعطيته مواريث الانبياء وجعلته
على خلقك من الاوصياء فاعذر في الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته
فيك

فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة وقد عليه
من غرته الدنيا وباع حظه بالارذل الادنى وشرى آخرته
بالثمن الاوكس وتغطرس وتردى في هواه واسخطك واسخط
نبيك واطاع من عبادك اهل الشقاق والنفاق وحملة الاوزار
المستوجبين النار فجاهدهم فيك صابرا محتسبا حتى سفك
في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم فالعنهم لعنا وبيلا
وعذبهم عذابا اليما السلام عليك يا ابن رسول الله السلام
عليك يا ابن سيد الاوصياء اشهد انك امين الله وابن امينه
عشت سعيدا ومضيت حميدا ومت فقيدا مظلوما شهيدا
وانا اشهد ان الله منجز ما وعدك ومهلك من خذلك
ومعذب من قتلك واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت
في سبيله حتى اتيك اليقين فلعن الله من قتلك ولعن الله من
ظلمك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به اللهم اني
اشهدك اني ولي لمن والاه وعدو لمن عاداه بابي انت
وامي يا ابن رسول الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب
الشامخة والارحام الطاهرة لم تنجسك الجاهلية
بانجاسها ولم تلبسك المدلهمات من ثيابها واشهد
انك من دعائم الدين واركان المسلمين اشهد انك ومعقل المؤمنين

الامام البر التقی الرضی الزکی الهادی المهدی واشهد ان الائمة
من ولدک کلمة التقوی واعلام الهدی والعروة الوثقی والحجة
علی اهل الدنیا واشهد انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع
دینی وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع ونصرتی
لکم معدة حتی یاذن الله لکم فمعکم معکم لا مع عدوکم صلوات الله علیکم
وعلی ارواحکم واجسادکم وشاهدکم وغائبکم وظاهرکم وباطنکم
امین رب العالمین بعد از ان دو رکعت نماز گذارد و هر دعا که خواهد بکند فصل
اعمال ربیع الاول اکثر شیعه برانند که در نهم اینماه قتل عمر بن الخطاب لعنة الله علیه و
العذاب الشدید واقع شده و اهل تاریخ و بعضی از علمای شیعه دران خلاف کرده اند
اما حدیث صریحی دران باب روایت شده خلاصه مضمون آنحدیث آنست که دو کس از شیعیان روایت کرده اند
گویند که روز نهم ربیع الاول در خانه محمد اسحق قمی که از اعاظم اصحاب امام علی النقی علیه السلام
بود محمد غسل کرده از خانه بیرون آمد هنوز اثر رنگ ازو نشوده و اعضاء خود را خشک نکرده بود ما را از وضع
او خوش آمده و او تعجب کرده پرسیدیم که او گفت در خیال هست که شما کمان کرده اید بلکه امروز
عید است و من غسل عید کرده ام گفتیم که شیعیان را عیدی غیر از عید اضحی عید است گفت بلی با ما بخانه
برده و نشستیم پس گفت من با جماعتی از شیعیان همین روز رفتیم بخدمت مولای خود امام علی
النقی و آنحضرت همین روز که نهم ربیع الاول است هر یک از غلامان و خدمتکاران خود
را فرموده جامه نو پوشیده بودند و آنحضرت مجمره در حضرت بتجمیر مشغول بود ما
عرض کردیم که پدر و مادر ما فدای تو باد که اهل بیت را فرح عیدی تازه هست فرمود کدام روز نزد
ما اهل بیت

ما اهل بیت حرمتش عظیم تر ازین روز هست که حذیفه یمانی درچنین روزی بخدمت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
رفت و آنحضرت با امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام طعام تناول میفرمودند
و آنحضرت بروی ایشان تبسم و شفقت میفرمود و با حسنین میفرمود بخورید که امروز است که حق تعالی
دشمن خود و دشمن جد شما را بدعای مادر شما هلاک میسازد و اعمال دوستان و شیعیان شما
را قبول میفرماید بخورید که امروز است که شوکت جد شما شکسته میشود بخورید که امروز است که فرعون
اهل بیت من و ظالم ایشان و غاصب حق ایشان هلاک میشود حذیفه گوید من گفتم یا رسول الله
در میان امت تو کسی هست که این بی ادبی تواند کرد فرمود یکی از منافقان که دعوی ریاست
و خلافت کند و مردم را بخود دعوت نماید و از راه خدا برگرداند و کتاب خدا را تحریف کند
و سنت مرا تغییر دهد و میراث فرزند مرا غصب کند و خود را امام و مقتدای مردم گرداند و اموال
خود را از مردم گیرد و در معصیت خرج کند و برادر و وزیر مرا تکذیب کند و دختر مرا از حق خود
منع کند و دختر من او را نفرین کند خدا اجابت فرماید حذیفه گوید من گفتم چرا از خدا نمیخواهی
که او را در حیات تو هلاک گرداند فرمود که نمیخواهم خلاف قضای خدا کنم اما از خدا خواستم روزی را
که او را هلاک میکند بر سایر ایام تفضیل دهد تا دوستان من و شیعیان و دوستان اهل بیت
من آنروز را عید کنند پس حق تعالی فرمود که من ملائکه هفت آسمان را امر کردم که آنروز
عید کنند برای شیعیان و دوستان شما و فرموده ام که کرسی کرامت مرا در این روز
در برابر بیت المعمور نصب کنند و مرا ثنا گویند و برای دوستان شما استغفار کنند
و کرام الکاتبین را فرموده ام از آن روز تا سه روز دیگر قلم از خلق بردارند و هیچ خطیه
از ایشان ننویسند و این روز برای تو و برای اهل بیت و شیعیان شما گردانیده دادم

و بعزت و جلال خودم که هر که امروز را عید کند او را و دوستان و اقربا و خویشان او
ثواب جن و انس عطا فرمایم و هر که امروز بر خود و بر عیال خود توسعه کند مالش را زیاده کنم و هر سال در
این روز صد هزار کس از دوستان و موالی شما را از آتش جهنم آزاد کنم و طاعت ایشان را
ثواب دهم و گناه ایشان را بیامرزم و اعمال ایشان را قبول فرمایم حذیفه گوید پس آن حضرت
برخاسته در خانهٔ ام سلمه تشریف برد زانرا فرمود و من هیچ شک نداشتم در آنکه منافق عمر بن
الخطاب است داوخواه بود تا آنکه بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله ملعون که غصب فدک
حضرت فاطمه علیها السلام کرد و نفرین کرد و خدای تعالی اجابت فرمود و در روز نهم ربیع الاول کشته
شد پس بخدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام رفتم فرمود ای حذیفه یاد میآوری روز را که بخدمت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمدی و فضایل آن روز را بیان فرمود گفتم بلی فرمود والله امروز همان است و آن روز
مؤید است احادیث دیگر که در فضل این روز روایت شده است مثل آنکه هر که در این روز صدقه
و احسان کند آمرزیده شود و نیز بعضی از علما نقل کرده اند که مستحب است در این روز مؤمنان را طعام دادن
و بوی خوش زدن و بر ایشان توسعه در نفقه و پوشیدن جامهٔ نو و شکر و عبادت کردن
اما روزه اما روزه در این روز روایت شده است و هم در اینماه مولد حضرت رسول است
و روزهٔ این روز برابر روزهٔ یکساله است و مستحب است در این روز تصدق کردن و
زیارت معصومین در این مکان در اعمال ماه رجب المرجب مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که ماه رجب ماهیست عظیم الشان و رفیع المنزله و منسوب است
بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام خدای تعالی در این ماه حسنات مضاعف کند و سیئات
محو کند و مستحب است احیا داشتن شب اول این ماه و مرویست که هر کس شب در اینماه احیا
دارد

دارد آتش دوزخ را بر او حرام شود و شفاعت او برای هفتاد هزار کس از گناهکاران
مقبول باشد و مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر مقبره ای میگذشت که مرده
در آن عذاب میکشید پس از آنجا گذشت از سبب توقف حضرت سؤال نمودند فرمود که اهل این مقبره
معذب بودند بر ایشان ترحم نمودم از خداوند تعالی خواستم که عذاب ایشان را تخفیف
فرماید فرمود که اگر ایشان یکروز از ماه رجب روزه میداشتند و بعبادت یکشب برخواستندی
از این عذاب ایمن بودند و هر مؤمن و مؤمنه که یکروز از این ماه روزه بدارد
و یکشب بعبادت برخیزد خدای تعالی ثواب یکساله روزه و عبادت و هزار حج و هزار عمره
و هزار جهاد و هزار بنده آزاد کردن از فرزندان حضرت اسمعیل و ثواب هزار دینار طلا تصدق
نمودن عطا فرماید و چنان است که اسیران است را بخرد و آزاد کند و هزار گرسنه را سیر گرداند
و از عذاب قبر و هول منکر و نکیر ایمن گردد و کسی تعجب کرد گفت یا رسول الله این همه ثواب برای کسی است
که یک روز روزه بگیرد و یک شب برخیزد در این ماه فرمود بلی برای کسی است که انکار قدرت
خدا نکند برای اینکه خدای تعالی این قدر عبادت را این همه ثواب تواند داد و فرمود اگر کسی قادر
بر خواستن شب نباشد بعد از نماز عشا پیش از وتیره ده رکعت نماز کند و هر سوره که خواهد
بخواند از خدای تعالی امید دارم که همین ثواب را باو عطا فرماید و نیز مرویست که هر کس
در اینماه تصدق کند برای خدا و بامید ثواب خدای تعالی در روز قیامت ثواب عطا فرماید
که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بخاطر هیچ کس نرسیده باشد و مستحب است
که شب اول اینماه خواندن این دعا بعد از نماز عشا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ
مَلِکٌ وَاَنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ مُقْتَدِرٌ وَاَنَّکَ ما تَشاءُ مِنْ اَمْرٍ یَکُونُ اَللّٰهُمَّ اِنّی

اتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمة صلی الله علیه وآله یا محمد
یا رسول الله انی اتوجه بک الی الله ربک و ربی لینجح طلبتی اللهم بنبیک
محمد والائمة من اهل بیته انجح طلبتی بعد از آن حاجتی که خواهد بخواهد
و هر کس اول این ماه زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه بکند گناهانش آمرزیده
شود البته و نیز مرویست که هر کس روز اول ماه و میان ماه و آخر ماه غسل کند از گناه
پاک شود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد سلمان فارسی رحمه الله علیه روایت کند
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که هر کس در این ماه سی رکعت نماز کند در هر رکعت سه
مرتبه قل هو الله و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون بخواند در اول ماه بعد از فراغ از نماز
دستها بر داشته بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی
کل شیء قدیر الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا
ولدا اللهم لا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجد
منک الجد و دستها را بر رو بمالد و ده رکعت در میان ماه بعد از فراغ از نماز دستها
بر داشته بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء
قدیر الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا و دستها
بر رو بمالد و ده رکعت در آخر ماه بهمین طریق بعد از فراغ از نماز و دستها بر داشته
بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد و هو
حی لا یموت

حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر الها واحدا احدا
صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا بعد از آن بگوید وصلی الله علی
محمد وآله الطاهرین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم دستها را بر رو بمالد و هر حاجتی که خواهد طلب نماید مستجاب شود خدا میان او
و جهنم هفت خندق فاصله کند که عرض هر خندق مثل ما بین آسمان و زمین باشد و بهر رکعت
از هزار هزار رکعت نماز برایش بنویسند و با امنیت و سلامت از صراط بگذرد و چنان باشد
که تمام این ماه روزه داشته باشد و تا سال دیگر از جمله نماز گذارندگان نوشته
شود و هر روز ثواب شهیدی از شهدای بدر برایش بنویسند هر که یک روز از این ماه روزه
بدارد عبادت یکساله نویسند و هزار درجه برایش بلند گردانند و همان حضرت
فرمود که ثواب روزه هر روز این ماه را بیان فرمود چنانکه گذشت بعد از آن سوال
کردند که اگر کسی نتواند روزه بگیرد چه کند تا این ثواب را دریابد فرمود هر روز
این ماه یک نان تصدق کند بخدا قسم که هر آن ثواب پیابد و بیشتر از آن اگر همه
خلق آسمان و زمین جمع شوند عشر آن نتوانند نوشت پرسیدند که اگر قادر این
قدر تصدق نباشد چه کند فرمود هر روز صد مرتبه بگوید سبحان الاله الجلیل
سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان الاعز الاکرم سبحان
من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من لبس العز وهو له اهل
و نیز مرویست که حق تعالی فرمود هر کس در ماه رجب هزار مرتبه بگوید استغفر الله
ذا الجلال والاکرام من جمیع الذنوب والآثام سه مرتبه فرمود اگر او را نیامرزم

پس من خدای و نباشم و مستحب است هر روز خواندن این دعا اللهم انی اسألك

صبر الشاکرین لك وعمل الخائفین منك ويقين (العابدين) لك اللهم انت

العلي العظيم وانا عبدك البائس الفقير وانت الغني الحميد وانا

العبد الذليل اللهم صل على محمد وآله وامنن بغناك على فقري

وبحلمك على جهلي وبقوتك على ضعفي يا قوي يا عزيز

اللهم صل على محمد وآله الاوصياء المرضيين واكفني ما اهمني

من امر الدنيا والآخرة يا ارحم الراحمين ونیز روایت از حضرت صاحب

الزمان صلوات الله علیه که هر که هر روز از این ماه این دعا بخواند ثواب بسیار دارد

اللهم انی اسألك بمعاني جميع ما يدعوك به ولاة امرك المأمونون

على سرك المستبشرون بامرك الواصفون لقدرتك المعلنون

لعظمتك اسألك بما نطق فيهم من مشيتك فجعلتهم معادن لكلماتك

واركانا لتوحيدك وآياتك ومقاماتك التي لا تعطيل لها في كل

مكان يعرفك بها من عرفك لا فرق بينك وبينها الا انهم عبادك

وخلقك فتقها ورتقها بيدك بدؤها منك وعودها اليك

اعضاد واشهاد ومناة واذواد وحفظة ورواد فبهم ملأت

سماءك وارضك حتى ظهر ان لا اله الا انت فبذلك

اسألك وبمواقع العز من رحمتك وبمقاماتك وعلاماتك

ان تصلي على محمد وآله وان تزيدني ايمانا وتثبيتا يا

باطنا

باطنا في ظهوره وظاهرا في بطونه ومكنونه يا مفرقا بين النور

والديجور يا موصوفا بغير كنه ومعروفا بغير شبه حاد كل محدود

وشاهد كل مشهود وموجد كل موجود ومحصي كل معدود

وفاقد كل مفقود ليس دونك من معبود اهل الكبرياء والجود

يا من لا يكيف بكيف ولا يؤين باين يا محتجبا عن كل عين

يا ديموم يا قيوم وعالم كل معلوم صل على محمد وآله

وعلى عبادك المنتجبين وبشرك المحتجبين وملائكتك المقربين (المحببين)

والبهم الصافين الحافين وبارك لنا في شهرنا هذا المرجب

المكرم وما بعده من اشهر الحرم واسبغ علينا فيه النعم واجزل

لنا فيه القسم (وابرر لنا فيه القسم) باسمك الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي

وضعته على النهار فاضاء وعلى الليل فاظلم واغفر لنا ما تعلم

منا وما لا نعلم واعصمنا من الذنوب خير العصم واكفنا كوافي

قدرك وامنن علينا بحسن نظرك ولا تكلنا الى غيرك ولا

تمنعنا من خيرك وبارك لنا فيما كتبته لنا من اعمارنا واصلح

لنا خبيئة اسرارنا واعطنا منك الامان واستعملنا بحسن

الايمان وبلغنا شهر الصيام وما بعده من الايام والاعوام (وبلغنا)

يا ذا الجلال والاكرام ونیز هر روز این دعا بخواند اللهم انی اسألك

بالمولودين في رجب محمد بن علي الثاني وابنه علي بن محمد

وأتقرب بهما اليك خير القرب يا من اليه المعروف طلب وفيما
لديه رغب اسئلك سؤال معترف مذنب قد اوبقته ذنوبه
واوثقته عيوبه فطال على الخطايا دؤبه ومن الرزايا خطوبه
يسئلك التوبة وحسن الاوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار فكاك
رقبته والعفو عما في ربقته فانت يا مولاى اعظم امله و
ثقته اللهم واسئلك بمسائلك الشريفة ووسائلك المنيفة ان
تتغمدني في هذا الشهر برحمة منك واسعة ونعمة وازعة
ونفس بما رزقتها قانعة الى نزول الحافرة ومحل الآخرة
و هر کس در ماه رجب و شعبان و رمضان هر روز و هر شب هر یک از الحمد
و آیة الکرسی و قلاقل اربع و سه مرتبه تسبیح اربعه بعلاوهٔ لا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم سه مرتبه اللهم صل على محمد وآل محمد وعلى
كل ملك ونبي و سه مرتبه اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات و چهار
صد مرتبه استغفر الله ربي واتوب اليه بگوید و در روایت دیگر سه مرتبه
انا انزلناه و سه مرتبه اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما
ربياني صغيرا بیامرزد همه گناهان او را و آمرزیده شود اگرچه بعدد برگ درختان
و ستارهای آسمان و قطرهای باران و کف دریاها و ریگ بیابان باشد و
بعدد هر حرف این ورد شفاعت اهل و آشنایان کند هر کس در این سه ماه این
عمل بجا آورد و اگرچه در مدت عمر یکبار باشد بعدد هر حرف از آن هفتاد هزار
حسنه عطا کند

حسنه عطا کند که هر یک سنگین تر از کوه احد باشد و هفتصد حاجتش برآورده شود و
در وقت قبض روح هفتصد در قبر و هفتصد در وقتی که از قبر بیرون آید و هفتصد در وقتی
که نامهای اعمال در اطراف متفرق باشد و هفتصد در وقت میزان و هفتصد در وقت
صراط **عمل رغائب** هر کس پنجشنبه اول این ماه روزه بگیرد و شب جمعه که اول آن را رغائب
گویند میان نماز و خفتن دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه
انا انزلناه و دوازده مرتبه قل هو الله احد بخواند هر دو رکعت بیک سلام چون
از مجموع نمازها فارغ شود هفتاد مرتبه صلوات بفرستد بعد از آن سجده کند و هفتاد
مرتبه بگوید سبوح قدوس رب الملائكة والروح بعد از آن سر بر
دارد و هفتاد مرتبه بگوید رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم انك انت
العلي الاعظم بعد از آن مرتبه دیگر سجده کند و همان دعا که در سجده اول گفته
بود هفتاد مرتبه بگوید و حاجتی که داشته باشد در سجود بخواهد مستجاب شود و گناهانش
آمرزیده شود اگرچه مثل کف دریاها باشد و وزن کوهها و برگ درختان و ریگ بیابان
عالج باشد و شفیع هفتاد کس و امتی هفتصد کس از اهل بیت خود که امر مستوجب آتش
باشند **ایام البیض** هر کس ایام البیض این ماه روزه بدارد و شبهایش را بعبادت بر
خیزد و شب پانزدهم صد رکعت نماز برخیزد و بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه
قل هو الله احد بخواند چون فارغ شود هفتاد مرتبه استغفر الله بگوید برآورده شود
حاجت او و شر اهل آسمان و زمین از او دفع شود و اگر در این ماه بمیرد شهید مرده
باشد و هزار حاجتش برآورده شود و پانصد در دنیا و پانصد در آخرت و دیگر روایت

که هر کس در این شب دوازده رکعت نماز گذارد در هر رکعت بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد
بخواند بعد از فراغ از نماز استغفار کند و تحمید و تکبیر کند باین عبارت که اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
ذَا الْمَجْدِ وَالْكِبْرِيَاءِ از آن شب تا سال دیگر خطا را ننویسند و بعد هر قطره که
در آن سال از آسمان بزمین آید حسنه برای وی نویسند بعد هر رکوع و سجود که کرده
در بهشت قصری از زبرجد سبز و بعد هر حرف قرآن که خوانده شهری از یاقوت سرخ عطا
فرمایند و تاج کرامت عطا فرمایند و مستحب است در روز پانزدهم این ماه زیارت حضرت امام حسین علیه
عمل استفتاح کیفیت این عمل در کتب ادعیه بانحاء مختلفه مذکورست هیچ یک از آنها
در احادیث معلوم نیست و احتمال دارد که مشایخ رحمهم الله اعمال دیگر را هر کدام علیحده برای
روز پانزدهم روایت شده با عمل استفتاح مخلوط ذکر کرده باشند و سبب اختلاف و
تشویش گشته باشد اما کیفیت آن بنحوی که در حدیث وارد شده آنست که فاطمه نام زنی
بود از ذریت حضرت امام حسین علیه السلام طفل او را پسری بود داود نام منصور خلیفه
عباسی مدتی محبوس کرد اراده قتل او داشت روزی فاطمه خدمت حضرت صادق علیه السلام
غمگین و محزون رفت آنحضرت فرمود ماه رجب نزدیک است ایام البیض آنجا روزه بگیر
و در روز پانزدهم اول ظهر چهار رکعت نماز کن در اول بعد از الحمد الم نشرح و در دوم
قل یا ایها الکافرون در سیم انا انزلناه و در چهارم اذا زلزلت بخوان و بعد از
نماز ظهر چهار رکعت دیگر بگذار در اول بعد از حمد قل هو الله در دوم قل اعوذ برب الفلق
در سیم قل اعوذ برب الناس و در چهارم انا اعطیناک بخوان بعد از آن ذکر تسبیح مشغول باش
تا وقت عصر داخل شود پس از نماز عصر در اول وقت بگذار چون سلام دهی تسبیحات اربعه و الحمد
و آیة الکرسی

و ایة الکرسی و قل هو الله احد و صلوة بر پیغمبر و آلش هر یک صد مرتبه بعد از آن سوره
انعام و بنی اسرائیل و کهف و سوره لقمان و یس و والصافات و حم سجده و حم عسق
و دخان و انا فتحنا و اذا واقعه و سوره الملک و ن والقلم و اذا السماء انشقت
تا آخر قرآن و اگر از خواندن عاجز باشی بجای آن الحمد صد مرتبه و ایة الکرسی
ده مرتبه و قل هو الله احد هزار مرتبه بخوان بعد از آن رو بقبله این دعا بخوان
که اسم اعظم در این دعاست و فرمود این دعا را استفتاح برای آن خوانند
که هر گاه خوانده شود درهای آسمان گشاده گردد و همان حاجتی که باین دعا خواهد
بر آورده شود فاطمه گوید که چون این عمل بجا آوردم خواب دیدم جمیع انبیا و ملایکه که در
این دعا مذکورند صلوات فرستادم در خواب دیدم که میگویند ای ام داود مژده
باد ترا که ما همه برای تو دعا کردیم و حاجت تو مستجاب شد پس بیدار شدم و اندک وقتی
نگذشت که داود آمد و گفت در بند بودم که در نصف رجب در خواب دیدم ترا که جماعتی
در اطراف تو ایستاده بودند یکی از ایشان با من گفت ای داود بدعای مادرت خدای
تعالی ترا نجات داد بر خیز چون بیدار شدم رسول منصور رسید دیدم که ایستاده بود
و مرا از حبس بیرون آورد و پنج هزار درهم بمن داد و روانه خدمت شما کرد دعا اینست
صَدَقَ اللّٰهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ
اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَاُولُوا
الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْكِرَامُ

وانا على ذلك من الشاهدين اللهم لك الحمد ولك المجد ولك العز و
لك القهر ولك النعمة ولك العظمة ولك الرهبة ولك الرحمة ولك
المهابة ولك السلطان ولك البهاء ولك الامتنان ولك التسبيح
ولك التقديس ولك التهليل ولك التكبير ولك ما يرى ولك ما
لا يرى ولك ما فوق السموات العلى ولك ما تحت الثرى ولك الارضون
السفلى ولك الاخرة والاولى ولك ما ترضى من الثناء والحمد والشكر
والنعماء اللهم صل على جبرئيل امينك على وحيك والقوي
على امرك والمطاع في سمواتك ومحال كرامتك المتحمل لكلماتك
الناصر لاوليائك المدمر لاعدائك اللهم صل على ميكائيل
ملك رحمتك والمخلوق لرأفتك والمستغفر المعين لاهل طاعتك
اللهم صل على اسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر
لامرك الوجل المشفق من خيفتك اللهم صل على حملة العرش
الطاهرين وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى ملا
ئكتك الكرام الكاتبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة النيران
وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال والاكرام اللهم صل على ابينا
ادم بديع فطرتك الذي كرمته بسجود ملائكتك وابحته
جنتك اللهم صل على امنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة
من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين محال القدس اللهم صل
على هابيل

على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابراهيم
واسمعيل واسحاق ويعقوب ويوسف والاسباط ولوط
وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا و
الخضر وذي القرنين ويونس والياس واليسع وذي الكفل
وطالوت وداود وسليمان وزكريا وشعيا ويحيى و
وتورخ ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى
وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة
اللهم صل على محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد وبارك على
محمد وال محمد كما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم
وال ابراهيم انك حميد مجيد اللهم صل على الانبياء والاوصياء
والسعداء والشهداء وائمة الهدى اللهم صل على الابدال
والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد واهل الجد
والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل صلواتك واجزل
كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما وزده
فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجة اهل الشرف
من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين وصل على من سميت
ومن لم اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك
واوصل صلواتي اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني

على دعائك اللهم اني استشفع بك اليك وبكرمك الى كرمك وبجودك
وبرحمتك وباهل طاعتك اليك واسئلك اللهم بكل ما سئلك به
احد منهم من مسئلة شريفة غير مردودة وبما دعوك به من دعوة
مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل
يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا مبير
يا سميع يا مديل يا مجيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر
يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر
يا حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا
مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض
يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع يا
دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح
يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤف يا عطوف
يا كافي يا شافي يا معافي يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار
متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد
يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم
يا حاكم يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم
يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا بارئ يا بار يا سار يا عدل
يا فاضل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا خفير يا مغير يا مغير
يا ناشر

يا ناشر يا غافر يا قديم يا كريم يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق
يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني يا خالق يا واحد
يا راصد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائذ
يا فائض يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب
فدنى وبعد فنائ وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله
وله المقادير يا من العسير عليه يسير يا من هو على ما يشاء قدير
يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح
يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات يا رازق من
يشاء وفاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال والاكرام يا حي حين
لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا انت بديع السموات
والارض يا الهي صل على محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد وبارك
على محمد وال محمد كما صليت وباركت ورحمت وترحمت على
ابراهيم وال ابراهيم انك حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي و
فقري وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي
عليك وتضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع
الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ
المستجير المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه دعاء
من اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت فجيعته دعاء

بك مستجير

بك مستجير حق حزين ضعيف مهين بائس مستكين اللهم واسئلك بانك مليك و
انك ما تشاء من امر يكن وانك على ما تشاء قدير واسئلك بحرمة هذا
الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشاعر العظام
وبحق نبيك عليه وآله السلام يا من وهب لآدم شيث ولابراهيم
اسمعيل واسحاق ويا من رد يوسف على يعقوب ويا من كشف
بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى على امه وزائد الخضر في علمه
ويا من وهب لداود سليمان ولزكريا يحيى ولمريم عيسى يا
حافظ بنت شعيب ويا كافل ولد موسى اسالك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني من عذابك و
توجب لي رضوانك وامانك واحسانك وغفرانك وجنانك
واسالك ان تفك عني كل حلقة بيني وبين من يؤذيني و
تفتح لي كل باب وتلين لي كل صعب وتسهل لي كل عسير وتخرس
عني كل ناطق بسوء بشر وتكف عني كل باغ وتكبت كل عدو لي
وحاسد وتمنع مني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول بيني
وبين حاجتي ويحاول ان يفرق بيني وبين طاعتك ويثبطني
عن عبادتك يا من الجم الجن المتمردين وقهر عتاة الشياطين
واذل رقاب المتجبرين ورد كيد المتسلطين عن المستضعفين
اسئلك بقدرتك على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء كيف
تشاء

تشاء ان تجعل قضاء حاجتی فیما تشاء بعد از آن سجده کند و هر دو رو را
بخاک گذارد و بگوید اللهم لك سجدت وبك آمنت فارحم ذلی و
فاقتی واجتهادی وتضرعی ومسکنتی وفقری الیك یا رب
جهد کن تا اشک از چشمت بیاید اگر چه بقدر سر سوزنی باشد که علامت اجابت است
و روز بیست و پنجم این ماه روزه داشتن کفاره گناهان دویست ساله است با عمل شب بیست و
روز روز مبعث ۲۷ روایت که شب بیست و هفتم رجب که صبحش حضرت رسول صلی الله علیه و آله
به نبوت مبعوث گردید بهتر است از هر چه آفتاب بر وی تابد و نیز مرویست که در ماه
رجب شبی هست که هر کس در آن شب خواب بر خود حرام کند و مشغول عبادت حق تعالی
شود جسدش را از آتش حرام کند و هشتاد هزار ملک با او مصافحه نمایند و برایش استغفار
کنند تا آن شب از سال دیگر مستحب است در این شب صلوة بسیار بر حضرت رسول
و هر کس از شیعیان که در این شب عملی کند اجر شصت سال عمل یابد کسی از حضرت
امام محمد تقی علیه السلام پرسید که در این شب چه عمل کنیم فرمودند که چون بعد از
نماز خفتن بخوابید پیشتر از نصف شب هر وقت که بیدار شوید دوازده رکعت نماز
کند هر دو رکعت بیک سلام و هر رکعت بعد از حمد قل هو الله و قل یا ایها الکافرون
و معوذتین و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را چهار مرتبه بخوانید و بعد از آن بگوید
الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریك فی الملك ولم یكن
له ولی من الذل وكبره تكبيرا اللهم انی اسالك بمعاقد عزك
على اركان عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم

الاعظم الاعظم وذكرك الاعلى الاعلى الاعلى بكلماتك
التامات ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل بي ما انت اهله
بعد از آن هرچه خواهید دعا بخوانید و مستحب است خواندن این دعا در این شب اللهم
اني اسئلك بالتجلي الاعظم في هذه الليلة من الشهر المكرم ان
تصلي على محمد وآله وان تغفر لنا ما انت به منا اعلم يا من
يعلم ولا يعلم اللهم بارك لنا في ليلتنا هذه التي بشرف الرسالة
فضلتها وبكرامتك اجللتها وبالمحل الشريف احللتها اللهم
فانا نسئلك بالمبعث الشريف والسيد اللطيف والعنصر العفيف
ان تصلي على محمد وآله وان تجعل اعمالنا في هذه الليلة و
سائر الليالي مقبولة وذنوبنا مغفورة وحسناتنا مشكورة
وسيئاتنا مغفورة وقلوبنا بحسن القول مسرورة وارزاقنا مستورة
من لدنك باليسر مدرورة اللهم انك ترى ولا ترى وانت با
بالمنظر الاعلى وان عليك الرجعى والمنتهى وان لك الممات
والمحيى وان لك الآخرة والاولى اللهم انا نعوذ بك ان نذل
ونخزى وان نأتي ما عنه نهيت اللهم انا نسئلك الجنة من
رحمتك ونستعيذ بك من النار فاعذنا منها بقدرتك ونسئلك
من الحور العين فارزقنا بعزتك واجعل اوسع ارزاقنا عند
كبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب اجلنا واطل فيما عندك
وما يقرب

يقرب اليك ويحظي عندك ويزلف لديك اعمارنا وحسن
في جميع احوالنا وامورنا معرفتنا ولا تكلنا الى احد من خلقك
فمن علينا وتفضل علينا بجميع حوائجنا للدنيا والآخرة وابدأ
بآبائنا وابنائنا وجميع اخواننا المؤمنين في جميع ما سألناك
لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا نسئلك باسمك العظيم وملكك
القديم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لنا الذنب العظيم
انه لا يغفر الذنب العظيم الا العظيم وهذا رجب المكرم الذي
اكرمتنا به اول اشهر الحرم واكرمتنا به من بين الامم فلك الحمد يا ذا الجود
والكرم فاسئلك به وباسمك الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي
خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي على
محمد واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا من العاملين فيه بطاعتك
والآملين فيه لشفاعتك اللهم اهدنا الى سواء السبيل واجعل
مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل وملك جزيل فانك حسبنا
ونعم الوكيل اللهم اقلبنا مفلحين منجحين غير مغضوب علينا
ولا الضالين برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك بعزائم مغفرتك
وبواجب رحمتك والسلامة من كل اثم والغنيمة من كل بر
والفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم دعاك الداعون
ودعوتك وسألك السائلون وسألتك وسألك وطلب

إليك الطالبون وطلبت إليك اللهم أنت الثقة والرجاء
وإليك منتهى الرغبة والدعاء اللهم فصل على محمد وآله
واجعل اليقين في قلبي والنور في بصري والنصيحة في
صدري وذكرك بالليل والنهار على لساني ورزقا
واسعا غير ممنون ولا محظور فارزقني وبارك لي فيما
رزقتني واجعل غناي في نفسي ورغبتي فيما عندك
برحمتك يا ارحم الراحمين بعد از آن سجده كند وبگويد الحمد لله الذي
هدانا لمعرفته وخصنا بولايته ووفقنا لطاعته
صد مرتبه بگويد شكرا شكرا بعد از آن سر بردارد وبگويد اللهم اني
قصدتك بحاجتي واعتمدت عليك بمسألتي وتوجهت
اليك بائمتي وسادتي اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم
وارزقنا مرافقتهم وادخلني الجنة في زمرتهم برحمتك
يا ارحم الراحمين مستحب است غسل كردن در نيمشب ودر اين روز روزه
داشتن در روزه اين روز برابر است با روزه شصت ماه وبروايتي هفتاد سال
ومستحب است در اين روز دوازده ركعت نماز كردن بعد از الحمد هر سوره كه خواهد بخواند
وبعد از دو ركعت بعد از سلام اين دعا خواند الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا
ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره
تكبيرا يا عدتي في مدتي يا صاحبي في شدتي يا وليي
في نعمتي

في نعمتي يا غياثي في رغبتي يا نجاحي في حاجتي يا حافظي في
غيبتي يا كالئي في وحدتي يا انسي في وحشتي انت الساتر
عورتي فلك الحمد وانت المقيل عثرتي فلك الحمد صل على محمد
وانت الناعش صرعتي فلك الحمد صل على محمد وآله واستر عورتي
وآمن روعتي وأقلني عثرتي واصفح عن جرمي وتجاوز
عن سيئاتي في اصحاب الجنة وعد الصدق الذي كانوا
يوعدون وچون از مجموع نماز و دعا فارغ شد الحمد وقل هو الله ومعوذتين
وقل يا ايها الكافرون وانا انزلناه وآية الكرسي هر يك هفت بار بخواند ديگر
از آن هفت مرتبه بگويد لا اله الا الله والله اكبر وسبحان الله
والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم هفت مرتبه
بگويد الله الله ربي لا اشرك به شيئا هر چه خواهد دعا كند ومستحب است
در اين روز خواندن اين دعا يا من امر بالعفو والتجاوز وضمن
على نفسه العفو والتجاوز يا عفو وتجاوز اعف عني
وتجاوز يا كريم اللهم وقد اكدى الطلب واعيت الحيلة
والمذهب ودرست الآمال وانقطع الرجاء الا منك
وحدك لا شريك لك اللهم اني اجد سبل المطالب
اليك مشرعة ومناهل الرجاء لديك مترعة وابواب الدعاء
لمن دعاك مفتحة والاستعانة لمن استعان بك مباحة

واعلم انك للداعيك بموضع اجابة وللصارخ اليك بمرصد
اغاثة وان في اللهف الى جودك والضمان بعدتك عوضا
من منع الباخلين ومندوحة عما في ايدي المستأثرين وانك
لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الاعمال دونك وعلمت
ان افضل زاد الراحل اليك عزم ارادة يختارك بها وقد
ناجاك بعزم الارادة قلبي فاسئلك بكل دعوة دعاك بها
راج بلغته امله او صارخ اليك اغثت صرخته او ملهوف
مكروب فرجت عن قلبه او مذنب خاطئ غفرت له
او معافى اتممت نعمتك عليه او فقير اهديت غناك اليه و
لتلك الدعوة عليك حق وعندك منزلة الا صليت
على محمد وال محمد وقضيت حوائجي حوائج الدنيا والاخرة
هذا رجب المرجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم
اكرمتنا به من بين الامم يا ذا الجود والكرم فنسألك به
وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي خلقته الاجل
فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي على محمد
واهل بيته الطاهرين وتجعلنا من العاملين فيه بطاعتك
والاملين فيه لشفاعتك اللهم واهدنا الى سواء السبيل
واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل فانك حسبنا
ونعم

ونعم الوكيل والسلام على عباده المصطفين وصلواته عليهم
اجمعين اللهم بارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته وبكرامتك
جللته وبالمنزل العظيم انزلته صل على من فيه الى عبادك
ارسلته وبالمحل الرفيع احللته اللهم صل عليه واله صلوة
دائمة تكون لك شكرا ولنا ذخرا واجعل لنا من امرنا يسرا واختم
لنا بالسعادة الى منتهى اجالنا وقد قبلت اليسير من اعمالنا
وبلغنا برحمتك افضل امالنا انك على كل شيء قدير وصلى الله
على سيدنا محمد واله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا در اعمال
ماه شعبان و بیان آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که این ماه
منسوبست بحضرت پیغمبر صلی الله علیه واله و در این ماه اعمال عباد را بالا میبرند و حسنات
هشتاد مرتبه برابر مضاعف شود و سیئات محو گردد و گناهان امرزیده شود
ارزاق مؤمنان در اینماه قسمت میشود چنانکه در ماه رمضان بهشت را زینت کنند و
حق تعالی در عرش نظر بر عابدان و روزه داران اینماه و بایشان با جمله عرش
مباهات کند و فضایل روزه این ماه بتفصیل در باب سابق گذشت و هر کس در اینماه
صدقه دهد خدای تعالی او را بزرگ و تربیت فرماید تا روز قیامت مثل کوه احد و
روایت دیگر امده که هر کس هر روز در اینماه هشتاد مرتبه استغفار کند گناهان او امرزیده شود
اگرچه بعدد ستاره کان اسمان باشد و در زمره حضرت پیغمبر صلوات الله علیه واله و
محشور شود هر کس در این ماه هشتاد مرتبه بگوید استغفر الله واسئله التوبة خدای

تعالی برات آزادی از نار و جواز بر صراط و دخول بدار قرار باو عطا فرماید و هر کس
هر روز در این ماه هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن
الرحیم الحی القیوم واتوب الیه حق تعالی او را در افق مبین ثبت گرداند
پرسیدند افق مبین کدام است حضرت فرمود صحرائیست در پیش عرش که در آن
جویهای روان است و مستحب است در هر روز خواندن این دعا در وقت ظهر و
در شب نصف شعبان این صلوات را اللهم صل علی محمد وآل محمد شجرة
النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائکة ومعدن العلم و
اهل بیت الوحی اللهم صل علی محمد وآل محمد الفلك الجاریة
فی اللجج الغامرة یامن من رکبها ویغرق من ترکها المتقدم لهم ما
رق والمتاخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل علی محمد
وآل محمد الکهف الحصین وغیاث المضطر المستکین وملجاء
الهاربین ومنجا الخائفین وعصمة المعتصمین اللهم صل علی
محمد وآل محمد صلوة کثیرة تکون لهم رضاء ولحقهم اداء و
قضاء بحول منك وقوة یا رب العالمین اللهم صل علی محمد
وآل محمد الطیبین الابرار الاخیار الذین اوجبت لهم حقوقهم
وفرضت طاعتهم وولایتهم اللهم صل علی محمد وآل محمد واعمر
قلبی بطاعتك ولا تخزنی بمعصیتك وارزقنی مواساة من قترت
علیه من رزقك بما وسعت علی من فضلك ونشرت علی من عدلك
واحییتنی

واحییتنی تحت ظلك وهذا شهر نبیك سید رسلك شعبان
الذی حففته منك بالرحمة والرضوان الذی کان رسول الله
صلی الله علیه وآله یداب فی صیامه وقیامه فی لیالیه و
ایامه بخوعا لك فی اکرامه واعظامه الی محل حمامه اللهم فاعنا
علی الاستنان بسنته فیه ونیل الشفاعة لدیه اللهم واجعله
لی شفیعا مشفعا وطریقا الیك مهیعا واجعلنی له متبعا
حتی القاك عنی راضیا وعن ذنوبی غاضیا قد اوجبت لی
منك الرحمة والرضوان وانزلتنی دار القرار ومحل الاخیار
روز سیم این ماه حضرت امام حسین صلوات الله علیه متولد شده است و مستحب است
در این روز روزه داشتن و خواندن این دعا اللهم انی اسئلك بحق المولود
فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله وولادته
بکته السماء ومن فیها والارض ومن علیها ولما یطأ لابتیها
قتیل العبرة وسید الاسرة الممدود بالنصرة یوم الکرة المعوض
من قتله ان الائمة من نسله والاوصیاء من عترته والشفاء
فی تربته والفوز معه فی اوبته بعد قائمهم وغیبته
حتی یدرکوا الاوتار ویثاروا الثار ویرضوا الجبار ویکونوا
خیر انصار صلی الله علیهم مع اختلاف اللیل والنهار
اللهم فبحقهم الیك اتوسل واسال سؤال مقترف مسیء

الی نفسه مما فرط فی یومه وامسه یسألک العصمة الی محل
رمسه اللهم فصل علی محمد وعترته واحشرنا فی زمرته
وبوئنا معهم دار الکرامة ومحل الاقامة اللهم وکما ارشدتنا
بمعرفته واهل اوصیائه وارزقنا مرافقته ومسابقته واجعلنا
ممن یسلم لامره ویکثر الصلوة علیه عند ذکره وعلی جمیع
اوصیائه الممدودین منک بالعدد الاثنی عشر النجوم
الزهر والحجج علی جمیع البشر اللهم وهب لنا فی هذا الیوم
خیر موهبته وانجح لنا فیه کل طلبة کما وهبت الحسین لمحمد جده
وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد
تربته وننتظر اوبته امین رب العالمین در اعمال ایام البیض
ولیالی بیض مرویست که هر کس ایام بیض ماه شعبان روزه کیرد خدای تعالی برایش
هزار حسنه نویسد و هزار سیئه ازو محو کرداند و هر کس شب نصف ماه شعبان و شب عید
فطر احیا دارد دلش نمیرد روزیکه از ترس خاطر مرده باشد و شب نصف ماه شعبان
بعد از شب قدر بهترین شبهاست در این شب کناهان کبیره امرزیده شود و حوایج
براورده و دعا مستجاب شود و هر کس در این شب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
کند کناهان کذشته و اینده اش امرزیده شود و نیز مرویست که هر کس شب نصف شعبان نصف
و شب فطر و شب عرفه در یکسال زیارت انحضرت کند خدای تعالی برایش هزار حج
و هزار عمره نویسد و هزار حاجتش را براورد در دنیا و اخرت و هر کس در این
شب صد بار

صد مرتبه سبحان الله و صد الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله
بکوید کناهان او از کذشته و اینده امرزیده شود و حوایج دنیا و اخرتش براورده
شود و چه سوال کند چه نکند حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود هر کس در این شب بعد
از نماز خفتن دو رکعت نماز کند در رکعت اول بعد از حمد قل یا ایها الکافرون
و در دویم قل هو الله احد بخواند بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله سی و سه مرتبه الحمد لله
سی و چهار مرتبه الله اکبر بکوید و بعد از ان این دعا بخواند یا من الیه ملجأ العباد
فی المهمات والیه یفزع الخلق فی الملمات یا عالم الجهر والخفیات
یا من لا یخفی علیه خواطر الاوهام والخطرات یا رب الخلائق
والبریات یا من بیده ملکوت الارضین والسموات انت الله
لا اله الا انت امت الیک بلا اله الا انت فیا لا اله الا انت
اجعلنی فی هذه اللیلة ممن نظرت الیه فرحمته وسمعت
دعاءه فاجبته وعلمت استقالته فاقلته وتجاوزت عن
سالف خطیئته وعظیم جریرته فقد استجرت بک من ذنوبی
ولجات الیک فی ستر عیوبی اللهم فجد علی بکرمک وفضلک
واحطط خطایای بحلمک وعفوک وتغمدنی فی هذه اللیلة
بسابغ کرامتک واجعلنی فیها من اولیائک الذین اجتبیتهم لطاعتک
واخترتهم لعبادتک وجعلتهم خالصتک وصفوتک اللهم اجعلنی
ممن سعد جده وتوفر من الخیرات حظه واجعلنی ممن سلم

فنعم فاز فنعم واكفني شر ما اسلفت واعصمني من الازدياد في معصيتك
وحبب الي طاعتك وما يقربني منك ويزلفني عندك سيدي
اليك يلجاء الهارب ومنك يلتمس الطالب وعلى كرمك يعول
المستقيل التائب وادبت عبادك بالتكرم وانت اكرم الاكرمين
وامرت بالعفو عبادك وانت العفو الرحيم اللهم فلا تحرمني ما رجوت
من كرمك ولا تويسني من سابغ نعمك ولا تخيبني من جزيل قسمك
في هذه الليلة لاهل طاعتك واجعلني في جنة من شرار بريتك
رب ان لم اكن من اهل ذلك وانت اهل الكرم والعفو والمغفرة
جد علي بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن ظني
بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك فانت ارحم الراحمين
واكرم الاكرمين اللهم واخصصني من كرمك بجزيل قسمك واعوذ
بعفوك من عقوبتك واغفر لي الذنب الذي يحبس عني الخلق ويضيق
علي الرزق حتى اقوم بصالح رضاك وانعم بجزيل عطاياك [illegible]
واسعد بسابغ نعمائك فقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك
واستعذت بعفوك من عقوبتك وبحلمك من غضبك فجد بي
ما سالتك وانل ما التمست منك اسالك بك لا شيء هو اعظم
منك بعد از آن سجده کند و بیست مرتبه بگوید یا رب و هفت مرتبه بگوید یا الله
ده مرتبه بگوید لا حول ولا قوة الا بالله بعد از آن ده مرتبه صلوة بفرستد
و هر حاجت

و هر حاجت که خواهد بخواهد که خدای تعالی بفضل و کرم خود باو عطا فرماید اگر چه بعدد قطرات
باران بخواهد و اگر در این شب ده رکعت نماز کند و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله
بخواند چون فارغ شود در سجده بگوید اللهم لك سجد سوادي وخيالي وبياضي
يا عظيم كل عظيم اغفر لي ذنبي العظيم فانه لا يغفره غيرك هفتاد
و هزار سیئه از و محو شود و در این شب حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه متولد شده
و این دعا که مرویست از آنحضرت در این شب بخواند اللهم صل على محمد سيد المرسلين
وخاتم النبيين وحجة رب العالمين المنتجب في الميثاق المصطفى في الظلال
المطهر من كل آفة البرئ من كل عيب المؤمل للنجاة المرتجى للشفاعة
المفوض اليه دين الله اللهم شرف بنيانه وعظم برهانه وافلج
حجته وارفع درجته واضئ نوره وبيض وجهه واعطه الفضل
والفضيلة والوسيلة والدرجة الرفيعة وابعثه مقاما محمودا
يغبطه به الاولون والاخرون وصل على امير المؤمنين وا
وارث المرسلين وقائد الغر المحجلين وسيد الوصيين
وحجة رب العالمين وصل على الحسن بن علي امام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على الحسين
ابن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على علي بن الحسين امام المؤمنين ووارث المرسلين و
حجة رب العالمين وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث

المرسلين وحجة رب العالمين وصل على جعفر بن محمد امام
المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على
موسى بن جعفر امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب
العالمين اللهم صل على علي بن موسى امام المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين اللهم صل على محمد بن علي امام
المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين اللهم صل على
علي بن محمد امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
اللهم صل على الحسن بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين اللهم صل على الخلف الهادي المهدي
امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين اللهم صل
على محمد واهل بيته الائمة الهادين العلماء الصادقين الابرار
المتقين دعائم دينك واركان توحيدك وتراجمة وحيك وحججك على خلقك
وخلفائك في ارضك الذين اخترتهم لنفسك واصطفيتهم
على عبادك وارتضيتهم لدينك وخصصتهم بمعرفتك وجللتهم
بكرامتك وغشيتهم برحمتك وربيتهم بنعمتك وغذيتهم بحكمتك
والبستهم نورك ورفعتهم في ملكوتك وحففتهم بملائكتك وشرفتهم
بنبيك صلواتك عليه واله اللهم صل عليه وعليهم صلوة كثيرة
دائمة طيبة لا يحيط بها الا انت ولا يسعها الا علمك ولا يحصيها
احد غيرك

احد غيرك اللهم صل على وليك المحيي سنتك القائم بامرك
الداعي اليك الدليل عليك حجتك على خلقك وخليفتك في ارضك
وشاهدك على عبادك اللهم اعز نصره ومد في عمره وزين
الارض بطول بقائه اللهم اكفه بغي الحاسدين واعذه من شر الكائدين
وازجر عنه ارادة الظالمين وخلصه من ايدي الجبارين اللهم
اعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته
وعدوه وجميع اهل الدنيا ما تقر به عينه وتسر به
نفسه وبلغه افضل ما امله في الدنيا والاخرة انك على كل شيء
قدير اللهم جدد به ما امتحى من دينك واحي به ما بدل من كتابك
واظهر به ما غير من حكمك حتى يعود دينك به وعلى يديه
غضا جديدا خالصا مخلصا لا شك ولا شبهة معه ولا باطل عنده
ولا بدعة لديه اللهم نور بنوره كل ظلمة وهد بركنه كل
بدعة واهدم بعزته كل ضلالة واقصم به كل جبار واخمد
بسيفه كل نار واهلك بعدله كل جور واجر حكمه على كل
حكم واذل بسلطانه كل سلطان اللهم اذل كل من ناواه
واهلك كل من عاداه وامكر بمن كاده واستاصل من جحد حقه
واستهان بامره وسعى في اطفاء نوره واراد اخماد ذكره اللهم
صل على محمد المصطفى وعلي المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن

الرضاء والحسين المصطفى وجميع الاوصياء ومصابيح الدجى واعلام
الهدى ومنار التقى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم
وصل على وليك وولاة عهده والائمة من ولده ومد في اعمارهم
وزد في آجالهم وبلغهم اقصى آمالهم دينا ودنيا وآخرة انك على
كل شيء قدير وايضا مستحب است ايند عا اللهم بحق ليلتنا ومولودها و
حجتك وموعودها التي قرنت الى فضلها فضلا فتمت كلمتك
صدقا وعدلا لا مبدل لكلماتك ولا معقب لآياتك نورك المتألق
وضياءك المشرق والعلم النور في طخياء الديجور الغائب
المستور جل مولوده وكرم محتده والملائكة شهده والله
ناصره ومؤيده اذا آن ميعاده والملائكة امداده سيف الله
الذي لا ينبو ونوره الذي لا يخبو وذو الحلم الذي لا يصبو مدار
الدهر ونواميس العصر وولاة الامر والمنزل عليهم ما ينزل
في ليلة القدر واصحاب الحشر والنشر تراجمة وحيه وولاة
امره ونهيه اللهم فصل على خاتمهم وقائمهم المستور عن
عوالمهم وادرك بنا ايامه وظهوره وقيامه واجعلنا من انصاره
واقرن ثارنا بثاره واكتبنا في اعوانه وخلصائه واحينا
في دولته ناعمين وبصحبته غانمين وبحقه قائمين ومن السوء
سالمين برحمتك يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين وصلى الله

على خاتم

على خاتم النبيين والمرسلين وعلى اهل بيته الصادقين و
عترته الناطقين والعن جميع الظالمين واحكم بيننا وبينهم يا احكم
الحاكمين و در روز نصف انبياء ارواح انبيا اذن خواسته بزيارت قبر
حضرت امام حسين عليه السلام ايند وهر كس در اين روز زيارت قبر آنحضرت كند
صد و بيست و چهار هزار پيغمبر با او مصافحه كنند ويكسال گناه براو ننويسند واگر سال
نيز كند گناهانش آمرزيده بود و روايت ديگر آمده كه هر كس در اين سه روز پي در
پي زيارت حضرت امام حسين عليه السلام كند گناهان او آمرزيده شود البته و در آخر
ماه شعبان و شب اول رمضان اين دعا بخوانند اللهم ان هذا الشهر المبارك
الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى
والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا وتسلمه منا
في يسر منك وعافية يا من اخذ القليل وشكر الكثير اقبل مني
اليسير اللهم اني اسئلك ان تجعل لي الى كل خير سبيلا ومن
كل ما لا تحب مانعا يا ارحم الراحمين يا من عفى عني وعما خلوت
به من السيئات يا من لم يؤاخذني بارتكاب المعاصي عفوك
عفوك عفوك يا كريم الهي وعظتني فلم اتعظ وزجرتني
عن محارمك فلم انزجر فما عذري فاعف عني يا كريم
عفوك عفوك اللهم اني اسئلك الراحة عند الموت والعفو
عند الحساب عظم الذنب من عبدك فليحسن

التجاوز من عندك يا اهل التقوى واهل المغفرة عفوك عفوك اللهم
اني عبدك وابن امتك ضعيف فقير الى رحمتك وانت منزل الغنى
والبركة على العباد قاهر مقتدر احصيت اعمالهم وقسمت
ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم والوانهم خلقا من بعد خلق
لا يعلم العباد علمك ولا يقدر العباد قدرك وكلنا فقير الى
رحمتك فلا تصرف عني بوجهك واجعلني من صالحي خلقك في
العمل والامل والقضاء والقدر اللهم ابقني خير البقاء وافنني
خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك والرغبة
اليك والرهبة منك والخشوع والوقار والتسليم لك والتصديق
بكتابك واتباع سنة رسولك اللهم ما كان في قلبي من شك
او ريبة او جحود او قنوط او فرح او بذخ او بطر او خيلاء
او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او عصيان
او عظمة او شيء لا تحب فاسئلك يا رب ان تبدلني مكانه
ايمانا بوعدك ووفاء بعهدك ورضى بقضائك وزهدا في
الدنيا ورغبة فيما عندك واثرة وطمانينة وتوبة نصوحا
اسئلك ذلك يا رب العالمين الهي انت من حلمك تعصى و
من كرمك وجودك تطاع فكانك لم تعص وانا ومن لم يعصك
سكان ارضك فكن علينا بالفضل جوادا وبالخير عوادا ۸
یا ارحم الراحمین

یا ارحم الراحمین وصل علی محمد وآله صلوة لا تحصی ولا تعد
ولا یحد بقدرها غیرک یا ارحم الراحمین فصل در اعمال ماه مبارک
رمضان و فضیلت آن بر سبیل اجمال مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم
که این ماه مخصوص حضرت اوست اولش رحمتست میانش مغفرتست آخرش اجابت دعوات
و آزادی از آتش جهنم حضرت رسول صلی الله علیه وآله در فضایل این ماه خطبه خوانده
و فرموده مجملی مضمونش اینست که این ماه افضل ماههاست یک نماز تطوع در شبهای این ماه
مثل هفتاد نماز است در سایر ماهها و اجر تطوع و تصدق و سایر اعمال خیر در این ماه
مثل اجر فریضه است در غیر آن و در این ماه اهل حاج و اعمار و ارزاق مردم نوشته شود
و ارزاق مؤمنان در این ماه زیاده گردد و هر کس در این ماه مؤمنی را افطار فرماید چنانست
که بنده آزاد کرده و گناه گذشته او آمرزیده شود و کسی گفت یا نبی همه قادر بر این نیستیم فرمود
خود را از آتش نگاه دارید اگرچه به نصف خرما باشد یا شربت آبی هر که در این ماه
خدمت و مشقت از خادم خود تخفیف دهد خدای تعالی روز قیامت حساب او را
تخفیف دهد و مؤمنان در این ماه مهمان خدااند کرامت او دیدند نفس شان
تسبیح و خواب شان عبادت و دعای شان مستجاب و عمل شان مقبول پس
در این ماه به نیتهای صادق و دلهای پاکیزه از گناه توفیق یابید بر روزه آن و تلاوت قرآن
مسئلت کنید و به جوع و عطش این جوع و عطش روز قیامت یاد آورید و بر فقرا تصدق و بر
کوچکان ترحم نمایید و بزرگان را توقیر نمایید و صله ارحام بجا آورید و زبان از بیهوده
بیحاصل ببندید و چشم از حرام بپوشید و گوش از آنکه بگیرید و بر ایتام مردم رحم نمایید تا

بر ایتام شما رحم کنند و در اوقات صلوات که افضل اوقات است از گناهان استغفار کنید و
دستها بدعا بردارید که خدای تعالی بر بندگان نظر رحمت کند و چون او را طلب کنید لبیک
گوید و چون مناجات کنند اجابت نماید و چون دعا کنند عطا فرماید نفوس شما در گرو
عمل است پس باستغفار خلاص کنید و پشت های شما از بار گناه سنگین است پس بطول رکوع
و سجود بار از دوش سبک گردانید و درهای بهشت در اینماه گشوده است سوال کنید تا بروی
شما نبندند و درهای دوزخ بسته است تضرع نمائید تا بروی شما نگشایند و شیاطین چون
محبوسند استغاثه کنید تا بر شما مسلط نشوند و شقی کسی است که در اینماه از مغفرت خدا محروم
ماند و کسی که در اینماه آمرزیده نشود دیگر کی آمرزیده شود مگر اینکه بعرفات حاضر شود و هر کس در این ماه
شر خود را از مردم باز گیرد خدای تعالی غضب خود را از و باز گیرد خدای تعالی ارحم الراحمین است
و هر کس تطوع بجا آورد از آتش بری شود و هر کس یتیمی را اکرام کند خدای تعالی روز قیامت
او را اکرام فرماید و هر کس صلوات بر من فرستد میزان اعمالش سنگین گرداند روزی که میزانها
سبک گردد و هر کس یک آیه از قرآن بخواند چنان است که در ماه دیگر ختم قرآن کند و در شب
در اینماه جمع بسیار از آتش آزاد شوند مگر کسی که افطار بمسکری کرده باشد یا صاحب بدعت
یا شطرنج باز [illegible] آخر شب مثل آنکه در تمام ماه آزاد شده آزاد کند هر کس اینماه را روزه
بگیرد قدر این شبهایش عبادت کند مواظبت بر نمازهای و محافظت جمعه و نماز عید
و بطن و فرج خود از حرام حفظ کند و زبان از مردم باز دارد و لیلة القدر را دریابد از
گناهان [illegible] چنانکه از مادر متولد شود و چون ماه بدر آید و بجایزه و صله الهی فائز
شود و در خبر وارد شده که هر کس در اینماه روزه بگیرد و فرج و زبان خود را حفظ کند و مردم را
نیازارد

نیازارد و نرنجاند خدای تعالی گناهان گذشته و آینده اش را بیامرزد و از آتش جهنم
آزاد گرداند و در بهشت نزولش فرماید و شفاعتش را برای اهل توحید بعدد ریگ بیابان عالج قبول
فرماید این مجمل از مکارم اخلاق و محاسن افعال در اینماه اما او نماز و اوراد آن بسیار است اگر چون
ماه مبارک دیده شود رو بقبله بگوید اللهم اهله علینا بالایمان والسلامة والاسلام
والعافية المجللة والرزق الواسع ودفع الاسقام اللهم ارزقنا صيامه وقيامه
وتلاوة القرآن فيه اللهم سلمه لنا وتسلمه منا وسلمنا فيه . و دعای رویت
هلال از صحیفه کامله بخواند و هر کس در اینماه یکی از شب اول یا میان یا آخر در کربلا رود و زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام کند گناهانش بریزد مثل برگ درختان و از گناه پاک شود مانند روزی که
از مادر متولد شده باشد و چنان باشد که حج و عمره گذارده بود و هر شب از اینماه این دعا بخواند
اللهم انی افتتح الثناء بحمدك وانت مسدد للصواب بمنك وايقنت
انك انت ارحم الراحمين في موضع العفو والرحمة واشد المعاقبين
في موضع النكال والنقمة واعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة
اللهم اذنت لي في دعائك ومسألتك فاسمع يا سميع مدحتي واجب
يا رحيم دعوتي واقل يا غفور عثرتي فكم يا الهي من كربة قد فرجتها
وهموم قد كشفتها وعثرة قد اقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة
بلاء قد فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن
له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله
بجميع محامده كلها على جميع نعمه كلها الحمد لله

الذي لا مضادّ له في ملكه ولا منازع له في أمره الحمد لله الذي
لا شريك له في خلقه ولا شبيه له في عظمته الحمد لله الفاشي ولا شبيه
في الخلق أمره وحمده الظاهر بالكرم مجده الباسط بالجود يده الذي
لا تنقص خزائنه ولا تزيده كثرة العطاء إلا كرماً وجوداً إنه هو
العزيز الوهاب اللهم إني أسألك قليلاً من كثير مع حاجة بي إليه
عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل
يسير اللهم إن عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك
عن ظلمي وسترك عن قبيح عملي وحلمك عن كثير جرمي عند ما
كان من خطائي وعمدي أطمعني في أن أسألك ما لا أستوجبه
منك الذي رزقتني من رحمتك وأريتني من قدرتك وعرفتني
من إجابتك فصرت أدعوك آمناً وأسألك مستأنساً لا خائفاً ولا
وجلاً مدلاً عليك فيما قصدت فيه إليك فإن أبطأ عني
عتبت بجهلي عليك ولعل الذي أبطأ عني هو خير لي لعلمك بعاقبة
الأمور فلم أر مولى كريماً أصبر على عبد لئيم منك علي يا رب إنك
تدعوني فأولي عنك وتتحبب إلي فأتبغض إليك وتتودد إلي
فلا أقبل منك كأن لي التطول عليك ثم لم يمنعك ذلك من الرحمة
بي والإحسان إلي والتفضل علي بجودك وكرمك فارحم عبدك
الجاهل وجد عليه بفضل إحسانك إنك جواد كريم الحمد لله مالك
الملك

الملك مجري الفلك مسخر الرياح فالق الإصباح ديان الدين رب
العالمين الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد
قدرته والحمد لله على طول أناته في غضبه وهو القادر
على ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق فالق الإصباح ذي
الجلال والإكرام والفضل والإحسان الذي بعد فلا يرى وقرب
فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي ليس له منازع
يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده قهر بعزته الأعزاء
وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله الذي
يجيبني حين أناديه ويستر علي كل عورة وأنا أعصيه و
يعظم النعمة علي فلا أجازيه فكم من موهبة هنيئة قد أعطاني
وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد أراني فأثني
عليه حامداً وأذكره مسبحاً الحمد لله الذي لا يهتك حجابه
ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يقنط نائله ولا يخيب آمله
الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصادقين ويرفع المستضعفين
ويضع المستكبرين ويرفع المتكبرين ويهلك ملوكاً ويستخلف
آخرين والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين مدرك
الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات
الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي من خشيته ترعد

ويرحم المستضعفين

السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها وتموج البحار و
من يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا
لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق
ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الاحياء ويحيي الموتى
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم
صل على محمد عبدك ورسولك وامينك وصفيك وحبيبك و
خيرتك من خلقك وحافظ سرك ومبلغ رسالاتك افضل واحسن
واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب واطهر واسنى واكثر ما صليت
وباركت وترحمت وتحننت وسلمت على احد من عبادك وانبيائك
ورسلك وصفوتك واهل الكرامة عليك من خلقك اللهم صل على
علي امير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين عبدك ووليك
واخي رسولك وحجتك على خلقك وآيتك الكبرى والنبأ العظيم
وصل على الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين
وصل على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن والحسين سيدي
شباب اهل الجنة وصل على ائمة المسلمين علي بن الحسين ومحمد بن
علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي
وعلي بن محمد والحسن بن علي والخلف الهادي المهدي حججك على
عبادك وامنائك في بلادك صلاة كثيرة دائمة اللهم وصل على
ولي امرك

ولي امرك القائم المؤمل والعدل المنتظر وحفه بملائكتك وحففه
المقربين وايده بروح القدس يا رب العالمين اللهم اجعله
الداعي الى كتابك والقائم بدينك استخلفه في الارض كما ا
ستخلفت الذين من قبله مكن له دينه الذي ارتضيته له ابدله من
بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه واعزز
به وانصره وانتصر به وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا
يسيرا واجعل له من لدنك سلطانا نصيرا اللهم اظهر به دينك
وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة احد من
الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام
واهله وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة
الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا
والاخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه
اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر
به قلتنا واعزز به ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن
مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا و
بيض به وجوهنا وفك به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به
مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا به سؤلنا وبلغنا به
من الدنيا والاخرة امالنا واعطنا به فوق رغبتنا يا خير المسؤولين

واوسع المعطين اشف به صدورنا واذهب به غيظ قلوبنا
واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك انك لتهدي من
تشاء الى صراط مستقيم وانصرنا به على عدوك وعدونا
اله الحق امين اللهم انا نشكوا اليك فقد نبينا صلواتك
عليه واله وغيبة امامنا ولينا وكثرة عدونا وقلة عددنا
وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا فصل علينا فصل
على محمد وال محمد واعنا على ذلك بفتح منك تعجله وبضر
تكشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة منك
تجللناها وعافية منك تلبسنا برحمتك يا ارحم الراحمين بسم
از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام منقول است كه در هر شب ماه رمضان اين دعا بخوانند
ثواب بسيار واجر بيشمار دارد اللهم انى اسئلك ان تجعل فيما تقضى
وتقدر من الامر المحتوم في الامر الحكيم من القضاء الذى لا يرد
ولا يبدل ان تكتبنى من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور
سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عن سيئاتهم وان تجعل فيما تقضى
وتقدر ان تطيل عمرى في خير وعافية وتوسع في رزقي
وتجعلنى ممن تنتصر به لدينك ولا تستبدل بى غيرى
ودعاى عاليه المضامين نيز در هر شب وارد شده است كه در اين ماه خوانده شود دعا اين است
اللهم اسئلك برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين

فارفعنا

فارفعنا وبكأس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن
الحور العين برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين كانهم
لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا
ومن ثياب السندس والاستبرق فالبسنا وليلة القدر و
حج بيتك الحرام فارزقنا وقتلا في سبيلك فوفق لنا وصالح الدعاء
والمسئلة فاستجب لنا واذا جمعت الاولين والاخرين يوم
القيمة فارحمنا وبراءة من النار واما نا من العذاب فاكتب
لنا وفي جهنم فلا تغلنا وفي عذابك وهوانك فلا تبتلنا
ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا ومع الشياطين فلا تجمعنا ولا تجعلنا
وفي النار على وجوهنا فلا تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل
القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت بحق
لا اله الا انت فنجنا هر سحر اين ماه اين دعا را بخوانند يا عدتى في
كربتى ويا صاحبى في شدتى ويا وليى في نعمتى ويا غايتى
في رغبتى انت الساتر عورتى والمومن روعتى والمقيل
عثرتى فاغفر لى خطيئتى اللهم انى اسئلك خشوع الايمان
قبل خشوع الذل في النار يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد و
لم يولد ولم يكن له كفوا احد يا من يعطى من سئله تحننا منه
ورحمة ويبتدى بالخير من لم يسئله تفضلا منه وكرما

بكرمك الدائم صل على محمد وآل محمد وهب لي رحمة واسعة جامعة
أبلغ بها خير الدنيا والآخرة اللهم إني استغفرك لما تبت
إليك منه ثم عدت فيه واستغفرك لكل خير أردت به
وجهك فخالطني فيه ما ليس لك اللهم صل على محمد وآل محمد واعف
عن ظلمي وجرمي بحلمك وجودك يا كريم يا لا يخيب سائله
ولا ينفد نائله يا من علا فلا شيء فوقه ودنا فلا شيء دونه
صل على محمد وآل محمد وارحمني يا فالق البحر لموسى الليلة الليلة
الليلة الساعة الساعة الساعة اللهم طهر قلبي من النفاق
وعملي من الرياء ولساني من الكذب وعيني من الخيانة فإنك تعلم
خائنة الأعين وما تخفي الصدور يا رب هذا مقام العائذ
بك من النار هذا مقام المستجير بك من النار هذا مقام المستغيث
بك من النار هذا مقام الهارب إليك من النار هذا مقام
من يبوء بخطيئته ويعترف بذنبه ويتوب إلى ربه هذا
مقام البائس الفقير هذا مقام الخائف المستجير هذا مقام
المحزون المكروب هذا مقام المغموم المهموم هذا مقام الغريب
الغريق هذا مقام المستوحش الفرق هذا مقام من
لا يجد لذنبه غافراً غيرك ولا لضعفه مقوياً إلا أنت
ولا لهمه مفرجاً سواك يا الله يا كريم لا تحرق وجهي بالنار

بعد سجودي

بعد سجودي لك وتعفيري بغير منّ مني عليك بل لك الحمد والمن
والتفضل علي ارحم أي رب [illegible] ضعفي وقلة حيلتي و
رقة جلدي وتبدد أوصالي وتناثر لحمي وجسمي وجسدي
ووحدتي ووحشتي في قبري وجزعي من صغير البلاء
أسألك يا رب قرة العين والاغتباط يوم الحسرة والندامة بيض
وجهي يوم تسود فيه الوجوه آمني من الفزع الأكبر أسألك
البشرى يوم تقلب فيه القلوب والأبصار والبشرى عند
فراق الدنيا الحمد لله الذي أرجوه عوناً في حياتي وأعده
ذخراً ليوم فاقتي الحمد لله الذي أدعوه ولا أدعو غيره
ولو دعوت غيره لخيب دعائي الحمد لله الذي أرجوه
ولا أرجو غيره ولو رجوت غيره لأخلف رجائي الحمد لله
المنعم المحسن المجمل المفضل ذي الجلال والإكرام ولي كل نعمة و
صاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة اللهم
صل على محمد وآل محمد وارزقني اليقين وحسن الظن بك
وأثبت رجائك في قلبي واقطع رجائي عمن سواك حتى
لا أرجو غيرك ولا أثق إلا بك يا لطيفاً لما تشاء الطف
بي في جميع أحوالي بما تحب وترضى يا رب إني ضعيف على النار
فلا تعذبني بالنار يا رب ارحم دعائي وتضرعي وخوفي

وذلي ومسكنتي وتعويذني وتلويذني يا رب اني ضعيف
عن طلب الدنيا وانت واسع كريم اسالك يا رب بقوتك على
ذالك وقدرتك عليه وغناك عنه وحاجتي اليه ان ترزقني
في عامي هذا وشهري هذا ويومي هذا وساعتي هذه رزقا
واسعا يغنيني عن تكلف ما في ايدي الناس من رزقك الحلال
الطيب اي رب منك اطلب واليك ارغب واياك ارجو وانت
اهل ذالك لا ارجو غيرك ولا اثق الا بك يا ارحم الراحمين يا رب
اني ظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني وعافني يا سامع
كل صوت ويا جامع كل فوت ويا باري النفوس بعد الموت
يا من لا تغشاه الظلمات ولا تشتبه عليه الاصوات ولا
يشغله شيء عن شيء اعط محمدا افضل ما سالك وافضل
ما سئلت له وافضل ما انت مسئول له الى يوم القيمة
وهب لي العافية حتى تهنئني المعيشة واختم لي بخير حتى
لا تضرني الذنوب اللهم رضني بما قسمت لي حتى لا اسئل
احدا شيئا اللهم صل على محمد وال محمد وافتح لي خزائن
رحمتك ارحمني رحمة لا تعذبني بعدها ابدا في الدنيا
والاخرة وارزقني من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا
لا تفقرني الى احد بعده سواك غنى وتعففا يا محسن يا
مجمل

مجمل يا منعم يا مفضل يا مليك يا مقتدر صل على محمد وال محمد واكفني
المهم كله واقض لي بالحسنى وبارك لي في جميع اموري واقض
لي جميع حوائجي اللهم يسر لي ما اخاف تعسيره فان تيسير ما اخاف
تعسيره عليك سهل يسير وسهل لي ما اخاف حزونته ونفس
عني ما اخاف ضيقه وكف عني ما اخاف غمه واصرف
عني ما اخاف بليته يا ارحم الراحمين اللهم املاء قلبي حبا
لك وخشية منك وتصديقا بكتابك وايمانا بك وفرقا منك
وشوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام اللهم ان لك علي حقوقا
فتصدق بها علي وللناس قبلي تبعات فتحملها عني وقد
اوجبت لكل ضيف قرى وانا ضيفك فاجعل قراي الليلة
الجنة يا وهاب الجنة يا وهاب المغفرة ولا حول ولا قوة
الا بالله روز اول این ماه این دعا بخواند از جمیع شرور و فتنه و آفتهای دنیا در
حفظ و امان خدای تعالی باشد اللهم اني اسالك باسمك الذي
دان له كل شيء وبرحمتك التي وسعت كل شيء وبعزتك
التي خضع لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت كل
شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء يا نور يا قدوس يا
اول قبل كل شيء يا باقي بعد كل شيء يا الله يا رحمن
صل على محمد وال محمد واغفر لي الذنوب التي تغير النعم

واغفر لي الذنوب التي تنزل النقم واغفر لي الذنوب التي
تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي تديل الاعداء واغفر لي الذنوب
التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي يستحق بها نزول
البلاء واغفر لي الذنوب التي تحبس غيث السماء واغفر لي
الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي تعجل
الفناء واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي
الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي ترفع القسم
والبسني درعك الحصينة التي لا ترام وعافني من شر ما
احاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب
السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن
ورب العرش العظيم ورب السبع المثاني والقرآن العظيم
ورب اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب محمد صلى الله
عليه وآله سيد المرسلين وخاتم النبيين اسئلك بك
وبما سميت به نفسك يا عظيم وتدفع كل محذور وتعطي
كل جزيل وتضاعف الحسنات بالقليل والكثير وتفعل ما
تشاء يا قدير يا الله يا رحمن يا رحيم صل على محمد واهل بيته
والبسني في مستقبل سنتي هذه سترك ونضر وجهي بنورك
واحببني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم
عطيتك

عطيتك من خير ما انت معطيه احدا من خلقك والبسني مع
ذالك عافيتك يا موضع كل شكوى وشاهد كل نجوى وعالم
كل خفية ودافع ما تشاء من بلية يا كريم العفو يا حسن التجاوز
توفني على ملة ابراهيم وفطرته وعلى دين محمد وسنته
وعلى خير الوفات فتوفني موالياً لاوليائك معادياً لاعدائك
اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل يباعدني
منك واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني منك في هذه
السنة يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل او قول او فعل
يكون مني اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك اياي عليه
حذاراً ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به نقصاً من
حظ لي عندك يا رؤف يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل ايامي
هذه في حفظك وفي جوارك وفي كنفك وجللني ستر
عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك ولا
اله غيرك اللهم اجعلني تابعاً لصالح من مضى من اوليائك فا
لحقني بهم واجعلني مسلماً لمن قال بالصدق عليك
منهم واعوذ بك اللهم ان تحيط بي خطيئتي وظلمي على نفسي
واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذالك بيني و
بين رحمتك ورضوانك فاكون منسياً عندك متعرضاً

لسخطك ولنقمتك اللهم وفقني لكل عمل صالح ترضى به عني وقربني
اليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك محمدا صلواتك عليه واله هول
عدوه وفرجت همه وكشفت غمه وصدقته وعدك وانجزت
له عهدك اللهم فبذلك فاكفني هول هذه السنة وآفاتها
واسقامها وفتنتها وشرورها واحزانها وضيق المعاش فيها
وبلغني برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى
اجلي اسالك سؤال من اساء وظلم واعترف واسئلك ان تغفر لي
ما مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك واحصتها كرام
ملائكتك علي وان تعصمني الهي من الذنوب فيما بقي من عمري
الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن صل على محمد واهل بيت محمد وآتني
كل ما سالتك ورغبت اليك فيه فانك امرتني بالدعاء
وتكفلت بالاجابة يا ارحم الراحمين وايضا دعاى دخول ماه مبارك
از صحيفه كامله بخواند ومستحب است كه اين صلوات در هر روز ماه مبارك رمضان ودر
هر روز جمعه ودر تمام سال بخوانند ان الله وملائكته يصلون على
النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما لبيك
يا رب وسعديك وسبحانك اللهم صل على محمد وآل محمد
وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت على ابراهيم
وآل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم ارحم محمدا وآل محمد كما رحمت
ابرهيم

ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم صل على محمد وآل محمد
كما سلمت على نوح في العالمين اللهم امنن على محمد وآل محمد كما مننت على موسى
وهرون اللهم صل على محمد وآل محمد كما هديتنا به اللهم صل على
محمد وآل محمد كما شرفتنا به اللهم صل على وآل محمد وابعثه
مقاما محمودا يغبطه به الاولون والاخرون على محمد واله السلام
كلما طلعت شمس او غربت على محمد واله السلام كلما
طرفت عين او برقت على محمد واله السلام كلما طرفت
عين او ظرفت على محمد واله السلام كلما ذكر السلام على
محمد واله السلام كلما سبح الله ملك او قدسه السلام
على محمد واله في الاخرين السلام على محمد واله في الدنيا
والاخرة السلام على محمد واله ورحمة الله وبركاته اللهم
رب البلد الحرام ورب الركن والمقام ورب الحل والحرام ابلغ
نبيك محمدا واله عنا السلام اللهم اعط محمدا من البهاء والسرور
والنضرة والكرامة والغبطة والوسيلة والمنزلة والمقام والشرف
والرفعة والشفاعة عندك يوم القيمة افضل ما تعطي احدا
من خلقك واعط محمدا فوق ما تعطي الخلائق من الخير اضعافا كثيرة
لا يحصيها غيرك اللهم صل على محمد وآل محمد اطيب واطهر وازكى
وانمى وافضل ما صليت على احد من الاولين والاخرين على

[illegible]

احد من خلقك يا ارحم الراحمين اللهم صل على علي امير المؤمنين ووال
من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه
اللهم صل على فاطمة بنت نبيك محمد عليه وآلها السلام والعن من آذى
نبيك فيها اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين ووال من
والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب على من شرك في
دمهما اللهم صل على علي بن الحسين امام المسلمين ووال من والاه
وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على محمد
ابن علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
على من ظلمه اللهم صل على جعفر بن محمد امام المسلمين ووال من
والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل
على موسى بن جعفر امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه
وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على علي بن موسى امام
المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
على من ظلمه اللهم صل على محمد بن علي امام المسلمين ووال من
والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل
على علي بن محمد امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه
وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على الحسن بن
علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب

من شرك في دمه
شرك في دمه

علی من

على من ظلمه اللهم صل على الخلف من بعده امام المسلمين و
وال من والاه وعاد من عاداه وعجل فرجه اللهم صل على القاسم
والطاهر ابني نبيك والعن من آذى نبيك فيهما اللهم صل
على رقية بنت نبيك والعن من آذى نبيك فيها اللهم
صل على ام كلثوم بنت نبيك والعن من آذى نبيك فيها اللهم
صل على ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك في اهل بيته
اللهم مكن لهم في الارض اللهم اجعلنا من عددهم ومددهم و
انصارهم على الحق في السر والعلانية اللهم اطلب بذحلهم
ووترهم ودمائهم وكف عنا وعنهم وعن كل مؤمن ومؤمنة
باس كل باغ وكل دابة انت آخذ بناصيتها انك انت اشد باسا اشد
واشد تنكيلا و پس هر روز این دعا بخوانند اللهم هذا شهر رمضان
الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى
والفرقان وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا شهر
الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا
شهر العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فيه ليلة القدر
التي هي خير من الف شهر اللهم صل على محمد وآل محمد واعني
على صيامه وقيامه وسلمه لي وسلمني فيه واعني عليه
بافضل عونك ووفقني لطاعتك وطاعة رسولك واوليائك

صلوات الله عليهم وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة
كتابك وعظم لي فيه البركة واحسن لي فيه العاقبة واحرز لي
فيه التوبة واصح لي فيه بدني واوسع فيه رزقي واكفني
فيه ما اهمني واستجب لي فيه دعائي وبلغني فيه رجائي
اللهم صل على محمد وال محمد واذهب عني فيه النعاس والكسل
والسامة والفترة والقسوة والغفلة والغرة وجنبني فيه
العلل والاسقام والهموم والاحزان والاعراض والامراض والخطايا
والذنوب واصرف عني فيه السوء والفحشاء والجهد والبلاء
والتعب والعناء انك سميع الدعاء اللهم صل على محمد وال
محمد واعذني فيه من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه
ووسوسته وتثبيطه وكيده ومكره وحبائله وخدعه
وامانيه وغروره وفتنته وشركه واحزابه واتباعه واشياعه
واوليائه وشركائه وجميع مكائده اللهم صل على محمد وال محمد
وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الامل فيه وفي قيامه واستكمال
ما يرضيك عني صبرا واحتسابا وايمانا ويقينا ثم تقبل ذلك
مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم يا رب العالمين اللهم
صل على محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة والجد والاجتهاد
والقوة والنشاط والانابة والتوبة والتوفيق والقربة

والجهى

والخير المقبول والرهبة والرغبة والتضرع والخضوع والرقة والخشوع لرسل
والنية الصادقة وصدق اللسان والوجل منك والرجاء لك
والتوكل عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول
ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحول بيني
وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم
ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك والرعاية
لحقك والوفاء لاوليائك والوفاء بعهدك ووعدك برحمتك يا
ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد واقسم لي فيه افضل
ما تعطي اوليائك المقربين من الرحمة والمغفرة الدائمة والتحنن
والاجابة والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافات والعتق
من النار والفوز بالجنة وخير الدنيا والاخرة اللهم صل على محمد
وال محمد واجعل دعائي فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك
الي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه
مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الاكبر وحظي فيه الاوفر
اللهم صل على محمد وال محمد ووفقني فيه لليلة القدر
على افضل حال تحب ان يكون عليها احد من اوليائك
وارضاها لك ثم اجعلها لي خيرا من الف شهر وارزقني
فيها افضل ما رزقت احدا ممن بلغته اياها واكرمته بها

ما اقسمه بين عبادك الصالحين واعطني فيه ما اعطيت اوليائك

واجعلني فيهما من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار وسعداء خلقك
بمغفرتك و رضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد
وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما
تحب وترضى اللهم اللهم رب الفجر وليال عشر والشفع والوتر ورب
شهر رمضان وما انزلت فيه من القران و رب جبرئيل وميكائيل
واسرافيل وجميع ملائكته المقربين و رب ابراهيم واسمعيل واسحق
ويعقوب و رب موسى وهرون وعيسى وجميع النبيين و
المرسلين و رب محمد خاتم النبيين صلواتك عليه وعليهم
اجمعين واسئلك بحقهم عليك وبحقك العظيم عليهم كما صليت عليه
واله اجمعين ونظرت الي نظرة رحيمة ترضى بها عني رضى لا سخط [illegible]
على بعده ابدا واعطيتني جميع سؤلي و رغبتي وامنيتي و
ارادتي وصرفت عني ما اكره واحذره واخاف على نفسي
وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني واخواتي وذريتي
اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فاونا تائبين وتب علينا مستغفرين
واغفر لنا متعوذين واعذنا مستجيرين واجرنا مستسلمين و
لا تخذلنا راهبين وامنا راغبين وشفعنا سائلين واعطنا
انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك
واحق من يسال العبد ربه ولم يسال العباد مثلك كرما وجودا

يا موضع

يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث — و رغبة الراغبين
المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجا الهاربين
ويا صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين ويا كاشف
كرب المكروبين ويا فارج هم المهمومين ويا كاشف الكرب
العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين اللهم صل على
محمد وال محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي واساءتي وظلمي
وجرمي واسرافي على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك
فانه لا يملكها غيرك واعف عني واغفر لي كلما سلف من
ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي وعلى والدي — على
وولدي وقرابتي واهل حزانتي ومن كان بسبيل مني
من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والاخرة فان ذلك
كله بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي
ولا ترد دعائي ولا تغل يدي الى نحري حتى تفعل ذلك
بي وتستجيب لي جميع ما سالتك وتزيدني من فضلك
فانك على كل شيء قدير ونحن اليك راغبون اللهم
لك الاسماء الحسنى والكبرياء والالاء اسئلك باسمك
بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل
الملائكة والروح فيها ان تصلي على محمد وال محمد

وان تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في
عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي
وايمانا لا يشوبه شك ورضى بما قسمت لي وآتني في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة وقني برحمتك عذاب النار وان لم تكن
قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها فاخرني
الى ذلك وارزقني فيها ذكرك وشكرك وطاعتك و
حسن عبادتك وصل على محمد وآل محمد بافضل صلواتك يا ار
حم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار
عترته واقتل اعدائهم بددا ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا
ولا تغفر لهم ابدا يا احسن الصحبة يا خليفة النبيين انت
ارحم الراحمين البدئ البديع الذي ليس كمثله شيء والدائم
غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل يوم في شأن انت خليفة
محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسألك ان تنصر وصي
محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك
عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا
اله الا انت صل على محمد واجعلني معهم في الدنيا
والآخرة واجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم
الراحمين وكذلك سميت نفسك يا سيدي باللطف بلى

انك لطيف

انك لطيف فصل على محمد وآل محمد والطف لي انك لطيف
لما تشاء اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني الحج والعمرة
في عامنا هذا وتطول علي بجميع حوائجي للدنيا والآخرة
بعد از آن سه مرتبه بگوید استغفر الله ربي واتوب اليه
ان ربي قريب مجيب استغفر الله ربي واتوب اليه
ان ربي غفور ودود استغفر الله ربي واتوب اليه
ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب اليه
انه كان غفارا اللهم اغفر لي انك ارحم الراحمين رب
اني عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي ذنوبي انه لا
يغفر الذنوب الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو
الحي القيوم الحليم العظيم الغفار للذنب العظيم واتوب اليه الكريم
استغفر الله ان الله كان غفورا رحيما بعد از آن
بگوید اللهم اني اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر العظيم المحتوم
في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان
تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور
سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم وان تجعل
فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري وتوسع رزقي وتؤدي

عنّی اَمانَتی وَدینی مِنْ رَبِّ العالَمینَ اَللّهُمَّ اجْعَلْ لی
مِنْ اَمْری فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنی مِنْ حَیْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ
حَیْثُ لا اَحْتَسِبُ وَاحْرُسْنی مِنْ حَیْثُ اَحْتَرِسُ وَمِنْ حَیْثُ
لا اَحْتَرِسُ وَمِنْ حَیْثُ لا اَحْتَرِسُ وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ کَثیراً و ایضا هر روز در این ماه اینده عا را بخوانند
خدای تعالی گناهان چهل ساله او را بیامرزد اَللّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ
الَّذی اَنْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ عَلی عِبادِکَ فیهِ
الصِّیامَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنی حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرامِ
فی هذَا الْعامِ وَفی کُلِّ عامٍ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الْعِظامَ فَاِنَّهُ
لا یَغْفِرُها غَیْرُکَ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ هر کس در این ماه بعد از نمازهای
فریضه این دعا بخواند گناهانش تا روز قیامت همه آمرزیده شود اَللّهُمَّ اَدْخِلْ عَلی
اَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ اَللّهُمَّ اَغْنِ کُلَّ فَقیرٍ اَللّهُمَّ اَشْبِعْ کُلَّ جائِعٍ
اَللّهُمَّ اکْسُ کُلَّ عُرْیانٍ اَللّهُمَّ اقْضِ دَیْنَ کُلِّ مَدینٍ اَللّهُمَّ فَرِّجْ
عَنْ کُلِّ مَکْرُوبٍ اَللّهُمَّ رُدَّ کُلَّ غَریبٍ اِلی وَطَنِهِ اَللّهُمَّ
فُکَّ کُلَّ اَسیرٍ اَللّهُمَّ اَصْلِحْ کُلَّ فاسِدٍ مِنْ اُمُورِ الْمُسْلِمینَ اَللّهُمَّ
اَللّهُمَّ اشْفِ کُلَّ مَریضٍ اَللّهُمَّ سُدَّ فَقْرَنا بِغِناکَ اَللّهُمَّ غَیِّرْ سُوءَ
حالِنا بِحُسْنِ حالِکَ اَللّهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّیْنَ وَاَغْنِنا مِنَ الْفَقْرِ
اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ و مستحب است غسل کردن در شب بیست و نهم

و نوزدهم

و نوزدهم و بیست یکم و بیست سیم و در شب بیست سیم دو غسل وارد یکی اول شب
و یکی آخر شب لیالی قدر که عمل خیر در شب برابر است با عمل هزار ماه
که شب قدر در آن نباشد و روز قدر نیز مثل شب قدر است و احکام
و حوادث همه ساله از خیر و شر طاعت و معصیت همه در شب قدر تقدیر میشود
و اخبار آن همه بر امام زمان علیه السلام نازل میشود و در شب قدر از اول
شب تا طلوع صبح ملائکه و روح بر امام علیه السلام نازل میشوند و احکام و
اخبار تمام سال از جانب الهی بر امام زمان عرض مینمایند و هر چه در این
شب تقدیر میشود محتوم باشد و خلاف آن واقع نمیشود و آنچه از احادیث
مفهوم میشود اینست که مجموع احکام و تقدیرات شب قدر در سه شب
تمام میشود شب نوزدهم و بیست یکم و بیست سیم ابتدای آن در شب نوزدهم
میشود و تمام آن در شب بیست سیم و مستحب است احیا داشتن شب بیست
یکم و بیست سیم که تعیین احکام در این دو شب میشود و مستحب است که در
شب بیست سیم نشسته و ایستاده و در سجود و در همه احوال بلکه در همه مدت
عمر همیشه این دعا بخوانند اَللّهُمَّ یا ذَا الْمَجْدِ الشّامِخِ وَالسُّلْطانِ
الْباذِخِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَکُنْ لِوَلِیِّکَ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحَسَنِ فی هذِهِ السّاعَةِ وَفی کُلِّ ساعَةٍ وَلِیّاً وَحافِظاً
وَقائِداً وَناصِراً وَدَلیلاً وَعَیْناً حَتّی تُسْکِنَهُ اَرْضَکَ
طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

و فرمود هر کس در شب بیست و سیم این ماه سورهٔ روم و عنکبوت را بخواند والله که از اهل
بهشت است ان شاء الله میگویم و نمی ترسم که در این گناه داشته باشم و نیز فرموده
که هر کس در این شب هزار مرتبه انا انزلناه بخواند اعتقاد و یقینش بولایت ما
شدیدتر گردد و اگر بخوابد بعد از آن چیزی در خواب ببیند که سبب این شود و نیز
مرویست که هر کس در ثلث آخر شبهای خصوصاً در شب نوزدهم قرآن را بگشاید
و بگوید اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِكِتابِكَ الْمُنْزَلِ وَما فيهِ وَفيهِ اِسْمُكَ
الْاَعْظَمُ الْاَكْبَرُ وَاَسْماۤؤُكَ الْحُسْنى وَما يُخافُ وَ
يُرْجى اَنْ تَجْعَلَنى مِنْ عُتَقاۤئِكَ مِنَ النّارِ وَتَقْضِىَ حَوائِجى لِلدُّنْيا
وَالْآخِرَةِ پس حاجت خود را طلب نماید که ان شاء الله برآورده است این دعا
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که
مصحف را بگیرد و بر سر بگذارد و بگوید اللّٰهُمَّ بِحَقِّ هذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ
اَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلا
اَحَدَ اَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ ده مرتبه بگوید بِكَ يا اَللّٰهُ ده مرتبه
بِمُحَمَّدٍ ده مرتبه بِعَلِيٍّ ده مرتبه بِفاطِمَةَ ده مرتبه بِالْحَسَنِ ده
مرتبه بِالْحُسَيْنِ ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ده مرتبه بِمُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ ده مرتبه بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ده مرتبه بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ده مرتبه
بِعَلِيِّ بْنِ مُوسى ده مرتبه بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
ده مرتبه بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ده مرتبه بِالْحُجَّةِ پس هر حاجت که دارد از خدا
بطلبد که البته

بطلبد که البته برآورده میشود و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در هر یک از این
شبها مستحب است و در هر یک از این سه شب خصوص شب بیست و سیم صد رکعت
نماز سنت است و در هر دو رکعت بیک سلام بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد و در بعضی
از روایات معتبره وارد شده است که هشت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه
اکتفا میتوان نمود و احادیث بسیار در فضیلت این صد رکعت وارد شده است
و این صد رکعت غیر نماز نافله است اگر ضعف داشته باشد نشسته میتوان کرد
بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت
خود است و پدر و مادر خود و برادران مؤمن از مرده و زنده و صلوات بر محمد و آل
محمد آنچه مقدور شود و در روایت دیگر وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در این
سه شب بخواند و اعمال مخصوص شب نوزدهم است که صد مرتبه بگوید اللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ
اَميرِ الْمُؤْمِنينَ از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که دو رکعت
نماز بکند بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند بعد از سلام هفتاد مرتبه بگوید
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ و ادعیه لیالی عشر آخر ماه مبارک رمضان
بعد از فرایض و نوافل باید گفت اللّٰهُمَّ اَدِّ عَنّا حَقَّ ما مَضى مِنْ شَهْرِ
رَمَضانَ وَاغْفِرْ لَنا تَقْصيرَنا فيهِ وَتَسَلَّمْهُ مِنّا مَقْبُولاً وَلا تُؤاخِذْنا
بِاِسْرافِنا عَلى اَنْفُسِنا وَاجْعَلْنا مِنَ الْمَرْحُومينَ و فرمود هر کس در این ماه
عشر آخر این دعا را بخواند هر گناهی که کرده باشد آمرزیده شود و در بقیه ماه از گناه محفوظ گردد
و ایضاً در این ده شب این ادعیه بخواند شب اول يا مُولِجَ اللَّيْلِ فِي

فى النهار ومولج النهار فى الليل ومخرج الحى من الميت ومخرج
الميت من الحى ورازق من يشاء بغير حساب يا الله يا الله
يا الله يا رحمن يا رحيم يا الله يا الله يا الله لك الاسماء
الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلى
على محمد وآل محمد وان تجعل اسمى فى هذه الليلة فى السعداء
وروحى مع الشهداء واحسانى فى عليين واسائتى مغفورة
وان تهب لى يقينا تباشر به قلبى وايمانا يذهب الشك عنى
وترضينى بما قسمت لى وآتنا فى الدنيا حسنة وفى الآخرة حسنة
وقنا عذاب النار الحريق وارزقنى فيها ذكرك وشكرك
والرغبة اليك والانابة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد
صلواتك عليه وعليهم شب دوم يا سالخ النهار من الليل فاذا
نحن مظلمون ومجرى الشمس لمستقرها بتقديرك يا عزيز يا عليم
ومقدر القمر منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور
كل نور ومنتهى كل حاجة وولى كل نعمة يا الله يا رحمن
يا الله يا قدوس يا الله يا احد يا واحد يا فرد يا الله
يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى تا آخر دعا بخواند شب سيم
يا رب ليلة القدر وجاعلها خيرا من الف شهر رب
الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض
والسما

والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن
يا الله يا قيوم يا الله يا بديع يا الله يا الله يا الله لك الاسماء
الحسنى والكبرياء والآلاء اسالك ان تصلى على محمد وآل محمد
وان تجعل اسمى فى هذه الليلة فى السعداء وروحى مع الشهداء
واحسانى فى عليين واسائتى مغفورة وان تهب لى يقينا تباشر
به قلبى وايمانا يذهب الشك عنى وترضينى بما قسمت لى وآتنا
تا آخر بخواند شب چهارم يا فالق الاصباح وجاعل الليل سكنا و
الشمس والقمر حسبانا يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول والقوة
والحول والفضل والانعام يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رحمن
يا الله يا فرد يا الله يا وتر يا الله يا ظاهر يا الله يا باطن
يا حى لا اله الا انت لك الاسماء الحسنى والامثال العليا
والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلى على محمد وآل محمد وان
تجعل اسمى فى هذه الليلة فى السعداء وروحى مع الشهداء
تا آخر بخواند شب پنجم يا جاعل الليل لباسا والنهار معاشا والارض
مهادا والجبال اوتادا يا الله يا قاهر يا الله يا جبار يا الله
يا سميع يا الله يا قريب يا الله يا مجيب [illegible] الله يا الله
لك الاسماء الحسنى والامثال العليا تا آخر بخواند شب ششم
يا جاعل الليل والنهار آيتين يا من محى آية الليل وجعل آية

الليل وجعل آية النهار مبصرة لتبتغوا فضلا منه ورضوانا يا مفصل
كل شيء تفصيلا يا ماجد يا وهاب يا الله يا جواد يا الله يا
الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء
والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه
الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين
واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا
يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق و
ارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة
والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا صلى الله عليه وعليهم اجمعين
شب هفتم يا ماد الظل ولو شئت لجعلته ساكنا وجعلت
الشمس عليه دليلا ثم قبضته اليك قبضا يسيرا يا
ذا الجود والطول والكبرياء والآلاء لا اله الا انت عالم
الغيب والشهادة الرحمن الرحيم لا اله الا انت يا قدوس
يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا الله
يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله يا الله
شب هشتم يا خازن الليل في الهواء وخازن النور في السماء
ومانع السماء ان تقع على الارض الا باذنه وحابسهما
ان تزولا

ان تزولا يا عليم يا غفور يا دائم يا الله يا وارث يا باعث
من في القبور يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى
والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء
وروحي مع الشهداء تا آخر بخواند شب نهم يا مكور الليل على
النهار ومكور النهار على الليل يا عليم يا حكيم يا الله يا رب
الارباب وسيد السادات يا لا اله الا انت يا اقرب الي من
حبل الوريد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى
تا آخر شب دهم الحمد لله الذي لا شريك له الحمد لله الذي
كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله وكما هو اهله يا قدوس
يا نور القدس يا سبوح يا منتهى التسبيح يا رحمن يا فاعل الرحمة
يا الله يا عليم يا كبير يا لطيف يا جليل يا الله يا سميع يا
بصير يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال
العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء
واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا
تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني
بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة

وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك
والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له
محمدا صلى الله عليه وعليهم اجمعين وايضا مرويست كه هركس در اين
ماه ده ركعت نماز كند و در هر ركعت بعد از حمد بيست مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون
از نماز فارغ شود هفتاد مرتبه بگويد سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم هفتاد مرتبه
بگويد استغفر الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم واتوب اليه
چشمهاى حكمت از دلش بر زبان جارى شود و زبانش بحكمت گويا شود و از آفات
دنيا و آخرت ايمن شود و چون از دنيا بيرون رود بسلامت داخل بهشت شود هنوز سر از سجده
آخر نماز بر نداشته باشد كه گناهانش آمرزيده شود و ثواب صد هزار حج و صد هزار
عمره باو عطا فرمايند و اگر در آن سال بميرد شهيد مرده باشد و در وداع ماه مبارك
رمضان صحيفه كامله بخواند **فصل** در اعمال شب عيد فطر و بيان آن مرويست از اهل
بيت طاهرين صلوات الله عليهم كه شب عيد فطر در فضل و شرف كمتر از شب قدر
نيست هركس در اين شب زيارت حضرت امام حسين صلوات الله وسلامه كند گناهان
گذشته و آينده اش آمرزيده شود و فضل احيا داشتن از حد تقرير و تحرير بيرون است
و غسل كردن در اول شب سنت است و بعد از نماز شام و نافله سجده كند و در سجده
بگويد يا ذا الجلال والاكرام يا ذا الطول يا مصطفى محمدا وناصره صل
على محمد وآله واغفر لي كل ذنب اذنبته ونسيته انا وهو عندك
في كتاب

في كتاب مبين بعد از آن صد مرتبه بگويد اتوب الى الله پس هر حاجت
كه دارد بخواهد كه ان شاء الله تعالى مستجاب شود و هم در اين ده مرتبه بگويد يا دائم
الفضل على البرية الى آخر چنانكه در اعمال شب جمعه گذشت و بعد از چهار ركعت
نماز گفتن اين تكبيرات مستحب است مغرب و عشا و صبح و نماز عيد بعضى از علما واجب دانسته اند
الله اكبر لا اله الا الله والله اكبر لا اله الا الله والله اكبر الله
اكبر ولله الحمد لله على ما هدانا وله الشكر على ما اولانا
هركس در اين شب ده ركعت نماز گذارد و در هر ركعت بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد
بخواند و در ركوع و سجود بگويد سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اكبر بعد از فراغ از نماز هزار مرتبه بگويد استغفر الله و بعد از آن سجده
كند و بگويد يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام يا رحمن الدنيا والآخرة
ورحيمهما يا اكرم الاكرمين يا ارحم الراحمين يا اله الاولين
والآخرين اغفر لي ذنوبي وتقبل صومي وصلوتي وقيامي هنوز سر از
سجده بر نداشته باشد كه گناهانش آمرزيده شود و اعمال ماه مبارك رمضان از وى
و از جميع اهل بلد او و از جميع اهل توحيد از مشرق تا مغرب مقبول شود و دعاى او مستجاب شود
گناهانش آمرزيده شود و اعمال مقبول و حق تعالى از گناهانش تجاوز فرمايد اگرچه گناه
كرده باشد هر يك از ذنوب جميع عباد به باشد و نيز مرويست كه هركس در اين شب
شش ركعت نماز گذارده باشد در هر ركعت بعد از حمد پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند شفيع
اهل بيت خود گردد و اگرچه همه مستوجب دوزخ باشند در روز عيد زيارت

حضرت امام حسین صلوات الله علیه مثل صد حج و صد عمره و چهار صد جهاد با عمر
مرسل یا امام معصوم کرده و سنت است در این روز غسل کردن و وقت غسل از طلوع فجر
تا وقت نماز عید و نماز عید اگر بجماعت منعقد نباشد سنت است میتوان گذارد و
واداب و کیفیت انجماع آنست که چون تهیه نماز کند متوجه مصلا شود بگوید اللهم
من تهیا وتعبا تا آخر چنانکه در اداب جمعه گذشت و چون شروع در نماز نماید بعد از
حمد سبح اسم بخواند و بعد از آن تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر این قنوت بخواند اللهم انت
اهل الکبریاء والعظمة واهل الجود والجبروت واهل العفو
والرحمة واهل التقوی والمغفرة اسئلك بحق هذا الیوم الذی
جعلته للمسلمین عیدا ولمحمد صلواتك علیه واله ذخرا
وشرفا ومزیدا ان تصلی علی محمد وال محمد وان تدخلنی فی
کل خیر ادخلت فیه محمدا وال محمد وان تخرجنی من کل سوء
اخرجت محمدا وال محمد صلواتك علیه وعلیهم اللهم انی اسئلك منه
خیر ما سئلك به عبادك الصالحون واعوذ بك مما
استعاذ منه عبادك المخلصون بعد از آن تکبیر هفتم بگوید و رکوع
وسجود کند و در رکعت دویم بعد از الحمد والشمس بخواند بعد از آن چهار تکبیر بگوید و بعد از
آن همان قنوت را بخواند و بعد از آن تکبیر پنجم بگوید و رکوع و سجود کند و تشهد
وسلام بگوید و بعد از نماز مستحب است خواندن این دعا اللهم انی اتوجه
الیك بمحمد امامی وعلی من خلفی وائمتی عن یمینی وشمالی استتر

بهم

بهم من عذابك واتقرب بهم الیك زلفی لا اجد احدا اقرب الیك
منهم فهم ائمتی فآمن بهم خوفی من عذابك وسخطك وادخلنی
برحمتك الجنة فی عبادك الصالحین اصبحت بالله مؤمنا موقنا
مخلصا علی دین محمد وسنته وعلی دین الاوصیاء وسنتهم
امنت بسرهم وعلانیتهم وارغب الی الله تعالی فیما رغبوا
فیه واعوذ بالله من شر ما استعاذوا منه ولا حول و
لا قوة ولا منعة الا بالله العلی العظیم توکلت علی الله حسبی
الله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه اللهم انی اریدك فاردنی
واطلب ما عندك فیسره لی اللهم انك قلت فی محکم کتابك
المنزل وقولك الحق ووعدك الصدق شهر رمضان
بما انزل فیه القران هدی للناس فعظمت شهر رمضان
بما انزلت فیه من القران العظیم وخصصته بان جعلت فیه
لیلة القدر اللهم وقد انقضت ایامه ولیالیه وقد
صرت منه الی ما انت اعلم منی فاسئلك یا الهی بما سئلك
به ملائکتك المقربون وانبیاؤك المرسلون وعبادك
الصالحون ان تصلی علی محمد وال محمد وان تقبل منی
کل ما تقربت به الیك فیه وتتفضل علی بتضعیف عملی و
قبول تقربی وقرباتی واستجابة دعائی وهب لی من لدنك

رحمة واعتق رقبتي من النار وامنّي يوم الخوف من كل فزع
ومن كل هول اعددته ليوم القيمة اعوذ بحرمة وجهك
الكريم وبحرمة نبيك وبحرمة الصلحاء او تنصرم هذا اليوم
ولك قبلي تبعة تريد ان تواخذني بها او خطيئة تريد ان تقتصها
مني لم تغفرها لي اسئلك بحرمة وجهك الكريم يا لا اله الا انت
بلا اله الا انت ان ترضى عني وان كنت قد رضيت عني فزد
فمن الان فارض عني
فيما بقي من عمري رضا وان لم ترض عني يا سيدي ومولاي
الساعة الساعة الساعة واجعلني في هذه الساعة وفي هذا
اليوم وفي هذا المجلس من عتقائك من النار عتقا لا رق بعده اللهم
اني اسئلك بحرمة وجهك الكريم ان تجعل يومي هذا اخير يوم
عبدك فيه منذ اسكنتني الارض اعظمه اجرا واعمه نعمة و
عافية واوسعه رزقا وابتله عتقا من النار واوجبه مغفرة
واكمله رضوانا واقربه الى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله
اخر شهر رمضان صمته لك فارزقني العود فيه حتى ترضى
عني وترضى كل ما له قبلي تبعة ولا تخرجني من الدنيا
الا وانت عني راض اللهم اجعلني من حجاج بيتك الحرام
في هذا العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور سعيهم
المغفور ذنبهم المستجاب دعاؤهم المحفوظين في انفسهم
واديانهم

واديانهم وذراريهم واموالهم وجميع ما انعمت به عليهم اللهم ما
اقلبني من مجلسي هذا وفي يومي هذا وفي ساعتي هذه
مفلحا منجحا مستجابا دعائي مرحوما صوتي مغفورا ذنبي اللهم
واجعل فيما شئت واردت وقضيت وحتمت وانفذت
ان تطيل عمري وان تقوي ضعفي وان تجبر فاقتي وان
تعز ذلي وتونس وحشتي وان تكثر قلتي وان تدر رزقي
في عافية ويسر واخفض عيشي وتكفيني كل ما اهمني من امر
اخرتي ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني
وعافني في بدني واهلي وولدي واهلي وولدي واهل مودتي
وجيراني واخواني وذريتي وان تمن علي بالامن ابدا
ما ابقيتني اللهم اني توجهت اليك بمحمد وال محمد صلواتك
عليهم وقد متهم اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي و
تضرعي ومسئلتي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا و
الاخرة ومن المقربين فانك مننت علي بمعرفتهم فاختم لي
بالسعادة انك على كل شيء قدير فانك وليي و
مولاي وسيدي وربي والهي وثقتي ورجائي و
معدن مسئلتي وموضع شكوي ومنتهى رغبتي
ولا يخيبن عليك دعائي يا سيدي ومولاي ولا يبطلن

لديك طمعي ورجائي فقد توجهت اليك بمحمد وال محمد صلواتك عليهم وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي وتضرعي ومسئلتي واجعلني بهم وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين فانك مننت علي بمعرفتهم فاختم لي بالسعادة انك على كل شيء قدير اللهم لا تبطل علي طمعي ورجائي يا الهي ومسئلتي واختم لي بالسعادة والاسلام والامن والايمان والمغفرة والرضوان والشهادة و الحفظ يا منان ولا يبرم كل حاجة يا الله يا الله يا الله انت لي كل حاجة فتول عاقبتها ولا تسلط علينا احدا من خلقك بشيء لا طاقة لنا به من امر الدنيا وفرغنا لامر الاخرة يا ذا الجلال والاكرام صل على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد وسلم على محمد وال محمد وتحنن على محمد وال محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت وتحننت وسلمت ومننت على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد وايضا اگر خواهد دعای صحیفه کامله را بخواند یا من يرحم من لا يرحمه العباد فصل در اعمال ماه ذی القعده الحرام مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که زمین در زیر کعبه معظم جمع بود خدای تعالی در روز بیست و پنجم این ماه زمین را کشید پهن کرد تا خلق تعیش کنند روزه این روز کفاره هفتاد سال و مثل روزه شصت ماهست و روایت دیگر آمده که قیام این شب و صیام این روز مثل صد ساله عبادتست که همه روزهایش روزه دار و شبهایش نماز گزارد داده باشد

اجر و طاعت و عبادت در این شب مثل اجر عابدیست که یکسال المه معصیت نکرده باشد و هیچ کس در این شب دعا نکند مگر که مستجاب شود و هزار هزار رحمت بر عابدین و زاهدین و ذاکرین این شبانه روز نازل شود و در این مستحب است دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از الحمد پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون سلام داد حول قوة مکرر بخواند پس بگوید یا مقيل العثرات اقلني عثرتي يا مجيب الدعوات اجب دعوتي يا سامع الاصوات اسمع صوتي وارحمني وتجاوز عن سيئاتي يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين و ایضا مستحب است خواندن این دعا اللهم يا داحي الكعبة وفالق الحبة وصارف اللزبة وكاشف الكربة اسالك في هذا اليوم وهو من ايامك التي اعظمت حقها واقدمت سبقها وجعلتها عند المؤمنين وديعة واليك ذريعة وبرحمتك الواسعة ان تصلي على محمد عبدك المنتجب في الميثاق القريب يوم التلاق وفاتق كل رتق والداعي الى كل حق وعلى اهل بيته الاطهار الهداة المنار دعاة الجبار وولاة الجنة والنار واعطنا في يومنا هذا من عطائك المخزون غير مقطوع ولا ممنوع تجمع لنا به التوبة وحسن الاوبة يا خير مدعو واكرم مرجو يا كفي يا وفي يا من لطفه خفي الطف لي واسعدني بعفوك وايدني بنصرك ولا تنسني كريم ذكرك بولاة امرك وحفظة سرك واحفظني من شوائب الدهر الى يوم الحشر

والنشر واشهدنی اولیائك عند خروج نفسی وحلول
رمسی وانقطاع اجلی اللهم واذكرنی علی طول البلی اذا
حللت بین اطباق الثری ونسینی الناسون من الوری و خلفنی
دار المقامة وبوئنی منزل الكرامة واجعلنی من مرافقی اولیائك
واهل اجتبائك واصفیائك وبارك لی فی لقائك وارزقنی
حسن العمل قبل حلول الاجل بریئا من الزلل وسوء الخطل اللهم واوردنی
حوض نبیك محمد واهل بیته صلواتك علیه وعلیهم واسقنی منه مشربا رویا
سائغا هنیئا لا اظما بعده ولا احلأ ورده ولا عنه اذاد واجعل
لی خیر زاد واوفی میعاد یوم یقوم الاشهاد اللهم والعن جبابرة الاولین
والاخرین الجاحدین بحقوق اولیائك المستاثرین اللهم واقصم
دعائمهم واهلك اشیاعهم وعاملهم وعجل مهالكهم واسلبهم ممالكهم
وضیق مسالكهم والعن مساهمهم ومشاركهم اللهم وعجل فرج اولیائك
واردد علیهم مظالمهم واظهر بالحق قائمهم واجعله لدینك منتصرا
وبامرك فی اعدائك موتمرا اللهم احففه بملائكتك النصر وبما
القیت الیه من الامر فی لیلة القدر منتقما لك حتی ترضی ویعود
دینك به وعلی یدیه جدیدا غضا ویمحض الحق محضا ویرفض
الباطل رفضا اللهم صل علیه وعلی جمیع ابائه واجعلنا
من صحبه واسرته وابعثنا فی كرته حتی نكون فی زمانه من
اعوانه

وانقضاء اجلی

اعوانه اللهم ادركنا بقیامه واشهدنا ایامه وصل علیه و
علیهم السلام واردد الینا سلامه والسلام علیه ورحمة الله
وبركاته فصل در اعمال ماه ذی الحجة الحرام مرویست از حضرت ائمه طاهرین
صلوات الله علیهم كه روز اول این ماه حضرت ابراهیم ع متولد شده و درین روز تزویج حضرت
فاطمه علیها السلام بحضرت امیر شد درین روز نماز حضرت فاطمه و آن نماز را درین مقام حسین ع
كرده اند كه چهار ركعت است در هر ركعت بعد از حمد پنجاه مرتبه قل هو الله احد و بعد از نماز
تسبیح آنحضرت بگوید و این دعا بخواند سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان
ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی الفاخر القدیم سبحان من لبس
البهجة والجمال سبحان من تردی بالنور والوقار سبحان من یری
اثر النملة فی الصفا سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان
من هو هكذا ولا هكذا غیره و روزه این روز كفاره گناهان شصت سال روزه
هشتاد ماه است و روز هشتم یوم الترویه گویند كفاره یكسال است و نهم كه عرفه است كفاره
نود سال است و روزه تمام این ده روز بسیار است یا صوم دهر و هر روز از اول این ماه
تا شب عید بعد از نماز صبح و پیش از شام این دعا بخواند اللهم هذه الایام التی
فضلتها علی الایام وشرفتها قد بلغتنیها بمنك ورحمتك
فانزل علینا من بركاتك واوسع علینا فیها من نعمائك اللهم
انی اسئلك ان تصلی علی محمد وال محمد وان تهدینا فیها لسبیل
الهدی والعفاف والغنی والعمل فیها بما تحب وترضی اللهم یا

شاهد كل ملأ ويا عالم كل خفية ان تصلي على محمد وآل محمد وان تكشف
عنا فيها البلاء وتستجيب لنا فيها الدعاء وتقوينا فيها وتعيننا
وتوفقنا فيها لما تحب وترضى وعلى ما افترضت علينا
من طاعتك وطاعة رسولك واهل ولايتك اللهم اني اسالك يا
ارحم الراحمين ان تصلي على محمد وآل محمد وان تهب لنا فيها الرضا
انك سميع الدعاء ولا تحرمنا خير ما ينزل فيها من السماء وطهرنا من
الذنوب يا علام الغيوب واوجب لنا فيها دار الخلود اللهم صل
على محمد وآل محمد ولا تترك لنا ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته
ولا دينا الا قضيته ولا غائبا الا اديته ولا حاجة من حوائج
الدنيا والآخرة الا سهلتها ويسرتها انك على كل شيء قدير
يا عالم الخفيات يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا مجيب الدعوات
يا رب الارضين والسموات يا من لا يتشابه عليه الاصوات
صل على محمد وآل محمد واجعلنا فيها من عتقائك وطلقائك من النار
والفائزين بجنتك الناجين برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله
على سيدنا محمد وآله هر كس در اين ده روز هر روز ده مرتبه اين تهليل
بگويد لا اله الا الله عدد الليالي والدهور لا اله الا الله عدد
امواج البحور لا اله الا الله ورحمته خير مما يجمعون لا
اله الا الله عدد الشوك والشجر لا اله الا الله عدد الشعر والوبر

لا اله

لا اله الا الله عدد القطر والمطر لا اله الا الله عدد الصخر والمدر
لا اله الا الله عدد لمح العيون والبصر لا اله الا الله في الليل اذا
عسعس والصبح اذا تنفس لا اله الا الله عدد الرياح في البراري
والصخور لا اله الا الله من اليوم الى يوم ينفخ في الصور خداى تعالى
در بهشت بعدد هر تهليل درجه از در و ياقوت عطا فرمايد كه ما بين هر درجه بدينه در هر مدينه
قصرى از هر يک ... مفصلى در آن نباشد و در هر مدينه منازل خانها و غرفها و تختها و
حور العين و مسندها و فروش و بساط و زينتها و زيورها و طعامها و خوردنيها و انهار و اشجار
كه واصفان از وصف آن عاجز باشند و چون از قبر بيرون آيد هر مويش از نور درخشان
باشد و هفتاد هزار ملک مشايعتش نموده و رفاقتش كنند و چون بدر بهشت رسند او پيش
و ملايكه در عقب داخل شوند و ميروند تا بشهرى رسند كه پيرامونش از ياقوت سرخ و درختانش
از زبرجد سبز باشد و در آن شهر اصناف خلايق در بهشت باشند باو گويند كه اى ولى
خدا اين شهر از آن تست و ما فرشتگان همسايه‌ايم كه وقتى كه تو آن تهليل ميگفتى با ما
تو بوديم مژده باد ترا كه با فضل اين ثواب خداى تعالى براى تو در دار السلام
مهيا در جوار خود كرده و هر كس در روز عرفه زيارت قبر حضرت امام حسين صلوات الله عليه
نمايد از همه شهور آن سال اين باشد و فضايل ديگر در جاى ديگر گذشت و هر كس
روز عرفه زيارت آن حضرت كند خداى تعالى براى او هزار هزار حج كه با حضرت قائم
كرده باشد هزار هزار عمره كه با حضرت رسول صلى الله عليه وآله كرده باشد بنويسد
و عتق هزار هزار رقبه و هزار هزار اسب كه در راه خدا بجهاد فرستد ثبت كنند و در ميان

ملایکه او را صدیق و درین کرد و بی بروایت دیگر مثل هزار هزار عبادت که با پیغمبر نبی
از مرسل یا معصومی کرده باشد و خدای تعالی پیش از آنکه متوجه اهل عرفات شود اول متوجه
زوار آنحضرت شود و حوایج ایشان را برآورده گرداند و گناهان ایشان را بیامرزد و سؤال
ایشان اجابت فرماید بعد از آن متوجه اهل عرفات شود و ایشان را احسان و اکرام
فرماید و هر کس در شب عید اضحی زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند گناهان گذشته
و آینده اش همه آمرزیده شود و نیز مرویست که زیارت آنحضرت در غیر عید مثل بیست حج و
و بیست عمره و بیست جهاد است با پیغمبر مرسل یا امام معصوم کرده باشد و در روز عید مثل صد
حج و صد عمره و صد غزو کرده باشد و در روز عرفه مثل هزار حج و هزار عمره و هزار غزوه
راوی گوید عرض کردم پس اگر کسی حج کند چون باشد حضرت امام آشفته و غضبناک نگاه کرد
و فرمود هر مؤمن که در فرات غسل کند و زیارت آنحضرت کند بهر گامی یک حج و یک عمره با تمام مناسک
برایش بنویسند و در روز عرفه دعای صحیفه کامله بخواند و شب عید بگوید اللهم من تهیأ و تعبأ
تا آخر بخواند چنانکه در روز جمعه گذشت و مستحبست احیا داشتن این شب که درهای آسمان درین
شب گشاده باشد و نماز عید و تعقیب آن مثل نماز عید فطرست و اگر کسی در منی باشد بعد از
پانزده و در غیر منی بعد از ده نماز که اولش نماز ظهر روز عیدست این تکبیر بگوید و بعضی از شیخ
رحمهم الله واجب دانسته اند الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر
ولله الحمد الله اکبر علی ما هدانا والله اکبر علی ما رزقنا
من بهیمة الانعام والحمد لله علی ما ابلانا عید غدیر نیز مثل شرف
این عید زیاده از آنست که توان بیان شود اما ذکر شمه از آن این مجموعه را
بزین گردانیم

مزین گردانیم مرویست از حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا که روز قیامت چهار روز
را مانند عروس زینت کرده پیش حق تعالی برند عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه
و عید غدیر در میان آنها مانند ماهست در میان ستارها و این روزیست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در منزل غدیر خم تعیین امامت و خلافت
نمود و حق تعالی باین فضیلت نعمت خود بر بندگان تمام و دین خود را برای ایشان کامل گردانید
درین روز خدای تعالی جبرئیل را امر نمود تا کرسی کرامت در برابر بیت المعمور نصب کرده
در آن برآید و ملایکه آسمانها در برابرش و اطرافش جمع گشته حمد و ثنا گویند و صلوات بر حضرت
پیغمبر صلوات الله وسلامه علیه وآله و اهلبیتش فرستند و برای شیعیان و دوستان ایشان
استغفار کنند و کرام الکاتبین را فرماید تا سه روز قلم از ایشان برگیرند و خطیه ایشان
ننویسند و گناهان ایشان را بیامرزد و کرمتبا بغرج بدل نماید و دعا را اجابت فرماید
و اعمال کند و هر کس این روز را عید کند و بر عیال و دوستان خود توسعه کند نعمت را خدای
تعالی و مالش را زیاد کند و از آتش دوزخ آزاد سازد او را و هر کس در این روز بروی
مؤمن تبسم کند خدای تعالی در روز قیامت بر او برحمت نظر کند و هزار حاجتش را برآورد
و قصری از در در بهشت از برایش عطا کند و هر کس در این روز زینت کند خدای تعالی هر خطیه
صغیره و کبیره او را بیامرزد و جماعتی از ملائکه را بفرستد که از آن روز تا سال دیگر آن روز
برای او حسنات بنویسند و درجات بلند گردانند و اگر بمیرد شهید میرد و اگر بماند سعید باشد
و اگر مؤمنی را طعام دهد چنان است که جمیع انبیا و صدیقان را طعام داده باشد و اگر زیارت
مؤمنی کند خدای تعالی قبرش را وسیع گرداند و هشتاد نور در قبرش بفرستد و هر روز هشتاد

هزار ملک ابر فرستد که او را دل داری کنند و مژده بهشت دهند و روایتی دیگر آمده که در این
روز یکدیگر را زیارت کنید بسلام و مصافحه ملاقات نمایند و یکدیگر تهنیت و مبارک باد گویند
باین طریق الحمد لله الذی اکرمنا بهذا الیوم وجعلنا من الموفین بعهده
الینا ومیثاقه الذی واثقنا به من ولایة ولاة امره والقوام بقسطه
ولم یجعلنا من الجاحدین والمکذبین بیوم الدین و با یکدیگر ملاطفت و تملق
نمایند و با یکدیگر احسان و انعام نمایند بر و صله بجا آورید و مؤمنان بلباسهای نیکو و بویهای
خوش و طعامهای لذیذ نوازید و مسرور سازید برای عیال و لقدر استطاعت تهیه اسباب
عید و سرور کنید و با ضعفا و فقرا القدر وسع احسان کنید و اعانت نمایند و یکدیگر را
مشعوف نمایند و یکدرهم احسان در این روز مثل صد هزار درهم است و روزهٔ این روز برابر است
با روزهٔ تمام عمر دنیا و اگر کسی از ابتدای دنیا تا انقضای آن عمر کند و همیشه روزه گیرد و شب
تا عبادت کند برابر روزهٔ این روز نشود و بروایت دیگر که روزهٔ این روز در هر سال
برابر است با صد حج و صد عمره و هر کس در این روز اعانت مؤمنی کند یا قرض مؤمنی دهد
ثواب روزهٔ این روز و عبادات این شب یابد و کسی که امروز روزه دار را
افطار فرماید چنان است که ده فئام مردم را افطار فرموده باشد که فئام صد هزار کس است که با این عدد
انبیا و صدیقان و شهدا را در برابر و قحطی طعام و آب داده باشد پس چون کسی باشد
که جماعتی از مؤمنان متکفل احوال شود و با ایشان احسان نماید و یکی از جملهٔ اجر ایشان است که
از کفر و فقر ایمن گردد و مستحب است در این روز غسل کردن و ذکر و دعا و استغفار و صلوات
بسیار فرستادن و ادای اعمال ابر و ظالمین ایشان تبرا نمودن و بر ایشان لعن کردن و حضرت
امام رضا

امام رضا علیه السلم فرمود در این روز هر جا که باشی بزیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه خود را برسان که خدای تعالی از هر مؤمن و مؤمنه و مسلم و مسلمه گناه شصت ساله را می آمرزد و با ضعف
آنکه در ماه مبارک رمضان و لیلة القدر و لیلة الفطر از آتش آزاد کرده در این روز هر وقت
که خواهد افضل است که نیم ساعت پیشتر از ظهر باشد دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت
بعد از حمد قل هو الله و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و انا انزلناه هر یکرا ده مرتبه بخواند برابر است
با صد هزار حج و صد هزار عمره و هیچ حاجت از حوائج دنیا و آخرت سوال نکند مگر آنکه بر
آورده شود و هرچه باشد نماز مستحب است بجماعت گذاردن و بعد از نماز مشتمل بر ذکر فضایل
این روز خواندن چنانکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلم مرویست که چنین کرد بعد از این نماز
مستحب است در این روز خواندن این دعا ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی
للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا
وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا
یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد اللهم انی اشهدک وکفی بک
شهیدا واشهد ملائکتک وانبیائک وحملة عرشک وسکان
سمواتک وارضک بانک انت الله لا اله الا انت المعبود فلا نعبد
سواک فتعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا واشهد ان محمدا
عبدک ورسولک واشهد ان امیر المؤمنین عبدک ومولانا
ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا المنادی رسولک وصلواتک
علیه وآله اذ نادی بنداء عنک بالذی امرته ان یبلغ ما انزلت

اليه من ولاية ولي امرك وحذرته وانذرته ان لم يبلغ
ما امرته ان تسخط عليه وانه اذا بلغ رسالتك عصمته من الناس
فنادى مبلغا عنك الا من كنت مولاه فعلي مولاه ومن كنت
وليه فعلي وليه ومن كنت نبيه فعلي اميره ربنا قد اجبنا
داعيك النذير محمدا عبدك ورسولك الى الهادي المهدي عبدك
الذي انعمت عليه وجعلته مثلا لبني اسرائيل علي امير المومنين
ومولاهم ووليهم ربنا واتبعنا مولانا وولينا وهادينا و
داعينا وداعي الانام وصراطك المستقيم وحجتك البيضاء وسبيلك
الداعي اليك على بصيرة هو ومن اتبعه وسبحان الله عما
يشركون واشهد انه الامام الهادي المرشد امير المومنين الذي
ذكرته في كتابك فانك قلت وقولك الحق وانه في ام الكتاب
لدينا لعلي حكيم اللهم فانا نشهد بانه عبدك والهادي من
بعد نبيك النذير المنذر وصراطك المستقيم وامير المومنين
وقائد الغر المحجلين وحجتك البالغة ولسانك المعبر عنك في
خلقك وانه القائم بالقسط في بريتك وديان دينك وخازن
علمك وامينك المأخوذ ميثاقه وميثاق رسولك من جميع خلقك
وبريتك شاهدا بالاخلاص والوحدانية بانك انت الله
لا اله الا انت وان محمدا عبدك ورسولك وان عليا امير
المومنين

المومنين جعلت الاقرار بولايته تمام توحيدك وكمال دينك
وتمام نعمتك على جميع خلقك وبريتك فقلت وقولك الحق
اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم
الاسلام دينا فلك الحمد بموالاته واتمام نعمتك علينا بالذي
جددت من عهدك وميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا
من اهل الاخلاص والتصديق بميثاقك ومن اهل الوفاء
بذلك ولم تجعلنا من اتباع المغيرين والمبدلين والمحرفين
والمبتكين اذان الانعام والمغيرين خلق الله ومن الذين
استحوذ عليهم الشيطان فانساهم ذكر الله وصدهم عن
السبيل والصراط المستقيم اللهم العن الجاحدين والناكثين
والمغيرين والمكذبين بيوم الدين من الاولين والاخرين
اللهم فلك الحمد على انعامك علينا بالهدى الذي هديتنا
به الى ولاة امرك من بعد نبيك الائمة الهداة الراشدين
واعلام الهدى ومنار القلوب والتقوى والعروة الوثقى
وكمال دينك وتمام نعمتك ومن بهم وبموالاتهم رضيت
لنا الاسلام دينا فلك الحمد امنا وصدقنا بمنك علينا
بالرسول النذير المنذر ووالينا وليهم وعادينا عدوهم
وبرئنا من الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فكما كان

ذلك من شأنك يا صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من هو
كل يوم في شأن اذ اتممت نعمتك علينا بموالاة اوليائك المسؤول
عنهم عبادك فانك قلت ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم وقلت و
قولك الحق وقفوهم انهم مسؤولون ومننت علينا بشهادة الا
خلاص وبموالاة اوليائك الهداة بعد النذير المنذر السراج المنير واكملت
لنا بهم الدين واتممت علينا النعمة وجددت علينا عهدك وذكرتنا
ميثاقك الماخوذ منا في ابتداء خلقك ايانا وجعلتنا من اهل
الاجابة ولم تنسنا ذكرك فانك قلت فاذ اخذ ربك من بني
ادم من ظهورهم ذريتهم واشهدهم على انفسهم الست بربكم
قالوا بلى شهدنا بمنك ولطفك انت الله لا اله الا انت ومحمد
عبدك ورسولك نبينا وعلي امير المؤمنين عبدك النبأ العظيم الذي هم
فيه مختلفون وعنه مسؤولون اللهم وكما كان من شأنك ان
انعمت علينا بالهداية الى معرفتهم فليكن من شأنك ان تصلي
على محمد وال محمد وان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا
به وذكرتنا فيه عهدك وميثاقك واكملت ديننا واتممت
علينا نعمتك وجعلتنا بمنك من اهل الاجابة والبراءة من اعدائك
واعداء اوليائك المكذبين بيوم الدين فاسئلك يا رب
تمام ما انعمت وان تجعلنا من الموقنين ولا تلحقنا بالمكذبين
واجعل

انعمت به علينا جعلته لنا ذكرى لنبيك وآله ... والنبأ العظيم الذي

واجعل لنا قدم صدق مع المتقين اماما يوم ندعوا كل اناس
بامامهم واحشرنا في زمرة اهل بيت نبيك الائمة الصادقين
واجعلنا من البراء من الذين دعاة الى النار ويوم القيمة هم
من المقبوحين واحينا على ذلك احيينا واجعل لنا مع الرسول
سبيلا واجعل لنا قدم صدق في الهجرة اليهم واجعل محيانا خير
المحيا ومماتنا خير الممات ومنقلبنا خير المنقلب على موالاة
اوليائك ومعاداة اعدائك حتى تتوفانا وانت عنا راض
قد اوجبت لنا جنتك برحمتك والمثوى من جوارك في دار
المقامة من فضلك لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها نصب
ولا يمسنا فيها لغوب ربنا اغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا
وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا
تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد اللهم احشرنا
مع الائمة الهداة من ال رسولك نؤمن بسرهم وعلانيتهم
وشاهدهم وغائبهم اللهم اني اسئلك بالحق الذي جعلته
عندهم وبالذي فضلتهم به على العالمين جميعا ان تبارك
لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا فيه بالموافاة لعهدك الذي
عهدته الينا والميثاق الذي واثقتنا به من موالاة او
ليائك والبراءة من اعدائك ان تتم علينا نعمتك ولا

تجعله مستودعا واجعله مستقرا ولا تسلبناه ابدا ولا تجعله
مستعارا وارزقنا مرافقة وليك الهادي المهدي الى الهدى
وتحت لوائه وفي زمرته شهداء صادقين على بصيرة
من دينك انك على كل شيء قدير بعد از ان سجده كند وصد مرتبه
بگويد شكرا لله ودر بيست چهارم اين ماه در ركوع خاتم خود را تصدق
نموده اند وآيه كه نص است در امامت وخلافت آن حضرت واولاد طاهرينش نازل گشت
وگذاردن نماز روز غدير در اين روز همان فضل وثواب دارد وبيست پنجم ايام حضرت رسول صلى الله عليه وآله
با مشركان مباهله فرموده وآيه مباهله نص است در فضل اهل بيت نازل گشت ودر روايت ديگر آمده
كه روز مباهله بيست چهارم است وشيخ رحمهم الله اين روايت را ظاهر تر دانسته اند بالجمله غسل
مباهله بسيار مستحب است كه در اين روز هر قدر خواهد نماز گذارد ودر روايت ديگر
دوازده ركعت نماز گذارد وبعد از هر دو ركعت هفتاد مرتبه استغفار كند وچون از نماز فارغ
شود بايستاده نظر كند بموضع سجود وبا غسل ابتدا دعا بخواند الحمد لله رب العالمين الحمد لله
فاطر السموات والارض الحمد لله الذي له ما في السموات وما
في الارض الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات
والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون الحمد لله الذي عرفني
ما كنت به جاهلا ولولا تعريفه اياي لكنت هالكا اذ قال وقوله الحق
قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى فبين لي القرابة
فقال سبحانه انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت

ويطهركم

ويطهركم تطهيرا فبين لي اهل البيت القرابة ثم قال تبيانا عن الصادقين
فاوضح عنهم وابان عن صفتهم بقوله جل ثناؤه قل تعالوا ندع
ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل
فنجعل لعنة الله على الكاذبين لك الشكر يا رب ولك المن حيث
هديتني وارشدتني حتى لم يخف على الاهل والبيت
والقرابة فعرفتني نساءهم واولادهم ورجالهم اللهم اني اتقرب
اليك بذلك المقام الذي لا يكون اعظم منه فضلا للمؤمنين
ولا اكثر رحمة لهم بتعريفك اياهم شانه وابانتك فضل اهله
الذين بهم ادحضت باطل اعدائك وثبت بهم قواعد دينك
ولولا هذا المقام المحمود الذي انقذتنا به ودللتنا على اتباع
المحقين من اهل بيت نبيك الصادقين عنك الذين عصمتهم
من لغو المقال ومدانس الافعال لخصم اهل الاسلام وظهرت
كلمة اهل الالحاد وفعل اولى الالحاد فلك الحمد ولك المن ولك
الشكر على نعمائك واياديك اللهم صل على محمد وال محمد الذين
افترضت علينا طاعتهم وعقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا
بمعرفتهم وشرفتنا باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي
عرفونا فاعنا على الاخذ بما بصرتنا واجز محمدا عنا افضل
الجزاء بما نصح لخلقك وبذل وسعه في ابلاغ رسالتك

واخطر بنفسه في اقامة دينك وعلى اخيه ووصيه الهادي
الى دينه والمقيم سنته علي امير المؤمنين وصل على الائمة
من ابنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك وادخلنا
بشفاعتهم دار كرامتك يا ارحم الراحمين اللهم هؤلاء اصحاب
الكساء والعباء يوم المباهلة اجعلهم شفعاءنا اسالك
بحق ذلك المقام المحمود واليوم المشهود ان تغفر لي وتتوب
علي انك انت التواب الرحيم اللهم اني اشهد ان ارواحهم
وطينتهم واحدة وهي الشجرة التي طاب اصلها واغصانها
وارزاقها اللهم ارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف الخزي
في الدنيا والاخرة بولايتهم واوردنا موارد الامن من
اهوال يوم القيمة بحقهم واقرارنا بفضلهم واتباعنا اثارهم
واهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفونا من توحيدك ووقفونا
عليه من تعظيم شانك وتقديس اسمائك وشكر الائك
ونفي الصفات ان تحلك والعلم ان يحيط بك والوهم ان
يقع عليك فانك اقمتهم حججا على خلقك ودلائل على توحيدك
وهداة تنبه على امرك وتهدي الى دينك وتوضح ما اشكل
على عبادك وبابا للمعجزات التي يعجز عنها غيرك وبها تبين
حجتك وتدعوا الى تعظيم السفير بينك وبين خلقك وانت

المفضل

المفضل عليهم حيث قربتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرك واصطفيتهم
لوحيك واورثتهم غوامض تاويلك رحمة بخلقك ولطفا
بعبادك وحنانا على بريتك وعلما بما تنطوي عليه ضمائر امنائك وما
يكون من شان صفوتك وطهرتهم في منشئهم ومبتدئهم نافث
اليهم واريتهم برهانا على من عرض بسوء لهم فاستجابوا لامرك
وشغلوا انفسهم بطاعتك وملئوا اجزاءهم من ذكرك وعمروا قلوبهم
بتعظيم امرك وجزؤا اوقاتهم فيما يرضيك واخلوا دخائلهم من معاريض
الخطرات الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لارادتك وعقولهم
مناصب لامرك ونهيك والسنتهم تراجمة لسنتك ثم اكرمتهم بنورك
حتى فضلتهم من بين اهل زمانهم والاقربين اليهم فخصصتهم بوحيك
وانزلت اليهم كتابك وامرتنا بالتمسك بهم والرد اليهم والاستنباط
منهم اللهم فانا قد تمسكنا بكتابك وبعترة نبيك الذين اقمتهم
لنا دليلا وعلما وامرتنا باتباعهم اللهم فانا قد تمسكنا بهم فارزقنا
شفاعتهم حين يقول الخائبون فما لنا من شافعين ولا صديق
حميم فاجعلنا من الصادقين المصدقين لهم المنتظرين
لايامهم والناظرين الى شفاعتهم ولا تضلنا بعد اذ هديتنا
وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب امين
رب العالمين اللهم صل على محمد وعلى اخيه وصنوه

امیر المؤمنین و قبلة العارفین و علم المهتدین و ثانی الخمسة المیامین
الذین فخر بهم الروح الامین و باهل الله بهم المباهلین فقال له
هو اصدقوا القائلین فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم
فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و
انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین ذلک الامام المخصوص
بما انزل یوم الاخاء و المؤثر بالقوت بعد ضر الطوی و من شکر الله
سعیه فی هل اتی و من شهد بفضله معادوه و اقر بمناقبه جاحده
مولی الانام و مکسر الاصنام و من لم تاخذه فی الله لومة لائم
صلی الله علیه ما طلعت شمس النهار و اورقت الاشجار
و علی النجوم المشرقات من عترته و الحجج الواضحات من ذریته
روز آخر این ماه هر کس دو رکعت نماز گذارد و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله
احد و در دویم ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از سلام بگوید اللهم ما عملت فی
هذه السنة من عمل نهیتنی عنه و لم ترضه لی و نسیته و لم
تنسه و دعوتنی الی التوبة منه بعد جرائتی علیک اللهم انی
استغفرک منه فاغفر لی اللهم و ما عملت من عمل یقربنی الیک
فاقبله منی و لا تقطع رجائی منک یا کریم خدا تعالی گناهان آن سال
را بیامرزد پس شیطان فریاد کند که ای وای چه تعب بعبث در این سال کشیدم

فصل یازدهم در ذکر حدیث و فضائل اعمال لیالی و ایام شهور و اعوام بر سبیل اجمال

مرویست

مرویست از امام حسن بن علی العسکری علیهما السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که چون قیامت شود خدای تعالی بندگان همه را محشور سازد و در یک زمین جمع کند و
بقاع و اماکن و روزها و شبها و ساعتها و شبها و ماهها و سالها همه را محشور گرداند و از
ایشان بر اعمال عباد شهادت طلب فرماید پس برای هر کس بطاعت و عمل صالح شهادت
دهند بسعادت ابد فایز گردد و در زمره سعدا منسلک شود و برای معصیت و عمل شر شهادت دهند
بشقاوت ابد معذب پس تهیه روز قیامت کنید و ترک معاصی نمایید که در آن روز بتقوای
امید خلاصی و بطاعت چشم داشت نجات باشد و هر کس حرمت ماه رجب و شعبان بشناسد
و این دو ماه را در طاعت و عبادت بماه مبارک رمضان متصل گرداند این سه ماه
شاهدان او باشند و روز قیامت منادی ندا کند و گوید ای رجب و شعبان و رمضان
چون بود مصاحبت این بنده با شما و چون بود طاعت خدا در شما ایشان گویند خدایا
این بنده تو چون با ما بود جهد در طاعت تو کرد و سعی در تحصیل نمود بعبادت و طاعت
محبت و رحمت تو بود پس از ملائکه بر این موکلند شهادت طلبد ایشان گویند خدایا رجب
و شعبان و رمضان راست گفتند ما این بنده را ندیدیم مگر در طاعت و عبادت و تحصیل
رضای تو و بر احسان با بندگان تو ایشان همه بوده از روی فرح و ابتهاج با آرزو در رحمت
و امید عفو تو و مغفرت تو تکیه داد از آنکه تو او را منع فرمودی احتراز نمود و هر چه موجب رحمت
و سبب مغفرت تو بود می شتافت و بامداد در نیکو و باطن و فرج و سمع و بصر و سایر
جوارح را روزه میداشت و روزها را بتشنگی روزه میگذرانید و شبها را بتعب عبادت
بروز می آورد و نفقه و اکرام و صدقه و احسان بفقرا و مساکین بسیار میکرد و حرمت اینماه

و حرمت اینها را خوب بداشت و وداع ایشان را خوب کرد و بعد از این نیز بر طاعت
و عبادت باقی بود و هتک حرمت ماه رمضان نکرد پس خدای تعالی آن بنده را به جنت
فرماید و ملایکها طبقها و عطرها و کرامات استقبال کنند و بر تختی از نور نشانند و مرکبها
براق برایش مهیا کرده اند و بنعمتهای باقی و منازل دایمی برند که هرگز پیر نشود و در دلش
غم در عقب نباشد و نورش از کهکشان افزون باشد از کدورت حساب مصون و مشقت عذاب
مامون و در منازل شریف و درجات رفیع مکرم و صحیح باشد و هم آنحضرت صلی الله علیه و آله
فرمود چون روز اول شعبان شود شیطان لشکر خود را در اطراف زمین متفرق کرداند
و گوید سعی کنید بندگان خدا را بگریزید و از راه خدا بگردانید و خدای تعالی ملائکه را در
اطراف زمین منتشر سازد و بفرماید بندگان مرا مدد کنید و هدایت نمایید مگر کسی که باد
سرکشی و طغیان نماید او داخل جنود ابلیس شود و روز اول شعبان فرماید درخت
طوبی را که شاخهایش بدنیا آویزد و بعد از آن ملکی از جانب خدا ندا کند که ای بندگان
این شاخهای طوبی است محکم بگیرید و خود را بآن نهاده آویزید تا شما را به بهشت برند
و این شاخهای زقوم است از آنها بگریزید تا شما را بجهنم نبرند بعد از آن فرمود بخدای که مرا
بحق نبوت اختیار کرد که هر کس که عملی از اعمال خیر کند بشاخی از شاخهای طوبی چسپیده
و هر کس که عملی از اعمال شر کند بشاخی از شاخهای زقوم چسپیده بعد از آن فرمود
پس هر که امروز روزه گیرد بشاخی از طوبی چسپیده و هر کس نماز تطوع کند بشاخی چسپیده
و هر کس صدقه دهد بشاخی چسپیده و هر کس مظلمه از کسی عفو کند بشاخی چسپیده
هر کس پریشانی را مهلت دهد یا چیزی از حق خود بار بخشد بشاخی چسپیده و هر که ادای قرض
دارایی کند

دار دین کهنه که صاحبش از آن مایوس شده باشد کند بشاخی چسپیده و هر کس متکفل
حال یتیمی شود بشاخی چسپیده و هر سفیهی و جاهلی را از رغبت و غرض فحش منع کند بشاخی
چسپیده و هر کس ذکر خدا و شکر نعمتهای کند بشاخی چسپیده و هر کس عیادت
بیماری کند بشاخی چسپیده و هر کس تشییع جنازه کند بشاخی چسپیده و هر کس بر والدین
یا یکی از ایشان نیکو کار کند بشاخی چسپیده یا یکی از او آزرده باشند و خواهش
کند در رضای ایشان تحصیل نماید بشاخی چسپیده و همچنین کسی که کار ناخیر کند
بشاخی از طوبی چسپیده و هر کس عملی از اعمال شر کند بشاخی از شاخهای زقوم
چسپیده باشد و هر کس در نماز فریضه تقصیر کند و حق آن را ضایع کند بشاخی از
آن چسپیده و هر کس فقیری پیش او آید و خبر از حالش داشته باشد و قادر بر حاجت
او باشد و او را واگذارد تا مشقت کشد و مضطر باشد بشاخی از زقوم چسپیده و هر کس
میان زن و شوهر یا والد و ولد یا خویش یا دو همسایه یا دو دوست یا دو بیگانه
افساد کند بشاخی چسپیده و هر کس بعرض دار پریشانی را اندوه و تشدد کند
بشاخی چسپیده و هر کس قرضی داشته باشد و از صاحب حق خبر را کم کند و حقش سو
برد بشاخی چسپیده و هر کس یتیمی را برنجاند و بر او ظلم کند بشاخی چسپیده هر کس غیبت
مومنی کند و هتک عرض مومنی نماید بشاخی چسپیده و هر کس غنا و حرامی کند بشاخی چسپیده
قبایح افعال خود و انواع ظلم خود را نقل کند و بآن افتخار کند بشاخی چسپیده و هر کس از روی
بعیادت مریضی نرود بشاخی چسپیده و هر کس زبان بفحش گشاید و ترک تشییع جنازه یا ترک تعزیه
صاحب مصیبتی کند بشاخی چسپیده و هر کس عقوق والدین یا یکی از ایشان کند یا ایشان

از او آزرده باشند و تحصیل رضا و عذرخواهی ایشان نکنند و حال آنکه تا در بیات شد بشاخ
چسپیده و همچنین هر کس که یک فعل از افعال شر که یک شاخ از زقوم چسپیده او را میکشید با
تا بجهنم برد بعد از آن مرتبی نگاه کرد باسمان و اظهار سرور و شگفتگی میفرمود و بعد از این نگاه
بزمین کرد و اظهار آزردگی و دلگیری نمود بعد از آن متوجه اصحاب شد فرمود که ای گروه اصحاب
بمبعوث حقیت بسیار که دیدم درخت طوبی را که جمعی بشاخهای آن چسپیده و آویخته اند
اهم را بهشت میبرد بعضی یک شاخ او آویخته اند و بعضی بدو شاخ و بعضی بچند شاخ هر کس بحسب المقدور
کار خیری که کرده اند و دیدم زید بن حارثه که پسر خوانده آنحضرت بود به همه شاخهای طوبا چسپیده
بود و او را از همه کس بالاتر برد و از این سبب خندان شدم و چون نگاه بزمین کردم دیدم درخت
زقوم را جمعی بشاخهای آن چسپیده اند و ایشان را فرو برد در جهنم بعضی دیدم بیک شاخ چسپیده
بعضی بدو شاخ بعضی بچند شاخ هر کس بحسب قبایحی که کرده و بعضی از منافقان را دیدم که بهمه
شاخهای زقوم چسپیده بود و او را فرو بردند تا اسفل درکات جهنم و از این جهت دلگیر
شدم بعد از آن باز نگاه باسمان کردم خندان شدم و نگاه بزمین کردم دلگیر شدم پس فرمود
اگر آنچه من دیدم اگر شما میدیدید روزها را بجگر تشنه و شکم گرسنه روزه میگذرانیدید
و شبها بتعب و مشقت عبادت بروز میآوردید و مالهای خود را تصدق تمام میکردید و
جانهای خود را کم بها در میباختید گفتند پدر و مادر و اهل و فرزندان ما فدای تو باد چه دیده فرمود
چون شاخهای طوبی بهشت رجوع کرد منادی از جانب خدای ندا کرد که ایها الملائکه ببینید هر که امروز
بشاخی از طوبی آویخته الحال که سایه آن شاخ می‌افتد از جانب خانها و قصرها و نعمتهای بهشت
باو دهند پس بعضی از ایشان از هر جانب هزار ساله راه عطا کنند و بعضی را دو برابر آن و بعضی را ده
برابران

برابر آن و بعضی را چهار برابر آن و همچنین هر کس را بقدر عملش و چون شاخهای زقوم فرو رفتند منادی
از جانب خدا ندا کرد که ای خازنان جهنم ببینید هر کس امروز بشاخی از زقوم چسپیده حرارت
و ظلمت آن شاخ از همه جانب برای او و آتش خانها و منزلها بنا کنید و مارها و عقربها و زنجیرها
و غلها و عذابها برایش مهیا کنید پس برای بعضی یکسال راه و برای بعضی دو سال راه و بعضی صد و بعضی
بیشتر و بعضی کمتر هر کس را بقدر عمل او عذاب مقرر کنند بعد از این باطراف زمین نگاه میکرد و گاهی
دلگیر میشد پس فرمود خوشا آنانکه اطاعت خدا میکنند و بشاخهای طوبی آویخته اند که خدای تعالی
چون با ایشان اکرام و شفقت میفرماید شیاطین متوجه ایشان شده اند که گمراه کنند و
خدای تعالی ملایکه را فرمود که با شیاطین محاربه و مقاتله کنند و شیاطین را میکشند و دور
میسازند و بدا آنانکه معصیت خدا کنند و شیاطین ایشان را گمراه کرد و بجهنم میفرستند بعد از آن فرمود
پس تعظیم امروز کنید و قدرش را بدانید و حرمتش را بشناسید که بسا مردم که امروز سعید میشوند و بسا
مردم که امروز شقی میشوند باب پنجم در تزویج و احکام متعلق بآن و مقصود از این باب انشاء الله
در دوازده فصل بیان شود فصل اول در فضایل تزویج و کراهت عزوبت مرویست از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی تزویج کند نصف دینش محفوظ گردد و پس در نصف
دیگر احتیاط و ملاحظه خود نماید و دو رکعت نماز صاحب اهل و عیال افضل است از هفتاد رکعت
نماز عزب هیچ کس در اسلام پیش خدا دوست تر نیست از نکاح و هیچ خرابی دشمن تر از طلاق
و فرقت نه و خدای تعالی از غایت دشمنی با طلاق ذکر آن را در قرآن بسیار فرموده و اکثر خیر
در زنان باشد و حضرت پیغمبر صلعم فرمود چه مانع است مؤمن را که تزویج کند شاید
از او اولادی بهم رسند که بذکر و عبادت خدا زمین را سنگین کنند و نیز فرمود تزویج کنید

وتحصیل اولاد نمائید که روز قیامت من بشما بسیار امم مفاخرت ومباهات کنم
حتی طفلی از شما که ساقط شود وسقط شما غضبناک وخشم آلوده بر در بهشت ایستاده
باو گویند داخل شو گوید تا اول والدین من داخل نشوند من نمیشوم پس خدای تعالی ملکی
فرماید که والدینش را آورده داخل بهشت کند واولاد در زیر عرش در مکانی از مشک وعنبر
برای اباء خود استغفار کنند ونیز فرمود رسول بدترین اموات آنانند که عزب بمیرند
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود دوست ندارم که تمام دنیا وما فیها از
من باشد ویکشب عزب بخوابم وبعد از آن فرمود دو رکعت نماز متأهل بهتر است
از آنکه عزب شبها نماز کند وروزها روزه گیرد وهر کس خواهد پاک وپاکیزه پیش خدای تعالی
برود با زوجه برود وکسی که از ترس پریشانی ترک تزویج کند بخدا بد گمان باشد فرمود
که اگر پریشان باشید نکاح کنید تا شما را غنی گردانم وهر کس از اقارب خود برای رضای
خدا صله رحم وتزویج کند خدای تعالی جزای آن تاج وملک پادشاهی بر سرش نهد وبنده
که خدای تعالی خواهد خیر دنیا وآخرت برایش جمع کند دلی خاشع وزبان ذاکر
وجسدی پر بلا وصابر وزوجهٔ مؤمنه که هر گاه نظر باو کند مسرور شود وچون حکمی فرماید
اطاعت کند وچون از او غایب شود خود را ومال او را محافظت نماید ومال خود بشو
باو عطا نماید ونیز مرویست که بهترین شفاعتها آنست که میان دو کس سعی کنند تا تزویج
بهم رسد وهر کس باین کار کند بهر گامیکه بر دارد وهر کلمه که گوید خدای تعالی برایش
عبادت یکساله نویسد که شبهایش نماز وروزهایش روزه باشد وهزار حوری
عطا فرماید هر کدام در قصری از در ویاقوت وهر کس عزبی را تزویج کند از جملهٔ جمعی باشد
که خدای

که خدای تعالی روز قیامت نظر رحمت بر ایشان کند از جملهٔ سعادات مرد است
که دخترش در خانهٔ شوهر حایض شود وهر کس در مفارقت میان زن وشوهر سعی کند بغضب
ولعنت خدا گرفتار شود وبدوزخ معذب شود وهر کس در اصلاح میان زن وشوهر سعی کند خدای
تعالی اجر هزار شهید با وکرامت نماید وبهر گامیکه بر دارد وکلمه گوید یکساله
عبادت نویسند با روزه روزها ونماز شبها **فصل دویم** در فضایل متعه ومرویست
از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم که هر کس متعه کند برای رضای خدا
ومخالفت منکرین بهر کلمه که با او تکلم کند وهر مرتبه که دست بجانب او برد برایش حسنه نویسند
وچون نزدیکی کند گناه او آمرزیده شود وچون غسل کند بعدد هر موی که در بدنش آب رسیده
گناهان او آمرزیده شود وجبرئیل بحضرت پیغمبر ص وآله گفت که خدای تعالی میفرماید که هر
کس از امت تو متعه کند گناهانش را آمرزیدم وکسی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
از متعه سؤال کرد فرمود دوست ندارم که کسی از دنیا برود وسنتی از سنتهای رسول الله ص
را بجا نیاورده باشد ودیگری بآنحضرت گفت که قسم خورده ام که متعه نکنم فرمود که عهد کرده
که اطاعت خدا نکنی والله که اطاعت خدا معصیت کرده وشخصی بخدمت امام محمد باقر علیه السلام
معروض داشت که دختر عم من مال بسیار دارد وبرای من پیغام کرد که میدانی بسیار مردم
مرا خواستگاری کرده اند ومن راضی نشده ام ورغبت بمردان نمیکنم اما چون شنیده ام
که خدای تعالی ورسول او متعه را حلال کرده اند وعمر حرام کرده میخواهم که اطاعت ایشان ومخالفت
ایشان کنم ومرا متعه کنی حضرت فرمود برو متعه کن که خدا بر هر دو صلوات فرستد
ورحمت کند ونیز مرویست که اگر زن طلب اولاد کنید که در رحم ایشان خیر وبرکت است

و نیز مرویست که چون کسی کنیز بکری خرد باید چهل روز دیگر صبر کند تا مباشرت کند یا بکری
حلال کند که اگر نکند و زنا کند گناهش بر او باشد و نیز روایات آمده که متعه حلال است
بکسی که خدا او را از زوجه مستغنی نکرده باشد یا آنکه بسفر رفته و از زوجه خود دور شده
باشد یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام برای خود نوشته که الحاح در متعه میکنید و از زنان خود
دوری میکنید که ایشان از ما آزرده میشوند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام با صحاب خود
فرمود شما را خدای تعالی از زن مستغنی کرده از متعه کردن شرم نمی آید و عار نمیدارید از اینکه
در جای نامناسب به پند و ننگ شما باشد **فصل سیم** در اختیار زوجه و صفات آن مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که زنان را قیمت نباشد که خوب بهتر است از طلا و نقره و زن
بد خاک از او بهتر است و هم از ایشان مرویست که فرمودند که زنان نجیب نجابت اختیار کنید
که فرزند نجابت در ایشان شود و کسیکه زن را برای مال یا جمال خواهد از او محروم شود و اگر برای دین
و ایمان اختیار کند از مال و جمال بهره مند گردد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
زن گندم گون سیاه چشم بزرگ سرین میان بالا اختیار کن اگر از و خوشت نیاید مهرش بر
من باشد که ایشان نجیب تر باشند و بهترین زنان آنست که عفیفه و کودک آورنده باشد و در میان
قوم خود عزیز و در پیش شوهر مطیع بود و اگر شوهرش از و آزرده باشد خواب نکند تا او را راضی
نکند و برای شوهر زینت کند و از نامحرم پوشیده باشد و چون با او خلوت کند مطیع او باشد
و مثل اسب سرکش نباشد و بدترین زنان آنست که در این صفات خلاف این باشد
کسی در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت هرگاه بخانه میروم زوجه ام استقبال میکند و چون
بیایم مشایعت میکند و اگر ملول گردم میگوید دل بد مکن و تسلی میدهد و آنحضرت فرمود
که بندگان

که بندگان خدا در زمین جمعی باشند که کارهای او را انتظام دهند و این زن از جمله
ایشان است و او را نصف اجر شهیدی باشد و برکت زن آنست که خفیف المئونه باشد
و ولادتش آسان و مهرش سبک باشد و شامت زن در آنکه مئونتش بسیار و ولادتش
دشوار باشد و مهرش سنگین باشد **فصل چهارم** در اوقات تزویج و آداب آن
مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم که سنت است تزویج در شب باشد که شب
برای استراحت و لذت آفریده شده و اگر تزویج در تحت الشعاع واقع شود طفل
از ساقط گشتن محفوظ نباشد و اگر در قمر در عقرب باشد از آن تزویج خیر نبیند و اگر در وقت
گرما زود رود و مفارقت انجامد بلکه باید در طرفین روز باشد که هوا ملایم باشد و چون
تزویج نماید اول دو رکعت نماز گذارد و حمد خدا کند که بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اُریدُ
اَنْ اَتَزَوَّجَ اَللّٰهُمَّ فَقَدِّرْ لی مِنَ النِّساءِ اَحْسَنَهُنَّ خَلْقاً وَ خُلْقاً وَ اَعَفَّهُنَّ
فَرْجاً وَ اَحْفَظَهُنَّ لی فی نَفْسِها وَ مالی فی نَفْسِها وَ مالی وَ اَوْسَعَهُنَّ
رِزْقاً وَ اَعْظَمَهُنَّ بَرَكَةً وَ اقْضِ لی مِنْها وَلَداً طَيِّباً تَجْعَلُهُ لی خَلَفاً
فی حَیاتی وَ بَعْدَ مَوْتی و مستحب است ابتدا کردن تزویج بخطبه مشتمل بر حمد و صلوات
و موعظه و ترغیب بنکاح و این خطبه رضویه علیه السلام افضل خطب این باب است
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی حَمِدَ فِی الْكِتابِ نَفْسَهُ وَ افْتَتَحَ بِالْحَمْدِ كِتابَهُ وَ جَعَلَ
الْحَمْدَ اَوَّلَ جَزاءِ مَحَلِّ نِعْمَتِهِ وَ آخِرَ دَعْوىٰ اَهْلِ جَنَّتِهِ وَ اَشْهَدُ اَنْ لا
اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ شَهادَةً اَخْلَصَها لَهُ وَ ادَّخَرَها
عِنْدَهُ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النُّبُوَّةِ وَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ وَ عَلىٰ آلِهِ

جعل من الكتاب ... فقال جل وعز ... فجعله نسبا وصهرا ... وامر عن عزى

الرحمة ومنجز النعمة ومعدن الرسالة ومختلف الملائكة

والحمد لله الذي كان في علمه السابق وكتابه الناطق وبيانه الصادق وحق ان الاسباب بالصلة والاثرة اولى الامور بالرغبة فيه والتقديم

سببا وجب نسبا وصهرا وكان ربك قديرا وقال وانكحوا الايامى منكم والصالحين من عبادكم وامائكم ان يكونوا فقراء

يغنهم الله من فضله والله واسع عليم ولو لم يكن في المصاهرة

والمناكحة اية محكمة ولا سنة متبعة ولا اثر مستفيض لكان

فيما جعل الله من بر القريب وتقريب البعيد وتاليف القلوب

وتشبيك الحقوق وتكثير العدد وتوفير الولد لنوائب الدهور

وحوادث الامور ما يرغب في دونه العاقل اللبيب ويسارع

اليه الموافق المصيب ويحرص عليه الاديب الاريب فاولى

الناس به من اتبع امره وانفذ حكمه وامضى قضاءه

ورجى جزاءه فلان ابن فلان من قد عرفتم حاله وجلاله

دعاه رضا نفسه واتاكم ايثارا لكم واختيار الخطبة فلانة

بنت فلان كريمتكم وبذل لها من الصداق كذا وكذا فتلقوه

بالاجابة واجيبوه بالرغبة واستخيروا الله في امركم يعزم

لكم رشدكم ان شاء الله نسال الله ان يلحم بينكم بالبر

والتقوى ويؤلفه بالمحبة والهوى ويختمه بالموافقة

والرضا

والرضا انه سميع الدعاء لطيف لما يشاء **فصل پنجم** در اداب زفاف

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در شب زفاف پیش از انکه داماد

و عروس پیش هم ایند داماد دو رکعت نماز گذارد و بعد از ان حمد خدا کند و صلوات

بفرستد و بگوید اللهم ارزقني الفها وودها ورضاها بي واجمع

بيننا باحسن اجتماع وايسر ائتلاف فانك تحب الحلال وتكره

الحرام و جمعی که حاضر باشند امین بگویند و عروس نیز چنین کند اما او دعا را چنین

بگوید اللهم ارزقني الفه ووده ورضاه بي تا اخر دعا چون پیش هم

ایند رو بقبله دست بر پیشانی عروس گذاشته بگوید اللهم على كتابك

تزوجتها وفي امانتك اخذتها وبكلماتك استحللتها فان

قضيت لي في رحمها شيئا فاجعله مسلما سويا ولا

تجعله شرك الشيطان اگر خواهد بگوید اللهم بامانتك اخذتها

وبكلماتك استحللتها فان قضيت لي منها ولدا فاجعله

مباركا تقيا من شيعة آل محمد ولا تجعل للشيطان فيه شركا

ولا نصيبا و پای عروس را بشوید و آن اب را از در خانه تا اخر خانه بپاشد

و هفتاد حبت از ان خانه بیرون رود و هفتاد قسم برکت داخل شود و هفتاد

رحمت بر عروس فرود اید که برکت بهر گوشه خانه برسد و عروس از جنون و جذام و برص

ایمن گردد تا در ان خانه باشد و در هفته اول از خوردن سرکه و گشنیز و سیب

ترش احتراز کند که رحم را سرد و عقیم گرداند و اگر سرکه خورده باشد که حایض شود هرگز

حیض پاک نشود و کشنیز ولادت را دشوار کند و سیب ترش حیض را قطع کند فصل ششم ١
در ثواب مباشرت و آداب و اوقات آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که روزی زینب عطاره بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله رفت از زوج خود شکایت
کرد فرمود اگر فضایل مباشرت را بدانید تقصیر نخواهید کرد گفت کدام است آن فضایل
فرمود هرگاه متوجه تو شود چنانست که در راه خدا شمشیر کشیده باشد و چون مجامعت کند
گناهان او بریزد مثل برگ درخت و چون غسل کند از گناهان پاک شود و هم از آنحضرت
مرویست که با ابوذر رحمه الله فرمود که با اهل خود مجامعت کن تا ثواب یابی ابوذر گفت
با اهل خود صحبت دارم ثواب نیز داشته باشم فرمود بلی چنانکه حرام گناه دارد حلال نیز ثواب
دارد و نیز مرویست که هر کس زنان و کنیزان زیاده از آنکه تواند با ایشان مجامعت کند
جمع کند و ایشان زنا کنند گناهش بر او باشد و اما آداب مباشرت و مجامعت اگر
بسم الله نگوید شیطان با او شریک شود و نطفه که البته شود شرک شیطان است و
کفر و نفاق و عداوت اهل بیت علیهم السلام و لا عقل سبب فسق و معاصی در فرزند
باشد و اگر بسم الله بگوید از شرکت شیطان ایمن گردد و اگر با این عبارت که
مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که این دعا را بگوید افضل است بسم الله الرحمن
الرحیم الذی لا اله الا هو بدیع السموات والارض اللهم ان قضیت
منی فی هذه اللیلة خلیفة فلا تجعل للشیطان فیه شرکا
ولا نصیبا ولا حظا واجعله مؤمنا مخلصا مصفی من الشیطان
ورجزه جل ثناؤک و نیز مرویست که اگر بگوید بسم الله وبالله اللهم
جنبنی الشیطان

جنبنی الشیطان وجنب الشیطان ما رزقتنی اگر فرزندی شود
هرگز مضرتی از شیطان باو نرسد و اگر خواهد در وقت مجامعت بگوید اللهم ارزقنی
ولدا واجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة ولا نقصان
واجعل عاقبته الی خیر و در اثنای مجامعت حرف زدن موجب لالی و گنگی
زبان فرزند شود و نگاه کردن فرج زن موجب کوری فرزند باشد و اگر مرد زود تر فارغ
شود باید صبر کند تا زن نیز حاجت خود برآورد که گاه باشد که حالتی پس از مرد بر خیزد که اگر بغم
سیاهی برخورد و در آیند و هر کدام خرقه جدا بردارند و هر دو یک خرقه استعمال نکنند اگر
آب مرد و زن بر سر هم افتد موروث عداوت میان شان شود و در آن خانه کسی که
ایشان را ببیند یا صدای ایشان را بشنود خواه طفل خواه غیر آن نباشد که سبب زنا
در آن فرزند شود و رو و پشت بقبله نباشد و اگر محتلم شده باشد تا غسل نکند جماع نکند
که سبب جنون در فرزند باشد و احادیث و روایات بسیار آمده هیچ یک نقص و عداوت
اهل بیت علیهم السلام نورزد دیگر کسی که ولد زنا یا شرک شیطان باشد یا در ایام حیض نطفه اش
بسته باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود اگر نعمت محبت ما را در دل یابید مادر خود
بسیار دعا کنید که با پدر شما خیانت نکرده مرویست که سه چیز بدن را بسیار فربه کند
و گاه باشد که موجب هلاک گردد دو شکم پر حمام رفتن و شکم پر جماع کردن و بسیار جماع کردن
و مرویست که ایستاده جماع کردن سبب بول در فراش باشد و بر بام خانه جماع کردن فرزند
منافق شود و صاحب بدعت و مرائی شود و در آفتاب جماع نکند که فرزند در تمام عمر پریشان باشد
و در زیر درخت میوه دار نباشد که فرزند خونریز شود و اگر زن حامله باشد بی وضو مجامعت نکنند

که فرزند کور یا بخیل شود و اگر از زن غیر شهوت بحرکت آید با آن شهوت با زن جماع کند
که فرزند مخنث و دیوانه شود و اگر در کشتی نشسته باشد مجامعت نکند و اگر جنب باشد
با زن در میان جای خواب که قرآن باشد که بیم آن باشد که آتشی در آسمان بر آید و هر دو
بسوزاند و اگر زن جنب باشد و از جای خود برخیزد تا آن جا سرد نشود دیگری بر آن جا نشیند
و اما اوقات مجامعت چند وقت مستحبست مجامعت شب جمعه بعد از نماز خفتن فرزند
از جملهٔ اعاظم و اکابر دین شود و روز جمعه بعد از عصر فرزند از جملهٔ مشاهیر علمای دین شود
و شب دو شنبه فرزند حافظ قرآن و راضی بقسمت خود باشد و شب سه شنبه فرزند
مومن و رحیم دل و سخی شود و زبان از غیبت و بهتان پاک باشد و شب چهارشنبه فرزند
از جملهٔ علما یا اکابر شود و روز پنجشنبه بعد از ظهر فرزند کارساز مردم شود و دین دوست باشد و ... بود
و شیطان نزدیکش نشود تا آنکه پیر شود و شب اول ماه مبارک رمضان نیز مستحبست مجامعت که هلال
و چند وقت مکروهست مجامعت کردن میان روز آن و اقامه که فرزند بجز ... شود
در میان طلوع صبح و طلوع آفتاب تا ذهاب شفق مغرب و وقت غروب آفتاب که
آفتاب زرد باشد و روزیکه آفتاب گرفته باشد و شبانه روزیکه زلزله شود یا بادهای
سرخ و زرد و سیاه وزد که در این اوقات فرزند بی عیب نباشد و در اول و میان و آخر
ماه که فرزند یا زن را بیم جنون و جذام باشد و در تحت الشعاع ماه فرزند ساقط شود بعد از ظهر
فرزند احول شود و در شب عید قربان که فرزند شش انگشت یا چهار انگشت شود و در نصف ماه
شعبان که فرزند خونریز و معین ظالمان باشد و در شب اول فرزند ساحر شود و دنیا را بر آخرت
اختیار کند و شبانه روز پیش از آنکه بسفر رود معین شود و شبی که فردایش بسفر رود فرزند حلال
حلال

خود را در باطل و حرام صرف کند **فصل هشتم** در طلب فرزند مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که چون کسی را فرزند نشود هر صبح و شام بعد از عشا ده مرتبه بگوید سبحان الله بعد از آن
ده مرتبه بگوید استغفر الله بعد از آن نه مرتبه بگوید سبحان الله بعد از آن
یک مرتبه بگوید استغفر الله راوی گفت مرا فرزند نمی شد باین عمل عمل نمودم اولاد بسیار
شد و بسیار مردم را تعلیم کردم همه را فرزند بسیار شد طریقهٔ دیگر سجده کند و در سجده
بگوید رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء
رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین راوی گوید چنین کردم
یک سال نگذشت که مرا پسری عطا شد و اگر خواهد فرزند پسر شود پیش از آنکه از حمل چهار ماه تمام
شود زن را رو بقبله بنشانند و آیة الکرسی بخوانند و دست بر پهلویش گذاشته بگوید خدایا
این را محمد نام کردم خدای تعالی آن را پسر کند پس چون متولد شود اگر بعهد خود وفا کند و نام
آن مبارک کرده اند و اگر نام دیگر کند پس خدای تعالی اگر خواهد او را نگذارد و اگر نه ببرد و طریقهٔ
دیگر مرویست که هر کس عزم کند که فرزند را محمد یا علی نام کند البته پسر شود و طریقهٔ دیگر در وقت
مجامعت که مهیای این کار شود دست راست بر جانب راست ناف زن گذارد هفت مرتبه
انا انزلناه بخواند بعد از آن صحبت دارد و چون حمل ظاهر شود هر شبها که طفل در میان شکم
حرکت کند دست بر جانب ناف زن گذاشته هفت مرتبه انا انزلناه بخواند راوی گوید
من چنین کردم هشت پسر از پی یکدیگر آمد بسیار مردم کردند اولاد ذکور بسیار شد و در این
مجموعه او کار دیگر و ادویه نیز مناسب انجام تقریبات گذشته **فصل نهم** در فضایل حمل
و ولادت و احکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چنین

زن حامله شود مثل کسی است که روزه گیرد و بنفس و مال خود در راه خدا جهاد کند چون وضع حمل شود ثوابش از بسیاری توان دانست و چون شیر دهد هر یک مرتبه مکیدن پستان چنان است که بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و چون طفل از شیر بگیرد فرشته ندا کند که اعمال از سر گیر که گناهت آمرزیده شده است و اگر در عرض این مدت بمیرد شهید باشد و نیز مرویست که اگر زن در نفاس بمیرد روحش او در قبر نگذارند بلکه پیش خدا زنده و آنجا باشد تا روز قیامت و دیوان حساب برای او نگشایند مرویست که زن حامله بسیار به بخورد فرزند جمیل شود و اگر در ایام حمل بخورد فرزند قوی دل شود و عاقل شود و اگر پسر باشد شجاع باشد و دختر باشد بزرگ سرین باشد و در نظر شوهرش عزیز و صاحب منزلت گردد و چون وضع حمل کند اول چیزی که خرما بخورد فرزند حلیم و عاقل شود در روایات دیگر نه عدد آمده و در وقت ولادت زنان را از خانه بیرون کنند که اول مرتبه نظر زنان بر عورت طفل نیفتد و اگر وضع حمل دشوار شود بر کوزهٔ پر آب سه مرتبه بخوانند بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَاَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا اِلَّا عَشِيَّةً اَوْ ضُحٰهَا كَاَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا اِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ و قدری از آن بیاشامد و قدری از آن در میان پستان و میان کتفش بپاشند باذن الله تعالی باسانی وضع حمل کند و این دعا را بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا يُرِيدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ اَمْرِكُمْ مِرْفَقًا وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا

وعلی الله

وَعَلَى اللّٰهِ قَصْدُ السَّبِيلِ بشره اَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا اَنَّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ اَفَلَا يُؤْمِنُونَ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَاِذَا هُمْ مِنَ الْاَجْدَاثِ اِلٰى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ كَاَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ لَمْ يَلْبَثُوا اِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ طریقه دیگر انا انزلناه را بنویسد و بشویند و زن بیاشامد و از آن آب بر فرج او نیز بپاشند طریقه دیگر در شب دانا انزلناه بخوانند زود وضع حمل شود طریقه بر پشت پای که عورت آن کبیل کنند این صورت را بنویسند و زن بالا را نشیند

اربعة	اثنین
[illegible]	ثلثة
[illegible]	اربعة

فصل نهم در آداب تولد طفل و نام گذاشتن و عقیقه و ختنه کردن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که طفل متولد شود پیش از آنکه نافش را ببرند بقدر عدسی حب و شیر با آب مخلوط که دو قطره در دماغش که طرف راست باشد یکقطره و در دماغ چپ بچکانند و در گوش راست اذان بگوید و در گوش چپ اقامه بگویند از ترسیدن و از شر ام صبیان ایمن شود و نیز مرویست که اذان و اقامت گفتن امان است از جنون و جن و شیطان و کام طفل را با تربت امام حسین علیه السلام و آب فرات و اگر نباشد آب باران بردارند و مرویست که هر کس را با آب فرات کام بردارند دوست اهل بیت علیهم السلام باشد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که اگر کوفیان کام اطفال خود را باب فرات بردارند شیعهٔ ما می بودند و نیز مرویست که کام طفل را با خرما بردارید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله کام امام حسن علیه السلام و امام حسین صلوات الله علیه را با خرما برداشت و مرویست که طفل هنوز متولد نشده باشد که نام کذارید که اگر بی نام

کذارید و ساقط شود در قیامت از پدر گله کند که چرا نام نکذاردی و مستحب است که چون طفل متولد شود
تا هفت روز او را محمد و اگر دختر باشد فاطمه گویند بعد از آن اگر خواهند نام دیگر کذارند و اول
حق پدر بر فرزند آنست که او را نام خوب کذارد که روز قیامت هر کس را بنام خود او آواز کنند
مرویست که راست ترین نامها آنست که بندگی در او باشد مثل عبد الله و عبد الرحمن
و مثل آن و افضل اسمها اسمای انبیا و ائمه هدی است صلوات الله علیهم در خانه که محمد نام
یا یکی از انبیا باشد حق تعالی هر صبح و شام ملکی را فرستد تا اهل آنخانه را مبارک باد برای
ایشان دعای خیر و برکت کند و حضرت امام حسن علیه السلام از طفلی پرسید که چه نام داری
گفت محمد فرمود که دوست داشتم علی فرمود از شیطان در پناه عظیم رفتی چون شیطان
بشنود که کسی را محمد یا علی آواز کنند بگدازد مثل قلعی در آتش و اگر بشنود که بنام یکی
از اعدای ما او را آواز کنند بر خود ببالد و مسرور شود و نیز مرویست که فقر داخل خانه نشود
که در آن خانه احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله یا فاطمه باشد و مرویست
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود کسی را چهار پسر شود و نام مرا نکذارد بر من جفا کرده باشد
و مردی از آنحضرت پرسید که مرا پسری شده چه نام کنم فرمود حمزه دوست ترا از همه
نامها است پیش من و مرویست که چون طفل را محمد و فاطمه کنید نهایت ادب و اکرام
با او بجا آورید و مزنید و دشنام مدهید و مرنجانید و روایات آمده که بر غنی
واجب است که روز هفتم طفل را عقیقه کند و اگر فقیر باشد هر وقت مقدورش شود خواه
پسر و خواه دختر که فرزند در گرو عقیقه است چون عقیقه کند از گرو بیرون آید و اگر کسی
عقیقه نکرده باشند او خود عقیقه کند هر وقت باشد تا آخر عمر و افضل آنست که عقیقه
پسر نر باشد

پسر باشد نر باشد اگر دختر باشد گوسفند ماده باشد و از عیب سلامت باشد و اگر
مقدور نباشد هر چه شود و هر چه نشود مجزیست هر چند فربه تر باشد افضل است و در وقت
ذبح بگوید بسم الله و بالله والحمد لله والله اکبر ایمانا بالله
وثناء علی رسول الله صلی الله علیه وآله والعصمة لامره
والشکر لرزقه والمعرفة بفضله علینا اهل البیت اللهم لحمها
بلحمه ودمها بدمه وعظمها بعظمه وشعرها بشعره و
جلدها بجلده اللهم اجعلها وقاء لفلان ابن فلان و اگر
باشد اللهم وهبت ذکرا وانت اعلم بما وهبت ومنک ما اعطیت
وکل ما صنعنا فتقبله منا علی سنتک وسنة نبیک
ورسولک صلی الله علیه وآله واخسا عنا الشیطان
الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک لک والحمد لله رب العالمین
اگر خواهد چنین بگوید بسم الله وبالله اللهم عقیقة عن فلان
لحمها بلحمه ودمها بدمه وعظمها بعظمه اللهم اجعلها وقاء
لآل محمد صلواتک علیهم ربع عقیقه را بقابله دهند اگر قابله نباشد نصف از
مادر است بهر کس که خواهد بدهد و اگر قابله مادر مرد باشد یا یکی از عیال او باشد او را از عقیقه
حصه نبود و باقی گوشت عقیقه را بپزند و جمعی از مؤمنان که لا اقل ده کس باشند صرف
کنند هر چند بیشتر باشند افضل است و فضل آنست که والدین مولود هیچ از عیال
ایشان از آن گوشت نخورند و اگر استخوانها را نشکنند افضل است و هم در این روز

نام کذارند و سرش را بتراشند و بوزن مویش طلا یا نقره تصدق کنند و افضل
اینست که عقیقه و نام کذاشتن و سر تراشیدن هر سه در یکوقت باشد و هم در روز هفتم
ختنه کنند که کوشت بدنش زودتر نمو کند و زمین از بول کسی که ختنه نشده باشد چهل روز
نجس شود و بخدا شکایت کند و در وقت ختنه کردن بکوید اللّهمّ هذه سنّتك
وسنّة نبيّك محمّد صلّى الله عليه وآله واتّباع منّا لك و
لنبيّك بمشيّتك وارادتك وقضائك لأمر اردته وقضاءٍ
حتمته وامرٍ انفذته واذقته حرّ الحديد في ختانه وحجامته
لأمرٍ انت اعرف به منّي اللّهمّ طهّره من الذنوب وزد في عمره وادفع
الآفات عن بدنه والاوجاع عن جسمه وزده من الغنى وادفع عنه الفقر
فانّك تعلم ولا نعلم و اکر نکفته باشند در انوقت پیش از آنکه محتلم شود هر وقت برود
بخواند خدای تعالی او را از تیزی آهن و قتل و غیر آن محفوظ دارد و مستحب است که کوش
راست مولود سوراخ کنند و افضل آنست که مادر خود بدهد شیر که شیر مادر مبارک است
و مرویست که شیرده باید که صاحب دین و پاکیزه و متقی باشد احمق و دنی و فاسق نباشد
که شیر در طفل اثر میکند مرویست که کمتر از بیست یکماه شیر دادن ظلم است بر طفل و نهایت
حد شیر دو سال تمام است و بیشتر ازین نشاید فصل دهم در فضایل اولاد و تربیت ایشان
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون خدای تعالی برای بنده خیر خواهد
او را از دنیا نبرد تا خلف صالحی عطا فرماید و فرزند خوب ریحانی است از بهشت و
کریه اطفال مؤمنان تا هفت سال تهلیل است و بعد از آن تا حد بلوغ استغفار است
برای والدین

برای والدین و بعد از آن هر حسنه که کنند والدین در ثوابش شریک باشند و اکر سیئه
کنند ضررش بایشان نرسد و کوفت اطفال کفاره والدین است و اکر فرزند بمیرد والدین
از آن ثواب و درجات یابند حتی اکر سقط بر در بهشت ایستاده باشد و داخل نشود تا
دست والدین خود را نکرفته داخل بهشت کند و اکر بمانند برای ایشان دعا و استغفار کنند
و هر حسنه که کنند سبب مغفرت و درجات ایشان باشد مرویست که حضرت عیسی علی نبینا و علیه
بر قبری کذشت که صاحبش معذب بود سال دیگر بر آن قبر کذشت دید که عذاب از آن برداشته
بود مناجات کرد وحی آمد که این شخص را فرزند صالحی است که یتیمی را پناه داد و غم خواری کرد عذاب
از او برداشتم مرویست دختر نعمت است و پسر حسنه از نعمت سؤال کنند و بر حسنه ثواب دهند
۱۰ حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود کسی که دختر یا سه خواهر عیالش باشند بهشت او را
واجب شود کسی پرسید که اکر دو باهم باشند چنین فرمود که اکر یکی باشد
و نیز مرویست که هر کس را دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله عیال باشند او را از دوزخ
نکاه دارند هر کس بفرزند خود احسان و مهربانی کند چنان است که با والدین خود کرده باشد
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که اطفال خود را دوست دارید و بر ایشان رحم کنید
و چون با ایشان وعده کنید وفا کنید و هر کس بفرزند خود بسیار محبت داشته باشد
خدای تعالی بر او رحمت کند و اکر فرزند را ببوسد برایش حسنه نویسند و اکر مسرورش
کند و هر کس از بازار چیزی کرفته برای اطفال و عیال بیارد چنان است که برای صدقه برده
باشد افضل آنست که اول چیزی دهند بدختران و زنان دهند هر کس دختری را مسرور کند
چنان است که از ترس خدا کریسته باشد و هر کس از ترس خدا بکرید الله او را بهشت است و هر کس زنی

که با او قرابت و خویشی داشته باشد مسرور کند خدای تعالی روز قیامت او را مسرور
کند و چون والدین فرزند را قرآن تعلیم کنند در بهشت ایشان را دو حله پوشانند که پرتو
نور او روی اهل بهشت را روشن کند مرویست که مردی روزی در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
آمد عرض کرد که من هرگز فرزند خود را نبوسیده‌ام بعد از آنکه او رفت حضرت فرمود که این مرد از
اهل دوزخ است مرویست که بطفل لا اله الا الله و آخر سوره بنی اسرائیل قل الحمد لله الذی لم یتخذ
ولدا تا آخر سوره تعلیمش کنید زبانش فصیح شود و نیز مرویست که چون پسر را سه سال تمام شود بگویید
هفت مرتبه لا اله الا الله بگوید و چون یکسال و هفت ماه و بیست روز تمام شود بگویید هفت مرتبه بگوید
محمد رسول الله و چون سال چهارم تمام شود هفت مرتبه بگوید صلی الله علی محمد و آله و چون پنج سال
تمام شود دست راست و چپ از او بپرسید چون بگوید رو بقبله‌اش کنید و بگویید که سجده کند
و چون شش سال تمام شود رکوع و سجود یادش دهید و چون هفت سال تمام شود بگویید که دست
رو بشوید و نماز بکند و چون نه سال تمام شود وضو و نماز یادش دهید هر گاه تقصیر و کاهلی کند
بزنید چون وضو و نماز یاد گیرد گناهان والدین آمرزیده شود و نیز مرویست که طفل را هفت
سال بگذارید تا بازی کند و هفت دیگر قرآن و کتابت و خط یادش دهید هفت سال دیگر ملازم
خود گردانید که او آداب و اخلاق یاد گیرد و شرایع دین از حلال و حرام تعلیمش کنید بعد از آن
اگر آثار صلاح و رغبت دین و ایمان در او پیدا شد در سعادت تربیتش باشید و گرنه دست از او بر
دارید فصل یازدهم در حقوق زوجین بر یکدیگر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حق زوج
بر زوجه آنست که خدمتش و اطاعتش کند و خلاف امر و رضایش نکند و از خانه او بی رضا و بی اذن او
تصدق نکند و بکسی چیزی ندهد اگر دهد گناهش از او و ثواب از شوهرش باشد و ضبط خانه و حفظ
مال او کند

مال او کند اگر زن در خانه شوهر برای خیر و مصلحت خانه چیزی را از جایی بجای دیگر گذارد خدا بر او نظر
رحمت کند بعد از آن هرگز عذابش نکند و از جمله حقوق اینکه خود را از زینت خالی ندارد
و بهر چه مقدور شود دست را بی حنا نگذارد و اگر چه همین بمالیدن حنا بر دست باشد بلا اذن
شوهر از خانه بیرون نرود و اگر رود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه رحمت و غضب بر او
لعنت کنند تا مراجعت کند زنی بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرستاده که
شوهرم بسفر رفته و مرا گفته از خانه بیرون نروم مادرم بیمار شده اگر رخصت
فرمائی بروم و او را عیادت کنم فرمود در خانه بنشین و اطاعت شوهرت کن مرتبه
دیگر فرستاده همین جواب فرمود تا آنکه مادرش فوت شد و فرستاد در آن خواب که نماز
او حاضر شود فرمود بنشین اطاعت شوهرت کن تا آنکه مادرش را دفن کردند حضرت صلی الله علیه و آله
پیش او فرستاد که خدای تعالی ترا و مادرت را آمرزید بسبب اینکه اطاعت شوهرت کردی
و از جمله حقوق اینکه بی اذن او روزه غیر واجب نگیرد و نذر نکند و بکسی چیزی تصدق نکند و قسم
نخورد و بنده آزاد نکند اگر چه از مال خودش باشد و از جمله حقوق اینکه خود را از او باز ندارد
اگر چه بر مرکب سوار باشد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بزنی فرمود گویا تو از جمله مسوفات که گفت
مسوفات کیانند فرمود زنانیکه چون شوهر ایشان را خلوت طلبد بهانه و وعده
کنند تا شوهر را خواب ببرد پس ملائکه بر او لعنت کنند تا وقتی که شوهرش بیدار شود
و از جمله حقوق اینکه اگر از او آزرده باشد خواب نکند تا عذر خواهی کند و او را راضی
گرداند اگر چه شوهر بر او ظلم کرده باشد و اگر پیش از آنکه او را راضی کند بخواب رود هیچ طاعت
از او قبول نشود و زنی که شوهر را گوید من از تو خیری ندیدم اعمالش همه باطل شود و زنی که شوهر

برنجانند و ازرده کنند هیچ عمل او قبول نشود و اگر صوم دهر گیرد و همیشه نماز کند و زر دهد و بنده ها آزاد
کند و مالها در راه خدا صدقه دهد تا انکه او را از خود راضی کند و اگر شوهر بر زن ظلم کند و او را
برنجاند مثل ان گناه و عذاب بر او ثابت شود هر کس بر بدخوئی زن صبر کند هر گاه صبر که
کند مثل ثواب صبر ایوب برایش بنویسند و بر زن هر شبانه روز مثل ریگ عالج
گناه نویسند و اگر زن با شوهر سازکاری نکند و او را تکلیف چند کند که مقدورش
نباشد و او را بر مشقت و تعب دارد هیچ حسنه از او قبول نشود که او را از آتش نگاه دارد
مادامیکه بر اینحال باشد در غضب خدا باشد و جهاد زن ان است شوهرداری خوب کند
و بر آزار و مشقت او صبر کند و حضرت پیغمبر صلعم فرمود ای گروه زنان تصدق کنید اگرچه از زر زینت
خود باشد اگرچه بنصف خرمائی باشد و اطاعت شوهران کنید که اکثر شما در دوزخ باشید
زنان چون این سخن بشنیدند همه گریستند یکی از ایشان برخواست گفت یا رسول الله
ما با کفار در دوزخ باشیم والله که ما کافر نیستیم فرمود شما کفران حق شوهران میکنید زن
دیگر برخواست گفت یا رسول الله ما با این مشقت رنج حمل و رضاع و با اینکه فرزندان
متعلق صالح از ما بوجود اید بدوزخ رویم پس حضرت رقت نمود فرمود با انچه گفتید اگر شوهران
را نرنجانید و نماز گذارید یکی از شما بدوزخ نرود و ایضا زنی از انحضرت پرسید که کدام حق
بر مرد عظیمتر است فرمود حق پدر بر زن و باز فرمود که حق شوهر و اگر غیر خدا را سجده کردن جایز می
بود امر میکردم که زنان شوهران را سجده کنند پرسید حق زن بر مرد چیست فرمود
از صدیقی حیث زنی بخدمت حضرت پیغمبر عرض داشت که شوهرم با من بی التفات است
چیزی ساختم که او را با خود مهربان کنم فرمود ملائکه سموات و ارض بر تو لعنت کنند تا ازان
رفت روزها

رفت روزها روزه میگرفت و شبها عبادت میکرد و سر خود را تراشید و پلاس پوشید
این خبر بانحضرت رسید فرمود هیچ سود ندارد و حق زوجه بر زوج آنست که نفقه و کسوه اش را بدهد
و اگر مقدور باشد معیشت را بر او وسعت کند و او را محتاج دیگری نگذارد و خود را برای او بیاراید
که بسبب عفتش باشد او از آرایش مرد را دوست دارد او نیز آرایش او را دوست دارد و جهل و چنانکه
تقصیراتش را عفو کند و او را بر اندک تقصیر نگیرد و عتاب نکند و نرنجاند و ترش روی و عبوس
نکند حضرت پیغمبر صلعم فرمود بهترین مردان کسی است که با زن خود خوش سلوک باشد و بدترین
مردان کسی است که زن را برنجاند و از جمله حقوق اینکه حلال و حرام و اداب دین تعلیمش
کند و در عید ها توسعه اسباب عید و سرور بقدر مقدور برایش نماید **فصل دوازدهم** در بعضی نوادر
مناسب این باب مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که خدای تعالی غیرت
را بمردان عطا فرمود و از این جهت است که بر زن زیاده بر یکی حرام شد و زنان را
غیرت نباشد بلکه غیرت ایشان حسد است و حسد اصل کفر است از این جهت است
که زنان مؤمنه برای متعه و زن دیگر غیرت نکنند و زنان غیر مؤمنه غیرت کنند و در
مردی در حضرت امام علیه السلام از زن خود شکوه و تعریف بسیار کرد فرمود امتحان کن گفت نه
فرمود برو امتحان کن امر در فکر زن دیگر برآ زن اول همان تکلف خوش ثابت بود و
طیش و ناخوشی نکرد بخدمت حضرت آمد حکایت کرد حضرت فرمود حالا راستی نکوئی
بهتر مرویست که در کارها با زنان مشورت مکنید اگر بکنید خلاف ایشان بکنید که برکت
در مخالفت ایشان است و از بدان ایشان بگریزید و از نیکان بر حذر باشید
و در خیرات اطاعت ایشان مکنید تا در شر طمع نکنند و ایشان را بهر حمامی و عروسی

بعوای حضرت رسید مجملا ملکذارید که هر وقت و هر جا که خواهند روند که موجب عظم
باشد مردی که زن خود را هر جا رخصت دهد سر از زیر در دوزخ افکند باب ٥ از دهم
در آداب سفر و احکام متعلق بآن و این مجموع در ده فصل بیان شود فصل اول در بعضی
مقدمات سفر روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که مثل ایشان سفر کردن کر بر دو جه
یا تحصیل رزق و آخرت یا از برای تحصیل معیشت یا لذتی که حرام نباشد و نیز مرویست که سفر کنید تا صحت
یابید و غنیمت کنید تا غنی شوید و نیز مرویست که چون خدای تعالی رزق کسی را جای که باشد
حاجتی برای او در آنجا بر انگیزد که بقدرت بآنجا حرکت کند و نیز مرویست که هر کس را اهل بر عادت
سفر دریا کند دین خود را در معرض تلف در آورده و در تحصیل معاش و زینه باشد فصل دوم
در اختیار ساعت برای سفر روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سفر و سایر مطالب
در صبح شنبه و پنجشنبه مبارکست و در شنبه اگر سنگی از جای خود حرکت کند خدای تعالی
او را باز بجای خود برساند و روز پنجشنبه روزیست که خدای تعالی و رسول او و ملائکه و اهل بیت
او آن را دوست دارند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله اکثر غزوات در روز پنجشنبه متوجه میشده
ظفر می یافته و در روز سه شنبه خدای تعالی آهن را برای حضرت داود علیه السلام نرم کردانیده
که زره ساخت سفر در این روز باسانی کذرد و احادیث بسیار آمده که روز چهارشنبه
روز نحس است و خدای تعالی اکثر امم سالفه را در این روز عذاب کرده و ارکان آتش را در این
روز آفریده اما حدیث دیگر روایت شده که روز چهارشنبه بجز اشکایت کو که بندکان
تو مرا نحس میدانند فرمود نحسی بر کافران و سعدی برای مؤمنان و روایت دیگر آمده
که کسی بحضرت امام موسی علیه السلام پرسید که مردم سفر چهارشنبه آخر را شوم میدانند فرمود هر کس
بمخالفت

بمخالفت جمعی که فالهای بد میزنند و چیزها را شوم میدانند در چهارشنبه آخر سفر کند
از آفات و عاهات بسلامت و عافیت مراجعت کند و نیز مرویست که هر کس روز جمعه
پیش از نماز جمعه بسفر رود ملکی ندا کند که خدا ترا باز نکرداند و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که
فرمود هر روز دو شنبه برای دشمنان ما آفریده شده است مشرکان قریش در این روز
بر من در آمدند و من در این روز از مکه هجرت کردم و در این رحلت خواهم کرد و علی در این
شهید خواهد شد و حسن در این روز مسموم خواهد شد و در این روز رحلت خواهد کرد و روایت
که جمعی در این سفر کرده رفتند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام وداع کنند فرمود شما در این
روز چون امید خیر و برکت دارید کدام روز از روز دوشنبه شوم تر باشد که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
در این روز از میان ما رفت و در این از ما منقطع شده و بروایت دیگر قضیه کربلا واقع
شده و در این روز جناب حسین علیه السلام شهید شد و بروایت دیگر اهل بیت را هیچ صعبتی روز دو
که در این روز نامرو ز مرید فردا که سه شنبه است بروید که آهن در روز سه شنبه نرم شده
و سفر آسان کذرد و هم از آنحضرت مرویست که روز دوشنبه سفر مکنید و از پی کار مروید
و نحوست روز عاشورا را در فصل اعمال ماه محرم کذشت اما نحوست روز یکشنبه چنانکه
مشهور است در بعضی از کتب علما مسطور است اما حدیثی بنظر نرسیده و روایت
دیگر آمده که یکروز دشمنی تا با شما دشمنی نکند و روایات [illegible] آمده که اکر تصدق کنید
و هر روز خواهید بسفر روید که بصدقه بلاها رفع شود و مرویست که هر کس قمر در عقرب
بسفر رود و در آن خیر نبیند و اگر تحت الشعاع کند صعب و دشوار کردد و تحقیق عمل نجوم
در فصل جزئیات عادات کذشت فصل سیم در تحصیل رفیق و تهیه اسباب در این باب .

مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم که اول تحصیل رفیق کنید بعد از
آن عزم سفر نمائید و نیز مرویست که سه کس ملعون‌اند کسی که طعام خود را تنها خورد
دیگری که تنها بخوابد دیگری که تنها بسفر رود و چون شیطان ایشان را تنها بیند
در سفر یا در حضر اتش زیاده شود مرویست که یک کس یک شیطان است و دو کس دو شیطان است
سه کس مصاحب‌اند و چهار کس رفیق‌اند و نیز مرویست که رفقا چهار است و نیز مرویست در
هیچ جمعی زیاده از هفت نباشند مگر آنکه قال و قیل و غوغا در میان ایشان بسیار باشد
اگر کسی در سفر مضطرب و تنها شود بگوید ما شاء الله لا حول و لا حول و لا قوة الا بالله
اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِي وَاَعِنِّي عَلٰى وَحْدَتِي وَاَدِّ غَيْبَتِي و از جمله
اسباب آنکه انگشتر عقیق و تربت مقدس با خود دارد در میان رختهای خود داشته
باشد تا از دزد و آفات محفوظ باشد چنانکه در مباحث سابق گذشت و
صلاح و مسواک و آئینه و شانه و سرمه و مقراض با خود بردارد و نیز مرویست که از جمله
شرف مرد آنست که برای سفر توشه و آذوقه خوب تهیه نماید و حضرت امام
زین العابدین علیه السلام هرگاه به حج و عمره میرفتند حلویات و امثال آنها بر
میداشتند و حضرت صادق ع فرمود و از جمله وصیت لقمان با پسرش این
نوع بود که چون بسفر روی شمشیر و موزه و عمامه و خیمه و خیک آب و سوزن
و ریسمان و ادویه آنچه ترا و رفقا را در کار باشد بردارد با رفقا در کارها
موافقت کن مگر در معصیت و نیز مرویست هر کس در سفر عصای بادام تلخ با خود دارد
زمین برایش طی شود اگر در وقت بیرون رفتن عصای بادام بگیرد و این آیه را
از سوره

سوره قصص بخواند فَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ وَاللّٰهُ عَلٰى مَا نَقُولُ
وَكِيلٌ از سبع و درنده و حیوان گزنده و دزد و برنده ایمن باشد تا آنکه بخانه
خود مراجعت کند و هفتاد هزار فرشته تا وقت مراجعت با او باشند و برایش
استغفار کنند و عصا در دست داشتن نفی فقر کند و شیطان را دور کند و هر کس
اعانت مسافری کند در حاجتی از حوائج خدای تعالی هفتاد و سه کربت از او بردارد
و از غموم و هموم دنیا و آخرت نجاتش دهد و کربت روز قیامت را از او برگیرد
و هر کس بجای خود در مانده باشد و انگشت حسرت بدندان ندامت گزد و در روایت
دیگر آمده که خدای تعالی بیست و سه کربت در دنیا و هفتاد کربت در آخرت از او
برگیرد و مرویست که چون مومن سفر کند لازم است که دوستان را خبر کند و چون
مراجعت کند بدیدنش آیند

فصل چهارم

در افتتاح سفر و دعا و صدقه و مرویست از اهل
بیت طاهرین علیهم السلام که چون عزم کنید بگوئید اَللّٰهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَاَحْسِنْ
مَسِيرَنَا وَاَعْظِمْ عَافِيَتَنَا و نیز مرویست که مسافر هیچ جانشینی برای اهل خود
نگذارد و بهتر از آنکه وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز گذارد و بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ دِينِي وَنَفْسِي وَمَالِي وَاَهْلِي وَوُلْدِي
وَجِيرَانِي وَاَهْلَ حُزَانَتِي الشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ وَجَمِيعَ مَا اَنْعَمْتَ
بِهِ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي كَنَفِكَ وَمَنْعِكَ وَعِيَاذِكَ وَعِزِّكَ عَزَّ جَارُكَ
وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَامْتَنَعَ عَائِذُكَ وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ
الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ

فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا الله اکبر کبیرا والحمد لله
کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا وهرچه در این دعا سؤال کند خدای تعالی
عطا فرماید و حضرت امام محمد باقر علیه السلام چون اراده سفر میفرمود عیال خود را در خانه
جمع میفرمود و این دعا را میخواند و ادعیه بیرون آمدن از خانه در فصل عبادات گذشت و چون خواهد
از خانه بیرون آید تحت الحنک ببندد و حضرت امام فرموده من ضامنم که چون کسی وقت بیرون
رفتن تحت الحنک ببندد از دزد و سوختن و غرق شدن ایمن باشد و بسلامت باز گردد و اگر
نبسته باشد بالمی مبتلا شود که دوا نداشته باشد غیر خود کسی ملامت نکند و چون از خانه بیرون
آید بر در خانه رو براهی که میرود بایستد و الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله و معوذتین هر یک سه
بار رو بروی و جانب راست و چپ بخواند و بعد از آن بگوید اللهم احفظنی واحفظ ما
معی وبلغنی وبلغ ما معی وسلمنی وسلم ما معی ببلاغک الحسن
و هرچه بارادت بسلامت مراجعت کند و نیز بگوید بالله استفتح وبالله
استنجح وبمحمد صلی الله علیه وآله اتوجه اللهم سهل لی کل
حزونة وذلل لی کل صعوبة واعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجو
واصرف عنی من الشر ما احذر فی عافیة یا ارحم الراحمین کسی
بحضرت امام علی النقی علیه السلام عرض نمود که از حضرت صادق علیه السلام در هر ماه چند روز نحس روایت شده
بسا باشد که در آن ایام حاجتی یا سفری ضرور شود فرمود شیعیان ما چون اعتماد و وثوق
بر خدا کنند و از روی اخلاص و یقین متمسک بولایت ما شوند اگر بدریای مواج پر طوفان
و صحرای خونآشام در میان سباع و اعادی انس و جان روند که خدای تعالی ایشان را محافظت
خاير

فرماید و صبح ضرر بایشان نرسد و صبح و شام سه مرتبه بگوید که اصبحت اللهم معتصما
تا آخر چنانکه در اوراد صبح و شام گذشت از هر مخوف و محذور در حصنی حصین باشی و اگر
یکی از روزهای نحس عزم سفر کنی وقتی که خواهی روانه شوی الحمد و قل هو الله احد و معوذتین و
آیة الکرسی و انا انزلناه و این پنج آیه سوره آل عمران بخوان ان فی خلق السموات
والارض تا انک لا تخلف المیعاد و این دعا بخوان اللهم بک یصول الصائل
ولا حول لکل ذی حول الا بک ولا قوة الا منک بصفوتک
من خلقک وخیرتک من بریتک محمد نبیک وعترته وسلالته
اللهم صل علیه وعلیهم واکفنی شر هذا الیوم وضره وارزقنی
خیره واقض لی فی منصرفاتی بحسن العافیة وبلوغ المحبة والظفر
بالامنیة وکفایة الطاغیة الغویة وکل ذی قدرة علی اذیة
حتی اکون فی جنة وعصمة من کل بلاء ونقمة وابدلنی
من المخاوف فیه امنا ومن العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی
صاد عن المراد ولا یحل بی طارق من اذی العباد انک علی کل شیء
قدیر والامور الیک تصیر یا من لیس کمثله شیء وهو السمیع
البصیر والصادق پیش از رفتن سفر صدقه ضرور تصدق کند و بگوید اللهم انی
اشتریت سلامتی فی سفری هذا بهذا از آفات ایمن گردد و
حضرت سجاد علیه السلام چون بسفر میرفت همیشه بار مبارک در رکاب بسیار تصدق
میکرد و چون بسلامت رجوع میفرمود شکرانه آن تصدق دیگر میکرد و اکسیر حج و عمره

الحلیم الکریم

میرود وچون از خانه بیرون آید بگوید لا اله الا الله لا اله الا الله العلی العظیم

سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن

وما بینهن ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین وصلی الله

علی محمد واله الطاهرین اللهم کن لی جارا من کل جبار

عنید ومن کل شیطان مرید بسم الله دخلت وبسم الله

خرجت اللهم انی اقدم بین یدی نسیانی وعجلتی بسم الله

وما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله فی سفری هذا ذکرته

او نسیته اللهم انت المستعان علی الامور کلها انت

الصاحب فی السفر والخلیفة فی الاهل اللهم هون علینا

سفرنا واطو لنا الارض وسیرنا فیها بطاعتک وطاعة

رسولک اللهم اصلح لنا ظهرنا وبارک لنا فیما رزقتنا

وقنا عذاب النار اللهم انی اعوذ بک من وعثاء السفر

وکآبة المنقلب وسوء المنظر فی الاهل والمال والولد اللهم

انت عضدی وناصری اللهم اقطع عنی بعده ومشقته واصحبنی

فیه واخلفنی فی اهلی بخیر لا حول ولا قوة الا بالله اللهم

انی عبدک وهذا حملانک والوجه وجهک والسفر

الیک وقد اطلعت علی ما لم یطلع علیه احد غیرک

فاجعل سفری هذا کفارة لما قبله من ذنوبی وکن عونا

لی علی

لی علیه واکفنی وعثه ومشقته واغثنی من القول والعمل رضاک

فانما انا عبدک وبک ولک فصل پنجم در وداع ومفارقت روایت

از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون جمعی مسافر را وداع کنند بگویند زودکم الله

التقوی ووجهکم الی کل خیر وسلم دینکم ودنیاکم وردکم

سالمین الی سالمین واگر خواهند بگویند احسن الله لک الصحابة

واکمل لک المعونة وسهل لک الحزونة وقرب لک البعید

وکفاک المهم وحفظ لک دینک وامانتک وخواتیم عملک

ووجهک لکل خیر علیک بتقوی الله استودع الله

نفسک سر علی برکة الله عز وجل وچون مسافر روانه شود از عقبش

آیة الکرسی بخوانند اذان واقامت بگویند بعد از آن بگویند اللهم الطف

بی فی تیسیر کل عسیر فان تیسیر العسیر علیک یسیر

اسئلک الیسر والعافیة والمعافات الدائمة فی الدنیا و

الاخرة وچون مسافر از یاران جدا شود بگوید اللهم اغفر لی علی اهالی فی

الدنیا والاخرة ومصیبات اللیالی والایام واکفنی شر ما

یعمل الظالمون فی الارض فصل ششم در آداب سوار شدن وراه رفتن

روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون پا در رکاب کنی بگو بسم الله

الرحمن الرحیم والله اکبر وسایر آداب سوار شدن در فصل خود گذشت

وچون مسافر در پشت مرکب قرار گیرد بگوید بسم الله ولا قوة الا بالله

الحمد لله الذي هدانا للاسلام ومنّ علينا بمحمد صلى الله عليه وآله
سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا الى ربنا لمنقلبون
والحمد لله رب العالمين اللهم انت الحامل على الظهر والمستعان
على الامر اللهم بلغنا بلاغا تبلغ به الى الخير بلاغا تبلغ الى رحمتك
ورضوانك ومغفرتك اللهم لا طير الا طيرك ولا خير الا خيرك
ولا حافظ غيرك وچون بر مرکب سوار شود بگوید اخرجت بحول الله وقوته
بغير حول مني وقوة ولكن بحول الله وقوته برئت اليك يا رب
من الحول والقوة اللهم اني سئلك بركتها اللهم اني اسئلك
من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا تسوقه الي وانا خائض في
عافية بقوتك وقدرتك اللهم اني سرت في سفري هذا
بلا ثقة ورجاء لسواك فارزقني في ذلك شكرك وعافيتك
ووفقني لطاعتك وعبادتك حتى ترضى وبعد الرضا
چون از شهر جدا شود بگوید اللهم اني استودعك ديني ونفسي و
مالي ودنياي وآخرتي وخاتمة عملي واحفظني من كل
آفة وعاهة واعصمني من كل زلل وخطا يا سميع يا قريب
يا حفيظ يا مجيب اجب دعائي يا كريم يا كريم يا كريم وديگر بگويد اللهم
بك انتشرت واليك توجهت وبك اعتصمت انت ثقتي
ورجائي اللهم اكفني ما اهمني وما لا اهتم له وما انت اعلم به مني اللهم زودني
التقوى

التقوى واغفر لي وارحمني وديگر بگويد بسم الله مخرجي وباذنه خرجت
وقد علم قبل ان اخرج خروجي وقد احصى لعلمه في مخرجي ومرجعي
توكلت على الاله الاكبر توكل مفوض اليه امره مستعين به
على شؤونه مستزيد من فضله مبرئ نفسه من كل قوة الا به
خروج ضرير خرج بضره على من يكشفه وخروج فقير خرج بفقره
الى من يسده وخروج عائل خرج بعيلته الى من يغنيها وخروج من
ربه اكبر ثقته واعظم رجائه وافضل امنيته الله ثقتي في جميع اموري
كلها به فيها جميعا استعين ولا شيء الا ما شاء الله في علمه
اسئله خير المخرج والمدخل لا اله الا هو واليه المصير وديگر بگويد
اللهم اني خرجت في وجهي هذا بلا ثقة مني بغيرك ولا رجاء
آوي اليه الا اليك ولا قوة اتكل عليها ولا حيلة الجاء
اليها الا طلب رضاك وابتغاء رحمتك وتعرضا لرزقك
وسكونا الى حسن عائدتك وانت اعلم بما سبق لي في
علمك في هذا مما احب واكره اللهم فاصرف عني مقادير
كل بلاء ومقضي كل لأواء وابسط علي كنفا من رحمتك ولطفا من
عفوك وحرزا من حفظك وسعة من رزقك وتماما من
نعمتك وجماعا من معافاتك ووفقني فيه يا رب جميع ما
على موافقة هواي وحقيقة املي وادفع عني ما احذر

وما لا احذر على نفسي وديني ومالي ومما انت اعلم به مني
واجعل ذلك خيرا لآخرتي ودنياي مع ما اسئلك ان تخلفني
فيمن خلفت وراءي من ولدي واهلي ومالي واخواني وجميع حزانتي
بافضل ما خلفت به غائبا من المؤمنين في تحصين كل عورة
وحفظ كل محذور وصرف كل مكروه وكمال ما تجمع لي به
الرضا والسرور في الدنيا والآخرة ثم ارزقني شكرك وذكرك تقضی
وطاعتك وعبادتك حتى تبلغني الرضا اللهم اني استودعك
اليوم ديني ونفسي ومالي واهلي وولدي وذريتي و
جميع اخواني اللهم احفظ الشاهد منا والغائب عنا اللهم
احفظنا واحفظ ما منحتنا اللهم اجعلنا في جوارك ولا تسلبنا
ولا تغير ما بنا من نعمة وعافية وفضل ونزكو به اللهم اسعدنا
بهذه البركة وامددنا باليمن والبركة وقنا سوء القدر
واكفنا مهمات السفر وقرب لنا البعد والنوى وسهل
لنا السير والسرى ووفقنا لطي المراحل وانزلنا خير المنازل
واحفظ مخلفينا واجمع بيننا وبينهم باحسن امالنا و
امانينا سالمين غانمين تائبين آيبين برحمتك يا
ارحم الراحمين وچون سر راه رسد هفت سنگ ریزه بردارد و بر هر یک
ده مرتبه این آیه را بخواند قل من يكلؤكم بالليل والنهار من الرحمن
بل هم

بل هم عن ذكر ربهم معرضون و قل هو الله احد بخواند و با خود نگاه
دارد و از آفات محفوظ گردد و اگر در راه چیزی بیند که بفال خوش نباید بگوید اعتصمت
بك يا رب من شر ما اجد في نفسي فاعصمني من ذلك و در عقبه‌ای
که برآید تکبیر بگوید چون بزیر آید تسبیح بگوید چون بر سر بلندیها رسد
بگوید لا اله الا الله والله اكبر والحمد لله رب العالمين لك
الشرف على كل شرف هر چه در پشت سر باشد از صحرا و کوه و غیر آن
بتهلیل او تهلیل کند و هر چه در پیش رو باشد بتکبیر او تکبیر گویند و چون بصحرای خوف
ناک رسد بگوید یا ارض ربي وربك الله اعوذ بالله من شرك وشر
ما خلق فيك ومن شر ما يدب عليك اعوذ بالله من شر
كل اسد واسود وحية وعقرب ومن ساكن البلد ومن شر
والد وما ولد افغير دين الله يبغون وله اسلم من في السموات
والارض طوعا وكرها واليه يرجعون الحمد لله بنعمته وحسن
بلائه علينا اللهم صاحبنا في السفر وافضل علينا فانه لا حول
ولا قوة الا بالله بعد از آن سوره الهاكم التكاثر بخواند از شر سباع و
هوام و حیات و عقارب ایمن باشد و ایضا از حضرت صادق علیه السلام روایت
که اگر از جن یا از انس خوف داشته باشد دست راست بر فرق سر گذارد و باواز بلند
این آیه را بخواند افغير دين الله تا آخر آیه و اگر از غول و جن ترسد باواز بلند
اذان بگوید و آیة الكرسي بخواند و بعضی علما در کتب خود ذکر کرده‌اند که اگر کسی در محل

ما فيك ومن شر

خوفناک باشد یا در خزنه واقع شود چهار سنگ ریزه بردارد یکی را بجانب راست دویم
بجانب چپ سیم را از بالای سر پشت چهارم را از پیش رو اندازد و هر مرتبه بگوید
قوله الحق وله الملک بسلامت از آن درطه بگذرد و نجات یابد و آن لشکر شکست یابد
ان شاء الله تعالی وایضاً اگر در راه خوفناک باشد پنج سنگ ریزه بردارد و باین طریق
اول را که بردارد بگوید یا الله دویم جبرئیل سیم موسی چهارم محمد پنجم ابراهیم
و با خود نگاه دارد ان شاء الله حرز از سباع رسد در فصل حرز و تعویذ گذشت و اگر
راه گم کند بگوید یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق رحمکم الله
و اگر در دریا باشد بگوید یا حمزة مرویست که صالح در صحراها و حمزه بر دریاها موکلست
اگر خواهد بگوید بسم الله ذی الشأن عظیم البرهان شدید السلطان
کل یوم هو فی شأن ما شاء الله کان وما لم یشأ لم یکن ولا حول
ولا قوة الا بالله اگر کسی پیاده باشد اثنا از راه بخواند از ماندگی ایمن باشد
مرویست که با رفقا و جمعیت بروید و اگر کسی در سفر از رفیق اتفاقاً جدا شود که
از نظر غایب شود اعانت کشتن او که باشد و در خورش شریک باشند و احادیث
بسیار آمده که خدای تعالی اول شب را برای استراحت آفریده خود و چهارپایان در
اول شب استراحت کنید و آخر شب راه روید که راه در آخر شب زود طی میشود و آداب
حقوق دواب در فصل خود گذشت فصل هفتم در آداب متعلق بمنزل مرویست از اهل
بیت طاهرین علیهم السلام که چون منزل نمایان شود بگوید اللهم انی اسالک
خیرها واعوذ بک من شرها اللهم حببنی الی اهلها وحبب
صالحی

صالحی اهلها الی چون بمنزل نزدیک شود بگوید اللهم رب السماء وما اظلت ورب
الارض وما اقلت ورب الریاح وما ذرت ورب الانهار وما
جرت عرفنا خیر هذه القریة وخیر اهلها انک علی کل شیء قدیر
اللهم یسر لی ما کان فیها من خیر ووفق لی ما کان فیها من یسر
واعنی علی حاجتی یا قاضی الحاجات ویا مجیب الدعوات ادخلنی
مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا
نصیرا و چون فرود آید بگوید رب انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین
وایدنی بما ایدت به الصالحین وهب لی السلامة والعافیة فی
کل وقت وحین اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق وذرأ
وبرأ خدای تعالی آن منزل را روزیش کند و شرش را ازو دفع کند و چون مکانی را اختیار کند
پیش از آنکه نشیند دو رکعت نماز گذارد و بعد از آن بگوید رب انزلنی منزلا مبارکا
وانت خیر المنزلین وایضا بگوید اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة واعذنا
من وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی اهلها الینا خیرات آن منزل
روزی شود و چون خواهد بنشیند بگوید بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء
فی الارض ولا فی السماء اگر در منزل خوف سبع باشد بخواند اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر وهو علی
کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع تا در آن منزل باشد از شر
ایشان ایمن باشد و اگر از دزد خوف داشته باشد بگوید یا ودود یا ودود یا ودود یا

وارزقنا من ثمرها وحببنا الی اهلها

اللهم اطعمنا من جناها واعذنا

یا ذا العرش المجید یا فعّال لما یرید اسئلک بعزّتک التی لا ترام و
ملکک الذی لا یضام و بنورک الذی ملأ ارکان عرشک ان تکفینی
شرّ اللصوص یا مغیث اغثنی یا مغیث اغثنی و سایر اذکار و آیات برای حرز
ازو زد و در فصل تعوید و اداب خواب گذشت چون خواهد از آن منزل کوچ کند دو رکعت نماز گزارد
آن منزل و اهل آن و ملائکه از آن وداع کند که در هر موضعی جمعی از ملائکه باشند بگوید السّلام
علی ملائکة الله الحافظین السّلام علینا و علی عباد الله الصّالحین

فصل هشتم در اداب سفر دریا مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون داخل
کشتی شود بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و ما قدروا الله حق قدره و الارض
جمیعا قبضته یوم القیمة و السموات مطویات بیمینه سبحانه
و تعالی عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور
رحیم که امان است از غرق شدن اگر امواج متلاطم شود بگو یا حیّ لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین و آیة الکرسی بخوان و روایت آمده که بر دست
چپ تکیه کن و با دست راست اشاره بموجها نمه بگو قری بقرار الله عزّ و جلّ و اسکنی
بسکینة الله جلّ و عزّ و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
راوی گوید دریا بودم دیدم که موجها بلند شد چنین کردم ساکن شد چنانکه گویا هرگز
نبود **فصل نهم** در مکارم اخلاق و اداب رفاقت در سفر مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام از وصایای لقمن با پسرش این بود که مادامی که سوار باشی قرائت کتاب الله
کن و مادامی که مشغول کاری باشی ذکر و تسبیح کن و وقتی که بیکار باشی دعا کن و چون
باجمیع رفقا

باجمیع رفیقان باشی در کارها با ایشان مشورت نمائی و با ایشان انبساط و شگفتگی کن و در کارها با
ایشان مدد کن و رفاقت نما چنان که ایشان را نرنجانی و ایشان را ذلیل نکنی و خود نیز
ذلیل ایشان نشوی و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کرم در مروت نفس و فجوریست که خالی نعمتش
در بیرون خانه اش باشد و مروت دو قسمت در حضر آن تلاوت قرآن است و ملازمت مساجد
و سعی در حوائج مؤمنان و در سفر و آن خوبی و بسیاری توشه است و بذل بر رفقا و کتمان
احوال ایشان بعد از مفارقت و کثرت مزاح بخوری که معصیت در آن نشود و فرمود چون با جمعی
رفیق باشی اگر توانی همیشه دست احسان تو بر سر ایشان باشد چنان کن که رزق بقدر مروت
و مؤنت بقدر مؤنت و صبر بقدر بلا نازل میشود و کسی از آنحضرت سؤال کرد که در سفر با جمعی رفیق
میشوم و با ایشان توسعه و احسان بسیار میکنم و خوشنود یا چنین مردم مخلوط و مصاحب مباش که اگر
ایشان نیز مثل تو سلوک کنند از عهده بیرون نیایند و گر نه ذلیل شوند بلکه امثال آن خود
محافظت کن و همدستشان باش یعنی اوضاع و سرانجام شما در میان ایشان هم باشد بلکه انچنانکه در خانهای
خود در حضر میباشند و اگر عذر که مقدور شود احسان و اطعام کنید و نیز مرویست که با کسیکه
در وسعت مال از شما زیاده باشد مخالطت و رفاقت نکنید که سبب خفّت شما شود و با
کسی که قدر شما را چنانکه شما قدر او را میدانید نداند رفاقت مکنید **فصل دهم** در رجوع از سفر مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که هر روز در ایام سفر برای حفظ و دعا اهل این دعا بخواند
یا جامعا بین اهل الجنّة علی تألیف من القلوب و شدّة تواصل لهم
فی المحبّة و یا جامعا بین طاعته و بین خلقه لها یا مفرّج حزن کل
محزون یا مسهّل کلّ غربة ارحم الراحمین فی غربتی بحسن الحفظ و

والکلائة والمعونة وفرّج ما بی من الضیق والحزن بالجمع بینی وبین
احبّائی یا مؤلّفا بین الاحبّة صلّ علی محمّد وآل محمّد ولا تفجعنی
بانقطاع رؤیته اهلی بانقطاع رؤیتی بکلّ مسئلة سئلک
وادعوک فاستجب لی وذلک دعائی ایّاک فارحمنی برحمتک
یا ارحم الراحمین و در روایت است که سفر قطعه از عذاب است چون در سفر قضای حاجت
کردید زود مراجعت کنید و اگر مسافر شب داخل خانه شود پیشتر خبر کنید که غافل داخل نشود و چون
داخل شود بگوید آئبون تائبون عابدون راکعون ساجدون لربّنا حامدون
اللهمّ لک الحمد علی حفظک ایّای فی سفری وحضری اللهمّ اجعل
اوبتی هذه مبارکة میمونة مقرونة بتوبة نصوح توجب لی
بها السعادة یا ارحم الراحمین و پیشتر از آنکه مشغول کار شود دو رکعت نماز گذارد
و بعد از نماز در سجده صد مرتبه بگوید شکرا لله و تصدّق بکند مرویست که از سنّت نقل
کردن احوال از حضر و سفر و مستحب است تحفه و هدیه برای دوستان فرستادن و اگر کسی از سفر حج
بیاید او را با غبار راه معانقه کردن چنان است که استلام حجر الاسود کند و تهنیت چنین کند و
تقبّل الله منک واخلف علیک نفقتک وغفر ذنبک

باب [illegible]

در فضایل حج و عمره و زیارت و مقصود از این باب ان شاء الله در دو فصل بیان شود

فصل اول

در بیان فضایل حج و عمره مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس حج یا عمره
گذارد و از گناه بری شود و از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولّد شده باشد و نیز مرویست که ثواب
حج بهشت است و عمره کفّاره گناهان است و چون کسی تهیه اسباب حج شود بر هر کاری که از آن کار گام
که بردارد

که بردارد و بگذارد ده حسنه بنویسند و ده سیّئه محو کنند و ده درجه بلند گردانند تا وقتی که
که از تهیه اسباب فارغ شود هر کدام که مرکب بگذارد ده حسنات بنویسند و سیّئات
محو کنند چون طواف خانه و سعی صفا و مروه کنند از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولّد
شده و رمی جمرات ذخیره روز قیامت باشد چون حلق کنند بهر موی روز قیامت
نوری عطا فرماید و در روایت دیگر آمده که چون تلبیه گوید بهر تلبیه ده حسنه بنویسند و ده سیّئه
محو کنند و چون هفت مرتبه طواف کند حق تعالی آن را از برای ایشان ذخیره کند و شرم
دارد که هرگز بعد از آن عذابش کند و چون در مقام ابراهیم دو رکعت نماز کند هزار
حج برای ایشان بنویسند و چون سعی صفا و مروه کند چنان است که هفتاد بنده مؤمن آزاد کند
و چون وقوف عرفات بجا آورد گناهانش اگر زیاده شود اگر چه ریگ عالج و قطره
و ستارهای آسمان باشد و چون رمی جمرات کند بهر جمره ده حسنه بنویسند
و چون قربان کند بهر قطره خون حسنه بنویسند و چون از همه مناسک فارغ
شوند از همه گناهان پاک شود و چهار ماه بعد از آن گناه برای او ننویسند مگر آنکه کبیره
کند و حاج و معتمر در جوار خدا مهمان او باشند و اگر بمیرند به بهشت روند و اگر مانند از
گناه پاک باشند و اگر دعا کنند قبول و بیکدرهم که صرف کنند هزار درهم برابر عوض
دهد و در روایت دیگر آمده که اگر در وقت رفتن بمیرند از زنده شوند و اگر احرام بسته بمیرند
لبیک گویان محشور شوند و اگر در مراجعت بمیرند از همه گناهان پاک شده هر کس که در این
راه در رفتن یا آمدن از فزع اکبر قیامت ایمن باشد و نیز مرویست که هر مؤمن که
هشتاد مرتبه تلبیه کند حق تعالی ملک را گواه کرد برای نجات او از نفاق و از آتش

وچون بحرم رسد فرود آمده غسل کند و کفش را در دست گرفته دراز روی تواضع پا برهنه
داخل حرم شود خداوند تعالی صد هزار حسنه برایش بنویسند و صد هزار سیئه محو کند و صد
هزار درجه بلند کند و صد هزار درجه بلند گردانند و صد هزار حاجتش را برآورد و چون داخل مکه شود
با خشوع و تسلیم گناهانش را بیامرزد و چون داخل مسجد الحرام شود نظرش بر کعبهٔ معظمه افتد
همه گناهانش را بیامرزد و کفایت مهماتش نماید چون سعی و مروه کند ملائکه برایش شفاعت
کنند و خدای تعالی قبول شفاعت شان فرماید و نیز مرویست که اهل حج سه قسمند
اول آنکه گناه گذشته و آینده اش را هم بیامرزد دویم آنکه اهل و مالش از حوادث
محفوظ گردد و این قسم سیمست که حجش قبول نشود هرکس بعرفات حاضر شود دعایش البته مستجاب شود
خواه مؤمن و خواه مخالف مؤمن را در دنیا و آخرت مخالف را در دنیا و نیز مرویست
که چون مؤمنان وقوف عرفات بجا آورند از هر ولایت که باشد اهل آن ولایت از مؤمنان
همه آمرزیده شوند و کسی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که کدام گناه عظیمترست فرمود
کسیکه مناسک حج بجا آورد و بعد از آن چنان داند یا شک داشته باشد که گناهانش
آمرزیده نشده و چون اهل حج در منازل خود بمنی نزول نماید ندا کند که اگر بدانید که بچه درگاه
آمده اید یقین کنید که هرچه در این سفر صرف کرده اید عوض یابید با مغفرت گناهان و نیز
مرویست که یک درهم در حج افضلست از دو هزار هزار درهم در غیر آن از وجوه بر و کسی از
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید که من مال بسیار دارم عملی بفرما که بکنم که اجر حج یابم
فرمود که اگر کوه ابو قبیس تمام طلا باشد همه را در راه خدا صرف کنی اجر حج نیابی و در روایت
دیگر آمده که اگر کسی بنیت خالص و نفقهٔ حلال بغیر طریق حج گذارد خداوند تعالی گناهانش را بیامرزد
وخلق را

وخلق را از او راضی گرداند و اگر به نیت خالص و نفقهٔ طیب گذارد او را در بهشت اعلا در زمرهٔ
در زمرهٔ انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین جا دهد و نیز مرویست که اهل قبور آرزو کنند
که بعوض تمام دنیا و مافیها ایشان را یک حج بود و نیز مرویست که هرکس چهار حج گذارد
از فشار قبر ایمن گردد و چون بمیرد حجهای که گذارده با بهترین صورتی داخل قبر او شوند
و تا روز قیامت نماز کنند و ثواب نماز ایشان همه از او باشد و هر رکعت آن نماز برابرست
با هزار رکعت نماز آدمی و اگر پنج حج گذارد خداوند تعالی هرگز عذابش نکند و اگر ده حج گذارد
هرگز حسابش نکند و هرکس حج بسیار گذارد و بهر یک حج شهری در بهشت برایش بنا کنند
در هر شهری خانها و غرفهای بسیار که در آنها حوریان باشند در خدمت هر یک
سیصد کنیزک که بحسن و جمال ایشان هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده باشد
و هرکس چون از حج مراجعت کند در خاطر داشته باشد که بار دیگر بحج آید عمرش زیاد شود
و اگر در خاطر باشد که دیگر بحج نیاید اجلش نزدیک شود و غلامش مهیا گردد و حضرت
صادق علیه السلام از کسی پرسید که چرا امسال بحج نرفتی گفت شغل عیال مانع آمد
فرمود چون تو بمیری که متکفل ایشان باشد برکه و زینت قناعت کنید هر سال شتر را
بحج بیار مرویست که هرکس مستطیع باشد و هر پنج سال بحج نکند محروم باشد و هرکس بسبب حاجتی
از حوائج دنیا ترک حج کند اهل حج از مناسک فارغ شوند هنوز حاجت او بر نیامده باشد
و هیچ کس از حج باز نماند مگر بسبب گناهی که کرده و هرکس حجة الاسلام نکرده بی ضرورت
عظیم یا مرضی یا مانعی از سلاطین بمیرد یهودی یا نصرانی محشور شود و مرویست که اگر کسی در
حج مانع کسی شود در دنیا از آفتی ایمن نباشد یا عقوبتی که در آخرت برایش مهیا شود و کسی

بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که مروی با من مشورت حج نمود من گفتم تو پریشانی در تو سوار است
و مانع او شدم فرمود منظور یک سال بجا آر باش پس یک سال بجا آر کشیدم اما اداء اسبه او غنیمتی بسیار بیک
چون طول عظیم دارد ذکر آن در این مختصر مناسب نبود لهذا از کتاب آن نمودیم فصل دوم
در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و از آنحضرت مرویست که فرمود که هر کس مرا زیارت کند در حیات
در جوار من باشد و شفاعت من او را واجب شود هر کس در مکه یا مدینه بمیرد از حساب ایمن باشد
هر کس مرا در وفات زیارت کند چنان است که با من هجرت کرده و اگر استطاعت آمدن نداشته
باشد سلام بر من بفرستد که بمن میرسد و همان حضرت صلی الله علیه و آله بحضرت امام حسین علیه السلام
فرمود ای فرزند هر کس مرا و تو را یا پدرت را یا برادرت را زیارت کند بر من لازم باشد که روز قیامت او را
زیارت کنم و از گناهش پاک کنم و بهشت او را واجب شود و در روایت دیگر فرمود که او را
در اهوال و شداید قیامت خلاص کنم و در درجه رفیق خود گردانم و نیز مرویست که هر که آنحضرت را
زیارت کند چنان است که خدا را در عرش زیارت کرده باشد فصل سیم در زیارت سایر ائمه اهل
بیت صلوات الله علیهم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر امامی در گردن اولیا
و شیعیان خود عهدی ثابت است و از جمله تمام وفا بآن عهد زیارت قبور ایشان است هر کس زیارت
ایشان کند چنان است که رسول الله را زیارت کرده باشد و نیز مرویست که هر کس یکی از ایشان را زیارت
و دو رکعت نماز در آن روضه گذارد ثواب یک حج مقبول برای او نویسند و اگر چهار رکعت نماز گذارد ثواب حج
و عمره نوشته شود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود یا علی خدای تعالی
قبر ترا و قبر اولاد ترا بقعه از بقعه‌های بهشت گردانیده و دلهای صفیان خلق و با ایشان مایل گردانیده که در محبت
ایشان تحمل مشقتها کنند و قبور ایشان را تعمیر نمایند و زیارت ایشان کنند یا علی ایشان اهل شفاعت
وارد حوض

وارد حوض شوند و ایشان همسایگان منند در بهشت یا علی هر کس تعمیر قبور شما کند برابر است
با هفتاد حج بعد از حجة الاسلام و از گناه پاک شود مثل آنکه از مادر متولد شده باشد و نعیم بهشت برای او مهیا
شما و محبان شما مهیاست که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده باشد و بهیچ خاطر نرسیده و از حضرت
فاطمه علیها السلام مرویست که فرمود که هر که سه روز بر پدرم سلام کند و بر من سلام کند در ایام حیات یا ممات
بهشت بر او واجب شود فصل چهارم در زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که هر مؤمنی که زیارت آنحضرت کند خدای تعالی برای او اجر هزار شهید بنویسد و گناه
گذشته و آینده اش را بیامرزد و در زمره انبیا محشور شود و حسابش آسان گردد و در وقت
مردن ملائکه استقبالش کنند و در وقت مراجعت مشایعتش کنند تا بجایش رسانند و اگر بیمار شود
عیادتش کنند و اگر بمیرد تشییع جنازه اش نمایند و برایش استغفار کنند کسی بحضرت امام جعفر
صادق علیه السلام گفت از کوفه بخدمت تو آمده ام و زیارت امیر المؤمنین علیه السلام نکردم فرمود بد
کردی اگر نه از اولیای ما میبودی نگاه نمیکردم تو زیارت نمیکنی کسی را که خدا و انبیا و ملائکه و
مؤمنان زیارتش کنند و ایضا مرویست که کسی پیاده بزیارت آنحضرت رود بهر گامی یک
حج و یک عمره برایش نویسند و اگر پیاده مراجعت کند بهر گامی دو حج و دو عمره نویسند و در روایت
دیگر آمده که هر کس بزیارت آنحضرت رود بهر گامی حجی و عمره مقبول برایش نویسند
و خدای تعالی بآتش نسوزد قدمی را که در زیارت آنحضرت غبار گرفته خواه سواره و خواه پیاده
فصل پنجم در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس زیارت آنحضرت کند و او را امام مفترض الطاعه داند کمترین اجرش اینست که گناهان
گذشته و آینده اش آمرزیده شود و در زیارت آنحضرت فرمودست بهر سلم و حضرت امام جعفر صادق ع

از کسی پرسید که چند حج کرده گفت هفده فرمود اگر بیست حج تمام کنی مثل یک زیارت حضرت
امام حسین علیه السلام است روایت دیگر آمده که زیارت آنحضرت برابرست با بیست حج و عمره
بروایت دیگر برابرست با بیست و پنج حج و نیز مرویست که فرمود زیارت آنحضرت مثل حج
و عمره است و اضعاف مضاعف آن راوی گفت که پرسیدم که مثل چند حج و عمره است
فرمود که نتوان شمرد عرض کردم که صد فرمود نتوان شمرد گفتم هزار فرمود که بیشتر از آن و نه که
نعمت خدا نتوان شمرد هر چند بشمری تمام نشود و نیز مرویست که زیارت آنحضرت برابرست
با آنکه بنده هزار دینار و هزار اسب با زین و لجام در راه خدا بجهاد فرستد و امان است با هدم و غرق
و حرق و همه آفات و موجب درازی عمر و زیادتی رزق است و ایام زیارت آنحضرت
داخل ایام عمر نیست و ترک آنحضرت سبب نقصان عمر و رزق است و حضرت امام فرمود که اگر
بگویم کسی که ترک زیارت آنحضرت کند سی سال پیشتر از اجل خود بمیرد راست گفته باشم
و اگر کسی بزیارت آنحضرت نرود ایمانش ناقص باشد اگر بهشت رود مرتبه اش از مؤمنان پست
تر باشد و نیز مرویست که اگر زیارت آنحضرت رود نه برای نام و شهرت و غرض دنیا از گناه پاک شود
مثل جامه شسته از کثافت بهر گامی که بگذارد و بگیرد حج و چون برداری دیگر ده نوشته شود و ثواب عتقش
برابر نجاه کس از گناه کاران مقبولست و هیچ چیز از آن روضه از خدا نخواهند مگر آنکه عطا فرماید و یکدرهم
در این راه صرف کند ده هزار برابر در بهشت عوض دهد و چهار هزار فرشته بروایتی هفتاد هزار
فرشته با موهای ژولیده و غبار آلوده بر قبر آنحضرت موکلند و گریه میکنند تا روز قیامت چون
کسی بزیارت مشایعتش کنند اگر بیمار شود هر صبح و عصر بعیادتش روند و چون بمیرد نماز بر او کنند و
تا روز قیامت برایش استغفار کنند و نیز مرویست که هر کس بزیارت آنحضرت رود هزار ملک از
راست و اند

از راست و چپ با او رفاقت کنند خدای تعالی ثواب هزار حج و هزار عمره برایش نویسد که با پیغمبر یا وصی
کرده باشد و ایضاً مرویست که چون کسی تهیه سفر برای زیارت آنحضرت کند اهل آسمان یکدیگر
را مژده دهند و چون از خانه بیرون آید خواه سواره و خواه پیاده خدای تعالی چهار هزار فرشته
موکل گرداند که بر او صلوة فرستند تا بروضه مقدسه رسد و چون بدر روضه ایستاده بگوید السلام
علیك یا وارث آدم صفوة الله تا آخر چنانچه در فصل آداب زیارت انشاء الله بیاید
بعد از آن بجانب قبر مقدسه روانه شود بهر گامی که بگذارد و بردارد ثواب آنکس دارد که در راه خدا
در خون خود غلطیده باشد بعد از آن دست بر قبر مبارک گذاشته بگوید السلام علیك یا
ابا عبد الله تا آخر چنانچه باید بعد از آن بکنار روضه مشغول نماز شود خدای تعالی ملائکه
بر او صلوة فرستند تا وقتی که فارغ شود و هر رکعت نماز که در آن روضه مبارکه گذارد ثواب هزار
حج و هزار عمره و عتق هزار رقبه و هزار ایستادن در معرکه جهاد با پیغمبر مرسل عطا فرماید و چون از
آنجا برخیزد ملکی ندا کند که ای بنده مؤمن خوشحال باش که گناهان گذشته همه آمرزیده شد و اگر در آن سال
بمیرد خدای تعالی خود متولی قبض روح او شود و چون روانه خانه خود شود ملائکه با او رفاقت کنند و بر او
صلوة فرستند تا بخانه خود رسند پس در خانه او مقام نموده تسبیح و تهلیل و تقدیس خدا کنند
تا وقتی که اجل او برسد و ثواب آنها از او باشد بعد از آن در تغسیل و تکفین و نماز بر او حاضر شوند
و بعد از آن در قبر او مقیم شوند و در آنجا تسبیح و تقدیس میکرده باشند تا روز قیامت و ثوابش برای او نوشته
شود و نیز روایت دیگر آنکه فریضه در پیش مرقد مقدس آنحضرت برابرست با حج و نافله برابرست با عمره این
فضایل زیارت آنحضرت و فضایل زیارت مخصوصه در باب اعمال شهور گذشت فصل ششم در زیارت
حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا کسی از حضرت امام تقی علیه السلام پرسید که زیارت امام حسین افضل است یا

امام رضا ع حضرت فرمود زیارت پدرم افضل است زیرا که امام حسین ع را هر کس زیارت میکند و پدرم
را مخصوص شیعیان و دوستان ما است و نیز مرویست که هر کس زیارت کند و معروف باشد بامامت او
باشد گناهان گذشته و آینده همه آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارهای آسمان و قطرهای باران و برگ
درختان باشد و در روز قیامت در برابر منبر پیغمبر برای او نصب کنند تا وقتی که خدای تعالی از حساب
خلق فارغ شود و آنحضرت خود فرمود که هر که مرا در غربت زیارت کند ثواب صد هزار شهید و صد هزار صدیق
و صد هزار حج و صد هزار جهاد خدا او را عطا فرماید و با ما محشور شود و در درجات رفیع بهشت رفیق ما باشد
من و پدران من شفیع او باشیم و هر کس ما شفیع او باشیم نجات یابد اگر چه مثل گناه جن و انس داشته باشد
و امام آنحضرت علیه السلام فرمود هر کس مرا زیارت کند در قیامت او را سه وقت او را دریابم و از اهوال
و شدائد خلاص کنم اول وقتی که نامهای اعمال در چپ و راست متفرق باشند و وقتی که اعمال خلایق
بمیزان بسنجند و وقتی که قدمها بر صراط میلغزیده باشد و نیز فرمود زیارت من برابر است با هزار
حج و هزار عمره راوی گوید که از حضرت امام محمد تقی از روی تعجب پرسیدم که چنین حدیثی از پدرت
روایت میکنند فرمود بلی والله با هزار هزار حج برابر است برای کسی که حق او را بشناسد و بداند که امام
مفترض الطاعة است و نیز مرویست که هر کس بزیارت آنحضرت آید و یکشب در آن روضه منوره بگذراند
چنان است که خدا را بر عرش زیارت کند و نیز مرویست که زایران ائمه طاهرین علیهم السلام در بهشت
هم نشین و هم صحبت ایشان باشند و از حضرت امام رضا ع مرویست که درجه ایشان از همه بلندتر باشد و هر کس داخل
آن روضه شود روز قیامت از آتش ایمن باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود فرزندی از من در خراسان
مدفون شود هیچ مؤمنی او را زیارت نکند مگر آنکه خدای تعالی بدنش را بر آتش حرام کند و بهشت را برای
او واجب گرداند و هیچ گروه بزیارتش نکنند مگر آنکه گناهانش را بیامرزد و حضرت صادق علیه السلام فرمود

فرزندی

فرزندی از من در طوس کشته شود هر کس او را زیارت کند من در روز قیامت دستش را گرفته داخل
بهشت کنم اگر چه از اهل کبایر باشد هر کس را حاجتی باشد غسل کند و زیارت آنحضرت کند و در پس سر مبارک
دو رکعت نماز کند و در قنوت حاجت خود را طلبد مستجاب شود اگر معصیت یا قطع رحم نباشد

فصل هشتم

در آداب و کیفیت زیارات ائمه طاهرین علیهم السلام مستحب است برای زیارت هر کدام غسل کردن
در وقت غسل گفتن اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَاَجْرِ عَلٰى قَلْبِي
مَحَبَّتَكَ وَعَلٰى لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِكَ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ قُوَّةَ دِينِي اَلتَّسْلِيمُ لِاَمْرِكَ وَالْاِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ
نَبِيِّكَ وَالشَّهَادَةُ عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُوراً وَشِفَاءً
وَنُوراً اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
اَجْمَعِينَ و جامهای پاک پوشیدن و تعطیر نمودن و با وقار رفتن و ذکر و تسبیح و صلوات بر ایشان
فرستادن اما زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه مستحب است تعطیر نکردن و بند جامها
گشودن و از لذتها و شیرینیها اجتناب نمودن و بهیئت مصیبت زدگان متوجه گشتن و چون
بر روضات مقدسات رسد اول باین طریق اذن طلبد اَللّٰهُمَّ اِنِّي قَدْ وَقَفْتُ
عَلٰى بَابِ بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ وَقَدْ اَمَرْتَ النَّاسَ اَنْ يَدْخُلُوهُ اِلَّا
بِاِذْنِكَ فَقُلْتَ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ اِلَّا
اَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اَللّٰهُمَّ وَاِنِّي اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا اَعْتَقِدُ
هَا فِي حَضْرَتِهِ وَاَعْلَمُ اَنَّ رُسُلَكَ وَخُلَفَاءَكَ اَحْيَاءٌ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ
بِمَا آتَيْتَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ

الا خوف عليهم ولا هم يحزنون وانهم يرونني في مكاني ويسمعون

كلامي ويردون على سلامي وانك حجبت عن سمعي كلامهم وسلامهم وفتحت

سمعي بلذيذ مناجاتهم واني استاذنك واستاذن رسولك وخلفائك

المفروض على طاعتهم واستاذن الملائكة الموكلين بهذه البقعة

السلام عليكم ايها الملائكة الموكلون بهذا المشهد الشريف باذن الله

وباذن رسوله وباذن خلفائه ادخلوا هذا البيت فكونوا ملائكة

اعواني وكونوا انصاري حتى ادخل وادعو الله بفنون الدعوات

واعترف لله بالعبودية وللنبي وللائمة بالطاعة و در وقت دخل شدن بگو بسم

الله وبالله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه واله اشهد

ان لا اله الا الله وحده لا شريك له ان محمدا عبده ورسوله واشهد

ان عليا ولي الله پس رو بضريح مقدس پشت بقبله ايستاده زيارت كند بعد از آن نماز

زيارت بگذارد و در دعا مسئلت آنقدر كه تواند براى والدين خود واقربا وساير مؤمنان سعى نمايد

و در كتب مزار چنين گفته اند كه نماز در بالاى سر بايد گذارد اما از توقيعات از حضرت صاحب الزمان

صلوات الله عليه چنين رسيده كه نماز در هر موضع بگذاريم فرمودش روى قبر و بالاى سر وپايين

پا نشايد ايستاد كه پيش روى امام و پهلوى شوان ايستاد بلكه در پشت قبر كنيد و ذكر زيارت

نامهاى ايشان بتفصيل از حوصله رساله بيرون و كتب مزار از آن مشحون است ليكن بجهت آنكه اين

رساله از فضل ذكر آن يكباره محروم نباشد بروايت مختصر از زيارات آن شرف شد **زيارت حضرت پيغمبر**

بروايت از حضرت امام رضا السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا

حبيب الله

حبيب الله السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك

يا حجة الله السلام عليك يا خيرة الله السلام عليك يا

امين الله اشهد انك رسول الله واشهد انك محمد بن عبد الله

واشهد انك قد نصحت لامتك وجاهدت في سبيل

ربك وعبدته حتى اتيك اليقين فجزاك الله يا رسول الله

افضل ما جزى نبيا عن امته اللهم صل على محمد وال محمد افضل

ما صليت على ابراهيم وال ابراهيم انك حميد مجيد روايت

از حضرت صادق عليه السلام بعد از آنكه سلام كردى در بالاى سر مبارك دوش حبيب

مقدس داده رو بقبله بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك

له واشهد انك رسول الله وانك محمد بن عبد الله

واشهد انك بلغت رسالات ربك ونصحت لامتك

وجاهدت في سبيل الله مخلصا حتى اتيك اليقين

بالحكمة والموعظة الحسنة وادبت الذي عليك من

الحق ورؤفت بالمؤمنين وغلظت على الكافرين فبلغ

الله بك افضل شرف محل المكرمين الحمد لله الذي استنقذنا

بك من الشرك والضلالة اللهم فاجعل صلواتك وصلوة

ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين وعبادك الصالحين

واهل السموات والارضين ومن سبح لك يا رب العالمين

مِنَ الاوّلين والآخرين على محمّدٍ عبدك ورسولك ونبيّك وامينك
ونجيبك وحبيبك وصفيّك وخاصّتك وصفوتك وخيرتك
من خلقك اللهمّ واعطه الدرجة الرفيعة وآته الوسيلة
من الجنّة وابعثه مقاماً محموداً يغبطه به الاوّلون والآخرون
اللهمّ انّك قلت ولو انّهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله
واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توّاباً رحيماً الهي فقد اتيت
نبيّك مستغفراً تائباً من ذنوبي فصلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ واغفرها
يا سيّدي اتوجّه بك وبآل بيتك الى الله تعالى ربّك
وربّي ليغفر لي ذنوبي بعد از آن پناه بقبر برده از روی خضوع و اعتماد
بر آن پشت بقبر داده رو بقبله بگوید اللهمّ اليك الجأت امري وبقبر نبيّك
اسندت ظهري والقبلة التي رضيتها لمحمّدٍ صلّى الله عليه وآله
استقبلت وجهي اللهمّ لا تبدّل اسمي ولا تغيّر جسمي ولا تستبدل
بي غيري اصبحت وامسيت لا املك لنفسي خيراً ارجوه ولا
اصرف عنها شرّاً احذره الّا بك وحدك لا شريك لك
اللهمّ زدني منك بخيرٍ فانّه لا رادّ لقضائك اللهمّ زيّنّي
بالتقوى وجمّلني بالعافية واعمرني بالنعم وارزقني
شكر العافية انّك على كلّ شيءٍ قدير جامعى داشته باشد در اين موضع
طلب كند سزاوارترين اماكن باجابت اينكه [illegible] زيارت حضرت امير المؤمنين عليه السلام
بگويد

بگويد السلام يا امين الله في ارضه وحجّته على عباده السلام
عليك يا امير المؤمنين اشهد انّك جاهدت في الله حقّ
جهاده وعملت بكتابه واتّبعت سنن نبيّه صلّى الله عليه
وآله حتّى دعاك الله الى جواره وقبضك اليه باختياره والزم
اعداءك الحجّة مع ما لك من الحجج البالغة على جميع خلقه اللهمّ
فاجعل نفسي مطمئنّة بقدرك راضية بقضائك مولعة
بذكرك ودعائك محبّة لصفوة اوليائك محبوبة في ارضك
وسمائك مشتاقة الى فرحة لقائك متزوّدة التقوى ليوم
جزائك مستنّة بسنن اوليائك مفارقة لاخلاق اعدائك اوليائك
مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك بعد از آن روی بر قبر مقدس كند و بگويد اللهمّ
انّ قلوب المخبتين اليك والهة وسبل الراغبين اليك شارعة
واعلام القاصدين اليك واضحة وافئدة العارفين منك
فارغة واصوات الداعين اليك صاعدة وابواب الدعاء
للاجابة لهم مفتّحة ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة
من اناب اليك مقبولة وعبرة من بكى من خوفك مرحومة
والاغاثة لمن استغاث بك موجودة والاستعانة لمن استعان
بك مبذولة وعداتك لعبادك منجزة وزلل من استقالك
مقالة واعمال العاملين لديك محفوظة وارزاقك الى الخلائق

من لدنك نازلة وعوائد المزيد اليهم واصلة وذنوب المستغفرين
مغفورة وحوائج خلقك عندك مقضية وحوائج السائلين
عندك موفرة وعوائد المزيد متواترة ومواعد المستطعمين
معدة ومناهل الظماء مترعة اللهم فاستجب دعائي واقبل ثنائي
واجمع بيني وبين اوليائي بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين
انك ولي نعمائي ومنتهى مناي وغاية رجائي في منقلبي ومثواي
حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود هر کس از شیعیان ما که حضرت امیر المؤمنین را یا یکی از ائمه علیهم
السلام را باین طریق زیارت کند زیارتش را در صحیفهٔ از نور گذارند و حضرت حق تعالی آنرا با خاتم
محمد صلی الله علیه و آله مختوم سازد و بحضرت قایم سپارد تا وقتیکه با تحیت و سلام و کرامت
و بشارت بصاحبش رساند و باید دانست که اگر باین طریق یکی دیگر از ائمه را زیارت کند
بجای لفظ امیر المؤمنین نام آن امام باید برد و در حین ضریح مقدس حضرت آدم و نوح علیهما السلام
را نیز زیارت کند و در زیارت حضرت آدم بگوید السلام علیک یا صفی الله
السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا نبی الله السلام علیک
یا امین الله السلام علیک یا خلیفة الله فی ارضه السلام علیک
یا ابا البشر آدم صلوات الله علیک وعلی روحک وعلی بدنک
وعلی الطاهرین من ولدک وذریتک صلوة لا یحصیها
الا هو ورحمة الله وبرکاته زیارت نوح علیه السلام السلام علیک
یا نبی الله السلام علیک یا صفی الله السلام علیک یا ولی الله

السلام علیک

السلام علیک یا امین الله فی ارضه صلوات الله وسلامه علیک
وعلی روحک وبدنک وعلی الطاهرین من ولدک ورحمة الله
وبرکاته زیارت حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام السلام علیک یا بنت رسول الله
السلام علیک یا بنت حبیب الله السلام علیک یا بنت خلیل الله السلام
علیک یا بنت خیر خلق الله السلام علیک ایتها المظلومة
المعصومة السلام علیک ایتها المحدثة العلیمة ورحمة الله
وبرکاته اشهد الله ورسوله وملائکته انی راض عمن رضیت
عنه ساخط علی من سخطت علیه متبرئ ممن برئت منه
موال لمن والیت معاد لمن عادیت مبغض لمن ابغضت محب
لمن احببت وکفی بالله شهیدا وحسیبا وجازیا ومثیبا
زیارت حضرت امام حسین صلوات الله وسلامه علیه بر در روضهٔ مقدسه ایستاده
بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن رسول الله
السلام علیک ورحمة الله وبرکاته السلام علیک یا وارث
آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث نوح نبی الله
السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیک یا
وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا عیسی روح الله
السلام علیک یا وارث محمد سید رسول الله السلام علیک
یا وارث علی امیر المؤمنین وخیر الوصیین السلام علیک

عليك يا وارث اخيه الحسن الزكي الطاهر المرضي السلام
عليك ايها الوصي البار التقي السلام عليك وعلى الملائكة
الحافين بك اشهد انك قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة
وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وعبدت الله خالصا
مخلصا حتى اتيك اليقين والسلام عليك ورحمة الله
وبركاته بعد از آن بجانب ضریح مقدس برود و دست بر آن گذاشته بگوید السلام
عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا حجة الله ورحمة الله
وبركاته لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله
امة سمعت بذلك فرضيت به يا مولاي يا ابا عبد الله
اشهد الله وملائكته وانبيائه ورسله اني بكم مؤمن
وبايابكم موقن بشرايع ديني وخواتيم عملي فصلوات الله
عليكم وعلى ارواحكم وعلى اجسادكم وعلى شاهدكم
وعلى غائبكم وعلى ظاهركم وعلى باطنكم ورحمة الله و
بركاته بعد از آن که در پیش پای آنحضرت علی اکبر را زیارت کند بگوید السلام
عليك يا ابن امير المؤمنين السلام عليك يا ابن الحسين الشهيد
السلام عليك ايها الشهيد المظلوم لعن الله امة قتلتك
ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت
پس بعد از آن شهدا را زیارت کند و بگوید السلام عليكم يا اولياء الله
واحبائه

واحبائه السلام عليكم يا اصفياء الله واوداءه السلام
عليكم يا انصار دين الله وانصار نبيه وانصار امير المؤمنين و
انصار الحسن والحسين طبتم وطابت الارض التي فيها دفنتم
وفزتم فوزا عظيما فيا ليتني كنت معكم فافوز معكم چون زیارت
وداع فارغ شود بزیارت حضرت عباس رفته بگوید السلام عليك ايها
العبد الصالح المطيع لله ولرسوله ولامير المؤمنين والحسن
والحسين وعليك السلام ورحمة الله وبركاته وعلى روحك
وبدنك اشهد انك مضيت على ما عليه البدريون
المجاهدون في سبيل الله المناصحون له في جهاد الا
عداء المبالغون في نصرة اوليائه فجزاك الله افضل واوفر
جزاء احد وفي ببيعته واستجاب له دعوته حشرك مع
النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن
اولئك رفيقا و روایت است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از
کسی پرسید که هر روز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام میروی گفت نه فرمود
چه جفا میکنید با آنحضرت چه شود اگر هر روز یکمرتبه زیارت آنحضرت کنید گفت خانه ما
بسیار دور است همیشه مقدور نیست فرمود بربام خانه برآی و بجانب راست نگاه کن
و بعد از آن بجانب چپ نگاه کن و بعد از آن سر باسمان بالا کن بعد از آن
متوجه روضه مقدسه شده بگو السلام عليك يا ابا عبد الله

زیارت بعد کرده السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته تو حج و یک عمره برای تو نوشته

زیارت جامعه که در همهٔ مشاهد مقدسه مجزی بود و مرویست از حضرت امام رضا علیه السلام

السلام على اولياء الله واصفيائه السلام على امناء الله و
احبائه السلام على انصار الله وخلفائه السلام على محال
معرفة الله السلام على معادن حكمة الله السلام على
مساكن ذكر الله السلام على عباد الله المكرمين الذين
لا يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون السلام على مظاهر
امر الله ونهيه السلام على الادلاء على الله السلام على
المستقرين في مرضات الله السلام على الممحصين في
طاعة الله السلام على الذين من والاهم فقد والى الله
ومن عاداهم فقد عادى الله ومن عرفهم فقد عرف الله ومن
جهلهم فقد جهل الله ومن اعتصم بهم فقد اعتصم بالله ومن
تخلى منهم فقد تخلى من الله اشهد الله انى حرب لمن
حاربكم وسلم لمن سالمكم مؤمن بما آمنتم به كافر بما كفرتم
به محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم مؤمن بسركم وعلى
نيتكم مفوض في ذلك كله اليكم لعن الله عدوكم من الجن
والانس وضاعف عليهم العذاب الاليم وابرأ الى الله منهم
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته هر یک از ائمه علیهم السلام
بگوید السلام

بگوید السلام علیک یا مولای السلام علیک یا حجة الله السلام
علیک یا صفوة الله السلام علیک یا خالصة الله السلام
علیک یا امین الله السلام علیک یا ولی الله سلام مودع
لا قال ولا سئم فان امض فلا عن ملالة وان اقم فلا عن
سوء ظن بما وعد الله الصابرین لا جعله الله یا مولای
آخر العهد منی لزیارتک ورزقنی العود الی مشهدک
والمقام فی حرمک وجعلنی معکم فی الدنیا والآخرة

فصل هشتم در نیابت و شرکت در حج و عمره و زیارت مرویست از ائمه
طاهرین علیهم السلام که اگر کسی برای دیگری از روی تبرع حج کند ثواب ده
حج یابد و اگر اجرت گیرد و حج کند نه حج ازو باشد و یک حج از صاحب مال و
روایت دیگر آنکه گناه او و والدین او و اولاد و برادر و خواهر و عم و عمه و
خال و خاله اش همه آمرزیده شود و نیز مرویست که اگر هزار کس را در حج با خود شریک کند
هر یک از ایشان را ثواب حجی باشد بی آنکه از حج تو چیزی کم شود و ترا ثواب این
احسان علیحده باشد و هم چنین است اگر زیارت را تبرع کند یا کسی را شریک گرداند
بعد از فراغ از حج یا زیارت بگوید اللهم شرّک فی حجتی ونسکی
وصلواتی و اگر زیارت باشد بگوید فی زیارتی ابی وامی فلانا و
فلانا هر کرا خواهد نام ببرد وجمیع اهل بلدی حرهم وعبدهم و
اسودهم وحیهم ومیتهم و اگر به نیابت حج یا طواف کند بگوید

اللهم حجتی یا طوافی و صلوتی عن فلان ابن فلان هر کرد خواهد و اگر زیارت
بنیابت کند بعد از فراغ از کارهای خود بگوید السلام علیک یا مولای من ابی و امی
هر کرا خواهد پس بهر یک از ایشان که بگوید که برای تو حج یا طواف و نماز و زیارت کردم را
گفته باشم **فصل ۹** در اماکن مقدسه که در انجا واقع است مرویست از اهل بیت طاهرین
صلوات الله علیهم که هر کس نظر بر کعبه کند و حق او را بشناسد چنانکه حق تعالی کعبه را می شناسد
گناهانش امرزیده شود و مهمات دنیا و اخرتش کفایت شود و مادامیکه نظرش بر کعبه باشد
حسنه برایش نویسند و سیئه محو کنند و خدای تعالی را در حوالی کعبه صد و بیست رحمت است
شصت از برای طواف کنندگان و چهل از نماز گذاران و بیست از نگاه کنندگان و هر کس در یکی
از حرمین بمیرد از اهوال قیامت ایمن باشد و اگر در مابین حرمین بمیرد دیوان حساب
برایش گشوده نشود و اگر در حرم کعبه بمیرد از فزع اکبر ایمن باشد و یک سبحان الله گفتن در مکه
افضل است از خراج تمام عراق که در راه خدا صرف کند و هر کس در مکه ختم قرآن کند از دنیا
نرود تا جای خود را در بهشت ببیند و چیزی خوردن در مکه مثل روزه یکساله است در جای
دیگر و خواب کردن در مکه مثل عبادت کردن است در جای دیگر هر کس یکسال در مکه
مجاور باشد گناهان او و اهل بیت او را و هر کس برای او استغفار کرده و قبیله اش و اهم سالیکه اش
همه امرزیده شود و هر کس در انجا سجده کند چنان است که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد
و یک نماز در انجا برابر است با صد هزار نماز و یک درهم برابر است با صد هزار درهم و هر کس یک نماز فریضه
در انجا گذارد برابر است برابر است با هفتاد ساله عبادت و صد تسبیح در انجا برابر است
با عتق رقبه و صد تکبیر با احیا نسمه و صد تحمید با خراج عراقین که در راه خدا صدقه دهند و یک نماز در

مسجد رسول الله

مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله در مدینه برابر است با ده هزار نماز و یک درهم صدقه با صد هزار
درهم و دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر است با یک عمره و کوفه حرم امیر المؤمنین است و حرم انبیا و
مرسلین است و اوصیا و مؤمنین در انجا بسیار است در مسجد اعظم کوفه هزار نبی و هزار وصی
نماز کرده اند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در شب معراج در آن مسجد نماز گذارده و یک نماز
فریضه در انجا برابر است با هزار نماز و یک حج و نافله در انجا برابر است با پانصد نماز و یک عمره
و نشستن به ذکر و تلاوت عبادت است و در مسجد سهله ابن و صی نماز گذارده و خانه
حضرت ابراهیم و ادریس علیهما السلام در این مسجد است و در این مسجد سنگی است که طینت همه انبیا
از انجا برداشته اند هر غمگینی که در این مسجد در میان شام و خفتن دو رکعت نماز گذارد و دعا
کند حق تعالی از آن غم نجاتش دهد **فصل دهم** در فضایل زیارت طیبین و صلحای مؤمنین مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس امام زاده عبد العظیم را در ری زیارت کند بهشت
او را واجب شود و هم از ایشان مرویست که هر کس قادر بر زیارت نباشد صلحای شیعه
ما را زیارت کند ثواب زیارت ما را دریابد مخفی نماناد که احادیث بسیار در فضل زیارت
مؤمنان در باب اول کتاب گذشت اعم است از ایام حیوة و بعد از وفات و آداب
زیارت مؤمنان بعد از این ان شاء الله بیاید **باب چهاردهم** در احکام متعلق باموات
و زیارت قبور مؤمنین بعد از وفات و این مجموع ان شاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول**
در وصیت صحیفه شهادت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که وصیت حق است
لازم بر هر مسلم و هر کس هر چه وصیت کند بنحوی است که ظلم و جور و ضرر بورثه نرساند چنانکه در
حیات خود تصدق کرده باشد و هر کس را مالی باشد برای خویشان که میراث نمیبرند

و جز او وصیت می کنند اعمالش بمعصیت ختم شود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر کس وقت
وفات وصیت خوب نکند مروت و عقلش ناقص باشد پرسیدند که وصیت چه باید کرد فرمود که چون
حالت موت را مشاهده کند و مردم جمع شوند بگوید اللهم فاطر السموات والارض عالم
الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اللهم انی اعهد الیک فی دار الدنیا
انّی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک وان محمدا
عبدک ورسولک صلی الله علیه وآله وان الجنة حق والنار
حق وان البعث حق والحساب حق والقدر حق والمیزان
حق وان الدین کما وصفت وان الاسلام کما شرعت وان القول
کما حدثت وان القرآن کما انزلت وانک انت الله الحق
المبین جزی الله محمدا عنا خیر الجزاء وحیا الله محمدا وآل محمد
بالسلام اللهم یا عدتی عند کربتی ویا صاحبی عند شدتی
ویا ولی نعمتی الهی واله آبائی لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا
فانک ان تکلنی الی نفسی طرفة عین کنت اقرب من الشر وابعد
من الخیر وآنس فی القبر وحشتی واجعل لی عهدا یوم القاک
منشورا بعد از آن هر وصیت که خواهد بکند واما صحیفهٔ شهادت پس شیخ طوسی رحمه الله
در مصباح ذکر نموده که آن کس بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
صلی الله علیه وآله وان الجنة حق والنار حق وان الساعة
حق آتیة

حق آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور بعد از آن این را
بنویسد که بسم الله الرحمن الرحیم شهد الشهود المسمون فی هذا الکتاب
ان اخاهم فی الله فلان ابن فلان اشهدهم واستودعهم واقر
عندهم انه یشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان
محمدا عبده ورسوله صلی الله علیه وآله وان علیا ولی الله
وامامه وان الائمة من ولده ائمته وان اولهم الحسن والحسین
وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی
بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والقائم
الحجة علیهم السلام وان الجنة حق وان النار حق والساعة
آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور وان محمدا
صلی الله علیه وآله رسوله جاء بالحق وان علیا ولی الله
والخلیفة من بعد رسول الله ومستخلفه فی امته مؤدیا
لامر ربه تبارک وتعالی وان فاطمة بنت رسول الله
وابنیها الحسن والحسین ابنا رسول الله وسبطاه امام
الهدی وقائدة الرحمة وان علیا ومحمدا وجعفرا وموسی
وعلیا ومحمدا وعلیا والحسن والحجة علیهم السلام ائمة و
قادة ودعاة الی الله جل وعز وحجة علی عباده وبعد از آن
بگوید تا جماعت شهادة خود بنویسند بعد از آن بگویند نستودعک
الله

والشهادة والاقرار والاخاء مودوعة عند رسول الله صلی الله علیه
وآله ونقرء علیک السلام ورحمة الله وبرکاته بعد از آن صحیفه را پیچیده شود
شهود هم مهر خود و مهر میت را نیز بر آن گذارند با جریده در پهلوی راستش گذارند و صحیفه را با غیر
بنویسند و اگر با تربت مقدس بنویسند چنانکه در این زمان متعارفست تواند بود
که افضل باشد **فصل دویم** در حالت احتضار و فضایل تعجیل و فات و در احوال میت را کلمات
فرج و شهادتین و اقرار بائمه طاهرین علیهم السلام تلقین کنند که اگر بتری میت باین اقرار کند
آتش دوزخ را در او هیچ طمع نکند و از مهالک نجات یابد هر کس آخر کلامش لا اله الا الله باشد از اهل بهشت
باشد و نیز امید عمار تلقین کنند کلماتش هر امرزیده شود یا من یقبل الیسیر ویعفو
عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت العفو الغفور و روایت است
که اگر سوره یس در پیش بیمار بخوانند بعدد هر حرف از آن ده نفر ملک نازل شوند که برایش
استغفار کنند و تشییع جنازه‌اش نمایند و بر او نماز گذارند چون حالش متغیر شود پیش از آنکه قبض
روحش شود رو بقبله‌اش کنند چنانکه کف پایها بجانب قبله باشد که چون چنین کنند خدای
تعالی برحمت متوجه او شود تا آنکه قبض روح او شود اگر نزع روح دشوار شود بر جای
نمازش میگذارده بجا بانند زود خلاص و نیز مرویست که در این حال پیشش سوره یس و سوره
صافات بخوانند تا آنکه زود نجات یابد و در وقت احتضار جنب و حایض حاضر نباشند
که ملائکه متاذی شوند چون قبض روحش شود دستهایش دراز کنند و دهنش را ببندند و
چشمش را ببندند و در وقت چشم پوشیدن بگویند اللهم اغفر لفلان وارفع
درجته فی المهدیین واخلفه فی عقبه فی الغابرین واغفر لنا
وله

وله یا رب العالمین و بازماندگانش بگویند اللهم اغفر لی وله واعقبنی
منه عقبی حسنة و میت را تنها نگذارند که شیطان در او تصرف کند و روایت
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که چون مؤمن روز پنجشنبه بعد از ظهر روز جمعه بمیرد از فشار
قبر ایمن شود و شفاعتش برای گناهکاران بعدد قبیله ربیعه و مضر مقبول باشد و اگر روز
پنجشنبه بمیرد خدای تعالی هرگز او را با یهود در آتش جمع نکند و اگر روز دوشنبه بمیرد او را با بنی
امیه جمع نکند و اگر روز سه شنبه بمیرد با ما محشور شود و در رفیق اعلا با ما باشد و اگر روز چهار
شنبه بمیرد از روز قیامت ایمن باشد و بسعادت جوار الهی فایز گردد و از فضل خدا مقام
کند که از مشقت و تعب ایمن شود بعد از آن فرمود مؤمن در هر حال و در هر ساعت که بمیرد صدیق
و شهید باشد اگر مؤمن گناه تمام اهل زمین داشته باشد چون از دنیا برود همین مردن
کفاره همه آن باشد و نیز فرمود که از حبیب خود رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که هر کس بگوید
لا اله الا الله باخلاص از شرک بری باشد هر کس از شرک بری باشد داخل بهشت شود و این
شیعیان و دوستان تواند که از روز قیامت لا اله الا الله محمد رسول الله علی ابن ابی طالب
حجة الله گویان از قبر بیرون آیند پس حلهها و تاجها و اکلیلها و اسبهای نجیب از بهشت آرند و هر
یک از ایشان را حله پوشند و تاج شاهی و اکلیل کرامت بر سرش نهند و بر اسبان سوار شده
داخل بهشت شوند و از فزع اکبر ایمن باشند و ملائکه فوج فوج آیند و مژده و بشارت دهند و ایضا
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که من برای شش ضامن بهشت میشوم کسی که صدقه برای مسکین برد
و بمیرد و کسی که بعیادت مریض رود و بمیرد و کسی که بتشییع جنازه رود و بمیرد و کسی که
در راه خدا بجهاد رود و بمیرد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود کسی که بحج بیرون رود و بمیرد

را که عمرش لا اله الا الله یا یک روزه یا بصدقه ختم شود داخل بهشت شود و حضرت صادق ع
فرمود چون مؤمنی در غربت بمیرد که زنان و عیالش حاضر نباشند که بر او گریه کنند مواضعی که در آنجا
عبادت کرده و درهای آسمان که اعمالش بالا میرفته و فرشتگان که بر او موکل بودند بر او گریه کنند
و همان حضرت فرمود که چون غریب بکمال موت نزدیک شود بچپ و راست نگاه کند و کسی را
نبیند پس سر بالا کند خدا تعالی فرماید که بکه میخواهی که برای تو بهتر از من باشد بعزت و جلال خودم که اگر
ازین عقده نجات دهم بطاعت خود فرستم و اگر قبض روح نمایم بکرامت خود برم فصل سیم در
تجهیز میت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اکرام میت آنست که زود دفنش کنند
و انتظار طلوع و غروب آفتاب نکشند هر کس مؤمنی را غسل دهد و در آن وقت بگوید اللهم هذا بدن
عبدك المؤمن وقد اخرجت روحه منه وفرقت بينهما فعفوك
عفوك یکی گناه بغیر کبایر آمرزیده شود و اگر خواهد همین منها بگوید عفوك خدا تعالی از او
عفو فرماید و نیز مرویست که هر که مؤمنی را غسل دهد و عیوبی که از وی ببیند پنهان دارد و بکسی نگوید
از گناه پاک شود مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و بهر موی از او ثواب عتق رقبه یابد
و صد درجه مراتبش بلند شود و اگر عیوبش را پنهان نگذارد اجرش باطل شود و عیوبش در دنیا و آخرت
رسوا شود و هر کس مؤمنی را کفن کند چنانست که تا روز قیامت او را کسوت داده باشد
و هر کس قبر برای مؤمن بکند چنانست که تا روز قیامت او را خانه مناسبی داده باشد و خدا تعالی
جسدش را بر آتش حرام گرداند و خانه در بهشت عطا فرماید و کفن هر چند قیمت داشته باشد
بهتر و افضل است که زینت میت است و اگر جامه باشد که در آن نماز گذارده یا عبادتی
کرده باشد افضل است و اگر کسی در حیات خود تهیه کفن برای خود کند و هر مرتبه که نظر بر آن
کند اجر

کند اجر یابد و دو جریده از چوب تر با میت گذارند اگر نخل خرما باشد و گرنه بهر چوب
که باشد خوبست مرویست که تا رطوبت در جریده باقیست عذاب و حساب
از میت دفع شود و نیز مرویست که عذاب و حساب اهل در یکساعت باشد که میت
داخل قبر شود و مردم متفرق شوند پس چون جریده با میت است از عذاب بالکلیه ایمن
باشد فصل چهارم در شنیدن خبر وفات و دیدن جنازه و تشییع و تعزیه
آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون خبر وفات بشنوید بگویید
انا لله وانا اليه راجعون اللهم اكتبه في المحسنين واجعل
كتابه في عليين واخلف على عقبه في الغابرين اللهم
لا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده واغفر لنا وله و چون جنازه ببیند
بگوید الله اكبر هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله
ورسوله اللهم زدنا ايمانا وتسليما الحمد لله الذي تعزز
بالقدرة وقهر العباد بالموت هیچ فرشته در عالم نماند مگر آنکه از او
بگرید و بگوید و ایضا چون جنازه ببیند بگوید الحمد لله الذي لم يجعلني
من السواد المخترم و هر کس جنازه از چهار جانب بگیرد چهل کبیره از او دفع شود
در روایت دیگر آمده هر کس یک پایه از جنازه را بگیرد بیست و پنج کبیره از او آمرزیده شود و اگر
چهار طرف بگیرد از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد شده باشد و در وقت
گرفتن بگوید بسم الله وبالله وصلى الله على محمد وآله اللهم
اغفر للمؤمنين والمؤمنات و اول جانب تابوت با دوش راست بگیرد

خود بگردد و همچنین به ترتیب از پشت تابوت برود تا جانب راست تابوت را بدوش
چپ خود گیرد و چون میت داخل قبر شود ملکی ندا کند که اول تحفه تو بهشت است و اول تحفه جمعی که با جنازه
تو آمده اند مغفرت گناهان شان و هر که تشییع کند چهار قیراط ثواب برایش نویسند
یکی برای رفاقت یکی برای نماز یکی برای انتظار تا وقت فارغ شدن دیگری برای تعزیه وارد است
دیگر آمده که هر کس تشییع جنازه کند و صبر کند تا دفن کنند و خاک بر او ریزند بهر
گامی که آمده یک قیراط ثواب نویسند برای او که هر قیراط مثل کوه احد باشد و هشتاد ملک موکل
که تشییعش کنند و برایش استغفار کنند تا روز قیامت **فصل پنجم** در نماز میت مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس بر میتی نماز گذارد جبرئیل با هفتاد هزار ملائکه بر او گذارند
و گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود و طریقه اجمالی است که پنج تکبیر بگوید میان هر دو
تکبیر شهادتین بگوید و صلوات بفرستد و برای میت دعا کنند و ظاهر حدیث که خصوص
عبارت واجب نیست بلکه بهر عبارتی باشد مجزی است افضل است که اگر میت مؤمن باشد
میان هر دو تکبیر چنین بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك
له واشهد ان محمدا عبده ورسوله انا لله وانا الیه راجعون الحمد
لله رب العالمین رب الموت والحیوة صل علی محمد واهل بیته
جزی الله محمدا عنا خیر الجزاء بما صنع بامته وبما بلغ من
رسالات ربه اللهم عبدك ابن عبدك ابن امتك ناصیته بیدك
خلا عن الدنیا واحتاج الی رحمتك وانت غنی عن عذابه
اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم به منا اللهم ان كان
محسنا

محسنا فزد فی احسانه وتقبل منه وان كان مسیئا فاغفر له
ذنبه وارحمه وتجاوز عنه برحمتك اللهم الحقه بنبیك وثبته
بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا وفی الآخرة اللهم اسلك بنا وبه
سبیل الهدی واهدنا وایاه صراطك المستقیم عفوك عفوك
مرویست که چون چهل نفر بر میت نماز گذارند و بگویند اللهم انا لا نعلم منه الا
خیرا خدا تعالی فرماید شهادت شما را قبول کردم و گناهان او را که من میدانم
و شما نمیدانید آمرزیدم و اگر میت مستضعف باشد بعد از شهادتین صلوة بفرستد برای مؤمنان
دعا کند و بعد از آن بگوید اللهم اغفر للذین تابوا واتبعوا سبیلك وقهم
عذاب الجحیم و اگر مجهول باشد یعنی مذهبش معلوم نباشد بعد از دعا برای مؤمنان
بگوید اللهم ان هذه النفس انت احییتها وانت امتها اللهم ولها
واحشرها مع من احبت و اگر میت طفل باشد بگوید اللهم اجعله لابویه
ولنا سلفا وفرطا واجرا و بر طفل کمتر از شش سال نماز میتوان کردن و چون
شش ساله شود نماز مستحب است و چون بالغ شود واجب شود و اگر مخالف مذهب باشد بگوید
اللهم العن عبدك الف لعنة مؤتلفة غیر مختلفة اللهم اخز عبدك
فی عبادك وبلادك واصله حر نارك اذقه اشد عذابك
فانه كان یوالی اعدائك ویعادی اولیائك ویبغض اهل بیت
نبیك و در این نماز اکتفا بچهار تکبیر باید نمود چنانکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله در نماز بر
منافقین چنین میکرد **فصل ششم** در مکان قبر و آداب دفن مرویست از اهل بیت

علیهم السلام که اموات خود را از اماکن بد دور کنید و مکان شریف برای قبر اختیار کنید که
همسایهٔ خوب چنانکه در زندگی نفع می رساند بعد از موت نیز نفع می رساند و هر وقت که میت را
یکمرتبه بشتاب داخل قبر نکنید بلکه دو سه ذراع دورتر از قبر ساعتی بگذارید که تهیهٔ جواب
سؤال بکند و کسی که درون قبر میرود و پدر میت باشد و سر و پا برهنه کند و بندهای جامه را نامحرم نباشد
بکشاید و میت اگر مرد باشد از جانب پای میت داخل کند و سرش را مقدم دارد و اگر زن
باشد از پهلوی قبر بعرض داخل کنند و کسی که داخل قبر میشود در وقت داخل شدن بگوید
بسم الله وبالله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه وآله
وچون میت را بگیرد بگوید بسم الله وبالله وعلى ملة رسول الله صلى الله
على محمد وآله اللهم الى رحمتك ولا الى عذابك اللهم افسح له
في قبره ولقنه حجته وثبته بالقول الثابت وقنا واياه
عذاب القبر پس استعاذه کند الحمد وقل هو الله و معوذتین و آیة الکرسی بخواند و چون
در قبر بگذارند بگوید بسم الله وبالله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله ملة
صلى الله عليه وآله اللهم يا رب عبدك وابن عبدك
نزل بك وانت خير منزول به اللهم ان كان محسنا
فزد في احسانه وان كان مسيئا فتجاوز عنه والحقه
بنبيه محمد صلواتك عليه وآله وصالح شيعته واهدنا
واياه الى صراط مستقيم اللهم عفوك عفوك اللهم اجعلها
روضة من رياض الجنة ولا تجعلها حفرة من حفر النيران
دیگر از

دیگر برای میت استغفار کنند و میت را رو بقبله بپهلوی راست بخوابانند و بند کفن را از
و پا بکشایند و روی راستش را برهنه کرده بر خاک گذارند و قدری تربت مقدس با او
گذارند و بعد از آن دست چپ بر میت گذاشته حرکت شدیدش دهد و گوید که
ای فلان چون از تو کنند بگو الله ربي ومحمد نبيي والاسلام ديني
والقرآن كتابي والكعبة قبلتي وعلي امامي والحسن والحسين
وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن
والحجة القائم ائمتي دیگر مرتبه دیگر همین دعا را اعاده کند و بعد از آن بگوید
دانستی و بزبان روح گفت که بلی پس بگوید ثبتك الله بالقول الثابت
هداك الله الى صراط مستقيم عرف الله بينك وبين
اوليائك في مستقر من رحمته بعد از آن بگوید اللهم جاف الارض
عن جنبيه واصعد بروحه اليك ولقه منك برهانا
اللهم عفوك عفوك و در وقت خشت چیدن بگوید اللهم صل
وحدته وآنس وحشته واسكن اليه من رحمتك رحمة
تغنيه بها عن رحمة من سواك وچون خواهد بیرون آید بگوید انا
لله وانا اليه راجعون والحمد لله رب العالمين اللهم
ارفع درجته في اعلى عليين واخلف على عقبه
في الغابرين يا رب العالمين و از طرف پای قبر بیرون آید و چون
خاک بر قبر ریزند هر کس قدری خاک در دست گرفته بگوید ایمانا بک

ولتصدق بنا ببعثك هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله
ورسوله اللهم زدنا ايمانا وتسليما بعد از آن بريزد بهر ذره از آن
حسنه برايش نوشته و مستحب است خاک را سه مرتبه با پشت دست ريختن و
خويشان خاک نريزند که مورث قساوت قلب شود و بغير آن خاکی که در همان
قبر که بيرون آمده داخل نکنند که بر ميت سنگين شود و قبر را چهار انگشت از زمين بلند کنند
و مربع بسازند و آب بر او بريزند ابتدا از پيش سر از جانب قبله کنند و از پيش رو بگردانند
تا از زير پا بدور بگردد و بعد از آن بر ميان قبر بريزد که تا نمی از آن آب باقی باشد از عذاب
ايمن باشد بعد از آن دست بقبر گذارند چنانکه انگشتان گشوده باشد در خاک فرو برند
و بگويند اللهم آنس وحشته وارحم غربته وآمن روعته وصل
وحدته واسكن اليه من رحمتك رحمة يستغني بها عن رحمة
من سواك واحشره مع من كان يتولاه حضرت صادق ع فرموده
اگر اهل ميت ملاقات منکر و نکير را از ميت خود رفع کنند کسی پرسيد که چون کنند فرمود بعد از
دفن کردن که مردم همه متفرق شوند کسی که اولی بميت باشد در پيش سر ميت برود
باواز بلند بگويد يا فلان ابن فلان هل انت على العهد الذي فارقتنا عليه من
شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان
محمدا عبده ورسوله سيد النبيين وان عليا امير المؤمنين
وسيد الوصيين وان ما جاء به محمد صلى الله عليه واله
حق وان الموت حق وان البعث حق وان الساعة آتية لا
ريب فيها

ريب فيها وان الله يبعث من في القبور که چون اين
را بگويد منکر با نکير گويد بيا برويم تفتيش کرده شد **فصل هشتم** در ثواب و آداب
مصيبت و عزا مرويست از ائمه اهل بيت طاهرين عليهم السلام که چون کسی را مصيبت
رسد بايد مصيبت رحلت حضرت پيغمبر صلى الله عليه واله را ياد آورد که عظيم ترين مصيبتها است
و صبر کند و استرجاع کند يعنی بگويد انا لله وانا اليه راجعون و حمد خدا کند
که چون چنين کند رضا بقضای خدا داده و ثوابش با خدا باشد و اگر صبر نکند
قضا خود گذشته باشد و اجرش باطل شود و در پيش خدا مذموم باشد و هر کس در
بلا و مصيبت صبر کند خدای تعالی سيصد درجه برايش بلند کند که ميان هر دو درجه
مثل ما بين آسمان و زمين باشد و چون صبر کند و گويد انا لله وانا اليه راجعون
خدای تعالی فرمايد صلوة و رحمت بر او فرستم و از زمره هدايت يافتگان شمارم
و گناهانش همه را بيامرزم غير از کباير و اگر اين عبارت را اضافه کند بهتر خواهد بود
اللهم اجرني على مصيبتي واخلف لي خيرا منها خدای تعالی
بهتر از آن عطا فرمايد و هر مرتبه که مصيبتی ياد آيد اگرچه بعد از مدتی باشد بگويد
انا لله وانا اليه راجعون والحمد لله رب العالمين
اللهم اجرني على مصيبتي واخلف علي افضل منها همان
اجر اول مصيبت داشته باشد و از مرتبه بيشتر از اين که گفته باشد تا حال همه
گناهان آمرزيده شود و مرويست که چون فرزند کسی بميرد خدای تعالی از ملائکه پرسد
که از بنده من فرزند دلبندش را گرفتيد گويند بلی فرمايد چه گفت گويند استرجاع

کرو و حمد کرد پس فرماید که در بهشت خانه برایش بنا کنید و خانه حمد نامش کنید و نیز مرویست
که یک فرزند کسی پیشتر از و برود بهتر است که هفتاد پسر از و بماند بعد از او که همه در راه
خدا جهاد کنند و نیز مرویست که خدای تعالی کریم تر از آن است که فرزند مومن
سوا از او بگیرد و بعد از آن هرگز او را عذاب کند کسی پرسید که اگر کسی را فرزند
نباشد ازین فضل محروم خواهد بود فرمود برادران مومن همه بجای فرزند یکدیگرند
و مرویست که اگر مردی در مصیبت دست بر زانو زند یا هنگام نوحه ساز کند
اجرش باطل شود و

فصل هشتم در ثواب

در ثواب و آداب تعزیه و اکرام یتیم مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که کسی را تعزیه کردن و تسلی دادن موجب بهشت است هر کس
صاحب مصیبتی را تعزیه کند مثل اجر او یابد بلا آنکه چیزی از اجر او کم شود و هر کس زن مصیبت
رسیده را تعزیه کند خدای تعالی او را در سایه عرش خود پناه دهد روزی که هیچ
کس را پناه نباشد و هر کس محزونی را تسلی دهد روز قیامت او را حله بپوشانند بازینت
و بهجت تمام و مرویست که مردی پسرش وفات کرده بود جزع و بی تابی میکرد حضرت صادق ع
تعزیه او رفت فرمود چون مصیبت رسول الله صلعم را که تسلی ده که اعظم مصائب است
عرض کرد پسرم بلهو و لعب مشغول بود فرمود ازین جهت ترا بهتر است سه چیز در پیش
در پیش داری شهادت لا اله الا الله و رحمت بی نهایت خدا و شفاعت رسول الله
یکی ازین سه تا ان شاء الله از و فوت نخواهد شد مرویست که هر کس متکفل احوال یتیمی شود
القدر که او را مستغنی گرداند بهشت او را واجب شود هر کس از روی ترحم دست بر سر یتیمی مالد
بعدد هر موی که از آن از زیر دستش حسنه بنویسند و روز قیامت بعدد هر یک از آن
مو نوری

مو نوری عطا کنند و چون یتیم گریه کند عرش خدا بر خود بلرزد و پس خدای تعالی فرماید
کیست که این بنده مرا که در کوچکی پدر و مادرش را از و گرفتم بگریاند بعزت و جلال و ارتفاع
مکان خودم که هر مومن که او را تسلی دهد بهشت بر او واجب گردانم

فصل نهم در

در هدیه برای میت و اعمالیکه باو نفع رساند مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هیچ شب بر میت سخت تر از شب اول نیست رحم کنید بر او و اگر صدقه نشود
دو رکعت نماز گذارید در رکعت اول بعد از حمد آیة الکرسی یکمرتبه و در رکعت دویم بعد از حمد
ده مرتبه انا انزلناه فی لیلة القدر بخوانید و بعد از سلام سجده بگوید اللهم صل علی
محمد و آل محمد وابعث ثوابهما الی فلان ابن فلان که همان ساعت خدای
تعالی هزار ملک بقبر او بفرستد هر کدام با حله از بهشت و قبرش را وسیع گردانند
تا روز قیامت برای کسیکه این نماز را گذارد ده چهل درجه بلند کند بعدد هر چه آفتاب
بر او تابیده حسنات عطا فرماید و هر کس بقصد میت تصدق کند خدای تعالی امر نماید
که هزار ملک هر یک طبقی از نور در دست بقبر او در آیند و بر او سلام کنند و گویند این
هدیه فلانست که برای تو فرستاده و آن کس را در بهشت هزار شهر و هزار حوری و
هزار حله عطا فرماید و هزار حسنه برای او آرد و هر کس برای میت عمل خیر مثل نماز و روزه و حج
و طواف و زیارت و صدقه و دعا و عتق رقبه و تلاوت قرآن و غیر آن هدیه کند
هر وقت باشد حق تعالی اجر او را در برابر یا بیشتر مضاعف گرداند و میت را نفع رساند
و عذابش تخفیف دهد اگر چه کافر باشد و گاه باشد که میت در تنگنای عذابی باشد
که خدای تعالی او را از آن نجات دهد و با او گویند که این نجاتیست که هدیه فلانست

وبیت از هدیه و دعا و استغفار که برایش کنند خوشحال شود و چند کس را که همه مومنان را در یکنماز

یا حج یا عمره ان شریک توان کرد بهر کدام ثواب آن عمل علیحده رسد و بیت خود هر عمل خیر که در ایام حیوة

کرده باشد مثل تصنیفی و صدقه و کتابت مصحفی یا کتابتی یا درختی نشانده یا چاهی آبی بکنده

یا کسی را تعلیمی چیزی یا هدایت و دلالت بخیری یا غیر آن از اعمال خیری بکند تا اثر

از آن باقی باشد نفعش باو رسد هر کس تعلیم و دلالت او عمل کند مثل آن ثواب برای آن

ثابت باشد بی آنکه از صاحب عمل چیزی کم شود و نیز مرویست که از جمله حقوق مومن است که بعد از

موتش ذکرش بخیر کنند و عیوب سیاتش را پوشیده دارند و نیز مرویست که از … مومن

احسان است که بعد از موت برایش گویند از خیرات خیر … **فصل دهم** در زیارت قبور

مرویست از اهلبیت طاهرین علیهم السلام که بزیارت قبور روید که باعث رقت قلب …

چشم و یاد آخرت است و چون کسی بزیارت قبور رود و اهل قبور خبردار شوند و با او انس

گیرند و شکفته و مسرور شوند چنانکه در زندگی بدیدنش روند و چون از آنجا برود دلشان از او وحشت

رو دهد و مفارقت … کند و هر کس زیارت قبر والدین یا یکی از ایشان در روز جمعه کند

ثواب یک حج برایش نویسند و بعد از زیارت دعای والدین چنانکه گذاشته باشد

بخواهد انشاء الله مستجاب شود و چون خواهد برای اهل مقابر سلام کند بگوید السلام علی

اهل الدیار من المؤمنین والمسلمین رحم الله المستقدمین

والمستأخرین وانا ان شاء الله بکم لاحقون و چون ایشان را دعا

کند بگوید اللهم جاف الارض عن جنوبهم وصاعد الیک ارواحهم

ولقهم منک رضوانا واسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم

وتونس

وتونس به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر و اگر

خواهد بگوید اللهم ارحم غربتهم وصل وحدتهم وآنس وحشتهم

وآمن روعتهم واسکن الیهم من رحمتک ما یستغنون بها

عن رحمة من سواک والحقهم بمن کانوا یتولونه و نیز مرویست

که هر کس برای اهل مقابر چنین سلام کند و بگوید السلام علی اهل لا اله

الا الله من اهل لا اله الا الله یا اهل لا اله الا الله

کیف وجدتم قول لا اله الا الله من لا اله الا الله

یا لا اله الا الله بحق لا اله الا الله اغفر لمن قال لا

اله الا الله واحشرنا فی زمرة من قال لا اله الا الله محمد

رسول الله خدای تعالی او را ثواب عبادت پنجاه ساله عطا فرماید و پنجاه

ساله سیئات او را محو فرماید مع والدین او و را عفو فرماید هر کس داخل مقبره شود

بگوید اللهم رب هذه الارواح الفانیة والاجساد البالیة

والعظام النخرة التی خرجت من الدنیا وهی بک مؤمنة

ادخل علیهم روحا منک وسلاما منی بعد و هر کس از زمان آدم

تا روز قیامت برایش حسنات نویسند و هر کس در مقبره مسلمین یک آیه از قرآن بخواند

خدای تعالی ثواب هشتاد نبی باو عطا فرماید و هر کس برای اموات از خدا طلب رحمت کند از آتش

جهنم نجات یابد و خندان داخل بهشت شود و اگر در مقبره سوره یس بخواند بعدد اهل آن

مقبره برایش ثواب نویسند و عذاب از آن مقبره تخفیف دهند و اگر آیة الکرسی بخواند

ثوابش باهل قبور هدیه کند بعد از ایشان هر حرف از آن ملکی برای او تسبیح کند تا
روز قیامت اگر یازده مرتبه قل هو الله احد بخواند و ثوابش را باهل مقبره هدیه کند بعدد
ایشان ثواب حسنات یابد و اگر دست بر قبر بگذارد و هفت مرتبه انا انزلناه
بخواند از فزع اکبر ایمن باشد و با او صاحب قبر هم از این باشد و آمرزیده شوند
و خدای تعالی ملکی را فرستد که در پیش قبر عبادت کند و ثوابش برای صاحب قبر
نوشته شود و چون از قبر بیرون آید بر هیچ خوفی و هولی نکند مگر آنکه خدای
تعالی آنرا ازاو دفع کند تا آنکه داخل بهشت شود مرویست از حضرت پیغمبر صلعم
که فرمود اگر کسی اخگر آتش بنشیند و جامه اش بسوزد تا آتش بیدنش رسد دوست
تر دارم که بر سر قبر بنشیند اما بر سر قبور راه رفتن و پا گذاشتن مضایقه ندارد مرویست که
چون داخل مقبره شوید بر قبور پا بگذارید اگر صاحب قبر مؤمن است راحت یابد و اگر ظالم
باید آزار یابد تا ظاهر است که قبور اکابر و والدین و علما را رعایت ادب باید نمود مرویست که
حرمت مؤمن بعد از مردن مثل حرمت حیات است **خاتمه در مواعظ** و نصایح و فواید
متفرقه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که فرمود حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله در شب معراج از جناب الهی سوال نمودم که خدایا کدام عمل در پیش تو افضل است
فرمود یا احمد هیچ چیز نیست فضل در پیش من بهتر از توکل و رضا بقسمت من یا احمد
واجب است محبت من جمعی را که در طاعت من با هم دوستی کنند و در معصیت من
از هم دوری نمایند و بر من توکل کنند و محبت من علت و غایت و نهایت
ندارد برای دوستان خود هر علم عزت و قرب که در پیش خود بلند کنم بازای آن
درپیش

خاتمه در مواعظ

درپیش خلق نصب کردم ایشان جمعی که حاجات خود را نزد مخلوقین نبرند و بطون
شان از حلال خفیف و لذت نعیم شان در دنیا ذکر و محبت و رضای من یا احمد
اگر خواهی اورع ناس باشی در دنیا زاهد و باخرت راغب باش گفت خدایا در دنیا چگونه
زاهد و باخرت چون راغب باشم فرمود کم خور از طعام و شراب و لباس سبکبار دار
و دل بجمع ذخیره دنیا مدار و از ذکر دنیا و من غافل مباش گفت دوام ذکر را چون تحصیل
کنم فرمود بخلوت از ناس و بغض ترش و شیرین دنیا و فراغ شکم و مشاغل دنیا یا احمد بپرهیز
از آنکه مانند اطفال سرخ و زرد که بینی میل کنی و هر ترش و شیرین که یابی فریفته شوی
گفت خدایا بعملی دلالت فرما که بتو نزدیک شوم فرمود شب را بنماز دار و روز را بجوع
آر یا احمد بعزت و جلال خودم که هیچ کس برای من ضامن چهار چیز نشود مگر آنکه
اهل بهشتش کنم زبانش را از بیفایده گوئی و دلش را از خیالهای بد بند و بداند که من احوال
او را می بینم و میدانم که روشنی چشمش بجوع باشد اگر لذت و حلاوت گرسنگی
و خاموشی خلوت و نتیجه آن را دریابی هیچ چیز را بر آن اختیار نکنی گفت نتیجه اینها چیست
فرمود معرفت و حکمت و حفظ دل از خیالهای باطل و نزدیکی بخدا و زهد در دنیا و خوف
دایم و خفت مؤنت و کلام حق یا احمد میدانی چه وقت بنده بمن نزدیک میشود
گفت نه فرمود وقتی که گرسنه یا در سجده باشد یا احمد عجب دارم از کسی که
در نماز میداند که در پیش کی ایستاده و باکی در مناجات و با این حال خواب
آلوده میباشد و کسی که قوت یکروزه را دارد و فکر فردا میکند یا احمد در بهشت
قصریست از لؤلؤ که هیچ مفصلی ندارد و خواص بندگان من در آن باشند هر روز

خود میندیشند نه در نعمت شکور و نه در شدت صبور خود را نه ناکرده ستایند و کمالی که
ندارند دعوی میکنند و عیوب ناس گویند یا احمد اهل دنیا بسیارست اهل جهل و حماقت
و صاحب تکبر و ضلالت در پیش مردم عقلا و در پیش عارفین جهلا یا احمد اهل آخرت
روی شان تنک و حیای بسیار و حمق کم و مکرشان قلیل و خیر و نفع شان کثیر مردم
از ایشان در راحت و ایشان از خود در تعب کلام شان سنجیده عقل و همیشه در
محاسبه نفس چشم شان گریان و بذکر خدا در کار وقتی که مردم را از غافلان نویسند
در اول نعمت حمد شیوه و در آخر شکر پیشه و دعای شان در پیش خدا مرفوع و کلام شان
محبوب و مسموع و ملائکه با ایشان خوشنود و با نعم دگر خدا از ایشان مفقود و علما را
بملاطفت پیروی کنند و جهال را بمرحمت هدایت نمایند موت هر کس یکمرتبه باشد و ایشان را
از شدت مجاهده نفس و مخالفت هوس روزی هفتاد مرتبه میمیرند از ضعف و ناتوانی بهر بادی
بلرزند و در وقت عبادت چون ستون محکم باشند خالی از هر شغلی غیر خدا بعزت و جلال
خودم که چون روحش از بدن مفارقت کند بزندگی خوش زنده اش کنم و ملک موت را بر او
مسلط نکنم بلکه خود متولی قبض روحش شوم و درهای آسمان را برای روحش بگشایم و حجابها
را از پیش خود دور بردارم و بهشتها را امر فرمایم تا زینت کنند و حور العین را تا برای
تماشا شوند و ملائکه تا بر ایشان صلوات فرستند و درختان را تا بیارایند و میوه‌ها را تا
خود را بیاویزند و بادی از بادهای زیر عرش را فرمایم که کوههای مشک و کافور را برای ایشان
بخور کنند و درمیان فرود آن روح هیچ حایلی و مانعی نباشد و از روی ملاطفت و اکرام
و مرحمت رضوان را به پیش خود خوانم ای کاش می‌بینی که ملائکه چون او را دست بدست گردانند

هفتاد مرتبه بر ایشان نظر میکنم و تکلم نمایند در هر نظر هفتاد برابر پادشاهی و قرب
ایشان بیفزایم وقتی که اهل جنت بطعام و شراب ملتذ و متنعم باشند ایشان محو
لذت ذکر و همزبانی من باشند فرمود آنانند که زبان از فضول کلام و شکم از
فضول طعام بسته اند یا احمد محبت با خدا محبت فقراست و نزدیکی با ایشان گفت
فقرا کیانند فرمود آنانکه از دنیا بقلیل راضی باشند در نعمت شکور و در شدت صبور
باشند و با کسی شکایت نکنند و دروغ نگویند و بدنیا فرحناک و بفقدان آن غمناک
نشوند یا احمد دوستی با فقراست اگر خواهی بمن نزدیک شوی ایشان را بخود نزدیک کن
و اگر خواهی از من دور باشی ایشان را از خود دور گردان که ایشان دوستان منند
یا احمد خود را بلباسهای نازک و طعامهای لذیذ و نشاطهای نرم میارای که
نفس ماوای هر شر و رفیق هر بدیست اگرش بطاعت میخوانی ترا بمعصیت میخواند در طاعت
مخالفت و در معصیت موافقت میکند اگر گرسنه شود شکوه کند و اگر سیر شود سرکشی از سر
گیرد و اگر فقیر شود غضبناک شود و اگر مستغنی شود از حوادث ایمن گردد و از خدا غافل شود
نفس قرین شیطانست نفس مثل شتر مرغ است بسیار میخورد و بار کم بر میدارد و مثل و طلعت
رنگش خوش آینده و طعمش تلخست یا احمد دنیا را دشمن و آخرت را دوست دار گفت
خدایا ایشان کیستند فرمود اهل دنیا کسیست که غضب و خوردن و خنده و خفتنش
بسیار باشد و بقسمت خود راضی نشود و چون با کسی بد کند عذرخواهی نکند و چون کسی از او
عذر خواهد قبول نکند در طاعت کاهل و ناتوان و در معصیت دلیر و توانا املش طویل اجلش قریب
محاسبه نفس خود نکند و منفعت کم میکند قلیل العلم کثیر الکلام بر عاقبت خود نترسند و از اجل
حضر نهاند

برست سیر کرده اند یا احمد اهل آخرت را طعام گوارا نباشد تا خدای خود را شناخته اند
و از صحبت محزون نشوند تا شیاطین خوشنود داشته اند و همیشه بر گناهان خود گریان باشند و از عبادات
فرصت استراحت نیابند دل ایشان را در دنیا راحتی نبود و چون بر راحتی رسند سوزش ایشان اشک
چشم شان است که در شبها بر روی شان روان شود و هم نشین ملائکه باشند دائم زبان
شان خدا را ذکر کنان است دل شان در سینه از غایت حزن و اندوه و الم مجروح همیشه
فرشته آخرت یا احمد میدانی که زاهدان در پیش من چه رتبه دارند گفت نه فرمود در قیامت
که خلایق همه گرفتار باشند ایشان از آن ایمن باشند و کمترین عطیه که با ایشان عطا کنم آنست
که کلید های بهشت همه را با ایشان دهم تا از هر در که خواهند درون روند و ایشان را در
مقام خوشی در پیش خود نشانم و انواع لذت از مکالمه خود با ایشان عطا کنم و چهار در بر ایشان
بگشایم یکی آنکه هدیه و کرامات و عطایا از پیش من داخل شوند یکی آنکه هر وقت خواهند بی مشقت
و تعب تماشای من کنند و یکی آنکه تماشای مخالفین و ظالمین کنند در جهنم که چون بانواع عذاب
معذب شوند و یکی آنکه حور العین و خدام بر ایشان داخل شوند گفت خدایا این کیانند فرمود آنانکه دل بسته اند
نجات نه بجز آتش عشق این و نه بفرزندی که از سوزش محزون گردند و نه بمالی که از رفتنش مهموم باشند و نه بکسی گشته اند
که یک لمحه ایشان را مانع شود از خدا و نه زیاده توقع دارند که از ایشان سؤال کنند و نه بجامه نازکی فاخر
که بپوشند یا احمد روی زاهدان زرد است از تعب عبادت شب و روزه روز زرد و زبان شان گنگ است
بکر در ذکر خدا دلهای شان در سینه از کثرت مخالفت آرزوها پاره پاره و بدن شان از کثرت مجاهده گفت
آرزوها پاره پاره و بدن شان از کثرت مجاهده لاغر و نزار و در کمال سعی در عبادت بی آرام و بی قرار
و لیکن نه از شوق جنت و نه از خوف نار بلکه چون خدا را شناخته و اهل عبادت یافته بقرار عبادت گشته اند
گفت خدایا

گفت خدایا از امت من کسی این رتبه عطا فرمودی فرمود یا احمد این درجه اولیا و صدیقان است
از امت تو و غیر امت تو گفت خدایا زهاد کدام امت بیشترند فرمود زهاد بنی اسرائیل در میان زهاد امت
تو مثل یک موی سیاه است در گاو سفید حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود بعد از آن خدا را حمد و شکر بسیار گفتم
و ایشان را دعا نمودم گفتم خدایا بر ایشان رحم کن و ایشان و دین ایشان که بر ایشان راضی گشته
حفظ کن و ایشان ایمانی عطا نما که بعد از آن شک نکنند و ورعی که بعد از آن بدنیا رغبت نکنند و خوفی
که بعد از آن غافل نشوند و علمی که بعد از آن جاهل نگشته باشند و عقلی که بعد از آن از حق ایمن باشند
و نزدیکی بعد از آن دوری نبینند و خشوعی که قساوت در عقبش نباشد و تذکری که نسیانی
در پی نبود و عزتی که بعد از آن خواری نبینند و صبری که بعد از آن جزع نکنند و حلمی که بهیجان
نشوند و دل شان را مملو حیا گردان تا همیشه از تو حیا کنند و ایشان را با آفات دنیا
و آفات نفس خود و وساوس شیطان بینا گردان تا از فتنه آن ایمن باشند بعد از آن فرمود
یا احمد از ملازمت ورع غافل مباش که اول و میان و آخر دین ورع است ورع زینت مؤمن
و عماد دین است ورع مثل کشتی است چنانکه از دریا بی کشتی نتوان گذشت همچنین بی
ورع از دنیا نتوان نجات یافت یا احمد بورع همه درهای توفیق بر بنده گشوده میشود ورع در پیش مردم
کرم و در پیش خدا عزیز و معزز گرداند یا احمد خموشی پیشه کن که معمورترین دلها دل صالحان و خاموشان و
خراب ترین دلها دل بیهوده گویان است یا احمد عبادت ده جزو است نه جزو طلب
حلال است اگر مطعم و مشرب خود را از حرام پاک کنی در حفظ و پناه من باشی گفت خدایا اول عبادت
چیست فرمود اول عبادت روزه و خموشی است یا احمد میدانی نتیجه روزه چیست گفت نه فرمود که کم خوردن و کم گفتن و نتیجه
خموشی حکمت است و نتیجه حکمت معرفت و نتیجه معرفت یقین و چون بنده صاحب یقین شود پروا ندارد که صبح

وسست دنیا نکند چنین بشود از من و گروه من الصحی باشد و چون برضای من عمل کند سه صفت با او عطا
فرمایم شکری که مخلوط بجهل نباشد و ذکری که مخلوط به نسیان نباشد و محبتی که بر من غیر مرا اختیار نکند
چون مرا دوست دارد من او را دوست دارم و خلق را دوست او گردانم چشم دلش بعظمت جلال
خود گشایم پس علم خاص خلق خود را از وی پوشیده ندارم و در شب در روز همراز او باشم تا آنکه صحبت
و مجالستش از غیر من قطع شود و کلام خود و کلام ملائکه خود با او بشنوانم و سر خود را از خلق پنهان داشتم
باو بشناسانم و لباس حیا در او پوشانم تا خلق از او حیا کنند و گناهانش را بیامرزم و دلش را خزینه اسرار
خود کنم و پرده از احوال بهشت و دوزخ و از اهوال روز قیامت برای او بردارم تا همه مشاهده
کند و ترسش را مستور گردانم و از شدت و ظلمت قبر و لحد و هول قیامت نبیند و بعض میزان و نشر دیوان
برایش کنم بعد از آن گاهی بیافشد و کارهی بر نیچرد تا آنکه از صراط بگذرد و ملک این بنده را بالاتر از آسمان
ملوک گردانم و بهشت و نعیم بهشت را برای او مهیا گردانم و بعقلش استغراق معرفت خود گردانم
و چون ملک موت بر او نازل شود گوید خوشت باد که خدای عز و جل مشتاق است ای دوست خدا در
های آسمان که از آن بالا میرفت و محراب و مصلای تو همه بر تو گریه میکنند و ملائکه بر سرش ایستاده
باشند هر یک جامی از شراب بهشت در دست چون روحش از بدن روان آید از آن آب و شراب باو دهند
تا سکرات موت و تلخی موت زایل شود و مژده آتش دهند پس از دست ملائکه پرواز کند و پیش خدا رود
دیگر از چشم زدن میان او و خدا هیچ حجابی و مانعی نباشد پس جانب راست عرش نشیند پس خدای تعالی
از او سؤال کند که دنیا را چون گذاشتی بود بعزت و جلال تو که از پس خوف تردد داشتم که از دنیا هیچ خبر نداشتم
پس خدای تعالی فرماید راست میگوید اگرچه بدنت در دنیا بود اما روحت همیشه با من بود و من از ظاهر
و باطنت خبر دارم هرچه خواهی سؤال کن تا عطا کنم در جوار من ساکن باش و در جنت من بخرام پس آن
روح گوید

روح گوید که معرفت خداوند بمن عطا فرمودی که با آن از همه چیز مستغنی شدم بعزت و جلال
تو که اگر مرا بند بند جدا میکردم با ابتلا مرتبه میکشتند و بسخت ترین انجا کشتن که رضای
تو پیش من از همه چیز بهتر بود و من چون بجو و مغز در باشم که هرچه دارم از تو دارم اگر اکرام
نمیکردی ذلیل می بودم و اگر تو مرا نمی پوشیدی اول مرتبه که معصیت کردم رسوا گشتم چون
رضای تو نخواهم که عقل مرا تمام کردی تا ترا شناختم و حق از باطل دانستم و امر از نهی و علم از جهل
و نور از ظلمت تمیز کردم پس خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که میان من و تو هیچ حجابی
نباشد تا هر وقت خواهی پیش من آئی و با دوستان خود چنین خواهم کرد یا احمد میدانی کدام
زندگی گوارا تر و کدام حیوة باقی تر است گفت خدایا نمیدانم فرمود اول زندگی گوارا آنست که صاحبش از
ذکر من باز نشود و نعمت مرا فراموش نکند و از حق غافل نگردد و حق مرا بشناسد و شب و روز
طالب رضای من باشد و اما حیات باقی کسی دارد که طاعت من کند تا دنیا در نظرش ذلیل شود
و آخرت عظیم گردد و خواهش مرا بر خواهش خود اختیار کند و پیروی رضای من نماید و مرا چنانکه
حق تعظیم منست تعظیم کند و بداند که من از و غافل نیستم و شب و روز مرا در نظر داشته باشد
تا از معصیت من گریزان باشد و دلش از صفات ذمیمه و خیالهای باطل پاک کند تا شیطان
را دشمن دارد و اطاعتش نکند چون باین طریق عمل نماید دلش را از محبت خود برگزیده کنم
تا هیچ را بر من اختیار نکند هرچه کند گوید برای من کند و چشم و گوش و دلش را بگشایم تا به چشم دل جلال
و عظمت مرا ببیند و گوش دل او اسرار از من بشنود و دنیا را برو تنگ گردانم و لذت دنیا را از
دلش بیرون کنم و از دنیا و مافیهای او بترسانم چنانکه شبان گله را از مهلکها و مواضع گرگ میرساند
و چون چنین شود از مردان گریزان گردد و از دنیا بر طرف که خانهٔ شیطانست دل بردارد

فرشتها افروخته که خانه رحمن است شود و بعظمت او همت او را زینت کند همچنان که گوار او حیوة باقی یا احمد

کسیکه عقل او زیرد او را دینی نیست و کسیکه دینی ندارد هیچ خیر نیست یا احمد میدانی برای چه ترا افضل از سایر انبیا کردم

گفتم نمیدانم فرمود بسبب یقین و حسن خلق و سخاوت و رحم بر خلق و همچنین مومنانی که دنیا با ایشان محکم است

باین صفات این رتبه یافته اند یا احمد فعل و قول را برای من کن و دست را متواضع گردان تا هرگز از من

غافل نشوی که هر کس از من غافل شود از و پروا نکنم هر جا که هلاک شود یا احمد عقلت را چنان که از دست

رفته کار فرمائی که هر کس عقلش را کار فرماید خطا نکند و بعلمی که ترا عطا کردم عمل نمائی تا علم اولین و آخرین برای

تو جمع شود و چون چنین کنی القدر معرفت در دلت اندازم که هیچ وصف نتواند و بهر راه خیر ترا هدایت کنم

و فوت عبادت دهم و عبادت را در چشم و دل شیرین گردانم تا هیچ چیز را از آن دوست تر ندارد یا احمد اگر

خواهی حلاوت ایمان دریابی گرسنگی را پیشه خود و خموشی را شیوه زبان و خوف را ملازم دل گردان اگر چنین

کنی نجات یابی و گرنه هلاک شوی یا احمد بعزت و جلال خود که اول عبادت عابدان و توبه ایشان و تقرب

شان بمن جنت گرسنگی و خموشی نهاد از اهل دنیا و اول معصیت سیری و بسیار خورد و گفتن

و اختلاط اهل دنیا یا احمد چون بنده گرسنگی و خموشی پیشه کند حکمت او را عطا کنم اگر چه کافر باشد آن حکمت او را

حجت باشد و وبال شود و اگر مومن باشد نور و برهان و شفا و رحمت شود پس آنچه بیند عیوب خود بیش

باشد تا بآن مشغول شود و از عیوب مردم فارغ گردد و در دقایق علم و حیلهای شیطان و

حیلهای نفس خود شناسا کنم تا نفس و شیطان را بر او راهی نباشد یا احمد هیچ عبادتی نزد من بهتر از

گرسنگی و خموشی نیست پس کسی از ره کرد و زبان از نهبود و در گرو بند دو مثل کسیست که نماز ایستد

و قرائت نکند یا احمد میدانی چه وقت عابد بابشه گفت نمیدانم فرمود وقتیست که همت حفظ او باشد

ورعی که او را از حرام باز دارد و خوفی که او از بر در کریمش زیاده شود و حیایکه در خلوت از من حیا کند

وکم خوا

وکم خواری که بقدر ضرورت خورد و دنیا را دشمن دارد و خوبان را دوست دارد که من

ایشان را دوست میدارم مادر سلیمان ابن داود بسلیمان گفت که ای فرزند خواب کم کن

که هر کس خواب کم کند محتاج شود در روزیکه هر کس بعمل خود شود و یا این جندب شیطان را دامها است

که مردم را بآن فریب دهد و گمراه کند از آنها پرهیز کنید و خود را در دام میارید گفت یا ابن رسول الله

آن کدام است فرمود یکی آنکه منع بر احسان بمومنان کند دیگر آنکه صلوة و فرایض غافل کرد اند هیچ

عبادتی مثل نقل اقدام باحسان برادران و زیارت ایشان نیست وای بر جمعی که نمازها

را فراموش کنند و در شان آن مساهله نماید تا از اوقات خود بگذرد و حدود واحکامش ضایع

شود و بکر با آیات و احکام خدا استهزا کند و از موعظه و نصایح رو بر و اعراض نماید که خدای تعالی

در قرآن فرموده که در آخرت ایشان را نصیبی نباشد و با ایشان سخن نمیگویم و از نظر پاک نگردانم

و بعذاب الیم معذب گردانم یا ابن جندب هر کس با مومن غش ورزد و تجسس کند و با او عداوت

نماید ماوای ایشان جهنم باشد و هر کس با مومن حسد برد ایمان در دلش چنان نمک در آب بگدازد

یا ابن جندب هر کس از برای حاجت مومن سعی کند چنان است که در برابر واحد در خون خود

غلطیده باشد چه در تعالی هیچ امتی را عذاب نکرده مگر وقتی که حقوق فقرا استهانت کرده اند

یا ابن جندب شیعیان ما برسان و بگو که خیالهای باطل مکنید والله که بولایت ما دست رس

نباشد مگر بورع و عبادت و مواسات اخوان مومنان و شیعه ما نیست کسی که بر مردم ظلم

کند یا ابن جندب شیعیان ما را چند صفت است خشنت سخا و بذل باخوان و فرایض و نوافل

شبانه روز شیعیان ما مثل زاری نکنند و مثل کلاغ طامع نباشند و با اعدای ما تملق و از

ایشان سوال نکنند اگر چه از گرسنگی بمیرند و محافظت وقت زوال کنند و هر که مسکین باشند

گفت ایشان را که جویم فرمود در گوشه‌ها و کنارها چون داخل شهر شوی بنام ایشان از مردم کناره
که مردم از و کناره کنند که یابی او مؤمن باشد یا ابن جندب هر گناه آمرزیده شود مگر عقوق اهل بیت
ما و هر بر بی مقبول نشود مگر آنکه بر سبیل ریا و سروری کنند یا ابن جندب اگر خواهی در فردوس
همسایه ابراهیم خلیل باشی پس مصیبات دنیا را بر خود آسان کن و همیشه مرگ را در نظر داری و آنقدر بر
دنیا بیچ قدر با اعتماد و باشی که برای فردا ذخیره نکنی و بدانکه از مال دنیا هر چه پرستی مال تو باشد
و هر چه نگذاری برای جماعت بری یا ابن جندب هر کس خود را از مال خود محروم کند برای دیگران
جمع کرده باشد و هر کس پیروی هوا کند اطاعت دشمن خود کرده باشد و هر کس اعتماد بخدا کند دنیا و آخرتش
را با مان رسانیده در نعمت شکر کن و در مشقت صبور باش نعمت ترا موجب غفلت و بلیه
موجب جزع نشود و آنقدر امید رحمت خدا دار که بسبب اعتماد بر آن معصیت نکنی و آنقدر نیز
خوف از عقاب دار که از رحمت ناامید شوی درشت و ناخوش مباش که ذلیل و خفیف شوی با
پیش از خود بدی جز خلوت و باکمتر از خود سخریه و استهزا مکن و با مردم در کارها منازعه منمای
و مطیع سفها مباش و خود را در پیش چشم هر کس خفیف مگردان و در کارها تامل کن و خیر و شر را تمیز
نما تا در آن در نمانی و پشیمان نشوی طبیب نفس خود باش و خیر و شر خود شناس و اگر کسی احسانی
بکثرت ذکر و منت باطل مکن بلکه بهتر از آن با آن ضم کن و خوشی پیشه کن که اگر عالمی از منت
باشد و اگر جاهلی پرده غیبت نموده یا ابن جندب عیسی ابن مریم با اصحاب خود گفت اگر شما یکدیگر را
ببینید که جامه از بعضی عورتش گشوده آیا همه سویش را بگشایند یا گشوده را بپوشید گفتند همه را بپوشیم
فرمود نه بلکه همه را بگشایید عیوب یکدیگر را میبینید و نمی‌پوشید تا ترک شهوات نکنید آنچه
میخواهید نیابید و تا صبر بر مکاره ننمائید بآنچه میخواهید نرسید چشم از مردم در زینت ایشان
بپوشید

بپوشید همیشه حاصل آن حسرت و تعلقش دراز است مثل مالکان نظر بعیوب مردم مکنید
بلکه مثل بندگان مشغول عیوب خود باشید مردم دو قسمند مبتلی و معافی بر مبتلا رحم کنید
و بر معافیت شکر کنید یا ابن جندب چون تصدق دهی علانیه مده که مردم ترا مدح کنند
و اگر چنین کنی اجر خود رسیده باشی بلکه اگر با دست راست دهی که دست چپ را خبر نباشد یا ابن
جندب خیر و شر همه در پیش روی تست تمام خیر در بهشت است و تمام شر در دوزخ که هر دو باقی
است یا ابن جندب خدای تعالی در بعضی وحیها فرموده که نماز کسی را قبول کنم در پیش
عظمت من تواضع کند و خود را برای من از شهوات باز دارد و روز خود را بیاد من
گذراند و بر خلق من تکبر نکند و گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت زده رحم کند و غریب
بنوازد و کسیکه چنین باشد نورش مثل نور آفتاب تابان باشد در ظلمت نورش دهم
و در جهالت عقلش عطا کنم ملائکه اش بسپارم و بعزت محافظتش کنم چون مرا طلبد
لبیک گویم و چون سئوال کند عطا کنم و چنین بنده در پیش من مثل فردوس است
که میوه اش از آفات مصون و از تغییر محفوظ است یا ابن جندب روز قیامت میان
اولیا و اعدای ما دیواری نصب کنند مخوف بحریر و زبرجد و بزیر آن بدیها و سنگها چون
چون از طول موقف و حرارت قیامت مغز دماغها بجوش آید و دلها بر آید و
جگرها چشته شود اولیا را داخل آن حصار کنند و در امن و امان باشند و هر چه آرزو
کنند برای شان مهیا باشد و اعدا العقوبت عظیم و عذاب الیم گرفتار باشند
و از روی حسرت گویند که بینداینکه ما ایشان را از اهل نیستیم و اولیا بر ایشان نگرند بر حال
شان خنده کنند هر کس یکی از اولیای ما را بکلمه اهانت کند در آن روز در حساب بهشت

روند ان شاء الله تعالی تمت الرسالة المبارکة الموسوم بجمال الصالحین یوم الاحد خامس

شهر ربیع الاول سنه هزار و بیست و پنجاه و چهار اللهم اغفر لمؤلفها و کاتبها و من عمل بها

ولجمیع المؤمنین والمؤمنات بعزتک وجلالک و بنبیک واله علی ید اضعف

عباد الله الغنی محمد طاهر ابن سلیمان ابرسوئی جمال الصالحین الحمد لله کتاب

خوش کهر لفظش بود آئینه صورتهای عرفان عبارتش اگرچه اندک اما یک یک لفظش خجل دارد ز

عمان سطورش از اهل ایمان دلربا چون زلف خوبان است نقطش خال

میز سپید جمال شاهد جان چه گویش جلد صحاف قدر سپهر مینا بگیفت قضا شیرازه کرد لذ

نو دیگر اوراق ایمان گرامی نسخه اش از بسکه چون جان است خاطرخواه بجای دل کنم در سینه

ورایم اهل القان چو شد تالیف این مجموعه در بحر افکار دل پی تاریخ شد غواص

تا یابد نکو آن شنیده از منصف شوق تاریخش چنین می گفت جمال الصالحین

مجموعه شد از آداب ایمان تمت الحمد لله رب العالمین ۱۰۵۴

ج م ا ل ا ل ص ا ل ح ی ن م ج م و ع ه و ش د ا د ا ب ا ی م ا ن

۳ ۴۰ ۱ ۳۰ ۱ ۳۰ ۹۰ ۱ ۳۰ ۸ ۱۰ ۵۰ ۴۰ ۳ ۴۰ ۶ ۷۰ ۵ ۶ ۳۰۰ ۴ ۱ ۴ ۱ ۲ ۱ ۱۰ ۴۰ ۱ ۵۰

۱۰۴۴